

تذکرہ حسن چلی

374

Tezkere

Hasan Çelbi





سرنامه صحیفه ان ذره تذکره که مفتاح خزاین تبصره و فهرست نسخه سعاد
 ابدی که در بیاجه کرامت سرمدی در حمد و سپاس و شکر نی فیاض خالق لجن
 والناس متکلم کلام اعجاز اساس در که ربه شعری مآوی و مقام سحر
 افرینان شعرا را کلام بی عدیل و فرینده که ماصدق و اثرها تذکره متفیان
 الشعرا تبعهم الغا و ن کلام بیله است و ادنی فتمت یکن شنیای کرامت مغر
 الا الذین امنوا و عملوا الصالحات ایلک یلیند بال ایلدی **بیت منش**
 حال شعری حق بیان اتمشدر استثنایه شانی اثبات ابد رساک بر ایلدی
نثر و جوامع زو امر ستایش که خزانه لغز و صند و قد صاده کنجالت طلوع
 اول مبدع معانی بدیع الشان الدی خلق الان و علمه البیان جنابیه شایسته
 و ر وادر که خلعت اعجاز معطر از دن غبار احتمال شعری و ما هو یقول شاعر
 مقالی ایلد از اله معیاض نقیض کلام بلاغت نظامه حشره میم و ما علمناه شعر
 و ما نیقی له دن مانفی اساله انیمکله درجات شعرا بی منیع و اعلی ایلدی

قطعه

بایه شغیه بن که چون زبانی نفی لغت بمیری کردند
 بهر نصیح نسبت قرآن نهامت او لبشاعری کردند
نثر زهی فیاض و وارث عوارف موداب خلع و شرافت که معانی رنگین کلکین
 گلستان جان موفانده راجه ثنات معلا سیده بو یا ایدوب عند لیب
 و بیل سان انسانی بستان سرای جهانده نوبه شکر نعمت و احسانی ایلدی

هرزبانی که

هرزبانی که نه ذکر تو کند کو یا نیست هر کوی که فکر تو بود کو یا نیست
 بر منشی بر کمال و مبدع لایزال در که و رفع بعضهم فوق بعض درجات
 فحواسی و زره درجات کلام جلالت مظهری که طراز قبا ی محامد و
 مآثر در نمایند تفاوت و اقدار اتمشدر که بعضنک کلام مانند اصوات
 حیوانات و بعضنک ادای و زمره می شمل انواع تشبیهات و استعارات
 تعالی الله که ما پیش بر کنش انسان کینی ایلدی باقل کینی ایلد جان
 و هو الخالق الباری المصور مقصص بنجه بد قدرت قاهره سی بر سکر نمای
 خانه ابداع در که هر روز سرای سیمایی رنگ کا فوری الله مصیقل
 و محلی ایدر و بر نقش کجای او ان مکتب و اختراع در که هر شب
 کاشانه سما و آیه شمعدان زرین و قنادیل شهب و پروین ایلد
 مزین و محلی ایلد بین کنار و ناکن بعد مفر زبان
 بهر ان کنار کری کو چنین کنار آراست
 بر صاعد که خامه نقش بند و کنار آرای قدر تله لوح موجوداته هر کو
 دلبر بر رسم و تحریر اتمشدر که هر ورق رومی و خطابی سنده نقاشان
 نگار خانه عقل و خرد و آله و جیهان در و بر مبدع که صحایف ایجاد
 مواد مخلوقات کلک ابداع و رقم اختراع علمه صور محمد ثانی نقشه تصویر
 اتمشدر که هر صوتیک خد و خالنده و هر سیکر زک و الذمه مهوران
 عالم مثال قلم خجندن باشکر نی اشاعه اید و دوات آساجیه ندر
 انوارین آجوب بر کار کبی زار و سرگردان اتمشدر
 چنان کاشت لوح وجود صورت خلق
 که خیره گشت در و دیدن اولوالابصار

بر مالک الملک ملک متعال در که اساطین کلاطین سر جودیت و نیاز فی جناب
چاره سازنده زمین سکنت و انک رده سوده ایتمنجه منشور اختیار و در لیغ
اقتدار لرے انی آتیکم سلطان بن عنوانه ایله معنون و مویش اولمز و اول
پادشاه لایزال و قهار لم یزل در که خواقین حشمت آیین بیشانی خضوع
و خوشو علی بنی ساهه عزت و عظمتند مالین قلمینجه تاج پراپتهاج تسلط
و حکومتند و لقد ملناکم فی الارض بواقیتی ایله مزین و مخرج اولمز و
پادشاهی که پادشاهانرا پادشاهی فیض بخش است سرفرازان و تاجدارانرا
کرد جان بطوق منت است بر لطیف در که لطف بی کران و احسان فراوانند
شهباز بند بر و از عقل جنت سرای عالم قدسک کنکره سن آشیانه و نادر
ایدوب طوطی شیرین زبان جانه شکرستان جهان انک نفس متدین مقام مشوب
ایک و پیاچه نویس دفتر عقل رخت فی بخش کوهر عقل پرکار زن جخط افلاک
بر مرکز تنک عوذه خاک کاشانه فرزند شبستان از مشعل نور صبحگاهان
بر حکیم و رزاق و کریم و در که پروردگار در که هر کچه نیچه ارزن بزمینی صحرای
بریند ناراید و هر صبح آینه بر خوس زربنده غدا ایلد و بر سلطان قهار در که هر شب
عساکر جوار ثوابت و سیار مقاومت سلطان نهاری چون صفدر آراسته انیمشکن
ظهور طلوعه حیات خورشید ایلد بر آنده جمله سن نابود و نابید ایدر
بنور مشعل افق عالمنا بکشت بد از رخ کیتی جناب ظلمات
غدا صبحی سن ابتدک منور مازلفینی سن قلدک معبر
جواهر سکند و بر دل نظامی یکم اندن بوله عالم انتظامی
عیون انجمه کل دجایه چکوب زین ایلدک وجه سماپ
سن اور دکنک چرخه زین زین سمناسمانه نفل سمین

اول حکیم خلاق پادشاهی مطلق در که مجموعه حدوث و امکانی غایب و عجایب
مخلوقات ایلد مرکب و ملمع ایدوب بیت القصیدت جوج کن فکانی جواهر و ابرار
واختر اعلمه جوه و مریض ایلدوب بر نظر رافت در حمله نیجه بیک در با صورتی کتم
عدم ایکن جلوه کر منصفه وجود ایدوب هر بر نبی وحدانیت ذات پر جودینه شهود
ایک و نور نور بر تو اولمه تجلے کرد بدید کشت از ان آفتاب نورانی
تعالی الله زهی قدرت که ذات واحدی ایکی حرفله اوج مولود و جاز عنصر و بیج اوقات
و شش جهات و هفت سیاره آسمان و هشت جنت جهان جاودان و نه فلک
و عقول عشره جلالی ایجاد اید و زهی حکمت باهره که ذباب حقیر رضا
فی شفاء للناس دار و سنی تجیه ایدوب بر کرم ضعیف کرمک لعابنده
نیاب سندس خضر و استبرق اسرارنی ایداع ایدوب آنی انواع تشریفات
و تکریمات مواد ایلدی و بالذات واحدی تو و اعداد کوثر نبود جز اختلاف ظهور
رخار وحدت تو جمالی دیگر گرفت در دین شده و زخا و خط و عدد
بر سن که ایکی حرفله سن ایلد ایجاد بیش وقت و بیدی نیم و طوق چرخ معلما
و بر جواد کریم که زلال صفا شوقنده نورسکان بوسان وجود و
سککان صوامع چرخ کبود آتش من جانب الطور نار بر و قنک لعانندنی
و وادی حیرته سرگردان و تیه طلب دنیا قی حبت وجوده مایم و حیران
اولو و احیین کم من نای غرق سخا بندن متعطر اولان شایب جمته
و حبیبنا الاما حبنا هر شمه سندن ظاهر و جبار اولان جویبار وجود و زرافته
منظر و عطشان اولمشدور و کثرت کجا آرا و پیکر بند عالم
صفا بخشنده کلزار آدم ملک فلکینی بحر کاف و نوندن
بدیدار ایلدک بطن کموندن دو عالم عکس مرآت وجودک

بسته

نومستند

جهان دلش نه انما جودك . خدا يا چونكه ساكنان خطه هاكل شرعي
 كم نفوس سلمات نقصان و حد نادن برني و حاك و كل بلكه و صمت لاغنه
 عوالم و جود ايله ساغري فلكر باني در . الوهيت باركاه منك مرح كبريائي
 جنبانده مقام طومق نه صدي در . و ايوان جلال اكملك بيان وصف
 انتهاك بانبه او ترقي نشاني در . بوبابده صد شينان صفه
 بنوت واصطفا . و سر بر آري مقام خلت و وفا اولدر نه از عجز و قصوره
 معترف . و اول جويها جلالت انار دن ابادي مذلت و انك بار ايله
 موقر اوله . بز مقوله خايلده كه جايهم و انام النذن سبه روي و نفس
 عالم و جذن بد فعل و بخوي اولوب باخم مثال در و نوني جايهم مملو و مش
 و انما معاصي و خطيئات اشكده حست و جاكلك . و فعل حسن و عمل مبرور
 قلمقن ضعيف و كسلانك مدام كوي هوا و موسس بولندن مملوب بركون سجده
 بولندن كلم . و هر بار سبوح مر جاني الدن قوموب ذكر و تسبيح بزداني
 النذن كظم **نشيئه** ر و سبه و محرم و عاصي منم . مركب جمله معاصي منم .
 هر كون ايشم ايمه در رنگ كاه . ايلمزين بر كننه بر كون آه .
 اولدي مدد و جملده عالم تناه . ساكه صفتم كرم ايت ايله
 درم خون و همم ستم رسيدن از . مطيع حكم امانني مسخر آمال
 بان كوه كران جنگم بر آه هدي . زبان كوي سبك كردم سر آه
 دايما جرم و عصيان . و موافقت نفس بر طغيان . شيوه و نيك انمشين
 و غبار معاصي بيشمار ايله آينه سينه سي رنگ طومقش اوله . اعتراف
 عجز و قصور دن و مزان اولمي نفايده فضول ايد و كي ريت و كان دكلدر
نشيئه چكلكه قاي و كل در حكمت انبيا . نجه انيسون يا اله بول بچاره با

در جهان
 در جهان
 در جهان

ضلال

چون قضايه و ابيات سخن . لالي حمد ياوشه ذالمن . ايله آراسته اوله
 ملايم و مناسب بلكه مهم و واجب اولدر كه جوامر زوامر صلوا . خواجه كاه
 ايله تحلي و پيراسته اوله **نشيئه** تاج حمد او كد چوشه سخنة حليه ذات
 زينت اولمي كر ك اول ناهه حلي صلوا . پسر صلوا صلوا . و حيات نجات
 اول سلطان رسل و دي گسيل امام الهدي شفيع الوري . افصح من بطن
 بالقضا . و اميد من ردت عيبن بكاره كل صلوا . نوز حديقه افرينش
 نوز ديد و عقل و بيش . رهنماي قافلده لارا نيبا . راه كشي سلاسل اوليا
 واسطه قلاد و رسالت . پيشواي صدر شينان صفه بنوت و جلالت
 اخيل انبيا و چند اصفيان فائده جيتش . بلب كلستان انا افصح العوب
 بيداني من قرش . طوطي شكرستان انا ستيد ولد آدم . عندليب
 كلزار انا افصح العوب . و العجب . خلوت كيرن . ما ارسلناك الا رحمة للعالمين
 مسند شين . كفت نبيا و آدم بين الما و الطين . رسول محبتي حضرت
محمد مصطفى صلي الله تعالي عليه و سلم جنبانده كه مطلع ديوان بنوت
 وصف كجا . و قطع داستان رسالت نخت كجا . او كونا ج بر استهياج
 بد غنت و بيا . اكليل جليل ان من البيان حقا . ايله مكلل . و توشن
 صعب القيا و لاغت و فضاحتي . حكيمه ان من كثر حكيمه . ايله منقار و مدلل
 ايله **نشيئه** اول رسول كيرن كه كلمكه . عالمه و يرد ي زيب و پيرايه
 آسمان دن تر ذل ايدن ايت . اولدي شوق قمر كهي آيه . قلاني شوق شوق مل
 پايه شوايردي شوايه . اول نر كس باغ . بازاغ البصر و ما طغي . و طوطي
 شكرستان . و ما ينطق عن الهوي . در كه ترين جليل رباني . و قران
 و افصح البرهان صمد . عمر فصاحت و عمر ملاغنه آسمان قدرت . و بارگاه

در جهان
 در جهان
 در جهان

حكمت

عظمی نازل و لوب شب ظلمت جهانی نورانی آید که فضیلت حکم لعل غلب
 دیوب قصاید سبوعه معلقه بی کعبه معظمه دن آید مشعر و بالآخره معارضه المکمل
 و الحاقی مقارعه بالرمح و السیف و دوزخ شرا میدی همانا قیامت اول فرقه
 پیرانک باشته فویشدی که سبوعه سیاره کر و اذ الکواکب انشئت
 مضمون او زره رده و کلمندی عیان جهانده بادبان بخت لیکن آخوب کید کر
 عظمت فرقان کریمی کوریک لیکنی آشوب فودیلر و بنزدگاه دورانده علم آخوب
 مهربی صاحب قرآن زمان پیر کر شکوت و هیبت قرآن عظیمی شهادت ایدیک
 علمین دورب دلالت تیغ مومنین الله دبار عده قحطه یوز طوندلر
 صدق تو بگو صبح بر آفاق روشنست در موفض معارضه از روی متجبر است
 بهر سواد مدحت و نعت خجاست ترکان چشم من قلم و کاغذ و دوات
 اول سلطان رسل در که عقل کل حقیقت کلیدن بر ترک در اول ایادی رسل در که
 بنیان شرع مبین و احکام دین مبین قلعه کردون نجی حصین و بر کر
 طاقیت فلک زبار کاهست و عنیت ملک زان شبانست
 کوثر و قیبت از حبیبیت طوبی و قیبت ز بوسانست
 و اول هر شکرت چشمن رسلین در که هنوز آدم صغی که منظر کرامت
 نقعواله ساجدین در بین الماء و الطین اوکو بخت فیمن روحی
 سعادت دخی قرین اولدین اول خاتم انبیاء و رسلین چار بابش قرین خنده
 سندی اوکو سریر ارای ملا اعلی سرای علیین ایدی
 دخی یوغلمشدی خاک آدم سن اولمشدک سرای راز و مخم
 وجودک اولدی کرچه مکره ظاهر و بی مقصود کسین اول آفر
 داشت در صلب ترا آدم ولی دید خدا بهر عظیم تو علیم ملک کرد سجود

و اول رسول ثقلین و خلاصه کونین سلطان سهر قاپ قونین
 در که بود کلو صور محمدات و اعیان جلوه کردات شود اولوعه سبوعه
 وجود پر خود دیدر و بر جان جانان و محبوب حتمت رحمان در که طاعت
 جهان و غنائت انس و جان بهشت حضور و سجودی در
 ز لولاک و نعم کجاست و باجش کشیده چرخ بر کرد و لا و احش
 امیر بارگاه لعلی مع الله زده بالایی این نه خیمه خگاه
 ای رسل آسمانک نشی وی بنی عیسی فرشی عصا
 اقمه ملاذ و طلاء کسین و ارباب خوف و خشیت مهر و منی کسین
 انت اب شیخ و شاب جناح ملک قبا که در که خاشاکه خرد و در او
 و استناینده و آزاده شده سدره نهادر در که حاشا که
 باب کریمک مند و داوله ای رسول حق شفیع المذنبین
 مقصد ای انبیاء و رسلین عاشق شوریده جالکد حسن
 خاک را بهت یا مالکد حسن جو می حوقد بر عنایت قیل اکا
 بار رسول الله شفاعت قیل اکا چونکه نشاند کلام و مقال
 تاج حمد ملک متعال و قلابد صلوات رسول بر افضال ابدار ایش و جمال
 ویرکد مناسب اولدر که محمدت اصحاب و آل دخی اول نوع و نس
 حسن و کماله زرخشال اولد پس جواهر زواهر تر صنیه که کان صدق و وفاد
 اولمشد آل اصحاب و عشرت احباب که کفره یاقوت قبول ایمان و اسلام
 ما رسلین اولد لکن جمله سے حالهم عن التذکره موصیین دیوب
 مکس باشند جلالیه چاشوب نیر جهانستان الیه راه هدای کفار بی دین
 و ایمانه کوسر لرود وجود شریک نهاد و ضلالت تخمین لرینی تیر تیر تیر لرله

ترتیب

عالم بنی المصیر کور و رور و تیغ بی دروغ لری اول تحاذیل و ملائمه طهر قنا
ایروب دست فاقنو المشرکین ایله اول فرقه بی دینی قلچدن کچر راکت
و کیسی خن زبان دلسان ایله خدمت ایروب اول خضر تک مدح و ثنانه
بخه قضاید غرا انشاد و انشاد ایروب و فطر الطاف بید و ایتاری اولو کور
و کند اهریری خوم هری و بد و تیغ اولو قاتیت مناقب و مفاخر
انشاء علی الکفار و حمایه بنهم خلعت ایله مکر و مغر و خلعت بر شمس
منقبتری رصانه غم و ضوا عکس طراز ایله موز و موز را و کد **منشی**
ابر رضوان که بخه طور میساعت و آن روضه آینه اصحابه و سون باران
ذکر القاب **بهر** مرآت ضمائر ایل بصائر و واضح و ظاهر و شکوه
انظار ارباب معارف و مفاخر کالشمس فی اوقات الهواج و روشن
و بامهر در که بر خواجه غمزدای و اجعل لسان صدیق فی الاخرین
بخت ناظر در کلام بلاغت آیین صحایف ادواری محاسن
شاهان ملک کلین ایله تزلزل ایروب هر قزق دیباچه سنده اول هکفاده
صاحب قران زمان و فرمان فرمای زبان اولنر که حاکمان شعور
ملک و ملت و جالسان سر بر عود دولت و مستظیل هر اوقات
جلالت حوایه و زیر سایبان وجود و امکا نه صد شمس شاه دروان
السلطان ظل الله در کعبه و تعیین استک عاکت جنت لری و هموان
سوران انجمن سخن پرور و پیش روان مسالک بلاغت گسری
کردن کوشش لایمی جوامه مانر سلطان بر اخته ام ایله که منظر انواع
فتوحات کثیره و فیوضات شریفه و معاطف و لازبال شهر و دعوائی
زوام مفاخر خلفا سپهر اقتدار و گواکب احتشام که شایسته خلعت

بهر کرامت انا جعلناک خلیفه در محلی و مغاز و خزن و مغر و ایتک ایل
کریه و سنت سننه لری در بناء علی هذا اول ایتمه هدایه اقتدا اولک
فی الواقع هر مزده که خطبه سلطان کج و بر او قنیه انده جمعه و جماعت
مقبول اولم و هر سیم و زرده که نام یاکو شاه عدالت گستر انده یازلمه
بهر انده مطلوب و نامول و لم **منشی** انا مدد رغبت و یرن بهر شمس
سکه در حالت یرن سیم و زرده بو مقدمه دخی صد شمسین محافل
فضل و عافان اولان اهل دانش و ادعای ظاهر و عیان در که سوار
خلافت خضتاری و شایسته سیر سلطنت و کاک و کامکار بر ذات
سعادتمند اولم کر که منظور علو معنی تقویت دین سبب و نصیب
خیمه منبری تمثیل احکام سید المرسلین اولوب آینه تیغ ظفر بیکری
هر چند که مصفیه تأیید الهی و الطاف نامتناهی ایله انجلا بوله جام
جهان نمای رای محاکم را سنده صورت بکجا اهدای خیمه بر نقش منقطع
اولمیه و هر زمانه دیده دل جاننده امن و امان رعایا وزیر دستان چون
برق و عدت تیغ انشرف نزن غنیمتی بهر سنده طلوع اولمیه زلال تیغ ابدار
رخ کلزار عدل داده سرخ رو یک و بر و پیکان جوش کذار
خار ظلم و یداد هر روح و فکر کارک سننه تحت خونیه سنده جفوه
و نهال بر اچلاک کشش سعادت و اقبالده کشیده بالا اولدنی
سایه احسان لا بعد و لا یحیا کسینه سوختگان رضای تحت و غنا
اولنره حمد و ایدو کلین فوادی غنی م ادرتوره **بح**
حمد و صد حمد بدر کاه کریم متعال که غایت غایت قادر مختار
موجب و الله یوتی ملکه من بش کوی سلطنت جهان بر سلطان

سعادت نشانک چو کان اختیار نه تور شد **شکر و حمد** کرمغای کریم زان
 که ارادت حضرت پروردگار بمقتضای والیه یوید بصره من شاد غنائ
 ملک ایران و تورانی بهر پادشاه کار کز قبضه اقتدار نه کتور شد که تاج پرتیاج
 خلافت استحقاقه شاهد عدل و سریر عالم مصیر سلطنت استهالنه حجتی مدنی
آن لطف حق که عقل ندیدست و نشیند شکرانه واجبست که در درو کار است
 سلطان سلاطین جهان باسط باطن امان همیشه مشتری مهر و کین اسکندر
 کیوان چشم و نگین بهرام قریح حمله و آهنگ دارای خورشید غلام فرزند جنگ
 خسرو نایب بزم فریدون عطار دغرم و خرم سلیمان ماه رایت و علم
 افراسیاب ستاده خدمت و شرم در بحر پادشاهی قطب سلطنت
 سایه لطف الهی مایه فضل و کرم پادشاه مجرب بحر الهی طود العلی
 آفتاب به در کشف الوری خیر البشر خورشید خجل و خشمید فلک و کاس
 آینه جمال فرخنده مقال فاکرم بین کائنات نقد وقت اشرف و نجه قران سواد
 نظم شریف و رات لطیف جعلنا کم خلف و اراث ملک سلیمان
 حاکم بر جهان با طول الوض منظر کلام در بخت نظام
 و ماصدق خطاب بهر انظم **انا جعلناک خلیفه فی الارض**
 خورشید صبح سخن و ماه محل زخل دارای جوخ کوبه مشتری خصال
 خاقان بی نظیر و سپه داری شبیه سلطان بی عدیل و شهنشاه بی مثال
 مهد اساس شوکت و جهان بینی محیی ثمر عدالت نو شروانی خورشید
 عالم مکارم و احسان بی نهایت سلطان سکندر آیت و داراد است
 نمره کشته جوه و جعلنا کم خلف فی الارض شجره ثمره و نعنا بعضکم فوق بعض
 بایه راحت و اما سایه خمرت سبحی مفیض انواع نعم و عطایا معین کافه خلوق

و معیت عامه رعایا نصارت بخش قلوب افضل زنگ زای و رات صد و مال
 مکهسان ایوان برای وجود رابطه صوت و ماده حوت وجود
 سکندر قدر و دارا فریدون فرو و جم فرمان نهر الهام و موسی کف محمد خلق و پیغم
 جهان در افک قدر مبارک رای فرخ رخ جهان کبر جهان شایان موب و مقدم
 بر سلطان عاقل و عاقل در که هلاک رخ دوار نعل تو تن صبار فتار
 اولمغه ابراهیم و فتحار بولوب کهکشان زمین پرتیزین خام و اطلس
 کرد و نینقام غاشبه سی اولمغه قدر و اعتبار بولور ذات رشید
 و اثنی عشر عین و مستقیم جبل المین دین کزین در پس ساحه
 اقبال و زوالدن مأمون اوله را و ادر ذات حمید صفات کار ی
 دفع فتن و شر و رلیات در پس نواب و احضان جهان دهن و مرس و مرس
 اوله سزادر

سایه نازان و خورشید جهان اردشیر دل ارای سکندر خصال
 آسمانست او و لیکن آسمان بهر قرار افتابست او و لیکن افتاب زوال
 بر سلطان عدالت نذر که زمان سلطنتند کمان کجک ابله نام و نشان
 بولد و غنچون هر زمان گرفتار آلام کش و زلف مهوشان جاری لقا
 غارت دل عاشقان بی هم و یا اید و اسباب جمعیت خاطر لرین دل هنر و
 کجی بزم ده ویریشان آیند و کجی دایما احوال در هم و مشوشدر
 بهر یک هم موفتنه نذر در هم در زمان تو مکر طره خوابان طهر
 کار با کاهی به سبب هر کاهی غضب آیند و چون هر زمان خوف
 و خستیدن مبتلای و من برقان و شجره بیده و معنی خلاف اولمغه
 دایما اضطراب و دهر شدن گرفتار علت حلقان اولمغه

بغیر کاه ربا در زمان بختش / کس بخت نیار و در بود بر کاه
دایما اوضاع و احوال دایره انصاف در بیرون اولد و بخون برزم ایالت مجلس
عدالتند و فتنه غیر می بگرسته دست آفریده دن طبعه کور مشد و بی دخی
اکادم ساز اولد و بخون ایشی فریاد و فغان اولد و عجب دکلدر و هر زمانه
حاج خارج شرع و قانون الموعین جنگ و قانوندن اوز که کمره دن ضرب
و شکسته نمیشد رباب دخی اندر ایله هم آواز اولمغله دایما کارنامه و زار
اوله بدیع و غریب دکلدر

بعهد عدل تو خونه غی زندنامه / ز دست حادثه خوف نمی کند آواز
دور که کمره جو بر سنگردن اغفر / بی شرع ایدر ایدر اگر جنگ و فغان
بر باد شاه سیادت دستگاه در کس شرف و انفس لوح محفوظ کمال
انسانی و ذات شریف اقدسی / نسخه جامع که آتفا فی ذات جلالت
سمت مہبط انوار ربانی / و مجمع فیوضات اسم اسجانی خام عام منظر نظر فعال
و عنقریب شریقی مظہر فانی مجد و محال لفظ که باری صد شکاف در عدن و خلقی
کری نماند کشتی شکستن / لفظ و عبارت خرج منها اللؤلؤ والمرجان رای
و ضمیری الشمس والقمر بجان / اکارا طاری لم یستثن من قبلہم ولا جان
خدایم بارگاہی متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان / و اعدای بدنها و سپ
بطوفون بنما و بین جمیع آن در

انکس که در هوایت چو آن صبح صادق آمد / مشهور عاقلش کج کارش بان کردون
وانکس که اود و دل شد بادام و اباتو / دندان نما و او و خوشن چو پسته بیرون
خسار خار خار دست کوهر بارنه / دعوی شاکت ایدر
تنگ دستی آبی شورین حال بی صفا / و سکا بد رکف ز بخش پرتیاریه لامعات

فکوره

هرزه کردی بادیمای کدای / بی نواست
بافیز دست بادل و خورشید مکنند / بادرک طبع روشن او برقی کور
اول سلطان و الازبت / و خاقان ملک نم لنگ ظاهری لباس سعاد
و صلاح و تقوی ایله مطر و مطرا / و باطن مکارم اخلاق جو یله ایله زین و محلی
جان با کما ز نور احسن تقویم ایله آراسته / و سیمت سمرقانی زینت خلق
عظیم ایله پر استه / ان بابتی مصدر آثار عوطف الیه و بنان پر بیا
منش و مدار حکم نامتناهی در

مخضر رحمت تنش عقل خود دانش / که چون این مرد دوسر ایا همه لطف و هنر
خط فرمان تو طوای مناشیه / حکم دیوان تو امضای قضا و قدر
بر باد شاه زهد پیشه / صلاح اندیشه در کمر سلطنت ربیع سکون خلعت
روی زمین که ایالت کم بقعه سی حیرت ملوک سواف و غایت بغیت
شایان پیشین در / و اصل حق الیقین و عین البقین اولان نظر دیده حق
بی قدر و اعتبار در / و مقتضای علو امتکری و مستغای سمو طبیعتری اوزره
امیت منظور ابتهاج و فستخار کر / ترک تعلقات فانیه و تخی ماسوایله قرب

جوار رحمت پروردگار در / داود جهان انکه وجود در جهان با وجود عظمی در نظر
بر سلطان دراک / و خاقان برادر که در / دامن عظمت و عفتی مانند اذیان
افلاک که در ارات طبعیه و اوساخ بشریه دن ظلم و پاک / و افکار کار
آفت ترسان و غناک / اولمغله هر چه زکس سحر خیزی قطرات کجا
و شبنم کریمه ایله غنا که بارک الله و لوحش است / زهی قوت نفس
و طهارت اقدسی که / وجود مہبودی مالک قدرت و استطاعت و آدمیت
و ادراک غایت مطالب نفسی / و نیل به نهایت تار شہبای حسی به قدر

بسیلرین

مختصر

و مستغنی اولو. زمان انقضا. تواند شهوا. و هنگام مستلذات نفس. ایکن تابع
 فرمان. و نهی النفس عن الهوى. اولو محبت انواع مناجی و ملاهی. و مطلق
 انظار علیه لری سیفاء لذات باقیه ده رضا حضرت الهی و شدر
 طراز دولت باقی تر بار در بس. که هست تیر در قام عالم فانی
 درون خلوت کز و بیان عالم قدس. صبر ملک تو باشد سماع روحانی
 همانا اول سلطان ملکی ملک. کمال صلاح تقوی حسن بیما. و انواع محاسن
 اخلاق و محاسن صفات. بر ملک روحانی در که متعلق متشخص هیچکس است
 و جمله افراد بشر بدین داخل حوزه اولیائی تحت قبائی لایو فهم غیر
 در که ظاهر اسرار آرای تحت سلطانی در **در** اگر چه ظاهر شاه جهان در
 حقیقتده ولی قطب زمان در **در** نوبی که صورت جسم ترا میولا نیست
 چو جوهر ملکی در لباس انسانی. تمام کرامت و دلائل برینه بوعلم است و است کما
 و اثبات حرامده بومقدمه مقبوله و در که شاهان ایران. الی هذا الان هر بر
 خفاک روزگار. و افرا سیاب موکه گیر و دار. او کوز غلج صاحب قرانی
 نوبت اویش. و قطع جهانده فرزانه یکن پنجه شعلری پیاده ایدوب
 اسب دولدن خاک منلته دوشم شدر. اجداد عظام. و سواف کرامتی
 به لذات جنگ بیکار ایل. اخذ انتقامدن عجز نامری واریکل جناب بهم احسن
 ادنی بنده لرین اشارت ایملکه اکثر ممالک و ولایتی داخل حوزه تصرف
 و اقتدار اید و فست ابادی تورانی دایره انی بابشته تنک توار تمیز
 و الی تیر بر اگر خط اشرف میرسد. تاج بر کردن زادر بایجان می آورد
 چشم بر راند اهل اصفهان تابادگی. سره از راهت بابل اصفهان می آورد
 فی الواقع ذات پایداری قطب جرج دوار در پست ثابت و بر قرار اوسه نه وار

و هر کز دایره بنده طور مغلده دایره مثال عالمی محیط اوله نه جای جدال و انکار در
 اطراف بلاد تو شدر افتخ حنین. اسباب واد تو شدر افتخ مهیا
 ائمه نده که درین فستج نداری. جو منت حق جل تبارک و تعالی
 الا و هوک سلطان الاعظم. و الحاقان الاعدل الاکرم. مالک رقاب الامم
 مولی ملوک العرب و العجم. مفتوح ابواب البر علی الخلاق. مفیض سیول الکرام
 فی المغارب و المشرق. اولی السلاطین و الکره عظمی. و اکثر فضلاء
 و اصدهم مقالا. و ارفقه هم حضالا. و او فرهم صلا. و اعدهم خلقا. و اجمدهم خلقا
 السلطان بن السلطان **مراد خان** ابن السلطان سلیم خان
 غیاث اهل ممالک مغیث ملت و ملک. غیر مصر کارم معز دولت دین
 قضا توان و قدر قدری و ستاره سپاه. زمین و قار و زمان عمرت و خود نمکین
 پناه و پشت سلاطین و داور ایام. محیط بر آفتاب ابریمین
 ادام الله مکه و سلطانه. و اغایضاره و اعوانه. کما اعلی شان. و قرن ایام
 سلطنته. الی اعوام الدوام و الخلد. الی ان یرث الارض من عباده حمید مجید
 دعای دولت سلطان همیشه ورد **در** نه بر امید عطا و توقع ادرار
 تو باد شاه جهانی و ورد من اینست. که پادشاه زشاهی ملک بر خور
 اول سلطان جهان و مالک ممالک خضر ملک. و ایت حقیقت شایخ کرامت ملک
 اول مغله انکه کما محققانه. و موصدانه. اولو شایخ زمانه. شرح ایملکه ظاهر الطاف
 بی کرانه لری و شدر. و شب و مکل دیوان بر عنوان لری. و عربی و فارسی
 و تر کی کلمات بلاغت شاعری واد در **در**
 بود بایه آن سخن بس بلند. که انجاسد وصف مار کند
 سخنهای شایسته کز دل پاک فاست. بر پانگان که شاه سخنهای فاست

برین نکته باشد دلیل تمام . کلام الملوک ملوک الکلام .
 من از وصف گفتار شه قاصم . بهر حسن چهره بر در خاطر ام
 بوبر ایکی شکار نامدار . اول سلطان کا مکارک . اول بادشاه با عدل
 و دادک . و اول خاقان سعادت نهادک . اول حبیب شهر احتشامک
 اول سکندر فریدون غلامک . اول آفتاب عالم تاب خلافتک . اول
 دریای عمان جهان زانفتک . اول مغیث ملک تلک . اول اتق حبل المتین
 شرع مبینک . اول اورودی زمینک . اول بحر سخا و کوه وقار و تمینک
 کلام بهشت سماندن در .

اما بعد حوم باین دکان کون و مکان . و صیغ فیان بازار عالم کن مکان .
 اولان دانش اندوزان عالم اوکو . صحیف ادوار محسن قلم شکبار
 موشح . ایدن ناظران در فصاحت . و صفای ازمانی لغاطه ضامه کوه تاریل
 مزین و موشح . ایدن ناظران غریب لغت اولان اصحاب محارف . و ارباب لطایف
 و نام داران اقبال سخن . و شهسواران عرصه ذکا و فطن . و سالک کمال
 نظم و نثر . و مالکان ممالک فریض شو اولان اهل ذکا . و متصف صفت عقل و پایه
 نور ذکا لکی واضح . و اشرف خورشید حسن و بهامشانی ظاه و لایح . در که عایت
 قیمته کوه بر اعتبار که کان امکانه حال اولش اول . و نهانیده لطیف متاع
 شریف که دکان خیمه و مکان . سبیلان ابداع . و تابان اختراع .
 اندن و اصل اوله . و غایت حسن و ابهی . و لوی یکدانه کران بهی که
 جوم خود خورده دان . اندن اشرف و انسی بردانه پیدایش اوله . و نقش
 و لکش که نقش بند کرمت و خیاله . اندن زیبا صوت و مثال . و هر کس که
 جواهر زو امهر کلام . و دریای زیبای سخن فصاحت نظامد که مشاهد زیبای

معنائک قامت و سینه خلعت و افسر اندن قلمور . و دروسان شستان کمالک
 کردن و کوشش رز و زیور انکه بولنور .
 سخن ارایش دیم کهن در . بره کوکدن نزل این سخن
 سخن غنیمت اوله بای کوه . انی ارسال ایدردی حبه داور
 و هر که زند باد حوادث ایام . و هر که نافر جام ایل بنای رهین . و اساس مشین
 منهدم اولم . و نقش و نگار . و محفزه روزگار دن . و هر که در دور . و در شهر شور .

بجز است سخن پرده کش رازها . زنده کن مرده آوازا
 هر که نفس کند ابیات جان . و سخن خوش بود جان
 هست نفس قلب جان سخن . این نفس از زنده دلان کوش کن
 کشف حقایق بزبان و بست . حل دقایق بزبان و بست
 جنگ سخن کرچه بسی زیبات . از دم او نغمه اعجاز زیات

و صمیم مینه مهر و رزان . و خاطر عظم کوه و دازان . و فهم و ادعان . ارباب
 ذوق و وجدان . و اصحاب فضل و عرفان . مانند خورشید در شان . ظاه و عیان
 در که سخن لای سنگ اگر چه اصناف و افرادی منتش
 ایکی قسم که منشور منظوم در نظم در . و قسم ثانی که ناظم در معانی و لغه مستحب
 مدایح و منافی در . در راز و لوی شاهوار . اوله و بخون اکابر لازم
 و زر کامل العیار . و سکه بر رواج و اعتبار . اوله صاحب وزن دایم در بهامی
 در که دگر دن جدا اولم . و هر مالک در یاد که بگردن حقیقه حیات و بقا بول
 بوجوب رقاصه در که مدام نقش و سماع . ایکن دایره دن جعفر . و هر استاد کو نیده
 در که بود کلون نقش و صوت و قیوب هر بار عمل و کار . ایکن هر که اصول دن در
 بونه حالدر که هر کار و ار . عالی زین بایسته الوب دنیا بی گشت و گذارده ایکن

منهدم اولم

اصلا دایره دن بیرون و طم. بر جانبار سحر و از در که لذت تر از کوه
و به صبره فی نقاد در که باز از جهانده نیران و معیار سبز کار ایتیم. لا جرم اصل
طبع موزون. و صاحب ذوق عارف مشحون. اولاد اول صاحب حسن و جمال
اولان محبوب بی مثالک. عاشق شوریده جا او شد. **و علی الخصوص مکنز حقایق**
و موزد قایق. و احوال عشق و محبت. و اوصاف اشواق و مودت. و مدح
جمال و جلال. و شرح فراق و وصال. بوسه و مقرر. و نصیحت و دلینجی که به
غفلت و پندار خفته لرین بیدار ایدر. و مواظبات قایق بر تائید که کوشش کمال
و بطالت مانده لرین. و وادی رزیت و ذلت در مانده لرین. پر کار کسبه
بر پا و پر کار ایدر. و نوخته میسر در. بنای علیه اصحاب و جد و حال. بو
دلبر بی مثالک. حوکان و سکنانه نم کس و ار. کوزد کوب بشدنی مهر بار اگا
اکا نظاره اوکو. ارباضیل و کمالک. درونی غنچ و ذلالتش هر مقالند
صد باره او شد **بیت** یا موزون حوکان او میجو مثال. **بیت** او موزون حوکان او میجو مثال
بر سر و دلارادر که اصحاب معارف. و ارباب لطایف که شاه مقال حسن و جمال
ویر نکر در اول محبوب بی مثال عاشق شوریده حال او کو حویا راسا پایینه
یوز لر سور و. و ارنی بولنه روان ایدر لر. و بر کل عنا و غنچه زیبا در که جمله
اهل عرفان. بلبل هزار دستان. کجی عشق و لاسیله عالمه داستان اولور
خنده و کسی که زینور تپی. آیدار و دلبر و دل دمی. چونکه نر نور شود **ارسته**
طعنه زنده به نوکاسته. چون که نظم حایل کند. غارت صد قافله دل گشت
چون کند ارقابیه خلیای. جان خود مند بوزر جای. چون زد و معراج کند ابروان
رخنه شود در دل بر و جوان. معنی رنگین چو شود غارزه اش. باغ شود در آن گلزاره اش
من که زهرش بدوی ز ایدم. مکتف کرده این شاخ ایدم. **اول جلدن بود اعی**

شوریده حال

شوریده حال. خاکراه اصحاب کمال. دخی اول لبر پرسن و جمال. محبوب
مرغوب ملک مثالک عاشق پر محنت و ملا. اوکو قدی غمی ایل سر و کبی پای در کل
و جیم زلفی المیلد دال مثال دوتا اوکو. نقطه صفت داغ بر دل. دزد شلری
آرزو کسیده شین کجی شکسته دندان. و چشم زبا و عین رخساره صاد کبی مدام
نکران اوکو. خلقه میم کبی لام زلفی غمندن عالم با شتم نکران. و اول مردم دیده
ارعیان عشقه ایکی کوزم اما کبی حیران و زار او شدی. باد صبا کبی مهر زده انی تنک
و بوده و جویا بر مانند هر بارانی جبت وجوده ایدم. اول کل عنا نه بردن قولشدر
و اول به جهان ارا آیا قنقی مطلعدن طو غمشدر. و اول محبوب شهرین شمایلی
کیملر سینه چکمشدر. و اول جوان موی میا. کمر سا کیملر در کنار ایتمشدر
و اول افتاب عالمتابی مانند سحاب کیم حایه خواب ایتمشدر. و بحر وصاله غواص
و ارباب طالمشدر و بو علی التوا. **بیت** تجسس و غفلت ایلدن حال و کلام **بیت**
و ارباب اول کوز لریش جیشی کار ایتکیون. **بیت** شاه باز نظری هر طرفه صان ایدم
پس بو خاطر خاطر ده جای کیم اوکو. بوا مل میخوابه ضمیر اوشید. و کاکل دلبران
کجی با شتم بو سوداد و شمشیدی که اول شعار در بار که شهرت شعار اولان
نامدار که علم قلمی دوشش هم لرینه رفوع. و سر در رفوع و غار ج مصفوفه
قصص حقیقن آفرینکی صحنه موضوع قلمغه اقلیم سنجک خسر و حقا. و کمال بکمال
تانی کمال اصفهانی اوکو. مجلس سخن دریده کوا. بر رتبه حسینی یا تمشدر
اهل عراج و حجاز ک بزرگ و کوچکی جیر تی رناده ایدو. آوازه لری کوشن مهلا لری
در شش جایه خاکی ک اهل کلامی تازه و تر ایتمشدر. قریحه بر طبع لری دا اولام
انار طبع پراقتد لر لری صحایف روز کارده مخلصد و با اوکو مدام فکر و خیال
مجلس کلام و مقاله سانی ایتمشدر. و اول فضل نامدار که بوفنده در خه

اقداری و در جمله سنی بیرون کبی بریده جمع آید. لالی ابدار کبی رشته
ترتیب و تدوین حکم. و اول حضرت استوده صفاتی قلم ایلد رقم قلم

لکن غم غلام علی ایام. و صاحب بطلام. عوالتی دهر ناز جام. مانع و صاحب ظهور
آفتاب مرام. اول مغله دیده بخت بر کرده بیدار اولو. خواب مد آمدن بر آن کوزا بچرید
و بچه سنا و ایام. و شهر و غلام ایدی که. شهبازا مانی و آمل. هوای مقتضای حال
و مستغای مایده. پرواز انیمو بر ساعت اول و ادرین قنات صالو. او چمزدی
تواتر و تقاطع اقطار افران و آلام بفرس کوزا جدر بیوب آرام ایتمه که روی امید
و رجایه نظاره ایلد کام آلام و زلف موشان پریشان کبی پریشان اولان
بودن اله و حیرانه. بر زمان جمعیت ضام کلم نیدی که کلمات بر اختلاط و العاظ
بی ارتباط فی الجملة انقباض و انتظام و یرم
نچه قلسون دیده امید مقصود نظر. متصل باران اشک غم کوزا جدر غریز
علی الخصوص بو آیمده اولان لایم اصحاب که ماصدق فی جید با جمل من
و ارباب بغض و عنف که منظر کلام فی قلوبهم و حق در هر بار کار کار انکار و احوال
او کو مدام افعال و اعمالی طریق انصاف و اخاف و قبول حق و صوابین
اعراض و رنجه خیالات دقیقه ابداع. ایدوب انواع شبیهات شریقه و انیقم
اختراع. ایلک فتم و اذغان ایتمدن دخل و تویض اظهار و اعلان ایدر لر.
می کس فضل و هنر دن مجر و اولماین اشکری منجود در. و کمال جهالت
و تمام نقیض کردن. ابو جلال کبی کار لری باب ایمان و اقرار پس در
کمال مهر محبت باین نه نقیض گناه. که هر کبی بی هنر افتد نظر عجیب کبد
احوان زمان دیو بولنه جان و یرد صاحب و معتمد اولد و فلک برادران بول

سجده

کے القوه. فی غیاب الحبت. دیوب م کون بچه مخدوع و مکانی مبشر اولور لر.
اخلاق و اجدادی قلدیة فضل در شادون خالی و عاطل در. ام بحمدون الناس
علی انهم الله من فضله. نکته سندن عاقل و ذاهل غریب دکلد. و موسی ار.
اطهارید بیضایه اقدار کبر یوقدر. فرعون کبی شکری حق اخفا و اسرار لوسه
عجب دکلد **شعر** ایا حاسد اکل ذی غمه. اندری سطلی من اسات الاد.
اسات علی الله فی حکم. لانی لم ترض ما قد وهب. بریده سهو
بر نقطه زاید کورسه لر و دوا کار نین بچه مقدمات تم تب ایدر لر. و قابل تفحیف
اولان بر لفظ قضیج. محمول بجم و تویب ایدر لر غایت فساد کردن. حمل المؤمن
علی الصلاح معصی بفر لر. و عذیر وجود شریک لر غنی ما و را کد معایب و معاصی
ایله مملو و مغله. جل من لا عیب فیہ و علما. نکته سنی یاد قلم لر
معرفت نیست درین قوم خدایا مدد. تا بریم کومر خود بخیر بیدار دکر.
اول جلکش بدرام. موضع حصول انعامه جلوه کرا و لمزدی. و کشتی امل و جا
ساحل انجام و اختتامه لنگر بر قمر نیدی. آینه سینه نک یونی زنک
خون و ملال طومش. پس حال مقال نه یوزدن چهره کشت اولسون. و دم
حاسدان فاسدان کلستان جنانی پر خوان قلمزدی. پس عذیب دل
و جان. نه دجهل غمسه اولسون. فضل و هنر دن عاکر بر الای فاسد لر
بازار معارف و لطایفی کاسدیکه. پس سنج دیبای زیبای مقال اولان
اهل کمال. تار بود لفظ و معنا منوال بلاغت و فصاحت کچون طوقور لر
و شعری شعرون فرقی ایتمدن جمله بطله بازار شود انشانی بی رواج قلد لر پس
سناخ لطایق اوار کلام اولان هنر و ان ایام حیرانم که نه منفعت انجون
سند استاد جلوب او قور لر **شعر** مرادست مهرهای خوش تن فر بار

همان جنای بد بود و شکاک استاد
منتهی من از فضل زبان و دیم
که هر کبی بد کرد و در ان کمال

بر دم که خاطر خلوت گزین کوشه چو لاله زار
 و پای فراغتی دامن قناعت چو بخت نشانی
 و رنگین زانوی فکره سر نهاده و لاله دار دل اعدا را
 دیده مدد را درون ترشح اولان قطرات و در شایان
 آید ناکاه در یک کوشدن قهرم ای بخت
 خجل غبار رب و غیب دگر بخت بخت
 افرانده که نفس ریاضت پرور ارواح
 ایلوب عجایب طارم افلاک سپهر بگردد
 بد خیال چنانکه سیکمان عقل در آید
 اوزره بر خیز موعظت انی کوردی که روزگار
 دوستی یاران کنی بی ثبات و سپهر
 ابتدا کی قول بمان و عهد وصال
 جهان غدار باکر و فتن در بخت
 پس عاقل و لبیب و فطن رب و ادیب
 لسان صدق فی الاخرین خواهی اوزره
 غد و در واحد مانند خط صبح هر کون
 تو مع مبادرت انک فکر نه اولان
 سن و خن اکل کور کم ارا و لور
 اول نام تمام اقتدا اید سن و اول
 فک سن نه بولد سن بوعظت نوشته شده
 اویار جان بلبینی نغمه زایت کل مقصود که عرض نیاز است

سخن بزم

سخن بزم ترانک تازه ایسون
 د مکن خوشتر دم اولون ایل عفان
 صمیم کدر بخارستان مایه
 کر کل نظم اید سن بر در مکنون
 لاله کلامی رشته انتفا چلوب
 مانند در ارجی هفت سیاره کوش
 اول محبوب فی مثالک استوب
 عاشق بیاره او کو اول کل
 بلبل شیدا کی مهر ارباره اول
 علیا اهل فضایل و تحقیق
 سحیفدن مقصد اعناق هم و مطلع
 رحال رجال عالم اولان
 چورام اولمشد کو که حس
 شکر تنگینی کشف ایت
 الفاظ و عبارات پرشانی
 بوجوه سجود و نسخ
 اکابر زمان و اعظم
 ایل صدق و فخره ایل
 ایل نهو هم او کو قوری
 ایت بنمزد در بسی
 اله الم لر و مالدار

استاد

سحر
 کوردشم گریز

ند که نشو اندر بلبلر مهر رسیدن آفتاب بیت افضل و اعلی و شوق حال اول
 جل خایله نده بنی شود قی و ناز کردن ابرج و او در عجب حال تدر که باز جهانده
 متاع و غانی که الوب صتم اما که تماش عجب و جهالت طور موب صا ملقه در
 و غیب واقع در که اسبی معرفت ذره به میل و رغبت بو عین هر طرف
 نیز طعن و سنگ ملات الملقه در بیت معرفت نیست درین قوم خدا یابی
 که برم کوم خود را بخیر ندارد که لاوم تر ادق بلیات و تضاعف رزایان
 نطق اوقات اعتنائی اتم اخذن کورینوب مایای امانی و آمال تصادم
 غبار خون و ملال ایلد مرزنگ و ملقه چهره مقصود که بوسه داتک بیاض و نخی
 حیات ناخبرده و جمال مطلوب نقاب تقصیر و قلمشیدی و بوسه بدین نوع و کس
 مرام خله نوانخ ایا میده سورت قانو تازیا نسی و اجتهادی الوب رکوب
 توسن رجایله سلوک مناج و اد غیر مقهور او شید
سبب تالیف کتاب و ذکر اوصاف و القاب جناب سعادت پناه
 مکرر روز بروز و بر وقت سعادت افروز که آسمان شرفدن ستاره سعد
 ظهور و بروز ایشید و بر زمان بهبود لطافت فردوزه که افق برج صعوددن
 کوکب السعد خسته نمود فلک البروج طلوع صعود ایشید بر زمان سعادت
 اقتران ایدیکه تقاطعی کوشش شاطدن چهره روزگار روی دلجوی دلبران کبی
 برافروخته و کل کل و تناول اقحاف و انبساطدن و من غنوم و من بالکلیه
 درون عشق حردن کبی سوخته و کل او شیدی ایام سستی صیوح عشقیدن
 اول کلوکت و مد هوش ایدی تادم نمر و خسته غنوم و غنوم دهری فراموش
 ایشیدی خسته چشم ببارد لبران کبی خواب صفاده و نواب و احوان و حواد
 دور اندک کورنگه یوزی او غمگانه برده آفتاب اختفاده آید

شجر روزی که دولت بر و مند بود نظرهای سوار پیوند بود
 اتفاق عنایت بی غایت کریم حلاق ایلد اول ایا میده آفتاب عالم تاب
 بوسه و اربطن حردن خدای و مناص بولوب تخت یوز و زهر و زده نشین
 مقام خاص الخاص اولدقه بلبلان نغمه دراز صدای بلند و ندای دراز ایلد
 اطراف و اکشاف زمین و زمانه او از هاشیدی عالم هر دکر باح جوان خواهد شد
 و مرغان خوش طمان و قمارنی هزار دستان صحن جهان و سر اطلالی
 بر تاله و افغان ایشید نفس با دصبا مشکشان خواهد شد بهمانا بوخیر
 مست اثر دن باد سبکبایی سهای گلستانه فراش و ابر جابک دست
 تزیین مقصور زمین اگون نقش اولوب باغبان جهان و شط طکتان
 سلطان بهار اگون نود و س باغی خلک حجب ایقه و طرار مذهب باقه
 ایلد موشخ و رخ رکمل طری و خط زنگار نقش طبریسی نیم شب نیم سحر
 ایلد موشخ ایدو مجمر کردن نیم صبا بخیر مجلس بهجت فرا اگون
 بخوردان لاله ایدو اخلر لر افروخته و تطییب مسکنان بهشت مقام اگون
 جگر شقایق سخانی نوحه غمزو انت اند و خسته ایشیدی
 مخد رات چمن جلوه میکند اروز و عو سیت بنات بنات را پندار
 صبا ی غالیه سالی نیم مجمر سوز شمال چهره کشای و دلا اینده دار
 مطربان خوش نوای بلابل و نغمه سرایان ملایم صدای عنادل توفج خواطر
 اهل حل اگون کل شبمیده دن دستنه دف بر جلجل الوب مدیر نیم سحر
 و صبر اوراق شجوی ایلد نقش غم و صورت المی سینه عالمیان دن
 بر تصفله محو ایتکه مله نم و عامل ایدو شروع آغاز حیات و گریه بهر جهانرا
 سر سبزنی عیشت زمین و زمانه تاثیر هوا در بدن خاک قرینست

سلطان بهار کرازماره عوض دیدار آید و کوزه نرس چشم بختی بیدار
اولمندی. و شاه کل ملک کلستانه سلطان عالیشان اولد و غنچون
شکوفه هر طرف از او کشته زرشان او کو. بوصفا کن لاله کلان آسمانه
انداخته آید شدی و اشکار مرغزار هر طرف از اعلام سرور شاهی بالای
رسمان فری فرقدانه افراخته قلمشده
چمن ابله کل هرک و نوایی دارد. عالم از طاعت نور و صفای دارد.
ابر روز و زنده روز و چمن مینالد. صبح تنگ نیست که او نیز هوا دارد.
سوسن ده زبان کمر بنده کی سلطان بهار. میان جانانه حکم و استوار آید.
مدح و ثنا سی ایله رطب اللسان. و خطیب قاری هزار دستان. منابر سروران
اورزه آیات القاب و اوصاف تکرار اینک عذب البیان اولمشده
بوی شیر از دهن سوسن از آن می آید. که هوش سرستان صبا در دهنش
ده زبانت و نگوید سخن حق او بابت. با چنان عمر که با دست چه جای بخت
اعتدال بیخ خوشدم. اید خراج بر اعتدال عالم. صبح و کلم او کو در و نده مدغم
و قلبنده مضاعف اولد و طرف علندن بی مثال خوف اولد و غماید که بنفشه شال
لطف اورزه جو کشته شدیدی. و خراج لطف از خراج عالم دن و ض عارض
برودت و سردی بالکله زایل اولمشیدی که. اشراق کونا کون. و معاین
تقویت معرون ایله تنقیه و باغ حال قلمشده
بی جهد بنفشه صبا خوش خوش بخدا اعتدال. تا طیار و خراج مختلف شد مستقیم
جمله از بار درون و غار و صفای بی شمار. ایکشاده دل فرخنده الطوار
ایکن بنفشه مکی بن لب جویده سر به انویم و غلین اولق عجید میان کلستانه
سر و جان و امان او کو غنچه هر طرف از اطلعه. و کل غنچه بیرون یوز

کوهر و ب و ف و ج و د و ر و ی جهان ختم و خندان. اولمندی کن غلب
مالان هر شب صبا جو دکناله و افغان اینک غنیدر
جمالن عوض ایدر که هزاران نازله حول کل. نذر بخت بود کونا و افغان ای
نرس کشملا هر کج غنچه زین قدح ایله شرب مدام آید و کن بنجه انکار ایدر که چشم غنچون
هر صبح ظاهر و بدیدار در. و نهال بلند بالا سر و غنچه عاشق و عذارشال کل زیبا
و امق اولوب هوا با غدن کج و کن بنجه صقل که رخ زرد و تن لاغندن روشن
شیرش از غنچه نیست زمانی خالی. همه سیم و زرخود کرد درین سر
شمع جمع طرب و چشم و چوای چغت. فان چمن را املی چشم بود به نرس
باد صبا باغ و راغک بوصفا کنی کوهر مکه سرور رذن بر برد. طور مخته افتد که
یوغندی. و حویار لطف کلزار است. مشاهد اینکله بر آن قرار می کشدی سرور
عنانک باشی طشتره اولمغل آب روان ایباغی باغ المندی. و شمشاد
و چنار هوایی اولمغل بی سبب با غدن چمنون. و کوشه کلستاندن غنچون
و یونزال بسمن اکا حکم صا شدیدی. از طراوت می پذیرد و آسمان عکس غنچ
وز لطافت می نماید بر زمین رنگ سما. ساحه مطالب قطرات سیاب
بر و هله ریان اولمشدی که خشک سال غنوم و اخوان. ظاهر و عیان اولق
اخر حال آید. و چمنه ارامید. رشحات فیض جاوید. اید بر درنه ده شاد و خندان
اولمشدی که. نهال آرزوی بال. برزوده و بر اقلال. اولق تحف خیال
ایده. همانا و مته روی زمین. مثال خلد برین. ایدی که هوکک طایر داد و
هوای خیالنده پرواز آید. کوزا چوب بو میخ دست حصوله شایه و محسوس
اولور. و لطافت هوا دن عالم بر حال قلمشدی که نقش بند آرزو و هر قنقی
نقش که ورق خیال صحنه باله رسم و حکم ایدر فی الحال صوره و مثل اولور

واشکار

مواهب الیه

و از که

شعر ز اعتدال هوا حکم جان نو گیرد . اگر بنوک قلم صورتی کشد نگار
 بو مقوله زمانه غنچه تنگ دل کل بجه خندان اوله روار . دلاله نمان
 نشاطی بر آن . الدن قوسه سحر اور بنفشه سبکین . بنده دم خون و گلین اولو
 غصه و ملال ایله باشی حال لیدی . پس شرب شراب نایدن باش قالدیر
 بریدیر . و کس شمل عشق با غله زرد و تر از اولشدهی دفع کنند و ملال چون
 ساغ لعلین لاله ایله است و فای اوله و قنیر **شعر**
 میان مردم از آن روی دگسته شدش . که در چنین سره قنیت سر کران
 بو مقوله زمانه لطافت نشاند ابر کریان . اشک ز بران . اوله غنچه چمنزار جهان
 اکابر ستم کنان . اولو کفر آیدری . و بو گونه مهنگام نرا هست فرینده . رعد
 ناله خون . ایند و کنه برق مدام خنده زان اولور دس **شعر**
 رفت انکه روزگار ستم تیره رنگ بود . رخ رعل مار بر و ن زرد رنگ بود
 دان عهد شد که چون گل رخسار چون دل . و اندوه را بنزد دل در رنگ بود
 آفر دمان چو گل بشکر خنده باز کرد . انرا که بچو غنچه دل از غصه تنگ بود
 اتفاق بر کون یاران صفا . و اخوان وفا یکه که هر بری ایله مطالع علم و کمال
 و انانی انواع بکارم و انصال . شمع انجمن فضایل معارف . و مهر پر
 علوم و کواکب نواقب فنون لطایف اولو . هر بری مردم چنین کی کوشه گیر
 ایکن قلم و کمال فی **شعر** بی درد سرنیزه و آمد شد بیکان آن
 یک قلم ضبط و سیم انجمله مانند خورشید مشرقی مشهور و مشهور و بیکر اولو
 مثال بر وین بریده جمع اولو . باله صفت عقد خلقه و صحت اعتدک . بودای
 بی ارتباط . بو گونه خطاب مستطاب بوی و یکر . اول جمع ایند و کل کمال لطافت
 سمات . بنجه بر بطون مسوده اند . مکنون اوله . و اول کان کمال عرفان در آن

ایند کل جواهر بر رغبت و رواج . بنجه دل حقه قلب حزن و کده حزن و کده
 رشته انتظام چکوب درون دلون رفته رفتی رفته طاعتیه کرب سبک عبودیت
 منک و منخط اولوب کردن افتخار . و کوشش اعتبار که جواهر او امر لیه
 منضبط و منسط قد و غلک . و صدف وار هر بار غنچه کمال لطف بیست ماری
 و کوه مثال پرورده کان و آسان و آدرار . اوله و غلک صراف جواهر سخن
 و عواف اربابین . اولان سلطان فاضلان من خیر لکنک جناب عاوت
 نصایب صورت نیاز ایله نثار ایدین **شعر** که او در مقتدا خلق جبهه
 عنایت بخشید اهل زمانه . او در کل کیمی عرض ایدین . او در کویا ایدین اهل کمال
 مفیض جود و انواع کرم در . معین زمره اهل حکم . زمانه معارف بوکده غنچه
 او ویر دایم فضل قدر و عز . متاع فضل و میر کله رو . معارف اهل بوکده ابرها جبه
ذکر القاب جناب خواجہ الادب و کمال الفضل
 و النخیر الحامل سلطان العلم فی الافاق . مالک ازمنه الفضائل کمال الاحکام
 علم الهدی علامه التورک کشف الشکاک . حلال المعصدا . هو الکرم الاخلاق
 فی الافاق موصوف . و فی تعداد اصحاب الفضائل و کرم شاکر و احد یعد الالوف
 موعنان عنایت البهت . کونر بنیه اصحاب العلوم و الفضائل . و ساقه دوله القادر
 حطرحال جلال الذمیر . و تحنیم منجم الافاضل . هو الکرم معارف و این الفضل کمال
 منشوراً و منظوماً . و باسمه استعید شریک شریک استقامه و الاقبال مفتوحاً
 و محتوماً . خبر کل مجد و مبتدا . و نهایت کل فضل و منتهای . ظن بایه العاقد ار اللعاب
 دار الزمان غلبه و فی المراد . لولوی لای هدف وجود . جوهر کیمای معدن
 منظور دیده اعیان و شهود . آیت جود و کشف وجود . بر صغیر تان الفضائل
 بلغا کماله لطایف . معر علماء الایام مجد اول الفضائل و معارف . شهر سوار

لطف وجود

و شاداب در **ع**لی الخصوص خانه درون صفای لای متلائی بل سیتی
 یعلون **ا**یلم ملود شون اولان طایفه شریفه علما و ایوان سعادت شانی قلوب
 الشعراء و این الرحمن ده منزل و مکان ایدن فرقه لطیفه شوا و سایر
 اصحاب معارف و ارباب لطافت غنی جنانی **ن**سایم انعام و احسان خندان
 و هر یک نظام خود **د**دل شکسته و مغربی **ا**لطاف نگارم از صبر و نیکو سرور
 و شادان او **ش**در **س**ود عواقب تو در ره دی محمود بودی تو در طریق دین مشهور
 به ارتقا یافتن جلیت جلیو **ب**راکت ب مفاخر طبعش مظهر طایفه کلستان
 فصاحت **ا**ولنک کشید لغنه باخت کل روی خندان **و**طوطی هندستان غنای
 اولنک کو یا لغنه سبب کمر لطف **ا**سانی در خوش **س**
 ورق شعر نگاری کیم او نور کیم و نظر **ا**خته جو غیر خیر التقصیر که یوسف مثال
 اخوان زماندن کم التفات **ا**و اخوان یوسف کجی حضرت عزیزیه تحفه کلاموز
 بضاعت مزاجه ایکن رعایت و تفقدی جانبیه میل ایدر **و**کمال کرملندن
 الاترون اتی اوف الکیل دیر **ا**و کسبیدن دایما اخوان ایلر و جانر
 جانبیه احسانه کیدر **د**هر بار بو کلام بلاغت انجانی تمام تکرار ایدر **س**
 باحسن من لطفک احسن الینا **تا**تقد لقا شکر الله علینا
شخاک جعفر تبریکه یو بود وجود **ب**ادیه سارله نته کم صحن سینه زار
 آفتاب عالمک وجود باری **ا**فوح دولت و اجلا لدن لامع و شارق اولر
 عت و اقبال ابر دولت روز افزونی **و**ما یجده قدر آسمان مکار **م**طلع
 شکوت و گدازانی دن طالع و لامع **ا**ولا شوکت و اجلال محیط مقام بجا
شطاق ایوان رفیعش راحل آسمان **خ**اک درگاه منویش خواص انجیا
 شادی اندر نام او غم جو در صهیلا **م**حت اندر ذل او مضر چو در انجم ضیا

آسمان قدری **ق**در آسمان کجی متجا و زمارک افهام **و**سپهر رفعتی رفعت سپهر
 خارج جیله ادراک و نام **خ**ورشید فضلی فضل خورشید کجی سطح و ظام و غمام
 انعامی غمام مانی **م**تقار و متواتر **ب**ور طلعت طلعت نور کجی بارق و باهر
 صهیفه شریفه خا طری قیل نفوس حقایق **و**لوح ضمیر خورشید تنویر
 مهبط انوار دقایق **ع**ثمان طبع کوهر افشانی منبع اسرار الهی **و**ذهن نقاد عالمت
 معدن الطاف متناهی **ج**ود تو محیطست که بی غور و کجاست **ج**اه تو جهانست که بید و کمر است
 آسمان سعادتی است **ر**فعت و علا و بلا فرقی فرقی عینو قلم
 طاق فلک نگاه **ا**یوان کوانلمه بر ابر **ب**لکه قله سماک **و**قذقه افلاک دن بالاد
 الحسیر بر دیر که **ا**ندن منزل مقام ایدن اول سعادت **و**جبریس انور در
 و بوی دجوی نیکو سندن **م**شام عالم معطر **و**عود مسعود خلق محمودندن
 و باغ بنی آدم معبر و متجا **ا**ولر که کواکب سایلر ایدن اولات هفلیت
شمشکین ز طیب ناله خلقش شام کل **ر**وشن ز کرد موکب تو چشم تو تیا
ششمدن کبر و کونتر **ر**وادر صدای کل **ب**وی با خفله طوکه مهر دیار
 بناد و کسب سپهر انتظام **ا**ساس نیکو کار **ا**یله استحکام بولش دیر
 لاجرم شرفات ایام ایوان به احترامی مناکب جوزا **و**اکلیل ثریا **ا**یله محاکا
 ایلر عجب کلدر **و**فاعله سعادت و احتشانی **ق**وایم اصول مقبول و مطبوع
 اوزر **م**بنی و موضوع در **پ**س عایم سقف رفعتی **ا**یوان کیوانه مبارک
 قله غریب کلدر **ب**ی اقدم حوام انتظامی **ع**ین بشکدر **م**هر شیخ سیر
 قطره نبات و خرقه سبک ظلمات **د**واتدن افواج اینه دکی قطرات
 مثال آب حیاتر که جمعی عظم رفات اصحاب جبار **ک**لام روح بخشی **د**م سید
 دم اور دخی خرم حمله عالم و آرد مدر که **ب**ر سوز ایلر نیکی اوده کرا حیا ایدر

کتر در

شعر حاجت بقول نیست که بی منت سؤال. حاجت سالک از در تو شود روان.
شعر مسیح وار کند زنده از دم خوش. مگر که لفظ روانش بود در سخن.
 عجب حکم کرد رضای اصحاب اهل رجا. بی رحمت ادویه و عقاقیر کلمات.
 جان فراود پذیرد بر آنده بخشند قانون شفا اولور. و معالجه و مداوا.
 اطباء جهان و حکمت اندوزان دوران. والد و حیران. قال فکری مضایر سوز لر.
 علاج دو و ابولور **شعر** در عبارات تو توضیحات مناجح کناج. **شعر**
 در اشارات تو کلیات قانون شفا. الفاظ و عبارات و کلمات بر کنایات استعاره.
 قدرت و استطاعت بوق که قنطرة حقیقت مدح و اظم الیسیر مجاز مقدور و اولور.
 و شهرها قوت متفکره ده اولور کلو مکتب قضا بوق که هوا و ثناء و سجده و انتها.
 لریدن بر و از اینک ممکن و مسور اولور. ادراک آسمان و اطباق زمین و زمان.
 الم ابر و زک منافق و منافق و کرانه لرین تقویر و تطهیر ده قادر اولور و اشجار.
 و دیاری اقلام شکبار اتم که قدرتم بزرگ مدایح و منا بکربن انکله توید و کثر قلم.
شعر کشت در شرح ثبات قلم سر کرد. روزگار است که تا در سر او این سودا.
 قوت ناطقه که صرف نفوذ و اوصاف. و طوطی سر ایستان نون و کا قدر.
 و آله و حایم. و متاع متفکر در که بوته قلبنده قال اولور رضا لعل العیار نه.
 حال قال ایله اول جناب معانی بک کثیر اوصاف و الفایده شایسته.
 و لایق اولور. و قنغی لفظ شکرین. و کلام شیرین. اول سر و ملک فضل.
 تیکسنگ توفیق ذات شریفنده نظر باقدان معانی و بیانده را اونی و شایق.
 اولر قطار اختران خوش. احتمال احوال لطف معرفتدن مشکسته.
 و سکندر و میدان درلق. اول ذات کریم الاخلاق. و شریف الاعراق.
 رکضات کمیت توصیف استرهایان استحقاظر نه غایت حق و سکندر.

شعر اوصاف کمال تو از شرح نیست. وصف تو نه انداز فکر شر است.
 پنجه شهور و عوام در که شهسوار میدان دراک و لان زمین قادی. و عقل جلالک.
 قوت اعتقاد فیض الهام. و نیروی بازوی بلاغت و انجم. ایله نواد.
 صنوف عبارت. و قیامی فنون کنایات و استعارات علی الدوام تر کن نازده و پنجه.
 و سور و آیات که شهرها زبال بلبل. تو ادم و حواری تفکر و خیال. ایله هوای حقیقت.
 و مجاز و فضای طنا. و ایجاز ده مدام پروازده در. لکن اول ذات ملک صفات.
 و فلک سماتک سر منزل مدح و ثنا کند. اصل و سماء منقلب لایعده و لا یحی.
 نایل اولی احوال. و محض خیال در. بلکه ادنی شرفات قصر عابدیه نازل اولی.
 و رای قوای طایم آن عرصه عرصه امکان. و بیرون اقبالم اقدار کون و کاد **شعر**
 و لو ان فی کل منبت شجرة. لانا ما استوفیت غایت و صفة.
 کر زانکه سده. رانم اعضا نمودن. صدیک و وصف تو نتواند شمار کرد.
 مسکین زمین بیج دایره ایله. اول افتاب دولت قاهره. و خورشید سلطون دولت.
 باهر نک. دقایق رفعت شانی بلکه قاصر اوست عجب و کلک افلاک معدل النهار.
 و اسطرلاب مهر و ماه. ایله اول ذات سعادت پناه. و جلالت جلالک در جات.
 مجد و معاد در ک انکله عابده و حایر در **شعر**
 سپهر رتب آن خواجه جهان که شده است بذات خویش صفات کمال احاطه.
 ز قصر قدر رفیع وی اولین پایه. رواق ناسع افلاک را بود عاشر.
 مبادی جالیدن بوستن و سالک طریقه. ایتما را و احوال و انزجار و دوا.
 مناهج شعار ذات سعادت کردار. و تحویل و تکمیل صفات مطبوع الافلاک.
 و شمایل لرینک و تبار. اولد و غنیدن غیری. بو منقبت علیته و سجدیه جللیه.
 ایله ممتاز و سر و اخلق جمیل ایله کشیده بالا و سر افراز. اول سر در که انتظام.

و ضبط و ربط بلاد و شعور. تعیین مناصب ارباب فضل و کمال. و بالجمله جلای و جلال
 و جلال تعلیم و ارشاد. جناب هر صلاح و سداد. ارباب موقوف و موقوف. و هر آن لوازم
 تمام جمله اهل اسلامه مواظب مشغول اولو. آمدند اصحاب حاجا. طبع عالیه و جلال
 و بی تردید از دست اصحاب ارباب مناجا. ذمه شریفه و تعب و کمال. و بیشتر هر طایفه علم
 جناب فضل و جلالیه. بحث علمی الفایده. فی الحال و دل تعب و کمال صورت
 اضحلال بولوب و غیبه خاطر. و ضمیران ضمیر سعادت نظام هر که. بوموایله تر و تازه اولو
 و چنانچه طبع باقیست در هر که. بر دمه اکتساب بضراب بچه و انداز قلمور
 چه حاجت دلت ابد فکر و نظر. ز نور عینیت شود بر تو آشکارا
 هزارت بود آن گونه در فنون حکم. که در همه چو حکیمان یک فن ماهر
 اولی علم جلیق سیرده. و در کمال سر از تنه بملک قدیرده. بر امام فایق در که جمله
 اهل حقایق جناب بر اتم امنه که محض عطیه الهی. و منبع سعادت نامتناهی در
 افتد ابدیه سرایه. و عاقله علم اولی و کمال. و محراب و فضایل
 اعتراف اید لر. و ذات شود صفاتی که کشف کمال. و حلال مفضل در کشف
 اسرار کتب و خرایا. و رفع اسرار حجب و خفایا. فلقده ایتم و صدور و عجز و قوت
 اعتراف اید لر. بضراب و دخی حکم انصافه و قیاس. بوحکم حکم یکباره
 اولو در. و علم حدیده بر رتبه ده. سزاوارت اهل تمام. و در جامع اصول
 فضل و کرم. رای اخبار حسن و حسن. و ابکار افکار کریف. و متصرف
 و موسی. اولی عجب و کمال. مالک فضل صحریدر. و شرف و مغایره مصباح
 ذمه بای قبی مستللا و دشمنان. اولی غریب و کمال. احادیث کمال اکیالی
 معنی صبح و صحریدر. علم اصول و کمال. حکمی مقتدای جمله اناس. و بالاجماع
 اهل سنت و جماعت عام و خاص. میانه فضایل و کمال خارج حیطه عقل و قیاس در

علم بر نور عبارت لطیفه و استراش ریفه لریده. تنقیح و توضیح ایند و کی نه محل
 کلام در که صدر شریفه و کلا سلام. و اول سر آج و ناکس کلاک و ناسک کلاک
 منهاج. موصول مطلوب و بغیه اولد و غنیه ایدر دلائل نقلیه. و بر اهدین عقلیه
 نه حاجت که منار فضایل بچ و شمار. مشهور و منظور جمله انام در. و علم فقه
 اول خلاصه اشیا علوم. و مختار ارباب حدود و رسوم. و اول واقعات و نوایز
 اصحاب فضایل و فواصله عده. حایز کمال و معارف بلا عده. هدایه رتبا و غنای
 سیر و ایلد عارج موانع در رایه و مساعد مصاعد فضایل بلا نهایی اولو دریای
 محیط فضل عرفان. و جمع بنایح تحقیق و ایقان اید و کی معلوم و مجرم و عالم
 شعر ابو حنیفه نانی ذمه نولا اکا. فضایل اکره افاضل و لیدر که عیان
 و علم کلامه اول مقتدای نام خواجه مکتب حدوت و امکان معلول علل
 فضایل عرفان. و آتف موافق بشمار مبادی نظریه مقاصد و ماصد
 اصحاب انظاره و اصل پیشوایان تحقیق و ایقان نیمه زمانه اکتساب
 ایند فکر حقایق و دقایقه بر آنده نایل اولو مقام فضل و کمال. طبعا جلالت
 رفیع منبع اولد و نه محل سب و کماند که میر صدر تدقیق و اتقان اولو هر کون
 سده سعادت نه رویال اید لر. و هر آن اصحاب مطارحات و مباحثات آستان
 ملک سماندن. التقاط جواهر معارف کمال اید لر
 ذات بی مثل و عقلیت مصور گشته. که سر ایا همه علم و هنر و حلم و ذکا
 انانی فضایل و ارباب فنون. الایم بی انجام دهر دون. و غنوم و غنوم
 و از کون دن نه غم جگر که باب عیسی عاقله موا یه سندر. و مؤلف
 کتب و رسائل. بخون محتاج و سایل. اولو که محب اولی اولی ذات
 امجد و اسعد در. اول بر گردیده ایا موز و ورق خد متذکر علم عاقلی و منطق

مهارت و قدرتی بیرون تصور و تفکری و کمالی حقیقی و عرفانی صدیق و اذعان
 اید و اول ذات فضایل ارجا به قدر آفریده نسبت اول نعمه لایق و شایسته و کل اید و
 حکم اید و بوقضیه نک صدق و قوی نور آفتاب خورشید کمالی و عیان قلمش در
 علم هر قوم کشف و جلی جوی و کلی سنی جامع و جانم و دقایق حقایق و جلال
 و رقایق و اسرار و تائید اول سیر بیدار که جناب جلال نفسا فضایل چه حد و
 ابله مورد و صورت فضایی علم خود را بیل و اشکالی و تصورات و تصدیقات
 فی مظهر تفصیل و اجماع و ایداد و اشکالی ابله بالبداهه معلوم و مجرب
 اول و نه جای تجرد که نقوش و صور الفاظ و عبارات لوح ضمیر منیر فضایل اید و
 حر و متور در جالبینوس زمان سعادت تا نوسلر نه اولیکه قدم عالم شمس سندان
 دم و اورمزدی و میان حکما ده کج و لک ابله موسوم اولیوب در یافت سعادت
 ابدیدن بایوس و محرم اولیکه ابو علی سینا زمان بهر محبت و سنا لرنه
 حاضر اولیکه ذات فضایل خود نرند قاعد و قانون اوزر تحصیل علوم و فنون
 ایدید افاض و عکس شکوک بی محلدن شفا و بجا بود اقتصاض و احتیاز
 انواع فضایل و اصناف کمال اید و در کمال غایت علمش علوم مذکر که قاهر
 زکته آیت نقش نفوس ناطقه مضطر و علوم غریبه و فنون عجیبه علی الخصوص
 علم و فاقده علی الاطلاق میان اصحاب استیمال و استحقاق قد شمر
 افاق اولیکه بوفن بر اعتماد و وثاقد و خجی استاد ماهر اید و کینه اجماع و
 الطباق اولیکه شمر و عجایب حالات و غرائب اتفاقات در که جناب فضایل
 ثانی خود که علیه بیدرم خانه ده مدرس و بنای ساری وجود
 بر وجود لرندن انواع فضایل و محاسن و کمالا نامعد و ایلکه شمس ایکن
 علم خود به فی الجمله کوشش و درش ایکنکه بوفند و استاد اولوب

بو عمل غوامض خفایا و اسرار خبا کسبی جامع بر گزیده بلاغت نهاد تالیف
 اید و وفق امر اید و ویر شمر در فی الواقع کواکب نواقب عزت و تکرر
 وفق امر اید و ویر شمر در فی الواقع کواکب نواقب عزت و تکرر
 نو شیر و ان تر اید و افتاب عالمنا عقل و کمال و اید و شمس اهورا صفی سلطان
 مراد اید و ام سلسله بالا و اولاد الی یوم التنا و خد تکرر تعلیم و ارشاد
 استناد اید و بمعنایه اشک اول زمانه هر و کام و ویر و اول و شمر در
 منع الله الوجود بطول بقایه و نور محمد و مسکن بنو لقمان و لازالت نجوم سوره
 بافاق الوجود طالع و شمس و السجایم الاث و بسوابع المدح
 و الاطرا منطلقه حقا که مثلث و ربعا و فاق اول استموده اخلاق
 خضر لرنیک دست کومر باشم بر انفاق لرنه نهجه تاثیر انسون که انفس سعاد
 و ارمین اوقاتده الی رسم و تعیین تصویر ایدن سعد الکر در و اول ذان کریم لا اعا
 نه حاله اهلنک نزاع و شقاق اید و فرمان واجب الاذغانه انقیاد و ارتقا
 اوزره اولسون که قبض و بسط جمله جهان علم قلم جلال لرنه شمر در
 سبهر را همه بر قطب دولت نومدار سناره را همه بر سمت طاعت نوب
 اول ذات خواجه جهان و فضل فانک شمس اخلاق و اول صاف لرنه مداح و وصف
 اول و لازم که آیات واضح البینات محامد صفات و فی حسن سلک
 جامع و محافل ان سینه نوع ان نده متلو و فاین قلوب و دقایق صدور
 انس و جان جوهر زو اهر وصف خلق عظیم الیکه شجون و ملو اوشد
 همه کس را شرف و تکرر و کمال و هم نوبی انکس که بتو علم و هم نوبت
 اقدام اقدامه قصد اعلام و افهام الی کون هر دباره که و ارسین بیان و صف
 اخلاق بشماره کسینی استقبال اید و هر کس بید و لکن زیاده مقدمه افاق

سکا نه رقیب و قال **بیر** بوی خلقت اقصی صبا بامیر **صیت** حانت خبر کنو کنو کنو
 برشان سعادتنانکه ذکر جمیلی غوار و انجاد ربع سکونده هر بار شک سبک علیه
 انک وصف و القابی اشاعه و اذاعه ایلمک تحصیل حاصل اید و کی نور خورشید کی
 روشن و افق و بر ذرات توده صفاتک که ششم نکست خلق کریمی لطف نیم نال
 و و نادر وی زمینه منشر اید **انی** ارباب عقول و طباعه بیان و عیان قنوق تطویل و طلال
 اید بوی خود غنیمت کبی ظاه و فای **در** شعر بوی خلق خوشست هیچ کاروان نسیم
 سه که از طرف تبت و خطا نسیم **غادر** همه افاق ذره که در وین
 ز آفتاب دولت پر تو عطا نسیم **اول** خفته اولان شانت روی و طالت
 وجه عدوت بت بیان **کلا** روز و سندن اولان حسن و طالت و عبارت
 فصیح سنده اولان لطف و حکمت **لطافت** وی هوشان صبر صحت که
 قابل تعبیر و ممکن تویر و روایت و کلام **رفیق** کلامی زمین مدامدن **ارق** و
 لطف **در** سخای در سخای بدن حسن و اطراف هر کلام که دمان به انتظامندن
 عین اوله پنجه جان هنر و روان اولور **مکر** انفاش عین که در ده اصحاب حاجت
 ملا اوله جیابو لور **غایت** علو جالبه نهایت سبکت و کمال مکن و اقتداره فوق الغایه
 در ویشی و سالت فقا و علما اید **کمال** ملائمت و انساطی و فراغت و جبار علیه
 اولان چشم و غضب و ابطال احباطی افلام به اعت انتظامه **قابل** اعلام و انعام کل
 اید و معلوم و جزوم جمله نام در **حاصلی** هر کس که نفس مجلس انس و محفل سلیمه
 داخل اولو صفای کلام و اولر گوش **و خاک** سیاه با مال اید مکر و عذر
 بر قطره سین نوش **ایده** بالکلیه کند و بی فراموش **اید** و بت نام خشمست و مدح
 اولسی مقرر در احوال فرخنده فکری **علی** الاجمال **بوم** نوال اوزره چو بیان
 ایتمند **و کواکب** نواف ایویدی شارق و مطالع **ابر** و زو ظهور و در و طالع

و درختان اولشدر که جناب بر معارف افضل تاریخ بخت رسول پر جلالدن **شعر**
 زو بکله سینه بسم اوقات جلال **سند** ملت و اربعین و ستمایه ده بو عالم و جو
 نشانه پر جودی قدم بصوب ذات فرخنده و سکود **ایلم** صحن جهان تازه و خرم
 اولو هر کوشه سی رشک کار خا نه چین **دار** آرام گاه ارم اولشید زو ایایی
 کردون **و اقا** لیم ربع سکون انواع شرف و سعادت لک و چون **واضعا**
 مسرت و اجناس بهجه مفردون **اول** سه غریب کل که افق وجود **و ششم** ایلمدن
 طالع و درختان **اولان** اول سعد کبر در **و سه** ایایی کلک حوال **اضواء** انوار علیه
 مالا مال **اول** سه عجب کل که مطلع حلالدن بارق و شارق اولو اولو خورشید انور
شور و زولادش چو نظر کرد شتری **انصاف** داد و گفت او سعد اکبرست
 و زولادتند **راصدان** سپهر تقدیر **و سنار** شناسان افلاک مقل المیر
 اول ذات جلالت نهاد **و سیادت** نژادک سعادت ظاه و بخت خدا داد نیدن
 معلوم و جزوم ایتدیر که عن قرب الزمان **بو** نور دیده اکابر و اعیان **نور** دیده
 منظور و مقبول خلق جهان **او** کو عالم فضل و کمال **و هلال** مثال **مثال** الیه بالنیان
اول سه کرک **و مسکلمان** فایده گذار **و طبع** زما بان **و آثار** جین حکم و تبسم
 اول ذات بزرگو ارک **کلام** فرخنده اطوارن **کور** یک جزوم ایتدیر که سسل مانده
 خواجه جهان **اول** سه کرک **مفشیه** فرح آن ساعت که طالع شد بعون کرم دکار **افتاب** فضل و دانش خواجه بخت مدر
 بعد ذلک بر خجوائ **قلما** بلغ اشبح آینه علماء **و ادی** تحصیل علم و کماله سالک
 و ذات شناسی سن تمیزه بانغ اولو انواع معارف و لطایفه **بالغایه** مبالغه حایر
 و مالک و لیتی فانون معناد **و اسلوب** محمود اوزره **افاضل** کارم نامعدود
 خدمتند **کمیل** انصاف فضایل ایلم سکود **اولوب** هر هر سوسن و ده زبان **کجسته**
 مدح و اطوار لر علیه طایفان **و عذب** البیان **اول** ششم **مفشیه**

هر کیم کم ایسه سن و صبح حال کل کیم عشق بحار و لورد ایمان بلبل کیم
 بعد سلطان الاضلال برمان الامائل قدوة المفسرین اسوة المتأخرین
 کتاب الشکلا حداد المعصلا شیخ الاسلام مقدی الانام خلیل اصحاب
 دانش و ادعانه نعم الهادی اولان مولانا ابوسعود الکعادی و هو تلمذ
 لم یسبح الا بام بملک فی التوارخ و الفواد خدیو سینه و دانشمند و لوب
 سیف صرام و اسد ضارم خدیو ستریدن ملازم اولد قده کله طریق بر توین
 تدریس عازم اولد قری اولان او نوز ایله ایله مدرکس علیه واد با ایله بهر مند
 و بر واد او شکر ایله بعد و حوسه بر و ده قرق ایله مدرسه یلدرم خانه
 تحصیل انواع فضایل سعادت جاودانیه اغشرا یله جمله دن مولانا مصباح الدین
 و حوکن توارخ بنی ترجمه ایله و ان لطیف و بلیغ ایله کتاب بدیع اغشرا در که
 استاد زمان و خواجه جهان مکتب وجود امکانده نظم و مثال کور مشدر
 و منشیا عالم و سخنوران بنی آدم اول کلام بلاغت سمانک قریب
 ایشتمند عبارت فایقه و استعارات رایقه سی غیت غای اصحاب بلاغت
 و کلام طبع و الفاظ و عباراتی نسیم حردن اعذب و کلام بر انتظامی
 فمردن آس و طبیب هر صحیفه ده لطیف و هر صفحه سنده پنجه فرجه هر و فنده
 پنجه و اف هر نقطه سنده پنجه نکته هر روز پنجه کتر هر اشارت پنجه نبارت
 مندیج و خلل طور و و فکین و فندج حالات حلال شمول مندیج در **منشی**
 کتاب لحاظ العیون السوا و لفظ کس ال زلال البواکر
 و نظم کازمار الحدائق رونقا و شکر کاناوار النجوم التزوا هر
 نقایس در کمن نایج خاطر اذ اباج از رمی بالبخار التزوا
 اول کتاب بلاغت صفا انعام ایو بعض فزراء عظامه اید اید کلر ده بر لنده

اول فیه ترخ و غمشدی جوق زمان کچدین با یه عکرم مدرسه لطیفه پرو
 ایله رقع و معنی او کو اول با یه یه ذات فضایل هر یک انواع غوت و علا و شیر
 سعادت اول منصبه که شریف جناب شریف ایله موز و شرف اولد دولت
 اول کسنه ننگ کوشن لک جا جوهر کلام بر عنوانی ایله موقوف و شرف اولد بعن
 قدر مدرس غایبه شوای بانه ایرو اول مقام عانک صحنه تشریفات
 حوری هر شکر ایله معادل و ش کل مشت بهشت اولد **منشی**
 منصبه بولدی غنی خلق جهان و بولدی شرف وجود کله غت و عیلا
 بعد بخت و سعادت دن اسعاف و اسعاف ایله با کشت سعادت نژاد سلطان
 و ادختر تلمیذ کشته نژاده ایکن خواجه او کو عنایت رحمان و احسان
 بکران سبکدانی ایله بهر مند و بر واد او شکر در اول نماندن بر و صدرین
 مقام رفیع غت و علا وادنی با یه شرفات رفعت و عظمتی فرق و قدین و ورز
 مرز میندن برزو بالا در حق بدار و نعل سمر بر غت و رفعت با و محله
 و ایام غت و سعادت لرن الی قیام ساعه و ساعه القیام مستدام و مؤبد
 ابد و و م سرای وجود سعادت بر ایله بنیستان جنان کی خوان خوانه
 مصون و طوارق و نوا ایل حد نماندن و حوسه مأمون **منشی**
 او حرم آمین دیر روح الامین کم درون دلدن او شکر این
 بوفنده و طبع برز کولر لرینک افتدک بر و تبه ده در که افلا شکر ایله
 قابل علم و اظهار کله در قطره منبع آب زلال و ریشه نه شکر ایله
 ایله جنت از قلوب اهل معارف و کما محضر و منظر و عود عبارت مسعود و غیر
 ساری کلام مدوح و محمود ایله دماغ مستشقان فضایل معبود
 منجر و مقطر ایله و هر بار و امن جهان با نه کو اهر نامدار و جوهر اعتبار

نثار و انبار انک طبع عکس و ذات کامل العیار لرینه شعار و دثار او شد در
 تبرکات و یقیناً فواید طبع آتش افروز و نوادر در هر حکمت اندوز لریدن بعضی صغیر
 اخبار و صفیحه اناره ابراد و اصدار اولند بوبرقاج اشعار بلاغت شعار
 اول از استوره اوضاع و اطوارک اول معدن لطف و قوتک اول منبع
 کرم و درونک اول ترشینه فضا یلوح و فانک اول سر دفتر اشیاء
 و احسانک اول معین جود نوالک اول ناصر و معین اهل معارف و کمالک
 آثار اقلام شکین ارقام و نتائج طبع فضا بل انتظامند در

چونکه غایت بی غایه ربانی و الهی و اعجازت سبحانی ایل بوطایر معجون بال
 و همای همایون فال که هوای کماله بر دواز ایلک پس لایق که اول بارگاه
 جاه و جلال و ایوان عباد و اقباله آشیان ساز اول و بوجده چرخ و جمال
 و غایت پر غیغ و دلال که تنوع مکون و سر پرده غیبین ظهور ایلک سر او در
 حرم سرانی کارم و افضالده مقبول منظور اول و صدیقه رشیده که اعضا
 اشجار انواع و انواع و انوار و انوار ایلک مال مال و زمین لافست قرینی احسان
 و اجناس رباعین ایلک خلعت سال اولک اکاشائینه و خلیقه که کایه
 توفجگاه جناب علوت بنامی اوله شعر
 بر لطیف آینه در بویک زمانیکه ظهور لطف و احسانک لایق را و کور منظور
 شرف و دان نه نیکوست لا بخت مکن بو العفولانه حار فضایل
 بلکه آشیانند زبیده و عقاب عقابین زبیده الموش عین لیب جوان
 دیده در مکر کلستان التفاحید و کرا نکرده بال آجوب کل الهی و اعطاف

خدا م بارگاه شکفته و خندان اول قله مقاله کله و جله خجلده نشسته و دست پای
 عقال انفعال ایلک بسته بر و وس بدلقاوش بدی حسن و بهادر مکرین
 نظر عطفه جمال بو کو معالعه همایون ایلک فی الجملة کمال بوله و خشک سال
 محبت و ملاکن ذیول بوش و آسیب محوم غوم ایلک بر هرک و بار صوفی
 بر نهالدر مکر فیض طهارت و افضال و رشع مدد ر مکرمت و نوال سر سبز خرم
 شکر کراین بنهره مس قلب بد از نور و اج شود روانه بیار کارگاه فضل و کمال
 بود که صدر نشینان بارگاه کرم نظر کنند بر افتادگان صفت فعال
 معلوم مجرم ذوی الباب اوله که کو کتاب مستطاب اوج فضل و زره در فضل اول
 سلاطین ماضیه آل عثمان و فضل ثانی شهراده کان و صفده فضل ثالث
 و دف ای تریتی اوزره علما و شوا بیا بنده در

عصه و عینه ربع سکون مضرب جیام سعادت شخونی و بطبیطا
 محطه اوقات عظمت و جلال اولوب تخت نشین اقالیم جهان بال طول الارض
 آیین جمال کمال اتاجعلناک خلیفه فی الارض هر دایره سپاه
 ظفر پناه مطلع انوار استلک ظل الله اولوب اولاد اجداد کعبه انوار عثمانین
 بر تواند از قهر وجود اولک نامدار لر و وجه محبت و قبله تمکین صلاح امور عباد
 و بلاد و نظم مصالح معاشر و معالی ایلک که حکم تیغ زبان ایلک ملک بلاغت
 و بیانی کسوده ایدو چو کان بنا نکر ایلک کوی نظم ر بوده قبله شهر بار لر و صفین

ذکر حضرت سلطان و ادین سلطان محمد خان کبیر
 اولاد اول دودمان کینه الاکان و خاندان لطف و امتنان کنده
 شعر بله شعار ویرد و عصه بلاغت و میدان فصاحتده حساب کیر و دار
 او کو راج خطی به حاکمین خطی به منفعم و دقایق تیغ از مایه به حقایق سحر

اوله

آراجه به طبع اینکله صاحب کشف و الفهم و بیغ بی دروغ ایلده قائم تر اید و دست
 و زبان ایلده دامن جهانیا نه کومر با شش اولان سلسله سلاطین جهان خزان
 فرمای زمین و زمان. نفارت بخش ریاض اراضی و ممالک طراوت فرای صدایق
 مناجیح و سالک و اسع کشته حومه اسلام بار و کشته قنار کفره لیام آفتاب
 عالمقا دولت قاهره و ماه جهان افروز شوکت ماهره **لک**
 سر کردن کشن و تاج داران. پناه خروان شهر باران
 فایح حصون و قلاع. کاسه عبید و دوسوع. اکثر ممالک و می عا کفره و سومی
 ایلده شجر و پنجه صاحب که و سهر. اولاسه دار کفار که بر بنی قویبش المصیر
 ایدن بلاد دین و ایمانی به عا کس و اولاد احماد کین عفا نه به کس
 اولی ابو الفتح و القار و حرم سلطان و ادخال عا در و قوم افلاک سلطنت
 و ایلک سادی اولمقله که صاحب ملک شتری در عا و دانشوران میل
 رغبتی و طایفه شریفه فضلا ایل محبت و الفقه اولوب مرات ضمیمه و ران
 همیشه منظور نظر انعام و احسان و سفینه سینه اصحاب کمال استوف در بای
 سخای خا و ایدی لغات شان صور حکایت بو کونه رسم و صورت روایت
 ایشلر در که اول کوب برج شاهی مهر عالم افروز پادشاهی خاقان
 صاحب قران هر هفته ایکی کون علما و شوالیه قران اید و کاهن کلا علوم
 و معضلا فنون دن مباحثه و مناظره و کاهن عارف و لطایف کونا کون ایل
 شاعره و می و ره اید و سه خرم عشرین و ثمانه ده بیعت بهیا توکر
 اوکو سر سلطنت صلبوس عا و متو و کر اولمش بعد سه خرم خرمین غایه
 یا ایتها النفس المطمئنة ارجی الی ربک راضیه و حسیه نذا کسه اجابت
 اید و سبهار جا آشیان جهان دن ریاض رضوانه بر و از قلوب

فادخلی فی عباد و ادخلی جنته و مانیده جنت برین و اوج علیین
 آشیان سزا و کو به جند خدم و طبل علم تک تنها ایلک و نم عالم عقیبا
 خدمت اله فرد و سحر کان و قدر س آشیان ناسک مناسک حکایت و سالک
 سالک روایت اوکو بحار اخبار ده غواصق اتمکله اصل کتبی و بیانه
 کتور دکی در و لایق ثمان دن در که هر کون بر در و بش بریش که ظاهر
 محتاج نان کور نور و لکن عالم باطنه سلسله جهان اید **شعر**
 حشت زیر سر و بر تارک مفت اغویای دست قدر زکر منصب صاحب جای
 کوسنه و ویرایه تخت سلطان به کشر دی و کلاه قوی تاج بر انتهای
 دهر و ویر و هر کون پادشاهان صاحب تختی سهر و تختن اید و در
 و پنجه فتاد کان کوی ذلت و هوا به تخت سلطنت و سهر پخته ابر کوری
 برد میگرد رنه ان قلندر باشند که ستانند و دهند آفرینش استای
 سلسله مسفور اوای نامدار و عا کر شیر نگار ایلک کشت و کوه و دشتن
 کلور کن نذا اید و ویر که ای پادشاه با عدل و داد و ای موسم اشم شریف
 مراد تحقیق و یقین اوزره اول که وعده یقین اوکو جان برب و یقین
 سکا و ویرلان وینک عده سی تیش در مدت کیر و دار و نیت کتاد اف
 اولک شمدن کیر و سو عالم عقبا به صا اوکو چشم جان و دیده جانکی
 جانب دنیا و دوندروب ریاض ملک بقایه ناظر اول پادشاه نظر و منصو
 دخی سرای معاد پیرای و تخت بر سر و در رسته کلوب نرین مقدمات ضیافته
 مباشرت اید و علما و صلی و شیخ و فوا به دعوت قلوب حضور موفور کسور اید
 تجدید بهج توبه و انابت ایشلر و بو حالتهن بر آری مقداری مدت کچین
 بو غار و دردن سرای سروره جلالت ایشلر نور ایتد قبره بو بر ای اشعار

اول بادشاه کامکار گفتارند **شعر**
 کرجه کم خدتم دکلدر بوسکی قلی طلب عارف اولان چون بیکور آنه لازم سول
 ساقی کور کورینه دو کئی شمرانی سولیت کتور بر وینه چنک و ربانی
ذکر حضرت سلطان محمد قان اول سلطان عظام و خواقین فخامدن بر
 دخی سلطان سلاطین کوب و نجم برهان ملوک الامم بالعدل الاتم بانه مناجود
 و اکرم لانی الفضل و الحكم و ارث البالت قابلم ارض مطلع آفتاب سلطنت فامره
 بالطل و الارض خاقان زحل محل فلک ساکس و ان جمال کمال فاحکم سیرالک
 در دریای سلطنت و عدلت کسری خورشید آسمان رافت و ذره پروری
 شاهی که یافت ملک شمشیر او قرار خورشید ماه طلعت و چشید کامکار
 مجد و جهات عالم عدل شستدارکان بنیان علم و فضل غمام انعام و ابر
 بر و عوارف نظم شرافت لطایف جعلک خلائیف سلطان السلاطین
 الحکم آیه عظمت بالصدق الصریح الحق الیقین او المعلم رایت غیمته باکتصر الغیر
 و الفتح المبین مؤتس مبانی الانصاف ادم قواعد الحور و الاثبات
 المنبسط فی نواحی البلاد اناره الشیعة و المنتشر بین الاقاص و الادانی
 انوار الی طعة السلطان کویده و الخاقان المجید السلطان محمد انار اتبع
 بر تانه و نقل یوم ششم میرانه حضرت نیکرید که مخلص شریف عوفی در حقا که
 بر بادشاه عالمینا ابدیکه دره نیجان خواقین جهان حصبا ساحت
 جنبانی و سانه حدود و مکرمت وجود سواد نقطه حکم و کتایه ایش شهاب
 جاه و جلالت اهل و نه به راضی کل اید که اکلیل فلک جوال کس میر شاهی اوله
 و خلعت تحت بک اول ابره به سر فرو اتر ایدی که رداء حجه آسمان پایه
 حاکمه ادب اوله جهان باغ فرد مؤتید زحل محل فلک تربت و ملک سیماس

هر طایفه نیک

هر طایفه نیک پای مود تنی جبال مکرمتی ایلد قید و غ بال صفا کمالی و آنه حسن
 و نوالی ایلد صید اید و خوا امانی لطایف الکرامیکه سحر و مصیج خلق جهان
 ثواب شموع لطف بیکرینه ایلد منور ایتکله جامع قلوب خاص عام جولانکه
 توسن محبت و ولاسی و خوا ارا اکابر و اصاغر و زحم و نود جنود مدحت
 و شناسی و شنیدی **شعر** شنششی که جهان کشد مطیع و مانش
 گرفت روی زمین نور عدل آسانش مدام تعظیم او او الهی ایتکله مقدس
 او طار بادشاهی بمشدی و تقویت شریعت مصطفوی قلغی و سبیل آستنج
 امان سر و قلمشدی نهان معاد اقر انکرند همت عالیه لر لیکه فی اولان
 امانی و موک دبار رومده بلکه بر وز رومده اولدو معلوم و مجرم و کلد
 اوراق و اکنا فدن علماء و کشفه افدن کعبه جناب کارم انصافین مطاف
 اید و فضله مواید کثیر الاسرافین وجهه عیشت و سبب کفایت شکر **شعر**
 قلایه منتش طوق کردن کردن جواهر خشن عقد زیور انام
 جناب مکرمتش قبله و ضیع و شریف و یم خمر مش کعبه خواص و عوام
 حکایت اولور که بو طایفه شریفه به کمال میل مجتهدن حوئه حاکمینده
 اولان فو ابلع امانت ماندن دانشمند و معید و طالب و سفید هر کم
 و اریه اسم و رسم ایلد دفتر اید و حضور شریفینده صفت کرا اید که بر منصب جدید
 محلول اوله تنقیص لایق و معقول ایه تقلید ایتکله نبای سرائی علم و کمالی
 تشبیه ایدر کرد بومد عیار شاد صادق نور آفتاب کمالی مع و شارق در که
 مجسم کز نور مآثر و مقورات جلال مظاهر اولان دار السلطنة السنیه
 قسطنطنیه محیه ده اساس جودی خال مکرمت وجودی ایلد سیرت و منش
 مشاکل و فائز شست بهشت که هر بر نیک قیسی قلم فلک دواره و اصل و مهر بر نیک

و لام همیشه خبر صیغ لطف و کرم و حدیث حسن اربع و اصعاع جمله
 بلاد و متصل الکسناد و معنی و انار الکتاب شمار نتایج قیاس منطق کبی
 مدلول برهن اوکو صومعه قطان اقالیم سبعة و اربع فواج انعام عام ایل
 معطر و محافل و منازل عا و اسافل مشاعل شفاق و انصاف کامل او
 قنادل محسن او و صفا و لطف و علی ایل منور او و شید بخت نبویه نک علی
 افضل الصلوات و اکمل النجاسات و نمایین و نماینده جنات
 قبا توئی الملک مرتضی دن منشور سلطنت و ایالت ناخود آبر معدلت
 اوکو سر سلطنت جلوس سعادت انوسلری او شیدی پنجه زمان امن اوان
 او زره زمان و نای جهان خلق عالم خست بیدار رنده غنوده و برکت و عدل
 و داد لریده شورشور و فساد الجوده ایدر لکن او ایا نام سلطنت لنده
 مقتضای سن خلقت او زره ابدان عالم مانند دم و باعث حیا جمله عالم
 اولاد ازت غنیر لری نقصان پذیر و پای مبارک لری رض تقوی ایل
 علیر اوکو نکاو رکیر و دار و ابلق جنک و پیکاره سوار او غله مینه فاد
 و خدا غنده محتق اولان شغال بر تو ویر شیر دلیر کچمکه باشلیوب سدر
 باجوج فتن اولان تیغ جوشن فکندرینه و در ایا نام دهور ایل فی الجمله ضعف
 و فتور حکمکین سیرل عوب و خطوب تلال و دانه جاک و عواصف
 ریاچ فتنه و فاد اغوار و انجاد بلاد ساری و شید بنا علیه کند و کرب
 حسن اختیار لریده او غله شنه اده سلطان احمد که دتی عهد قلم شید
 و اکافر اغت و کیمه تقیم امر شید سلطان احمد دایم اول ارز و مله حوار
 اسکار دانه مال پستی و یکله اشتها زولان موضعده نزول ایدر
 منزله و مترب و حصول اموال او شید لکن تقدیر مالک الملک قدیر ایل

رأی و تدبیر موافق تقدیر او محبوب هر چند که ش سلطنتی در افقش چون دست
 آرزو و نعمت در از ایدر تیغ عوانق و موانع ایل منقطع او کورد و هر وقت که
 بر شفق لری قائم مقام نصب انکه انهم امین جناب تنوع الملک مرتضی دن
 منزل و مخرج او کورد احوال او احوال احوال و بنده کان صاحب عقل و اختیار سلطنت
 احمد سلطنته عدم لیاقتی منظور نظر اعتبار کرب او لوب عقل صادق و رأی صادق
 ایله متفکر و متامل و دلیر که شنه اده نک غنوده جودی صبا سلطنته متخل و کلدر
 کاسه ملا دن اولدیم عاقبت یاده ریزان او لمسی محقق و واقع و مدام فی برست
 او غله خلق عالم و عالمیا بر نزاع و نفاق جمله سنک اتفاق ایل سلطنته مدیم
 خدمت لری کفده متصرف امارت ایلن کور و ب تیغ بر ایتهاج سلطنت خلعت رواج
 ایالتی البکس ایدر سر سلطنت و خلافته اجلاس ایدر دیا جمیده کبار شیخ
 نقش بندیه دن شیخ و صاف شریفه پری خلیفه دیر لر بر پیر روشن ضمیر و ایدر
 مرکز دایره ولایت و قطب فلک کرامت اوکو عونت ایدر کنده ریب و کان یوغیب
 و الد فرد و کس جهان آشیان لمرندن نفور و روایت ایدر لر ایدر بیور و دیر که
 اول زمانه مدایک ارض سما و سکان ملا اعدا دن انهم هر ونه عبدا و نره
 صداسی کلوب جمله سی بوایت رفیع الراحنی تالی اوکو ذهن و زمانه بو آوازه ایلکه ما
 اولدیر بر هفته مقداری نه اوله دیو متفکر و متجرب اولدق بینه اول طرفدن
 کون التسلیم امیر صداسی و اصل اوکو اطلاع حقیقه حاصل اولد فی الواقع
 غایب امور دندر که سلطان احمد بود کلوب یقین کلوب سلطان نور قود کبوری اوده
 کینن ایلن لواء سلطنت کفده اولان سلطان سلیم خانک کف کفایتنه تسلیم
 اولد القصة خواه و نا خواه فلک سیکاه حضرت خداوند کا و شهزاده کردو
 و قار سلطنت سلیم نامه داره تیغ بر ایتهاج سلطنته بر سر و تخت بر تخت خلافت

قرباً

لرنج

منزل شو. اولو. لوی ظفر برای ایام. ذات حکیم و یمنه نفویض و سلیم اید و کند و کرد
 و عیون نام قصبه به غریبه تقسیم شد کرد. همانا روح روح و با بخت حیات و زندگانی
 اولان سلطنت جدا اولدق. هنوز اول قصبه به وصل اولما وین قطع منازل
 و طی مراحل ایدرک روح به فتوح کرد. بو عالم آب و گلدن محفل بغیوب و ریاض ضو
 و صدای جنایی منزل اید. و کان ذلک فی شهر صف المظفر ~~نه غایت~~
 من حجة خیر الفیة. بادشاه مذکور علیه رحمة الملک الغفور علما و صلحا. و هنروران شوی
 غایت میل و رغبتی اولو. سایر خواص جهانک قلم و فرمانت اولان فضل زمان و
 بلغا حضرت عنوانه ارسال جوائیز و اسان ایدر کرد. جمله دن اقلیم و خلک
 سلطان عبادت خانه. و عالم علم و عرفانک خورشید نور افشانه. اولد و معلوم
 و مفهوم هر قاص و دایه. اولان مولانا جلال الدین الدوانی. نجاشه عشق و محبت
 ساقی شهود و حقیقت الدن و دن دوستانگی. ایدر جناب فی حضرت مولانا
 جانی به ذره پرور لک. و خاک نواز لک. ایدر ارسال جوائیز و اسان ایدر کرد.
 انردخی الدن کلکجه تصاید و سایل کوندر و میاننده آمد و شد و سایل
 و سایل السک کل اید. و لد فردوس مکان. بو کونه کوم افشان اوکو بوبر کردی
 خدمت مولانا جام به به دفعه پیش بوز فلوری زیاده کوندر و کلرین حضرت مولانا
 جلال منکر البال و منکر الحان اوکو متاع علم داده و ارد و غنک کتاب
 ایدو. به تصدیق بلیغه بوی کوندر شکر اول تصدیق نک مطلق بود. و بدم اندر انظار
 عجیبه از اختلاف لیل و نهار. بوبر ایکی کلمه بخت شما. اول بادشاه مستوده صفایک
 و اول شاه کجی بخش کردون اقتدارک. و اول خدمت خواصین و نقاد و
 سلاطین کامکارک. ناصب رایات جود و امسالک رافع الویة انواع معانی
 و احسانک ابیات بخت عنوانه در. ای سوار است ناز اولار کاب جان به

حسن تدبیر ای سکنه افکار و انانیت

هر دو دگر پیدا شود از سینه چاکم. ابری شود و گریه کند بر سر خاکم شو افنی شمع ایدو
بجای هر ناوک نه کز نور سدر دل چاکم. نایب شود و ناله کند بر سر خاکم
جفوط هر نه جفا کز نور سدر دل چاکم. سر دی شود و سایه کند بر سر خاکم
وصف هر سنگ جفا کز نور سدر دل چاکم. لوجی شود و سایه کند بر سر خاکم
خوبه زاده هر نیر سه کز نور سدر دل چاکم. مرغی شود و در قص کند بر سر خاکم
حاجن زاده هر غمزه شوخی کز نور سدر دل چاکم. سوکن شود و سایه کند بر سر خاکم
کمال زاده سودای خط کز نور سدر دل چاکم. سنبل شود و بوی دهد بر سر خاکم
ذکر سلطان سلیم خان اول خواص زمانه نیری و حسن
 سلطان جهان استخارال عثمان کسری تاج بخش و فریدون کامران
 نظارت بخش چمن بکاهی. زینت افزای ایوان حکومت ران چمنیشتری رای آیین
 اسکندر کیوان چشم و لیکن. بهرام روح انتقام دارای خورشید غلام خسرو
 ناهید برزم. فریدون عطار و خرم. افتاب سیماره قدم افراست ماه تاب
 و علم. رزم و غاده قدر کوشش. بزم سخا و فضا بخشش. فارس میدان
 شجاعت و عدالت. مبارز معارک شهامت و جلالت.
 رسمی از قاعش معرکه اش زرم پیش. تیرگی از کوکبه سلطنتش نورشک
 کو فریدون و سکندر که بیا موزدازو. این جهان داری و آن رخسار رس و هنر
 چمنشید سر دین دوست. خورشید فلک ملک و ملت. مهد شمال لطف و نوال
 مصبت نوال انعام و افضل. تاسع سماء سلطنت و رعیت پروی مجد و جفا
 جهان عدالت کسری. سلطان الاسلام خلیفه الله علی الانام حرم مالک الدنیا
 فطر حکما الله العلیا. حافظ مورسملین. حنا بط امور الملک و الدین. قانع الکفوة
 و المشرکین. قاهر الفجرة و المتمردين. ناصب الرايا الباهره فاتح الشام القاهره

کاسه الهجاءه الاکاسره. نام قصور القباصره. علیک بن ابی العول قهر مشید
 قضا به ملک الامان محمد. مالک سر خلافت فی الآفاق. دانی قایلیم العالم
 بالکسحاق. الفایض انوار حرمته الی طبقه الجمهور. النایج آنا مکرمته علی صلی
 الله ورسوله. سلطان الحاقین. خادم الیومیل شریفین. المقتطف لآثار الصدیق
 فی انماج منابع القدوق و قیل الزیدین. و المتفک فی جمیع الابواب بعد عن الخطاب
 صاحب الحیا فی العشرة العفانیة. حایز المکارم السنیة. ولله ارحم العلیة. بعض
 اهل السنن و جماعت اولی الخیر و رد افک عرق بابض. وجوده قاطع و فاض
 اولان خاقان. بی منافع و معارض. صاحب الفتح العظیم. کاتب اللطف العظیم
 السلطان بن السلطان سلیمان بن محمد خان خدنگر بدر. رقع آتیه تاج روضه
 وزاد فی عالم القدس فتوحه فخلص هر فکر سلیم در حفاکه بر باد شاه بلندت
 و شهنشاه غنچه بیست و سطوت ایدیکه رعد و برق تیغ هر حق و خرقین
 امانی مالک عرب و شرق. و نهیب خیر نمیندن امیر عرق غرق و شاه
 هر اسان اوکو. هر معرکه ده که برق حسام خون اشامی معان اید. آتش
 حله شیران کارار منطقی. و هر میدان ده که قامت سنان نفرت اقرافه بالا
 کوسره امداد مکت و اقتدار دشمنان بالکلیه منتفی اوکو. **برگشت**
 آن زمان که کرد میدان چشم کردون کوشید. آن زمان که بانک سبان کوشی
 ماه مکر رای فتح از شیر بیکر کجفتش. آن چنان حیات کز قلب سربانده جور
 و بر خاقان بر معدت و چسان ایدیکه نیم اخلاق عطاس نیدن غنچه مراد
 عالمیان شکفته و خندان و تاب نورد و رضا جور اولان تشنه لبان
 قطرات زلال فضا لادن ریان. و هر طرفن سوختگان بادیه جوان. اولنگر
 سایه بان معدت و کساننده بر فراغ و امان اید. **برگشت** که زیر شهرش این روشن
 خوش خفته است بک در ی باغ بال حله تیر و کمان. و صدقه غنچه

عالم بیک

عالم کبری کمر کوه این جهان بکشته ستوده اوکو. بر فحوا. و لبست الجبال سنا
 بر من قالدی. **برگشت** هر کوه جامدار کذر دبانک سبتش. کمر دزد چون سحر واد و اوجا
 وسطوت جهانگیر و قلعه کشت سبزه زار روز کاره کذار این بر مقتضای و دگر الاصل
 خرد مثال با کوفیه کیدر. **برگشت** حمله شربت از فی از عاصفا مشر. یکبار کشته بود او واد این زایل
 زمان جای نوسن شب در لک ایدن انجی خیال. و عهد میونن غارتگر عقول اولان
 امان صهبای آل اید. فتنه و فتنه و شول حمله کوشه کیم اولمشیدی. غمره خواندن
 غیر یبرده کور غمره و زمان پر امان. و ایا سمعالت اقرانن پش بنی کاکل در لادن
 او که مکان بولفر اید. **برگشت** بخزلف پری رویان بد و راسن هر موی. کس اور دران ظریفی اید پشانی
 بر باد شاه عالمنا ایدیکه زهر زهر و قهرینه باز هر لطف پند. و حصری حاضر و نبش
 هر مبله نوشن تر عینی مقارن و معاصر سنان خون اشامی مبار عطا ده
 اوصاف مجام و اقدامی و اقدامی کتاب افایم جواب و وف و کتابه بقیه اوکو
 و ستا کرا حسان و انعامی اید. **برگشت** سنان شمس و سماء ده دیوان انش و تونی ملک
 منشا دن منشور ایالت زمین بالطلال الارض. و بارگاه پادشاه. و ما انصر الامین عینده
 دن تاج بر انماج. انا جعلنا خلیفه فی الارض. ناز و جناب علیک. و پیراسته
 تارک مبارک بر معالیک. اولمشیدی. اولاکه سر بر سلطنت جلوس ایدیکه مالک
 مالک دست فتح و مالکدن محفوظ و خودس ایدیکه. بعد فرمانده دیار جسم
 شاه سلطان چشم و خدم. مظهر انواع بدع و اباطیل. و سر دارا شتر اریس فرقه
 محاذین ضحاک خواجوز اولان شاه اسماعیل که اطراف و جوانده اولان ملوک طواغله
 جنگ و بیکار. ایدیکه اظهار دست غلبه و اقتدار اید و میدان خانی بولغله حکومت
 ایرانی خم چوکان اقتدار این کوشیدی. و منازع و مدافع و خاصم و هم اولمغله
 نوسن یا لای الک و لایات تیر و شیدی. **برگشت** چو پشته تهر کرد دار نره شبر.

سخت انداز اید پشانی

۱۱۱
مجلس اول

با این جمله مطاع و عیش شرح و احکام الهی بدن روگردان او کو تمام فخر و شرف و غایت
 انام و مناصب ایلد انصافی شهنشاه جهان **اوش** برنجوی یا اینها الذین آمنوا
 کونوا انصار الله و مت ائمتلر نه قلع و قمع و خلعی لازم و مهم و واجب و منتهی
 الموعین حومه حایتلر نه اولان عسکر کاسره و ف در قاسره ابواتر و اتره و
 قواطع قاهره ایلد که مهربری اجل موعود کجی بر وجهله دونک احوال و مثال فضا
 قبرم هر چند که دفع و دفعه نقد و لینه یوزد و ندر مک شخص خیال در
 کرده ای جوانان رزم آزمای **همه** حق آسین ز سر تاب پای میان
 نیزه و سنانده خار اجه کشت کفکه اولان غنچه کجی خنده زبان او کور کرد و مقابل
 تیغ کشید زبانه آفتابه قرش و نیلوفر مانند با شکرین جوش آب کوندن نیلایا ایدر کرد
همه بادل شاد و بکس از جنگ **همه** کیتی از دوزبانام و تنک
 زمان کینه و از زنده زمانه فی شرم ایلد رزم ایدر کرد و منکام کیر و دآرد
 سپهر غدار ایلد جنگ پیکاره عزم ایدر کرد **دلبران** کثیر افکن جنگ جو
 همه کرده چون کثیر با جنگ خو مثال دریا پر خورش و مانند ماهی جوشن کوش
 شیران دلبران که نیرسان سنان دن غیر ی پشته بکمر کرد و خور و خور
 نیزه که ازان ایدی که نوش خون دشمنان دن اوز که اندیشه قتل کرد **عسکرین**
 دلبران شمشیر زن بشمار مردم کزایه جو پییده مار صوای جالدرانن بلایه
 واقع او کو سفارت سهام زبان اوزی حسانه مبتدل و محاربه با حکم و لطف
 مقارعه بالترماح و کسوفه تحول او کو تیر آهن بیکان قوت مظاهرة کمان ایلد
 قلب دشمنانه یوز او ریشیدی حمله کر ز و نیزه جوشن سپهر مانع او لمیوب
 پنجه دلاور لک روی جیانی خاک نمائ سور شیدی
 روز کین جیتی که گردان در حرف میدارزم **بشت** بر جان و جهان گردن در بر یکدیگر

تیغ

تیغ کاهی تن زد کاهی زبان کردی **بردی** ز زخم زبان کردش نر مغز
 تیغ بلان عمان رزه و خفتان غواصلر کبسه لاله جی ابرر **و نیزه** خنجر مثال عیار
 خوابه سینه پهلوانان در لرزاید **بجسته** قلع و عسائیه عتیقه دولت ششم ظفر
 ایلد خندان و آثار کلام معجز نظام **الا ان** حننه الله هم الغالبون ظاهر و عیان او کو
راز بهار تیغ و نصرت لاله راز کشت دشت کرد ابر و کوس عدو تیر برق و خون
 شاه اسماعیل بقیه السیوف اولان فی ذیل ایلد فراری فراره و غوغایی نهیمیه
 بتدبیر ایلد **بو** حالن پادشاه معاشمول جنگ نبرد شاه محذول مشغول
 اولد قن **اعراض** ذوالقادر یزدن امیر علی بیگ که زمانه سنده رستم اسفندیار
 و آتشن مدهوب و صوب و کیر و دار **سرمه** میدان ششی عت و دلاور مکن رالیه
 مضار مهابت سرور کجی جادی جاده انصافدن مخوف و دایره سعادتدن منصرف
 او کو اردوی همایون کلن نرخی غارت ابر و بیلد اولان مسلمانان و اصل رتبه
 شهادت اید و کنه اول سلطان عجم و عجب قواره غضبی جوشان و عمان قهر
 زبوی قوشان و آتش خد تلمری فردوزان اولد قن فرمان فضا جویان
 ظاهر و عیان اولد که بعضی ابرام مقدار شکر شیر شکار ایلد اولاطیفه طایفه
 دمار الهی الواقع خواص خدمت ستاره شمدن **بر** کرد و می که عیار میدان کارزار
 نوبای دولت اعتبار بلور کرد **وعین** الجوده بقایه ظلم از نگاه و عرصه و عاده
 صنوبر کرد **حدود** و عوانیدن حدود و مانی ترجیح ایدر کرد و طره میکن رماچی
 کاکل عینین ملاحدن تفصیل قلمور کرد **تعیین** اید کلین و دلبران کارزار
 انظار تیغ ایدر ایلد نام ناسعودن دفتر وجوددن صکت ایدر احوال نخت
 واقعا **مصدق** و حال کان لم یکن شبانه کور اولد
چه حاجت بیا نش که خاطر **پس** دفع اعدا بترتیب شکر

و اول خردنگ پسندیده و شاهانه مظهرند بر سی و دخی بو مطلع در
 نیست بهود و شوها و فرس انی ناما بهر جمعیت و لهاست پریشان و ما
 و بوابات بادشاهانه و کلا شجیعانه و انزکدر منسج و دخت سایه پر و درونم
 منسج و یصل و دزدیم کور سر سرشان زور بازو بختم همخو زمان سروریم
ذکر سلطان سلیمان خان اول سلاطین نامدار و خواجه ذوی الاقدار
 بری دخی اول شاهیم با دشا و دیم شیم سلطان جشد نیکین خاقان خرد و
 آیین و دراب خورشید لکوس افرا سبک سلیمان نیکین خورشید جهان خلعت
 خورشید آسمان آسان و رافت نثره نثره ذریه بعضیها من بعضیها کرامت
 احتوای انا جعلناک خلیفه فی الارض بادشاه و لی نعمت شهنشاه فریون
 محمود روان کجسر و کعبه و سجود جهان اسلاف اتحاد و اجداد
 زچهرش سپهر برین سایه ز قدرش فلک کترین پایه جو خورشید کو آسمان زاکرت
 شیخ زرافشان جهان را گرفت بختش هم سر و آن سوده تاج
 شیش هم خروان داده تاج منظره جارق مناقب مفاخره پنجه
 رواق ادراک عقل عاشر لایق سلطنت و امالت ارضی مغبوط صلاطین
 مستقبل و تاج برج خلافت و ابانک کوکب برج شرف و سعادت روزنه
 رواق هت مکتالا بنیغ لاحد من بعد مالک ملک سلیمان خاکیس ملک جهان
 شهر بارکان بایم بدین عرصه ملک جش زینکین مطلع افتاب جهان
 جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم منشور دار بنیغ بلین عسی رگم ان بهلک عدو کم
 صفد مصاف کمال اوصاف سنجاسدیر الطاف و اعطاف
 شهنشاه مقبل جهاندار مفضل سپهدار عادل جهانگیر صفدر
 حکمت جوقان کجمن سلیمان بصولت فریون بدولت سکندر

کو ملک العوب و جسم غیاث الوری ملاذ الام حافی بقیة الاسلام
 راعی رعان کافه الانام قدوه سلاطین شرق و المغرب حافظ الدین
 المبین بالنعم الامم و الجند العالی **توبه** نطق العداة بفضله لظهوره
 کرما و قدوه صوا علی اخایه السلطان الاعظم مالک قی الام حاشی زفات النعم
 ناشر القوانین السلطانیة عاشر الخواصم الغمانیة السلطان بن السلطان
 سلیمان خان نور الله و قدوم و فی قصور الجنان ارض خد ستریدر کفلس
 سر سطر حجه در بر بادشاه عالیه ایدی که خوار عصار و دهوره زینت
 ویرن جوامر زو اهر مفاخری و صعب امور جمهور متذلل اعنه و نواهی و ادوار
 ادرار غامغامدن ب طین قلوب انام کجئات بحر و شکوة سر خرافین
 اشعه و مصباح غیاثک بریق و لمعا کاتنها کوکب دری در راس پایه
 آفتاب وجود بار علی افق ولادت دن لایع و طالع او کورست و شری
 شوالنده دولت و اقباله سر بر سلطنته ملکوس بر اجلا لکر واقع اولشدر
 حفا که نه خورشید عنوان و خاقان کندر قدر و شان ایدی که قامت سر و تاج
 جویبار سلطنت بالا کو ستره بی اختیار از زمان مانند آب روان پاینه
 بوزر سور و خدمته اردوان کجی دوان اولدیر و کلین ذات سعادت
 انصاف زین جلالت و کستان ایالتدن و حیران اولک تاجداران جهان
 سالک لیلان آشفته کل خندانی اولدیر آفتاب سلطنت بایر
 افق فیه وزیدن بدیدار اولک فتح و نصرت سببا و از ملازم تنی فرخنده لغا
 و میمون و ماهی جبر آسمان نه مطلع اقبال و کاهرا سندن نمایان اولایه
 دولت و اقبال عالم مثال محیط خمیم مهابونه اولشید **توبه** جویبار جنت جهاننداری نه دایه
 سرافراز دید قیاح کبانی زینت اور و روشن شد آفاق جهان کر لعه برقی پمانی

شهر یا غفور درایت و بهرام بالت کامکار سکنه جلالت و بهمن است
 و سولطان الاظم الاخضر و خاقان الاعدال اکرم ظل الله تعالی بسوطل علی نام عالم
 صاحب نیل الارباب و صاحب ذیل الهمم مالک الامه الکبری و سولطان الساهر
 وارث الخلاقه العظمی کابیر اعظم کابیر رافع ربابات الدین لازم موضع ابیات کفره المظهر
 و غم انوف الفواخه و الجباره معفر جباه الاقبال اکاسره العقل الحادی عشر
 الشمس الارزهر و البدر الا نور سلطان شرفین خاقان الخافقین الشامل
 عدله الحادی لمصالح کافه الامم الکامل بذله الوافر المتدارک امور الخواص
 و العوام السلطان بن السلطان السلطان سلیم خان علیه الرحمه و الغوان و
 اسکنه الله تعالی عرفه و صفات الجنان حضرت بکر که مخلص کبری سیکندر در حق
 برادش فلک دستگاه و ملک استباه اید بکر فلک منبع و سپهر برین جنبه
 و جنبین آستان بر نمکینه سورینجه رفعت جلال بولمر و قمر عالی قنرلت
 تراب علیه بر عظمتند فتهلل و منیجه موسوم اسم لال و لمر کره نرادی مالک
 اغوا کریم اولان قدم سعادت م و جلالت تو اطرینیه رویال ایتمکله
 نامه و اثر بایه بکتر و خاک پاک ستر سما کیه تقبیل نعال جنول بر اجلائی
 اید لال سما یه بنخ ایدردی **شهر شاهی** طهر روشن فلک
 نهد به پیش تو بر خاک بتره پیشانی **سحاب لطف** حی جبه اعنصان
 بستان امکانه فیض رسد اولمغه شیخ و شاب **الکتاب نظارت**
 و تحسین لطافت قلورردی و غمام احسان و انعامی حدایع و ریاض
 الکوانه باران اولمغه بر و جوان مغوم و شادان ارم کرم و روضه
 نعمدن اجبنا غار بید و کران ایدردی **بادشاهی** راسخا و عدل هر مایه است
 درسخی چون خاتم و در عدل چون نوشین روان **هنوز تاج و تخت اید**

سه فراز و کامکار اولمدین بنا کار و بار لرینی توکل جناب حضرت کردگار اوزره
 نهاده ایتمکی طبع معانی نرادرینه پیش نهاد اید و اسباب غیر متکررینه مابقه الله
 للناس من رحمه فلانمک لها خوا یسندن اعداد و مقابله امور رند
 فیض مواهب تو فی الملک من تشاد و ن امداد ایتمکله سعادت کامرانی
 بر وفق امان امانی محصل و مرت اولو اول شهنه درست اعتقاد و پاک
 مشرب بی وجه و بی سبب متحرک اولمغه ترک ذب ایتموب بنار ایا التکریر
 سکون اوزره منی ایکن خام خون اشانی زخم سینه دشمنان دن لیام
 اید معرب اولوردی برادر لری بایرنید خان سالک بادیه عدوان و عهسان
 اولو یانه اطراف و اکناف جهاندن و ابطال و شجاعت کرداندن
 پیچ و کران شکر فراوان جمع اولمغه نقش بند خیال بوضوح و تمنا لی صغفه
 صغیرینه نقش تصویر ایکن که شکر یا جوج اید اسکندر خلل پذیر اوله عا کر
 مور فراوان اید ملک کیم **شهر این** ختم نوکر زذره فروخت در عدد
 ماز فایه تیغ تو از ذره کیم است لکن بومعنادن غافل و بونکته
 زیبادن ذاهل ایدی که شول نهال کمر که آب حوزده جویبار توفیق یزدانی
 اوله بومقوله با ددن لرزان اولم و اول هر ای سعادت مبانی که طرح معمار
 یزدانی اوله بومقوله تعب اید منهدم و ویران اولم **شهر**
 خصمت برای ملک بسی جهد کرد لیک توفیق اصل معتبر و بایست
 آقا الامر بایرنید خان عا کر فراوان اید جنگ بیکاره آتیک اندکن
 و حوم صاحب قران سلطان سلیمان خان شنه بایرنیک بوافعال
 اطوارندن متعبیه و متکدر اولو عا کر نصرت مافردن دیوان بیکار
 و شیران روز کاری طوعه مورچه **شهر ایدردی**

بکه وقفه یک یک صفدار. بکه حله سبب صفدر. جوع از زخم تیغ تان تضرع.
ورک از زخم ریحی ن بگذر. با بهر بران به پسته هم بالین. با پلنگان بکوه هم بستر.
سلطان مذکوره اعانت و نصرت اکنون گویند شکریدی. طاهر قوبه ده جوی
وامع. تلافی عکسین او کو. خاک مو که غبار ماه. و زمین با درد کاه. خدنه
دیده خورشید کا جایگاه. او کو حسام انتقام سر کشان. و تیغ در دامن
بی دریغ ز زشتان خون فشان او کو. تیر و کمان غمزه خوبان کبی فتنه انگیز
و تیغ خون فشان. و نه عاشقان کبی خون ریز او بشید. نیزه جان ستان
الف مثال جان بکره مکان انباشید. و خنجر خونخوار غمزه دلدوز دلدار
کبی سینه بی کینه ده قرار بشید. روزی سواد سینه بر کند از خای
چون باد خوان از شجره اوراق خوانرا. سر دشمنان برک رزان کبی ریزان
و خون بی دریغ اعدای ضرباب سنان جان ستان رزان او لخمی عقیقه نیم
و محله عالمگیر دن بنای ثبات دشمن منهدم. و برق حمله کوه پیکردن لشکر
ضمیمه بظفر منهدم او کو خنده تیغ درنده لرزیدن همه ظفر خند زنان
و اسام حسام خون آسائملر زن. مباسم دولت با نظام خندان او کو
حشر با حمله شمال جه ناب آورد جواغ. با دولت بهای چه بهلوزند زغن
شبه بایرید منهدم و منکسر. و عسکر مور پیکری کجرا دمنتشر. قرار عین
قرار و ثبات. و کبریز ناگزیدی. مامن حیات بلوب. مزار غصص و کرب
ایله. خافا تیر قرب. و خدی و غایت خوف و دهرشتدن سایه
اردینه و کشت لشکر تو هم ایدرد. تیغ اشجاری عسکر جو آرخفیف
ریاحی خفوف ریح ذرات کروه انبوه. و برک کاهی مثال کوه بلور
همانا جنگ و پیکار و عرصه کبر و دارده. فالیوم لایمک بعضکم بعضا

ولا ضرر معنای روشن و آشکارا و کوه میدان بزرگ کاه روز قیامت
نشان املعین. یوم یفرلر من اخیه. فحواسی ظاهر و عیان. اوششیدی
بو حال ایلد مقرر ایت. و مستقر جلالت. اولان اما سینه به واروب
کو اکب اقبالی راجع. و افتاب سعادت طالعی منکشف اولد و غنی ساطع
اولیجی. ایتد و کی خارت و عصبانیدن مادم و پشیمان اوششیدی.
مهر الآن قد ندمت و ما یبفع الندم. مزار توبه و استغفار ایلد
راه تضرع و تخضعون کلوب متمک دامن اعتذار. و قدم سالت و کنت
سالت حاذقه تذلل و انکسار او کو. حماه نامه معذرتی اجنه ضراعت ایلد
متطایر موش و باطن و ظاهری. ظلمنا انفسنا. آیتنی تالی و ذاکر و الغرق
یتثبت بکل حیثین. فحواسی او زره تیر رجال مهر جانیه ناشر
اوششیدی. لکن مقدما کند و به راه هدایتی مشعل نصایح ایلد دلالت
ایتد کلرین. دیده بصیرتی کور او لوب بدر بزرگوارن کوزه کوستر میوب.
و کلمات مواعظ و پندی گوشوار گوش هوش اینک استنکرن. انا مل
استکباری ایلد پنبه غفلتی دخی محکم اید. و حقی اصفای چون قطعا اول
طافه قولی طوتم ایدی پذیرش ففکری. و لا تکن مع الکافرین. خطاب
مستطابنی تکرار ایتد که یا نه جمع اولان شباطین انک اصلا و
اف دینه تابع او کو. ساری الی جیل. جوانی اظهار ایدردی عاقبت
ضمیمه منیر حضرت صاحب قرانه او علی شیه بایرید طغیانک حالی. مظهر
عمل غیر صالح. اید و کی روشن و واضح اولد قدده تیر مامولی هدف قبوله
موصول اولدی. و ترتیب ایتد و کی مقدمات جو مباحثه منتج کلام.
ولا تنفع الشفاعه اولوب وسایط و شفعاکنه جناب یلما یندن.

فلناتینهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجهن منهنها اذلت خطابی وارد و صار
 اولشید. **ا** خودست امید ای دامن مظلوم کن قاصر او تو. **و** ات دوستند کی
 غبار ذلت ایلد زنک گرفته اولسی مقرر ایدی. **ج** مال عفو سلطانی ظاهر و باهر
 اولیخی. **ف** غوت منکم ما خفکم. **م** غاسی ایلد عامل او تو خواه نا خواه شاه بخت
 سیاه طماس کی عقل و انبیاک مفضلالتن پناه اید و ممالک بر جهان
 داخل او کد. **ا** اول شیطان بر عصیان و دیو بعین بر خیزد لان انان
 صنوب خانه بوم آشیانه سنده همان او تو. **ح** مای حمایتی دارالامان
 ظن ایلد. **ا** اول داخلی جنود عا کر سلیمانیدن نهیب فراوانی اولوب
 رعایت جانب صاحب قرانی ایچون فرور شهر یاری حبس ایتد کد صیکن
 اولاد صفایله رتبه نهادنه تیور شدی. **و** مقتضای خست طبیعتنه
 دوشن اوزره همان دارلکی میرینه کتور شد. **ش**
 نه که رایت خواخو رشیدست حاجون بور مادی نعمت مقابل دوشن کرد تمام
 بعد سر رشته خلاف و نزاع منقطع و در اغوش عروس و ملریدن مانع
 و فراحم و رفیع او کوسه اربع و سبعین و شمایه ده سریر سلطنت و خلافت
 جلوس سعادت مانوسری واقع اولشید. **ف** فی الواقع نهال جو د سعود لری
 چونکه کوشن نا محصورا معدود ایلد آب و باب ویر دیر لا جرم ریاض
 سلطنته بالا کوسه ره روا و مقدمات اخوان و برادر رندن یوسف مثال
 مبتلای لآم و ملال او شکریدی پس غنیمت ایلد اوله لایق
 و سرادر پادشاه فرور و ارث ملک سلیمان و او کوب بیطرحانی
 سحر بکران فرمانی ایتد که قبرس جزیره سنی فتح ایلد غنیمت ایلد
 فی الحقیقه جزیره مذکوره لطافت اب و هوا ایلد معروف مهمثال کثر محصولا

ایله

ایله موصوف اولوب داخل جزیره ده لغو و موقوف نام قلم لرنک
 مهری حسن حصین. **ح** رفع الذری و ممتنع الذری. **و** رفیع رفیع خلک مثال
 و ممتنع للبال ایلد یکینه ارض هما و جوازی جوازا او کوب. **م** کرب باد پای صبا
 دامن کوه بالا کسنه رنایا بولق محال و ممتنع و برق جهان نوردده هوار اش
 رفتار ایلد برج بار و کسنه ترقی ایتد سنگ استحال سبی نور غالمه کبی ملتئم در
ش نه بامشرا نهیب تاب خورشید. **ن** نه بوشرا کزند برف و باران
 بو کار حصوله و زیر شتری تدبیر و خودستیم طوای مناشیر حی حس تدبیر
 آینه صور عا ایش تقدیر. **و** حوم مصر طیفی پاشا خد کترینی ناخود ایدوب
 اول زبرد در یادن بیکران یعنی لشکر فراوان ایلد سبب ایل و قضایا ایل
 کبی ذکر اولمان جزیره به داخل ولدقن. **ق** قاطع الحق و ذوق الباطل معبای
 معلوم عا واس فل او کوب. **ب** بغایه الملك الجلیل زمان سیر و مهمل قلیل
 اولنوب سابر ممالک سلامیه به صمیمه اولغله فلاید مدایج شاه کریمه و عفو
 مناقب شهنشاه سلیم و حلیمه نیمه اولد. **و** کان ذلک فی شهره ثمان و عین
 و شمایه پادشاه مذکور انواع معارف و کمالات نا محصور ایلد معروف
 و مشهور. **ن** شایم کلزار طبع سلیمندن شام جان موطر. **و** نایم مشکبار دهن
 مستقیمندن دماغ جنان معبر ایدی. **ب** بواسطه کار کار و شهنشاه کوه
 و قارک اشعار بلاغت شاعرند ندر. **ن** نوای نیده روح افزا او عشا قهر و دم
 دلانی کیمی لالان اولده بر اوز که عالم وار. **ط** طالب کسعی بلوغ ایت کوی یاره وای
 جانی جانانه ویروب ترک ایلد یوغی واری کور. **ک** کوی لبر دن کلای زاهد کماله طلب
 آرزوی جنتی قوجهد ایدوب بیداری کور. **ج** چشم دلبسته عشا فی قتل ایلد دیده
 وده لراحیا ایدن لعل سحر آناری کور. **ز** زلف دلبسته خلقه روی یار اوزره تیور

کور
اول

سه شمس احاطه کج حسی ماری کور ز مهر مهر ندن نه غم عتقه اعدانک دلا
 لطیفه عتقه اول شیرین کفر کفاری شاه اوینی قویوب کل عقله اویم یسلم
 شهنه بیوردی نه حکم ایلین خوشکار کور عاشق صادقه دل برادر اویم یسلم
 مسیح برکت اوزره حکمتی اول خوشکار کور **فصل** او حضرت عالمک
 اولاد اجمادندن که خلعت برکرامت خلافتی پوشیدین اولیدین ساقی اجلان
 جامی جامی نوشیدین اولان شهریار لر بایندج در جمله دن بری اول مطرح اشعه
 عدل و احسان منظره انوار فضل و عرفان مطالع دولت بامهر طالع اولان کواکب
 دراری نیک انوری و اصدا فسططت قاهره دن ظاهر اولان لالی ابدارک
 انشرف و ابهری شهنشاه مود جهر سلطان قورقود در که سلطان بایزیدک
 فرزند اکبری در میان شهراد کانه علم کمال ایلد سر و سر فراز کجی فایز و ممتاز
 و طبع ملک نهاد و ذهن مستقیم رسیدای عالم رشد و رشادده طیران
 ایدن شهباز بلند پرواز همیت فطیله دانشور و کمال فضل کسک سعاد
 صحت لرینه فایز اولو مجلس عالیله لطایف طر فضیلت مفاطر لرینی استماله
 کشف مشکلات علوم و فنون حایر اولور بر مطرح انظار علیته و مساح
 افکار جلایه لرینی اولان کتب علوم دن شرح مواقف جو جان کتانی کور دم
 کمانده خطا شر بفریلد بعض ایرادات بحر و نظیر ایلیر که کمال فضل و فضال لرینه
 اندن انتقال و تنوب اول انار شریفه دن مؤثره استدلال و تنور و فن
 موسفی ده تمام هار تی اولد و غنن عبری ساز نو احتلکده بی بدن و بو
 علم ده دخی صاحب عمل اید و الد فرد و سبک کان مجلس فضایل و وفای لرینه
 کوه افش ن اولو بیور لر ایدی حسین عواد که عود نواز کده استاد
 ماهر و بوفنده عدیل نظیر ی در اواز ه ساز دلسوزی مانند عود قماری

شام جهان و دماغ روز کاری شبکار و خطا ایدرک و زهره زهرانی
 حسن صدای و نغمه جانفروانی مجلس سعادن اید و روب دم نواخته خینا کراید
 ناهید اگر نغمه عود دشمن شود خواه کطدر ابوسه زند بر سر جنگ استاد
 اولان زین العابدین دن که دیار عجم کلمش اسناد نامدار و ساز کار روزگار
 اید یکه اوازده کما کج سنی کوش اید نکر قدی کان اولو بے ریب و کان
 ناله و فغان و اصل قبه جهان اولور د عرصه نواخت ده کان کما کج سنی
 اله الوب تیر تیر تیر راست اید کده استماع اید نکر مرغ جان تیر مثال اوج سماه
 بر آن اولور دی روایت و حکایت ایدر ایدی که دیار عجم زبور یوم روم
 قدم بصدق بهر مدت خدمت شهنشاه الجده سلطان احمد ایلد سر آمد و شید
 بعده سلطان قورقود بود بار جلیل الاعتبار ده اوازده اشتهار موز استماع
 اید یک برادر لرندن بری درخواست ایتشیدی برز اخی دستور ایلد خدمت
 شهنشاه و زبوره روان اولو مساعد طالع ایلد برج سعادت اول کواکب
 سعد ایلد قران اید کده اهل روم دقایق سازه واقف و دقت و نزاکت
 نغمه عارف اولم لرطن ایدوب لی دقت و اهتمام بر فضل از چلوب اتمام
 اید کده اول شهریار کامکار درج دماندن ایتار کواهر شاه اید و
 بیور دیلر که ظاهر استاد نامدارک اوازده اشتهار لرینه دوشن و صدای
 اعتبار لرینه لایق اولان اول دکلر که بوفنده اقتدار که همان بو مقدار اوله
 کلم الناس علقه عقولهم فحوا سید اعمال و کوب بو عملده عدم از عانزه
 کوره اجمال اید و کنه بوفنده برزم دخی خونی علموز و الدن کله کج سنی
 نواحتلکده و اردر دیوب روح افزا نام ساز لرینی اظهار و ابراز اید و
 و پرداخته آغاز ایتدیر حقا که مجلس اید نکر زهره و خ برین فلکدن

هزار آفرین. ایدوب نعمات موز و نه زبر و بم و الحان بدو خوش نعمت استاد
 زمان بشمار حسن ایدوب. بو خجالت شمر ساریدن قاتم چنگ کبی کان اوکو.
 آتش جان گذارنگ رده عود. سوزان اولدم. آخو الا و نه زخمی مقدور
 بذل ایدوب. فضل و خجی سازه آغاز ایدوب. هوای دیگره عالم برتر دن بردار
 ایتدکم حضور شمر بفرزند مقبول اوکو. قبول پراصولرینه موصول اوکو. حضور
 موفور لیسور رندن مفارقت لازم کلوب. دارالسلطنة العلیة طنطنیه خجیه جانی
 مهاجرت اولدغه. ناله ماه تابان. و قرض خورشید خشن اوسع و اکبر
 بر صحن سمن و ستنه صفرا نافع نونهاتس النظارین. ایلده موصوف اولان
 زرمسکو کدن بر عظیم و بالاسنه نارسکوفه سم ایدوب. هزار اعتذار ایلده
 سوز و دلیر که سیر سلطان یعقوب سلطان حسین بیوانک. داخل مجلس عینواری
 اولوب مظهر الطاف فراوان. و مطرح ایلعه افتاب احسن. اولد و کزاکانیت
 بونلدر بادن بر قطره. و آفتاب دن بر ذره در. حال انکه شهنشاه نور اول
 ایدوب کی ایشار در هم و دیار. اولکا مکارر که روز کارده ایتدکری. صوف
 مهتاب کبی طاهر. و نور افتاب کبی روشن و باهر در. و شب و کمل یوا وار در
 بو مطلع شهور. اول شهنشاهه معاف موفور کلماتنددر
 نوتبای خاک پایکدن ایدن قطع نظر. ایکی کوزمه کرکر خیسون ای نور چشم
 و بو ابیات در ویشانه اول شهنشاهه عکاشانه منسوبد زجاج قبابی ترک ایدوب
 غننده سیران ایلوب مهمان اولاین بر زمان. چنگ و ربابک صحبته مطرب عام اوکو
 بر نم بلاده فی کبی نالان اولان بر زمان. که دوشه بین کامی طوب که کوله سن که
 که فان بودوب سر خوش اوکو سکران اولاین بر زمان **ذکر سلطانم**
 بری دخی اول شهنشاهه جم ششم. منبع مروت و کرم. شهنشاهه دیم ششم. و والاهم

عوایان اولاین بر زمان
 عوایان
 عوایان

نور دیده شهر یاری. نور شجره کامکاری جامع کلمات و معارف بدر لامع
 شریف. اولان شهر یار فرخنده دم خدمت سلطان جم. در که هجوم سلطان محمد
 خمر لمرنگ فرزند جلالت جفری. و هجوم سلطان بایزید خان غازی نیک برادر
 مهر بدر شهنشاهه نورده سعادت ساعد. و تحت دولت و دولت
 معاون و معاضد. و اقدام اقدامه مدارج غایت بله معارج خلافته رافی و صاعد
 اولوب. برو سه حوالی سنده نذاتی صفین اولوب. دلیران کیر و وارمیش
 جنگ و پیکار. ایکن بعضی ارکان دولتی نیک و طبع ایدوب. خدمت شهنشاهه فی
 ترک ایدوب. اکثری کریمه سلطان بایزید خانه تابع و فرمان. اولمچی سائر انصار
 و اعوان. دخی بو جا کورد که. کامل کسبهم ان کبی پریشان اولمشید. آخو کار
 شهنشاهه دخی ناچار قرار ایدوب سلطان جم. التیایمیشید. اول ایامده
 خدمت شهنشاهه بر احترام. اعانت سلطان مرقوم ایلده طواف بیت الله الحرام. و
 رویال ستم خیمه الانام. ایکن شرف اولوب نجه ایام. اول مقام بر ختم آمده
 مجاورت. و نجه مدت اولق یار جلیل الاعتبارده اقامت قلمشید. بعد
 اول سر و جو بیار جلالتک هواداری اولان بعضی سفها سله سودا و سلطان
 تحبک انجمله مواد جیلا باشنه او شوب نینه آرزوی نایج و تحت و رجاستنقات
 سبانه تحت ایلده دیار رومه رشت عود فی. باره غنیمته حکم و سخت ایدوب
 شکر مور پیکر ایلده جم و برایکی حشرات الی نام و علم ایلده سلطان عالم اولمق فیدله
 تربیت خیل خشم ایتشدی. لکن دیوان قضا و قدرده طوای ایلالت جهان سلطه
 بایزید خان محرز و مسطور. و حکومت روی زمین. امرت العالمین ایلده اولشاه
 سکندر آیینک بران فرامینه سخته اوکو. ماتف غنبدن بو خطاب ستطاب لب لمر کبی

کمر او لافنده **سرای جهانگیر** و جهان بخش که در حکم ازل سلطنت تاباید
 الفقه شکار زخم خورده مقوله سی و یغین تصادم جمله نگرینی بدن که مظهر
 و خیرها جابده و الهی تکرر السحاب در ظاهر اولان رعد و برق و برق و برق
 هر سان اولوب انش جان سوز و بقتال اشتغال اولوب فرزندان اولوب
 دست ایلدن کربان جانی قور و چون کیزان اولوب و دریای خوف و خطر
 کنار و کران بولق امید بلی کشته وجودنی جانب فرنگ تانه صافید و پیچ مدت
 اول لیمانده لنگر اقامت بر افشید اول بایده روز کار روز کار سمت مخالف
 کلک ساجل حیاتین لنگر شاتی الوکشتی و جودی غرق دریای فنا و فنا اولوب
 روایت اولوب که فرنگ لعین و بد آیین رعایا طاسطان بایرید خان چون
 اول شمشاد سرفراز کی باشتی زهر آلوده استره ایله تراش المیوب زهره شاد
 باشتی انجیل و جسدی دفن چون خطه اسلام کوندش در بر و سه و سه ده
 حادیه جوارنده مد فوندر سگدشت و سیر کاجی سید و ارقام معروف و معلوم
 خاص و عام در اول بار دن بیستار محنت نامه کوند مکمل قصه پر غصه سن
 اخبار و سخن موفور و کرب و سخن نا محصورن ابد او اظفار اید و نفقه المصدور
 بر قصیده دبوب کوندش مطلق بود **سرای** جام جم نوش ایله اچی جسم بوفزنگ تندر
 هر قولک باشینه یازیلین کورد و راندر ساقیاد و سیماندرا ال و رده جام جمه
 بیزه حی صون بکلم چاره بود دفع غم سینه مقصود اید و غم بایر سه کو کل
 بر بدینق اوده مهر نیر سه صیمه کید ز قندی کیر و جم بونی بغلندی نکسر
 بر بوزی کلن جی سنبل لی مل غم نه چون او بر نیش اول لعل شکر باری قدح
 روز کار ایله باری طبر اعمری قدح لبک اگدجه نولاستر فی فاشن ایتسه کو کل

لازمی که عیان ایله اسرار قی قدح چاره بوق ایرمه ای جم و دینی جامه
 قان بود و ب در دله ناچار اکلیم برفق **در شمشاد** و **سرای** و **سرای**
 بردنی اول شمشاد عایشان سر خیل کرده شهیدان جو عکس غر شاد
 سر کران باده سعادت جو و ج تیر و عذر و ستم زحمت چشیدن زهر غذای الم
 زخم خورده شمشاد جفا و صوم و مغفور له سلطان مصطفی در که سلطان طایر جان
 و صوم سلطان بیکم خانک فرزند پو شمنی و اول روضه جلالت و خلافت
 مقدما سر زده اولان نهال بکدر مهور باقی و قوم سر بر سلطنتی انحصار قدم
 هم نظیری ایله شرف و منابر و محافل اذان انس و جانی کوشواره العباب
 بر عنوانی ایله مشرف بتدین قصه مغنیاده ایکن اول مطلع صدق و صفاد
 مانند خورشید بر ضیا طالع و هویدا اولدر اول شمشاد مکه سیمایان
 خلافت به بالا چکوب بعن سجاغه جقدق عینه علیه کسی محل تقبیل عالی
 سده سینه بی عتکف اکابر و امانی اولوب صیت مودت جلالی قبه جهانی
 بر طین و اوازده سحیعت و بالی و اصل غامه مکان و مکی و المغان
 کوسس بالیت آستانه نوبت زن و همای خلافت سر بر جود و رافقه
 سایه فکن بر و ملق خوفندن سایر شهادت کانک والد سسی اولان محمد علیا
 قلاده کردن عصمت بانوی جهان بلقیس زمان خالص سلطان
 اتفاق و زبر پرور و ستم مظهر بدایع الخیال الخدایه ستم بایله کین گاه
 عذر و مکر و ظلم و جورده طور و بدام اجنابی مدام قورر و تیر بر تانیر
 نفاق کمان اتفاق اولان استوده اخلاق اتر ایددی هر چند بود کلو
 تیر حفاک بری خطا ایدر سه بیر ی اتمسی مقرر و تنها بر کس پیش و پیدن
 کلن اعدا به مقاومت ایملک مقصود دکل ایدوکی نو شمردن اظهر و نور در

عاقبت هزار جیل و خدیقلری ایله مشاعر شفقت و عطوفت صاحب
 قرآن مکرر و سرشته ضمیمه خورشید تنویری هزارا کاذیب و تنویری
 ایله مغیر اولوب اولان حضرت صاحب قرآن ملک عراقی سیم بکرانی
 بیور دقلری سفوده ارکلی نام موضعه شهنشاه سده دل بونکر مکر
 و خدا غدن غافل و ذایل و شفقت و رحمت پدری بالکلیته زائیل اولوق
 خیال فاسد وطن باطل در دیور و مال سده سلیمان اندکن خون ناحقنی
 خاکه روان ایدو اول شهنشاه عاکبانی سرخیل کرده شهیدان ایتدیر
 بدر مکرر نیک آستاننی دارالامان ظن ایدرک بلدی که داربله و اخوان اولد
 و ستغفک سماننی ساجل دریای نجات و حیات فکرید لکن عثمان بکران
 فنا و حیات اولد حقا که سپهر نافر جام ده بوظلام ظلم که ظاهر و مطلع ایا بدن
 بو عام حور که دین خام و عامی سار اولد فریاد اصاغر و اکابر قبه آسمان
 و آشیان نسر طایره بچید و صبح و صراخ اولاد آدم و غریو و ناله
 خلق عالم سطح صماخ کیوان و توانه رسید اولد

در بیخ ان سر و فیر شهرباری در بیخ ان قد و قامت بهلوانی
 صفار و کبار صاحب قرآن کامکارک بوکارینه انکار ایدو سلطان فرزند کش
 دیونا ریخ دیشلدر مکررستم دخی تاریخ وفاتی اولمشدر ستراده فرور شوا
 و ایل فانه میل و غنی اولوب خواجه لری اولان سروری افندی ایله مدام
 صحبتی اولغده بو فتنه کرچکن قدرت و مکننی و اید بو اشعار اول شهر بکر
 رفعت ان سرک اگر مهر جهان اراکی سور بوزک هر کون بره ایله تنزل باکی
 خوش قیاملدر دکل بوقش روزگار فی المنزل بنیامان عالم رویا کجی
 سوزن و کانلر کن کچدن دل شری یولده قالدیم ای سی صحرای غمی کجی

بهلولان عالم اولمش قلب استغایله طوبی و خنی دهر النج اوینا در کما
 قراه دن کیدر و خودک نخله باعجب نظم ایدوب در لرد و کرطبعک نیک
ذکر سلطان محمد اول شهریار رک بری دخی اول شهنشاه معاشقار
 ذات محارم پیشه و ذنار چاکسوار میدان شهریار یکانه مضمار روی و کانکار
 ریا کللت و ایالتک سر و نوخیز و نودمیده سی و کلستان سلطنت و خلشک
 کلین تازه رسید سی شیل اسد صهار صو و قمر سار قره عین سلطنت
 و جدالت قره طهر معدلت و ایالت نخل اجل و اسعد شهنشاه شرف و مجد
 صدیقه شهریار بیده سر و سم آمد اولان شهنشاه سلطان محمد در موانع غرور
 دولتی اسحاب جود و زلفت ایله شاداب و موابع ملک و ملتی غلام انعم
 و معدلت ایله سیراب ایدوب روفه سلطنت کشید بالا اولد قرح
 معنیایه سخا و جفده اول ایل بهار عمرده هنوز نو شکفته و خندان ایکن
 اول نهال کادانی چچک جقار و بهار عمری فان و شکوفه جیاق صر صفا و تنزید
 حیات ایله ریزان اولد بیت در بجا که باغ بهار جوا فروخت از تنزید و خرابی
 والد ماجدی صاحب قرآن معانت هرک فرور و محبت تام و شفقت و عطوفت
 ملا کلانی اولد و غندن جنازه سنی استنبول کتور و جاع شریف
 و مدرسه و عمارت بناسنه فرمان همایونی اولمشدر حالا جنازه سی انده
 مدفون و روح بر فتوحی انواع دعا غفرانه مقرون در و حرم سلطان سلیمان
 حنوره و رتبه دیوب و بنار کلر انده درج ایلشد **مصرع**
 شهنشاه لکر نیده سخی سلطان محمد اول شهنشاه نامدار دن بعض اشعار
 صادر و واقع اولوب مشرق ضمیمه بنیدن بعض مطلع طالع اولمشدر
 جمله دن بو مطلع اول منبع صفا و معدن وفا مشرعه ندر

دریا

اول صبحی بلی و مارم با که مجنونم دبه . کرمسون طبع غنچه محزونم دبه .
 بولنه جان و بر ملا بگون اقرار الیم . قنده در کلسون بری اول در کلسونم آدیه .
 او حرم شو کمر بارم استند که نگار . جس اید و جاده ز نخد انده مد یونم دبه .
 دال دولت اول کجا بنم می بود نیا دیم . نازله اول چشمی ز کس با که مفتونم دبه .
 دلبر اولد رای محمد خشم اید یک عاشقه . بونیکه بند ایدم زلف بهما یونم دبه .
دگر شهنشاه سلطان بایزید اول شهر یار اردن بری دخی اول شهنشاه نامدار
 دلیر مو که کبر و دار . شهنشاه بهمن جلالت . خان زاده رستم شجاعت
 در صف شاهی . دری رخ شهنشاه می آفتاب آسمان مکارم و معالی
 شهباز بلند پرواز . مطلع انوار الفنا و احسان . حرم شهنشاه سلطان بایزید
 خان در مخلص شریفی شاه می که سلطان بیدم خان . خضر نیک برادر
 کتریدر حفا که او ابل جانده مکارم اخلاق . و و کسم شفا . مذکور و شمع
 و جب حب و تخم و لاکسی زمین بال بالی دنیاده . نکاشته و وزوج او کو .
 سفاین آتوا . بادبان صلاح و سداد ابله مقتضای حال . و مقتضای مال اوزره
 جاری و لغو بارقه اهتمام و اجتهاد ندن ظلم و بیداد . کتم عده سمنور
 و منواری آید . لکن آرزوی سلطنت . ابله اطرهار و لیری و شجاعت
 ایدوب بهادر نامه بر الای جان حای . و ابطال دینه برقاج بطال
 و جان . بانه او شمسکه کترن جنود و عساکر . و غایت مرد انگلی هادر .
 لغنه اغما . ایدوب فسر حقوفن عین عفو قبه تبدیل . و سب طرعات
 ادنی بای قباح . و نامردی ابله تذلیل ایدوب کستا خانه اوضاع
 اقدام ایشندی . تفصل حال سلطان بیدم خان خضر نیک ترجمه برنده
 خبر و سطر ایشندر . و انفع حال اولان اهل ملک تحقیق اول ایدیکه

اول شهنشاه نامدار کوه مثال برنده ثابت و برقرار اولسه خلق عالم امن
 سعادت یوزا و ر و سلطنت و خلافت ایاغنه وار بق محقق و مقرر . و
 سر و مثال کلهزار استقامتد پایدار اولسه مثال انهار صفار و کبار
 ایاغنه اقوب جویبار . ایاالت مقتضای فرمان اوزره جاک اولوق منصور
 و میسر اید . لکن بر الای اشرار خسار سعادت نه سجد مارا اولمقله اول
 بلبل کلهزار سلطنتی آشیانندن کوچو دیلر . و برایکی بد بخت سینه کار .
 اول شهنشاه صفا درونی مثال آب روان . استند طری بره افتقله
 اول شهر یاری یاردن اوچوردیلر . عجب طلال و غرائب اتفاقانندن
 در که مخلص شاهی اول شهر یار جلالت و شنگاهی . بالاخره رئیس کفره
 سر دار رضنه حره . طهارس لعین . خذله الله و دره به التجا ایلکه سابع
 اوکو . ثانیة مخلص یوزا آفتاب کبی لامع و ساری اوکو . حفا که شهر یار زبور
 معارف و کمال ابله آشنا . و دین دل و جا کحل معارف و لطایف
 بیکران ابله روشنا . سجد و لایعده کمالات و عرفانی . اولوب بر حال ابله
 ارباب کمال یانندن خیلی نام و نشان و اید لکن
 کار و دولت بکار و دانی نیست . خربتاید آسمانی نیست
 بواشعار اول شهر یار کما مکارک اشعار بد بخت شعاری و باد کا قلم شجاری
شهر اکبر تحت سیکما میسر میشود مارا . بر تیغ قهرمانی بر کشایم روی غبار
 درد و بلا و غم شد حاصل مهر کردو . بارب چه چاره سازم شد حال و کردو
 درد و کله شها حال دیکر کون اولی یور . دل بر نشان و کوزم کاسه سی بر خون
 وصلت الدن کیده یور دل بچه خندان اوکو . دم فرقت کلی یور غمی کبی لان اوکو
 بولندی برد کسم الوردینه دجیفا . طوتم یوزمی طایکه ای خضر موللا

نامیده نولاشا هی اسم یک فیکند بر بند خورم که بولنم بکه هست
 بن خج ضایع ایدم طول امله نفسی قالدی ذره قدر دلد بود با هو سی
 کاربان ره اقلیم عدم منم لنک طوقنور اولد دلاسمه بانک جوسی
 اضطرابی قول کل ای و غ روان طبله اسکوب انشته خوابه واری بوزن قننی
 شای بییدل و بیمار و کنکاره نه عم سن اولور بیک بالطف خدا دست
فصل ثالث علما و شرایب اند در مخواما نل روم و موجا فاضل فضایل قوم
 چمن آرای گلستان علوم نخل سبز بوستان منشور منظوم چهره کنای صورت
 علم و کمال زینت فرای عرایس فضل و افضال قاطع ماده نزاع و جدال
 حاکم عروق و شراس ایراد و اشکال برهان الا مانل سلطان الا فاضل
 الانی بالمتقطعه الا وایل صاحب التصانیف الغایقه و المؤلفات
 الانبیه الزایقه فایز المالدین الفتوی و التقوی حایز المرباسین
 فی الاولی والاخری حقا که علوم عقلیه و فنون نقلیه و معارف کلویه
 و خرنیه و لطایف حلییه و خفیه ده موسی و ارحاب بدیضا اولو
 سحره بلغا و کتاب عصا قلم از دما دی خوشن بر قوای حور الکفا
 و اناب تسلیم و رضا اوزره اولد قری مانند خورشید بر ضیا ظاهر
 و پیداد روشن و هویداد در **شهر** بامتاب چه حاجت شب بختی را
 و احباب انوات علوم وارد انده عیسی کردار صاحب دم معجز نما
 اولد و ملاحت هوشان حوری لقما و صباحت روی دلبران ملک سبما
 جی محتاج املا و کتروانت و کلدرد چه احتیاج بقانون طب سبجارا
 ذات ملک خصلت نصاب دانشوری و بلاغت و کمال فضل کسری
 و براعتدن صاحب خط وافر و ذوق مشکانه اولد و کالشمع اوقات الهوا

این کتاب
 در
 این
 کتاب

این کتاب
 در
 این
 کتاب

روشن و ظاهر و جلی و بار در وصف او گفتن نه شان هر کس است
 نام او گفتن همین مدحش بس است صبیحه خاطر شریفی تحمل نفوس انواع خفا
 و مهبط انوار جلایل و دقایق دریای طبع کوهر افشانی معدن اصداف کمال
 و فضایل و ذهن و قادمعالی ثانی مواد اصناف جلایل خصایل ابد و
 معلوم صغیر و کبیر و رسوم هر جوان و بزم در
 زدرک غایت علمش عقول فایقه عاجز ز کنه آیت نقش نفوس ناطقه مضطر
 اصناف علما و اشرفدن اهل اصناف اولوب مجابت جانب حور و غایت
 اولمقصد تمام مدح و ثنا و غایت محبت و اطرائین بو کلام موج کاشی و فید
 الی هذا الان فارس میدان فضل و عرفان اولان علما و انشوران بعض علوم
 و اجل و هر برینک تحسین و تقصیر اولد کردن محامد و مفاخر لری حلیه مشارکت
 و فلا ده مساهمت جمله علوم مدن عا طلاع لوب بلکه اکثر علما بکفن اولد و
 معلوم و رسوم این فک فطن در لکن و حوم و قومک جمیع علوم نسبت
 علی السواء اولوب مهربان فایز اقرا و نادره دنیا ایدکی ظاهر و هویدا
 و حوم و قومک مؤلفات و رسائل مصنفاتی اعداد فضایل و کماله کبی
 دایره عددن افزون و مرتبه جعفر دن بیرون در جامع جلایل دقایق علما
 روم اولان کتاب شقایق مسطور و رسوم در که کفیل علم و کماله کبر سن
 و سالدن حکم اشتغال یلنشد اکثر مندا لطیفدن کفیل علم و کماله کبر سن
 اید و بعد ادر نه ده علم بیک مدرسه سینه اندن اسکوب مدرس اولوب
 بنای سرای فضل و کمال شتید و موشش اولنشد حکایت اولور که حوم
 مولانا الحاج حسن زلفه روم ای فاضل سکری و مؤید زلفه اناطولی
 قاضی سکری ایکن ادر نه ده طالع مدرسه سی محمول اولد قن کمال زلفه

که

در

طالب و رغب اولدق مذکور چنانچه زاده نیک منلایه عداوتی و ارایدی
 لاجرم جانب هر دو مدد با دطلب و زان اولمغله آتش حقد و جدی فرزندان
 و دیک رکنیک بغضی جوشان اولورد و خدمت منلایه درونی با بغض
 اولد و غندن طور میوب عرق عداوتی نابض اولمغله جناب فضایل المیر
 طایق قضایس لک ایکنه قائم و ناهض اولوب حضرت منلایه در شرف نوریه
 تیرجا و سرهام طلب و استدعا سن تران ایندیکه موصول هدف
 حصول و مسون دیومهر آن دست تم فراوانی ایله مانع و عایق اولوب
 اول مقبول جمیع خلائق مزبورک هدف بر خفا و نشان غدنک حور و اذرا
 اولمشیدی بالاخره در حوم دخی سکت قضایه رضا صورتین ظاهر ایندیکه
 صدر الف الذکر حضور سلطان جلیل الشانزاده منصب قضایای عرض ایکنه
 مباشر اولدقن مؤتیدار با فضل و افاده اولان در حوم مؤتیدزاده
 خدمت خلیفه زمان و جناب ملک قباب خاقان سکندر نشان خضر سلطان
 بایزید خانه خدمت مولانا نیک منایق و مفاخر و مکارم و مائز دن
 عرض ایدوب مزبورک هلال جود سکود که طابین الاقران مشارالیه
 بالبنان در یوما فیومایندرتابان اولماغی مقرر و اقدام قدامت قتل
 و شواهی فضایل بی انجامه تعلی و تسلیق ایکنه امثال و افراسندن تفوق
 ایتمس عن قریب تیر در دیوب مدرسه مزبوریه فی السوریندر وینه اول
 مجلس بورایه ایله خدمت شاه جهان اجداد و امی دکرک معاز و فتوح
 کثره البرکات و خیر و نظیر او نمیشدر اولش بدسیرک لباسی روحی ایله
 جلوه کراولمس او مهم و زبان ترکی ایله توارنج آل عثمان بایزلمی لازم
 ایدوکی معلوم سلطان پرکارم در منلاد اعیکر اول خدمتک عهد منلایه

کلمه قادر بکله بونوع و امک انامی ذات پراحترا منک شخصه منظم در دیو
 پادشاه فرمان ایسترد کدک صحن حضور شاه جهان بکوته کوفتشان
 اولمشیدی مولانا مزبور ذل فقر و غل ایله دبسته و رات قلب
 نیک خصلتی سنگ عدلت و فلاکت ایله شکسته در بنای علیه پادشاه جهان
 مزبوره اولور نیک فحیح آن ایتمشیدی سلطان بایزید تعویب مزبور ایله حور
 معلوم ایدوب اکثر یا خلع فاخره و جواهر و افرح ایله شان و غنچه
 جنان بنایم احسانی ایله خندان ایدر ایدی فی الواقع ترتیب سلطان
 کار و احسان و الطاف خواقین ذوی الاقدار کتر قوی قوابل روزگار ده
 تاثیر تامی وار ایدوکی ظاهر و آشکار در دست روزگار اصداف الجار
 زخاری ترتیب آئینه قطره نیل بار اولوش هوار اولمرد و آفتاب
 عالم تابدن نوازش شیشمار ظاهر و بیدار اولسه کان جهان لعل آیدار و
 کوه پر اعتباری حاصل قلمزدی **منشی** ایدر سه قطع منازل نولادل آگاه
 هر چند حکم حل عمر و غل الطوق ذکر فضایل هدایل و تعداد مؤلفات و رباعی
 محتاج بخر ارقام و تحکیم قدم دکلدر لاجرم مقصود اصلی که اشعار برن
 اشعار در انی بیان اشک و لوی و اوی در در حوم خط و حال علم و کمال ایله
 ترویج روح علوی ایندیکه صلیح بحسب الطبیعه البشریه لوازم شعار طبع
 تنزل ایدوب کاهی در منشور کجی نثرله جهانیا نیک کردن و کوش و برانغوش
 خزن و اراسته و کامی اولور منظوم کجی نظم خلق جهانک ساعد و دوش
 محلی و پیراسته ایدرد اشعار بر صفا سی علی الخصوص فقه یوسف و رباعی
 نظم جان بخش و روح بخش سی مشهور در اول کتاب بلاغت سمانده اول
 کجی سرتینی فاش ایدی چونار **در اف** دوشه و آنی دلدن شمع مهر بار

سمند طبعه اولور تازا به نکت

حجسته ابیات

در وصف نه او اینست کوشش ایگر بر بریر . ز بر جد لوحه ز رخامبله کس بر
 بر اتن شتری ایگر دی املا . نه نودن جلوب او سینه طوا
در سوت قمر ابرش در کلد با سینه . کوشش و شمش در کلد با سینه
 یوزن کوره دیو چشم ستاره . کجیل ماه ایتن در دست نظاره
در وصف عمارت دور لر بر عماره خوب آریا . که راحت اوله اچک سوز زلیا
 صد فکمی اچی بر دور و کومر . طش نقش صدف کاری سراسر
 وضع سفی کو یا چتر چشید . زرافشان قبه سی چون کوی خوشید
 روان اولوب بوله چون اسفندر . اولور صحرای امل و بدرله بر
 حساب طولی آنک بر عملدر . ابر شمش عمقنه طول املدر
در ترک دنیا شور سمه کنج و مانی ایتن تاراج . که خلق اولدی غنی و کندی محتاج
در وصف چون اولد سمر کون چرخ دو . مداد شب بویادی کایانای
در وصف عمارت نقوشه قابل اوله جوخ طلسم . چقوب بایمنی ایگر دی مؤنس
در وصف بوحاله تنه اوله آتش آسا . که بن آبی بم و بادی زلیا
در ترک دنیا قیای وصل اولور دجامه ازرا . اگر ایشند اولما سیدی جوان
 اول کایست طلبک ایات بلاغت نضایه حد و حساب بوقدر . بومقدار له
 اکتفا اولنوب ترک اطناب اولد . بر نالیفی دخی نوارخ آل غماندر . اگر چه
 اول کتاب بلاغت نضایک معانی نفیس . لکن اکثر الفاظی بختیس اوزره
 بنا و تائیس اولمقله اداسی جندان سلس . و روان دکلدر حاج حسن زاده
 ایلعداوت سابقه سی اولمغین شکایت کونه بواسطاری دیشدر
 این حسن اول قیصه صورت . شرمظهری فطر چشما . با که نوله کر معارض اوله
 ناهل اولور معارض ال . هر احمد بولینور بوجل . و فارسی کادستانی واردر

بعینا کاستان حکایت . نه جمله ترتیب واداسن تغییر ایدوب
 وجه حسن و نهج ابلغ اوزره تغییر ایتندر لکن لطافت و نایب سخن شیخ
 نه مرتبه ده ایدو کی معلوم صغیر و کبیر در . و حوم نگارستانند دیشدر
 بهارستان نگارستان مانیت . ولیکن چون نگارستان مانیت
 و سلطان سیدم خان ایلدانا طوی قاضی سکرکن مصره وار دقح جمال الین
 سکرکی بیر دینک بخوم زاده . آدلو کتاین امر سلطان ایلد نرجه ایتندر در
 حکایت اولنور که بروک قضا سندن تقاعد ایتد کدن انتقال ایدین
 اشجی زاده حسن چلی اول منظر فوریه ده . اوتوز اچمه مدرسه دن معزول اولو
 ذکر اولنان ترجمه نک سوده س بیاض ایتمک مشغول ایدی خدمت منلا زوره
 بیور شکریدی که بن بلاغت نضایک نرجه سن خایه سیاه ایلد کجیفه ماه کبی
 اوراق اوزره هرگاه که تسوید ایدم سیر خاتم مشکفان ایلد افغان خشان
 کبی کاغذ سفید اوزره بیاض ایدوک فی الواقع خدمت مولانا هر کجیه
 بر خور ترجمه ایدو . بادشاه ملک خصلت ایلد معزول عودتن قطع قیافه
 و طی سباسب ایتد خلجیه . تمام و ام مزوره طالب و رغب اولو . هر کجیه
 قوناقده قندیل ماه کبی چو اغلرین صبا حه چقاروب اقبال پر انوار
 خنک افلاک سوار . اولوب بادشاه معا کردار . دخی سوار سندر ایلوار
 اولنجی حضور سلطان کامکاره . بر جود احضار ایدر کرد . و حومک
 نکت و نوادری جوق و لطایف و مطایبه حد و غایت بوقدر حکایت
 اولنور که افغانسل و امانل روز کار . دن پنجه نامدار لر بر روانه وار . هر کجیه
 منلانک شمع پر انوار . دیدارینه جمع . و باران بهار . و نیل نولوبار . کبی
 کلام فصاحت شاعرانه صدف کردار کوش دو نوب جمله سمع اولنور ایلک زنده

برسی مندا رفیق اهل علم و کمال اما بولد و عی کتبی جمع ایدر عجا بود کلو کتانی
 جس انکدن مراد میانه اوله دیدکن مندا دخی علما زمانه دن کنایت
 و ابناء روزگار دن کنایت ایدوب یاران صفا کتانی الوب اشکینه
 ایدر لر ایله جو جس ایدر من جس خود اشکینه ایتدن اولی ایدو کی ظاهر و پدید
 دیو یویشلر و بینه حکایت اولور که صاحب شوکت باهره اولان سلطان بیلم خان
 ماضی فتح مصر قاهره دن عودت و اول مرز بومدن دیار روم مراجعت
 ایتدن سلطان کامیاب و زرادن برینه بانثوب رکاب هر رکاب عرض
 قضای شیخ و شاب ایدر کن سمند وزیرک لعابندن بر قطره **حراج** جامه
 شاه فلک قدره و اریکچ باک شاه مظفر و منصور غایتج بخصور اوکو
 قصد ایدر که وزیرک سرنی تنندن جدا و جسدن آلوده خاک فنا اید
 آخر واکا ظمین الغیظ و العافین عن الکسل فحوا سنه اقتدا ایدوب
 بعض خواص ندما سی شفاعتی ایله عزله الکفای ایتندی ابرستی خدمت ملایه
 ینا ثوب کیدر کن سمند حضرت مندا جامه دیبای سلطان دنیا بی بر باره
 کل ایله لباس مست لا یعقل و پلاس عاشق در کل کی آلوده ایدیک جان
 باشند جو اوب چشم بار خا طاعا طه سلطان قاهر مغیر و آینه صغیر خورشید
 تنویری عیار کدیر ایله مکر اولمدین مطلع مصاحبتنه مقطع و برمدین و
 افانه پایانه و کلام الحجاب ایدرین جمله عروس کل به بوکونه ترین و بر و
 دیر که ای پادشاه سپهر نمکین سلطان پیشین و حوا قین روی زمیندن
 خلفا عباسیه دن ناصر خلیفه نک که آوازه کوس نهامتی غلفه انداز
 بهر دوار و صدای کربابی مهابت و شجاعتی و اصل قه قبه جمله دیار
 اولندی جهان داری که از لطف الهی بتم کشتن از به تاباهی بر فحوی

لکل اجل کتاب قباب تحت عالجانی دست نهاب جلد خراب و بیاف کو
 با ط خلقت و سماط ابالتی بر مغزای کطی التجل لکت مطوی و تحت
 روان تابوت ایله عزم دیار اخوی اوکو اخ وقت و مرض موتندن
 وصیت ایدر که چون بن قبر ده هم آغوش سنگ و حجر و کنج حلدده محتاج
 بالین و بستر اولام فلان صند و قن انواع جواهر ایله شگون و درون
 خواندن مکنون اولان خشتی بکا بالین راحت ایلک که کما امید غفرت
 و رجاء رحمت اولخت سعادت سرشت در خلیفه آخر نه رحلت ایتدن
 بر مقتضای وصیت اول صند و قن کتور لر انواع عطر ایله آراسته
 حیره صایر علی خشت بولوب آفی حید خلیفه به بالین ایدر لر بعد
 خواص و خدم و مقربان حیدمدن سر خشتی تقص ایتد کلین جواب
 ویردیلر که خلیفه کند و به کلن علما کشف کلین جمع ایدو بر خشت ایدر
 وصیت ایتدی که قبرن بیلد دفن ایدر لر زیر که رعایت علما سبب دفع
 عذاب قبر و اجتناب فوز نکات و آخرتج موجب رخص درجات در حضرت
 مندا بو حکایت نصیحت آفر و روایت عبرت ایلر ایله آنا غضبی جناب
 سلطان عجم و عیدن دور ایدوب روی آتشا کنی انوار سرور ایلد خندان
 ویر نور ایلد و بینه روایت اولور که سلطان کما کار ایلد فرمان دیارنچ بانه
 ینا ثوب کلور کن بر کرد با دپیدا اوکو پادشاه ملک خصلت و شهنشاه
 فلک فرعت مندا خردن استفسار ایدر که فرمان دیار نک کرد با
 حد و غایت یوقدر خصوص فرورک حکمتی و موجب علقی و ایدر
 دیدکن مندا جواب ویروب بو یوز دن کو هر افشان اولشکر که قونیه
 پای تخت خطه قرا ماند حضرت مندا خداوند کارکن همبط انوار و مجلای

اول اجلدن در کد دست و طایغ و طاش و طبر اغی هماغ ایدر مولود بر
 عرصه عشق کور حضرت مولانا بی. طور مدین داخی دونرا و ستنه بولد
 صاحب قران زمان افتخار و دمان ال عثمان فاتح مالک ایران و
 توران حضرت سلطان سلیم خان سهل مانند بیطجانی مسخر یکران فرما
 اید و. و ضرب و شمشیر قهر و جوری. کاسر افسر و زور جوری. و تیغ
 خونبار جان نسان بی عدلی بدل تاج بی رواج اسماعیل اوکو اسکندر
 زمان قهر و مدت سیرده. رنج کوفی لشکر اتمندی بو معنای تغییر ده
 بوقطعه سی غایتی بی عدلی و نظیر در
 از مدته حوق ایش اتمندی. سایه سی اولمشیدی عالم گیر
 شمس غم ایدی عصره شمس. ظلی مدود اولور زمان قهر
 ماه شوالک انجی کوننه سینه اربعین و ستمایه ده روح شریف و عظیمی
 جناب رب کریم و رحمت رحیم و منادی یا ایها النفس المطمئنة ارجعی به
 سلیم اید و. تحصیل فضایل دنیوی اینه کد صکن. تکمیل درجات اخروی. به
 اشتغال بوفنای غور و دردن سرای سرورده انتقال ارکان ابدی
 زمانه سندن ظهر اولان شاعری نظیر مولانا ذاتی یک و حوم حقوق
 وفاته تاریخی خارج دایره کثیر و بیرون مرتبه تعبیر و تقریر در ذنوب
 مات النخیر در و خوار و قدینه. به مقام احمد و کفن مغفوت اقباسنه
 هی خوالکس در. بواسطه بلاغت شعار خدمت مولانا ملک یادگار
 قلم سحر انار و ساجی طبع بر اقدار کدر
 نیمه طویله کورم سن کل نازک بدنی. کند و کرم بوکم اولدیرینه کوزم دگنی
 کلشک آب روانی سا که اولمکنند. اولدی یه نولا کرسنکین دل فداک بدن

صنه کلکون اولدی جام قلمو یا شمدن نیم. ناعشق شعله سی کوزندی طاشند
 ای و کون شمع جمالک نور نیک بر روانه سی. زلفک زنجیر نیک و صباد یوانه سی
 ایشکلدن اشک چشم سایلین کل قلمه رد. فاشر بقدره مردم زاده درای هر
 عشق الدیده سینه بلا کوس ایدر. کم نازه داخی بریر انک لاله زار ایدر
 فان اغلادی سوزلفک خمیده خالیر. قاره یه بویندی خطک طمیلنه لمر
 دیدی دلبر شمع کبیری یانه سولیر سن کجا. چون دل او جندن بر سن یانه سولیر سن کجا
 اولدم قنی ترانه نیرم فغاندی. قلمو یا شمدن قد حده می ارغواندی
 ایات حسن یازیلان لوح سینه ده. درسم کتاب عشق قدی بر خوش زمانه
 صبحدم اجوب کل فم کس کوزن. کوز قوای طومشدر کلر شمس کجا
 احمد شرای روک مقدم و پیشوای. و بوطایفه علتیک مقلد و مقلد
 سر دفتر اصحاب فصاحت. و متهر ملک بر ایت. بلغای روک مرد دلیر
 واقیم ملاجنگ امیر و وزیر. در که ولی الدین او علی دیکلمه معروف
 دابا و اجدادی فضل و رشاد. و صلاح و سداد ایله موصوف. در
 باباسی سابقا سلطان مراده قاضی سکر اولمشدر. مرتی علما و اهل عرفان
 اولان خاقان فردوس مکان. شهنشاه مؤید سلطان محمد و نور
 نهال قابلیتی جویبار تربیت ایله سیراب. و گلشن جهانن انار احسان
 فراوان. ایله سر سبز و شاداب استمکله نبات مدارج بلاغت ارتقا
 و غایت معارج اهلیمه اعلا. ابدوب و لولو کوسل شتهاری نهان
 وزمانی پیر صدا. و اوازه شهرت و اعتباری. فمه حله جهانی پرناله و خوغا
 ایله سلطان محمد خواجه اولد قدس کل. وزیر اعظم و مدبر امور حله عالم
 اولمشدر. حفاکله اشعار در بر رصیح و محکم. و مهندسان قصر عتبت

بنم
 قد

بایسته بی تصور و نظم شعر **ترکی** به حالت **نثر** اکتی اول بود و در **دو** کون
 است و مقدم اولوب خلعت صفا خلعت **مقا** الفضل **لمتقدم** طرازی
 ایل طراز و معاد **در** فی الواقع بودند **اقدام** شعر کی سلاست و تر اکتان
 دور و دل تا بلان کسی ملاحت و الحافتن **مهور** اید **راقم** و قلم
 جدی اولان میری افندی **والد** فردوس مکان **روایت** اید **کر** اید
احمد شاکت او این حال دید و کی اشعار و مقاله جوق حالت و حکایت
 یوغندی **هکره** اید **عالم** شیر نوانی او توراوج دانه غزل کوند **مشید**
احمد شاکا اکتان **ایمکله** اسلوب شعر خوب و طراز گفتاری **محبوب** و **مشید**
 بعضی موزنین انی بخانی دن **ترجیع** اینک جانبی **تصریح** اینک **نجات** تنگ که
ناجی عیسی **در** بوسیدن است **لال** **ایمکله** اول بیت بود **در** **ن**
نجات تنگ در بسندن اولوبی **احمد** کید **که** عیسی کو کله **آهسته** نه دم **در** **احمد**
 اما که **طرح** انصافدن **صدم** **حلد** دور اید و کی **ظاهر** و **کلام** **موز** **نهایت**
حد **دن** **ایمکله** اول و **دخی** روشن و **باهر** **در** **احمد** **شاکا** **وزیر** **اعظم** **ایکن**
 بعضی اصحاب **بعض** **وتم** **ایح** او **غلط** **لمرندن** **بر** **سینه** **عشق** **و حجت** **ایمکله**
 دو معنای **خیانت** **ایله** **خیاب** **پاک** **مهر** **غم** **و غیبت** **ایدر** **کر** **آخ** **سلطان**
مکتبه **دان** **انی** **تجربه** **واقعیان** **ایچون** **هنوز** **کر** **مایه** **عشقندن** **سوزان**
وزلف **بر** **چین** **و کامل** **شکینی** **عمید** **در** **مهم** **دیر** **شان** **ایکن** **اول** **چون**
پیری **شان** **ایله** **انی** **تمام** **تومعه** **فرمان** **ایدر** **و** **سود** **ای** **عشقندن** **فانش**
ایمکله **چون** **دل** **بر** **بیم** **اند** **اک** **زلفنی** **تراش** **ایدر** **روب** **سته** **در** **دعش**
جانان **و شکسته** **مرض** **پیران** **اولان** **احمد** **بی** **جان** **اول** **طیب** **دل**
و جان **ایله** **آب** **کو** **شدن** **دخ** **شتر** **شربت** **جان** **پیر** **و** **ارسال** **ایدر**

احمد **شاکا** **دخی** **اول** **طیب** **عیسی** **خصلت** **شیر** **پن** **ایچون** **و کیفیت** **ایده** **عشقندن**
مست **اولوب** **کچک** **کین** **بد** **بیم** **بو** **بیتی** **دیر**
زلفن **کید** **میش** **اول** **صنم** **کافر** **لغن** **قو** **مهور** **زبان** **کی** **کمن** **و** **ای** **دخی** **شاکا** **میش**
پادشاه **عنبر** **حنوص** **مور** **وردن** **دلیک** **و** **مهور** **و** **زبان** **ایده** **بجنور** **او** **کوب**
احمد **شاکا** **نیت** **قتل** **ایله** **قبو** **جیلر** **اوده** **کسند** **حسن** **ایدر** **احمد** **شاکا** **دخی** **جسد**
ایکن **کر** **م** **قصید** **سن** **دیوب** **کنا** **اقرار** **و** **جورم** **و** **عصیان** **اندن** **استغفار**
ایدر **یک** **پادشاه** **کامکار** **و** **شهر** **پایه** **اقدار** **و** **الکاطین** **الغبط** **والعاقین**
عن **الناس** **کلام** **فرخند** **پایه** **اقدار** **و** **یو** **خلو** **جمیده** **اسلاف** **کبار** **و**
سلاطین **نامداره** **اقدار** **ایمکله** **جورم** **و** **کنا** **این** **عفو** **و** **اب** **لطف** **حس** **ایله**
نقوش **و** **ایم** **و** **عصیان** **نهی** **مهور** **ایدر** **وب** **بر** **وسه** **ده** **او** **توز** **ایچ** **ایله** **تولیت**
سلطان **اور** **خانی** **احسان** **ایدر** **مطلع** **قصید** **کرم** **بود** **مطلع**
ای **محبط** **کر** **مک** **قطره** **سی** **حمان** **کرم** **باغ** **خود** **ایدر** **کفلدن** **طولو** **باران** **کرم**
قول **کناه** **ایسه** **نولا** **عفو** **نشان** **کینی** **طونه** **لم** **ایکی** **لم** **قند** **ایمیش** **فانی** **کرم**
روایت **اول** **نور** **که** **اول** **موش** **قواعد** **فضل** **و** **عرفان** **و** **بانی** **مبانی** **علم** **و**
ایقان **اولان** **شهادت** **مکتبه** **دان** **سلطان** **محمد** **خان** **علیه** **الرحمة** **و** **الغفران**
قصید **مهور** **بی** **او** **فودقن** **بو** **کونه** **کو** **مهر** **فان** **اولش** **که** **نوع** **عذوبت** **بیکان**
و **فضاحت** **لسان** **که** **وجود** **احمد** **ده** **نمایان** **در** **سلاطین** **دن** **اقتاب** **وجود**
زوال **و** **کمال** **فضله** **عین** **الکمال** **ایمر** **کمال** **و** **تحض** **خیال** **در** **والد** **درد**
مکان **خطی** **ایله** **مسطور** **در** **روایت** **اول** **نور** **که** **احمد** **شاکا** **ش** **بهر** **یک** **بعض**
خدمتکار **لرینه** **معلق** **خاطری** **واقع** **اولوب** **بعض** **خاسد** **لر** **غم** **ایدر** **یک**
پادشاه **تحقیق** **حال** **ایچون** **علامت** **استند** **کن** **مهور** **جوانک** **زلفنی** **مکملدن**

پنهان ایدوب البته احمد مناسب حال نظم مقال است که کرد و بمشکر الحقیقه
 ایدوب بجه احمد شایسته فی الحال بمشکر که بیت اضلاع لا ویری جعفر حبس کلیدن
 کم ظلم الن اوزندی قنی فتنه لری وار. انتهى کلامه کسریف بعد حضرت
 امیر او فافنه متولی او کو. اول حضرت بزرگوارک اسرار قلبیه و انوار صمیمیه
 استمداد ایدوب بونر جمیع دیندر رب ای عالم ولایت سلطان اولان امیر
 وی ملک روم رحمت رحمان اولان امیر بونر جمیع بندی دید کدر کمر روحانی
 حضرت امیر خورده طهر و معین و دستگیر اولوب سلطان او کی سخا غی
 ایدوب خبر دلگیر او لشدر بعد جو اند دولت اسلام و صحایف ملت شهر
 انتظام سلطان بایر نیک یر لیغ قصا و توفیق خورشید الجلا سید صدر
 و روی جهان و جبهه زمان لمعات جمال سلطان مزبور و اشاعت کمال
 خاقان مسفور ایدوب منور اولدق بر و کسب خاغن احسان ایدوب
 منظر انار لطف بی کرانی او لشدر بعد قضی عری بقطع و انتهایه ایدوب
 معانی تحت حیادت کذب و مخلص و معجا ایدوب سده انی و سعادته ده جوار
 ملک متعاله انتقال و ارکان ایدوب او اخو عمر بن برو سه ده سخا بی
 ایکن مرادیه جامعک محاذی کنند بر مدرسه شریفه بنا بشدر تریه
 عالیسی دخی اول مقام متصل متوالی در افاضل و زکار و اما نایم دار
 بشمار کنند لراول مدرسه سعادت مدار و فضیلت قراره مدرسه
 اولوب والد فردوس مکان دخی اول مقام افاده فضل و عرفان لشدر
 محمد ته شایسته و منه الذی توالی بوقیه قلبی البصاحه و عیدم الاستطاعه
 دخی افاده و تعلیم و ابلاغ و تفهیم خدمته و اول مدرسه سینه و بقعه
 علیه ده مدرسه اولی دولته و اصل و نایل او لشدر و حوم و مرقومک

تر به سنده افلاطون و غلنه منسوب بوابیات بلاغت اسلوب محو و کتب
 بن مشکوه انوارین علق الرحمن من مدوحه قرمن انداسن ملک الدار از
 راج مشتاق الی استوحه قال روح القدس فی نایحه ان فی الجنات ایدوب
 چونکه اشعار بلاغت شعار افواه اصحاب بلاغت مشهور و ابیات
 مثنای و ناری صد و در ارباب فصاحت مظهر در ایدوب و اکثره اجتناب
 یوقدر لکن تمییز ایکی اشعار ایدوب کثفا و اختصار او شد
 چین لعلک مکمل بکرتده خطاسن بلدم کی پریشان سو بلدم بونر قراسن
 جانه قلم نبوت لعلب بایر استین باش و بر روی هر زلف به کار استین
 کوینی کو مکه دلک کرم اولم شوقی قانع اولم جنت فردوسه دیدار استین
 عارضی خطن فرمتش اول شکر قند کس ای کل تر جنت از جنت خار استین
 مشکک بود در که هر کجه کم عالم انگلسم عشقک یولند اولی خندان بتر جوق
 ایدوب جنت کوبیدن اولم دور بلک لکله آدم الذن ندر حق
 اول صنم کیم لیلی زلفن کر کسیر لیش رحم ایدوب مجنوننه تدبیر زنجیر لیش
 حق لوا عشقن صبح ازلدن لشدر مهر سنی کیم ای مه آسمان کسیر لیش
احمد ایدوب ولایت کرماندن سلطان مراد صنیعک برادر امیر سلیمان
 شواسندن و ناظران رومک قدما سندن در جنگ نامه ادلوبه کتابی و خلق
 ار اسنده مشهور رتلی واردر بوابیات انکدر
 ایا خورشید به پیکر جمالک مشتمی نظر نه منظر منظر طالع نه طالع طالع انور
 جمالکدن جهان روشن و دوا غلن زمانین بیکر کلن جنت نه جنت جنت کوثر
 یوز کدر آیت جنت اوز کدر مظهر قدرت نه قدرت قدرت صانع نه صانع صانع اکبر
 و دیوان اشعارندن اولان مطالعت اعلا سندن که نیت اولند

کوزم هیچ کور دنگ وارجی حق هور طه بنم یارم کمی قشنه بنم کوکلم کمی شیدا
احمد یک دود که کن او غلغله نند آغز عاتنی و خلی شوکت و ریاستی
 واریکن گوشه فنا و انزواده اختیار گوشه قناعت ایتمکله سلوک وادی
 توکل و صبر و غبت ایتمیدی فقر و فاقه متعلق اشغاری و تصوف و حقیقه
 ملایم کفاری و اردر **سمر** زین انجلیکون جسته انسان ایلدر لر
 و اعظایری قورقتمه ختمند او داولر مهر کیشی اودن نغمه بوندن ایلدر لر
 جان یوسفی مهر وجود کن بولر یک کفان ایلنه اسکله سلطان ایلدر لر
احمد سرج و باروسی قله شهر مینو کبی بلند و رفیع و سواد لطافت نهادی
 سماعت اهل کرم کبی سیر و وسیع اولان شهر استبولدند رنایا مینی حیات
 او غلغله در طریق علم سالک و نضایه مالک اولوب دانشمند اکن زبانت
 عشق و محبتدن نه وجود بهبودنه طبیعت اولمشیدی جفای دلدار ایلد صبر و قرار
 مجال و کندوده بار بلای یاره تحمل آجتانی اولمچو حضور حضری مشقت
 سفره تبدیل انکی اختیار ایدو بیل کبی اطراف و کناف معری کشت و کذا را ایدو
 انده دخی مصر پاشی اولان اسکندر پاش نک او غلی درویش یک ایلد قدس
 شریفه وار دق طایر روح روان عالم قدس و جنانه طیران و سیاح جهان ملک
 فنا دن مقصد انقضای سیری اولان عالم بقایه روان اولمشیدی و کان
 ذلک فی حدود سبعین و شصتیه علم و آردنه بی نظیر روزگار اولمغله
 بوج و مستس و دور خبر بدین مختصر معرقلری شهره دار و دیار مقبول
 و قدوح صفار و کبار اولمشدر عمل و تصنیفات صدر نشینان حکمتان مقامانی
 عندلیب وار پر غلغله و آواز اتمشدر و دیار روید بغل و غمی معرقلر آنک
 خوش خوان عراق و حجاز اولمشدر اکثر اشغاری داده و عاشقانه و کثاده

این شهر را
 در این شهر
 در این شهر

فوالمو غله ای جوری و طایان ایلدر لر

و نرکی و فارسی اشغاری و اردر **سمر** و نرور انعام ایلد محالط و مصفا
 و کندوده دخی عجم زاده لک تهمتی اولد و غندن فارسی اشغاری و یکله
 دخی اقتداری و اربدی بو اشغار ایلدر **سمر** زخوناج کرجون لاله پرخون دانی
 بسینه چاکما از دست کلپیر اهنی دارم هر لاکایدان قامت بالا اید
 چه توان کرد بلای که ز بالا اید رفته از جای خود از دست دل بچاک
 دست بر سینه چاکم بدست آوردلم **احمد** قبطاس زاده دیکله معروف
 و مشهور و مکارم اخلاق ایلد موصوف و مذکور در باب الیری لیاقت
 و استحقاق ایلد میر سنجاق اولمشیدی کند و لری یا باباشی اولو بعین
 دیوان سعادت مدارده دوات دار بعین ارباب امینی بعین شهر امینی بعین
 روم ایللی تیمار دقتر داری بعین دیار برگردده مال فقر داری اولوب
 تحصیل مال میرید سعی و کفایه لری اولمغین سنجاق بکلکی ویرمشیدی
 لکن منصب دولتدن گوشه و فراغت قناعت اولی درد یو اختیار
 مقام غلت ایلوب یوز قرق بیک اچمه تیمار ایلد درگاه عالی متفرقه
 اولمشیدی اورته کوی نام سیره خواص و عوام لب دریا ده
 برجای جنت آسا بر آرامگاه ارم این رشک تزیینت خلد برین
 بهر عشرت گاه وسیع و بهر قصر دلکش و رفیع بنا اتمشیدی **سمر**
 بنایی ممکن بذوق و صفا بدیع و ناطق آورد دلکش غیب و مسافر
 و مقیم و مجاور اصحاب معرفت و ارباب فضیلت آزاد و بنده و آینده
 و رونق ایلد اول فقر فلک فغتن صحبت یاران و احوال الفت
 اوزره اکن سه استین و سبعین و شصتیه ده میر فحوی **سمر**
 وای نغمه لاکتزه الدهر فقر حیا موصوف صفت قاعه مصفا

دارم

لرندن

اولوب گشتی وجود غرق در بای قبا اولد بوبر یکی اشارت کفتار نند
 قول اولدی قد کشتی غشاد انجون اولدی شایم غمدن آزاد
 قوم سن بر دم او پیکه الوکی الکن یادش هم داد فریاد
 جفا طاشینی با که انجی بنم ویرانه کو کلم او المز آباد
 هزاران داغ بقدم سینه بن بکابر داغ ایله بکزمی فریاد
 خون دنیای گشت ابد هم سر سر آریوب بردانه فخلص بولما کند
 جامع اصناف فضایل و کمال و منبع انواع فواضل و مکررات
 ذهن وقاد و طبع نقادی ادراک دقایق و حقایق اسرارده مفسر کانی
 زینها بعضی دلم لم بمت نار و رای شکل گشتی کشف مشکلا جمهور و حل
 معضلا آورده کشف شرف نور اولان خیر کامل و عالم فوکل
 مفتوحا الروم جمع الفنون و العلوم سنان حلی افندی خیر لکریک علی زین
 المبتخرین قدوة الفضل المتفردین اتی اعلم ما لا یعلم حلیه جلیه سنی
 ان که اباشیخا کبر شرفه علاوه و خزینه شکیفه فضایل فیه سنی
 نفوذ اولین و آخرین طرف واداده ایدن حسین افندی کفر نند
 مسعود و در کر نایه صدف وجودی در که کز و نک دخی خلقت وجود
 سعید اولد الرشید سعیدی بوالده الحمید طراز بکر طراز و ذرات
 فرخنده صفای فضایل حبیبی و نبی و کمال امور و ثنی و کتب الیه بکر
 و مؤثر در تحصیل علوم مداوم اولد قدسین قاضی زاده افندی ملازم
 اولوب طریق تدریس ناک و عازم اولد در ترجمه لری خیر اولد قس
 فرق انچه مدرسه دن عزول و تکمیل علوم و فنون مشغول ایدی
 ان شاء الله الملك الغفار شوکه که بر مقدار قاید توفیق قرین و رفیق اولد

کلزار و در کارده نخل ارجمند و دودنه بر و مند وجود بی مانند
 ثابت و برقرار و عمر باقی و دولت زندگانی ایله بر مراد و بر خوردار
 اولد که چکدن صاحب اعتبار و اشهار اولور بنجه زماندر که کلزار جهانه
 عنجه دل و جان شایم کلام کوهن نیکه منفعت و دل چین و خا خا کلین
 فی کل زمان و چین صحت و کشف الیه منبسط و منشرح در لاجرم خدمت
 شریفین توفیق و توفیق کند بیری مدح ایلمک معناسنه عابد و راجع
 اید و کی ضمیر میرا ایل عرفانه روشن و لامع در بناء علیه بوندن زیاده
 مکیت خامه به میدان اطنابده تک و بود علی الدوام شایم مر اخی اولان
 اسبابی حب و جوا بیکه رخصت و میرمادی بوا اشارت کفتار نند
 و ایم اوسک رقیبه رعایده بارم بر انچه بوق یا ننده بنم اعتبار
 بعض مطالب و مارب میرا اولوب بر مقتضای بشریت انک ر خا کل اولد
 بو غل شکایت کونه راقم کو و قدن صادر اولمشیدی
 علم و کمال فضله در افشای من عالمه منصبیله و کل اعتبار من
 خا اولد میرا شمدی نوله زور کاره عین عدویه کوز بکر ایده عبا من
 مرآت قلبی که چه سنگست ایلمدی ملک خیر اخرا کلرن اکه ده انک من
 مختلر لیه کار منی زاری ایلمد جو قدر ستاره ایلمه نرم کار زامن
 کرد اب غده گشتی ذال فاله حی سن بر کون موافق اولمیه می روزگار من
 عدم ملکیه کم اولد بکایار و ناک اولد انده داخی سوز وار
 صاحب قران زمان و حرم سلطان سلیمان خان قلعه
 سکنواری محاصره اید کده کلستان جنانه روان اولان شایم
 محمد بیک او غلبدر بنش یک انچه بیمار ایله درگاه عا متفرقه لر نند

مدام اداره کوسر کمال معرفت ده. و دایما اهل سرفا ایلیم معاشرت
و مصاحبت ده. طبیعت شعریه شی اعمال اتمش. و جویدار سلاقت نظمیه ایلیم
نهال کمالی کماله تمش در اشغاری عاشقانه و ساده. و معارفی کجی حد و عد
زیاده در بودن گره یخسیر و نمف چون بوفقیه ارباب ابد و کی اشعار نند
در عشق یاریله و شدم ملا و محنته. با که تبار ایلوب کیرم طیبیا زحمته
کو یک واروب عجیبی و صلیک کیم ارباب. طالب دیدار اولان اتم قناعت حشمت
و صل معشوق ایلیم ذوق ابتدی و یکش سرچش. بجه بر و اصل ایلیم سن او قدر حشمت
اسیج که باشیم غشقیله بوجانند. لیل هواسی ایلیم مجنون کتر ربانند
احمدی لطیفی تکره کسند. نبواسند در دیشدر لکن مرحوم طاش کبری زاده
شقایق سلطان مراد غازی دورن کچن علان یازوب اصلی ولایت
کر میاندر ویش در ابتدا. حالند مرحوم مند فزاری. و فن طبع
تالیف اولان کتاب شفاک مؤلفی حاجی پاشا ایلیم شکت اوزره مصرده
شارح الهدایه شیخ اکبر خد متنده تحصیل علم اشتغال انکته تکمیل فضل و کمال
ایلیمش در روایت اولور که مزبور لیر کون شایخ طریقندن حساب
ولایت و کرامت بر عزیزک زیارتنه وار دقده شیخ مزبور احمدی
سن ناطم و شاعر. و حاج پاشایه سن فن طبعده حاذق و ما بر و مولانا
فزاری به سن عالم و فضلده کانا علی عالم مشهور جمله عالم اولوب
جامع علم ظاهر و باطن اولور سکت. فی الواقع مزبور لیرک احوالی و اطوار
دید و کجی شبات و قرار طونوب هر بری فتنده صاحب اعتبار و
اشتهار اولمشدر. حکایت اولور که قتل و غارت تمور یله دیار
روم دخی پرشدر و شور و تلاطم تراکم امواج و فتن فطره حال

فاذای تور اولوب اما سیه ده کلد کده احمدی تموره قصیده و بر
مشری دید و عرض کلا کرد. فحواشی اوزره متاع موفت عرض ایتد
تمور دخی مزبور رغبتله موفور کوسر مکمل مجلس خاصنه داخل اولوب
دولت تقوب و مناد متنه و اصل اولوب بر کون تمور بعض
دلبران سیم اند ایلیم عزم حتام. ایدوب خلال میاسطه و ایشا کلامه
مزبور خطاب ایلیم التعات ایدوب بوجسن و بهایله به بهانه او
دلبران سیم می. و عالم لطف و ملاحظده بکانه اولان مهوشان
بری بیکرمی بهایه طوت دید کده احمدی دخی کنگ سیم تنی دنیا
طولسی سیم وزر دکر. و کنگ قیمت در دندانه مصر خراجی دکر. لعل کور
انجق و فایدر. دیک بخی بهایه طوت دیر. شاعر مزبور دخی
اول مالک خاین جهان. و ضابط و حاکم کج شایکان. اولان تمور
کور کانه به کسن اتم بهایر. تمور مذکورک بوقول منفورندن رنجور
اولوب. بالکرم فوطه سیم کسن اتم دکر دید کده احمدی بخی بهایه
طوت و غم فوطه در ایلیم سن بر اتم اتم سن. و نفس الامرده نفس
احمره دکر کسن دیر. تمور شاعر مسفورک بولطیفه سندن محظوظ و
مسرور اولوب جیب و دامن غرق در و کهنه و ایمان میان سیم
وزر. ایدر اگر چه مزبورک سکندر نامه می مشهور در. لکن نه مقوله
اید و کی معلوم جمهور در. حقه روایت اولور که احمدی کتاب مزبور
انعیان عصر نه عرض ایلیم کده اند دخی بوقوله کتا بدن برای وجه قصید
بکدر دیر. احمدی دخی شیخی ایلیم طلیس و لیایه و ایام شهر
و اعوام ده. و نور ایلیم مدم و انیس اتمش احمدی نامه شیخی اولیم

بر قصیده دیوبابیرتبی احمدی قصید بخند دیوبابیرتبی عرض ابتدا کن اول
زمانه اولان اکابر و اعیان ناقدان امتعه بلاغت و بیان و صرافان
بازار فضایل و عرفان و لغین کور لر که قصید ایله نظم کتابک اول قدر
مناسبتی و الفاظ و معانی ده اصلک شایسته بوق ایکیلی مشکوة دن
اقتباس اولند و غنی ظاهر و اول نواده عالم غیبک اول در درن
طوغه و غنی نور خورشید کی روشن و باهر قصیده سنک ایسه کتابک
دکدر و بیکله منع سنداخص مرقع در دیوبند عاکی رد و ابواب
قبول و تحسینی بو بوزدن کسده آینه لایح بو بیتی مشهور در اول درخی
نه مقوله اید و کی غیر مستور در فرصنده دشمنه ویرن امان قید فای
قصیده امرایه بر عنواندن صاحب قران زمان سلطان سلیمان
خان دورنم غم باغ رضوان آتش در اشعاری اگر چه حد دن بیرون
اما که در کلام موزون در جمله اشعار نیک آب روی بود در
ناخست فکله جسم او دی بایز مرغی تشنه بزم بیدی در یا صوفی فایز
کی صقین عاشق انتم که اهدا فسوننه بیک کرامت کوستر ره هیچ انامد مرغ
ادایه استنبول نذر قزاق کر طبع و بیکله مشهور در اصحاب خرقه
و ارباب معرفت ندر متانت الفاظ و مدح است ادایه جامع لطیف
ایات و خوب مطلع مشرق ضمیر ندر شارق و طالع او شدر طقوز بوز
اللی ایلد التمش ار اسند خلق جهان ار اسند جان کبی نهان اولغله
عالم عقبا روان او شدر بو اشعار اکر اکر مدی کسه به کجه جهان اچند
باکه بالکش اکر دی ضربی بغله اول ستر اش بولدی کم بولدن خیر کند کجه
نخیر سنک کلدی حقندن انک ای قاشنه یا نیرک سنک

جس نندن ایدر ارادای یوسف جمال روح پاک اهل شقی حسن تغییر کنگ
کیردی بر کز قول غبنه ادایی اول شهرک کاکلی او جندن اولان اشیک
ادایه یک اما سیه دندر او ایل حالند و خاقان صاحب قران مرحوم
سلیمان و علی سلطان مصطفی کت استانه سنه انتاب ایله خدی جلالت
شان اکتب ایسه بیکله خلاصه داخل اولغله کر چکدن دولته و اصل
و نایل اولمشید علم اوارده بی نظیر روزگار و اول فن بر اعتبارده
صاحب اشتیاق لطف اداسی حسنه سنی کبی مقبول اولی لا بصار
اولو مرضی طباع اهل وجد و سماع ایدی حتی شهنشاده نک محبوبلر نندن
عین کیموان دیر لر بر ماه شهر آشوبه مرتجع دیوبند شهنشاده پسر افتد ایل
خدی اعتبار بو شیدی بعد تنه باد حوادث اول شهر یارک و در وجود
تار و مار و روزگار زور کار جمعیت دیوانن اوراق دیوانی کی پیش
روزگار اینه کده استنبول کلوب زمزمه کتاب خونه سلطان کانیان
اولد قدر کنگ آهده فخر خیا صفا حضرت بیاکه پاشا نک مجلس دکت سند
جام مروت و عطا سندن مست قیام و ذرعه دار اول افتاب پر انوار
مقابل اولغله مناصب عالیه به وصل اولمشید قیودان یاننده تبار
دفر داری اکین سه اثنین و شامین و سحابه و عالم بقایه انتقاله
سلوک ایلکله نامی اطفا رفقا ایلد دفر بقا دن محکوک اولمده بو اشعار اکر
اسمان سنک ای ابرو الهالی سمن سین خوشه کوز لر کور مدک بر طاق عا سمن
تبعدن چون کچور دیر کون ای خواستی زوده باشق لدران خوشه جلالت
میر کوا اولان قیاسیگ مهرینه بو سیتی ملا و مقبول باران صفا در
مهر شریف مهر تو بایستد البشیر بر سینه قیاسنده کاشقش فخر

از هر شوای روی که قدما سندن در بهین جبهه مالک و سر
 بلاد روم یکسره دلبه ماه چهار اولان بده اق شهر دندر و اسمی نور الدین
 اولغله از هر تخلص نمشد سلطان مراد خان غازی و درین سالک
 خط اشعار خود کلام منظوم اید و کی ابراد اولنان اشعار سندن معلوم در
 فرصت ال ویرش لیکن وقتی غنیمت بلکم غم مز حاصله مهر و محبت بلکم
 هر سه نیک اینی توزینه نوز لر سوره لم اگر قبول الیرسه انی سعادت بلکم
آزری اسمی ابر اسم اولغله از هر تخلص اید نمشد در مرحوم معتمد زاده نیک
 باغ وجود نغ بهر نهال و اول دوخته متصف معرفت و کمال اولو ک جمله
 اخوانک ولی و ابج و امثال افرانک اشو واضح در لطافت طبع
 وحدت ذکا اید معروف و مکارم اخلاق و مراسم اشفاق ابله موصوف
 نوجوان و نوسال لیکن فرخ بلاغته صاحب کمال ایشدر کتادالا فضل
 والاعلام شیخ الاسلام مفتی الانام مرحوم اوستود افندی لازم
 اولد قدسک برادر مله تی محمود چلی سخن مدر سندن نشانی او عین
 کند و سی دخی او نوز یک آنچه نهار ایل درگاه عا متفرقه لرندن اولغله
 برقاج کون اگر چه پر شوق اوشدی لکن سانی قضا وجود پر جو د معار
 اقتضا بین سکت قضا به سوق ایکه حیف صد حیف که هلال وجود
 بر کمال یوما فیو ماتر قیق و اسباب معارف و کمال آنا فانا لیلقدخ لیکن
 شهباز روح بر فتوحی سه ملت و تعیین و ستارای ده شهر طر الموکس
 بوسرای سپنج و منزل عنا و ریخ دن هدائق قدس صفات انوسه
 طیران ایدوب بلبل جنبانی ریاض کلشن جنانع اشبان ایلد
 اگر فایده غنایت و توفیق اسباب حیاتی جمع و توفیق و سائق

لطف و تائید و ملک مجید ارکان عمرنی رفع و تشدید ایدوب عمر و حیاتدن
 بهره دار اولید اگر چکدن اعتبار و اشتها را او کورد پنجه زمان
 جبهه جهان مرحوم مر قو ملک داغ ظلت له و سم اولغله موصوف صفت
ح صا قلبی مقام ابر اسم اولمشدی بناء علی مدح و اطر لرندن
 بو مقدار ایلد کتفا اولشد بویر لای اشعار انک کفتار ننددر
 کوکله غیر ک گیر و ب جویر لک کوکله نیک وارا ولی روح روانم خاطرنه
 دل بود عوایی ایدر کا و لمیه بارک اوشی ایدر اما که خلافت شهادت سخنی
 آفتدی چوق کوکله ری مانند جو بیار صوفی تسبیح و عصا می کلفامه کش
 خرقه زهد و ریای جوق و جامه کش اول هر و کلفدار کوز لک و جهی وار
 استمرین هر کو نیکه گرفتار اولی ابرین دون و کون حجر کله زار اولی
 بیه دیر بین که صفین سوه جفا کار و سنی ای یوزی کل غنچه رعنا سنی
 بو برقاج ابیات مخزن الاسرار طرز نغ دید و کی کتابدند طبعی مشنوب خلی
 ای قلم نشسته کرسر ز خاطر آشفته یه اولد لنواز کند کی طوطی سخن راز قل
 حمد مقاماته اغار قل ایلد سر اغاز خدا حمدنه اول نشه اقلیم بقا حمدنه
 یعنی خداوند زمان و زمین نقش کارنن هفت ایمان باغ ده خسر و خاور
 شمع فروز فلک چارمین **اسعد** دوخته فضل و کمالدن سر زده اولمش
 بر شاخ پر جلال و نهال سعادت و اقبالدن منتعب اولمش بر غصن باکمال
 نواده باغ سعادت مند ی ثمره شجره فضل و ارجبندی نوره قدس سعادت
 و انصال نوز حدیقه جاده و جلال کوکب اسعد برج مکارم در ی درج
 اشفاق و مراحم **بر** در بوستان فضل هر اینه بلبل بر اسمان علم درخشده
 چون او نزا دما در ایام دیگر ی روشن دی دقیقه شناسه در

زمین

بناء ذات شرفی مصدر رسا و تدن مشتق . و فضائل و کمالات بی نهایت
 و اصحاب کبیری مبرهن و محقق اولوب مثال غبت و اقبال بعد اولان خدم
 انجم و اجد در که سلطان الافضل برهان الا تامل . عیان بیکر ان فضل و
 عرفان تو لا لای صدق کون و مکان . خواجہ عالی بهم . و بیا جہ وجود کرم
 منطهر حسن شیم عون انوری غبت لایم . کان احسان مروت معدن صدق
 و صفای جوهر نزل و ساحت عنقر فضل و حکم غلبان بادیه محنت و غنایه الطاف
 مجد و غنایت بی خنایه لری مرثه ها دی . و کلام لطف و صیافی بلبل دل
 نغمه سر آ اولمه باعث و بادی اولوب طهر الطاف سبحانی فضل و ملکات
 نفسانی سید علما و سعد الدین ثانی اولان خواجہ افندی حفر نکر نه فرزند
 بهمان والد بزرگوار لری بر فحوی کلام رفیع المقدار تبارک الذی جعل فی السموات
 بروجاً و جعل چهار اجاق و قمر امیر آسمان ذات البروج در که بود کلو کواکب
 ثواب معارج و ج اندن طالع و ثابت اولک . و به شبهه بدر بر افوار لری
 بر مقتضای و البلد الطیب کخرج بناته باذن ربه . بر طیبیه طیبیه در که بود کلو
 نهال طوبی مثال اندن خیران و ثابت اولک **مر** نعم الاله علی العباد و کثیره
 و اجلهن کانه اولاد . بر شجره طیبیه که ماصدق اصلها ثابت اوله مظهر و فرجها کمال
 اولسی محقق و معلوم . و بر نهال بر افضال که خاک پاکین حاصل و شش اوله بر که
 بار که کشید بالا و سایه پرور اولسی مقرر و مجرّم در ارادت از لیه کردون
 ابامی قلاید فضائل و انجمله مزین اینک متعلق اولشد . پس کمال احسان و مکرمتدن
 بود کلو لای کران قیمت . و معدن فضلی غایه دن نیمه بواقیت گرانمایه
 ظاهر اولسه غریب و کلد . و غنایت لم بزیل کلمستان جهان از بار جی حد و کرات
 پر رونق و بها کلمه نه ظهور نمیشد . لاجرم نیمه نهال فضل و نوال کشیده بالا

اولوب اغصان سعادت و جلال شود نما بولسه عجیب و کلد . حقا که ذات
 خورشید امارتک افق موقت و فضیلتدن بر مرتبه ده ظهور و طلوعی و مایل
 وجودیه قرینک چمن ار دانش و نمکسندن اول و جمله روز دینوع و وارد که
 عن قریب غنایت کریم مجیب الیه . ارجاء چمن جهان . و انجا گلشن جهان
 ایلان دمان . از بار ذکر جمیل و مدحی جوی ابله مروح و مزین . و صباخ سکان
 دایره امکان . صفت و صدای فضایل و عرفان بکلمه و مطنن اولسی مبین معنی
 املال وجود پر اجلا بوی فیه ترقی اولسه رواد که دایما انوار فضل و شمس
 اول خورشید نواردن تلقین در . و میدان جهان ذات بر عنوان رشد
 و رشاد . ابله استقلال استبداد بولسه سزا در که اولک سلطان اقدیم فضل و سداد
 اکا اعانت و امداد اوزره در **مر** یک شمه از شما بل اف کریبان کنیم .
 جمع اید از مکارم اخلاق دقتی . بر محمد دوم معاصر موم در که آیات سعادت اقبال
 جبین مبینند معان صبح صادق کبی طاهر و طبع . و دلائل بی نوحه جلال
 ناحیه ناصیه سندن شعشعه خورشید شارق کبی لامع و بارق در تحفیل فضائل
 و کماله علی الدوام و مواظب و مداوم و ایام شب بلدن که هنگام کتاب فضل
 بجای بدر ضیاع تیموب تمیل لوازم لطایف و معارفه تمام مرتبه مجد و عام
 الولد ستر ایه کلامنه ماصدق اولان ذات نبیه لرینک نظم اشعار بلاغت شعار
 دخی تمام اقتداری وارد . بوبرایکی اشعار اول محمد دوم نادر که انار کلک سمار
 و نتیجه طبع فضایل و نازندند

اینی جمله معنی وجودی کرد محنت آشوب رفت و روب بولو . بلدان روم

اینکند مرغوب اولان نصبت اسکوب بندر بابا سی فلجی بر اسم دیو کله عرو
 اولو ارباب حرفتدن ایکن شمشیر طبع بر تائیرتد جای گیر اولان جوهری ابد
 واول نفع سر نیزده اولان استعداد مصقل اجزای ایلد جلا و بر و علو تحت
 وسمو طبیعتی الیه کسب کمال معرفت و تحصیل علم و فضیلت مد اوم اولد قدس کرم
 مولانا قریب بالیدن ملازم اولو ادر نه ده ابر اسم پادرسین مدرس اولو
 بعد مدرس مدرسه اسکوب اولو بعد برو سه ده قبلوجه مدرسه
 بعد از بنقل سلطه اورخان مدرسه سه بعد ۹۳۳ ادر نه ده دارالحدیث
 مدرسی اولمشد مولانا معایه اول نشاده بونارنج رعنا به دیندر مهر فخری تبرک
 عالم و اهل فیس روشن فقیه افان الله نه مستحق در دارالحدیث اسحاق
 بعد مرحوم جوی زاده واسر افیل زاده ایلد کلوب استبولی محی الدین افندی
 روم ایلد قاضی عسکری قادری افندی اناطولی قاضی عسکری ایکن مر نور
 اباصوفیه اوج کوند اول عکدن امتحان ایدو مهر بری قدوه جهان و سر آمد
 زمان اصحاب نغمه میانده بو حاله جلدی ستنی و ممتاز و هر بری کلشن
 فضل و کمال سر و سر افر از پونه فضایل و معارف کند ورنه ماه و کال فی الایام
 و التلبا قال انش واجب لاحترام و لاجلاله در اچکندن بری اختیار اولو سر
 غیر نیک شیشه قلب فضایل پیشه لرینه انکس و کلور دیو جمله سی مدرسه لرینه
 کتون دیو فرمان شاه جهان جوایز ایملین هر بری بنه بریو برینه رجوع
 ایتد کله صحن ثمانه هر بریک ذات موفور الفضایل الیه قصور هشت باشند
 مانلی و زینت ثواب ثوابت فکله ثمانه عادل اولوب قدوه ارباب استحقاق
 ذکر اولان در حوم آجی جلی دخی اول مقام و اسرار فانی اولمشد
 وکان ذلک سبه سبع و ثمانین و تسع مانه دیدم ناریختی صحنه شرف در

تاریخ واقع اولمشد بعد سه اشترین و تلف و اربعین و تسع مانه ده
 شام شریف شرف انجانه قاضی اولد قش کند و نک فطر کونه بونارنجی عجب واقع اولد
 شهر ذی الحجه ده غم سفر شام اولد بشلدم باز مغه ناریختی اخلاص اولد
 کذک اول رافعی مقدسه یه و اهل و مدینه شام سعادت احتشامه داخل
 اولمغه قریب اولو صالحه نام موضع ظاهر اولجی اول نظیره نظیره یوزندن
 بو مطلع دخی کند و اردن صادر اولور **جنت قوخی** کله بشلادی شامه
 ابر شدی کبی قافله فرزند شامه **قوافل** سه تسع و اربعین تسع مانه ده روز
 پیر و زمره شام دلسوز اجل ابرو کار بان جیات و بقا سه منزل عجم و فنا
 محل اولد حالت نزع بونارنجی باز شد کلبی حالت نزع و بدی ناریختی اسحق
 یونلدم جانب حقه باشم آجی بالین ایاق حفا که غایب فضل الیه مبداء فطر تن
 مشمول و مندرج و غایب فیض نامناهی منشاء نشانه مکنون و مندرج
 اولمغه فذکله ح فضل و افضال و فهرست کتاب رساله کمال عنوان نامه
 معارف و شنه بیت دیوان لطایف اولد و غنذ غنری فن مضاحت و بیان
 شنه زمان و اشعار بلاغت عنوان و در در جان ابر فغان اولمشد طرز اشعار
 عاشقانه و کثاده و الفاظ و اداسی حسن صد کبی تکلف و تصنعن ساده
 بواشعار کند و خوب دفع ایتد فی کمال کاجانم فدا بر قضا صودک کیم ایتد می قربان
 زاد مر غصه و غم درد و بلا فافله من جکوب کعبه کوپو که کبدر راحله من
 چشم چشم سارینک عجب خونین افر کاشی مکر و اریه اول غنیک حکر طاعت در با
 باده کم نوکش ایدرم آبرود و شب باران قطره قطره دو کلور و شیخ خونبار
 و وحسند خطک طلاله جان و دل الون شول سپاهی کبی کیم بلین کبی حال الون
 ین جان قصد نه عسکر جکر اول خط سیاه ین چاسوس مر سینه به کله دی الون

قدر که بلین ایر سه نولا و صلیکته . بر زمانه که بکم منصبی هجابل الیور
 در دهر که کچرا ایل اولان اسحاق کبی . خوبه صحبتک ذوقنی ناقابل الیور
 جان عذابدن بزی قور نرغله کچرا ایل . سر خلاص ایلیم کل سا که اولون منتم
 اغر که او بسم حکم کبی کلور دی جور که . ذره جبه یوق طالع طالع جبه وار دهرتم
 کونده بیک کز او کلید کیدی ایام منیم . قفق بیرون دیه سن جو قدره بجا منیم
 هم اندی صند سابل شکم جو ایلکی . کوزدن کچورین کیشی حسنک کت بنی
 مشکین خطک بلور دی لبکک دخی کون . جو قدن دلردم اچکله مسکت شربانی
 خاک اولدوغم فایو که سنک بلورم . حاله مکدر اولدی صباکک ورا کله
 غل سمندی بجر کونشد فرج ویر . بر مهلقا کبی که کجیده جق کله
 کو کل آینه سی صافیدر اما . نماش بو که بر صاحب نظر بوق
 و حوم غایت رند و ظریف اولفله دلبران ایلیم ندیم و حریف . اولوب
 صحبت مهوشان سیمانه طالب . وجان و دلدن معاشرت و مناد تکریمه راب
 ابدی جمله عمر نه میر جزدان . و سر حلقه قلندر ان . کبی زن طایفه سنک مهر مهرن
 طلاق اطلاقه تبدیل ایدو . اخ عمره دگ محبوب دوستلوق منده بندن کجول انتم
 مرحوم مرحوم سر دفتر اصحاب فضایل و عرفان . و معارف و کمال ایلیم مدوح
 زمان و مقبول دوران . اولغین سپهر سلطنت آفتاب رخشان . و اوچ فعت
 وایالت خورشید نور افشان . اولان افغانی رال عثمان سلطان سلیم خان
 علیه رحمہ اللہ الشان . عربان فتحنده اکبر اشعاع سلطنتدن اکطال
 و ندیر اموال ملک و ملتدن ملال کلکدن تشیط طبع و تشیخه خاطر بون
 انواع معارف و اسرار و ما هر بریج کسنه طلب اندکدن ارکان دولت
 و اعیان جهرت و حوم و قومی و غلطه قاضی برو سه لے ناله جعفر جلی بی

و محتاج قاضی کوسه برنی تعین ایدوب بات و یاقرن کور و بجنوت
 کوندر لر بونکردنی واروب پادشاه کردون و قار سه و شکار افند اکبر
 بیلدن قتلر و آلات و اسباب سفر ایلال او پر لر پادشاه و ج غضب بونکر ترک
 ادب ایدکله غصبان او کو قتلدرنه فرمان ایدر . اخ اول پادشاه سعادت
 استیناس بر قنوی . و الکنا طین الغبط و العافین عن الناس جو اید عینا
 خط احسان چکوب . ایدکله کجی کناج هجو ایدر که ایلر بو حالدن غافل و ذاهل اسحق
 چلبی دستنوس سلطان جعفر جلی یک تقد مندن متاثر و دکلیر او کو بویستی دیر
 آل او پیکله بونکون بیزمه جعفر . او کم الدی ایاغی سینی جقدی .
 جعفر جلی دخی مقابله ده دیر آل او پیکله بونکون بیزمه اسحق . سکرم کبی سوگد کونن
 بصد شهر با سپهر اقتدار شطرنج اوینارکن خورور که دعوت ایدر که بونکردنی
 جبه و دستار و مندا یانه وضع و وقار حضور پادشاه کامکاره وصال و شرف
 صحبت و دولت مناد منته نایل اولد قلدن پادشاه معادله بونکر اوضاع و
 اطوار لرندن تا دت ایدو . فی الحال شطرنجین فراغت قلوب خورور که قطع
 معارف و باطلایف قفقسی جایگزین دیو اچار دن امتحان قصد ایدو .
 و زبور لر ایلیم جدا یله مصاحفه آغاز ایدر که لکن بونکر فرزین طبیعتی
 کچر و کلک ایدو فی الحال حضور شاه فخش و خوله باشلیوب بری بریله اسب
 می وره و لطیفی سورب اول دیدکله ری آیتا و قیوب کوشمکه بشر لر
 پادشاه ملک خصال ابتدا مجلس بونکر که بوجالندن بجهنور او کو بیزمه حساب
 استک ایدو بونکر بی نوال را یشن یو بر مقدار بخشش و نوال ایلیم بیزه یو
 ارسال ایدر . والد فردوس مکان بونکونه کوه افشان اولور که ایدی که حوم
 جلیم چلبی و پادشاهک غیری محبلی بونکر جسد ایدو در انک شهر بایستوده

او صفی ز نور رسد و مضمونه حیل الیه آستان شاه زخل مجلدن ردایند
 مصحبت صوره بادی اولور لر بولردخی بر مقدار توقف ایدر کور که حجت
 بکونه اولور لر دخی موافقت ایدر لر لکن ابتدا جمیع و مقدمه موافقت
 اولمغین پادشاه بولردن نفرت ایدر لر بر نور کر خفت افعال و ذنات
 احوال و نیز استدلال ایدر لر و آب و نوره و حرم آتی جلی مسرت و تفت
 عمری و اصل نصاب مقامات ربانی و مبدا کمال انشی اولوب بلوغ حقیقی الیه سستی
 اولان سن اربعین و اصل اولدقن داعی توفیق خلقه انابتی خلوتخانه دل و جانیه
 اوروب دلیل هدایت قوافل استبانتی پیشگاه خاطر پرتابه ایدر کور
 زمان کمالات وصال غوانی خوش اولمز و ظهور اولان شیبین شراب اغوش
 نوش اولمز تارک مافات که عنفوان شباین اولمشیدی توبه و انابت
 میتر اولمز و ملا فی زلات که علواء جوابنده ارکاب اولمشیدی تدبیر و حقیقت
 مصور اولمز دیوب جھنم مدرس ایکن جمله ملاهی و مناجیدن رجوع و انابت
 ایدوب تبت الی الله دیوتا ریخ دیوب توبه ایتیش اولدقن دم حلتنه دکن دامن
 پاک توبه سنده دست شکست ایرمش و حرم عصمت و عفتنه ناحم حرام کیرمش
 حق تبارک و تعالی توبه سن قبول ایدوب جنت اعلا به دخولن مقدار این و توبه اولان
 ابرری اناطول و لایتند ز تحصیل علم و معرفت ایدوب طریق تدبیر و قضادن
 فراغت ایتد کدک صدر نشین ابوان قناعت اولوب مدت مدید کافرستان
 اسیر اولمغین مخلص فرور الیه شهرت پذیر اولمشیدی بعد قید حبس و اسیردن
 خلاص اولدقن نواحی اغوز زده قزل حصار نام قصبه ده منزل مقام طوب
 الام و انجمن نظم ایتشد بواشار ائمه غنیلپی زار ایدن ای دل و خرد ائمه
 غنچه لر خندان ایدن شبنم کبی یا شکره اصغیر بولک خلقدن صاحب قران

طلب
 ساقه

زنا و حرم سلطان سلیمان خانک بنده و بند زاده لرندن و دودمان کثیر انسان
 آل عثمان خانواد لرندن در خلص و خوری اختیار ایتد و کنگ و جلی ظاهر
 و بدیدار دکلدر سوره کبی سیر صحت و پمانه مثال اعلی شرت کسنه ایدی
 بود و در طلب دیارین اخوت رحلت ایتشد و اشاری که حقیق رفیق و رفیق
 رقتی مادر لطافت و ملاحتن عاک و خا دکلدر شوهر ائمه
 کم دید چی خور که دو ستم دشمن کا کیمدر بویوزدن اکلا دن بنی و کیم
 طور موسی و دیمیک ای تجلی ایتشد بنجه دیون دل و دکلدی ای کیم
 کم بکا تخت سلیمانی ده ویرک اصغیر بن کدای کوی یار اولدوغی ویرک
 بر لواء از دیکر چکوب هر بارلف عکر خال خطه اولشد در سر دارلف
 اصوب جمع ظرف و منبع شوال اولان وارد اریکوسند در سبک حال انواع ان
 اولان اصناف کمالات و عوفا فروع و احوال تحصیل و معارف کلیه و جزیه
 ابواب و فصول ایلد تکمیل ایتد که ملل جذبات رحمانیه و علیت بحانیه دل
 جانند علیک و نایم لطایف ربانی هب خاطر طبع جهان اید و نوارق
 عو اطف سنج مشرق خیزندن لغا ایتدکن مصرده شیخ ابرهیم کلشنیک
 آستاندن اجتهاد انوار معرفت و عوفا و اقباس انوار توحید و ایمان
 ایکن خدمت شریفند دامن درینا اولمشیدی بعد پنج کلشنی کلشن
 جنانه انتقال و بودار عنادن سیزه زار بقایه ارتحال ایلدکن نیر و موعود
 ایوب گاه یکجوده گاه اورنوس بیکی او علی عبیدی کلک یانتد ایکن
 وفات ایدوب کونیند بزم فناک اصولنه او یخله ترک صحبت بقا و کلشن جیا
 ایلد صوفیانه اشعار و فو و فایه متعلق کتاری وارد بواشار ائمه
 وجود مطلق کجریه موجی کیم ایدر پید انا لحن سرنی سولکر کر خنجر اگر پید

پنجه ز جنت جگر کسب کمال اید بخیر عمار . بلقی قلم یو در کان ایلینجه بر کهر سید
 تصویر غیره قلم کل قلب اقدسی . اضما مکن ایلیم بیت المقدس
 بر کوکل نیز بلا یکانی خرمای کبی . طانی طانی نوش اید غم نشینی حلوا کبی
 اسکک یوق ذره جبر پیری بدل خوب سن . آه کم هر جای سن مهر جهان ارا کبی
 آفتاب وجود بر غنوی . مطلع شهر و زینفون درختن . اولمشدر
 انداء حالت طریق علمی تحصیل . اندک کجک سمت تصوفه سکول ایچکله علم
 ذوقی تکمیل اندکین اما سیه ده توطن واقامت اید و خلقه وعظا و نصیحت
 اورزه ایکن نه محبت خلقدن انقطاع و غلت افند اید بو حالت ایکن
 آفتاب عمر نه غوب . و سرائ وجود نه صرصر فغان صطوب ایدوب جناب
 رب القوت رحلت ایچکله واصل مطلوب اوشید . آفتاب وار بو مطلع پراشتاری
 مشهور روزگار و مقبول و مطبوع اولی لایبصار اولمشدر
 بنه دیش یاره سی و ارسیب ز رخ اندک . نه شفا لویشلر کبی بوستانکند
 چکدی چاک ایلدی تن جیه سنی عشق هنوز . دوستک دست غمندن یقین قورزه
 آفتابی طوغه دولت کنشی بر کون اول . حق تعالی قولنی قهرله دایم قره فر
 آفتاب دکر نام حسن . اوضاع و احکام مستحسن . کمنه ایدی دارالت لطفه
 قسطنطنیه حمیه ده نشو و نما بولو . طریق علم سالک اولو . دانشمند اولد قهرمان
 اسلوب بحر دره ماهر و خطک قلم کبی اقب منی زیرغه قار . اوغین دیوان
 کاتبی اوشید . سنه اهدی و نمایان فتوح بایده ده بوقلم و فغان ملک بقایه
 رحلت ایدوب مع عمر نیک آفتابی ایدی غوب . نظم اقتداری اولمخله لایق
 قبول شاعری دارد بر و شو انکدر . کمان بختی سدا ایلد قور دی
 نوکم چکدی قرا بنونه قور دی . بوکوه حسن ایلکه سن نور بر سن

یوز و برمه ایکن زلفه که نوری بهر سن . انکس منع شعرا بلاغت شعرا اول
 یکچی وار دارد نذر . نامی منصور و علم و دانش و کمال پیش ایلکه شهسور
 در مکه مشرفه قضا سندن تقاعد ایدن خواجه قاضی و بیگلر و ذوق اولمخله کلک
 ملازمی در . طریق قضایه سالک اولوب قضایه زور سندن ارباب فضل و احسان
 خاک ریحی . و زور علم و کمالک مرد الکی ایدی حفا که علوم عقلمه و نقلیه ده ماهر
 و معارف کلیه و خویه ده عدیل و نظیری نادر . اولد و غنم غیری خوب شاعری
 و مرغوب کفاری . وار در استنبول فغان مؤول ایکن نه خسر و نمایان فتح
 جهای اولد سندن پنجه اجلدن مخلص بویوب مطلع حیات مقطع ممانه ایشدی
 آبردی بن بخاری ره کوی یاردن . چوقد بر زم شکا نیز روزگار دن
 خبر وصلت دلداری ایدرش افش . بزه آخر کوره سن سوز کتور ربای صبا
 بحث و صالک اولدی پنجه سینه زاره . انکه سود و کم جوق اولور روز کنارده
 قرین ایده فی خیر لراول میان بند . قیامت اولدی بنه اولوق کوز لاندی
 بر یکچی جوانه عاشق و شیدا . و بحر محبت و هوا سید آشنا . اولد قن اول طایفه ک
 اصطلاحی اوزره بو قصید غایه دیوب مشهور جهان . و مقبول ارباب فضل و غفان
 اولمشدر . چکدوب فرقه کی اولدک لار غمندن . بحر فرقت پنجه فرزند لرجکدم بن
 الهام . استنبول دند مقبول حضرت بایه طایفه علیه نقشبندیه تک کبر اسندن
 امیر بخاری حضرت نیک خلفا سندن اولان حکیم چلی فتنه نیک قوا سندن
 سابقا علوم ظاهره به استغال ایدرکن الهام ربانی . و عنایت بسیج . ایشوب
 ترک قیل قال ایدو تحصیل فوق و حال ستمه سکول ایشدر . محققانه کلامی
 و درویشانه ابیات بلاغت نظامی وارد در . شاد اولور دک نقد سکر البال
 ایل عشق بکره اکر در دله خوشحال اولک . باشه لک دکن ایشی زلفی بو اسنده اکر

بو اشعار انکدر

اولک

سوره بنوب پنجم زمان در دله نالا اوک. کورد و کل خویه کوکل ویریک اولوردی
 سندن الهانی کی عاشق مینال اوک. بودورده اعمال شیخی ایکن اخوانتال
 وارتال تیشدر **الهی** کردستان بکلر نند و افتخارال عثمان. سلطان سلیم بن
 بایزید خان. دوزورک بعضی جوایم و عصیانته واقف اوچق شهر حلبین خربور
 تیغ سیاست بر بیلک. دو نیم ایدر شدی ترک اشغاری واردر بوطلع انکدر.
 یار و یب جانگیر و رین بر ملا ی جانچون. باده دیب قلمرو تیرین بر پالان
الهی دیگر بکجه و وارداردن شیخ زاده در جلد ناکره گویان جیب بن
 و طرفه سخیان ناظران زماندز کات لب دلبر کی مفرح اولمغه اشغاری اوچق
 دایما ختم و خندان اولور و کاه اولور که خدمت ناظم دخی نظم حال و نک
 و جیران اولور غائب اشغاری و عجایب کفاری واردر کبفیت کجا اشغاری
 روشن و اشغاری اولور **سر** قول ایدی بزی کند و چه حسن ایدیلک
 فرهای ایلد شیرین کلو قیس ایلدیلی. عالمک الهی دخی مصلی حلبیلک
 شونع بر مصلحت و دوشی بنیم طام. کچه بن کوکیک اچکدن کید بن بولدر
امان قیدم استبولدند مرئی می صفر. اولان مرحوم اسکندر جلدی
 مصاجلرندن و معارف و کمال طالبلرندن بر زمان خونه سلطانی کالردن
 ایدی کاهی اختیار غزلت و کاهی سلاطین تحریف خدمت تولیت ایدیک
 و این اجل و امن عمرنی طوبت بر آن امان ویرمیک او حالک آخونه ارتحال
 ایدوب ترک امان و آمال ایدی اشغاری و کفاری حالندن خلای و کلدر
 اولدر ملک بن خسته دلی تیغکی چک کل جان نقدی ایشار ایدله کم تک کل
 ارباب نظر خاک رهن سدی بوپرد. ای باد صبا یار ایشکینه یلر کل کل
 اهلک هتقی بلند اولدی. کوکلر جفته کند اولدر. یرده کوکلر سنی ارطوز
 و اولور

در مصلی دین شاه اولور القیلم

امان نامی روستی نام قصبه دندرا دی مصطفی در مرحوم والد فردوسی
 خدمتند ایکن سمت کتابت و طایق زعامت سلوک ایشدر بعضی صواب دولت
 و ارباب عتقه انتاب بیکله امان و آمال منتظم و انتاب اسباب حواس
 فی لجه ملتئم اولور. زعامت دیوان کاش اولدی بحار زخار معارف پنجه روز کار
 سواران ایلد اشغاری بعضی لایق فیض پیدا ایشدر حاکم ان قلمنی مصل
 کمال ایلد جلوه و خونه سینه سی جواهر و احصاء معارفه سکون و کلو ایشک ستم
 وجد و اهتمامی واردر کثیر الکثما و غیر لایق میدان جهانچ چوکان بکاشل
 ر بوده کوی اولان ناظم بر کوی در تاریخ کو بقیع به نظر و مثال در همان عیسی
 اولدر که اولد لبر با کمال هر کجا باغنه وار غلام ایشدر و از زین مال
 لایعد و لایق و اولمغه ارزان بها اولدر. بواسطه انک گفتار ننددر **سر**
 وصف دند انکی که دلخسزدن بولر. سولیم نویلمر اما در مکنون سولیم
 طاق ایدی طاقتم بوجفا و ستم بنیم. قدم خسم ایلدی بو فراق و الم بنیم
 دیر جهانده صورته مهر کز کتور مدی. بر صورت ایلد کو کلر آلب و الم بنیم
 ویر لکن که افندی عذار ز کینک. بوکن بوقار و بفر اولدر یار بالینک
 رقیب غلک رو بنده کی یار اکلش عناق. مدد کوسه او مر و آینه ایشغاری کولر
 وزیر خود شیرینان شاه خمری یعنی دفعه نایبه و فتح ایدکن بو تاریخ ایشدر
محمد آینه فتح اولدر بیکله من در لر **امینی** استبولدند یار کای کاغذ امینی
 اولمغه امینی تخلص ایشدر و کند وسی فی بندکان صاحب قرآن فلک
 تمیکنک در کزیند و کزینی. مکر و بلاغت و پیکانک ناظر و امینی در کاه عالمپناه
 سلطانین سپاهی و غلغله زمره سندن و حاد دخی تمکیل معارف و لطایفه
 کوشش و سوار بلاغت عار ایلد خیلی و زرش. اوزن در مقبول صغیر و کبیر اولد

بر این صحنه ایشدر

کور مسک با دوه صبا بی جلیکوز فر کل کے الی قبح اولو کلمہ گو کلوز فر
 جو رہ بوز طوطہ کور و ب تچہ بوجو اکرن بوز چور کہ کوز لم عاشق دیدار کن
 دیدم ایانگہ بوانک خوشیم نیز دوشید بوزوز دن رنگ آوب اولی جیام ناگہ
 محشر د کور مک اولی اولی ہر وقامتی حشر اولی بچون استر زای دل قیامتی
 ستر تراش اول کاکلی تر طوت صفت غافل ہال بر قلی دوشد و کیر دہ ویر رز
 جام می جبرہ در آتش کہ بادہ ناب بول بخور در در آستند انکاتی جیاب
 دور اولدن اول پر و دیدہ دن بام با کفر قالدہم جہان او کمدق باشم کیے
 مرحوم سلطان سلیمانک تر بسند مسند شاہ شہید دیونا ریخ ویمشدر
 امینی ب وصالک جنبہ لطف الہ ناظر قیل تو کلد استقامت انک کی می اید فر
 امر حایق و ریاض پیرزیت و ہا ایلہ منتہا و ساحہ سجد و انتہا ایلہ عت
 فزای جنبہ عرضہا ولان شہر ادر نہ دند نامی امراتہ اوغین امری ملخص
 ایدمشدر حفا کہ دقت و نترکت معایت نامہ کمال اصفہانہ در اکثر اشعار
 معامثال و اسلوبستان خیال اوزرہ در اشعار پر نکاتن اولان
 تشبیہات حسرت فزای اصحاب قصا و عجزت نامی ارباب بلاغندر و قریح شریف
 معادہ اولد کلو آچہ فرمندر کہ معیات بحر بی بی نام نون و اسم شرف
 و ثہا بی نامید اوزہان ایشدر اشتہار نام و شہرت مالا کلامی بوزدن بادیہ
 محتاج کرم ارقام و کرم کلام و کلد و ایلہ کاند بعض عمائر کتبائی ایلہ
 قناعت ایشدری وانی جہت معشت ایشدری و بوبیت پینال تا حجب
 نی شش فچہ چہلہ فلک انجہتی فنی نکر ایدم کچی حضور انکچون شش جہتی
 بحث مرتبہ علما و دستگیر اہل عرفان و صدر بحرین فضلالی دوران مرحوم
 والد فردوس مکان و جہت اشیان ادر نہ فیضی لولدن منصب تولیت

بوزوز دن رنگ آوب اولی جیام ناگہ

حاکم ایشدر

بلکہ فلان

بلکہ رم خان ایلہ دل مخزون شادان و عجبہ خاطرین کل کسی خندان
 ایشدری سرو کچی استقامتہ علم و منور جملہ عالم ایکن بعض اصحاب ظلم
 وعدوان و برنجہ ارباب عتو و طغیان فروری بی جوم و جنایت
 و عذر جنایت معذول بیکلامری مختل اولوب زلف دگر ان کی پشان
 و دل صہور ان کی دستہ و جہان اولد حفا روز کار زور کار و جوج
 کج رفتار میزان و معیار کچی کلان قلبی پر کوہ ایدار اولندرک برن زہر خال
 و کبہ مفلس کسہ تہی دل اولان ادا نہ دارا ذلک مقامن لای افلاک
 ایدر زہرہ ایدو کے حور و جفا و محنت و عیانی کسبہ ایشدر کند و
 بومعنا بعض اشعار ایلہ اشعار ایدوب دیمشدر
 صوفی مجاز اکلدی یارہ مجتہم عالمہ کہ بلدی کندی حقیقہم
 بر کوہرم کہ خاک سیاہ چکرہ قائم صراف دہر بلزہ نولاقیمہم
 اوزہر ارفو و فلاکت و بیما محنت و کرب ایلہ پمانہ مثال بغری خون و
 انواع الآم و اسفا ملکہ کادیکر کون و شہید بو حالن ایکن اجیواد اعلی
 فرمانک مثالہ امثال ایدوب سہ انتین و ثمانین و شمع مایہ
 جوار ملک تعالہ انتعال و ارتحال ایلد کند و خانہ سی و صفین بوبیت مرغوبی
 صفیہ اوز خانہ سینہ ذوق و دیدن کر کور سہ محنت خانہ فرامری ایدوردا
 بعض اصحاب حیدر و نور ی جانب معنایہ مقید اولد و غندن شہباز طبعی
 ہوا ی سوز و کداز دہ پرواز ایشدر الفاظی رکیکدر دیوزبان طبعی
 دراز ایدر لولہ اما کہ خلاف واقع ایدو کے کون کسی روشن و لامعدرا لولہ
 طازوہ اولان اشعار دخی سجد و شمار در بواشعار اولادیدہ اول کفار
 جو ککہ ہر عاتق دخی اسرین ایش کند و کہ غم خلک جلا دی تغیلہ اکی ایشدر

غائبی خور

بزم

نذر

دخی بوجله دن غافل و ذاهل بسیار عیاریوب قان زل اولور و نورسکی
 ادرنگ کورنگی اولدوغن کور کباب برکن امری کمنه تعیه ایدو. کتاب
 بید خوردم بیکر. دیر اوی دخی بکیده بارت اسمنه بویستی دیکدر **بیکر**
 زارم ز آه و ناله بسیار متصل دارم ز بخت خویش نیست خواندن و تاجین
 دخی قدرتی و نهانتی مہار. واردر تعیه اولدوغن بعضی رانک
 اوغلی و فائده بوناریخی خود بر **م** هزار دن کلک دون آیردی برک کلی آه
 بود صراح تاریخ اولدوغندن عربی هزار که بیکدر برک کلی که لامدر عدا یک
 تاریخ اولور و اکابر علما و اعظم فضلاء و ادرنه قاضی اولان و حوم مر
 افندی مجلس فسادن برزم بقایه ارحال و بودار محنت جوار قربتہ انتفال
 ایدکن بوناریخی بی نظیر و **م** ساقیا بزم جهانن مرصبا بویستی
 و واعظ امیر دیکل عروف بر نرید و ایدیکه دایا اقوال و اشکا خلقه نزاع
 وجدال و عبادت و احکامه و ریاض و بخت و بندی اداغی و اعایه جور و جفا
 هیبت کاری و پیوسته افکاری خاطر شکنی و مردم ازاری اید. معنی
 و جواد سینه سینه شکر. روشن و بوید اولوب سنه اهدی سیمین **م**
 بعضی کمنه لایله حضورت ایدکن فرجور. نادیب اچون جس ایدکن بوناریخی
 عجیب و غریب واقع اولدوغن بر عجب تاریخ اولور و امر با و اعظمک اینین کسیدی **م**
 و مرحوم عبیدیک پیر اولان بنی خلیفه جوار یکک لطیفه انتقال ایدکن
 بوناریخی زیبا سی خود بر **م** روح پاکینه بنینک صلیوا **م** مہبط انوار فیوض
 اتقی و مرقوم مقام حضرت سلطنت پناهی و ادا عظم مغربلدا ان عالم اولان
 سہراستبولدن و زمرہ اصحاب لطف و قبول ندو تحصیل علم و کمال و تکمیل فنون
 و معارفہ اشتغال ایدوب نیم زمان بوستان افندی و حومک کشتا فائز

خوشه چمن و آستان امان آشیانده سر بر زمین اولوب نھال امیدی بود
 و صورت نامولامرات حصوله جلوه کر. اولیحق قاضی زاده افندی استناد
 ایدوب آخوالا اول بیدین برادر. اولدوغدن کلک سہست و اربعین شمع
 عالم عقیباہ روان اولد. و شامبار جان بہشت جاودان آشیان اید.
 حقا کہ بلغاء و روم لطافت محبوب میانن شو خوب و کفایت خوب ایلہ معدود
 و محبوب اولان شو انک نامدار لندند. کلستان ضاحک لیل نغمہ اید. و عتد
 بلا خنک طوطی شکر کفاز لندند. توترب و ایرام جانبسہ بل نامی اولوب اگر چه
 باقی جلیک اشعار بلاغت سماعتی رات ایدینوب طوطی طبعی اکاکورہ کلمہ و لیل
 س نے اول وادین ترغم. ایتمکی عادت ایشدر. لکن نہ بوجله اید حجاب دیوان
 فائق الاذان. ایجاد معنایه قاکر. و بر عنواندند. بوبر ایکلی اشعار. رقم
 زده کلک سحر لندند. **م** یائینہ طاقتوب نہ بر تیغ زرنگار. فردی کردی
 جور ایدر دود و دود خلقه ذکر اچرہ نگار. سوزہ کلکچہ و فاذ کرن ایدر
 ایامہ صلیم دیوزلف غیر قشکن. صرلدی بونینہ اول افک کریمانی
 خوام ایدنجہ بکون باز لہ اول ہر و روان. رہ جفا دہ نہ توتلر قوپر دی اکاکی
 بکون مجلس ساقی ساغر الملق دستا لہ. همان بر کل فوہر قہر قہر قہر کل
 عالمی فصل ہار ایدک سر سبز چمن. بشکدی نغمہ بیل سہ ہر وادیدن
 کہ کلمہ والہ و کہ غنچہ شید اچنور. دالدن دالہ توتلر دغ نھال کلشن
 ساقی بزم بادہ کلر کلک لالہ قام. اکک دیر سہ غیری بہ بزدن بکاتام
 جنت اکلمہ رخک خاطرہ ایل آدم. کعبہ یاد اولہ سر کو یکہ وار عا و لم
 دوشین خاکیا بو کہ قوتن. دوستم سندنہ کور سکا دوشنی
 اولمزد م مقدم بعض اراضہ بتلا اولدوغن بوطلمی دیشدر. **م**

عالمی اولدوغن شہوکار

اولدور

مزدن

هر دو ب جسم زارم ایندی التون، بنی و جنک استر کجی کردون
 بر دلاک سیم اندامک عشق و خوا ایلد مثال تمام اشک زینان، و سوز درونی
 ایلد سینه خورده سوزان، اولدق بویستی دیوب دیوار تمامه باز شد
 نولا اولد سیم تن دلاک نقد اشکی خرج اشم، شکر ای میدی چونکه تمامه کیرن در
 خاتم نوار زمان، و خاتم مثال مقبول خلق جهان، اولان بی چلیک خاتم
 قصیده سینه نظره ده بویستی خوب واقع اولمشدر،
 التون آدن باقر ایلر حذر ایتون زهواره، بویله دایم طاقلوب التره یلر خاتم
امیرک حکیم منلار و بیک و غلبه عجم زاده در فن طبع جانینوار
 شهر شکار اولغین درگاه سلاطین العثمان، ده حکیم و طیفه دار ایدر
 معارف خونیته ده صاحب بدطولی، و ساکنان فاسد مزاجات تامی اولدوغدن
 غیری مالک حسن ایدی، لکن کونه قامت و قصیر بالا خیل خودین و خود نما
 کسینه ایدر، ترک و فارسی و عربی و اردی، نظم و سادستان دور، و کلامی لطف
 و حالتدن مجور دکلدر، بویکی اشعار انکدر، سودم کو بجز سن شه یوسف لقابی
 کوز کوره باشمه ستون الدم بلایه بن خط غبار بیک اثرین کوریدن هنوز
 ای کلوار او قوم ایدی بود عایی بن، چهره زردم بنم خاک در دل آرده
 طبرغه دوشمش خوان پیر اغیدر کلزارده، مجنون چه کست و کوه کن کبیت
 در عشق بان منم در کبیت، و خلق کند ویدیرک دیو نصیفر و تحقیر احتمالین
 ویروب بو قطع بی دیشدر، کوجکی نوز بزرگ نیست، کرترا اکست خواج حکیم
 نیست کوجی ز طور کوجکتر، پس بزرگیت یک نزد عظیم، راستی حاد زین دعوی
 شاه عادل شاه سلیم **امیر** مظهر انار امن و ارمان فرمان فرمای زمین
 و زمان، اولان و حوم سلطان بایزید خان زمانه نقیب الاشراف اولان شرف

ابنا، التال، زینت اصحاب النقیبه و الجلاله قدق سادات پناه نمودین
 سید عبدالله در مولودی بروسته نخوده در منوری منلای عظم جامع العلوم
 و حکم مولانا قدیمی تر بوم دیار رومنه قدوم سرت روم بوردق کزین سید
 و قوم بیتم و معصوم قالمغین شرف یادنه نظر ایدوب بیتک انزه میر اندر
 لولوئی شهوار، بیتم اولدقچه قیت دار، اولوب زیاده زیاده اعتبار بولور
 دیو تر نور، اغول ایدوب تعلیم و تربیتند مهر پدران سن اطهار ایتمشید
 بر مقدار تحصیل علم و موفت، ایندکن دغدغه سوار زوی سیاحت قرار
 و اقامت راحه و بر میوب بر مقدار اطراف دیار باد صبا کجی کشت و کداز
 ایتد کدر کمره جانب وطنه عودت و رجعت ایتشدی، اول انشاده اول شاه
 ستوده اوشما، حنوری نقیب الاشراف ایدوب هلال خودی کندکجه
 بدر پر نور اولوب مقبول منظور جمهور اولسیدی، آخو عمر نزع و طیفه نیش
 یتمشیدی و حوم سلطان سلیمان علیه الرحمة و آرزو، سر بر سلطنته جلوس ایتد
 ایام ده دیار فادان ملک بقایه خواص ایتمشیدی سلطان بایزید ویرد و کجی قصیده
 ایکی جهانن ایکی بایزیده ایتدی طفیل، خدا قلوب نظر لطفه صوری منظور
 بر بسی عالم معینده شهره آفاق، بر بسی صورت و معین کون کجی شهر
 بر بسی محیط انوار فیض رحمت، بر بسی رهبر جمهور غازیان غنور
امیری دیگر اسمی محمد در فخر بیک برادر کهنه پیر، امیر با سکا و غلی در
 سادات قسطنطنیه دند و قلم کجی اصناف خط معمارتی و فن حساب و اکتساب
 محاسبه ده خیل قدرتی، اولدوغندن غیری سلیمت نظمته سی دخی
 لطف و قبولدن بی نصیب و اسرار صفا سکار دخی نوع لطافتدن مجبور
 و غیب دکلدر بواشعار انکدر، طوق قلوب عدویه ای وارر تیرک

بوز جویز نه صلیک کوزده تمیز کین

بغلش خونه کوزن کوردم اول آفت نازد. حالتی تماشایمکه اچا زدن
 مسطورا ناخون دید و کنی ایتمه تجت. قوسولینی عارفک سولیدنه کور
 امیر سید محمد سید اسلام در قصبه ابی ایوب انصاریدند. مرحوم استاد
 و استاد الانام شیخ الاسلام ابو سعید کفر زندی احمد صلیبی ن ملازم او اندر
 حالک قضات متشظم و سادات کبر البرکاته وصف لازم اولان صفت
 سخاوت ایلد متصف و مستدر اسفاری بیمار صاحب دیوانه شیراز
 کچر منظور اصحاب انظار و مقبول اولی الابصار بوبر یکی اسفاری انک کفایت نند
 بنای صبر سیر علی خان خلل ویرد. بلم بویکی تخیلی تری تن دیواری بکورد
 مرد وندی مجلس اچره مکراده دن. جنلی دم اولدی بزمره بصیدی ایق
 جهان الملری عالمدر استیفا کوره. دوکونه واریدر ماتم افترافه کوره
 آنه زیرک زاده دیلمه ووف و زمره قضات جنلی شان و ریاست
 ایلد مذکور در سمور دن مندر و جامه خاب و بالینی و خدم و خشمک
 کمال تیزی و آریک لکن مغلوب برش و فنون اولمفلد و اهل مرتبه جنون اولو
 افغانی ردا دات و اطواری قبا حذرن کجا دکل آید باران صفایه از مشله
 خانه سنه دعوت ایلد. بر خونه سنه اچون آنه اچنوب اوضاع غریبه ایلد
 بکین زهر ایلد. اما معارف و کمالا بیمار و خوب اسفاد واریدی طقوز یوز
 بتمش بدی سنه سنه انتقال ایلد. بوبر یکی اسفاری انکدر
 میانندن خبر صور رسک اقلیم ملاحظه. اونه سی کوه بتور آه شرب ایلد بوبر
 کوز لرم ای لاله رخ جوکن قانک دو کیدر. عیش اچون بزم بلایه ارغوانلر دو کیدر
 انک بیدر نازک خیله اغوی سرنندن خبر غنچه کلشنه سونلر زانلر دو کیدر
 آنه دیگر تیره لیدر هنوز جوان کول. ایکن مالک مقال بنیال اولوب

جمال زیبای کبی سهره جهان. و پسندید ارباب عرفا. اولمسیدی
 یازکش صنم کوزلوج جبینم اوزده ابرو در بو. بنمخت سبهم ملبر برقاره یاز ویر
 کوکل سول کلوما یلدر قد موزون خوابه. کوریکک پاینه مهر سرور عنانک افروز
 انوری وجود پر عنوانه بلدان جهانک مهر انور. و عالم حسن و ملاحتک شمع خاوار
 اولان استنولدر عیدر که حرکت فروغ الکاکار. ایکن او قیوب یازمقد
 بهره دار. اولیوب البند کتاب و خانه الممش و خت جنتی زمین قرات و کمانه
 صلیمن اخی و عابیک بله بین اچموشیرا و لکینه سوار و مک باملر دن مذکور
 او قیوب بزمانه قادر و کل لکیر بوقوله معنی دار. اسفاری اولق نوادر زوکار
 دن اید و کمر و سن اسکار در بر زمان اسباب و دکانه حال پریشانه
 کبی طاعنوب رمال حیدرک عجب سنه داخل اولوب اول جماعتدن بیافرم
 حاصل اینک رجایله خانه سنه خارج و داخل اولان امور مال و جمله حالکته کنه
 اولمسیدی. انده دخی متشظم الاحوال. اولیوب عاقبه العاقبه فراغت ایدوب
 سنه اسکی صنعتنه عودت و غریمت ایلد. محصل نفقه مال و توشیح حال ایلد دنیا
 انتقال و احوال ایلد قیاسی انورینک جهلن باشنه قاقوب و حرکت چکین یونیه
 اوروب دیشدر. او بر جمل مرکبدر کتب سنه درکار جهانن انوری کبی سیکار اولو کون
 ز نورک آتش بارلقد نهایت مهارتی وارید. حتی میری قوباره جی اولوب
 اول بلوکه کتخدا اولمسیدی و حوصم سلطان سلیمان علیه الرحمه و خفوان سنه
 ست و اربعین و شمع مایه ده نهزاده لرن سنت ایلدن کچه ایلد آتش باز لوج
 ایدرکن بوابیات دبوب او فوردی. کانسبت ای شاه عالیجناب
 بدی قله دزد ایدر آفتاب. او په او په پایک ایاس سوار
 ایلندر و بدراشتنی رجا. کوزدی ایامه لقا انور. بلا شری

ایچم ایلد شمع ازاد

بوبر ایکی اشعار بلاغت سحر انگ گفتار نذر
 بندین سخن سیر فی جان نام بوق . بر یانچ صال نور سر و خا نام بوق
 بنو کنا بشنه داغ غل و در لیکلی . قالد م آیت قرابا شنه در مانم بوق
 نه طوطی دلی دلبرن نه نازک سیم کن کن . جهانم سولیز بر طوطی سیرن سخن کن کن
 جوجانی قماش ایدی نیم انوری سیم . اولدم دم و صلت این باره مرخب
 غره شربت بکاتیراب صورنگ چکین . چکین اوسته بر قطره دو کرسم ککین
 زلفک خطک علم وفا بخش ایدوب . بیری قره چهل برسی چهل مرکت
 رقوم احوالک بومر اعنی خوب قضایا تمیز
 ایکی ستم طلوعی دستم صندرم نیم . طوتم ایکی الم قانده ایشرفانی گرم
 هر یک بوی کاکلی تار و مار ایدر . اقام صبا به ایدو که بوروز کار در
 آه روم ایلین نیکو دندر بابا سید خواجه دیر لک لک در هم
 و دیار بر مالدار تا جوی ایدی . نامی حسن در بابا سی وفات ایتدکن جانب
 بدینه علم و کماله شد حال ایدو استبوله کلوب جلیل معارف و کماله مداوم
 و طریق بر توفیق علم سلوک ایتمه نگارم . اولمدر حاکم شواهد و مکاتل الزدن
 و بو طایفه کمتاز و مستنار نذر در اشعار دکن . و ابیات جانتوا بی مقبول
 و سلم و مدوح سخنان عالم در خسرو شیرین دیمدر . و اواقع کتاب زبور
 بر نظم متین . و کتاب رسیدر که ابیات شیرین . و حکایاتین نظامی کورس
 تخمین ایدوب خسرو هزار فرین . دیر ایدر رقوم اول کتاب بلاغت سحره
 جوق جوامع آبدار فوج و اول نظم فصاحت آیین ده اولد کلو قرینان درج
 ایتددر که اقلام سکن ارقام ایلد قابل توفیر و اعلام دکلدر بوبر ایکی ابیات
 اول کتاب بلاغت سحره نذر ۶ مکرر صبح کم بوزال کردون

صفت صبح

بمکر

بهرک دامن طلشی پر خون . مکرر وضع حمل آتشی لجه . انجمن قانچین دکل
 طوغدی صبح دم بانوی دورا . بر التون یلو صرجه بچلو اول . چو طلعت مطلقدن
 ملکر ویدی کوکدن زادناته . نه دندرای آینه رخسار . رخک زکار غم طومش
 مبارک خاک کرای چشمه جان . فرا کولقد در چون آید . کوکل آینه در سوختن
 کونر ز جام چسبید انکاری . کورندی بر غبار توتیاوار . کوزلر خطی کچی غریز
 توزوب توزوب کلو کلزار انجمن . خط دلبر کچی حنا انجمن . نثار دیکه ایش باز
 قنت پوشش کلو کلزار کچی . نذر دلت نایک سوزواری . دلکوسیه لاکلر بوراز
 نه فتم بتون دکل در دلدن . طبعی بیس اسناد الدن . نه لبون شوکله اولدی
 که نه چنبرده حلاج ایدی حضور . روایت و نور که مرحوم سلطان سلیم بن بایزید خان
 عیب الرحمة و القوان . کتاب و نور دن بر ایکی ورق کور دکن اول زمانه قلمی
 اولان زیرک زاده . و کمال پاش زاده به آهنگ سن نوال . و وصف حالندن نوال
 ایتدکن ذخی مضبه دخول تیش سک ملازمین . و سالی حد و دار عین در دیر
 مرحوم رقوم ایل هنر و انالی هر روز و سکا کستر . اولغین پور که مباد ابو غنچه
 نو شکفته هنوز اچلمدن . کر بانه دامن کل کبی خار نقصان الف صد چاک
 و دخی بوی دلجوی سکن دخی . مشام عالی معطر ایتدین خوان زوال ایل
 مفاک اختفاده آلوده خاک . اوله مزبوره رعایت ایدک که انتظام کجا جوت
 طبعه بانه . و همت پادشاه دریا نوال . سمند ذهنه ناز بانه در دید که اناطوب
 قاضی سکری ولان . مرحوم کمال پاش زاده . همان اول آن یکرچی ایلد بر و سه ده
 بایزید خان مدرسه سین . کسروم ایلد قاضی سکری اولان زیرک زاده
 مزبوری بار دن اوچوب پادشاه بر زافت و غایت کمال رعایت اوغنه
 فرمان قدر قدری جلوه که منصفه ظهور اولمدر . بومر تبه ایلد قاضی . نهن وفات

خورشید
 طوغدی اوله
 فروار
 کینه
 داردون

بلکه عالیقت اولنگر یانغ عیان نشنا عتدرد دیو و نوره قبول مدرسه دن فوت
 ویروب بالاخوه عدم قبول حجت معوض بنده سکتا سبب تکرر خاطر علیست
 اولوب دیو و نوردخی ذلت ملازمتدن فراغت انجمن شدن کیر و اندن من بعد بکار
 ایلمک دیو و نوردی جمع احباب و نجاینگ اگری ردیف غزلنه نظیره منته بویستی
 دیوب او قد بالا و زلف اگری دیار حسن پر آشوب ماکل فتنه شاه عالم علم کسش
 سمع پادشاه و ساهل اولدق غضبی دخی زیاده شتد اولوب ابواب لطف و احسان
 بالکلیه منته اولور اخلاصه ملازمت و حصار ذلت و فلاکت من قاره فیه
 مدرسه بیان ویرر اول توغیله مناستره تا اهل ایدو حاورینک همسیره سنی
 الوب مناستره وفات ایتدرد و حرمک بتالیفی دخی حسن و دلدر حفاکه بر
 انتاد که حسن کبی وصف حسنی خارج حیطه دایره امکان و دل که مقبول و مدوح
 دل و جان و اسرار جان در منظومات و لایزنی جمال لبران کبی طرب افزا
 و منشورات لطف آینه حال عاشقان کبی انکشت نام و فایق عبارتند اعجاز
 سخن آرایه پیدا و حقایق کنایاتند اعجاز معجز نایه واضح و هویدا در کس
 اول کتاب بلاغت نظام انعام و انجام بولکین سپهر ناز جام و زوری خنجر جام
 حمام ایتدرد کتاب مذکور علت سواد قمر و بحث فضا و قدر کبی بابضه و جعفر
 از بنا علی خیل شکله در کتاب موزوده اولان ایاتند
 پنجه اسکندری او چشمه جان صوبه انوب موسر کتوردی روا جا هکک فخری جمع مالک در
 عارف غنچه کماله در عشق و شوق اهل وجد و کمال تر نه کمال است و نه مال است
 بزی کور کم نه حامل و ادر نه کمال و نه مال و ادر بوبر یکی احوالک نایج کفاره و انا
 بر حصیرم بویکن کلبه احوالک بوبر با نقش کور یوزن تن و یانغ
 نه مصاحب بولور درد و غم یاری نه فراغت یاری و اکتون خمار کج

دیو و نوردی

پنجه اسکندری

بر بلوک باشند کون طو عتق افتاده کیر براره جلد ایکن سینه دیو و نوردی
 اول قیامت بنی فردا به صلوب آهی بنه بارینه قالدی ایشم و عتده دیدار
 سک کو یک نه جنگ ایلر جو جسم ناتوان چون نه لازم بویچه غوغا لر بر ایکی استخوان چون
 حق نه فتنه باشند طرطره طرف کلک طالمک اونه او جیدر سر زلف سیرک
 طالب کسیر عشق روی رزم و ابریم ایشم التون ایدم کدن نه درد و ابریم
 بر آلف چکری بنه سینه جانان بویچه صان مری بکابر سر و خمار بویچه
 ایکن اوند دور دی کبی دون کچم کلک قنده اخلاص مدینه ای مدتیان بویچه
 سنه دون کچم رقییده کور و مجلس دوشدی بلک قلم شمع شبتان بویچه
 زاهد ایچک اگر سنده بر نم شربت کون کبی ظاهر اولور دی کجا کیفیت
 دور اعلکده سنگ بویچه بویچه اولک مینه که شراب ایلر حوام اولدی بزم صحن
 همی غنیمت بویچه بر عالمه دلال اولم یوسف مصر بزم بلبلک فیتنه
 طیب زاده دیکله مهور در نانی محمد در ادر نه دی کرمی بش اچی
 مدرسه ایکن جانب فضا به رضا و پرو عجبدر که رضا فضل کماله مالک ایکن
 سمت فضاییه لک کوک حفاکه معارف و کلمات اهل قوایل و امثال
 زمانه نکل اهل علم و فضلی علوم کبیره و فنون عزیز نکل اصلیه صابا و ابوا
 و فضلی در هر فن که طبع بشیند اکا اشتغال این فی الحال اندر اهل کمال اولور
 معنوط و محود اقران و امثال اولدرد و بویا آمده علم تصوف و بر مقدار
 اهتمام ایتکله اول فتنه سهره ایام او کو پوئه مجاهد ده قال اولش اهل حال
 باشند کنگ لال اولدرد و بوفن بزرگوار ده دخی مدار و پیر استهار
 اولوب بویچه بویچه بویچه نظامی و فاعلک سیرن کلای ایل فیل سهرت
 سحر اولدرد و امثال اقران و اکفا و اخوانه سبب فضا یل سیمار

و معارف بسیار آید استوار بولند هر چندی معروض فضایل و کمالات مسطور در امید
 من بعد در معارف و لطایف ترقیده و اسباب فضایل تمام بمقیده اوله خوش آید
 اشعار و نازکانه گفتار و از در بوبرخ اشعار انک گفتار نندند
 صلوب دل فلکنی عتانه قدم واری بر باد مخالف روزگار اولورسه و سون چرخه باد
 باره صور سکرینی اولی و فاجعه بخشش سکه عاشق در دیر بزم آنه دیش
 قویتر نشسته قدم بر سر او قدی هر و باغ اوزده قیام قاتل کورس جهان قاتل و باغ اوزده
 طلای آرایسه ای دل او پری جانک ایدی جواری اخلاقیه ایله جمله جانک ایدی
 بو خونی باقدی دله ناراحت دوشد نوله آه ایلمرسم جانه حواری دوستی
 سیر قدم من سیمنی حمام اجره عرض حال ایدم اول دلبره خلوت اکره
 بزم تر میانی خیالات اهل اجمر از این کشف کرامات اهل
 بولده ایلمر بی کور فریب افلاک نظر کندی اولی کرم ایلمدی خاکه نظر
 جانی بردشنا که دیر دم سنگی بوی کل زبان کور فرسین اندن آنه الله
 سر کویدن ابرم فلک بر یک مالمزه بولکن اوله در قصدم اگر حق جانم اکثر
حرف الباء باقی جمع علماء و انام و منبع فضلاء و اعلام اولوب قبه الاسلام
 و معروف مقام و مغرب خیم سلاطین خاتم اولان سلطانیه حجه دند نام خود
 محمود دژ اکابر هوا و فاضل بخت و امانت علما دن دیباجه دیوان کمال شهرت
 عنوان حسن مقال مجلس اوزر مکنه سخنان شاعری لطیفه آموز غزل هریبان
 سلطان شاعران مالک روم بلکه خسرو خاقان ناظمان هر مرز و بوم دلبره
 علم و فهم خسرو عالمگیر اقلیم نظم مستکلمان قافیه گذار و فصیح زبان سخنان
 اراستنه سر غزل دیوان فصاحت و شاه بیت مجموعه بلاغت اشعار دلیلی
 و گفتاری بنظر غیرت همان و رنگ ظریف در حفا که حق ادا بود که قطار ادب

بنه نوع ان فیضان مکتودن اصداف استبا حد باران و اصداف ابدان ریزان
 اولان لایه متلای و اسطه قلاذه وجود و امکنه اولک بولنه مانن عبا کیزه ادا
 و مر نورک سویت معادل نظم روان بر صفا مرات کاینانه جلوه نما اولمده
 مانند نور دنیا معلوم و نور اهل کمال در کلمات بلاغت سما خیر و در که اقلیم ریح
 طوبی سنان نظم کند و به سر فرو قلد رنند و نسیم عین سیم رواج عود کلام
 مسعودی اغوار و انجا و عاتقه بلاده طولد رنند اول مبتدای بلاغت و حکم
 زمانا مؤخر اوله نه غم که بلاغت و فصاحت جمله دن مقدم در و شیکاه وجود
 ممکن صفت نعال اوله نه جای ملال که فی الحقیقه صدر الیقدر اید و کی حق و حق
ع کل تر مکره کلو کشته اول خیر و خیار اشعار در ربابه اب روان کیمی و جبار
 و ابجاری خوشونت و رکاکندن سالم و عار در چونکه غزل بی بدست مجموعه
 عالمه طور و ابیات صفا متفاین الانام مسطور در باقی نیکمال زنده که توفیق و
 توصیف فلسفه مناسب ملایم اوله اوایل حاله خوش شکر و کردون دون پرو
 دن جوق فلاکت چکن در بعد هاسه سخن دان شهنشاه صاحب قران
 مرحوم سلطان سلیمان علیه الرحمة و الغفران التفات نام و رغبت بالاکلام ایدوب لای حال
 و عقد احوالک اجتماع و انتظام بولوب مناصب عالییه و مراتب سامیه ارتقا
 و اعتلا اینمدر الحق مرحوم خداوند کارک مر نوره کلی التفات و آرایه شرف
 صحنه و اهل و مصاحب زمره سنده دخل اولی احتمالندن مرتبی و سنده
 اولان مر رنک و جد ایتمه بلمدی مرحوم سلطان سلیمان عظم کل اجنان آید
 نهایت حواری و عایت رقت ایلمر بر ریشه دیندر که نظیر و عید کلمه اول
 آبی پای بند دام که قید نام و تنگ تاکه هوای سحله دهری در رنگ
 آن اول دمی که آخ اوله نوبهار عمر برک خوانه دونه کرک روی لاله رنگ

بندی بود

آخر مکارک اوله کرک جو کجی کرک . دوران الذن ابره کرک حاتم نیک
 انان او در که آینه و س قلیضانی . سیکند نیر آدمک کینه پلنگ
 عبرت کوزنن پنجه به دگ غفلت و خشی . تیر خنی سا که واقعه ساه نیر جنک
 باش اگدی آب تیغنه کفار کورس . سیمیر کور مری پسند ایلدی فرنگ
 یوزیره قودی لطفه کلر کترک . صدوقه صا که خازن کردون کهر کبی
 بعد سلطان عظم . خاقان ارم عارین اسلام . بادم قواعد اضام تاج بخش
 سلاطین کا کار تخت نشان خواقین عالمقدار . سلطان بلم خان علیه الرحمه و خوار
 سر بر سلطنته جلوس ایتد که کالاول . بل بلایند والاکمل منظور نظر کیمیا اتری
 اولدق تهنیت سلطنتا چون بقیع غزالی اول زمانه ان ایتد .
 بجهت سرف بولدی نیک بیک . جلوس ایتدی سعادت تخت ایتد
 طوعوب کون کبی زربین باجلی سوار . یشدی شرفدن غلبه صدای عدل احسا
 بجز مرکز زینه آسمان کوزری آید . جهان رو سن ایتدی پرتوانوار اید
 مناع موفت کلدی رواج بولکدر . زرافان المیون نکر اوراق کلک
 برز او یخوزن کورون کلک دینه انجم . که جسم بخت بیداری بیدهر ک کبی
 خداوند جهان سلطان عالی شاه در باد . سرافراز و سرافراز و تاج و تخت سلطان
 پناه دین و دولت هادیه آسمان غنیمت . جناب سیمین سیمیا خان عثمانی
 اینر سیف آتقی کبی سراعده سیمیری . حدیث تیغ بولادن پنجه شرح این کرمان
 قفادار اولدیر شیر و پلنگ آهوی مجراوه . ایدر کتول قورمندی رعایا حق چو آن
 سخا رسندن حدندن تجاوز ایلر دریا . کف جود ک طر غنم کرم و قشند عثمان
 برین ایتدی دورکن هرگز که نیک . مکر طبعه باران صفا کلر ک خدا
 اکا هر کونه دن بیک طعن طامن قوند ررک . نیکینکه عارض کورس رجو بیکمان

اوقوع سال ۱۱۱۰

در حوم پنج اسلام استادی و استاد الانام . مولانا ابونعمود علیه الرحمه و کلدو
 خدمت نندن ملازم . اولر در بونکر اشعار بلاغ شاعر یک دست و جوار اولدو
 اولدر که صداقت و سلاست کلمه غایتده صفا اوزره الخسین ابتدا
 سیرت و کرک ایتا سندن اعلا ایدو کی روشن و هویدا در اولاد و کلدو
 هر قجن کو کلمه فکر عارض دلم و دوسر . کویا ماته عکس پرتو خاورد و دوسر
 کرا اولور رسم حسرت قدیکه اول هر کون . بریره دفن ایلر کیم ساه و دوسر
 انچون واروم بن کویکه کرمان اوکو . خاک را که فور قزم جان کوزندن تیر دوسر
 کجی ج لاف و کذراف انصاف بودر . برت عرک که ابتدا و بدی بواشعار ایدار
 اولان دیکه توفیق و توصیف کینه لایق و سزاوار اولان کلدوری حکایت
 ایدر که بو غنم دید کلد . اول زمانه رئیس ثراء روم یعنی مولانا ذاتی
 مرحومه ایتد کلد حدیث ستم اولعین بواشعار بی مثال زاده طبع اولدو
 احتمال ویرموب کان جنانندن جواصر نصیحت نثار . و صدق درونندن در پند
 ایثار ایدوب دیدیکه کینه نک خوانده استعار . وجیب کفایت مانده جنار
 ال اوزادر سک تخته روزگار . دست وجود ک کومه ایتد و کلد استباه
 یوقدر و هر کک که اکار افکار بی زور و زار ایلر سینکه چک سن مطهر عتاب و عقاب
 او بجای غله سیمه و انیاب . یوقدرین دخی غایت خجالت و شراب بدن چوق
 سوزو یکدم افتد ارم اولموب خیر سوخند دیدم .
 اکی بر صفا بخش و لطایف آثار . دکلم طفلم خا بید اید نیم افطار . آخر حوم
 کندی دیوانندن بعض بر کوسروب محل تراکت . و کوشه لطافتی قنفیر دیو
 بنه امتحان ایلر . در حوم مرقوم کیم اولد و خنندن هرگز صفا بواشعار بنه انکشت
 اعتراف قونم کیم اولر نوارک کوشه تر کشته برقی ایلر ایتد اکر چه

بو غنم بیدار

مربورک بوايد و ک حالتی بکاکلی خجالت کلدی آید. اما که کوکلون بنه حنا ابلدم
 که سووم لایق قبول اوس و خجین و آذین و تبه سده وصول بوش بعدا بنه بوايد
 کلتن استرک شنه بجان ککل خندان کرکه پمانه. خاک راه اولد و غسم کوب ایغین
 برکه بضم اولدی جانانه. باقی طرر و بویکرک. هم طرفانه هم لوندانه. 4
 نوله دهر اکره شانه غنیه عقیام. نجب سیکل کجیلم دریا بيم
 کوزه کوستر خرابه کلکی بنه هردنا. که نظردن ایدیه جک مرتبه دن ایلان
 صلح بوغونکر کوستر دکلح. عالم عتقاد ایدیه. درون دلدن دعا و تید و شمار
 ناز جواهر خجین و نانا ایدیه. ربور بچ کلکی اقسام احوال بلاغت نظامندن توریه
 و ابراهام میلانیه وارد. اول طرر و اولان احوال در بار رندند
 جانان او در که میل ایدیه ان کور بجهان. اسباب بنی خوب و له اما بستر آن
 طور مرغیخ خجین و وصف ایدیه کار. سینه بکا طوقند راول توخ سبوکار
 عتقکل رختی خود جانانه شکر ایدیه. دو ستم حور و جفاردانه زحمت ایدیه
 خلق عالم کل سیدی کاکل کلکی. اول بی فحیه بکاترها قور دی کلکی
 منت هدایه دولت دنیا فابوور. باقی قلو و حیفه عالمه آدمز
 بلنی قوجه دن در اول صغیر در دولا. بوخسه عاقله سیرن لیس حاضر حلوا
 بولق استه دی عشق کجده مراد. نارسیرین دکلیدر فرما آد
 زخم سبندن اوکل باره کجیلم. طور سون الکلی سوزک هکله باره
 جوعدان ایدیه کجیلم چون الام ایدیه. رند در ذات مه سوغر مطلع الانوار در
 حسنک دکاتنگ ارای خواجه جمال. بر ستم بک استرک شنه بن فقیر
 بکلف بوز سوزر و سب نغ کلکی. بویکرک چون بوز ویر رسن دو ستم بالیکه
 دانه خالنه بن جنت خج رند. بچ صبر الیون الکلی سوزک آدم

خزه خیلن در زاول سره قن صغیر. کویا جکده طور رنیزه گذاران صغیر
 سینه سیر ایلک بون ره کد کلشنده. اکلی جاننده طور سوزر و خوا
 قدر کی سنک صغیر ده ملوب ای بانه. طور و ب ال بعبه لکون که باران
 بوا احوال در بار. دخی انکر شنه طبع زخار رندند. 5
 تماشاگاه عالم اول حال عالم آرد. سر کو بنده عالم مست و شیدا بترتاش
 جسد مایه خسته بیوده افغان بیه. چون کمر رسن کجیلم بر سر و بالا قوتیه
 قورقم اولد کوزر که خاک در جانیه. بوخسه کجیلم آجکدرم چشم خویش نه
 یارد قدر دن سینه باقی قورق و ایش. بکلتن کلتنش عدو رسن قولن سلطان
 شو بکسر اکره کم دایم طوقنیما دور. نکلوا اولای باقی رمان شنی انسانک
 حکایت او کور بملغانی رومک ساعه سوده ضغیه. یعنی مولانا دانه باقی کلکی
 بومطلع فصاحت سمانی آوب نام غل ایش. و باقی کجیلم سون او غلق
 عیب دکلد ریزیش اول مطلع بود نظر قدمی چنک سکمی رود ایلک
 جسم آشر جانمی عود ایلک. محبوب سیرن سبایل ساعه مکته دان و ایلک روج
 نام. بر دلیر سیم اندامه. عاشق صادق اولوب انک عشقه غلر و شیردر. روحی نور و نور
 بنده سینه کرم انجیه یاد. المزدن نه کور کوجه داد. نولابند نامت و کیم. روحی باقلو
 باج طله دخی اولد لبر ملک نهاد. بو عاشق ناسادی. باک ایدیه بو غنیه خاطر کلکی
 خندان و دل جین و کلکی سرورث دان اولوب غلر نوره نظیره کین دکلدر
 سینه باک ایلک احبا اندک. اولدیر کتد بلاما حاد. حفاکه و جوم سبایل کیدون
 وفار و او غلی سیم سهر یارک. مزبوره التفاس بار. و غیت سیماری و ایدیه
 هر بر سینه لک کوندر و بک تنبع الیون و نور مانک. اولور د و پنجه دفعه نظر احسان
 و انعام فراوان. اولوب خطا سیر بیلک. مکتوب لطیفی کلور. بعن حضرت جم جاج

دیدن
 چون بواد

خلافت پناهی و ارث ملک کی بقا. حارس اقلیم عدل داد. صاحب شد و رشا و جگر
 سلطان مراد. ابد آنه عمره الی یوم القتل. بحر تفتیح من نطق البصائر. سر بر طنبه جلوس
 ایندکن. فی قلوبهم رض. فحوا سنه مظهر اولان ارباب غرض. و فی حید با جیل من
 کلامه ماصدق اولان ارباب. مروری ایشا. معکوفون. غمز ایدوب
 مدرس پیمانیه دن موزل. و خاطر در با مقارین مجزون و طول. ایندرد بلر
 سبب اولدیکه مقتدای نامی نامی عک. اسج آتاه المکمل القادر. محقق ذکر اولد
 کر کرد بوغزل دیکدی. جهنم نعمتدن کند و آب دانه مر کیدر. ایکل کاشا نیدن
 غما صدرن کیم غور نا آسوده سروردن. فنا بر من خواب آلود اولامسانه مر کیدر
 ههای اوج غنای کیمی غیر تسردن اسی. محبت شمع شمسیر یقین پروانه مر کیدر
 اصحاب غرض مانند ابلین تر ویر و تبیس. ادوب نامی باقی به خریف و تحریف
 ایدوب مر حوم لطف سلیم ملک خصال. بنم طبع سلیم باده کلکونه ماکدر
 دید و کیم معادن مستانه دن مراد بادشاه مذکور در دیو جناب خلافت پناهی ایه
 بابا کیم سندن ترجیح. و سنی غیر تسردن و ترجیح. اینمدر دیو بو کافیه و امر و قبح
 و بوثقیقه عظیمه. و قننه و خننه اید. اینمکله مر نور ظلم و اقرا. ایندیلر بعین حقیقت کار
 حضور بادشاه سهر اقتداره. رول و اسکار. و دروغ غیبه فروغ اید و کیم ظاهر و بدیدار
 اولوب غل مزبور. قدیم مجموع اوده مسطور. بونفین نبه سلطان عدالت عنوان اید و کیم
 سلطان سلیم خان مدر رسن اید. ایلوب قضا مکر شرف ایلر عنوان. بعین تفکیق قضا
 قسطنطنیه ایلر صاحبان کون. اینمدر در ایلر. روم ایلین ارباب بیمار دوز مر حوم
 سلطان سلیم قدیم. دورنن کجا جانب حق سلیم اینمدر کانت قدرت. خواص ملکیت
 بلاغنی مزبور. حال قید. اینمکین اول بیمار دن دل بیماری خصلی حصول الماس
 و سلام لطف الهامی. هدف قبول خاص و عام موصول. اولمدر بویر ایلکی اعار انکدر

در کتب
 و کتب
 و کتب

لطف الهامی

نه لطف اینک بکا قهر لیه غلندن غیر. کوز لرت کیم کور دن تاشا کندن غیر
 با عک کلمی سنبلی سر و نقش سی. باری کلور دیو قودیلر کوز جی زکر
 آلدی خبر صبا دن و دندی کوز ایلد. یعنی کلور او کوز لری آموکک
 مشاقتن بنفشه که پایوکه یوز سون. سیکک او بیش چمن اچکن سکته
 بالی خجبه خلاص اولد قیلان غنقدن. چونکم ابر شدی تندن اونه جانیه خجبه
 بر سینه وجود پیر مع و برقی شهر استنبولند لامع و بارق. اولد قد صیان
 زمره پناهه طفونپناهه لاحق. اولمدر بر زمان خدمت کتابت احباب ایلر
 کامیاب. اولمسیدی. آفتاب طبعی شارق. و سحر خهنی بارق مقبول
 طبایع. خوشه اباب و مطالعی. وارد. بویر ایلکی اعار. انکدر
 ساقی چهار ایا میندر کلزاره عظم اینمجم. ذوق و صفا هکیم عبیدین مع ایلر
 ایلر صفا ده دمدم سمت کادر دوالم. حکمته اهی سخم چون بولیدر جف ایلر
 زلفک بکاسنبل تر رنگین بکاکل کل تر. نالم کاسیلر تر ایمی سرفا متخچه قم
 بر دم اچکن غیبه و شرف. سیر ایدر بیلدرم کیم بر ف
 بر سینه آیدین و لایتنند در علوم مند اولدیک بعضی تحصیل. و صفا کاه طوقن
 تکمیل ایندکله کلن سک زمره ملازمینه داخل. بعین منصب تدریس و آل اویش
 لکن روم ایلین بعضی منایله کست و گذارده. و اول طایفه اراستنه خلی عیار
 اینمکین عمر نیک بزمی. آخا اولوب جام حکم بس وجودنده دایر اولدیک شو انکدر
 قسمت اولحق عارف رنن می و هده. تبیحله تجار و لیرن کیم زاهد
 بر سینه دیکر. قلبه لیه فیضی در و پس طبع نک او غلبه نامی عبدالله در مرض اید
 مبتدا و نمین. یاران اچنده طوباق فیضی دیکله سرور و مذکور اید فایق الاقران
 صاحب علم و عفا. فن خوده تمام اهلته و فایلیته و هر جمله خوف و غم محلیته

وارد رسد ثمان و نمان و تسع مایه ده سکه چنانچه عالم وجود در نور دیده
 و مکتب عقبا کسرت ایند اولو بوزنم فنادن ابو قالدردر و سفینه جانی دریای
 حمانه طالدردر بوبر یکی انبار انکدر با تدا ای دین بنم عینم فساد کوردک
 بوقدر یاس سوردک بوقدر دم کوردک خوج اید و بسم اسکی بولکه یعنی نم و اینه
 صافی دل اولی جوشن بر قطعه بکده ماسوا جالش حضور حقه و ارمایه خون بر قلن
 باشم و سنده دامن بوری چرخ کبی بن بجه فکر و قبضه جهانن او کسشم
کری نامی حسد در دریای عدل داد حضرت سلطان مراد ک خواجیه سی بکر
 وفات بدین ابراهیم جلینک حمیره زاده سیدر ختیاک شاه جهان ایل سسلر مانن
 نقیبه مناصب ایل قطعه مراتب انکدر طوطی بوسن مولوت ایل متصرف منصب دار
 جلیم النفس و سلیم الطبع تحلف و تصلفدن عاری درویش نه اوضاع و اطوار
 وارد تحصیل علم و کمال خصلی جد و اقامی و تکمیل انواع معارف اهتمام نامی او غیر
 طبع روان و بر صفا سواد و کثرت و املای کبری آشنای اولوب غواص قلندر
 اینکله پنجه لای ابدار و جواهر اعتبار ابد او اطرهار انکدر تم که وفارس
 انکاری وارد از انساب طبع حسن او ملقبه مقبول مدوح اهل عیان و ربوب
 اکی انکار انکله زنده بوجله با صدار او نمونگی اسال انکدر سمع و بقیه قصید
 کائنات و وجوده بر انجن جهان خیراتین ایلله هر مایه سمع
 سرشکله آینه آه در و دندان این صذر سرشکلبه قالدی کور روز کاره سمع
 بر باد اولدوغن سر خسرو کلاه سولیز بان صالده هر تاجدار سمع
 قصیده مزبوره ده صفت مدوحین
 دانک کبی سنگ بدست فز صانع بتلای بوسر اخه زنگار کاره سمع
 طبعکدن اندی روزه نور افکاره زحکدن اندی کچه ضیا استعاره سمع

مه رتبت سپهر جنانکه طلعتیک قصر جاج دین امیدوار شمع
 طبع فروغی روشن این عرش طالع دل حیره سینه لطفکله چون آب و آینه
 مسوی لرنج نعت رسولی و میگرد
 مادی و ادخا طبعی فخر عالم محمد عربی نقش هر لوح کتابت وجود نقش نیکبخت در جود
 خاتم و پیشوای هر ممل اول آخر اول سیدنا زین العابدین سید اما حقیقتا شود
بصیر خواب نذر نوالی مزبوری مجال النفیس اولو کتایب ایراد
 اینکدر حضرت مولانا باها و نوانی نک غزلری و سپارش نامه لری ایل سلسله بایزین
 کلندر رول مانن سلطان بایزینک دامادی او نه لای سلطان احمد ک صفا اولوب
 انک مجتهد اکلو فایمکدر بعد مرتبه اصحابی هم مرحوم سکندر جلینک لطفه
 منظر اولمیددی ایا صوفیه زایدندن علوفه سی و خانه پادشاهیدن سالکانه شود
 وارید متاع موفقت هر دخیلی و فنون لطایفکله نقد و بصیری در اکثر اشعار
 و کفایری حوله باطل و لمعان اصحاب دولت و ارباب عرنگ مجتهد داخل اولورد
 جویان و حواریان و افر و لطایف و غزالیی متکثر در اول و سه کلدکن مؤید
 زاده فاعلی سکر ایکن بصیری مزبور دن بر عسکری نولیت طلب اید و ویر کردن
 و مرحوم مرقومدن شفقت بر مرصده اول مرض بزه عارض اولمادی دیدن
 استماع ایتدکن بوبیتی دیمکدر منصب صلین درین ایلر بوبن افتاده دن
 دلهرم بی رحم رک اولمش مؤید زاده دن مرحومک لطایفی مشهور و السنه
 خواص و عوام مذکور در جمله دن هر که لقبه کوره مناسجه بعضی مناصب
 ویرمکدر مناسلمان حسته ایمان حصص او زون مصداق الذی بوی آبار
 حشری حسته جوق او و کوپک بالی به یلغ اوده او نمونگی دیمه لرا اولدنی بزم کمن
 عفو این صاری کرزه قزل اچاق او تراق سوبر که سرای قزاق قوز غوثیه مرده

بکنور خوش است بکنور خوش است آهی که کویتک قضا بولم بدیع المقالیه
 اتمام ایدو و زادن بریند ویردکن مرزوره جمله عالم منصب توزیع انجمن سن
 بزه دخی منصب بوقی دیدکن مکر و زیر مزبور اول مانع سلطان اردن برنی الموق
 اوزر ایمن بصیری دخی وزیر سفوره سیزه سلطان اوکی سنجی غن ویردم
 بر طیف سی دخی اولدر که حمام لر توزیع انجمن مدرسه مفتی حمامی ملازمه
 عکر حمامی کدیر جبار طاقی حمام دلبره دفا حمامی ارکندر غول حمامی عولره
 الاجده حمام حاله صرت حمامی جلا هله جو قرحامی جمله لطیفند منقولدر که بر کن
 اسکندر چلی مجلسند ایدو که سفر و چکدو که آلام خطری روایت ایدو سیان
 حکایت ایدر کن اسکندر چلی یا مغرب کوردکن دیو ابهام ایدکن بصیری عافی
 خانی واقف اولو اسکندر ذوالقنین د حکم که دنیا یه سیر ایدم دیو الزام ایدر بولم
 عاشق رنی آه اوسیدم اولدر بو آدم اولدر که مسیح آدم اولدر
 و بی نظیر یگری دارد سلطان لیمان مرچوکی او علی جها کیر سه سب و نین
 ولادت ایدکن بونا ریخ دیکدر جهان کیر دتوفیق الهی رودوس فتنه
 که سه تن و عشرین و تح مایه ده واقعه بواج تاریخی بر صراحت درج ایدندر
 نظم فتنه مافتنه اتم فتح نام صاحب قران مغفور سلطان لیمان هر روز بلاد
 انکرو سده اولان کفار بخونک افسانگی کسر و ولایت و ما کنی فتح ایدو جمله بلاد
 ضم ایدکن بونا ریخی خوب واقع اولندر
 معین دین حق سلطان لیمان که در کاهینه اولندر ملک سطح
 جهاد بنی ایشیدوب روح قدسی بلاد انکروسی ایلدی فتنه
 بعض باران اید خانه زوانه به واروب آج قالدقین بوقطعه دیکدر
 رواند مکر پندی جیدک بر آرادن بر اکرلس و بریکان نه و غنی لایذ و قون

بر نیک صوبی غنی لن نران و پندی جیدکنانی نه یکی اول کلودر آب رو
 ایدو اصدی و اربعین و تح مایه ده جابو عالم حق و اخاذن کوزیو موب
 نرکس جی روضه خانه نکران اولغ و ارفا کان ارحال و جوار ملک مغال انشال
 ایدندر بقایه کف دیارنده بر خطیبک او غلی نامی عبدی قی الموعین بقای کلی
 ایدندی تحصیل انواع معارف ایدکن صحن بر زمان خانقا شیخ ابراهیم ده خدمت
 و بر زمان روم ایلکن حسن ایدوب جمع والدود و سکنان شام سعادت انجمن
 قاضی ایلکن کلوب بوفیر و والد معارف سیر ایدمصاحبت انجندی شام و بر
 مصطفی شام حضرت نیک مولوی خانه لکن مشوی خون ایدو فی الواقع معارف خواجه
 به طوکار و اسرار و ایانتک حالت و صفاء وارد
 کر چک تر جفا شرک انکلیه قوروب اول بے شکار انکلیه او کوردنیک
 خط کتوردی بنی اولدریکه غم کله لیک چکدی اول امرهایونه شک طغرایه
 زلف بارک خبرین کم نور بکه دیم کوسر و بای صبا بی دیدیر بو کتور
 سوزر سبزه چمن باغده باران ایدو بنی اعظمه باشم عارضه مو کتور
 ای بقای بنی کوش ایلین سوزو و اعظمک بنی بنم چشما و بو کتور
 بقایه صحن مدرسی ایلین وفات ایدن هر حوم طور سون افندیک بویک
 او غلر دیر نام نایسکر عید ایدو اولغین بقایه خلاص ایدر حفا که تحصیل
 علم و کمال مجد و ساعی و لوازم سرباط تکمیلی مرعی اولغله سهرستان دلا و جانی
 فضل و وفان ایدمور و روحن مال ملک فضائی باران بی کران فضائی ایدمور
 علم و کمال علم سهر و حسن اخلاقه مجد و مقبول محصور در تحصیل علم و کمال
 و تکمیل فضائی اشتغال و سبیکه نفس با طه لیرین پوئه مجاهد ده قال ایدو
 بنه زمان اسناد الا فضل والا عیال هر حوم ایدمور و افندیک تحصیل مداوم اولدر

خدمت علیه لادن ملازم اولوب طریق تدریس سالک و عازم اولیدر مدارس شریفه
 مدرس اولو طاعلی پاشا عتیق مدرسین اداره حق تحقیق استکمالیه
 و اقران ده صاحب نام شون اولمدرامبد در که مناصب عالییه و مراتب سیه به
 بولار صایر فضا بلند فضا اف ام شعار ده مهار و شووش و کبر و املا و نهایت
 قدر تری واردر راقم و وف به بضاعت ایلد غایت خلعت و نهایت اخوت و یغین
 بوندن زیاده علم قلم و دشمنان اوزن موضوع و ذکر و نشر مدایح و بی بلرنج
 لواء الطناب و اسباب فرخ و اولمندی بوبر ایکی شعار نیایج طبع در برابر زدن
 استیکر بکلین جان اگر چه بهید نور طاق و نه هر شب سک کو بکله فور بهید و غنای
 قیس و شمره عتاقه کویم سرور و اور حوض خاک جو یک با سینه افسر اولور
 که و به گاه بولم دیکه با مال و مالز خاکدن فرق اید و مرمن از جانایر اولور
 غلبه تخی زبانه بقایه قولکک رکابیه بوتن زاری عجب سطر اولور
 دم ز اید و مرمانه و لوز ایلک نام عاقل اب نه زن قوسون ای دلج اویا
 بار ابر سدی باغک غنایب گنجه پر داز او قور آوازله اوراق کلکدن کلکدن راز
بقایه از نینفند ز جری جلیکان و بیکله شور جان اولان معجزه نک و غلبه
 با سسی صاحب حوشتن اکبر کند و سی مقتضای علو تحقیق ایلد تحصیل علم و موفت
 غایت قلوب طریق علم سلوک ایتمدر و خواجه زاده قورداقیدین ملازم اولوب
 معین ده مدرس اولمدری بادشاه علمیه سلطان مرادخان حاکم دکنگاه
 اندر سزاده جوان بخت و مقرر صد تاج و تخت اکبر بعضی غار بهرنا سبت
 ایدوب مرزوره نر قیلا اندر سکر اید بعضی سلطان مرادخان بادشاه روی جان
 اولدوق حقت عالیله مدت سیرده مناصب کثیره به بتوب پای شکاک
 ایلد سلاطین و غلظه منجسی اولمدر حاکم قریه نک جندان امتداد و بقای اولمدر

مؤول اولمدر اشعار و کتب بسیار و منظوم کتابی دخی واردر بو مطلع خلق اراست
 استمار طوئدر لکن کند و نک اید و که معلوم و مخروم و کلدر
 عاشقان کوی باره جمع اولمدر حاجی حاجی بی مکه ده بولسمن
 نوله هر دم نقابیلک جگره بولکره زلر که بخلر بوز لرینی قصه غارت ایتد رهنر
بلیغ استبولدن قول و غلظندن بکوی طایفه سندن در تحصیل معارف
 سعی بلیغ و جهد به دریغ اولمدر فن خوده مهارت و کرچکن قدرت و استقامت
 حاصل ایتمدر سرق صغیر ندن خوش آید اشعار و مطالع طالع و لامع اولمدر بوبر
 قرشودن سبوه سمندیده اول آفت قوبد توزه فوق اولدی جهان شکفته قیامت قوبد
 سوزیمز اکلیم موفی بزم قال اهل اقدیر سمی حو منصور دین او جندن
 نه زبان سولیه لم و اریه بهر حال اهل بقیدلر آتش یتیم مبدی بهر دار بلیغ
 قوه حقیق دخی بوغنه داسان و شهور جهان او کو توه فغانی کبی الدن له و دلدن
 قوه نک با ده کلکون کبی بوقدر آنه اسجدر او قرا بوز لنگ امانه
 منلی مانندی وار ستری قبر در مفتح اسجن بوز کوی یک هر کسی استرانی
 قاطع دمدر اشک و بیکرم اولم کاسه کاسه اچلم نوله کرکدر قاسه
 معرو نام و جلی کزدی کلکی بویه آیین الدی هر ایک او جهان فغانی
 غده مایل اولوب اور ناده کز اچلم بلنرین قوه جینک فیه مبدرا غلظن
پناه دوم ایلند ز خوش طبع و درویش سرب کینه ابدی بوسه انگدر
 قاتک نخلی بلند اولد کال ابرمز پنجه سقا لودرم سبب زخده انک
پارسی بهار وجودی روم ایلن قصبه تر خاله نک کستانند ظاهر اولمدر
 مانی علیدر سیدی چلی دن ملازم اولد قدر مکره ادر نه ده و غیره مدرسین
 اولوب بوج سمت قضا به رضا ویرد دلبند زاده قائم بانک او غلظنه معلوم و سید

اولمدر اشعار و کتب بسیار و منظوم کتابی دخی واردر بو مطلع خلق اراست
 استمار طوئدر لکن کند و نک اید و که معلوم و مخروم و کلدر
 عاشقان کوی باره جمع اولمدر حاجی حاجی بی مکه ده بولسمن
 نوله هر دم نقابیلک جگره بولکره زلر که بخلر بوز لرینی قصه غارت ایتد رهنر
بلیغ استبولدن قول و غلظندن بکوی طایفه سندن در تحصیل معارف
 سعی بلیغ و جهد به دریغ اولمدر فن خوده مهارت و کرچکن قدرت و استقامت
 حاصل ایتمدر سرق صغیر ندن خوش آید اشعار و مطالع طالع و لامع اولمدر بوبر
 قرشودن سبوه سمندیده اول آفت قوبد توزه فوق اولدی جهان شکفته قیامت قوبد
 سوزیمز اکلیم موفی بزم قال اهل اقدیر سمی حو منصور دین او جندن
 نه زبان سولیه لم و اریه بهر حال اهل بقیدلر آتش یتیم مبدی بهر دار بلیغ
 قوه حقیق دخی بوغنه داسان و شهور جهان او کو توه فغانی کبی الدن له و دلدن
 قوه نک با ده کلکون کبی بوقدر آنه اسجدر او قرا بوز لنگ امانه
 منلی مانندی وار ستری قبر در مفتح اسجن بوز کوی یک هر کسی استرانی
 قاطع دمدر اشک و بیکرم اولم کاسه کاسه اچلم نوله کرکدر قاسه
 معرو نام و جلی کزدی کلکی بویه آیین الدی هر ایک او جهان فغانی
 غده مایل اولوب اور ناده کز اچلم بلنرین قوه جینک فیه مبدرا غلظن
پناه دوم ایلند ز خوش طبع و درویش سرب کینه ابدی بوسه انگدر
 قاتک نخلی بلند اولد کال ابرمز پنجه سقا لودرم سبب زخده انک
پارسی بهار وجودی روم ایلن قصبه تر خاله نک کستانند ظاهر اولمدر
 مانی علیدر سیدی چلی دن ملازم اولد قدر مکره ادر نه ده و غیره مدرسین
 اولوب بوج سمت قضا به رضا ویرد دلبند زاده قائم بانک او غلظنه معلوم و سید

زمره قضاة معتمدان استیاری بر عینک و عاز قضا ایلد بر ازار
 اولان شواهد نامدار دندند و تارین دخی جلی قدرته واردر ذکر اولقا قاسم
 بابت دن آنچه استنبوب و خلق لفظی تاریخ دیدن قاسم بابت دن آنچه کوند و
 مایه کامله دیو تاریخ دیکدر بواسطه رکن کفزار دندند **نظم**
 آه کم تر غم دوستی قییک دلنه قور قمر فاش اوله اسرار نام بلند
 نه قدر بار و شکین لسه زاه خشک عاشق سوخته نک دویمیه تاب دلنه
 ای بهاری می و محبوب اوله و سزه و آفتنی کافر اوله میل ایلیمه روم ایلیمه
 دیوان کی بتی کردار دن برنی سودن دیکدر **۴**
 مهر خدک کم کجا آخر نفس ایمان و لور ابر نه بر کون نائنه اعماله عنوان لور
 دلبر ابرنج کون اولد کور بکدن کس می انتظار ایلد مدد اولدم قبح دیوان لور
 دیک اولمز بر سپاهی دلبرن سودمینه انکچون بکلم هر صبح دیوان بولرین
 زلف دلبر کم کندن کوسر **۵** کونده یوز بیک در لو بندین کوسر
 سیم استم یاره صرف ایشم نولا فوجدر البنده کندن کوسر
۶ نام سترغ عبدالله در پین جمهور بهاء الدین زاده دیکلمه موقوف مشهور
 سلطان الطریقه و برهان کسریه و حقیقه عین الی لکین و قدح الن سکر
 اسوة الابرار ات دات عالم ربانی شیخ بهاء الدین زاده مرحومک اغلیدر
 حقا که بذات بزرگوار در که شهباز زرات افکار و کند دقت انظار ایلد طائران
 علوم بیمار و چون کان قون بیاری صید و شکار قلم و قو ام و رنجار زخار
 معارف و عیان بکران لطایفه غوطه انجمه بخلا ایلد ابدار و جواهر اعتبار
 ابد و احوال اتمدر سمنطیع صفات فلاحه معارف و کمال ایلد مخفی و بکران
 جنان روئی میدان فضل و غنی و معارف جمیع و اذعان و سبب مصلحتی اولان

علامه دند

علامه دند شیخ الاسلام استادی و استاد الانام مرحوم ابو سعید افندی
 ملازم او کو از آستان معانی استیاری اختصاص نامی و قریب الکلام
 ابو نعیم مرحوم قو کم ایند نجات مرتبه ده مرغی مقبول و زمام مصالح
 و معنی کف بر کفایت مفوضه موقوف ابدی بناء علیها و سبب
 آسمیه ارتقا و اعتلا ایلد ذات خورشید انار تری منور ایوان صدارت
 اولمیدی اول منصب ذات پرکارم و معانی کسب و صفات و تحسین
 نور و ضیاء ایتدین زمان سیرده جناب جلیل و خطیر رندن جدا دوستی
 ما و دان حاتم عین فاش نندن جویان ایدن جویبار استعار بلاغت شکارک
 صفای کون کبی نمایان و جسم حالات کبی لامع و رخشان در و عیان جنان
 معانی موفور نندن ظهور و صدور ایدن در مشهور و سکل انتظام نمایان
 اولان یواقیت و مرجان که عقد الدایه و قلابه العیقان در موصوفت
 لم بطهرتین انس و لاجان در ذات بلاغت کسرت و جناب معانی اول
 مرتبه دن بالا و تر در که عنوان شاعری ایلد بو کتاب ذکر اولد لکن بو
 فنده دخی نهایت اقتدار او عین اعلام و اظهار ایلچون ایلر دو اهدار اولد
 بواسطه بلاغت شعرا رقم زده و کلک سخا رندند **۷**
 عاشق اشکی که ایدی زانو به عقد در در صفا سن ایکی دزی
 یا ز کو کلکی دیوان کان سکر ایلیم خطه جبار ایلد یازوب یا کلکی
 اشکم جهان طودی قرار سچلری اما هوای خال و خطندن کچلری
 مجلای روح اولال بر بای رخ کار هیچ آیدنه سکرده اصلا سچلر
 تو تیا استیجک چشمه بن سچار کوز قور دوب دوشرخ خاک ره
 تاب رخساری سر زلفیکه جانانک بر علود در دهنندن چو از در مانک

زخم جگر کور دخیل یکدیگر **ایستور** را اولدخی بکاک و جندن
 پابوسند ال و بریدی بکری غل **ایستور** دوستی یوز مزیره دامانک و جندن
 بر اگری یکی یوز لومنا فقد **ایستور** دور اتمه بنی خجس بر آنک و جندن
مست قارشد راندن سیمایک و علی سیمایک و دیگه شور در سلطان
 باینر زمانند کند و سندن بر وضع منفور بروز و لور ایدیکلیم دیار نه
 سیاحت کدوب افن سلاجات و نوای خدمت و اهل اولغده پنجه معارف و فضایل
 نایل و سیدی بوغل پر استهار **ایستور** کفار نندند **ایستور**
 بار ب پروا در بغاضه دن عالم **ایستور** سومون عالم که دلبر عالمیست
 برده انصاف ایده لم یار اولدخون **ایستور** ذره ناچیز دن عار انیمونی افتاب
 سمعدر اول شاه خوبان کم بر پر وایشن **ایستور** ای بختی تهره جایز دکلر انت
 و نظم یوسف زنجاری و ارد در صفت حسن زنجاده بویتی غادر
 پنجه اولم حسنی خرنند مبارز **ایستور** فلم بر برغی هر خند عاجز **ایستور**
 ویزه مولود اصلست جور ب وطن **ایستور** در طریق علمی نام تکمیل و فزون غیز
 و علوم عربیه تحصیل ایدیکلیم کن نایت حوکتی **ایستور** دحوم سعدی افندی نایت
 بولدقن قطب ملک ارسل و مرکز دایره صلاح و سداد مرکز افندی خدمت و ارد
 طریق مهوری اوزره توبه و انابت و تکمیل نفس با طقه و تهذیب اخلاق لایقه
 بچون چوق ریاضت اید **ایستور** چور لید خطابت و خلقه و خوا و نصیحه مشغول
 اولوب مادم انتقال و رکال اول حال و زره بر قرار و بر کمال اولمیدی اول
 ولایتک مسافر و کبار اناریند و غلی اید مشرف و استماع و اذان خلق جهان
 جواهر تفسیر و زواجر نهی و فرمان اید مشرف اید خیال به حاشیه سی اردر
 علما و فضلا با تنج خلی سخن و امانم هر ک حسن قبول و تربیتی اید معنوند

کتاب دین

کتاب مرزوه اندن علما حاشیه تحریر و املا اولمشد و دلمه لایق و سزاوار
 و تفسیره متعلق تعلیق و بعضی سایل مصنف **ایستور** وارد و فن شوده و دخی فایق و جندن
 مدح و توصیفه لایق **ایستور** **ایستور** عبدی و نظیری در معانی الطیفه ابداع و اخر غنه
 قادر در اشعار خوبنک اسلوب مرغوب و اردر بوانعار بلاغت شمار یادگار قلم سحر
 سنبکدن عارض کلکونکه بر ایه صال **ایستور** کورده چوگن غوری آفتاب و آیه صال
 بر نه کل بو کجبه ای عالم حسنک **ایستور** بوخه بر دن کورده کل بخنور و التی
 قان اولد مکه و فکله یور کم راحت **ایستور** کلدی کجیدی کوزه لم اولدخی جالتدی
 اتمه ستر ایلیمه می با که اول کون **ایستور** او بنایه و زجیب اید پیغامبر و بنی
 مخضر اید دلا یاره بزرگ نام **ایستور** قوجفا قسته سنی بوخه بوچر حکامه
 سک کو بیکد در بنم حکیم **ایستور** بلرم طکر نیه فر **ایستور** پنجه قشون نازی و شکیم **ایستور** آبدستی برین یلکراسر
 و صالک کعبه در روز اهل غریه زما نندر **ایستور** کفن احوای بوبت اول بولک تخت رواندر
 و اعظم خدمت ایلست ملاست **ایستور** کوش اورمه که یکس صاع و حکایت
 اجاب بوبله چکد و کیرده جفا بون **ایستور** اعدای خومزاجه نه قصون کومندر
 ای **ایستور** نیه بردانه در علا غلک **ایستور** غیرنی ش عارک اشعار ی هب الحق زره
 بکر سر بیج جم شاه و علمه آدو منظوم بر کتاب بلاغت مضایع و اردر غلک
 آخوند مناسب حال بر غول پشال کتور و ب غلدن مقدم بوایکی بیتی کتور یکی الترام
 ای قول خون بزگاه سرور مجلس اهلین الدی خواب تور **ایستور** سو فکله تازه کلمه دل جان
 اوقه بو سوی دکسون یاران **ایستور** ذات بهستی خضای آرزوی وصال و دریافت
 سعادت جمال کمال **ایستور** بچون حدود سبعین جوار ملک معینه انتقال و رکال **ایستور**
 ایلیمه حق بهستی منزل کمال **ایستور** ویه لطیفه عبد مقبل **ایستور** **ایستور** استنبولدر
 معلم و خوشخوان و حافظ قرآن طالب عرفان کسسه در قابل پسند بعضی اشعار وارد

و اسرار کور بایکین صوفی
 و اسرار کور بایکین صوفی
 و اسرار کور بایکین صوفی
 و اسرار کور بایکین صوفی

و اسرار کور
 و اسرار کور

دوره و سس هر کشته که مهر کرده ای مه کافر. برده و کورده بوزک نو قید یوق اراغر
کوئید لرسک کوک او لور دیو بهلول. اینک طایفه ای مه نوار بر پاره بندش
بیان استنبولن بر بابا بشنگ او غلبه در حاکم علی ملک و لش جوان قابلیت
ش ن اید مودف طالب عرفان در بوسه اکندر.

چوخ فکده مه تمام فکده و باید تمام. سیر ایدانه هر طرف عتقکه سوزاند
راه عتق فکده نره در بولد اسم. قور قوی بولکته تیر و کابله کیدر
بیان قسطونید کتاب قسندرز سلطان بیک خان شاه زمانده و داع جهان فله.

ایتمدر مقبول اهل زمانه اشعار بدیع البیان. وارد در بوسه اکندر
دیدم بولکده جان و برسم حی آفت. کجری مشت دیدی نه مشت
کل کوی سخاره وره لم اوی کاوا. دنیا ده سکا کوسن بن باغ جهان

بیان قصبه رو سچدن اوی مصطفی در جاراته زاده دیککه مودف در هر جبهه
پن الاوان خلی انشدک ایل سوره. اوفین مرحوم ابو قعود افندیک فرزند
محمد جلی بی واروب اندن لازم اوکو. مرحوم ابو قعود افندیک الطاف و اعطافه نظر

و تفسیر بی نظیر نه خبر ایتمکه دولت داریند فایده وره. اولسیدی بوی خود خلی قدرتی
انکر طرز و اسلوبه اوزره دیککه نه باند هارته. وارد در مرحوم رفقه بوقصید
عربی و بر و منصب ایل بر ادا اولسید. سجع احکام علی الاقان افقانه.

و فیض معنی عن الاجفان اجعانه. بخت ثبات بال صفا صفتان. صور جذبات
رحمانیه ظاهر و زمین فواد سعادت نه دلت. انوار علیت سبجانیه باهر. اولحق
مناسب و مراتبه امانی الحکیمه ترک ایدو. اکل افندیک خدمت پر هداینه غایتان.

طالب و نایب راغب اولوب خلاصه اوقات. و نفا و سعادت خدمت
بر ارتقا و سداد نه صرف ایتمدر. بخت شیخ زور سه خس و نمایان و تسع مایه

عازم خلد برین. اولدقن برینه شیخ سجاده تین. اولمدر بواشعار اکندر
قلدی چو کیوانی جانان بلوک بلوک. عتاق خیلن ایلد جو ان بکول بلوک
غمرک بوسه عینکه که هر ان کلور کچر. سیر و اندر که شتابان کلور کچر

کل کچر با ساطلس هیدن ای کل. جوی فایه خلق چو عیان کلور کچر
عتاقه زخم تیغ سندرالم و برین. اما که ریش ناوک مژگان کلور کچر
گرچه کم کوزدن کچور دم بوییدی در بیان. بولدم کندی در بخار اولد ریکتایه بن

بیان یا بنوی دندر شیخ کل او غلی دیککه مودف. نظم و نثر ده قابلیت ایلد مودف
ای اقام جو ایند که عتقوان حکام زندگانه در. و داع عالم فایه ایتمدر
ماه نونا علی بر دلبر مدحت دیمدر.

ای بوزی خود دختن کیمه نه دل. کلمه دوره فک کیمی سنگ ایکی هلال
منعکس اوکدر در ونده دل بوخته کا. صنفه آینه رخ رنکاری پر خال
پایکده نوله ایلر ستم نه بخوم اسکم. ماه سیرن ایدر عاتیده استیال

بیان بیان حسن باجکله خارج حیطة مقال. اولان سهرادر نه دندر امارتن
فراغت ایدو. بر مقدار نیار ایلد قناعت ایتمدر. کند و زنجیه ولایت بلا عتق مهران
و اول نره نک هر و سوری کچوری. با این جمله لایق قبول بعض اشعار وارد در

محبت شاهبازینک سکاریدر بنم باشم. انک سر بنجه سنده کورینور منفار بیدرشم
جهان در یازن بر قطره دکلوعیننه لالمر. کوزینه عالمی یکدر دی بواک که باکم
خم ابر و که زلفک کوشه سندن تر و سر حیم. مد نودن خیال اکلر بو بدن غم قهر چشم

نه لازم جلوه پیرغیاک شمع کا فور. جوالع چشم روشند کتورس جام فغفور
بیدار ولایت محمدن بلوغ کزین قصبه در کزیدن در سحایه در حوک بر ادر
اگرچه اهل و فتنن صیر نه صفتد. لکن حراف جواهر زواهر مودف. با وجود که

طایفه ای جم اکثریاد و ترکیب را اصل و فاصد از آنکه نور وادای نفس و شریفه و کلمات
 عیس و لطیفه قادر در بواسطه آنکه گفتار نهند
 کوز کوز او که جسم زارم تا و کن لاد. جمله جسم اولدم اما طویدم دیدار
 صورت یار یله دل خانه سنی سیر الیه. یاری هر کوسه ده بر صورت ایله سیر الیه
 قدم هلاکه دوشد تنم بر خیالدر. سینه اجل کلوب سنی بولق محالدر
 نجیل ایدوب هلاکه قصه ای اجل. شاید وصال یاره ایرم احتمالدر
 جسم سیر از کس و ار کلزار عالم نام اویندین. جسم پرخت و بلا آب حیات
 و بغایه فاندین سه نمان و سنین و شمع باده آخونه انتقال ایله غایت
 میخوار آید. اول کریم و غفار عفوایش اولد. **سبع** ظاهر اقلندران طریق
 محقق و جودم اولغین آرزوی سیاحت ایله داخل یار روم اولمیدی طبیعت
 نوبه سی مرقوم و مرقوم اولان نوازندن معلوم و مرقوم در **سبع**
 نذر اول غایت موزون نذر اول جسم بدن. نذر اول طلعت زیبا نذر اول حسن
 نذر اول صافه معلق نذر اول قطره ماء. نذر اول کوی ملاحات نذر اول سیرت
حرف الفاء **سابع** تا جین و متکاتبه آفتاب کبی معلوم شیخ و سابع اولان
 نذر استنبول نذر مقبول رکاب سیر. حضرت امیر خیار در ویندن بر نیک
 او غلبه و طریق علم سلوک آید. بعض بلاد شیخ اولد قسطنطنیه مرقوم شیخ عبد لطیف ایله
 دولن حجه الاسلامه فایز اولد قسطنطنیه لیسک کویان. ترک کرانه و جهان آید و
 محکم نوبه غم کعبه جهان انجند حسن خطی کبی نثار خوب و گفتار غرور
 آیم که آسمانده تر هر چه خد نیک. قصدی بود که کوب نجیل ایدوب جنگ
 دل آستان یارده آیدن انجور. ابر سپهر لاله سن جنگ ایدوب جنگ
 سوز اندی آخونه دلا و شردیلر. مجله بایسته شکر اولد تا جی تنک

تاجی شهر آدرنه دند وجودت طبیعت و ذکا و طفت و لطف فطرت
 سبب الیه بر مقدار تحصیل معرفت. آید که هوا ی خوش. صنعت کتابت مهارت
 پیدا ایدوب. قلم مثال مرآت الی کوز مسدود و مانند دستار کار نه باشند توشه
 بعث مرحوم جناب پاشا تک توابعندن اولغله آغز عامه چشندی مسیحی شهر آیزنه
 اندن علماک بنظره دیندر. بواسطه آنکه در. التون قلم مثال یوا شرفشان.
 اجیوب بخیریه بصدی در اسکم بحر غم. دیدی هر دم دوستی در بر سیم افتاده در
تاج مرحوم جعفر طلی و سعدی طلی یک پدر بدر. اهل کمالک تراجی و سردار
 اولد و غم. دلیل بو تیر که مرحوم سلطان بایمزدیک شهزاده ایکن دفتر دار اولمدر بود و
 وسعادت که کفایت. ایدر که اولک نال هر بلند بوستان وجودندن نشو و نما بولمدر
 و اولک غصن ارجند. نخل حیانتدن ظاهر و پیدا اولمدر. **مطلع** انکدر
 کوز با شکو کو نخل زلف پیر نراچندن. قالدیم فر کو کعبه ده بار انراچندن
تیغ تیغ مثال ضرب و جوب و من بدنگال. یوزد و ندر یوب تیر تیر شتاب
 که جنگ چون هر طرفه پیر باب اولوب سیر وار. صدمات نبرد و پیکاره کوس کروب.
 یور که دم نکی دمردن. و مانند تیره خوانخوار و مرد افکن اولان زمره سپاه ظفر
 پناهدن معدن جوهر وجودم خوب بغیرت دمشق است مملوک اولان خال اسکو بدر.
 هنگام صبا و تن هر کسوس در. حرم خاص برای سلطان ده نشو و نما. و سرو مثال
 گلستان خاقان بر اجلال کسبت بالا اولغله آینه سینه سی مصقل معارف الیه محلی
 و کردن دل خانه. فلانید فرا بد لطایفه موش و مخفی در لایق پسند قبول انصار غوغا
 و مقبول وارد در تیغ انصار آبداری. اعتبار اهل نظر الیه صیقل و جلا بولمدر. لاجرم
 منظور اهل کرم اولد روادری. بو مجلیه خیر اولغینون ارباب اندو که مقالدند
 بیقر بر آغیلده عالمی بلم نه حکمت وار. شراب نخله سفید بکر ز آبی فوت وار.

تاجی قلم مثال مرآت الی کوز مسدود

نقد عقیده فقیر و ستم خیل غنی ، بقدری جام بیل ساقی کلهر بن
 بنور دم کچه عقلی عقیده ای برین ، جنون وادیرن او کندی کو کلم هر زبان
 آنهم بیل ایادی اول سردی اندم در کار ، عالم اچره کوردم بویله موافق روزگار
حرف الثانی استنبول دندو سلطان بایزید و بیل وایلند
 کلمبیدی نامی حسن ، غایتی بماند کوزل ، و یوسف مثال بسل و بیل ، اولوب
 یوسف نمانی دیکری جسدن آنی خلق ایتد ، بومعه دخی نمانی ، نمانی ده ظاهر و پید در
 عجبدر که اول دیر خوانوار غسره جان گار ، ایلده هر انی پنج بیک عاشق دلهکاری اولدرن
 عشق قدن بری ، اول توخ دلفری ، مفارن قریب ، و اول غنچه نازینی خار اغیاره
 قرین کور دکن صبر و فراری ، و تخلص اختیاری قلیوب قتل ایتد ، بواسطه انکدر
 در بار دلا بنم غدر ، نوز دیدم سرور سپهر **ثانی** نمانی نمانی کمانی کمانی
 اولمعد بلدان جهان اچره واحد نمانی ، اولان استنبولدن قول او غلگدن
 جان می دیکلر و فدر ، او این حالند حادث کن دل مقتضای اشدن عیش
 ونو نه مشغول مشغوف ، و باران و اخوانی میانند رندی و قلمانی ایه مودف او فخر
 بعضی که اکا سوزن اوزره اید ، کن حال ابله مناجدن تائب راج ، اولوب
 سپاهی او غلی ایکن تقاعدانچ سبله قانع اولمدر ، وادی هجو و خولع نمانی ،
 عبید زاکانی ، بلکه فن زبورده بی عدل و نمانی در ، اسفار فارسیه و علی الخصوص نوانی ،
 جوق شیع ایتکله خیالی مکنس و اقتدار و معانی و لطایف بی شمار تحصیل ایتد
 جمع زمانه زده مهرور و مقبول مهرور ، اولان سوادند مرتب و مکل و نمانی و بی بل
 کلمات باخت نوانی و اردر بوبر ایکی شیخ و اسعار ، انک نتایج افکار ننددر
 حقه لایق ایدر بیک ملکات شیخ ، کو کلال اوزره طوتر لرستی مانند شیخ
 محکم ایلر نیک هر کچه مهابوز جانا ، او فو مک حاصل هر منقح احسانو جانا

مرحبا اینتریک بر سیمه آتانه دکن ، چکین روزنه هجرا کی پیرامه دکن
 بو قدر بجهانه سکه بر نازنین سن ، عیبک همان بود که ارازل نشین سن
 کو کل مرتنه صوفی محلی ایتک و لفری ، جمال یاری بو بوزدن تماشای ایتک و لفری
 عجمک اغلق ایلره خندان اولدن بکدر ، کدای کو یک اولوق ایه سلطان اولدن بکدر
 کلاب کو یک ایلهر کچه جانا خلد سمن ، واروب بر منق طهاک غلخوان اولدن
 غلر سکنه جام تهی یوق وجود می ، قلک اسیر قوه نری س زمانه
 صاف دلق صید خوب مهر مشغول المون ، که ارمبال زنده سنا مبول المون
 پیر مع زباده اچاسون در میخانه بی ، مجلس ایتلق موزیلر بول المون
 مهر کلام سوره هب ستری جهان ، عصر من بن محمد عصار ثانی
ثوبتی دیار فرامانددر ، بو قویب ایله قرمان باز ارنه دکان اچوب الکاب
 حبیب الله فوا سبله عامل اولوب ، معاجین اسر به صفا غلک کفاف نفس تحصیل ایدر
 اول زمانه دکانه جمع اهل عرفان ، و منبع جمله هنوران ایدتیه کم دیکدر
 طرفه جمعی خول کلان ، فرامان بنوته دکانه ، کندی رغبتی ساعه و عید نادر
 بکردی بنه دفعه دیوان ترتیب ایدوب اسعار بارده سنگ بعضی اواق
 بانبار ایتد که هر کچه ین ترتیب اسعار ایتد ، لکن هیچ برسی مهرور و بین الامام
 مستور و مذکور دکلدر ، بوبر ایکی اسعار بیت اوتد
 مجلس بکدر او ملک بن زار و نام اده ، کوز کور لعل یاری او بکدن ایدر باره
 اگر در در و نندن ایدر رسم بر کز آهی من ، کل ایدم باسدن آباخه رقیب کویا
 کو ستر انوار حق در سدا مکلدر ، مجلس مردم عصا بیله کلور پیرانه
 ظلمت غن کو کل قصر منور قلمغه ، ما حصن سن بنوته عارض جانان
ثانی معنی دیار ننددر و اول طرافت عهر اسرار ننددر طرافت عالم

سالک و عازم اولوب مرحوم سلطان مصطفی معیناده ایکن خدمت آستان
 سعادت آستانه مداوم اولغله ملازم اولوب بعد ستم قضایه سالک اولدقد حسن
 بنه اول آستانه دن دور و خدمت آستانه سعادت دستگاهدن مجبور اولوب
 شهادت ایلده انا سببه بیهوشی عسکر لری حققت خبیطه اول و نایج طبعنه
 نایب مدح و نایب مدح در مقصوده بر شرح تالیف ایلد مدح و نایب مدح ایلد
 بعضی اربان توابع ایلد رطب لسان در بواسطه ایلد
 منجم جوهر نایب لعلن بی نشان بولر نه دمک نقطه رطب غایب دن نشان بولر
 و کل عشق اهل کفر لیکدن بر زمانه نایب نه ممکن باشتی کدر جانابر زمان بولر
 سکری ایلدی حلاوت کلامک لطفی بار شیرین کار ایلد یافوت اهلک ویردنک
 خط خاری غمندن اولدم اول لیکدن ایلد در اتون غبارسم زردم مردسنگ
 کورنر نقطه حال لیک جانانه حال اولد پریشان خاطر زلفک کی آشفته حال اولد
 عیارن جوهر نکل بن صراف ماهر در نایب معنی خاصی نه بلون و مک بر علاج
 کورنر زلفک زلفک بر کون ایلد یرم اود اولد صان کفره برابر برکن ایلد
 نایب و دیگر نامی محمد در باب لیکس یزدن طبعی ایلد ملازم اولد قدس لعل و طریقه
 سالک و عازم اولمیکن راه روضه قضا اولوب بعضی نایب مدح و حاکم
 اولد اخلاق حسنه و کمالات ستمه ایلد مودف اشار اولد نایب فضائل
 و وفان ایلد موصوف مکمل یوز و روضه الابر اولد منظوم کتاب واردر بوندر
 کتبه ایلد بون انتخاب و اختیار ایلد کتبی اسفار دندر
 بلای دهری خدا جلدر غم بیز وصال یاری نصیب ایلد بیزه بار
 او نیر شمع اقبال کورنر اول قمر طلعت بنی یوفاره کورنر قون بخت نیا محمد
 قول اولدم باشمه ازا ایکن اول سر و زاده صوبی یوز سورب ایلد اولدم که افتاده

نایب

نایب مرز یفوندر حیاط اولغله نایب تخلص ایلد اگر چه ایل حودن اقی
 و عامی کسسه در لکن خلعت کلامی قانت الیسمه یوب سوزن بلاغت و نر اکنده
 و بیای زیبای فصاحتی و لکن لیاقت یزدن بولر ایلد
 القدر و لکین کلک سبب دایم وار محبت سبزه زارن بنه نازه بلاغم وار
 حریف ایلد علما روک کبارندن و فضل انضایل قومک پر استه نازدن عالم
 و و فضل و کثر و کامل حاجی حسن زاده دیکلمودف و انواع معارف و فضایل
 ایلد مشهور و موصوف در نامی محمد در سلطان بایزید زماندن انا طوطی فقی عسکر
 اولوب مناصب عالییه اعتلا و مراتب سببه یازنقا ایلد رسد ایلد عز و شرف نایب
 جام سعادت و جام حیات صد مان سنگ حیات ایلد کسر و منزع و روم ایلد حیات
 صد عالیه قدر ایکن سعادت عالم وجودن منور ایلد اولوب استنبول بنه ایلد
 مدرسه و مسجدده مانند کچ خزون و مودف و نر چونکه احوال فضل و کمال کتبه نایب
 مسطور و کتاب مر نور هر و محبت کبی پین ایلد مذکور و مشهور در مقصود اصلی
 و مر ام کللی که اسفار اربان اسفار در بناء علی عان کتبت قلم اول جانیه منوط
 قلوب عت تطولیدن منفرف قلند حقا که بر ذات فضایل آیت ایلد که آیات
 فضل و وفان جوهر جهان و جامع زمین و زمان دن ملو و جام سرور انجام
 سحر رجب بلاغت و کمال تزلزل ایلد ملو ایلد حکایت اولور که در حوم و قوم
 بوبیت بلاغت موسوی دیدک کتبه دل بونفره دریای جبرتن خلاص
 اول آتاده غلطه بوغازن بر کستی باشمه ایلد انی جعفری ایلد بوک اور غالر
 بنخله ایلد سوادن بری بوبیتی دیکدر نول بن بر جایه طاقیلن بونفر
 لطف طبعندن افسدم کاکل لبر دیکس و حوم و نور دخی مقابله بوبیت ایلد
 دل کستی سینه بار چه دین نور که نه دیرن اور غانه و اقوب انده حیا انی ایلد

کامل انضایل ایلد اسفار

اور غالر جواب دیر

بواغ بلغت سوار مرصع نایج افکار نذر
 راه غم بچه اوله کو کلم روانک . قطع ایندی بن علاقه سی کنی جانک
 مهرم که اولدی علمه روشن کونش . بر دزه کلرای مه نامهربان سکا
جامی رو بدر دباچه جیسا . مولانا جامی حضرت بنی زیارت . ایندی خلقدن غزل
 ادوب اکثر جده افتاد . ایدرک سون خلاوت و جندان لطافت یوقدر
 بنجه نغمه ادوب بر سکه کینایم . برید رفوف ملک سلطانی ایدم
جامی بیک نفس تنبولدند . دادها محله سنه قول او فکرنندند . مرحوم سلطان
 سلیم بن سلیمان شاهزاده ایلک . آسمانه رنه انتاب ایدو مجلس انشراح بر صفایان
 جام صبا کبی مدام دایم . و اکثر بجهت خاص شهنشاهی . به حاضر اولور . بعد
 اول شهنشاه سعادت مانوس سر سلطنت جلوس . ایندکه بعضی غلغله متصرف
 اولوب اتجه جی باشی ایکن . سنجایه حقوق حاکم صوره سنی فی یکیدر سرباز طبع
 بعض معانی . سکار . ادوب و غواص بال بر اعت اختصای در بای بلاغ شدن
 بنه لاله ایداز در کنار . ایندی بر مطلع اندر .

جعفر جلی بین الانام . و جمله خواص عوام . اینج نایج زاده دیکله
 و توفیق شهنشاهی صبیحه فلک دوار . و طومار روزگار دمه مطهر در بابی صبا
 سفا ایکن کندوسی طریق اهل علم عارم . و مرحوم جامی حسن زاده ملازم
 اولوب مدرس تربیه ده افاده علوم مداوم . اولندر محمود شاه مدرسی ایکن طومار
 آمان و منور احوال . طوای غزای انکفات باک شاهی ایلک موقع . و نایج بر انهرایج
 حاله بواقبت غیاث سلطانه ایلک وضع . اولوب صاحب قرآن زمین و زمان .
 خدمت سلطان سلیم خان بنج اولغله پیر عنوان . و انشراح اقرانه میانست
 طومار مال صاحب نامون . اولندر بعض یوک فیض غنی باله نایم التفات بیکر ان ایلک

نایج زاده

خندان

خندان . و چمنه احوال باران نواز تر و احسان . سلطان دریانوال ایلک سبزه
 و ربان . مهال مال اشعار تربیت سلطان مزبور ایلک تبار . و لکزه ایوان دو
 و اصل فرق خندان اولوب نشا بخلفدن قاضی عسکر اولندر . روایت اولور که
 مرحوم سلطان حمزوز ابام حمزه و هکام سفا . ده شرف صحنی ایلک کامران . حتی سقوط
 اردیل . و غنیمت جنگ نامه اسماعیل . ده خدمت مولانا و قوم و مولانا ادریس
 و مولانا جلی . اول خاقان ممالک سیان . ایلدغ و نصرت کبی همخان . اولوب
 نشر انواع مضار . و بدایع حوام حکایا و لطایف . ایدرک روان اولور . آقا الامر
 بر قوای . و اتی نغمه لایکدرج الدهر . روزگار پر شدت و قهر . مذاق حضورن
 ایدوب ماسیه ده یکوی طایفه سنگ نخر کی تنخی . ایلک صدر صدران صفای
 فداکته . و سر بر ریاستدن میدان سیاسته کوردی حکایت اولور که مرحوم
 و قوم قتل و لینی غن معلوم . ایدوب سفا و نطع . کور و ب تیغ شایله حیانتد اید
 قطع . ایندکه مانند خاتمه دوزبان . جلی جی لکن . اولوب و افروغ و زوای
 و حکایا و نظایر سولیوب مارون آرسید جعفر کی بی قتل اندکنه نالام . و قتل
 نفس ایدر نه زنبه کنا هکاک و آثم . اولد و غن عیان و بیان ایتیم کین با غنیمت
 اعدای بدکال . آتش غضب اکر ایلک . اولد کلواستفال و میرسد که قطرات
 مضایح و مواظبات سکین اولمق امر محال . و محض خای ایلک نخل اولور که
 بعد قتل اکرانه ترخ غضب . و سکندر هیبت . خبروری قتل ایدو کنه حکیم ندامت ایدو
 متو بان حضرت . بخون کاجس القایند یکوز دیو ملامت ایتیم اول شاد و بنواز
 و اطراف اولان خانه و دکان . درون عاتق لالان . کبی سوزان و خنجران
 مانند ایل عیان . بقیع حجم ویران . اولوب شهر استنولان سنا و در بقوب
 ظلم دهر دن اولسان بر و کجری حکایت . و زبان آتشین ایلک سوز درون حکایت

سنا

ایدو

روایت اولی که خاقان مرقوم اول آنشی بالذات بودند که مباشرت ایندکن سنا
 باجایه دیگر که بگویندش بر سر راه و حوم جوق جلوی آه آتشبارنگ ناریدر خوم اولدر که
 انگاه استباری فخر وجودی سوزان و سراسر سلطنت و ایالتی خواب و ویران
 ابد و بسیل خون ناحقی تحت و خنجر بیله و باد آهی سراسر ایلیانیری بیله ویر ویر
 اولدر که و حوم و حوم سلطان سلیم هر سلطنت جلوس ایندکن مدارج و معارج سلطنت را
 اولدقن ایکی ذات ستوده صفای کلاخ اولدقن بری مؤتذاده اماکنه فائز بیکنه
 ایتره و بری حاجی زاده که دست تهوره حسن وجودن بید و بر سر دیو سوز در غل
 غایب طاندن در که و حوم سلطان سلیم هر سلطنت جلوس و در نور جوق جلوی بیعت باول
 دست پوس ایندکن تهنیه سلطنت بر فیض دیوب و مطلع نظیر کونه اولدر **نظر**
 جان آفرین که کبریا نفع جان نخل بهر نای مقدم ساه جهان نخل
 مولانا نجم جلوی دن نفل و نور که مولانا و مروره وار دفع بر تاز غل دریم
 اچند بوبیتی غایت بکنم دید اولیت بود **نظر**
 بن سید شیخ عشق اولدقن راه یارده یومین دفن ایلیوزندن خیار کنون
 و انواع قتل و اندقن اول ریش مظلومانه قاتله ایله سلطان سلیم حاجی غنیمت نای
 مسجدی دیگر و فاسجده که کندوسی با تهمید و دفن ایلیوز و حوم سید اقدیک
 خطا نریندن منقولدر که خدمت مولانا قتل و نمر زن اوج دورت کون مقدم یکجه
 واقع سنح بوبیت بلاغت سحر او قیوب تکرار ایدر **س**
 منم آن دوروز عمری که بزین تن نیز زده پس از آنکه من بمرم کرب تن نیز زده
 و حوم و قوم کلام منوری منظر مندن پنجه دایب ایله غالب و غلبه تندن قضایه
 فصاحت سمانه راج و فارسی نسی ترک آن سندن اعلی اید و که اهل قسطن
 ظاهر و واضح در اگر چه اشعاری ساه و کنایه در لکن سوز عشقندن آزاده را

روایت اولی که سلطان ملک فعت و صاحب قرآن کند هیبت جمشید خشت
 سلطان سلیم ایلا شانه مصیبت و حکام مناد مستم مرقوم بن ماهیت عشقه
 منکرم و عشق و محبت قبل عشقه نورش و حوت و برد و کنه غیر مرقوم عشق دید کوی
 بخرد افسانه و اهل عقل اولان آدم عالمده عشقندن م اورتق کلام جامه در
 دیو دعوی ایدوب بینه مقالدن عجزی طاهر و اقامت نایم قاهر و اویلیقی
 بیان ایندکن سلطان روی زمین و حومه آند ایچک عشقه انکار کوزایش و اشعار کز
 ظفر و بدیدار و روشن انکار در دیو سوز سلیم و حوم شیخ الاسلام استاد ای استاد انام
 اندی لم یسبح بمنک البوارج و القواد مولانا اکتی او کمود الکهار حق تکریدن منقولدر که
 و حوم سلطان بایزید شرفا مارت ایکن خدمت مولانا مرقوم و مؤتذاده و حوم
 بخت و سعادت کی خدمت سزاده عکارتیدن ایزلزل و خلق و دولت
 و اقبالدن ار لکر اید اول تقریب الیه ار لکن محبت و داد و اصل من به انکار اویشد
 بعد سلطان بایزید خان فرمان فرمای خلق جهان اولدقن هر بری منظر
 نظر لطف احسان اولوب مؤتذاده و حوم قضی ادرنه ایکن مولانا مرقوم شایخی
 اولیق تهنیه منسوب ایکن کوندر دو کتوب بلاغت سلوبن بوبیتی **نظر**
 و حقوق سابقه ای ربه بکونه تصویر المنس سلما سلما ان الکرام اذا ما
 یعنی بوبیت سوره اسارت ایدر ان الکرام اذا ما اسلموا ذکر و سرکان **بالفهم فی سرکین**
 نقل سوز را ایدیکه منلاء مرقوم اذا ما لفظنی نیه اسارت اید و کنه نایب اولدقن اربا
 و فاندن بعض یار انک معاونت و الفاسیده مراده و اصل المنس و حوم کانداده
 هوس غمه می شهوز و کمال بلاغت سحر اول عو نامدار و نایم سحان
 اقدار که زمین بلاغت ناز و کان فصاحتندن اید او اهل از اید و که لای اید
 و جواهر زو اهر بر اعتبار و نذر **س** سو یک قصه اید و کجه یاره در دوحه **س**

بالفهم فی سرکین
 انکلی عجزی انکار قاهر

2 قابو که التوب کوردی رخباری خاکد. و اردر بردن کوکه باد صبا به مستم
 بن نیمه سن شمع جان به روا جان نیم. بوقیدر عالم بر پروانه دکلو غیر تم
 کوته بیکر کور سه بن اول بت رخباری. بنسون بر دمن یک کله قویر سودانی
 خط بر زخک قلندر صفحه نیم او ستنه. بونه سر در نقطه قور خال لبک نیم او ستنه
 ای خط رخ بار او دایکد بیکر سنگ. بویکه کوندن الحار او کد و تر فیر سنگ
 شکسته او کد و کد کوکل آینه سی عدن. کم اند بر نیمه بردن کور یور دوست دیکر
 صجکد کسته دلچون بنم کدر قاتل. دیکر غنبت ایقدر کاهم اند و محال
 روایت اولور که مرحوم قورمک دین عالم بینی چشم دلبران نازنین کی خونین
 اولوب اسکیم خون امتزاجی نصر زجا جیلرینه پردن چکله ددم دین است
 جان کی کونان زبان. و سرک آله دل میان یکی النذن قان اغلبوب
 عاشق نالان کی کر بان. اولدق اول نمانغ قاضی کراولان مرحوم جاکر نازده
 که مخلص جابیدر بویان دیوب مرحوم کوند سندر.
 آی کوزم نوری کوزک مرد ملکی طالع نه. درد مند و انتظام او هم فی جواب
 فرقتن خون اسکیم کبیر کم کوسر. کوزاک آینه سی هم خط خون جاکر
 غالبان ایقدر کوزاک مرد کد. خوفن ستر در واته اعلم بالقوا
 خدمت مولانا دخی بویکه جواب استعطاب و بیروب دیکر
 ای طیب جان بویکه الشفا سندن ابر. کوندن هر درد املنه فی دوالر جاکر
 عقله صور دم خاکای جوهر خاقین. سرته اعیان دولدر دیوب و جواب
 چشمک حالن صور یک انقدر روز و شب. کاکل لبر خیالیده اکامسکین طناب
 حکمی دبار کون اولور سه بکامان رمد. اولچو پیدایشق لایدر کور نمر آفتاب
 بوز سور دم خدمته وار و جاکدن کو. چشم بد و اول سه یکی واته اعلم بالقوا

جور

جعفر مرحوم قورمک او غلیدر اوی بالیدر خلی شوخ طبع و
 نازک شان حسن و ملاحظه مانند ما تابان مش رالیه بالیان مشهور
 مشهور و خلق جهان ایدی خانه سخی طایاران و جمع رندان و جعفر آباد
 معارف و عرفان قلندر سی و عاتیه اکامرو اعیان و زمره اهل عرفان عشق
 نالان. و اول محبوب جهانک کل خندانک بلبل نزاله و فغان اول شیک
 وایا باده لکلونله برش و ایفون جمع ایدردی آخر بر شدن غاسی بکری
 یدی در سینه وار دقده طبیعت ستمه مقاومت ایدر میوب زهر برش
 آفتن المشن و ملاج اجل فلک وجودن دریای عدمه صلیش ایدی
 و ریفا که باغ بهار جوان. فرو رخت از تن باد خزان حکایت اولدر
 جوان مرحوم کمال شازاد و مرحومک غلبه سنده دیکرین باطلعن کند
 نامه او قد قد. میخانه عشق ابر بن بر طولوقا لدر دم. بر چیکه کوزل
 مثلا مرحوم کولوب سر بایه چالدر و عکرای دکلر یولطفه امتشن
 بو مطلع اندر. دیر لکدن او لکهای سیمین بدن یکد. جانه زریقت و دیبانی
جعفر قلبه دندر مستانجی او علی دیکله مشهور ایدی معارف جزیه
 و اقسام خطدن خط وافی سی و شعروا نش و علم حایده ید طولی سی و ابر
 مرحوم سعدی چلی افندی استاتوق فیسی اولدقد نیابت و نیت
 و قاضی عسکر و حوم حالدین چلیک چوق خدمتن ایدردی ادر نه و
 اولان سرای خواجه لغندن ملازم اولدقدن صکر. طرلوقضایه عازم کون
 پنجه شهر قاضی کاکم اولدقدی لکن اوزان خمر مبتلا والود فی حق
 و هوا اولمغین بر یکی دفعه سر خوش طعلوب غل ایدی ایلر منصدن بویک
 اولچو بی سرد سامان سیاحت ایلر نوس اولوب اخوان و ذلت

سودم سینه چالدر دم

کفن کیدر

ایله اخرته رحلت ایتدی بوشو انکدر **ایینه** نه یوزدن اوله جانانه برک
 اولسون کوره لم یوز یوزده اول جانانه برابر **کلکون** سرشم خط سیریلده قوشم
 کلدی طوشوب ایکسی میدانه برابر **چکدم** اینی توزیله جوهر اشکی
 کلدی ایکسی دیدینه برابر **جفای** سلطان یزید زمانند سرکی
 سعادت مقدر و جلالت مکانک خوابه سی اید **نظم** شعریه سیاح ملک
 اولغله حق معارفه مالک اولمشید **اما** شعرند جلالت بوقدر حضرت
 تجنیس اوزر بوشو انکدر **آهم** نی بوحسرتله یاقه یقین در
 کیم شه یوزینه دخی قول باقیه یقین در **بوینند** یقین کور و پایی حیدر
 سن اندن ابراق سن کا اول باقیه یقین **چکان** اکثر خلقی ناظم و نا
 اولان منبع هنروران **و** مطلع فضل و عارفان قصه مناسرت و نرمانی
 حیدر **ابتدا** خالند **ارباب** تیار دن ایکن استنبوله کلوب بر مقدار
 ممکن و قرار ایتد کدر **ترک** جاء منصب دولت ابد و پ قلند ران
 حقیقت ایله دیار عرب و شام و حلب سیاحتن ایدرکن جمالی اولان
 جعفر پاشا ایله مصاحبت اندکته **دخیری** نژادنی و پروپ **فر کور**
 داماد ایدمشدی **مذکور** ک معارف و کمالاته **فیصل** مدخلی علی کفر
 خوش نویسن کده **قلم** کیمی ای اولغتن **فر بور** محبت و تربیتند
 بذل سی و محبت ابد و پ مرحوم سلطان سلیم خانه لاله اولدقد **بیل**
 اوپ کیدر پ اول سنانه عالی پرورده بند و یار ایدر **بیر**
 و ریس ابدی بعد ناصیه شنده انار جا **و** طلال رنو شهر
 لامع **وغه** جبینده انوار مجد و معیا **تیا** شیر صحرایی کنع و شطع
 اولغله شهادت جوانیت و نایسته تیج و کت حضرت کندی و

مصطفی نایل و شرف مناد و مکتوب **و** ال **اوتشد** **اینا** طوبی و لایتنک نیار
 و قدر داری **اولوب** آخر خدمت حضرت نهاده ملک خصلت **و** ملک مفتی سر راه
 دولت و عزت **بلوب** آخر غامت ایله دولت دار رکاب است کت کردارندن
 بران معارف ایتدی **بعث** سلطان سلیم **پادشاه** هفت اقلیم **اولدق** ابر علم
 اولوب **علم** مثال اقران و امثال **اراسند** سر فراز **و** مانند لوی پیرای
 سلطان **جله** دن بالا و ممتاز **اوتشد** لکن بعضی ب دولت و اعیان خوت
 املر زندگانی سی اولما یغین ضروری خدمت کد ساهدن دوری لازم کلوب
 تعا عدا ایله نه مناسرت عودت و مراجعت ایتدی **اول** حالت بطلیم و بوب
 پادشاه کوندر سیدی **بو** نه فریادم اشنگ دیکل ادا این **سکده** داد اینکین **بن** کیم فریاد این **بن**
 هما با محبت سلطان جهان **وجود** ینه روح روان اوتشد **که** در دم فارقت سلطان
 طاقنی **و** محنت بی غایت لام حیرانه تحمل و قدرتی **اولوب** هزار کرب و محنت ایله
 بو غار غور دن **سرای** هر دره رحلت ایتد **الحق** اشعاری مقبول **و** مرتبه
 تحب بن و قبول وصول **بولمدر** اگر چه تصوفانه دیدو ک اشعارن چند ان
 لطافت و بلاحت یوقدر **لکن** اشعار خوب **و** کفار غریبه دخی جو قدر **بولمدر**
 بلاغت اشعار **انک** کفار نذر **عید** و سلوک تک بیر کله امکان اولسون
 استخوان تنی اولد کد و صیت این **اینگ** انلرینه راحت دندان اولون
 خلاق جهان عالمه قلقدن **تخله** **هر** سنی هر حاله قلقدن **مست**
 ویرمه کیوی و لادینیه داحل بانک **کوز** کوره **اغویه** ایلیم بر اثر در بانک
 جسمونه غنا دین **انک** خاک در بدر **نم** و ابریس **خج** اینیم اشکک بر بدر
 کوز باسی **دک** خج ایتد **کج** جسم **یک** در **دیک** کب **ایلدو** ک **النی** در بدر
 نه جینک چین ابرو کله چون شور بلور **و** جی بوق **بر** خطه دور اوق **جمال** کدن **جمال**

بن کیم فریاد این بن
 براسم وارادی بولمدران و کون

جلیل بود بر طاق مینا ده نمونه سخن میسوزد و بوسخت برای دنیا ده
 مجمع کلر خان سیم و ماه رویان سبیل و اولان شهر بخت فراخور سهر و
 دینار لطیفی از تیغی رودید و کنع خطا امتداز کند و سی و دیم **در**
 حامدی زاده جلیلی بروسی نظم ایدوب شیرین و خرونامه سن
 آوایل حالت کسب علم و کمال استعانت ایدوب دانشمند اولد قدر سن
 عقله اختلال کلوب ترک تمنای جاه و جلال ایدوب بروسه ده ساکن
 اول **سید** خلقدن خوش و انوال اوزره اولمغین کسنه ایله قتل و قال
 اینموب فصل خیز نیوفان ن اولان نطق و بیانی بالکلیه ابطال اینموب
 بخون سولمیزند و بو خطا بایده نیم وار در جواب ویرد و غلبه کمال صبر
 و مشو باند خرد و شیرین ایله لیلی و مجنون و از در سنها به ترجمه است
 در لر لکن اندن برستی کورمک و ایستک واقع اولد و باعرا لک گفتار
 جقون اول کوز که شب جگرده خونبار دکل مددای خون جگر لک بکایار دکل
 نکل انغیلده و احی بو قدر با تور سه بستر کل اوزره راحی بود
 کور نخت نیمی نوری کلک نمونه کم باده سن کوز بانی سازن شوز نکل
 جمه لیلی که بر زر نه در مهاب اکا رسته جان و دل چون در اطنان اکا
 عشق جامن خروده صون ای کلک مراد فو کم نیر خون جگر کلکون تیراب اکا
 اولکده بر سر و غمندن غنچه و ش و لشکر نیلگون نظاره بر کل سیراب اکا
 بغلشردی جلیلی به در میانه ی عاقبت بر معاندن اولد فتح باب اکا
 بر کون که وارت نموزی یعنی کم نیم نیم روز فکشدی کتاب مرغ آبی
 قوبوب اوده بیخ آفتد هر برک درخت نایه پرور اولد شهنه سن بر معند
 درد یله مکره بر سر صبح آکوب غم مهران انتر صبح کسب ایلمه سحر بواسن

طکاک

صبح آجادی قبا شک قیاس **جلیل** دگر بروسه در سلطه ن بازید و رن کلندر
 بو مطلع کلندر نه درزی کوزلن سودی کوکل پاره سی چون رشته زلفنه غلو لک آواره
جلیل دگر خطه پاک ادر نه دن ظهور ویر و زانیمند ارباب ضایع دن پنه دوز
 شعری عاشقانه و پر سوز حفاف و نعال کلام و معالار رننه بلاغته محکم دخت
 اولمغین کرد و رایتام و مرور اعوام ایله قبا حق و التیام دکلدر مرحوم سلطان
 سیدم خان دورنن انتقال تمیزد بو سوز کلندر آه کم غنچه قالدیم بر بکار کلرانی
 چوقدن یلردم سوز اول سیه کار کلرانی ایتلر که هدم اول کتفه چوقدن دیر بکا
 بو بجه یلدر دو ستم اول اعتبار کلرانی **جلیل** نامی عبد جلیل و لایق تقطع
 و نیجیل ذات شریف و جلیل عبد کفنی افندی که برادر کهنه دیر قصه ختمه سکول کلندر
 سخی و مروت و شان مکرمت و درویشی مسکنت ایله شهر دار و دیار و بو فتن
 دخی که چکدن صاحب اعتبار و اقتدار در بورقاج مطالع و اسفار ابدار اول غنچه
 سارک باد کار قلم معجزه نازیدر او کیلنور سه صالوب قاسمکه سر و چین
 بلر اول سیه رفکار افندی یوری سن اولمک کتک بولده و بجه باک ای ملک
 استه بن اولدم مدد بر بجن خاطر اولمک واریه میدان عشق بر دلاور سرور
 استه میدان استه ارمردم دین کلون بر خط مسکنده جاناکته مسکین اخیال
 اندن هر بر تار لفلک بر بستان خیال **جها** سلطان محمد دورنن کلندر سلطه
 بایزید نامه ها و همایون نام بر کتاب بر انتظام نظم انبدر لطیفه حققتن
 جنلی اطر ایدوب بو مقوله اسفار ایله استه باز بولمده غنچه تعجب انیمند لکن
 یزدوغی اشعار نیک ادا سنه چندان ملاحات و صفایو قدر
 طکاک هر کچه شمع بند و غنچه روانه قومق اولمیز باراده اولدیم دیوانه
 لیک ایتدی دو ایتد کوزک خسته بنی بابته ای غنچه نفس السون و السون

بوطی که دکلر اقدی کوکلم صوکی بر دلبک دیدارنه طور موی دن تبریدم کجانی ناره
جایه خانه دفتر دار زاده دیکله شهوز معاف غریبه و لطیف عجبیه
 نامحسوس در وادی خول و مطایبه اشعار خوب و غایت اسلوب مرغوب
 اوزره واقع اولدر طرزین و حید و فید و لذت معنی بعد دکلر مثل کوکلم ستمنه
 ساکن اولغله اوله کلو مطالع شریفه و معانی لطیفه مالک اولدر که کثیر و تقریب
 خارج حیطه تعبیر در اول جلدن مطالع و افزا اولو غولیا قیل فیکل فیکل در وقت
 انظار و افکار ایله صنایع و بدایع غریبه ابد و املها و ایتمکله هر روز کار اولدر
 بوی اکی اشعار انک گفتار نند در **چشم** گریانم کور و بیک باش حقد رید
 خاک پاک با که طبرق صفتی حکم ایله عاقبت جوکم طو لطررق کوزیه فاشنه
 قمر این شایک مرقع با جله کاشنه خواب غفلت اوله منزله صله ایمر
 یعدنن یارک اشکن بریزدوش کورن آه کم بر سباجی دلدار
 بنه ایندی صوفک سحراری بویردن قوبه در درمه دکلر دلا اوچ غنچه دوشمه
 صدر لر صبر ماحی چون اکثر شکاشنه او غلجکلر اخلر روم المینه کندکن بشیرنج
 علوفه سی کسد و کنه دیکدر پنج ده اچید روم المینه ره دوشنه
 رشنه کدی فلک طالعه ده دوشنه مطالعی مهتور و السنه ناسع مذکور و یون
 بو مقدار ایله کتفا اولک **جیلی** نر کسان ناهار نند زاکر اشعار نوایه طرزین در
 بولسون اول انجن کم اغصه با بویه اولسون صهبا دخی کر بردار بولمیه
جایه افندی خدمت عالی جنابه ساقی لوح خوان باجو نقدینر بلاطی
 اولان فخر کاشنه و خلاصه جمله مکتوبات جیب حق شفیع مطلق مغروریک سلال رسنه
 منتب و منتی و سلسله وجودی اوکلان مرود وجوده نتهی اولغله روی حال
 و ماله خندان و بهی اولان زمره ساداکتیر البرکات دن قضا ادرنه دن متقاعد

ایک

ایکن حنیض ضاکدن اوج افلاک متصاعد اولان مرحوم مغفور له اچمن کاشانه
 خضر لریک فرزند بلند سعادتمندی نامی مصطفی در تحصیل جلال و تجل فوخل
 جوانی ایتمک مجد و قائم اولغله سلطان اعماد و برهان فضلاره اسوه محققین
 قدق انفسرتن شیخ الاسلام المسمین مرحوم ابو سعود افندی دن ملازم اولدر
 مدارس عالییه مدرسه اولوب ترجمه لری تحریر و تطبیق اولغله ده مرحوم مغفور سلطان
 سیمان خان علیه الرحمة و الغفران مدارس عالییه رندن برندن افاده اصی استفاده
 ایله بنا بر سرای فضل و کمالدن نوس اولو صفت اطوار و افکار و محاسن
 و محافل ارباب حابه و جلالت قیل و قاله احوال کله حق اولوب موصوفت
 لاتا خد لومنه لایتم اولغله ساع و عازم در باین جمله نه اکابر و احیان ایله
 اختلاط و وزیر اعظم و امراء فخام ایله ارتباط اوزره در اقام علوم
 طبع کا ملکی علم عربیت و محاضرات و تواریکه مائل اولغله عربیه فصاحت و فصاحت
 دیوب هربری مظهر کلام نه در قایل اولدر و ابتداء افیش جهانندن ایله
 حوادث ایام و قایع بهر نافر جامی یازوب علم تواریکه شایسته لطیف تالیف
 ایتمدر که تاریخ روزگار و کتابه قصر سپهر دواز اولدر بوند که به تحریر اولغله
 ایال بورد قلی کلایمیا لیدر که نظیر اولید
 شمع و شمع اری شوکله کونینون بویرون باشنه اتین افسر اوزون بویرون
 بلدی قدر نه حیف او در نایابک دست امواج ایله دریا قود کونون بویرون
 نه حالت و ارجا کلدن سنگ ای بویرون زک باندن باد ایتزل اهللی مهر رخنه
 زلفک غنیمه فانت عاشق دونه اید خط غدارده نه بلای سیاه اید
 سینه ده عشق کله داغ بیمار ایتیم کرک معن کم بوز دروغ اشکار ایتیم کرک
 کجوب سردن صفای عشقی بر دار اولین لیر محبت اهلک خط سبکبار اولین لیر

نه الان

خوارزاده دیکه استار بولدر بابای طرفای اعجاز سلطان سلیم المکلوب
 اورنده ارام ایدوب انده مقام دوشدر نامی ابریم در علو تخت و توتی
 ایدوبن بر عالت علیک ایدوبنچ زمان بوستان افندی مرحومک کلستان
 فضل و عرفاند خوسه چین اجنا و مار و فضل و یقین ایتدی اوالامر
 ابواب رجا و امال استاد بولدر اول عیدین بر مراد اولیجی خوزن ناساد
 عبد الکرم زاده مرحومک سن فلک زهرا لینه استناد ایدوب اندن ملازم اولدولدر
 طریق قضایه عازم اولدولدر حالا روم اعلی قضاتندن و اول طایفه نک اهل کلا اند
 آلام به انجام منصب قضایه مبتلا لیکن نه دایما تحصیل فضل و عرفان ایدوب ایدوب و مدام
 اداره کوس کمال یغان ایتمکله کیفیت فوت مباحنه و حالت مطالعه سینه
 نقصان کلکوب بکرم سال رجب عتیق روز بروز غلبان و استاد اوزد اولدولدر
 کیفیت از دیار ایدوب در معارف و لطایفدن فضل لطیف بیایه و مؤثر
 سوزناک کلمات و اردر مرتب کویکله و زرش و طبعی اول سینه از باش ایتمکله
 خوب مرتب اولدولدر کند واک رایی ایدوب ایشا توید و کتر اولدولدر
 دایم آتوب کیدر اولدولدر کل الیکه جانجی بری برندن ابرمه افندی برایی
 غنیمت الیه نه جانیه اول عیبه ایتد قبله ناکبی بورکم دتر اوستنه
 کلکله سیر دکل اول سیر و کناره سندیه تحمل کور خم صبر و قراره
 قار دکلین بویون ترک دایم اداره کوکل نیلیم بن س که نه چاره
 بر مرتبه ده قتل زار و نزارم قار دکل اول صتمک کوبنه وارم
 طوفنر ایکن شمعی نیم باجمه چارم ویرانه کوکل نیلیم بن س که نه چاره
جواب اصلی تر خاله دندر قاضی زاده در عشقوان جوانی طریق علمی بیایه
 ایدوب سیمبار طبعنه استانه حضرت کمال پادشاه زاده آسبانه او تو خدمت

شریفین ملازم اولدولدر قاضی بای منصب قضایه مبتلا اولدولدر ویزه ده قاضی
 لیکن داین اجل متقاضی اولدولدر قضا قاضی رجع و حکم و فرمان حکم مطلق
 دل و جان ایدو راضی اولدولدر بوبیت ایدولدر
 سگ یارم دیش مجنون شیدا ایشیدوب دیدی لیلی سک بصحر
 کلی ده قاضی لیکن بو وادین هر خال بوب اردنجه اول قضا نظره دیکدر
 غنچه به اول العل درویشی نجه تشبیه ایدم غنچه انجی برده دهنر کم ایدو دنداق
 عاشق اولان شمعون کورمک کرکدر غنچه یوره که بانر باشی اقول افغانیون
 بعد قاضی اولان غلام که عن قریب ترجمه سی خبر اولدولدر دیکدر
 بن نجه تشبیه ایدم قدینه یارک هر وی کم بوستان بر اولدولدر باشنه در بایون
 بعد قاضی اولان ناسی دیکدر
 هر کیمک قویندن بوق بر دلبر جانجی جسم به جاندر اید کم کوده سند جایی
 فقیر کنیز النقصیرک بور دینق دید و نه غلامدر
 مرغ جهرت باجمه اولدی نه چاره نیلیم دوزم اول جیغونه کم اوز باشنه در بایون
جواب اهل عرف طایفه سندندر صنعت کلاه دوزی اید تحصیل معاش
 و کسب روزی قلور دی بعضی اصحاب معارف و کالات خدمت اولوب
 اولوب اگرچه صنعت شعره هوس ایدوب بوفنی تحصیل و تکمیل دست رس بو
 لیکن کلاه و ارکانه باشه ایر کورمدر و اشعاره بلغاسر فزایدوب
 قدر و اعتبار بولمدر بو مطلع مزبوره منسوبست **مطلع**
 و فانیادی دلبرده نو لیدی استواروسه یابن پیاره و افتاده دهر و قراره
جواب کوهر کان عرف در دریا یمن عرف قطب فلک کرامت مرکز
 دایره ولایت جوهری دکان معارف صیر فی بازار شریف لقا بایطی در که

عاقبت شراب جذبات سبحانی اید سرخوش و کیفیت باره عشق الهی اید مست و مدوش
 اولیای معلوم صفار و بکار اولیای سرخوش بالی دیکله استار بوسه
 قوت متانت علم بین اید بر خواسی اولم تفکر و افق خلق استموا و الکلاص حنیض
 نژادن اوج فلک دواره و انجبه افلا حضرت پروردگار بکله قوی و انظار عقول
 و افکار معروف و اغنه قراج سنیقه و از ته طبایع سلیمه سن اول حضرت ملک قید رک
 صنع صنیع و اول ملک خبر کار بر بدیعین ملک جانبته معطوف ایدن طایفه شریفه
 متی نندن بر ذات کج و شایخ در مقدما طریق علم سالک اولوب قطع مر اصل و طریق ملک
 اید که هکس مرحوم سید ملک خواجه سندن ملازم اولو و انوز افی ایلد کینک می مد سندن
 تحصیل خانه مداوم ایکن عشق الهی و جذبات نامشاهی دل و جانند جای گیر
 و مصیب و جاه دیناده مضامذلت و جاه عنا و بو عالم به بقا ملک عاقبتی فنا اولدو
 ضمیر منیر خورشید نورینه تاثیر ایدوب ترک عرف و اضافت و اختیار کوسه
 غلت و فاعت قلوب شیخ رمضان افندی مرحومک فقرای سکنه دخیل اولوب
 مرحومک لید قدری کبی اول ذات عاقد ک خدشندن زایل اولغله حق کامل
 و عنایت سالی اید اقصای مقامات ارباب ریافته و اهل اولیای سید بعد کند و ک
 دخی زاویه نشین و بر طریق سلف صالحین اولد قدر کین سید و غنائین
 و تنوع مایه تارک دیار فنا و عارزم عالم بقا اولوب جام وصال ملک متعال
 اید مست تمایل و آرزوی بآل اولان مخانه وحدته و اهل و نایل اولد روح الله
 نقل روحه و زاده فی عالم القدس فتوحه مرحوم مرحومک طریقت سنیته
 و عادت مرضیه سی اولید کی اموات سلیمه عبد الدفن یقین انکله اجنا قلوب
 احبیه مؤمنین قلوب بعض ثقات یقین اولان ان امواتک صداسین
 استماع ایدک دیو حکایت ایدر کرد میان صغیر و کبیرده بو حاله محکم نهرت پذیر اولد

جمله عالم زمان تر بفرزند و بر ملک سبب زندگانی و باعث جفا و دانی
 بمسندی خبر مذکور فی الواقع صادق و واقع تغییر و تعبیر اید کبری اوزده
 موافق و مطابق اید اولو کرامت و عظمی و لا یتدر لکن قید کلام مذکور
 هر چند که ناکیدات نامحور اید انازه اولف انکار مکرری رفع و دفع ایله چاره
 یوقدر علما و شواک سربید غنی افندی خوب و میسر
 جهان خلقی بود کلو سکر اولمشدر کراماته نذر بفعل منکر و بر اگر موتایه سونیک
 پیروزه علی بالی دیکله موقوف اولان دلیبر عینا ک عاشق سیفته ک اغین
 جوهری تخلص نمشد مرحوم مرحومک قریبی و محمد و هشتینی اولان ذلکون زاده
 و مولانا سلیقی حکایت ایدر اید کی مرحوم مرحوم و ایل صالنده پیروزه علی بالی دیکله
 شهروز بر جوان سر و قد و بر دلیبر لاله صحن عاشق و عذار عذرائی و لیلی زلف
 عمر سالی هوا سید مجنون و واقع اولوب عشق و محبتی ایدله عالمه وستان
 و اجار لیلی و مجنون کبی شهروز جهان اول سید اولغ زینک میری سینه عاشق عینک
 ایکن مقامی زیر زمین اولوب اول کینج ناکم منزله صد و عشق رنجور ایکن زیر
 لحد و مدفون و ستور اولد قریب بو کجای و قصر فیروزه رنگ وقت در دشت
 اید باشند تک اولوب فراق لعل لب میگونه اید انک جسمی اند عشق بمن پر خون
 اولد قریب صبح بایرانه حکایت ایدوب بوردیلر که بو کچه اول یوسف مهر جالبی
 واقعه کوردم و زلیخا مثال دامن وصال کنه ال اوروب خاک پاینه بوز برده
 بوز سوردیم بو کچه زما نذر روی رزد و انک سر خلک طالب کبیر اکبر و راعب
 کبریت اهرم خاک کین کدن و کرد و جنس یکدن بر اوج طیارق احسان اید که
 چشم جانم توتیا و دیدنه غم بدین مه جلا و بر و ب کحل و شنا اید غم و دیدن بر کاغذ
 اچنه بر مقدار طیارق قویوب کجا احسان اید بو کچه هنوز حکایت اید و اخوان

و یار الله صاحب است ایدر کن اطوار جهان و احوال همدوران کبی پرن اولان
 دستار نه صریح لازم کلوب بوز دفرین کاغذ اچنین پیچید بر مقدار طراق
 طراق بولور بو حال حاضر اولدو نجب و افزایدو شیخ و نورک اهل کرامت
 اولی غنه حکم ایدیلر و در حوم مرقوم طریق تدریسین فراغت ایدو اختیار
 کوشه غزلت اینم سینه سبب بولمندر بور ایکی استعار اول منرق اولو الکی
 مخزن اسرار نامتھی قره عین اولیا غره روی صفا سوخته شیمی ت جلال
 آموخته تجلیات جمال سرور اهل ولایت سلطان سریر هدایت خضر کریم کفایت رنرند
 علم اخفا او کرد در غفلتیه اول دمان اچکوندر سون اولور سنی کوزدن بختان
 غیر اب مقصود اگر ای نور مصباح الضیاء منطفک حکمتدن ایت ایتیمه عوامیکه طلام
 افت دوران رنکد عارض کجوبک آب سم بوزدن ماه رور اچره اولکل اقبای
 خطک اول افت دور کم اقبای اوشنن زلفک التمنع عذاکدر سحاب التمنع در
جوهر قره زبیه دیکلمه مشهور اولان شهر دن ظهور ایتیمه تخصیل جلال
 فضل و کمال ایتدکد حکم طریق بر توفیق علم که موصل سعادت و اقبال در سالک
 اولدق بر دیز افندنگ آستان ملک مثلث فاکم اولمکه خدمت پر جلالندن
 مدد لازم اولو کناره انلی فی ایل مدارسه علوم مداوم ایلکن سنت قضا عازم
 اولمیکد دیمتوقده قاضی حاکم ایلکن حدود سبعین ده غم ریا فیلد برین
 ایدوب اول کوهر ناک بارار روز کارده قدر و قیمتی بلندی و الهام وجودنه
 رغبت اولمکه صالکوب المندی دیو جوهری ایام صندوق زمینه المسید بایکرم مقام
 روزگار کشته خجانی دریای مائه صالک شد خاک که کوهر کمال بلاغت مصنوفه که کان
 فصاحتن محبوب جوهریان بازار عرفان میانم مقبول مرعوب اولوب
 تپنه اندیشه ایلکان دل جانندن استخراج ایتدکد لعل ایدار و یاقوت سیال

اکلیل

اکلیل پنج اصحاب معارف و قلاده کردون ارباب کمال اولمیکد جنلی خوش صحبت
 مطروح التکلف درویش ترب و خوش سیرت کسینه ایدی والدزدوس کان قاضی
 نام نرف عنوان ایلکن خربوردخی فاندیج جنبی اولو فاندی جلای نزل شام
 نازل اولدق ارارزد مد فوکل کل مجت و خلعت حال اولمیکد بور ایکی استعار
 و نورک آما طبع پراقتد اثر نوظاهر و بدیدار اولمیکد
 بکون انک که فتنی ابرته دلدارینه فاکدر نه فورق اول بلادن کبشی کم بایینه فاکدر
 کلکه هر خلاف اکلتم ایدی باردن دوستدار اچکلم نیلگون اغیار دن
 خار خار کردن مه دیوانه می باشد در غنی فانه فوق المرقشینه فاشنه
 طفل در دیو نیم انک غافل غافل فتنه چوق باشد در انک با فکوز از باشدنه
 اندم نقش شکسته خواب و خیال لیلادن اورنگ لکه بور در شمال
 مجدی سینه بو مقام خدی اکلدر
 ایدر کن عارفک دورینی سیران پای زلفنی کورد دم پریشان
حرف های اهل کمال حافظ عجم دیار بختن خندانی قویله بسم ایلکمشدر
 نامی محمد در خاک علوم و کمال انک جمله سنی تحسین و فنون غریبه و عجیبه تکمیل
 اینم محفوظ و معلومی حد دن افزون کن دقت و تصرفات مرتبه ادراک بنزدین
 بیرون ایدر ابیات و اشعار و خی بوم سوال او زره اکثر اشعارنک معانی خواست
 و ادای رکالت او زره کمال غول کبی مربوط و نام مقبول نیه بوجله ایل بعض کلمات
 بلاغت سماع وارد که غایت مقبول و حیرت فرای صی مقبول در جلیدن مطالع
 فلک النون بکلرم زمینی آسانیدر مشه مواجلا بقدر او خلعت خسرو ایدر
 خوش که میسکه کجند بر باغم اوله الم باغم اوله کاسه دن فراغم اوله
 باد جلندن عجایب صلیه بولدم کوش ایدر مست اولک تکلیف فطاوله دن نوز ایدر

و اینها در

و اشعار غریبه هستند که بر ادبی فوقه عجم مرئوسه **مطلع بود**
 جنان لرزان قطارن کور کز نمی. جنان لرزان ایتری آدم معاذ الله
 مرحوم مرزفون مدتس ایکن مرحوم سلطان سلیم خان اما سیه دقتله و قدن
 مرزفون نگار کله کله مولانا می مرحوم استقبال ایدوب بوغله و شیر
 سلطان سلیم خان اول سبیل مرزوره استنبول علی بابا مدرسن احسان
 انجمنه تالیفات ایدو کتک بلرک نامی بود. معارف الکتاب. فهرست العلوم. ارجاع العلم
 الی نقطه و احسن. بو کتلی جمله فرزندنی ابو کمال به اوتقلدر و احوال عسقه
 بر کتاب دیوب آدنی نفقه لکصد و ز قوسد و بواسانی غریبه دن نه مقوله مضایف
 عجیبه ایدو که معلوم صواب علوم و مرحوم ارباب فن و رسوم در **حافظه سیر و**
 طریق علم ایکن. فراغت ایدوب گاه خافاه. و گاه جماع و کجنگا پاده. او کوردم
 بو حاله ایکن عمری نجابه. صبح حیاتی شام. ایدو خوش آیند مطلع و ابیات و ایدو کور
 عاشق زلمار زده استلار ز. عالمده مجتبه قالمش کدالرز.
 که به باش کیوب کشتکاید بینو. لاجرم بولور داندک اوستنه فرهادش
 و لده صفای عشق دیدم کله پریم. بر او ده شیر و شادیر او ده یاس و ماتم
حافظه نوی مثنوی خوان. و فارسی ان مکسسه ایدی مطلع انگلر
 زلف سکین کم صبادن چین حلقه قوبر. هر طرف جان ایلدند فتنه لطف قوبر
حالی روم ایلدند کوسندیل المجهبی و کجکله سوار اولان شهر دندرا دی
 عبد الله در بابا سینه صنوبر فای دیر کردی. حاکمه مرحوم زمره قضایک سر سبد
 و اول طایفه کشته لوندی. خلقی ظرافت او زره جبول و مغفور و خیس
 کرم و سخاوت بله مذکور و معارف و کمال و سایر اوصاف و جالاته بن جماع
 موقوف و سواد ایدو و اوج علم لوک ایدو قادری افندیک خدمت

ایمانی

ایرشد که مرزوره کلی محبت ایتندی حقه ملازمتن پادشاه بعض ایدکن
 و افر تر سیه ایتشد در طریق تدبیر لوک ایدکن صبر کن. روم ایلدند فتنه و حاکم
 اولشد و اشعار علی عاشقانه و پر تاثیر. و جذبه غلبه عشق قدن ظهور و صد و استلار
 دل اصحاب کمال و بال ارباب مقالده جاکیر اولشد و بواسعار و ابیات
 مرحوم مرحوم کلمات بلاغت سمانیدر. **ح**
 قوباشدن آنجه جسم نازم نعل و داغ و کون. سکا ای نورد دیدم هر طرفن نور فلاح
 بولندک ای کفن او سونومه با که بار غار اولد. کونردک خاکدن بر کجکری یوزک اغ
 بشده هر طرف اغم فیلندن و خان کتمز. بلی غلبر باشندن اکسک اولر هیچ طوطا
 کیدر دم یل و قال لوح دلده حب تراش ایتم. و له باشند هوای کحل عنقرض ان کتمز
 کوز صالوب عشق بر عیسه جنان آرر. دشت و صحرالرده بخون لیلی سن عیان
 هر حق دور اوقه محفل جانانم نیم. استه اول و درک نسل بولد غنیم نیم
 سحر کون کبی طوغدم دیو اول کسکله فردا به. درنج اخامدن فرق ایتدم اوله اولی غنیم
 دیدم ای نه سکا اکسک بیل لایسنیم. بو کون اول افتاب کوردک اکدمی یوزک اغنیم
حیث دیار عجب دن سلطان بایزید زمانتن روم کلمش. پر کار و انقطه جهان
 ایاغی آتینه المشر عالمی سیاحت المشر. اهل علم و معرفت کسسه ایدو اگر چه اداسی عیانه
 کن شوی عاشقانه. و کد و نک طرز مخصوصی وارد که انده کانه. اید سلطان سلیم خان
 دورنده و داغ جهان. ایتندی بو مدتی بود اکا اسناد اولور. **ه**
 دون کورد دم اول نگاری طرباک اچمند. کافور البله دستنه المشر عنبرن کمند
 با قدم سکنج طره سینه زار و ستمند. بر شخص توان او نور کردن بند
 یکمدر بو شخص اول نه رسد دیدم دید. زلف کندی طوغتونه جاکد سینگ
 کر سنجون ایتیم جاک ای کل نازک بد. قبرم اولون بو قبا کنن برهن کفن

اولون
کتمز

جیب ناس آیدین ایلمن باوره نام قصبه و نذر نازده جاعن
 خطیب ایکن عقلنه اختلال کلکین خطابتی ترک ایدوب بنه وطن اصلی سنن تمکن
 ایتدیر بوسر ایتدیر **حمر** ای شهنشاه دولتم میر صاحب جیب نام
 سا که قول اولقد حیران و کولدن دولتم. مذهب و ملت صورت زاهد کمالی کم
 لا ابا عاظم دیوانه لکدر ملت **جیب** کرمانه کدوس نام قصبه و نذر
 کشفینک کوجک برادریدر بعض جرایم ایله تخت اولوب ابراهیم پاشا اوایل وزارت
 و ببادی سیاسته راست کلوب مزبوره اسکجه ایتدیردی اخوانه ایتدیردی
 جوایم ظاهر و عیان اولتی اصف زمان جسد خان ایدوب اون بیل مقدار
 مجوس اولوب مجس نک و تار ایلد بچه روزگار بار غار اولفله کند و یه اکا شبت
 ایدوب جیبی خنص ایلد پاشای مزبوره بچه قصبه لر و دیوب بر مقدار ملائمت کلکین
 اصحاب نفاق کم سعایت و شیطنتی ایلد آتش غضبی دخی حدت و و فرت بوسید
 اخوان ابراهیم پاشا قتل اولدوغی کون عفا چن سن اطلاق اولوب زندان دخی
 انصافه کلوب بونجه زمان خدمت ایتدی دیو اول عبد مغلول الاعاقه اعناق
 ایتدی غایت پرکوی اید اول جندن تر بات و مملات چوقدر بومر بنی جیبی عاشق
 یه بر آه ایدین در دلمه دوران غلغله نالتم افلا که چقون جوج کردان غلغله
 کوز لرم بابین کور بجر لیه عثمان غلغله حاکم کافر لر آجیون سلمان غلغله
 مرحوم سلطان مصطفی قتلست بونا یکلری خوب واقع اولمست
 بجه تدبیر ایدر بنی آدم حضرت حق که امر انیش اولد روح سلطان مصطفی خدا
 شهادت عزه سینه قتلش اولد روحه فاتحه اوقتی حبه اکا تاریخ طغوز بوز التمش اولد
 ایکی الام حق ایکی مصرع بود عایه بانه ایتمش اولد **جیب** آدی عایشه در
 بنج بچی و حوک نیزه جلیله سی و مرحوم سلطان سلیم خان بن سلیمان خانک

نزداده ایکن خواجه سی اولان شمس جلیلی جلیله سی اید اول تقریبه سلطانی
 سلیم خان ایلد صاحب و مناکم و سعادت و ارسای جلالت مدار لینه ملازم
 ایدی حتی سلطان سلیم خان پادشاه جهان اولد قن باب عت قبایه مرجع
 و ناب شیخ و ناب اولمستیدی و شفیع عیان یکی کلامی مردود اولمغه خطی جلالت
 شان اکتب قلمبیدی طایفه زماندن شون دم زمان اولنکر اولد و اجی
 و اول زمره نک فی الحقیقه اسر و افصحی در کلماته دخی قیر نقشی و کل خلی مردانه محفل
 بنی نوعی ارا سندن بکانه در غلیات و قضایه و مشوایه وارد و جمله دن خوشید
 و حسید اولو کتایه وارد و که اوج بیک بیدن زیاده انده جلی نقایس و لطایف
 آگاه در رغبت و عاده اولان ایتدند **نظر**
 و عاتشیدی بوسف کپی در هم کم اکا مستر بختی عالم ویر کپی مقدور کوه
 اکا مستر بیدن اولار سن اولد کمدی هم اولن شتایه قن عوکل ایدر بونفطایه
 کوروب بجه رسته انده بر خیدار اولد اولن جان دلن چو شاه صبح ایدر و قوندی جان
 قورلدی چیز زرتین آسمانه **صدید** ادره حوالیسنه فیه جک نام قصبه و نذر
 بابای اهنکر اولمغه حدیدی خنص تندر طریق علم سلوک ایدوب ملازم و مدتر
 اولمستیدی لکن رؤسای زمانه اولان اصحاب دولتمدن استخفاف و لیاقت
 ایلد مضب الحق صوفی دمورد و کلک ایدوکن پلوب رجاء منصبدن فراغت
 ایدوب کدیمین و عوق جیبی ایلد قناعت ایتدیدی استعاره دخی چندان
 ملاحظت و لطافت بوقدر **حمر** فاسک کردن کوروی هم غوغا لغفه
 بوزک ایدن المشرخر صو ایکنون او یمن شام و صو
 لب شیرین ایچون فرما و کس قیاردن اوزون پرتاب ایدر صو
 کوزی باشی کول کل سن ایدر فاش حدیدی کند و اد جاعینه قور صو

چکاران او کور و شیرین ایتدیدی

جواب بروست و لادن، و احمد پسا معاصر لادن در پنج حور اول و ششم
اجلن تخلص منوری اختیار نمیدر اگر چه کرم پله افلا مندن جاری اولان
لعل بالیه حور معانی بیاب ابرو اظهار نمیدر لکن باقدان معارف و ناس جان
لطایف باینده به قدر و اعتبار اولمدر انکار نک اگر چه لطافتن خطی و افز
و کله لکن بوبنی مثل سایر اولمدر ای مرادم کسمه دو و این کج و فلک
نمدی بندرس که کوکلم نامر اولوق در بغض طرف بومصری تغییر اید و مطلع انمیدر
نمدی کوکلم نامر اولوق در انشک کرک **جوابی** لطیفی قوی اوزره خطونه دوز
غل کو یقین حارستی و چندان هر که بوقدره دیو قبح انید که هر کس است سنی
و ضابطه مشکله و تقاسمی نایتم مدح اید و ب ناسن خصلی اطرا انمیدر
اما مقامات کلمات پنج سمانک خلق اچنن نهرتی و اولو کلو توصیفه قطعا لیاقت
غمزه کله شنه لری شنه کچر جانمزه ابشی فان ایلد در کسه نولاقا غمزه
جواب بروست دن انطا طایفه سنده سلطان یلم خان دوزن ترک جرم جهان
انمیدی باده اسرار کیفیت لطافتن و ساد کفاری نوع حسن ملاحظن
ایسم التون ایکسافی کشر جانمزه کیمیا در وار ب خاک درینج اندر
کرم اولوب اوکیند و کچون غرض کلنا که شعله حکم طوستدی بو کچم پروانه ل
جواب بودیند امیر الامراء یکن ترک رسوم ملک فنا و آهنگ بخر عالم
ایرن کوزجه رستم شایک و غلبه طبع کاملی نفاوّه عالم وجود امکان اولان
بنی نوع انسانک سایر انواعدن فضیلت و مرتبتی علم و معرفت اید اولو غنسه
عالم و میزان نظام البیان اهل ستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون ایلد
سجده اولوق مرتبت و رجحان اهل عرفان و افصح البرهان اولو غنسه
لم و لما کیه جازم اولو تازه نال جبراق قباله ریحانی فیض علومه نسو و نما

نیم نازده افند

در خنن

و خنن شمع ایوان اجلال لرب اقباس انوار عارفه نور و ضیا و یرو بازاری
صحب بطول علم و ارباب خدم و خشمون ایکن کندوری مثال قلم تحصیل علوم و حکم
سردن قدم اید و بطلان و اشتغال و مجاهدانه آمدند لری اولمدر با حیوة معارف
و کمالاته و اصل و پیش نهاد قلب پیداد لری اولان علو مختلری سنده عجب کمیت
طبع قابل لرب وادی کسب فصایلد جولان و میرکله سر منزل تکمیل فنون جلایلد نایل
اولمدر بهر وجه است که جمله معارفی تحصیل بتخصیص فن شریف معایه تکمیل اید و
بوقدره قلب شریفی نک امتزاجی اولمدر صاحب نام و نشان اولمدر و معارف وجود
معود لرب فن مسما لک تذیل و میرکله مثال و قرانی مباحثه جینی عنوان بولمدر
هر جوی محو و حسن خلقه موقوف و مهور طبع یلم و علمیندن ایدر بخور اولمدر
طریق علم ساد و عازم اولدق صحن حضرت استاد مرحوم ابو حق و محمد خدشندن
ملازم اولمدر حالا زال پاشا سلطان مدرسه بیل پائیه فخری معالی اولمدر امید که
عاج معارج و فو علا اولد لری بو نو و وسع عالم باغ حسن جمال اوغچون اسال
انید کوری عقد التالکدن اهل کمال غونه و مثال اچون معارف انوار لادن بر قاسی
سکا دنیا کسی آل ایلر اول هر جای علم نرسن وفا امید ایدری ساده دل دنیا یلم نرسن
کوکل چون عاشق اولدک عقل و دل بجانمزه لکون و صبر او مان شکر و دیوانه در کس
قدین چنار قاسمکه بکزد ریورر طاوس باغ جنبشکه اوکینور ریورر
اشک فراغ غیر ظهور است وجه حق بهر صورت اوله چهره فانی به بقسقی
کلخن مثال کنج ملاحظ جسم جان سوزان اولور عشقه قلتن نوار اولور حقا
اندر کله بنی کو یکدن عد و طایفه طوبی ایدر و کینه ایر را بر مادی و کینه طاشش اثر
خواب اولدک تیر سنگ ملا مندن اعلی عمارت قل اسر که قالمش هم بوزق یزق
خون کو عرش اولدی درونم جانا نه صنور سن دل سورین فی دریا دریا

انتخاب و احسان

لایق دکل اول امن با که اوله وصال کونه کرک القصد بکم دست اراذل
 زنده ایلرک اولور بدم ایلر موئی سن سن احیا ایدر جک قاعن عیب
 از ناله شبکیم آرزو دیکش دیم رود کف پای وی مالیدم و نالیدم
 عمل سیمده علی رقی لکزدید سیف و سید اسمنه بورد قدری معافه طبع شکر
 متاع پند می ایلر قبول غیاض نصیحتک در من ایلر عیبت میره حرف
 خلوص قلبه ایلر جدا دنا کردن نفس مفید اوله در سک تمام خوف بر حرف
 و نا هین اسمنه بو معافه دخی لکزد کورجی رویکی اولدی کوکل کما مایل
 شامی تنه قالدی عاشق بیدل سحر جالنی عوض المیون جهان او شاه
 نیمه طوغه کوره ناکم سپهر بردن **صلی** ذات ممدوح و مقبول شهر کلیسولیدر
 ایشی زاده حسن جلی دیکجه موقوف مهور و سرای وجودی فضایل و عرف
 نامعد و دایله محصور و مهور در اگر چه کر رسیدن ملازم اولسید لکن مرحوم
 کمال پاش زاده به اختصار نام و خصوصیت مالا کلامی و آریه حتی مهر مفرین
 بکالایه زاده دیو بیکه آلب کمنده تفصیلی و محوم کمال پاش زاده مریم کسین
 مکرر و فریم اولمدر حفا که مرحوم مرقوم علما اراکین طرافت طبع و لطف
 شان ایلر موقوف و انواع محاسن اخلاق ایلر موصوف لطف طبع خوش مذاق
 کریم الاواق و حسن الاخلاق عالم و فاضل و عارف و کامل کمنه ایدر
 شوهر دین کله کلرین بیدر مد بعد مناسره بعد اوج شرف لویه اندن
 صحنه مدریس اولمدر کمن بروسه یقینی اولسید بقیع بونی یوز اچه ایلر
 متقاعد اولوب طغوز قرق اکی سنه سن بو غار غور و درن سرای
 سروره انتقال و بو عالم فاییدن ملک باقی به ارحال ایدر و بقیع شراة
 وفات تاریخ اولمدر عالم بحر دایله کچوب هرگز زن طایفه سنک

عقاب

عقاب عقد و قید نیکار و اولاط بیک نیکه اسکیجه کرفار اولمدری نیکار
 بلاغت شعار مزبورک نتایج طبع بر تقدیر نذر
 کله کچمیری سینه به دل مرغی شاد اولور شاد اولمونی هر برسی قولق دا اولور
 بعضی صحرای جرت و شعور بو مطلع مشهور مزبور کدر یکی آلب غل تبخیر در لر
 یولو که ویر خیم باش جان کوسکوتری بنمده قورقود افندی جهان کوسکوتری
 وجودم دهر باغین دگلش غم خالیدر خم اولش با جنتدن صنا سن درد الیدر
 حکایت اولمدر که قصه بروسه محروم دن غل اولمدر و غی انشاده احواف و مقام
 او جاعه مبتلا بتخصیص و رض تقویس ایلر در لیک کمنه با اولمدر و غن غایت رنجور
 و دلفکار اولوب بو کاره باعث و باری اولان نامدار و زرا عا لیمقدار ایلر
 علی الخصوص عا لیمقدار و زرا اولان قدری افندی ایلر جنگ و پیکار ایلر آهنگ
 ایدر و بعلی کجمله بر عا به سوار اولوب وادی عدم کبی بر صحرای بی پایانه طوب
 کیدر کن بولده عا لیمقدار اولمدر نه پای غیبتی رکاب کوکته قومعه اقتدار و نه
 اول مفاد و زما کلدع بارای کمن و قراری اولوب بولم ناچار و پرا فطرار
 اولمدر بور باغی دیکدر توسن دحوک اتید و کنی بجا هرگز ایتیمه کمنی قانوسنه
 جو کر دونه صبر این کوره لم به او کوز اولم و ایا کلمی صنه خوریت شاه اسمعیله
 بو تاریخ جلیبی خوب واقع اولمدر لفظاً و معنای تاریخ **تاریخ**
 از تنه تیغ تو جهان پر نورست ای کمر و زرم چون مرخت
 اکنه تنه که عدوسه مشهور در نه صد و بیست جنگ وی تاریخ
 با شاه سر جغت افیم یعنی سلطان سلیم عدل آیین پایمال ایلدی سرخ جیش
 سم کون اولمدر کلدع دین یوزی دوندی و جانن قیدی دبدی تاریخ
 بولدی منصور کرامت منظم بولمدر و دین **صلی**

اکار و ح

سیر دزدن قاضی زاده. و انصاف کمال مالک. و طریق سعادت رفیق علم مالک.
 اولوب لطیفی زیاده. اخذ نیک سخن معبدی. و مجلس پرافاده سنگ مستفیدی.
 اولمیدی. استنبولده مدرس اولدوقدن. طریق تدریک فوفا. و محنت
 و عناسنه تحمل ایدوب. راه طریق قضا اولدو. حفاکه درج کلماتی لایعانت الی
 پرور. و صدوق درونی جواهر زو امر معارف ایدر پرور. خوش بین استعد
 و نازکانه کفاری واردر. نامی کبی توحی حسن. حسن خلقی کبی کلمات پر نکات قبول
 و سخن در. بواسطه بلاغت اشعار. و نور ک کفایت نذر.
 و دندی ضعف روزه دن بویه تا بلبلر. کلمه اول عید مبارک قلج قالد جانر
 کلور کیدر. و بوییده ایتیمین لک. و عا سن البکور آیدن و رونق لک
 بلور اول غنچه بیلر کچه دن ارا اولدوغین بیلر. مسکدر نیت کم در لک کلدن کو کلمه بولار
 سکوفه قالدی کلشن بوق چندن اثر. خوان ابر سدی بھارک رین تلک اسیر
 کم کسته ایدی دل در جانان بولند. کیمک سوزی و ار خدمت سلطان بولند
 بذات نولا تیغنی اول غزنی جلد. عاقلین اولدر د پچه قاند بولند
 غمک کی اولدر کسه سید اولر کس اول. بولسک عینیده تا آرخان بولند
 کویک ایدر آحم عیم شغنی نوله یارب. دل زور فک حال که عثمان بولند
 بر کچه اولد کلمه س ایدی طالع کور کم. پچار حسن اولر کچه یابان بولند
 حسین **ط** قدق ارباب لافاده. مرحوم و مغفور له افخی زاده. افندیک
 نال جو دیر اجلاندن بر غصن بنظر و مثال مسجع انواع فضل و کمال جامع
 لوازم استخفاف و استیصال خوب طبع و ملک خصال سائسته دولت و اقبال
 بر محذوم سوجب الاجلال در مالان جو دیر اجلال مطلع ظهور دن رق طالع
 اولدوقدن بدربنا عالم و غنا اولدوغنی ظاهر لامع اولدر. و راوی اخبار معا

اولان ذات شامخ و عالی سی سند نشین ملک و چود اولدوقدن. حدیث صحیح
 فضل صریحی مستفیض و تابع اولدر. بوسن و سالن بود کلو معارف و کمال احبار
 اولوب آن زمان بود قدر فضایل عرفانی فائز. اولدوغنی موجب اعجاب سنج و سائب
 طریق سعادت رفیق علم مالک اولدوقدن سلطان العلماء. بر بان کفایت کلام
 سر دفتر خود و عطا. سر سیم لطف و وفا. سر خلقه اهل صفا. طو العلی کشف الاعم
 ان منبع حکم و حیا. ان معدن بذل و سخا. خمس الفتحی بدر الدجی سر خیل اصحاب جم
 خواجه افندی خیر لادن ملازمت سعادت نایب و اصل اولدوقدن مالک مالک
 دارنه علوم و فضایل اولدر. سائر فضایلندن فضلده بوقته دخی نر اولدو. ایلک
 طبع سوخ نایتن رسوخ پیدایتمدر. بوبر اکی اشعار اول محمد دم نامدار ک کفایت نذر
 نیر مره که سینه دما دم پیر اولون. تک عاشق پیاره که کاجی نظر اولسون
 اولدم هکله بن و اصل الحار معانی. بر بخیلین و اریه اولدانی ارا اولون
 اخبار بلیه سیرانه چقر شاه جهانم. بوداد و بلا بلیه چقره نولا جانم
 و عده اتمش غمزه بار اولم دیو اول کاسه باز. دوشش اول افقاردن اخباره اولر کچه باز
 کوریکک مک رقیبی اول کل تر. دبدی لاغ ایلوب اکا چه خبر.
 زلفه راضی اولدی دلمکه یار. نقد عمرم دیر رسم اکه دکر.
 سینه ده قالدی ایه پیکانه. غم بیه ای حسن اولدانی کچر.
 اتر بر دمن تیرن غمزه طور فر اول کوزی. دلا قطع رجاقیل سا که الم اول کلن ابر
حسین ط کفایت حیل صلی دیکلمه شهر. و علم و دانش ایلک مقبول
 جمهور در مرحوم و مغفور. دلو دزاده افندین ملازم. اولوب تحصیل کمال اتمقال
 طبع با کماله امر لازم. اولغین طریق تدریس مالک و عازم. اولدر تر جمیری
 تحریر. و احوال بواور اذ تسطیر. اولدوقدن استنبول الی ایلک مدرس و بنای

سیر دزدن قاضی زاده
 سیر دزدن قاضی زاده

سراسر کمال کمال استغفار الیه شتد و نوشتن در دایت حضرت کریم خالق
 طبع نکته دان و دقایق ده سمت تجسس فضایل و حقایق ساینه اولی که بر الاثر
 فائق و هر وجهی تعریف و توصیف اولی که لا یقدر اصحاب علم و کمال و
 ارباب معارف و افضال بجز سر و مثال مستثنی و ممتاز و تدریج و ان
 عالم معارف و کمالاته جهان مجاهد و استغفار الیه کما رایدن بسیار
 بلند بر و از در هر فن بر سر آمد معنی نمودار اولی البته آن سینه چکوب
 در کنار ایتمک محقق و مغرور و هر دیار در بر صاحب فضل و اعتبار ایستد
 انک تنه بر اجلالنه رویال ایتمک مستغفار و کمال اولی جلدن اکثر علمای
 تحریرات و توفیراته فائز و بوسبیدن طبع فایقی چوق حقایق و دقایق
 حائز اولی در حق تعالی نک عین عظیمی ایله خلق حسنه حس جدا و لطف
 ادا صمیمه اولوب اولی فن دخی آثار بر اعتبار و استتاری و اهل هوش
 صفار و کبار اولی در اقام ارقام بر عجز و تشویر اولی بوفیق کماله تقصیر
 ایله اخوتی تا کیدات صداقتله مؤکد و بنای برای خلت و مجتبی و سناری
 معمار و تکریم عاتق مستغفار و عین کیت افکام مکین ارقام میدان اطنابین
 خواص اینیبوب مقام اختصار ده آرام ایتمی اولی و لاهی کورلدی
 بوانکار نیای طبع کوهر بار بندر **مهر** مذاق اهل لبیک یا دایره طوطی قندی
 بن سولر عجید حال عالم یمن سولر دینش لبر بکا جان ویرن اولور و کمال
 اسفیدن کرچک کلر نیچ اولسون آدم غم دلدار کلوب ملک دله حکم دیتون
 جان و دلدن سوره لم ذوق و فایده اولی که اوج سمنده و صله سوار
 شریحه لرله ایده جم جسمی سر ایا جوج عوف حال الیم یاره مفصل شروح
 اهل فقه فنی چوق طغنی قووار الیم بوری ای زاهد خود بین بزی تو کند و کور

فاکل انقش اولی که اوج سمنده و صله سوار

حلوایان

حبیب

حلوایان سهرادرند و نذر امیر حسین جلوائی و یکله مذکور و زمانه خلاوت
 و ملاحات ایله مهور اهل مذاق اولان اصحاب عرفان عاتق نالان و حلوای
 لب سیرین و قند مذاق لعل نیکینک جمله عالم حیرانی ایدی سوده چندان
 قدرتی و تظلم اول قدر استطاعت اولیقین زمانه سمن اولان
 سوانک شاعرینی غضب ایدرد یولنه جان ویرنه جان ویرن عتاقدن
 اولان سوا به خود تکلف یوق دیوب تکلف سولر نه بندر دیو او قور دس
 حقه لطیفی بو معنایه واقف و بوقضیه عارف اولد و غندن فغانیک
 بو غزل سهرورنی اکا اسناد ایتمدر رزک باینده غی خالک دکلدری
 ستاره در که اولو بدو حلاله هم یولو بغای رو مک ناعالی قدری ساعه
 و حوم امری و نوبو حبیبی حقیقت دیکدر سوا ای رو مک امیری حلوای
 که هر آهویه داستان سولر آس کیم و اکذبه دیوبین مهر نه کم سولر بلان سولر
 مرحوم عاتق حلقه دخی تذکر سمنه بوشوی اکا اسناد ایتمدر
 کردم محیط عشق که صندم بن آن صنیع با سمن اسدی موج بلاناکان درخ
 غل هر قوم دخی ذاتی مرحومک دیواندن سطور در **حضور** کلیبوله جانیندن
 فقه و فنیله متوکل و جفای دهر بر بهره تخیل عالم فائین صفا و حضور
 الم و محنته و غنا و سروری عنا و کربته دکتوب کونه قناعت و غلت اختیار
 ایتمش حجت الله ایله یار غار اولوب خلقی کند و یار غار بمبیدی سلطان الیم خان
 دورن بوجیند دور بر قهر و جور دن کیمیدی بو سوا کندر
 بر کم بوجان کلر سمنه خار و دکلدن و اربابی بوغنه یار غار غار
 بو سوا سکر باره ایکن دوکمه حضور بزد فخر مزخرف اسراره دکلدن
حفظ ادرند دن صاری می و یکله اتمار بولس حافظ کلام بحر نظام کریم

غفار

اولمغله بوجلفص پرتباری اختیار، ایتندی طریق علمک ملازم اولوب آهچی هر چون
 صکره قاره فریه مدریس اوکو، انن فوت اولمندی، استار اسلاف بزرگوار
 تنبع، ایدوب کلمات بلاغت سمات بلغان خیللی یادداشت حفظی، اولمغله
 استاری مرتبه قبوله وصول بولمندی بوسه استکدر
 ای خط رخسار بار اول حسن حرکتک، ایدری رنکین و قزل او سینه پیر سنگ
 عاشق چلی تندرکه سندن بو مطلع یار استدر
 سینکده تکه زرای دلبر سمندر، ای اید و کینه فر شو طاک یلدرینه کز
 لکن بعض عدل نقاندر استماع اید و کز اندر حفظی کبیتی بود در
 بر تکه بر هندن اولمش یقین ظاهر، ای نه صبا حه فر شو طاک یلدرینه کز
 فقیر ایدورین اصحاب عقل و نهی، و اولم الفهم و الحجابیه زبورک بیتی مطلع مذکور
 بحسب المعنی اربع و اولم، اید و کز روشن و کبود ادر کندوسی ذرات و حوک
 بو بیتنه نظره دید و کیده خیللی افکار ایدر
 بن کوزدن کورد کم بن ناله دن ایشید کم، نه کورب کوزی نه ایشید قولای کینک
 تن شو حد بله خیف و ناله نول کل و ضعیف، نه کورر کوزی نه ایشید قولای کینک
 عاشق چلی دخی بویه تنبع استدر
 نه کس کل شوقنه لیل هر آه ایلر، نه کورر کوزی نه ایشید قولای کینک
 حفظ دارالسنطه العلیاده، شو و نما ایلر صوت نما، اولمدر قول اولمندر
 حافظ کلام معجز نظام ملک عظام، و ساکط طریق بر توفیق علما انام اولمدر اولمندر
 خوشایند کلماتی وارد بو مطلع استدر
 عالمک مرتبه کوزن قدر بر تدر، با سندن بزم صفای اینج آلتی بر در
 عالمی فردی کچوردی مدافعی شایلا، نذر اولم چشم حاجی نذر اولم روی جلال

له جبره
 سهیل بنیه و جبره

کلیسو لیدندر، نانی محمد در، عزیز نعم فضل و عرفان، و مانند حسن یوسف
 سره جمله جهان، اولان سنان افندیدن ملازم اولوب بخت قضایه دنیا
 و محنت حکومت مبتلا، اولمدر طبیعت سوتیه سی جودت، و فهم واذعان عت
 ایل معلوم اصحاب فضل و رقوم، اولوب استاری دخی شکار و ذنار لطافت ایل
 موسوم، در بوندر که ده مرسوم، اولمغچون ارسال اید و کز کل منظم بود
 غم غصه الم فرقت فغان و ماتم و حرمت، بر دی بزمی جاناکا بایتدی ایدتی
 برنده حکیمی ساق ایاغیدیه کچوب صیدی، اسیر خاکیا بیکین رقیبه و اردیان بید
 نعل کدم قولمده چچو قوسر، طابق التعل بالثعل دیر لر
 حکیم بلدان عجبم اچره سره سره، و مشهور دهر اولان قصبات
 قزویندن قصبه ایدر دندر، فی الواقع سر زوین، بهشت آیین، و حوالی
 بلدان بنظر دوقین، معادل و مکمل سپهرین، اولد و غندر غنری انا و موالی
 و اصاغ و اعلا، سی اهل سنت و تابع اصحاب بائمه دین، اولمغله سر و جله عالین
 و سلم عات عالمین، اید لکن شاه اعمال العالین، اولم یاری فیضه افتد اریسه
 کتوروب اول حاکمک ضحاک روزگار، اولمغله اهل سنت و اجماعک اجتماع
 اقراق و سوب ماه آسمان دین و ایمان، اولم برج عالی مکانن رهین محاق
 و قرین احراق، اولمیدی بناء علیسه مولانا، و زبور دخی تحصیل فضایل موفور
 و تکمیل فنون نامحدود و نا محصور کچون، سافر فقی الاسفار خمس فوائده
 قولی اید عال اولوب سیاحت و مسافت ایدرک مالک تریفه عثمانیه و اول
 علی الخصوص قاعن دیار بکرده اولان قره آمده داخل اولدقن مولای
 اعظم جامع الفنون و حکم پیوای و مسلم علما عالم، مولانا مصطفی الدین البقاری
 علیه رحمہ الملک البقاری خدمت و اهل، اولمغله فضایل، فی بحله معارف جلاله نایل اولمدر

طرح در تمام کلام

و خدمت استفاده لرینه ملازم اولمغله خدمت علیه ارشدن ملازم اولمشید
بعد خدمت مولانا ملک مرغ روح پرفوتوحی قفص بریدن پرواز اید و غلبان
کستان جهان آمد ملازم اولدق شهر قسطنطنیه به کلوب بعث باد سحر
مغنیاده باکن خواجه سی ابراهیم صلی الله علیه و سلم اولمغله عیان شنوده
میانین صاحب نام جمیل و ذکریل اولمشید بعد سلطان سلاطین زمان دراز
اسکندر فرورادوان مکان ارد شیر تاج بخش و ممالک سنان طهمش دیوبند
و قلعش کی کبوتر شمشید قدر خورشید رای فروز نیک تاج تخت کبان
فراز نیک اختر گویان سلطان مراد خان سلطان ملک جهان و خاقان
عالم و عالمیان اولدق حالاروم الی بکر کسی اولان سیوای امر
دولت عثمانیه مقرب حجره السلطانه محمد شاهرزادک خواجه سی در حال
معارف و کماله معروف اوقات و ساعات تحصیل فضایل و صفات
مبارک بر فردا بله مانوس مالوف دکلر بوی اکی اسرار مزبور کفازند
بر وجود من اگر هر موی جان دشتی از غمت هر یک جدا داغ نهان دایسته
کر توانستی سدا زازدم یکدم خموش بر سر کویت جدا دایم فغان دایسته
زان دم که خوانده شمع حسن زها در باغ کرده دفتر کل را ورق ورق
روی تو گفت مصحف حق و لاحت نشیند این از و بر آمد بروی حق
شناخت هیچکس چو حکیمی حق ترا اوراز در مران که غلامت حق شناس
شهر جنت اک یعنی جرد و سه بر و دن نامی بوستان در بقا ناده
دیگرکه مشهور در بوستان فضل و عرفان ده سر و آزاده اولان بهال الدین
عبدالله افندی که مجلس افاده سه مدوام اولو خدمت عاده سندن ملازم

دقایق المعقول و المنقول زینت ارباب الافاده مولانا العلامة اخي زاده
 افنديک ولد ارجند سعادتمندی در نام واجب عظیمی عبدالحکیم اولمغه
 محض زبور ایلد و سیم اولمغه در علوم کلیه و جریته ده اسناد الکمل اولان مولانا
 استادنا ابو جعفر محمدی الذی لم یجد کرم البوارخ و لغوادی حضرت
 خدمت مدارس لرینه مداوم و ملازم اولو خدمت علیه لرندن ملازم اولو
 سعادته توسل قصد ایتد کزین اول دولتی دخی جائز و سایر فضایل علمیه کبی
 اول خلیفه نایل و فائز اولمغه در مدارس عالییه مدرسه علومیه و نقلیه
 ایلد بناء ساری فضل سجد و انتها لرین مؤسس اولو ترجمه لای بو او راقی تشویر
 تحریر و نظیر و ذکر مناقب و مناقب سجد و ارقا ملی بو مقالا عجز ارباب باعث نام
 و سبب احترام اولدق پایه لک ایلد فاضلی سلطان مدرسن خدمت تدیس
 فضایل و کمالات بر دوام ایدیلر مامول مسؤلدر عن قریب الايام صحن جهان
 مدارس عالییه و مراتب عالییه اعتلا و ارتقا ایلد فضایل معنویه لر کی مشهور جمله انام
 اولاد حقا که انوار رسد و رشاد و انما فضل و سداد جبین میسندن کالشمس و ضمیرها
 ظاهر و هویدا و محافل نهر و تفوق و اطوار عقلی و شمع زوی و دلجو سندن
 مثل القمر ذالکیرا روشن و پید اولوب زمان صبی و غمخواران سنباندن
 برورای پیرانه و اطوار شجانه ایلد قطع جهان منشا و اقران میاندن فرزانه
 و صدق امکان ایکن نمایان اولان لولون هوا و در دانه هر سایر بنایان
 که هر کعب و لهوه مغول و تحوف و لمیوب همیشه اوقات فرخنده سعادت
 تحفیل فضایل و کمالاته مبدول معروف در ذکر تمام فضایل و کمالاته و ایلد مناقب
 و مناقب سجد و غایانه باعث تمیز مقال و تطویر کلام اولمغین خانه میدان
 ایجاز ده خوام انک اول کورلوب مقصود اصلی تلیف اولان اسعار بیست

لرین توصیف البق و احوای کورکده بو محض کم مایه نک اوراق عجز سر مایه سنه
 زینت و پیرایه و معارف سجد و غایانه لرینه علامت و آیه اولمغین ارباب ایتد کلم
 تشک طواریش با میثال اولمغه کتجه عذار با ناکک طور مه ال اولمغه کتجه
 یوزک شوقینه بلبل آه و افغان ایتد ای کل زکایدینه کلر با یال اولمغه کتجه
 زواله یقشورای ماه نو خورشید وارچه سنک حسن و جمالک با کمال اولمغه کتجه
 کیدم کبی عدم اقلیمه بهر میا نکل تن فرسوده زیر بار خیال اولمغه کتجه
 او یارب و وفا طور مکر کیدر سیرانه غیرله بو غیر تله طبعی به جمال اولمغن کتجه
 قصدم جهانده بر کوزی آهوی صید در نکر کند کاکل زلفی نه قید در
 باده نوشن ایلد یو تکلیف ایتدم یازین کورده بن دیدی کولب نازله اولمشیرین
 حشر و لجنه پیشه سه ذوق و صفایله هر کم المیه او ماحی لب در یاده کنار
 قنوه په باده ناب و زره ایدر سکر چچ کلورای دل کوریک خاطر ساقی به غبار
 واروب آیا غنه و تنگ کرک اولم ریو اولادین عشقیله حال طبعی دشوار
 عارض اولمش عذار که حمرت واریسه باده ویردی بهر حالت
 بر یک سو لمیدی یار نیاز ایتدم حوق قسطنکین دل ایش حق بودر اصلا موزون
 اول کنارک روینه هر کز نظر عاشقی بایندن دنیا لر و کبر علی
 قسطونیدندر کسب علم و هنر دن قضاء و طر ایتد کد صیکن بروسه و مشایخ
 علیه زینه دن حاجی خلیفه دن توبه و انابت اید و اشارت پرش رتلمیه
 دیار عجمه سیاحت کتمشیدی تاسع افلاک ایلک و مهر جهان کرد سلطنت و
 جلالت افتخار ال عثمان سلطان سلیم بن بایزید خان طرازین شهزاده
 جوان بخت و مشرقت و مقربانج و تخت ایکن آستان سعادت استبان
 مرکز و ائیر لطف و احسان و مدارار با فیض و عرفان اولمغین مزبور ک

میل سید جان و دیل اول کعبه قوافل حسن ثنائیل و رکن خطیم جلایک نائل
 جانبین نائل اولوب طراز نه داخل و وصل اولدقن مقربان حضرتن بعضک
 لطف کاملی ایلد شرف صحبت شهنزاده یه نائل اولمشر ذبور ذخی صدف وار
 درج صیغرن اولان لاله معارف و جوامهر لطایفی مجلس شهید نثار و انیار
 ایند که اولج هرزو اهر نین و لعل آبدار و رکنین حسن قبول شهنزاده یه قرین
 اولوب مانند خاتم الماس کنین ذبوری لاله اوزده طوتمشر اید اول شاده
 خدمت بغیم شهنزاده ذخی محلول اولجی و ذبوری اول خدمت ایلد شرف و کوش
 دل و جان لاله الطاف بیکرانه ایلد مشنف اینمشر روزبر و زحقن
 تربیت خاقانه ظهور و بروز اید و جمال قدری یون فیون بادر و بر صغیر غال
 ایکر صاحب صدر اولوب دولت تقوی بر مرتبه وصال اولمشر که اقلام مشکین
 از قام ایلد تحریری و کلام بدست نظام ایلد تعبیری ممکن و قابل و کلد ر و آید
 اولنور که شهنزاده سعادت ثانیوس سر سلطنت عثمانیه جلوس ایندن مزبور
 باغچه قبوسدن سرای سعادت دعوت اید و حالنی سفار ایند که مکره بوکونه
 کوهر نثار اولمشر که اگرچه دولت سلطنته نائل اولدق لکن جان باران غفل و ذایل
 اولدق بو مقوکه سلطنتدن نه ذوق اولنور که اوج کوندر که نه کسر دیده ظاهر
 جان باکمال احبابه ناظر و کلستان جنان شبنم و صارد و ستان ایلد سیر ناظر
 اولمشر سلطان سلیم خان عربستان فتحده شام شرقی انجام ده شلاق اچون
 مضرب خیم سعادت ختم اولدقن مزبورک روز عمری شاه و کسیر فرجیات انجام
 ایرندی سلطان و قویمک خاطر عاطر دریا بقاطری و حویمک و فتندن تمام و کسیر
 و متاثر اولمشر خدی حکایت اولنور که اول سلطان غالب و قاهر و قویمک جنازه
 بالذات خضر اولمشر احکام و داد ایلر حکامی اچا و رسوم و اجلا محنت تامی اچا تمیز

و تعریف کمال و فرزند بویر که سلطان سلیم هر ذور کبی ایشاک نیمی و اول
 مقوله شهنشاهک که فلک معارفک جیبی در مصاحب و کسیر اید و سوا
 سول اید که نام شریفی سلیم اوله لایق بود در مصحبی انک جلیم اوله
 اگرچه معارف و کمال لایه بیسمار در لکن سوا کوی ایلد چندان استهاری یو قدر
 ایلد کیر مشیدی لطفله اول زلف دوتا سنکه دستمه ایدی ملکیت چین خطا
 اول مهر رخ که خلق یقین جستی تا بیدر کرم اولسونی بر یوزنگ آفتابیدر
 حمدی اول مهر سپهر دین کرین سلطان شیخ و معارفین صبح فلک کرامت
 مرکز دایره ولایت اق شمس لکین حضرت لکین فرزند سکود و در صدف وجود
 کلستان کرامتک و در سعادت پردر و میدان تصرف و ولایتک مرد بندر
 سلطان العارفین شیخ نهابالدین کسدر و سنلند طریق علم سلوک ایند که صلیک
 انیار کوشه فراغت و اختیار مقام قناعت ایدوب کوشه نشین تکیه انزوا و عوالت
 اولمشر غولیاتک چندان لطافتی و اولد کلوملاحتی اولماغین خلق اچنده شمرت
 طوتمشر لکن مشویاتک تمام اعتبار واهی کمال میانج استهاری و اردر
 علی الخصوص نظم یوسف و زلیخا سی بر صده در که شان جمال یوسف و عشق کمال
 تعریف اصباب رقوم و رسوم غنی و توصیف فصاحت و سوسدن مستغنیدر
 ویلی و مجنون و مولد جسمانی و مودر جیبی و اردر جمله نک خوشایین و خوش
 اداسی کتاب یوسف زلیخا در اگرچه مولانا جامینک کتانی ترجمه در لکن
 جوق سنه الحاق اتمکله مقبول جمله افق اولمشر نه کم دیمدر
 کسی ترجمه کسینی نظیر حکایت اولنور که و حوم کمال پش زاده باندن یوسف و زلیخا
 حمدی مدح اولمشر قیج اید اول کتابک سلاستی و اول طک لطافتی حیا
 بحرینک ملاحتیدر خوشه همدلی ملاحت شیوه در عاری و در لای خلق حیا

زماندن بری بویتی خوب

بواسعار فرور کفایتدند

صاحب جیبی

زلیخا

اولان ملاحت و اندن بریدر. ویر لرایش لکن کلام فرور انصافدن دور ایدر
جمهور. اهل کماله مخفی دستور. و کلدرد و و حومک قیافت نام سی وار در. بوستار
رنگ هر دلیل خون شتاب. رنگ اسم دلیل فکر صواب. کوچک اوله که ی بکی کوشه
او غولقده او ندر رسوخ. اولور احوال معاند حیویر. بری بر در دیک ایدر انکار.
بولیاسن ایلی اررک اگر. اغنی اگری اولنده طوفانی ریش هر دم طویل اولورسه اگر.
بیلکه اولدر سر طویله خ. ابری اولوب قاله چون اوله کور. صحبت اچمه قیل اولورانه سوز.
شیدکی مده کندی خبر نشن. سر بولینور جهان اچنده هج. حکایت اولور که و حوم
مرقوم نظم یوسف و زلیخا به نام ایندکن. اول خطاب بلاغت مضابک خطبه سندن
نام همایون سلطان او قنوق رواد کلدرد و اول حرم فصاحت پرورده اولان
افکار خطبه سنی ذات ستوده صفات خاقانیدن غیری به اولق نر اولدر
دو بنظم و قومک سبیکه اعتبارنی بوته ملاحت مسبوک ایندکه ممکن شاه دوران
سلطان بایزید خانک نام بر عنوانیکه مسکو ایندکن التفات سلطان و فوق ابابا
اوزره قریب جال. اولیوب مقتضای ضمیر. و مبتغای خاطر خطیری اوزره الطاف
سلطان مذکور. بروز ظهور ایتیمجک القابشاهی کتاب سفوردن جوهر
ایده. والد فردوس مکان. پدرای میری افندیدن نقل ایده و بقوله کوه خورشید
اولور ایدر یکده حمدی صلی به زمانن حوکر رعایت و رغبت و انیموب بیت المالد
وظیفه دارة و صلات مغروره سی اولمچو یوسف و زلیخا به کندوسی یازوب
صنعدی خلق دخی فرور خطبه و لغین رغبت ایدر زیاده به الورد
حمدی شعرا قدما دندر. دار السلطنة السنية قطنیة محمیه ده. ایاصوفیه
جامعین توفیق خولق ائمه موقوف شیخ و شتاب اولکو عالم حقایق و عرفانک
شهباز بلند پروازی. اولان شیخ سعدی شیرازی خضر لرنیه دعوی شتاب ایدرد

پوراند

فرسوده و هار و اول خنده خیلی قدرتی و آید بجد فصاید مشکله حفظ ایتشدی
طبیبانینه طولش زایدک ای رندا و لا قله حذر کز دم صفتد زخوی قوم غنوده
حیات قلمونیدندر لطیفنک جدی او غلامه تکره اشواسندن مدح و نشان
جهد و جدی درینج ایتشدی اسغاری کسب خطیب مزوک و خباب لطف
و ملاحتدن به نصیب و منلوک اولان اشواسندن بوسرا کندر
سینه فی تیغ غمبله شرحه شرحه یاره یین یاره لرله یاره عالم شرح ایدیه یین واره یین
حیات سلطان سلیم جامی امامی اولان فارسی مصلح الدین خلیفه نک
او غلید و نامی محمد در طرفا کو چک قرنائی علی صلی به مانه دیر کرا بد و بار عرب
نام و کلین بعض ضما ت جلیله به متعرف او غلامه جنبی در هم و دنیا و مصلح نیاز
و اصل و کو ا ب ا یوتب رضارین منزل المئیدی و اول مقام سر یفن مکن قصد
ایله لکرافات صلتشدی بعد بر نوجوان سر و قد و سهی بالانک محبت عشقنه
مبتلا اولوب مانند لیل اول غنچه کلین نازک بیل سیدی و مجنون شایسته زلف
رعنا سنگ آشفته سی اولوب مانند درخت پر بهار اول هر و کلغذارک یولنه
مالکتنی تار ایدوب حذان دیده چنار کبی برک و بار اولوب اول سر و سیرین
لبیک محبتی اید فرناد مثال القری طاش السند قلمشیدی و دمان دلبران مویان
سیمبران کبی تنک معاش او شیدی او کند و ده اول بلا به تحمل آجتایه و اول
جوان ابر و کانک یابینی چکمه محال و لمیج صبر و دکندی لازم اولیدر یکاسفر
دیوب مکه مشرقه ده برادری مانه جتن امینی او غلامه بر ایکی آنچه حواله ایتدندی
اول شانده کمال حیات صر صر مات ایله به برک و بار و صدمات عواصف قنایله
به یثان روزگار اولوب عالم عقبایه ارتحال انتقال ایتشدی رزانه سندن
خوش صحبت و خوب سیرت و خلی معارف ایله نثرت بولردندر بوسرا کندر

یا اگر عرض غدار المیه کلزاره کله . چاک این یاقه سنی غنچه ده کلزاره کله .
 استنبولن جمال خلیفه محله سندن سپاه ظفر پناه زمره سندن
 و اول طایفه نک موقوفه بر بهره سندن . **بوتغر** انکدر
 طنکو کله ی با که جانندن لبک . جان جعفر جعفر و مانندن لبک .
حیدر سوری چهار دندر سلطان جنگ دفتر داری . و زمان شداید و مجتهد
 اینس و عکری آید . فرنگستان سلطان جنگ بایض صبح . بر طوطی فصیح زبان
 و شکر کفتری . و مانند بر سفید بروج سخن گذار . و خوش اطواری و آرایه
 که خدمت نهاده جم اقتدار کانیس و عکری . و زمان شد و کرتین نوش
 و غنچاری آید . سلطان جم انک حکم المیه دفع غم و الم آید و بر زمان آنسر او کمرید
 و نهاده به روح روان مشابه سندن اولشیدی که بران جانسر دیر کمر آید
 و بنور دفتر دار سر نشانه مذکور کتف و یاد کارین کتور دکن طوطی و زبور
 سیاهه بویا یوب طماغوز به تعلیم آتمشیدی . طوطی فی لفظ و ج . و بیان فصیح
 ایله حکم تنه پانیده باد عمر پاشا . دیو کوبا اولور . پادشاه به تعلیم خوش کلوب
 زبوری کر میان قله سندن جس اتینگن . اول سلطان اقلیم لطف و احسانک
 الطاف و اوانه حقن نمایان اولوب با بر اعلا زعامت احسان آتمشدر
 اشعاری معارفه کوره دکلد . **بوتغر** انکدر
 حیدر عارفک توبه جام تیم صفیق . سوال تے اشک کم مکر پشیمان اولکن
 استنبولن ارباب و فدن شودن خوف زمان و الفل و نذر
 تقی حیدر فن بلاغتن کاری با سته . ابر کورد و ک معلوم دکلد . **بوتغر** انکدر
 هکاشی حق پرواز اول کالی جان مرغی تن کج .
 علا یقندن مجر د اول یوری قید بدندن کج .

حیرت کان بلاغت و اشعار . و معدن شوای عالیقدر مشابه جنات بحر
 من تحتها الانهار . اولان کجبه و آردار دند زانی . چاکه خواهد ورم اچندن
 کمال بلاغتنه معلوم و موسوم . صاحب دیوان فایق الاقران ناگه التوران
 شاعر پر خوان در شونن سیاست . واداسندن ملاحات نهانندن در ساده
 اولان اشعار . دخی چاشنی دار یک دست و هموار . اولوب نور عقدن خالی
 و عار . اولمد و غنی نظر ارباب کمال . و بصر بصیرت اصبی ب مقلدن مستر
 و متوالی دکلد . اولایل حالندن وزیر دریا نوال . ابراهیم شاه ویرد و ک قصین
 بین لجه و سرور در . روایت اولور که بر کون شاهی و نور حیرت به
 لطف و کرم . و احسان و تربیت . قصدن ایدوب خیال به همشهر ک حیرت
 بلور سین دیدکن . عاکث ابنا و زمان او زده که مباحثت و مباحثت
 اخوانه برادران بوسفدن اسد در . و بر نر زبور ک منظور کمارم موفوی
 اولمق احتمالندن حد . و باب لطف وزیر کامیایه سد . اید و بلوم عالم تنقا
 قید نیادن سرور . اراده نه امید منصب و نه سودای خدمت پادشاه
 شهباز طبع به سر و سامان ایله او ز که هواده در . بو اناده به علی خواجه بشدر
 علی الخصوص غایتن لطیف و خوشتر در حقی دخی نظیره دیکل ستر اولدی دیوب بو
 نه سلیمان ابر ز نه سلیمک قولیوز . کسه بلر بزی برت . کریک قولیوز
 پاشا دخی زبوره خفته تیار اولور اول خدی لمار نه بو مقوله ایله تیار اولور دیو
 قبول التیوب او اماندار ک بکلرینه کاه بکلرینه خدمت و انزلیه موانست
 و الفت ایدوب اول متان بیمنت . و کریم به فست . حضرت لری ویرد و ک قوت
 لایمونه قناعت آتمشیدی . بو حالده ایکن دین قلبه دیدار س به معنایه ناظر
 و بصر بصیرت . مرآت جمال حقیقه قاصر . و لطفون نقوش و صور دیر جهان کوز

مطلوبه و نور

میر محبوب

محبوب مرغوبنی مقارن اغیار کور که اختیاری تمیوب اعمی و لمشدی چشم جالبینی
 بوسیدن نابینا و لمشدی همانا مردم چشمی و زکار دیده او غلبه پیر اولوب
 اغوشیدی و شاد و احد حقیقی به یکیک نظر نه آید کچون دیده سنی کوزدن
 چو مسیدی بعد سه احدى و از جان و شمع مایه ده ترک عالم فنا و سیر ملک بقا
 ایدوب و صل حضرت مولی اولمدر بواستار اولمدر مادار کفتار نذر **عصر**
 قلم اغیاره حواله غمره غمار که اولورا اولمدر زافه صلم دوستم شهباز که
 اولدی سیم کیمی ازم پرده سی زرد که ای فلک بو پرده دن سولیمه لطیف است رانی
 حیرت در ملک که مره و ک اولادیدار **دو** یوم نقش سوادن چشم شاد باز که
 می ناکمجه اولما بلم اولموسی نیر بر ایلمی کون بو فنا اوده انک دیر سیوز
 بوذن ارتق دخی و صلت بخا و اولمدر **بر** کوک التنب بوز اولما هله دایم یکیمز
 باسه ایلندی این دمن می روشن که قالدیم بقره دین در دله در دون که
 آق عبا کی صبح صادق کیمی که روشن **دو** شب کیمی نیر درون اولم کیوب زین کلب
 بکزنش اوزن قامت و نجوسنه یارک **باشند** قواق سیلی سر داخی چنار ک
 ذوق و صفا دید کیری در دو بلا مکی **مهر و وفا** دید کیری در دو بلا مکی
 و صلت دید که عاشقنه دلیک **عجب** سول کوز او جیله ایلد و که و جالمکی
 حقدن نظر اولوب بکاعین و فایله **دار فزاده** یوزمه بر کز بقا مکی
 ای حیرت بودردی حکرداری **بر** خوشه جوانن یا لکرا نخی بکامکی
 عاشق بوزده طغر و کلوبانی **دانش** کدور کم قطره در یارجه بانی دانش
 یوق صنور دم بالشرحت بو حجت خانه **سودی** بدم دلیکرا شکی طانی دانش
 بیستونک کوردی کم تبخیر طانی **دانش** کلدی نین اگردی فریادک ترشی دانش
 جانم جانان از سینه حجاب و کدو **بو** حیرت نک کندی کندیله صوانی دانش

قام اولمدر ریحان یوک التنده نون **نقطه** در او سنده صان بانه کی
 او کینورش رخ جانانه **قمر** بلیموب حدنی بر کون لکه لر
 اشک چشم سیمه صواتش سوزانم **عجب** یا یوب بریان او کور کرد کلن
حرف الحاء خاتمی علما و ملک عظمی و کین فضل و کمال خاتمی **سماء**
 فضیلت هلاک شال مشهور و مشهور خلق جهان و خلق عالم اکره مانند خاتم شالیه
 بالسان **اولوب** جواهر زده اهر الفاطی کون سواره کون صی علوم حکم و طفا
 کهر و لطافت خلقه **مثال** لعل آیدار مقبول مرغوب جمله عالم **دو** حجب لقا
 والنسب البصر **فرید** دهره **و** وحید عصره **فی** الافاده **خدمت** مرحوم مؤید زاد
 در که نام بر عنوانی **عبد الرحمن** در **مثلا** ادریس تواریخ آل عثمانه کتیم و بی
 ایتدو که اوزره نسبی شهر افاق **مقبول** حضرت حلاق **شیخ** ابو اسحق
 کازروی به منتهی و منتهی اولور **اصلا** سیه دندر و اینا و نور که سلطان
 بایزید خان **اماسیه** ده نمراده **ایکین** حاجی محمود نام خلکسی **و** مرحوم مؤید زاد
 حضرت نمراده **ایله** حریف باده **اولوب** کلستان جهانن نر کس عبا کیمی التکریدن
 ساغ صربا **کتمز** یدری و باغ عالمده کل که مست باده **حمر** اولمسنج **بیل** مثال کویا
 اولمزریدی **و** ماله مثال **سوغ** صربا **آل** **اور** تابه **اولوب** سیمه حیر جان کیمی جام
 ارغوانه التکریدن **دو** سیر خرا ایدی **اصحاب** جیل **وار** باب و غلدن **رقیب**
 حیلک باز کیمی مفرد و غماز **بعض** کسینه لر خاقان بلند مکان **بدری** سلطان محمد خان
 خدمت نمانا و اعلام ایدر که ایلکرده خبث طینت ایلد **سهر** **خلق** جهان دلنیز
 بدنامی ایلد **مذکور** **اولان** **بر** ایکی **بدخت** سخت **نمراده** جوان نخت خدمت خاتم مثال
 طافلق ایلد **التون** **آدن** **باتوا** **ایدوب** **جمال** **کمال** **محاسن** **خصالن** **حجب** **واستار**
اغوا **افلا** **الله** **ساتر** **اولدیر** **وبرق** **ج** **ایل** **هول** **اول** **سر** **و** **کلز** **اصفا** **یهو** **ادار**

داغ چون

امور مؤید زاده

اولمغله طره طر اردلار کبی سئزاده عالمقدر خضرلرني بائدن چهار دیر بنایلیه
 ره آتش غضب سلطان فرزان اولوب سلطان قهرخان مرزورک با دله حمر کبی
 قانی خاکه روان ایلمک فرزان ایدوب خدمت سئزاده به مرزورکی البته قتل ایدوب
 دیو حکم عالیشان ستم ظهور و صدور بولشیدی لکن سلطان بایزید حکم و صولت
 مقدم خبردار اولو خدمت مولانا به اِنَّ الْمَلَاءِیَ اَیْمُرُوْنَ بِکَ لَیْقِلُوْکَ فحواشی
 اعمار و فضایل کالاتین صاحب یدینضا اولی غنه مضیق و اینلری اولغین
 فافج انی لک من اتیجین خطابنی تزار ایدکرنه و حوم و قومک دخی خانم کبی
 فاشنی فازدوب اشق صورتیکه سَافِرُوا تَفْخُوا وَتَفْخُوا تَفْخُوا فحواشی وزره پنج لغوی
 راحت اقامدن اولی و طوبی لغز با و مقصصا نجه رفاهیت خانه دن مشتقت
 شیریکانه ی احسن و ای کورسیدی کوکب تیار کبی بریده قرار طوبیوب
 سیاحت ایدرک و بار عیده شهر حلیه دار دفع کلام بحر نظام و متن نیجا جو و ای الیه
فَاَلَا رَیْضٌ فَرَأَیْکُمْ کَیْفَ اَوْسَعَتْ مَا صَدَقَ صَالٍ فرخنده ماله اولوب صاحب ثروت و افزه
 و اسباب و اموال متکانه درهم و دیناری انک عاشق به صبر و قرار کبی جد و کار
 برخواجه مالدار ایلد بار غار و انیسر غمخوار ایدسیدی ذکر اولمان خواجه مولانا
 مرزورک تحصیل علم قابلیت و حدت ذکا و فطنتین ماله ایدیک مرزوره برقدار مال
 ویروب شیرازده منلا جلال خدمت سئزاده ایال تمبیدی و حوم دخی پنجه ماه و سال
 خدمت حضرت منلاده تحصیل علم و کمال اشتغال و جمع دلم جانسه روغن سخی و اوان
 ایلا اشتغال ویروب بهلر نمانده ملائمه منلابانتن فایق الاوان مثالیه بالین
 اولور بعد سلطان بایزید تخت مطمنه جلوس و سر سلطنت جناب فلک فوخته با بوس
 ایدکده اول مرزوبونی ترک ایدوب آهنگ ولایت روم تمیز منلاب جلال اول حال
 و حوم و قوم کون اجازت نامه ویروب عشریه نام نامه یاروب و حومک مع و سکن

جلی طرا ایتشد بعد و حوم و قوم داخل حیطه روم اولوب بود بار جلی طرا
 شریف قدومی اید و اهل طر روم اولدقن سلطان بایزید خان قرق افجه ایلد
 قلندر خانه مدرسین بعد قرق بش افجه ایلد مدارس محمدن بر بنی احسان
 ایدوب افجه سنی الی ایدک کسک ادرینه قنی ایدوب اندن چنی عسکر ایتشد
 حقا که خدمت مولانا به و نبو علوقدر وسعت صدر و وفور شوکت و کمال
 سطوت و رفعت همت و حسن نوازش و تربیت کرم وجود و خلق محمود
 ایلد سئزاده دار و دیار و یگانه طلاء سپهر دوار دور اصحاب معارف و ارباب لطایفه
 میل تام و احسان و انعام و انجذاب لاکلامی لغین و حوم بخانه بیک
 دیوانی و نورک منتهی ایتشد سلطان بایزیدک و اخو سلطنتن تمام قدرت
 اولوب یچو یلر خط خوبان کبی باشن قالدروب ارکان دولتش اولرک امانده
 دل عاشق نالان الان و نالان ایدوب نفوذ به شمارن صبر و قرار اهل هوا
 کس تاراج ایدوب و حومک دخی اوان بصوب اما سیده موجود اولان امکانی
 یغا ایدک کون منصفدن فراغت و غلله کوشه غلت اختیار ایتسیدی
 بعد سلطان سلیم دارای هفت اقلیم اولدقن و حومی بنه قنی سکر ایدوب
 پنجه دفعه خلوت سم الرینه دعوت و خاصه مرزورکیله تنهاجه مصاحبت ایدر
 و مرزورک زمان پر لکنه ایر دکرنیه تأسف ایدک کوی تاج زاده جعفر جلینک ترچین
 حکمران ایتشد و حوم و قوم حکره قنی سکر اولد دغنی بعض اهل فک سلطان
 احمد لیدر دیو مرزوره خلاف واقع بعض امور سئزاده ایدوب او قلعه حیم پادشاهی
 مکتوب ایتسیدی سلطان سلیم خان دخی مکتوب و مرزوره کوندروب بوکاره عیث
 و باد ی اولان کیمدر بلنگ کرک دیو و حومک حدس و فراستن امتحان ایدک کون
 و حوم دخی علی الفور بوکاره عیثی صاری کرک ملازملرین قلاب سیاه و کذاب سیاه

و بیکله معروف ایکی رومیه وار در انرا نمشد و دیو بویتی یازم شد
 سن بو مکتوبک اگر بیک در سنگا بن غافل اولم خسر و اقلالمه کذا بدن
 فی الواقع اول ایکی کسسه نکر ای بیلدقن و قوم اولان مکتوب قباحت
 اسلوب و فضاحت مهووبک مسوده لری بولسوب استا ربکی یوزی قاره لری
 طاهر و بدیدار اولسیدی مزبوران دخی صدر زمان اولان صاری کرزک
 خوشکی ایلده هوایه اویلاق دیو اتارا اید کلرین اول صافان خراج غضب بهرام
 انتقامک نظر خشم و کین و محل عقاب حرک انجانی اولوب اول ایکی رومیه
 مفید ناپاکل روی سپاهی آلوده خون و خاک ایدوب کلاف و مکانن
 میدان سیاست فائده غلطان ایتسیدی صدر لفا لکری دخی غرله خویر
 ایدوب و بنوری صدر اندن رفع و دحوم مرقومی مقامنه نصیب و قصد بر ایل
 اید و اف دایرن عال فتنه و فدی تحید ایلشد و بعد و قومک فواسنه
 ضعف و عقلنه اختلال و خراجنه فتور و داغنه کلال کلکین فحشی کر لکدن معزل
 اولوب سنه اتنی عشر بن فتح مایه شعبانک ایلده بر اتن بزم جهانده کل مر علیها
 باده سندن مست و سر کران اوکو رفرف خضر و عبقری جان اوزره سقیم نیم
 شرابا طاور مساق سندن لا یصد عون عنایا ولا ینرفون شرابی چنان
 او بچون بزمگاه بقایه روان اولشد رستی نه شراه و جعل جینه مشواه خدمت
 مولانا تک علما و شوالیه اولان لطائف و مطایبات و بورنر حقتن اولان
 محارم و صلاتی بیرون تحمل الفاظ و عبارات در جلدن بری روایت اولور
 اول مانع اشق قاتم دیر لر برود عالم و اریس که گاهی مرتبه عقلدن دور
 و وادی صلاح و سداددن مهور اولوب کوه مثال صحبت اناسدن کسیده دانا
 و مانند مجنون سیر و بیابان اید و خانقاه ترک و خریدک دده سی و عالم شوق

و و جدک معکف میکه سی و کاه بر موجب عرف و اضافه عمامه کوه مثال **مصرع**
 اتردی طعنه طاشن کوه قافه مرحومه منصب چون نچیل ملازمت ایدوب جین
 مطلبی محلول اولوب طلب حقت ایدکن اشق طایفه سنه مدرسه ویر لمر و بوبله لایا
 اولنره قلم تکلیف حکم مدرسه کسسه نک مطالعه سی رهین و شغلی محکم و خبری سلم
 و تقویری مقبول جمله عالم اولق کرک دیدکن و نور دخی اول مقوله کسسه نادر و بورنر
 افعاله کیم قادر اولور بکر سلطنت کیم مؤید مرعج سنه اوله دیو جواب ویر و کده
 کلام مزبور طبع فضائل و فوریه خوش کلوب ممولدن زیاده رعایت منصب
 و مطلبینی استدکندن ارتقله عنایت ایدر **مصرع** لطفه جوئے بانه استریمش
 سمدی و فضل الیه کسی حقیرن اولور آکا عه و کبار و صفار
 قاضی سکر دخی اولوب دشمن اکا جو ر ایتکه بجهانه ارار
 نیه بو جمله ایل و حوکت کبر باسندن و کمال سغنا سندن روایت ایدر لکه
 موالی عصر ندن علمه موصوف سوپر که شجاع و بیکله موقوف کسسه مزبور و واروب
 جارب و مثال روی ابراهیل یر سور دکن چندان التفات ایدو که مهرور و خلق
 ارا سندن مذکور اولدقن طافان بری مؤید زاده نک کوکه بقفدن الی دکر ویر
 هرگز نظر ایتکه سپور که بکوره و میسر و حوکت عو و فارسی قصاید لطیفه سی
 اولد و غنن غیری نه که اسعار بلخت شعار و حی عید و بیسمار در بوم ایکی اسعار اول
 فضل و مدارک رجات کلک سحاری و نتیجه طبع بر قدری در تینا و تبرک کتب اولن
 چاک اولان دست جفا بیلد کریا بندر ایلن خراج محنته و امانت
 تیغ و کانه جان دیر کسی سلبیدی اگر اول جفا پیشه بر اغویسه فرما بندر
 اچکم اچکم شراب اچکم نچ بر صوفی صافی آب اچکم آخونده اولور شراب اچکم اچکم اچکم
 مرحوم خیال جوئے تغیر ایدوب غضب ایلشد برار امد که ان شد که بی دلدار شینی

اول نامه اولان صدر و کبار

دست یاری کاش از شوق علم

علم

نغمه اسلوبه اور زه بعض عبايك و فائده بتواری خوب واقع اولمدر
 یکی مخلص برین سده که سال پانزدهم شد و عیان جوهر آید یکی ز خلد برین
 و سلطان احمد کوندر دودک جواب نامه ده دید و که ابیات نذر
 کوز لرم اولدی منور اول سواد نامه دن تو زیر نه تو تیا صاحبش مکر جانان کجا
 حالی بیوب نب جگر گرفتار اولد غم رحم ایدوب بارالمش بخویند ایلد در مان کجا
 هر کسی در کشت باغی بلام جانان خویش ما و کج جود و همدم در دبه در مان خویش
خاتمه قصه بر عونسد جامع اولان محمد بیگ نام سباق بکنیک اولادندن
 ز عیم دیوانه محمود جلینک او غلبه علاء اعلام دین الام چون علی التتاقب
 والد وام نیغ خون شام کبی کفره لبام ایلد جدال قتال تنگ ملام بیسته سی
 و مانند ستان خونبار کله جگره نابکار ده مکان و زار ایلد هر بار اندیشه سی اولان
 زمره سپاه طغیانیدن لیکن در ویسی و سکت اختیار ایدوب ممالک و دیار منار جویبار
 کشت و گذار ایدرک مرحوم سلطان سلیم نامی ننه ننه اده کامکار ایکن طور ای جلینک
 کلسان آسانده داخل و دولت تقوت و مناد متنه نایز و اصل اولو بظلم لطف کامل
 و انعام شاهی اولمیدی مخلصنی نامی ایکن عزورک است رتبه خانگی نیمده اگر چه
 استعاری کسیر که در لیکن نمین خاتم بلاغت اولغه لیاقنی وارا استعاره لطف سحر و اراد
 زمانه فرک مسهور شوا سندن و متوله استمار بولان بلغا سندن در حالینه
 درگاه عالیناه سپاهلر نذر بوزکره به کجیر او بختون بوقیر ایل اندو که استعاره نذر
 سیوه سندن طوره خربدم ایغ او سندن بار تازه شاخک بنه کند و به اولور سیوه سی بار
 او کرکس اوک اگر چه به بد لر سینه دلدار بنم اما که خرب ربه حسن اعتقاد و ار
 نوله بر پنجه دلم فراخن دیده به عینه او نور چشمه ای دل صومر مژده ای لبینه
 بار اگر چه در لطافت به نظیر و دید نیست مشکلم نیست در عالم کسی اید نیست

فارسی استعاری دخی وارد در امید در که بوز حمت ارکنا بدین اجتناب این و الله
خاکه مصلحت وجودی لطیف قول اذین قلمو بدین سرشته اولوب اسماعیل
 بیک دورنده تر عالم خالایم استعاری قطعا لطافتن خبر اولوب گفتاری
 هر که ملاحظه خالای اولمدر دقیقه شناس و سخنور کچوب هر وزیر معانی کسری
 ز عجب مدح ایدوب و قصید دید که او مد و غنی اوزر جانیزه جانیزه اولدق بور با
 کرم ایلدی مقامیدر بوسدر بو اولوق بالی سنی نیجه اولور کل کم سن وزارت بکا ویر
 بنی مدح ایلد کور عطا نیجه اولور **خاکه اسکوبه** سلطان بایزید خان زمانده ترک سهرای جفا
 ایدن شوا نذر کلام منظومی نه مقوله اید و که بوش سندن معلوم در
 علامت چکرم هر که که هجران بر کمال ایلد بر سنه بر کمال اولسنه فلک آن زوال ایلد
خاکه و کسیر نامی مصطفی در کلیبولی امناسندن بولانا صنعی نیک اجناسند ز سر
 استعاری لطف و صفادن خالای و عاری و است کلام و مقال پرده انکار ایلد سوز
 و متواری دکلمدر بو مطلع اندر **خاکه** فاسک او سندن دیر خاک کورن ای چین
خاکه دیگر و حوم عاشق جلینک کویک فرزند اسبدر نامی محمد در و حوم محی الدین افندی
 قاضی سکر ایکن دانشمندی و التفات به غایتیک محفوظ و بهر مندی ایدی و حوم و حوم
 موزول اولد و غنی ناکه و نورک دخی کویک حیاته افول بولد برادر ای عاشق جلینک کورن
 کوز فرزدوب کرشم بر جسمی آهوشقنه چشم خونبارم کور و بکنک بنی صاحب
خاتمه نامی عبدالحی در و حوم سلطان سلیم ناسیک خواجه سی اولان عطا و الله
 افندیگ فرزند خیر الخلفی و در کر نایه صدق در عشوان جوان و ریاض شهاب و زندگان
 زمان اوقافن تحصیل کماله مصروف فلفله مثال اوقافه میانم فایده شان ایلد موف
 جواد ز صیغه عذار نهداری نقوش خط سیر کار و ده و قامت سرور غنای روضه
 دنیا ده هنوز شو و نماده ایکن فن استعاره هوس و نظم آبداره دست رس اورد

ایده بی فوج آید

بالجوب و از ایدر صحنه در دین و دین

بوسه ناز سکر

پنجه کوی فصاحتی، چو کان تراکت ایلر بوده است و که میان انبای زمانه
 آزموده در مقدما باسی طایفه اقتدا ایتندی، لکن طریق حکم سدا ید و معین
 تا تل اب و ب اللم با نجا منده کزوده نخل احتمالی اولمد و خدن غیر طریق کسسه
 سلوک غایت مراد، دنیا یت آرزوی نوادی، اولوب خدمت شایع تمسیر عالم کبر
 کبی میان جان نطق عبودیتی بنده اید و تیر مثال، جنگ و جدال اچون هر طرفه پرتاب
 اولوب مانند سپر ضرب ایدار کوس کریم غایتی مطلب و مسوول او میسید
 آخر تیر مال در ف قبولک س صبی او کو، علوفه سی بدی تیار متفرقه لغی ایلر بهک شاه
 کردون بناک عبد خالصی اولمیدی، طامشوارده دفتر دار او کو تحصیل اموال
 بهک هیج خجده سی، ولوازم و دام خدمت مرزوره بی حسب الاستطاعه مراعی در
 بوتذکره به بحریر او نمغنون اختیار ایتد کتری ابیات و اشعار و نتیجه طبع ایتدار
 لریدر که شت اولمید **مهر** مجلس عدودون کچه جانانه کجی **ما**
 هیچ طمغه چاره می دار جانانه کجی **ما** دیر دم که بر بهجانه ایلد سیر ایدم بوزین
 هیچ بولدم باز او غچه دمانه بن **خاوری** نامی علیدر آفتاب وجود پر مائی قصبه
 مناسرتدن طالع و ظاهر او کسدر تحصیل علم فایتم، رد لطف حق کن و حوم زیرک زاده دن
 ملازم اولوب بعد طریق قضا به عازم، اولمیدی مرئی هرنور ان زمان و د سیکر
 فنا دکان اصی فضل و عرفان، دولان کسزدنک استادی، رحوم مغفوره و معصوم
 و عبر و رجوی زاده افند نیک قننی، اول اول نایین دفتر دار اولان بیرام صلیب نکی نرینی
 ایلد کجی سی قدر و دزی عید او کو، اسکو به و لایکه قننی و لطفه نختی سعید او کسرت
 باب قضا و فضل قضایاده نهایتا تمام و دقت، و غایت حدس و فراستی، بر مرتبه ده
 ایدیکه عاقل و معشوق مجلس قضا سنده کله کلان، عاشق بچاره اولدرد و کوکلن الان
 و نقد صبر و قرارین الان و مالان، ایدوب تاراج و بیخایدن دلبران سیم سیما

ایر وکن بر بافته پیکور **ما** و مجلس قضا سنده کل رعنا، روی لبران حور لقایله، دعوی
 محاکات و مبارات ایتد کچون اول شاد بار **ما** تنویر اچون روینه تمغا اوروب
 میان اسواق قشیر قلور **ما** قاضی استنبه الاوان عین **ما** رای الخیص بین الماء و التبین
 اول منصبی قره فریه تدریسی آخر منصبی نیا اول سهرک قضای اولمیدر آخر قضا رتانه
 و اقصا حکم میزدان، ایلد ایزه منصب حیادت معزول او کو جو ار ملک فقاره و صول اولد
 حقا که عالم بلاغت و عرفانک شمس خاور، و آسمان فصاحت و اعلاء و افلاک براحت و اشانک
 مهر انوری در، مرقی ضمیر منیرندن طالع و سارق اولان معانی، آفتاب علمکتاب کبی
 زین و زمانه طوطی **ما** و ذکاء و کاه و حدت طبع خورشید فیضی پنجه قضی و بلغای
 سعدون قسومت **ما** آفتاب اشعار، قلب عاشق صادق کبی سوزناک، و اداسی و غمی شایع
 غایت لطف و پاک **ما** چونکه سهرت سحر خاوردن روشن، و سحر طومار سحری شمع
 انجذر بوذن زیاده کثیر مقال باغت سامت و موجب ملال در مرزورک اشعار بر صفا
 و کفتر جانفرا سندن مانند مهر و لغز و ز غایت پرور دولان کلماتدن برج ایست
 بوزین غرنامه کثر اولمید **مهر** کوزلرد و چشم خونق غم پنجه دلمره **ما**
 اکلام چشمی نه فتان اید و کن شند **ما** بیلو نرزه زن اولان نینه که بولدا شندن
 ایکاون دور دی کبی برمه ویر کوکلن **ما** خاوری سو کوزلر ایکی یدی با شندن
 پنجه تقریر ایدین در در می غایت چوقدر **ما** خاه ده چاق او قدر قوت بازو بود قدر
 سر زلفینی بجا کوستره می بخت سیاه **ما** اوبلان آغیدران کوزلر بیک اولور
 سوزن اش ایک فلک نفق کور **ما** سکای پرزن چرخ بویر اورنگ اولور
 بر بوزینی ایلدم صانم احاطه دینده **ما** قاره طیر اخی ایدر افوشش در یار کس
 بی هوا و بی هوس پنجه سکون بنم **ما** روز کار یله ایدر دم جوش در یار کس
 روز کارینه کوره قوتلن جهان خاور **ما** گاه پر جوش اول کبی خاموش در یار کس

ان
 ای نوزیم در کلمات و کلمات

سینه پر در آرزوی زلف عنبر باده طوطو در ویرانه هر یک با شلو اثر در باده
ختم جو رید نذر کفیل علم محنت ابد و بر حرم جلال زاده صالح طبعی افند نیک
 عاده سندن ملازمت میسر اولد قدس کن مدرست او کو بعد طریق قضا به غنیمت
 ابد اسعار نیک چند ان شهناری بوقدر و حرم عاشق صلی نذر که سندن بطنی سحر
 کدم کوزم با سید و نر برد کریمم **خ** جوخ فلک کسبه نوبت دکر ستم
 او لکوز بلبلی عاشق دیو باینده بنم **ب** لکرم قوسد را و چوک بکا اول لغاف
ختمی دیگر و حرم سلطان بلم خان ناینگ لای **ا** اولان جعفر با شانک او غلی صطفی
 بکدر بابای کرچکن معارف و کمال ایدار است و کردون وجودی علی لطیف
 نامعدود اید پر است ایدی او غلی دخی بابا سنگ بر خوی الولد ترابیه دم تقدی و
 قلاده عقدی اید **و** حرم سلطان سلیم **خ** خدمت نیک ربیب لطف و شفقت و پرورده دست
 مکارم و شفقتی اوغبین التفات و تربیتی اید لو آ قدری سر علم هلال و متحقق رأیت
 خورشید بیهالدن عا او غله پنجه سنجافه حاکم و دایه او **ب** حالت اشعاری ما
 ر حقیق مخموم اولوب خوانه زمانه ده کیسه بلاغت نام سبکی اید محموم او غله
 شمول کلام صفا شمول شمال لطف و ملاحت شمول زو اهر کلامی ربه قبول جو هرمان
 عفا نه وصول بولندر **ب** بوعمر انکدر
مهر حسندن سنگ نواز لکه کرافتا **ع** عالمی بشدن شبه ایتمزدی انور افشا
 جهنه نه نابکک ناینده ای سیمین بدن **ک** کوکه ایر سه باشی دکر فکس اهر افشا
 مهر عالمتاب رویک کورمه که ای مهلقا **ا** ایشکل طاشینه هر کون قورمدی هر افشا
 جنت کوبین یارک جلوه لر قلم غشون **خ** ختمیا طاوس و شش طاقندی شهر افشا
لجاسم سرع اولور نفک سمندی **ن** نه سر کشد رطونری بای بنیدی
خدا استنبول نذر او قنچی زاده و بکله سحر اید خدمت شاه سکندر شانه

زبان کلامی سحر

بزمثال

بزمثال جو جانبه پرتاب و روان اولان زمره بندگان **ا** او غله بابا باشی او کو
 بعن بودینده کاتب زمره پکیو یان اولمیدی شهباز طبعی اول مقامت ارام اتیمچک
 ینه استنبوله کلوب خدمت در کا عالمنا مشغول اولمیدی **خ** حفا که ملاحت اشعاری
 حسن خدایه کبی کلکونه تکلف و تصلفدن عا **ا** اشعات کلمات و لغات ابیات صفا صفا
 عالم معانی و سخنان **و** صوم ساری **ا** اسعار نیک اداسی روی دلبران کبی خوب و مثال
 وصال دوستان مطلوب و مرغوب **و** حو کات و کلمات پسندین ی بر دلبر خوب طرز محبوب
 بدیع الاسلوب **در** کلستان بلاغت اسعار زیبای مانند سرور و غنا مستثنی و تمنا و تمنا
 مثال بوستان فصاحت کسین بالا **ا** اولان کلماتی قماری معانی بدیع آشیان ساز
 اولمیدی **خ** کلام زبوره دلیل و بر نذر که اسعار بلاغت عنوانی و رد زبان همز و را
 رماند **و** کلمات بلاغت سمات **و** صفای قلوب و صفای خواطر خلق جهانم ظاهر و غایب
 او شغف غما مدار و نامر خوش گفتارک **م** مطالع و عاشقانه سی بوجویش عفا نه ثبت
 اغیار کینه خوا اید سیرانه نهم هیچ **ک** کل کورنه اولدی یوسفه بابا نه کتم هیچ
 می نهم اچمدی جاز صیوب نفع نهم **ب** یار ستر اولد و غشون جسی چندی نیم
 خط سربزله ای خوب لک شهباز **ر** رخک اولال له به کز رکیم اولابر وار **ا**
 خاک تنومی یله و یروب کوی **ن** **ا** بر نور قو بر پیچ نه قوم روز کار ده
 بن رحم او مرن جان و دله ال بوزی **ا** اول خود بکا انجمنش امین جان و کو کلان
 و کدک اول زلف عنبر افشا **ن** **ا** ارده عمر ایمرسن ای شانه
 خط سیرک کلوب رخسار که یار سندی غایت **ک** کوز لندی بنم سر و سر فرازم کف تبده
 اغیار یله طور رسن فرسوده بو کین **ب** بن خسته حاله خوشه اولد و راه غمی دیرین
خ صوفیه دندر **ع** علم طریقی اید صاعدا **ا** اولوب اول طریق پر خطر ده کمره او غله
 قله ملازمه حقیقی جوق متاعب و سیر اید بکشدی آخر امام زاده و حویدن ملازم او کو

اولمیدی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

مدرس اولمدر مرحوم قره چلی استنبول نشینی بکن بهار عمر نیک خوانی ایردوب
ترک کلبان فانی اتمدر بواسعار اتمدر که بوجله به تحریر اولمدر
کوبنه مست او غوادم کچه کلاب کوی دوست باشمه او شندی برز پند ابدی یاران بکا
ایلمر نیک کلبه مر بر دم مشرف سره د آه شهم چاغره جانادر و دیوار مرزا
بوسا فرخان دن کوجک کرک لکچر نور خدر آبانمر بر بعد ساعت بکلرز
مولانا اولمدر دافلم فضل عرفان خور سید عالم تحقیق وایقان
مالک مالک حدود و رسوم منجی ممالک مالک غوامض علوم امام الایمه سراج الایمه
مکمل علوم الاولین والاخرین متمم مقاصد المتأخرین وامتقذین ناظم مقاعد الفروع
والاصول حاوی حدود و رسوم و المعقول منلخر و خضر لیدر که دربر و غسر
تصانیف فایقه سی دره هتاج شهران مالک علوم و حکم و جواهر زو اهر تألیفات
رایقه سی صرافان فضل عرفان باند مقبول مسلم در مؤلفات فایقه سی ابداع
واختراع ایدوکی حقایق و دقایق طایر خاطر فضلاء فیاضی و غایر قوت فکر دقیق
و جنابین تصور و تصدیق ایدوکی که کاج حصوله و اصل اولی مخفیض و بیک سر لاف
افهام معونت ادراکات حواس و ثنوت مقدمین قیاس ایدوکی سر حد ملک و جود
داخل اولی امر حال در نامی محمد در سلطان محمد خان زمانن منصب جلیل نظام
و غلط و مدرسه ایاصوفیه تولی ایدوکی جناب عبیدرینه تفویض تقلید اولمدر سیدی
بن بوجله ایدوکی خافان مسفور و لوازم و مهمات رعایتن قصور ایدوکی دیو بجهور
اولوب برکون بی اذن و دستور بر و کیدوب انده تفاعد اختیار اتمدر
اندوکی مسجد و مدر بنا ایدوب بودار فکان آهنگ عالم عقبا ایدوکی اول مفاده اوکوب
س و نمائنده ده غم جناب النعیم اتمدر والد فردوس مکان مجلس
عرفانن کوهرفان اولوب بویدر لرا ایدوکی که مرحوم مرحوم در و غوری تالیف

ایندکن

ایند که بویدر لکه جمله علوم سید شریف جوجانی و سعد الدین نقانانی
ایله مارک و مسم اولوب علم فقه اندر غالب اولد و غم معلوم هر عا و علم
رسایل عیدیه دن بخری مصنفات و مؤلفات بولردر حاشیه تفسیر الفاضلی
حاشیه التلویح حاشیه المطول مرقات الاصول الکرر و لکوز و چونکه اوصاف
علم و کمال و مدایج و مناقب ذات بر جلال مؤلفات فایقه و مصنفات رایقه سی
کبی بن الانام مشهور و السه خواص عوام و جماع قلوب و صدور علم الانام ده
متن و مذکور در پس الفاظ عجز عنوانه اولمدر و عالم فضل و عرفان و خاقان
ملکت تحقیق و اذعان توفیق ایلک و افلام توفیق ارفا مله اول قدس علیا اسلام
و برین فضل انانی توصیف فکرم تحصیل حاصل و تطویل بلا طایل در لایم مقصود
اصلی که بوفتن اقتدار برین اظهار در و کاجی شجند خاطر و تسبیط سامع حاضر
ایکون بکار بلا خدن لای ابدار و کان فصاحتن کواهر بر اعتبار ایدوکی ایدوکی
اخبار در بومقدار ایدوکی اختصار اولمدر بومطلع اول صدر کسریه و الاسلام
بدر الایمه و الانام امام الایمه سراج الایمه هدایت به نهایت ربانی و غایت به غایه
صمدانی ایدوکی خارج معارج درایت و صاعد مصاعد کفایت در بای محیط
علم و عرفان و جمع نیام تحقیق و ایقان خلاصه اصحاب علوم و فخر ارباب حدود
بوششم چشم ساریک بیب طراز اقر باشی مکر و اریه اول عینک بلا داغده دریا
خسروی مرحوم و قومک احفا دندندر نامی مصطفی در شیخ الاسلام فی زمانه
وسلطان العلماء فی اوانه سرجه اصحاب علوم و حکم استاد بستر حیات عالم مطهر
افوز و یار جبر ظلم مسئله آموز جامه میرحم الدارج الی رحمه ملک الهادی مولانا
و استاد ابو نعیم و الهادی خود تکریدن نایل سعادت ملازمت اولد قدس شکر
روی بختی بر و ده مناستر مدرسه سی ایدوکی ناصر و دین دل جان جانب مدراس

در بای محیط
در بای محیط

تمامه به ناظر ایدی کریم الاواق سربقا اخلاق ذم بنایا صفای دلجو بر اید
 ار استه واسعار پاکه ادای بی نظیر اید پراسه در بوجوین عفانه تخریر و طیر
 اولتی چون سرق ضمیمه نلامع اولان بعضی مطالعی بوفیق ارسال تمیز در
 یانکه آلوب قیسی ایدک سیر چین یانکه قانور می ای سر دس سیر ایدک
 کا کل با رله اولدم دیکر سن جمبو ای بنفشه نه در ایل قلعی اردو که قو
 کدی مژه مک خنجر در سن دل و جان بتر و کیده ای قانی کمان آتمه بیانه
 صحت بولوب اولور سندن جمال تغیر در دم سک نکاره دیم نقر و قطیر
 اولدره حسته حالکی جور و جفا که بویله دیرله سود حکم مستلا کله
خسر استنولد نذر بابا سته زه کوزنیک دیکلمه موف بر بی قنیک اولید
 بچی یه بکنده در اثار وجد و حال جین احوالنده ضرر و حیان و حوارت
 و سوزش عشق دل و جانندن همچنان ایتمک ترک مال مصیبت دولت اختیار
 عالم تجرید و غلات ایدوب و سرخوش بالی چلبی ریارات ایتمک جناب
 ارسا دنیایه ایدنه یکن الفت ایتمیدی مرحوم مرحوم بوعالم کفر نزن غم
 خفانه وحدت ایندکه سر عشقه قان زل و باد و محنت اید مست لای عقل
 ایکن کندیدن او اگر است بر مقدار زایل اولوب حاجی بکاشنا جنی نه باشد
 کچو من و من لایفیت بر مقدار زایل اید ارباشنه او سر شد خوش بین اسعار
 و نازکانه کفاری منایه کسر ارباشنه لطافت تذکاره بیت او یغنیون اختیار اید
 بود هر دست آبادل بچوین بوز کره لطافت تذکاره بیت او یغنیون اختیار اید
 مالک سیم و رزم و بوفیق بود جودم بوز کره لطافت تذکاره بیت او یغنیون اختیار اید
 بر عاقل که سود که اوکی سیه بازو بیک قاسه زهواچر سه اکا کونن آزادله
 زندان اولور سه طکم بنم باشم جهان بازار چندی بکون اول یوسف زمان

خزنی مرحوم مفتی احمد بابا کذا و غلبه نامی خزنیکیا و لغله مخلص مرحوم
 اختیار ایدم در برده قیلوجه مدرسی ایکن جناب عت قیاب ملک توب
 و با دخیلیکلان وادی صدق و صوابدن اثار عشق رحمانه و جذبات غلبه
 سبحانه ظاهر و باهر اولوب تسبیح کبارک افتخاری مقبول حضرت باری
 حضرت کریمه ارادت کتوب خدمت پر برکتین سرمایه غرض سعادت ایدیدی خزنیک
 و اصله کیمون توحید و عرفان و لغله نایل سعادت جاودانه و هابیز دولت و جلال
 اولمیدی محققانه کلمات و فارسی و ترکیه ابیات و وارد بر بوسعار و زبور کدر
 کر حجاب اولور سه طلق حایانه تنم بر اوج خاک نذر یکم قله کوز من بنم
 نیجه صبر ایدیم ای دوست جفا تیغه کیم طاس دکلدر بورکم برج دکلدر بدیم
 دل بنیر سمع کبی سینه طلق نقش سکار حسنه فائوس خیال و تسدیر پیر هم
 طولدی قانیده جگر لاله صفت دونه دو یوزنه بر کله بقایای او غنچه دهنم
خزنیکی طلی علما رو مک سر دار ایدن و بو طایفه شریفه نک صاحب شتر ایدن
 سر دقده علماء افاق صدر زین محافل استیمال استحقاق خورید خشتان
 عالم و عرفان عیان بکران جهان تحقیق و ابقان زورنق صوف مصباح ایل
 نکارنق اوراق دفتر جلایل فضایل حضرت کلمات سکلات و غوامض جینی رسوم
 سنن و ذرایض حدت ذکایله نور ذکاکی سته دنیا و علوم عقلیه ده عقل
 اول و مانع ابن سینا در حقا که اول سلطان سرب علم و حکم بنای ساری
 فضیلتی بناء اهورام کبی رصین و محکم اولو در بای محیط علومنه جمل اصحاب کمال
 غواص مثال استجلاب لاله عرفان اچون سرف و ایدوب ابیات بنیامعار
 و کماله مکنت عالم امکان و جمیع و محافل خلق جهان مذکور و مکتوب اولمیدی
 بو حکا موکد و معاضد و بود عایه اثبات اچون ایکی عدل بدر که مولانا خبای

و کستلی مقبلس انوار علوم و رسد. اولوب اول یکی چشم و چو اغ غفانک
استادی اولمیدی و اول یکی مردم دین اعیان. و اول یکی فضل و وران
و بدین نیرین عالم مکان. دین نور افشان. کبی تربیه اید و اول یکی بنظر و جل
نور کوزی و طوثر الی اولمیدی. و مزبور دردن غیر تلامذه سندن
بنجه اقل نامدار قوابل و زکار ظاهر و بیدار. اولدوغی معلوم صفار و کبار. در
تفصیل حال و خند مال کتاب سفایق مظهر و کتاب مذکور. مولانا نورک
او صفای کانی کبی بن اجمور غایب که سهو. اولدوغی جهنم اسرار کانی که
سمت که مقصود کلی و مرام اصلی در سمت اولنوب اول قلم جانبیه تشخض و د
عنایت قلندی حضرت مولانا که ضاه سیرین کلامی طور سطور اچره کلیم اولوب
فتن انت و اعلاده صاحب بدیضا. اولدوغی مشهور و مشهور و جمله دنیا اولو
اول موسی عمران فضل و غفانک کمال فضل و علمه ایمان. اولین مکر کردن فرعون
لعین فانت بایه ان کنت من القادین. دید کلین مثال میان
اولان قلم سحر آفرینی القاد. ایدوب اصحاب فطنت و ذکا. میانند اظهار اید بیضا
ابتد که سحره کبی قوم مکرین. ماصدق کلام فغلبوا هنالک و انقلبوا صاعین
او کور اید. مرحوم و قومک عارف و کماله تجدد و قوم و انا رخاه کومر بار.
و نایج طبع پرافتداری لطایف اخلاق و اطواری کبی معلوم و مرسوم اصحاب
فنون و علوم در استنبول فلسفی لیکن اکثر یا امضای منظم اید و اولوب
مرعوب و زره مظهر و مرسوم اید و بود که ذکر اول نور.
حق امضا بقول عدول سمد و انم فو بوا بقول خیر صلال امضا فاضیخ و بار جو
خاری سنج و فاضلی فزین بنای مرسوم بیدوغی مقامده در بوخورد مکر
قلالاه صحنه که چاغدن دروغی. وار کل م و زینه که باغدن دروغی.

کلان

کل شگری خبر کینی لاله دن ایست. کیم شمدی کلدی توی ایاغدن دروغی
ویر شصا بنفشه پیغام زلفبار. اول غمگ هوای دماغدن دروغی
عشق را برون زهقتاد و دوکت ^{لنست} در میان جمع و کثرت عاشقان اخلو نیست
ساعتی در مچر زلفش چون شب ^{لنست} سالهای وصلش هجو عمر سعت
خبر استنبول قریب سهره دار و دیار. اولان یکی حصار دندر
نامی خرد. دانشمند طایفه سنگ زند و قلاشی و بوز مرهنگ لوند و او بانی
ایدی کوشه میخانه دنیایه. و ذلت خانه خجاری سلطنت اکندر و دارایه
ویر خرد. مرحوم طاس کبری زاده ده دانشمند یکن گاه صوف و گاه شام
یکجوسی اولوب مرحوم مرحوم استنبول فلسفی لیکن ین دانشمندی اولوب
زهره خدام خاقان پرکار مدن اولمق توی بل ملازم اولمیدی
بو حالده لیکن دست اجل کربانین. و قایض ارواح جانن اکد بوبیت اکدر
نرخدا ننده دل کم اولمیدی. خط دلدار کلدی خسر ایدر سدی
خبر اما سید دندر. ارباب قلم زهره سندن در مرحوم سلطان سلیمان
خان بغداد سونیه توجیه ایتد کین ترک جهان ایتد ترطل غایبده ساده در
اسکم اچره روی زردم ای کل خوشتر. صوبه دوش برخان هر اغنه کز خان
خبر ادرنه دندر. ارباب و فذن خفاف اولدوغی توییل حق تخلص
ایتمدر اگرچه انی و عالمی صحیفه ادراک. نقوش و وفذن پال النی سردقا
دلبران کبی راست. و کافه رقیب کج دل کبی اگری اولدوغی فذن سلکور
لکن محالست ارباب کمال و خواهی خدا العلم من انواه الرقال الیه بانه فیج
و کلامه بلین و فیج اید سلطان محمد زماننده اولان قدامه سوادند. اکثر
صحنه جنبه بایر اید. بویر قاج اینا خربورک کلما نند دندر.

بویله

ساکن میخانه اولدم بنیه صاحب ایدیم. ساق ملاح و قتل زورق اولد ایدیم.
 آیرم اغیار حوی باری قورسه یارد. فرصت ال ویره یتیم ایتیم دشوم یارد.
 قشقه دن کرچی انکال دخی خانه دکل. لیکان و دل لادن کوز کیدر خانه دکل.
خلیل لطافت آب و هوایله مهره دهر و مقبول مدوح زید و عمر اولاد یار کیدر.
 سلطان محمد خان زمانه از بنقه کلوب تحصیل علم ایتغال و قیدیل تحصیل علوم.
 روغن اجتهاد و قیدیل سعی جمیل ایتغال. اوزده یکن بر محبوب ملک خضال.
 سید اولوب مجنون مثال. لیلی زلف عنبر ساسی ایلر سوا و زنجیر عشق و هوا.
 مبتدا اولدق حب طالع. والام و ملالین برد استان. ایدوب کند وچه.
 عالم دستان. ایتیمی بنی چهره زرقنه طبع و یکله سهرورد. ساده.
 وک ده بر نظره صفت خطاب نه ده بویق بیت اول کتا بدندر.
 دیدم ائی زخنده اختر جو سن برهای عنبرین بر. برونگ مظهر انوار اسواق.
 درونک محزون اسرار عشاق. غنیمت قضا و کربان سوز و کج عرض ایدرین تر جان.
 غولبند چندان لطافت نمایان. دکدر اول جلدن کسر بر اولمندی.
خلیل در میان حقیر و جلیلت صا ری خلیل و یکله سهرورد. برونگ.
 چهره عاشق کبی زرد قام و جسم ضعیف کبی خف اندام. دلبران سیمین بر.
 هوا سیله ملال ساغرین. و هویت ن موی میان عشقیده رسته کبی.
 باریک تن غیب هیئت. و عجیب صورت. سوانک طرفا سندن. وارباب.
 معارف و کمالک ندما سندن. وجه معاش و سبب انتهای باب کریم.
 و نایب منظر و کج ظاهر جوایز و انعام اکابر ایدر کورته انزواده اختیار.
 غلت و بیت اندک کین مجاور. ایدر قناعت ایتیمی استعار لطافت و.
 ملاحظه دن خانه دکدر بوبیت اندک. عاشق در باجی الک اولور.

اهل درده باجی الک اولور. بن اولوریم بلایه ای دل یاره مستراح الک اولور.
 نه صورین خلیلی غلد و غم. یارله باجی الک اولور. کلشن جسته اغنیه لیک.
 بیل خوش نواحی الک اولور. نوله یار اولوریه اویوزی. بکله بر ملاقای الک اولور.
 مرحوم لامعینک. بر توی مخلص ابراهیم نام. بر دلبریم اندام. اول وار اید.
 که فلک خواجه و ملاحنک خورشید طالع. و عالم حسن و جاکل بدر لامعی. بر دگر چهره.
 ایدی که کوکده آفتاب. اینه جلاله عالمنا بنه. کند وچه مقابل طوند و غجون.
 زواله ایروب باشی زوالی ایدر. و بدو منیر خورشید روی عالم کیردن.
 نور او غلد غجون. عفت ذین دست خوسفک ذکیلی و پامال اولمدر.
 اول بدر حسن به مثل و نظار. بر جبهه مهر منیر. و زو خلیل فیلی مانند.
 ایما عیل زبان غمزه سرتیری قلند. و اتش عشق برینی غریب. ایتکله.
 رض محبت پر جنت و آلامی ایل. جسم زرد قامی غایت علیل. اولم سید.
 بر کون بر توی تمس میخانه سی دیگله سوز و کج کاش نه به بر توانداز. اولوب.
 ع و زور دخی اول محل و مقامده. مقابل آفتاب دیوار. اولمکله سوز و کج از.
 اولدق بدیده بوبیتی دیکدر. بر تومهر زک بر غمزه ویردی صیا.
 تمس میخانه سنگ مینه کون طوغدی سها. **خواجه جلی افندی** منازل.
 جلایل خضایک سعادت و دی. و جهان کلمات و فضایلک آفتاب و الا خود.
 دریای محیط علوم و فنونک بحر زخاری. و عالم بیط معارف و لطائفک.
 خورشید نواری. حقایق میدانک مرد دلیری. دقایق آسمانک مهر منیری.
 سابل سر عینک نمان زمانه. و فصل فصایای سر عینه ده سرخ خانه. البواغیر.
 و البدر کینر کشف الشکلا. حلال المظلات. القاضی الفضل. الفصل بفتوح. البیوت.
 و البطل. مفتخر التتزیل. معرراتنا اول. صاحب الایات و الفضل و الفضل.

ایچینده
 ایچینده

سباق الغایات فی حلیه الکمال رافع ابنیه الفضل بعد الاندلس ناصب قواعد العلوم والرو
 اثر الاخذام والانظام عندهم کفرین قدوة معتقدین وانشای استاد الانام
 مفتی الانام شیخ الاسلام سپهر در فضل و کمال آقا علیک حاجه و جلال علم و ملک
 میر سربندی حضرت خواجہ جلی اندی در که اول وجود بر جو در نام موعودی ابو سعید
 نیکم کت و دیگر ابو حنیفه نان ابو سعید اولکم فضیلت انحره افضل و لیدر که عیال
 مرحوم شیخ با وی خضر تریک فرزند سعید و ذکر انما به صدف وجود در نقد عمر
 و زندگانی و منع جوی جهانی سن مبداء عنفوان شباب به فتوریدن مرجع سبب
 و نوری به کفجه تربیت دوحه ریاض معرفت و تسبیح کثر اعارف و فضیلت چمن رای
 و طبع آزمایی ایتمکله انوار فضل و کماله جبهه وجود و لامع و انار علم و افضال
 انور روی نیکو سندن ظاهر و ساطع اولوب جمله کماله سربسته حاوی جامع و معارف
 جلیه و سنی سی خلق جهان میانین مسرور و تابعدار روی وجودی مرحوم مؤثره
 لطفنا بعد و دی ایله باسم اولوب ذات واجب شریفی خدمت سرفیند ملازم او
 سلطان بایزید خان زمانند او نور اقمه ایلد ایند کول مدرسه مدرس اولوب بعد
 فرق اقمه ایلد قلندر خانه به مدرس اولد قد صلیک مرحوم مصر طبع پشاک گلبرزه ده بنا ایلد
 مدرسه بومی اللی اقمه ایلد ابداء اول مبتدا اخبار معالی و محتم ایلد احوالی مصدر افعال
 مسند الیه مروت و حسن خصلتیه تقلید ایتیمی بعدی بعد بایه فغلی مدرسه طایفه
 برکویه معنی اولوب معین مدارس ثانیه اول قبله قبله صلاح و تقوی خدمتیه تحلی و توی
 اولد قد صلیک محمودیه برده و قسطنطنیه محیه ده خادم سرع مطهر بعد روم الیه فغلی
 اولوب منصب صدارت پنجه مدت اول ذات خورشید انارت ایلکه فوت و جلال بود
 و اول منصب جلیل جناب بر تبحر لینه رویال ایتمکله روی مال کبی شریف جلیل امسید
 بعد چنیزای فتوی ریحان قلام سکین اقامی ایلد مرتجع و قلاند و فایع انام

فراید الفاظ باریک انجمن ایلد منظم و موشخ او کوا اول قدس علماء هر صلی فایح و حواد
 زید و عمر او مسید او خالدن حواری ملک متعاله انتقال و بو عالم قلدن سبز زار
 بقایه ارتحال اید بجه منصب فتواده دایم و خدمت فقر و ضعفاده قائم او مسید
 حقا که مرحوم سیرا و لا عمر طویل و حاجه عظیم و جلیل رکبند به اولد کلدن امثال
 و اوزان منقوش اولوب اکثر با صد و عظام و ارباب منصب شرفی نجاش تلامذه فی
 اولمغله مهابت و جلالتی سیرا فیلد متراید و بنای سیرای عظمت و جلالتین مشکند
 او مسیدی علی الخصوص او افسر سلطنت صاحب قران سلطان سلیمان خان به تفسیر
 حکم ملک علانی انام اید کده وظیفه لینه ترقی ایلد انعام مالا کلامی ظاهر ایدوب
 فغلی عسکر اکیب یازلق و قسطنطنیه یغین او کندی و بو تقریب ایلد نواب و لواحق
 الطاف و اعطاف پادشاه داد کسره قرین او مسید مرحوم هر قومک لقی خواجہ
 جلی اولد و غنک ثانی در که بو ملک و حاکم اولان قوا بل و امانت زمان خوشه
 چین و من تعلیمی و نواله جوی مواید جلیل و عظیم اولوب جمله سی سکوف ذهن قلدن
 اقتباس انوار رسد و رشاد و میامن فیض انعام سندن اقتناض سوار درام
 ایدر لکراید سو لکه مینر ان طبع عالیکرنه سنجید اولمیه بازار روز کار ده قدر
 و اعتبار بولمکراید و اول سبیکه که محکم اختیارینه اولمیه صرافان فضل و هنر
 میاندن کامل العیار او لمرد بهر آنه تعاقب نواله و نواله را فم اقام عجز انجم
 دخی اول عالمک مدرسه فضل و افاده لینه خادم اولد قد صلیک خدمت سرفیند
 ملازم اولوب اول ولته نایل و سلک تلامذه لند خست نظام اولی سعادت
 و اصل او مسید انصافی بود که مرحومک فضل و کمال و معارف افضالنه
 نهایت و اخلاق حمیده و محامد و مناقب غیر عدیده کسند حد و غایت بو قدر
 همان عینی اول بدی اهل برورد کلیدی بکنه فایح الاقران اولاد فغلی

مندن

ندن

قبح انک ستمه باطل است. مرحوم که در فارسی و عربی اسرار و در عربی فصاحت
 خود مشهور عالم و سواد و بقاء و باین مقبول و علم در بوی اشیاء
 بلاغت شعرا و ادب و فضل و ادب و انستار روزگار که نتیجه طبع در بار و رشت
 اقلام غیر نثارید که نیتنا و نبرگای ابر و اولی
 بنده سود از ده زلف سیاه کار و علم. بین بر او چرخ در ده گرفتار اولم
 ای اجل با تدا امان و بر کجا قلم غلبه. صوفی طوشت او که یک کوزم اولی
 بولنه خوج ایدین نقد حیات الدنیا که کبر فرصت عمر گذران گیر مرالم
 قلب میالمنه نینجیم یارب کیم. کورچک آب روان کپی افر صحر کوزله
 مرحوم سلطان خانه خرم اینه کوری نامه ده بویستی دیم
 حقا که نظر شاه جهان حق است. رایش سندر و عماد دین است
 نزد عقلا این مثل دیرین است. هر کار که خسر و بکند شیرین است
خیال جلی موش فلاید فراید. محشی شرح العقاید. اولان عالم و قبال و کمر کمال
 مقصد اما لطلاب الفضائل. حوز قیاسات السبق فی مضار الا فضل اخلاق اولبای
 کرام و اصفیای عظام. اید متخلق و امثال اقرانند فضل و صلاح اید متفوق اولان
 مولانا خیالیدر. سهر از نینقدند. مرحوم خرم یک جلی کس که در بزند در تحصیل
 جلای فضایل. سعی و طلبی و افر و کامل او کفین شیخ سهر الدین اللقای خندند
 که عمو علم و کماله یگانه دورانی. بتخصیص علم کجک سیبویه زمان. ایدی زیل نزل
 فضایل بکرانی. ابون و جناب فضایل رضایند مغنی السلب کتابی او قباغون مصر
 قاهره یکتمیدی حکایت اولنور که مرحوم مرحوم حاکمیه شرح العقاید محمود
 پاشا نامه ایدکن. تریبیت علما و تقویت فضلا و سلطنت قاهره سی کبی آیت با صهر
 اولان خاقان زمان فاتح قسطنطنیه سلطان محمد خان خرم کوری کتاب مرحوم کس

این کتاب در بیان فضایل و مناقب
 اعیان و ارباب است

سیکه وجودی. دار الفرب خلافت معود دارند مسکوک و مضروب و مسکین
 کند و از نیک القاب همایونی اند. مرحوم و مقبول و محبوب اول کتاب که اعتبار و
 استنادی. جناب الیدر نیک اید اولد و غندن. و اول جامع محاسن و فضایل
 منبر لطافت مخبرین خطبه کند و از نیک نام واجب خیر المینه او قند و غندن و بچین خاطر
 اول سکر اید. بنای علیه تفقد احوال. ارباب فضل و کمال که خاقان مسفور کسیمه سینه
 و سیوه مرضیه سی و انعام و ان. اصحاب علم و عرفان که سلطان مزبور کوضع
 مالوف و دایب مهوری ایدی. مرحوم مرحوم حقیقت ظهور و وجود بولمندی
 و اول شاده مصر قاهره. کمال سندر کزین انجمن ارباب خیر و اید و خیر زیاد اولدی
 فی الواقع کتاب مرحوم جلای عالم باین مقبول و علم. اید و کای اید و دقایق
 و سحر خیا که کبی دقیق و مختل و جازت الفاظ و لطافت کمر اید بن الطلاب
 ضرب مثل اول سدر حقا که دست صنع جلد زین ایا تمه تمه سی تر خج اید و اجزایان
 اکتوانه رسته جمع و تملیق اید سیر از او ره ل بویلده بر مجلد به استال النذن حقیقت
لؤلؤة بیه خواه الله مولانا الحیا. و کان من الکمال المثل. لقد ابدی کتاب فی العقاید
 بحاکم لفظه عقد الدل. بالفاظ کالما ظالملاح. و معنی کال کمال. بر خاقان مزبور
 هر نه دکلور کجور اوله محل اید و محل کلام و کلام چونکه اولیات کامیا یک توفیق
 و القای کتاب بلاغت نصاب سقایق حیر و کتاب مزبور اعتبار و استناری
 مانند خورشید انور در پس هر نه دکلور اطناب اسهاب اوله. در بای غانند بر قطن
 و اقباب کزین ذره دکلور لاجرم اسرار کز اسرار و بوفتن و خیری اولدی
 اظهار که مقصود تالیف داعی ضعیف اولدر اوله و ایدی بوا اسرار اول فضل انداز
 طویدی جهان چونکه کور کور کور. بنده اوده او تر و ب النون کک و وزم
 دور رخنه سلسله زلفی دیر کورن. جمع اولد کور سلسله دور و جملته

وصف بنی جلی

این کتاب در بیان فضایل و مناقب
 اعیان و ارباب است

خیال مرحوم و مغفور فضل و دران مسهور جهان او کو بیافتن احوال سطور
اولان مولانا عبد الکریم اوغلید نامی عبد الوهابی اوایل حالده طایق تدریس لک
اولمیدی بعضی ثقات اثناء حکایات دیر ایدی که مرزبور قرق اچمه مدرسه قبول التیمز
دیوینان یکنین ادرنده جامع اردی مدرسه بن قرق بر اچمه ایلدیرلر بعین
سمت قضا برضا و ربوب بلاد کثیره به معنی و سلاطینک تیره به قضای اولوب
سلطان سلیم نامدارک و ایند حالده دفتر داری اولمیدی مرزبورده طلاقین
و عذوبت بیان اولوب نهایتده سخن آفرین کلمات لطیف و اداسی یکنین مطایبه
خوب و مصاحبتی سیرین المصنوعین افغانی سلاطین روی زمین سلطان سلیم جلالت
یکنین ایلد مصاحب و قرین ایدی زبان زکوه و لیلی مجنون و خوش بین اسرار
سحر مونی وار در بر او هر یکی اسرار مرزبورک گفتار زنده غلط اید و خیال مهرور و نیت
خوابا و لیدر اول با کور دکل کوکلم غمگنه طبع و درسا کور دکل کوکلم
جهانده باشنه سلطان یکنین هم مرحوم قول و کد سن سهه آزاد کور دکل کوکلم
حیرت الوری عظمی قسم کوزینه قاشنه صد هزاران آفرین اول صورتک نقاشنه
سهدی طایبشنی مجنونک علامت کون سنک مختدر که بغردی زمانه باشنه
خیال **سهر** ولایت روک مکمل کتواسی و بومر زبومک مرد سخن آراس
سوا ای وج استغنائک فرزند حمای قاف عالم اطلاق عنقای کلستان
بنا عتک سرو مشال کسبه بالایی حسن نظم اید سهه ایام اولاسوایانک
مناز و مستثنای در لطافت آب و هوا ایلد نمودار حیدرین و تراحت عرصه
و ملاحات ساحه سی رنگ فرایسایین روی زمین اولوب بیخ ارم رنگ
ریاضندن متواری پرده اختفا و کلستان سباصدایق پر صفا سی یانین
خجالتدن بیر کجوب دهن دبران کبی بود و ناپیدا اولان شهر ستوده طوار

جمع شوا و منبع ظرف اولان وار دار کیمچ سندر نامی محمد در مقلد سر خلقه
قلندریان و منبع خلقه کوش حیدریان اولان بابا علی مست ایلد هم نیم و صحبت
اولوب مجلس معارف و کلماتی صراحی کبی مدرام بکلیوب پناه مناصفی قلند
خدمته دوغملکه جو کس و دانش و موفقی اولوب جنبی کیفیت حاصل قلم سیدی
هنوز خف زینکوب نه عکس ابر و قیودین و کرد روی رکنینه مور خط سباه
او تمیدین استعاره ستهار و ربوب کر چکدن نامدار اولمیدی بعین سق سق سق
احسان و انعامی اصحاب معارف و ارباب لطایفه سدره حوادث ایام اولان
معین و ظهیر ارباب کمال و هنر منبع آب حیویتی مرحوم کندر جلی مرقوم معلوم
اید بنوب نجه ایام درخت بخان رجحان سحاب لطف بجه انجانی ایلد نرینه ایلد کلان
اصف سلیمان زمان دستگیر هنروران جهان اصف سلیمان عالم خلیب
خوان الطافی و نعم بانه میان هما نخانه لطف و کرم وزیر عظم میر فتح ابراهیم باب
مدح و اطرا لیدوب وزیر مرقومک صور لطف و کرم مراتب بلوغ عنواندن
فخر و عیان اولوب اول سلیمان زمان التفات بیکر ایلد دل افروندن و غم
صلال مثال یوکی فیوکی بدر و قدم قدم مدارج و معارج رفعة ارتقا و اعتلا
ایله حال قدر اولوب حکما حق تعالی نهایت بلند پرواز اولمیین مرحوم صاحب قران
سلطان سلیمانک ساعد سالتدن قرار ایدن سهه زلزدن اولوب مجموعه دیوان
اول سلیمان عالی شانک یانندن کتمز اوصاف لب دلیران کبی اکثر زماندن دلدن
دو ستمز ایدی کندوسی دخی حرم قدس لردن برنم اند و دلدن محبت
صحبته عشرت نرینه تاکی اولمکه سر سعادت مدار اوج فلک دواره و سهر اولمیدی
والد فردوس مکان بوکونه کوهر افان اولمکه بیکه مرزبور خیال اول مجلس
رعایت ادب ایدوب غنی مثال اول حالک اچما دو غنندن اعتدار ایدوب

بونقل آید. دیوب عرفه خدای سرای سعادت مدار کرد. ایتمیدی اولی این بر لوح در
 قالدی نمونه دهر جهان خرابدن. کج خزان خزان افراسیابدن
 بر بزم خاصه محرم اول بدر خجاکیم. اجلمز اند غنچه جنت حجابدن
 بعث اسکندر چلیبک سد سدید. وجود رسیدن خنایم و بطلما اجلدن با بود
 و ناپیدا. اولوب ابرهیم با کنگ گلستان استانه نمودار باغ ارم. ایکن مقام
 سیون و سرای نام. اولد قسطنطنیه صاحب قران سفورک خیال مر نوره هفت
 و نظر. و اما التفات کیمیا اثری کما کان محقق و مقرر. بلکه اولد کیدن صد بار افزون
 اولوب زعائنه تر قیلر. و غول قصید لر و بر دکن جو اینر سنیه. و عواطف عکسیه
 منظر دوسردی. و عودن نمون هفت معالی سمولرله. مرآت حصول جلوه کرد.
 اولور. و نیز بود کلو علوتان. و قربت سلطان زمان. ایلد در ویکل و رشتن
 و فقر و فقر و سندن. اولوب ملک و مال و اهل و عیال و یراعمال استغناء
 مجتد طبع عالیسی. و زوفات دنیای دنی ایلد قطعاً مقید. و کلیدی عودن دنیای
 بی امان. و خوار حبله و دستان. ایلد انی شیفته و رجا. و نزهت جاه و جلال. و
 طلب از دبا و منصب و مقام. مر نوری حوکرز فریفته. استیوب یانندن دیبای مریض
 ایلد قبای مریض. برابر و تاج عت ایلد کلاه مذلت هسر اید یاران و اخوان عالم صحت
 و دم عسرتن. بعض نمونها ایلد مناصب عالییه. و مراتب سایه به ترغیب ایدوب نتیجه
 ماثولک مقدمات حصولن پنجه اسکال المیز ترتیب تیسره. حقیقتن اواز طبل صداع
 بی حال. و عسکر کس و سر دارلق الم بی طایلن. بلکه ام باطلدر اصلاح عالم. و تربیت
 مملکت ایچون افلاک نظام عالم طبیعت. اینک محض یوانه لک. و بیگانه از مصلحت
 ایچون انشادون جدا اولق. عالم عقلدن عجب بیگانه نکرد. دیو جواب ویررد
 اتوالام کونیک یاران بادی. و باعث اولوب ملک سلیمان ذن سجاد رجا ایدوب نصیحت

دیدلر. و اقیقت اهلید صاحب لایق غنچه. و این یولین کوسر که کوندری حق آنی
 و یا خود بر نگار سر و قامت از پرور. کوکلر جمعنه باعث سزلف پرستان
 و خانه لاله در صحرای غوغا زده بتل. کوکتر سن سمنی و لبندن هر کون آنکانه
 های اوج غوغا صحره اوسته بابه. حکم بهلو سنجی آدلوب سر و خوامانی
 حاکم و حوم رقوم. دفتر سخنوران. و جوین سو کویاند پیوای مقدم. و ملک
 مرغوب و خوشه. اصحاب بزمها نند مقبول مستم. اسعار بلاغت سحر مطلع یوان
 فصاحت. و س. بیت مجموع بلاغت در سنان بلند و طبع اجمند ایلد تشنگ فریدی
 و زمانه سنگ یکانه و وحیدی در. اسعار آیدار نیک صفاء الفاظ و سلاست
 و عذوبت اداس. آب روان کبی صاف و جاس. و آینه روی مهر و ان کدور
 رکاکت. و قبار عسیدن منزله و عمار. اسعار دلبند نین نمایان اولان حسن تعبیر
 و کفایت در نظیرن طاص و عیان اولان لطف تقویر دکه. و کل نمون اولد و
 ضیای صحر منیردن اظهار و یغیان. انبات مدعی حجاج کبر و تسطیر دکلدر. بعض
 اسعار نامدار. و ارد که اندن مرحومک عالم قدس. و دیار انس ایلد آسنا
 و دین عین البقیع کل غبار عالم غیبیه روشنا و بینا. اولد و غن اظهار و ابدار.
 ایدوب سبها خضای نزهتگاه عالم لاهوت. مر غاذن غیری کماره قفا صلمن.
 و خواص باله. دریای توحید و تجرید در رندن غیری لایله. و جواهری عینیه الم ایدوب
 اندن ظاهر و روشن باهر. اولد و تجرید در رندن نامدار. و اسعار بلاغت سحر
 بین جمهور مشهور. و ارد اولد و تجرید در رندن نامدار. و اسعار بلاغت سحر
 زیاده اطناب و اسباب. و اسباب طبع سلیم میا سامت سماع ایدوب که نوافذ عالم کتاب
 کبی ظاهر و ساطع در اسرار و سبب ملائک سراج و ستین سراج یاده دار فنان سبزه تار
 بقایه انحال. و عالم اسباحدن ملک ارواح انتقال. ایتمد و فاته شوا حق و یخ

دیدم بزم و نام سواد و توفیق دیگر سوزی دلخ خیال کوزده قلدی
 و کافحه دیگر عالم حسن خیال کندی آه و سیری علی پلای دیگر
 الف چوکانن اوروب طویایه کلک ای اهل دلترایده لم آه
 بقا ملکینه غم اندی خیالے روانی اولدی قد سیرله همراه
 وفاتینه دیدی اریخ سیری خیال اولدی حیف الحکم شد
 بواسطه بلاغت سحر اول غنایان تنقباکا شهرن کوندردی مویش قافدن غنایا
 و بویت بر اعتبارله تمام افتخار ایدو که نقادین منقولدر
 کادی نیر غصه و طلمت قرین نور بزا پچال عالم و بکرک بکشد ستور
 فقره خزانین درگاه سلطان ستمز دوداچی سایه سنج طاق ایوان ستمز
 ای خیال به تکلف خون دل نوس این منبذ خفرالندن آب حیوان ستمز
 روز روز رنندن نولانوار او کوریه مهر عالمتابن باقروا غی جانم
 خاندن مینو جوبم دیمه مذول و لمر حسنه ای کنج جفا فورتزه سن اول المیز
 تنده روح مقدس عشق با کلد سنک دولت بیدار چشم خوانا کلد سنک
 کوثر توینتن بر سنک سیه کویک وادی عشق اچره کعبه سینه جا کلد سنک
 فو برن ماه جمال با کلد سنک مهره جزو طین ایکی هلا کلد سنک
 غیر لمره مایه در سمدی خیال دیر یک حاشه تدبیر هم اول خیال کلد سنک
 عارضک میدان عرق بزا لوله ای حصار نورم جنتن طغیان بکشد سبیل
 آفتابه بنو تسبیح ایدن خیار که سن سعادت نوری سن اوفاکه دوشمن زایل
 بر قدم جعفر سر کویک توبی عیان فکر طاق عرسته نردبان او کوریه بر جبریل
 رسد اعدان خیال بکره جنت عالم ایلدی حق آتش نرودی کلزار خلیس

دست

رخ کرد و نین هر صبح ای شفق کیم جلوه کر سن بکافان اغلده خیال کلک خون جگر سن
 عجب محبوب سن ای شمع کیم فحم اولدی کلک و بر رکن جان پروانک هم غلرم کور سن
 تجلی ایلدی سنج جمال صنع بزدان و لای آینه کیمی اول صفندن بجز سن
 سوزم سرایت ایتنه مجنون نامراده قوسلر کباب اولید با شند که یواده
 آینه هر کون قویر دلدار تنها تویننه نازله یوسف کیر کویا زین قویننه
 راه کلزار فنا ده جسمنی ایدن غبار روز کار یله کیر بر ور در غا قویننه
 عشق بر شمع الهی بنم پروانه سیم سوز بزر بخیر در کولم انک دیوانه سی
 عینکدرانه خوش طوط افندی سده بیز کولم در سر کویک بر دیوانه مرقا کلد
 راه غم بن غباری خاکدن قالدین روز کارا کلکید روز کارا کلک
 اعراب بلاغت سحرانه حد و غایت یوقدر بومقدار له اختصار اولید **داعی**
داعی لطیفی قوتی اوندن قسطو نیندیز جوامع معترف اولدو توینکله
 مرنور ایلد موقوف اولد ز سلی محمد فان لیل نین داعی اجله اجابت ایدو اول آید
 عالم عقبایه رحلت انیمدر ضرب آهم سو قدر سده لای ماه کویک حسره دکن دوزنیه
داعی دیگر ایا زبانت او غلرندن احمد بکک ایدسی او غلی او کول داعی دوام دوت
 و قیام حسنی اولدوغی اختیار مخلص مرنوره داعی اولد سید خصل معارف مجد و
 داعی و لوازم و همت تکمیل کالاکا قار اولد فیه داعی اولوب حسن خلقی قلم مثال اله
 کتورس بر درویش لریدر مرنور احمد بیک دنیا دن رحلت ایدو کینه یونایخی ایدر
 درینج اول نوجوانی بوجهاندن اجل سیکه ابرئوب قلدی دعوت
 توکل الیوب اولم خدا یه فنادن چون بقایه ایدی رحلت
 دعالر ایدوب که جان و دلک دیدم نایخ اولد روحیننه رحلت
داعی سلیمانکی زاده پری پلای دیکله معروف دانش و کمال الیه موصوف

کتمیه بوزنن کویک

این دانش و ادراک بگانه سی و ارباب ذهن پاک فرزانه سی خوش مذاق
 خوب اخلاق هر فن ماهر و معارف صاحب حظ وافر و عدل و نظیری نادر کس
 ایدی روی وجودی مرحوم حسن بک لطف و سعادت و دی ایل بهم اولوب استیون
 خاصه که مدرسه سن مدرس ائین خدمت عاده سندن ملازم اولدق حسن و اوق
 تدبیر مالک و عازم اولوب ادره ده جامع اردی مدرسه سندن عزول اولدق
 معروضات سکن اقم ایل منوقه قضیسی اولمسیه اول تابلت مصرکیسی اول
 مرحوم عوب زاده افندی شت شتا و حق سر ماده که صلاح زمانه کان قرضدن
 دراعه زمینه پنبه بر فی طور موب اتردی و باد صبا نفس سر دعدا کی غایت
 اسردی همانا در ایام عقیق اولد و غنه سبب اولیدی که حرات تمیزی دفع چون
 استعمال کافور بر فی اکثر اتمیدی و جسم زمانه بویله نایب اولد و غنه علت
 بوایدی که یعقوب وار یوسف پری دیدارندن جدا و شب سرنگ باران
 دیده سی کیر لوبان اولمغله کوزینه بیاض برف اتمیدی بومقوله زمانه که
 جمله عالم مرده صفت حاکم ن قلمیدی و هر کس غنه وجودینه نکر اقامت
 صمدیدی کستی یسوار اولوب کیدر کن باد مخالف کستی حیاتیه بیرقدن کلوب
 روزگار زور کار فلک وجودینی کرد ایل جمله گرفتار اتمیدی و حوم و قوم ایل قیدی
 استار اولمغین بیلد غریق دریا اولد مناسبات بوغول غیال اولان شاده و دیر
 دل اوز درسه بایتمه دریا کنارده اتم چوق اویند رانی سوروز کارده
 بو آه اتشینه دریا ی غمت دل بر کستی در که حبه صابدر نیاده
 تک دولت وصاله الیه کیرسون اولمک منصب اولورسه دانستی لوسون کنده
 اساری خوب و گفتاری غایت و عویدر اگرچه خلق اچکنش مشهور اولان اسرار
 آزد لیکن هر بیسی مقبول ممتاز در اصم ب معارف ارسلنغ استار بول بعضی است

اسرار کثر و نظیر اولد لبیده سولینه مرسته سخنانک همان غلغله غنجه کلک تانک
 کور دیم لبر کلک اولدی میانه شکر چقدی ناز کلکله آره لرندن سخنانک
 عرض ایدوب نیرسن ای دل آزه داغ دلره کچر اول سمینرک باینتن فلس اهره
 هر قین خاک تمدن بار پیکانن الور قویر برن خسته سینک یورکن جانن الور
 نشان اولمچق تیر بلای باره جان کتمز نه وار به خیر عاشق جهانن بزنان کتمز
 قاتمی خلقه تنی زرد اولنی اونتمه قولعه کوبه اولسون سنک ای کل سوزمن
 درونی از نیکند را و این حالن ارباب و فتن و فتن بلر حیات ایلن هر سوزن
 ایل تحصیل قوت لیل و نهار ایلنه ایل قوی قازمقدن صعب و دشوار اولمغین تحصیل علم
 کوشش بسیار ایدوب نهایت طریقن قضا مصر دن متقاعد اولان لیس زاده یه
 ارتباط اتمیدی برن و افنون قاتنی کان کبی ایلکی قات و طوب طوب افنون قلع
 بدنی خواب و بیاب اینکله و اصل حالت مات اولمسیه فو و فافه دن حال زلف
 دبران کبی موش و کان تنک سنی ایلد حایه رقیله کار عاق صافی منال مدام
 کن کس اید با این جمله اسرار چینه و جاستی دار و کلمات یکدست هموار در انبات
 مدعای سابق اچون دعوا به مطابق بعضی اساری اید اولد
 نوله کجینه عشقده کسله نیجه باس ایکی سیر طلسم اولمک اول ایکی قاش
 نوله بر کزه الن او پس اولمک بو کجه دمد بر صبرن باغونه خاتم کبی طاش
 کل کوزمه فوق و تحتی عارف اولمک چون اولورسن منزلک اچت ایشین باقمه بند
 و اصل اولم چشمه آب حیات لعلک یانمیش آتش هر کن مانند پسند
 کاسد اولم طمکیدر تمدن کیر و بازارق مبتلا لر مفلس اولد کوز لک زله بند
 هر قین عکس خل آینه جامه دوشه متر ب اهل صفا باده کلفاه دوشه
 عاقبت اوله اول عاشقه کیم بر صغی کچه پهلویه چکه ایتسی حانه دوشه

مرحوم قدری افندی برقصید و میسیدی اول زمانه اول استماع تیمیدی
 صاف دل اول بسبک روح اول روشن کبی تیره طبع اول کور جان اوله درد دین کبی
 ساع و قومک فی کیت طبعی بوغول فانی اوله اول صله ده یق اول سید بوابا اندر
 قوت ایدر برزی موصل اردن کبی کیم طسیر زیر زمینه دانه خون کبی
 روشن استرک جود کفای سن و میراقل کیم اچسون رخنه لرم جانیه روزن کبی
 ای بوم ات فلک کنده و عاکورن کوسر اشکال اول بینیه آهن کبی
 کل کریان کبی صوفی صدر کوزله عت استرک بوز اور طبرخه وار دامن کبی
 کوسر سه نولا خلقه بنایله بنی بار اسفته سیم بوجیه زمانه کبی بن انک
درون دیگر ایدر کوسر هوای غنیمت باد گلستان جنت اناری خود از جات بحر
 من کتھا الا نهار اولان کبی وار دار دند کاتبه لازم اولان معارف و کمال ضعیف
 وست ایکن فن می سه ده واحد مال حرام ایکن محاذعه و مغالبه ده جالاک
 و جنت ایدر عجایب امور دند که بر بیت فارسی نیم یار دم ایدر جوق فارسی یور دند
 بورکن لغت فارسی تالیفنه جوات و مرحوم کمال یار زاده نک حقایق و دقایق رده
 حادت ایتکه هر کون صورته حارت ایدر اظهار ایدر د بویام ده کفر فایده
 لشکر صاکن و غواص جودی کبر عدم طالش در بوشه سر انکدر
 شام زلفن رخی بغدادنه حایل کویک کوزمک برسی جمله برسی اولد و انت
درون دیگر خاکه غنیمت هوای مشکاس ساحه پر ترف و بنا ایدر نمونه
 و جنت عوفا اولان تهر معین دندر درون بیر و نه موافق و افعالی و احوا
 مانه البالنه مطابق درویش صوفی و فنا هیئت کسسه در علم ادواردده بی نظیر
 روز کار و نهایت صاحب شهرا اولد و غی کبی طنبور نواز لفقن و غی هر امد و
 ممتاز در بوج و ششاد طنبور مثال استاد دن کوشمال کوزمکه آوازی دلوز

و چون و مانند کف قوالدن طنبه بیکله علم اصولی به عدیل و قرین اول سید
 تصنیف ایدر که مرعبلر و صور سهره خلق حجاب اولو عامه مفاسد و جمله کابانه
 اصولیکه روان اول سیدی و بی زحمت پا کابانه جمله سیران قلوب اول
 نغمه پر داز آواز زیر و بم سیاح اطراف و اکثاف جمله عالم ساز کار خوشخوانان
 عواق و اصفهان اول سید مرحوم سلطان سلیم ناینگ سزاده ایکن مجلس و زم صحنه
 داخل اولوب سر منزل لطف سامنده واصل اول سیدی لکن اذانت اکرمت الکریم ملکنه
 وان انت اکرمت الکریم ترمدا فوای ظهور ایدر و جنت طبیعت و دنات جنتی
 اورزه اول سزاده غالب نک صحیف نعم و حسنه رقم عقوق و کفران چکوب
 بوختس اول زمانه بغله و غی واصل در کجه کوش سعادت اقترانری اولدقن قریب
 اولدیکه آتش غضب پادشاهانه فروزان اولوب اول کوه حلدن سبب شرم روان
 اوله اما که حکیمان نه بوری کونده بیک کره اولدیمک قصد بله آستان سعادت
 آسیانمزدن مردود ایدر و سبب شیطان مثال نعیم جانندن مطرود ایدر
 اولدیکه قنابولدی شهر دل ایدم هیچ نشانه میل انز بوجا پادشاهم
 سدی غضم بویکم اکلمه هیچ آدم ای بوالهوس دولت مخموری غفلت
 سندر دنیایه آل سا که بغلادم و قیقت اکهی به برابر ده بوقصید سکی
 قبله دن دو کدی سویا دیم قدر بکدی ایدی متوج نه دریای چین
 جابجا لیکن آجوب جقدی ایلدی از بار صانکه دریای سفید اولد قضا کلشن
 سر و بر خوب درک دکی طور ایدر با سمنر انک اطرافنه بغلادی رسن
 کستی طالعم کل صله لم انکسینه به دیه نوله کرک تنه فوره سوک لیکن
 بری صالندی به چکندی هوای قو قاریه اندی غم زلفکله کستی تن
درون محیه قسطه طنبه نک آب و هوای لطیف و ساحه واسعه سی شریف اول

اول بخشش

اول بخشش

محلات فایض البر کاتذین مجمع اهل صفا، محله عاشق است، وندار شرف اوقات
 وایمن ساعتی، تحصیل معارف و کماله مصروف و اما از آن بیاختن تکمیل فضایل
 و عوفاً ایله مسرور و مودف حلم و کرم، و حسن بهم ایله اکفا و از اندن فایق
 و اسمی ستانه مطابق و موافق کسسه در او نور افجه مدتس ایکن وزیر آصف بدیر
 مسیر مستری نظیر مرحوم علی پاشا که اصحاب خود را به میل ناتی و ارباب معارف
 و کماله انجذاب لاکلامی، اوصاف بن مزوری رئیس کتاب دیوانی و طو انویس احکام
 خافان، انکچون دیوان کاتبی انیمیدی، بعین علی پاشا که بهار روح بلند پرورش
 ریاض عالم قدس طیران، و بلبل در جانیه ساخا صدای جانتدن استیانت
 ایدیک بگویند اما ان هوسن غریب و به کس قلوب جالایه پهلایه سطران جسم و عوفاً
 خدمت علیه لرنت قلم مثال عبد مکات او کو کماکان خدمت کتابت و درویش عالم استغنا
 و کوشه قناعت و طبیعت سوری قوی و مغلله اسرار صین البیان در و ذهن دراز
 شکل اولد و چون وادی شکلا طبعی حسابان او کو طو و وس قوت اولد نمین
 خلی جولان اوزره در و طبع شوخت معما و ریختن دخی رسوخ و اردر سالک مقابله
 معنوی ناظم کتاب ترفیق سنوی مولانا جلال الدین که روی همون قدس اندسته کوز حق
 کعبه العتاق و مطاف اهل اسواق، اولوب مقام راست روان حجاز و عواق و مزجم
 جباه جمله آفاق، اولان نثره ترفیق زیارت و اول ترفیق سرمایه دولت و سعادت
 بلدکن بوغل نه بدل بسیدی بوابیات اول غولدنذر
 قوری فسانه صنور صوفی صدای نایه، بنده سالک ایدی کور سینه مولانا به
 طو ندی آفاق صدای نایه شوق سما، سوبه کیم قصه کتوردی فلک مینایه
 قطب آفاق جهان اول بوری پرکار، دایر کوزله که در و سیر اول سن بولایه
 بزم جهانن اتیز کن نور حاکم جسم، ساغ صونردی دستمه برستد ام دم

امواج بحر قلم اسکن ایدی خوف، یوزره سور دی ایدی چوق التیم بم
 سن غیر لاله دمن صفاده و امیدر، در و یگ آقه بوبله کوزندن مدام بم
 یار سر کس سینه پر آتش کوکل سودا پرست، بخت نامو اوطالع سر نمون خاطر کسک
در و سیر قبه اولیای کرام و مضر خایم، اصفیای عظام حاجیان بادیه عوفاً
 قبله مراد و کعبه مرام، اولان قوتیه در، سواد دخی قدرتی و حضرت مشوی
 نه ایند مناسبتی و ارباب پنجه زمان، استانت عیانت متلایه رویال و نقل
 و درس کتاب مشوی ایله تحصیل حال و کمال، استدکون کن وزیر قاسم پاشا کاتبی و اول صاحب
 صاحب کمالک مصاحبی، اول سید وزیر مزبور جناب چو شاه لایزاله و هل اولد قن
 فاتح جویره قبرس اولان مصطفی پاشا که دولت مثال خدمت پر اجلانه بیل غلبه
 سعادت و ایدلارم رکاب جلالت اکت به او غله آغز حاشیه نائل اول سید، لکن نیکو
 در و یثانه و اطوار و افعالی در دمنده، بوی قو و وایچ فنا، اوضاع و اطوارن
 ماس جانده ظهور پیدا، اولوب صورتنا و معنی در و یث مریش اید و کج روشن هویدا اید
 والد فردوس مقام، قاضی مدینه شام، ایکن مصطفی پاشا خدمت ساری سالک کبی اولد قن
 مزبور دخی بیلد کلمیدی، اول توفیق مزبور ایلد الفت، اوزره او کو دیار غربت
 و وحشت استقام مبانیه موانت و صحبت قلندری، و پیوسته قنیل جان، روغن
 صدا قنله اناره، و ما بینم ده مدام ریح عتیق خلقت، پیمانه بیکانی و وحدت ایلد اداره
 اولنمیدی، انده پرفان ایکن بر دلبر نوجوانی، سوب عقیله عالم داستان حسنی کبی
 مسرور جمله جهان، اولد قن والد ماجد مناسب حال، بو مطلع غزالی دیوب مزبوره
 باذه عشق و جنون ایلوب پیمانه سر، بر جوان عشقینه اولدم بیل پیرانه سر
 اولد خی مولانا جاسنک بو مقطع به مثل و مانند یازوب کوند سید
 ملوک پیر شدی ترک عشق کن جامی، که من بعشق تو پیرانه سر جوان شده ام

ایرالتی

نام حرف انجاده کوک میدان دیکله بنام اولان مقام سدر اخر امرن یاران رولان
 ذوق سماعه بجان اولسون دیو مولوی خانه بنا یتیمیدی و سینه تمانین فتح عاید
 ع نه کنی له و فغان ایدرک اولان نازن بر و احباب و اصحاب جمع مجتنب و اینه مجلس
 مودتین پیانه کی مدام دو نکلن حال دکلر و سلطنتیم ایلد بایزیدک جنگلی ان ایلد یازوب
 طوندی جهان خیمه کردون طایلر صحرایه زین ایلدی چادر چچکلر
 کلبوب غم خانه کون یوزلو جانان کچر زلف کبی کوکلی قتلور پیرت ن هر کچ
 بر کچ طونس نلزی ای خورسیدرو صبحک کوکیک طولانر ماه تابان هر کچ
 کرم اولوب کوکسن کریمه طک کلنیر کم تور هر بلیم قوشند عیان هر کچ
 خانه وارسون دیو بکلنر کسینار کچ صبحک یومنر کوزن شمع سبتان هر کچ
 دیکسیدک بو کچ توینو که عیان کیرین ایدر رم اول سو قله چاک کریبان هر کچ
 کچلر دایم غمک بوسینه دیر انن اکس اولمر خانه درون مهان هر کچ
 درویش ادرنه دندر کستلی مصطفی سی دیکله مودف اولان فغانی او غلیدر
 طوق علی سالک اولمدر صاحب طبع بیلیم و ذهن ستقیم ایدی بو کچر انکدر
 قد دلجو یک خیال دین خونابن کویا بر سر ورغان در کنار آبد
 دوستی کوکلم نینه بر زخری برگنه راستی سیوه ایدر فغانی سر و چینه
 درویش خورسید وجود نواری بوسنه دیار نه فموت سار نام قصبه نامدار دن
 طالع و تابدار اولوب هلال فات بر اقبالی افق بلن مذکون دن طاهر و بدیدار
 اولمدر اول بر منیر هلال اکین و اول فزات جلیل و خطیر نوس و نوسال اکین
 تحفه گرانیه اولغین پیشش بیگاه سلطان اولدقن آت میدان سرانیه و اصل
 و لولولای وجود کاملی سلک خدام سلطان سعادت ننه داخل اولمدر
 سزای سعادت اولان سزای پر جلالت تحصیل معارف و کماله مداوم و تکمیل

انواع لطافت سعادت موانع و ملازم اولوب انساب ملکات ملکیه اچون پونه چان
 زرکامل العبار طبعی قال ایدوب جامع اصناف موفت و کمال اولمدر ذوات سوده
 صفات مودع و مکنون اولان قوت فعله و صندوق درون معارف متخونن
 مخزون اولان لاله استعداد ايجاد کتور مکلر اصل حرم سزای سلطان اولوب
 اهل جهان کبی بری بخت جاودان اولمیدی **منشیه**
 چونکه جندرسزای حضرت شاه جهان حور و غلمان اندن اوز که برده ایلر می ملک
 حفا که خلک معارف خورسید پر انوار در منزل کون کبی فلک دوار اولمدر سزادر
 و خوی نیلوا ایلد حور فرسته رودر مقام و متواسی بخت علیا اولمدر رواد ستمبار
 طبع عالیه جلد کفا سندن ممتاز و هواد فضا فضا بلن هم کبی بلند و ازار در
 پس مناسب و ملازم اولدر که لکزه حرم فلک فرماده آشیان ساز اولمدر و سزاول
 محال ذات ملک خضای باغ جهانن اوزان و امثالندن سر بلند و سرفراز در لاجرم لازم
 و مستقیم اولدر که داخل سنان سزای بر اوزار اولمدر نجر زمان خدمت سلطان جهانن
 طوغاخی اولمدر بازمثال امانه و امانی الکلیدی و ستمبار نوادی تزدوان
 مرام و مراد سکار کلیدی بعل مرتبه اصحاب معارف و کمال و مستفیض انوار رسد و در
 اولان ارباب استعداد مفیض انواع فیوضات اولان پیر سلطان ملاطین جهان
 فرمان فرمای نسیم جان باغ مبان لطف کرم و جابر مغان وجود و حرم سلطان سکندر
 شهنشاهی که چونوسیر دان بدور انش زمین عدل جهان خوابش معمور
 بجز کرم نبود مقتضای همت او بر اختیار کرم هست کویا مجبور
 سید ایوان عدل داد خورشاه جهان سلطان مراد ابد الله تعالی آباء
 و خرن بالذوام و التخلید اعوام مزبور کفایت و استعداد اظهاری لغین
 مولانا بنایه نک سخا نامه کتاب بلاغت فصاحتی که وجود اسحق کبی کباب و مهرینی

حشم و اقدار و خاقان درویش

خامد و محمول پنج و شش در هر جمعه ای که امر بشود در حفا که بنا به طبع بر آید
 هر یک بناسند و احاطه ای که بنا به نظم حکم و استوار و نقاشی هنرکاری هر یک
 در دویار نه بر نفس و بخار آید و کک ایوان و کاخ کردن کشید و بنا علی است
 اگر چه ظاهر نظم بنا به نفس در لکن به حقیقه بیت بنائے اکانست بنائے این
 زهی نامه و دلکش دلی که سه جان عطار از و عطرسای
 زبس کل که از راز در وی سکفت همی شایسته کلشن راز گفت
 بود بایه آن سخن بس بلند که انجا کند وصف ما را مکنند
 حزن پیشه ملک خفا زبورک قرب حضرت تمام لیاقت و استعداد معلوم ای که
 خاص اودیه اوب حذت خالیه معین ایتمکه بین الاقران معنون او کو کردن
 وجود نامدار فلادّه اعتبار به مطوق و مزین اوسدز طاسعات و نصرت کی هر کون
 ملازم حضرت و جمع مثال هر کس به اباغ اوزره مداوم خدمتی در متوقدر که هلال بود
 مستیزی از دیار قس سلطان ایلد بر نیز اوب خدمت سلطان منظور و مسزوده جای
 اولد قبه کون کی ضیا بخش صغیر و کبیر اوله
 نیج ایستون حسن اوله دهرک کماهی وصفی انهار و اعلان
 دلی طوندی ضایه کبی قالدی برادنی بند سی مدحت جبران
 طبع بر اعتبار نیک بوفتن خلی اقداری اوب عود قماری کبی اسعار ملاحت سحر
 مسم خلق جهان مضر و غیر ساری کما بلاغت سمانه و مانع اهل خفایه معبر و غیر ایتمد
 بوبر ایکی اسعار و بوبرک رسته قلم تارا و انم طبع بر اقدار نندند
 عارض سیمک و ستن سیه کاکلیدر سابه کلشن بر نهرن اوزره یا سنبلیدر
 کل عذار کدنی دو شمشیر عین کاکبه خوشه ای ساقی لبک و ستن زک ملیدر
 روی رنگیند خال عنبرانی نکی اول نارسوزان اوزره خوشه دانه فلفلیدر

نه چوق بیلوا و لور یارب او خطافته کیزی نهفته با سیدر انک هر زلف دلاور
 قرار بندی سواد خطی وی تابنا کنده قونب کرد سپاه روم طوندی صبا کبر
 مقابل لاله یوسن چمن صحنه روی ولبا سه جکر صان خنجر بران سر سیر
 اوتمه سفتا و لبند طلب کامی قویا اوله ناکنه کو کلن بو طمع خامی قویا
 رونق بزم چمن باقی دکل نوش ابریم طور ساقی قدح باد کلفانی قویا
 بدنه نازک و ترقا متی موزون لطیف به بدلدرا یکین اول سرو کلند ام قویا
 کللی دایتمکه اول وجه حسد رعایت عقیقه به اکغه اول تنک دهنده رعایت
 رویک زربکی زرد اول مسنه عالمان منلی بوق بر بنم سیم بد ز رعایت
 حسرت قد کله حکمی فغان ایلد جان فاخته ناله سینه سرو چمن در رعایت
 تمس و قمر دیه لر طلعکده نوله کیم ای نه زوه جبین کو کدن این رعایت
 بن نیجه تشبیه ایدم کون بوز که کیمی کم نوز بنی در بوزک شمع بر بولهب
 دکنم سر کو یکله کلزار جفایه بن جهان ای پری خیار ادم و موس ادم
 عجیبی هر دم ای درویش بن دیوانه کلک شیم جو بلر آد بملک دمن اول پری زادم
 چشم خواب آلودی ملکم نه افنون ایله دین کر بانه ممکن دکل بر لحظه خواب
 جانه جو بجای بایندک تر قمر قمرک باد که کلر نهی ظالم مکر روز حساب
 بکر دی سروه قامت بالاسی رای سر دک اولیدی چهره سی تابان قمر کیم
 چشم افندی بایرنی سینه داغنه صوقو بیخی قوندی خواجه غنه
 پایا غنیم جو انکم ایدن کتدم کل نیم عمرم اگر کلنر یک بن کتدم
 و بوابیات کتاب فرورد اولان کما بلاغت سماندند در وصف خانه
 نوره و خامدر رخامی انک مهره مهر ایکی جامی انک
 پیشکاهی نظیر باغ بهشت و سینه آفتاب و ده ایکی خشت

خضر اچسیدی بر اچسیدن
 کوریکت آدمی الودجیکت
در مع شاه جهان الی شروانی روان الدن
 قدی فرزانه اولد فغان
در مع شاه زمان دست کوهرش کنی شعرا
 نیجه بخشکری ولوکیان
در مع خورشید باز دولت المده قلدر قرار
 حمد ته که ز فقه ناکاه
 مهر صمطه طوغان فلک کج
 بکا غفا مقرر اولد نگار
 عاقبت پیوه قدر شناس
 خانه خاضی قدی زرناس
 اولدی در ویش پنهان
 اولدی جمعیت نه و در ویش
 شاه و در ویش چاکر

در مع در وجودی عمان جهان صدق شهر اسکو بدن ظاهر
 اسحق جللی الله مصاحب و معاصر
 اولف بن طبیعت سوتیسی اول نمده سالک و ذاهب اولورد
 کلامک در معی و سماء بلاغت ظاهر
 ای خواجه فقر و فاقه فرمال غنایه ویر فرز
 نه بلون لذت فقر و فاقه مال جاه اهل
 بود و فی کل قناعت کوشیدن مرد حقان

در مع بدان جهان کج در صدق ملاحه و در معی نالطف و لطافت اولان شهر
 بروسا دندار باجهت و اصحاب عوفت قسمندر سلطان محمد نعت کلش
 و جمعه سدی سنگ نونه قصید سنه نظیره دیمدر مطلع بود
 عارف صکده بادله اوینر نوزلف عینین صانکه ایلر جلوه لرطا و فرس و سیر
در مع بروسا دندار جوامع موقوف و باباسی کبی بنای توفیق مرصف المعین
 مخلف مزبوری اختیار تیمدر خوب شعری وارد بر بو شعرا کندر
 عارفک عرض ایت کلمه کلشنه زیبا کون سرده کوسر قد و ک نازیکه رعنا نمون
 قل معوش شکر طرف کلا هکله کفا غه ای مه شکل ابرو سینه غزال نمون
در مع سواي رومک عرسوده صفای استاد شعرا و پشه بلغا
 اولان مولانا دایندر که حقیقت صفت بلاغت غیره عارضی و مر نوره ذایتدر باله
 کسیدندر بعض اصحاب درایت مر نور دن نقل روایت ایدردی کسیت
 و سبعین و تمانیایه ده طوغدم آدم عوض در و هم تاریخ ولاد ندر دیر اید مقمل
 اصحاب عوفت و ارباب صنعتن موزه دوز اولوب بنیال و ماه الکاسب
 حبیب الله فواحی اوزره الدن کلدر کجه صنعت مر نوره ایلر تقصیل کفاف و معیشت
 ایدردی لکن سلیقه نظیره و طبیعت سوتیسی غالب و ذهن هر نزاکت و طبع با استفا
 نظمه مایل و راغب اولوب موزه دوز لغه و سوب چال سور کن الی دگر کجه
 اشعار دخی کوشش و وزرش اوزره ایدر آخر موزه مثال با یمال ادا
 وار ذال اولوق ذنات طبع و ذذالت سانه دال در مقتضای علوه همت اولدر که
 انار طبع بر اقتدارم کبی باش اوزره مکان ایدو و جوامر زو اهر بلاغت کان اولم
 و صیر فیان بازار فصاحت اچره دکان اچم دیوب دار السلطنة السنیة قسطنطنیه
 حمیه ده وطن و اقامت تیمدری و مدام اصحاب عرفان و هنر و ران جهان ایل

الفت و صحنه قامت کتور سیدی لاجوم ذات سوده صفحا بلال مثال یو یو
 ترقی و کتور کتور امتعه و اسباب فصاحت و بلاغتی تلقی اید و سوله شهرت معارف صاحب
 استه و اعتبار و نامدار اولد اصحاب فضل و وفان اولان اخوان و اهل
 داند و ادراک اولان باران و طهر و باهر و صحاب اصحاب آفتاب مراعی غیر سائر در که
 سوره یک زمان لب و لبران کتور غایت نثر کتور و صالح حسن هوشان نهایت لطافت در
 وصال و ستاندن نفیس معارف و آب رواندن سلسله دار علی الخصوص مزین کتور
 اسرار بلاغت نظام اولان صنعت توری و ایهامی رعایت اینکله سوا زبان کاکل
 سیمبران کی سوری باسه الیتمکدر لکن انصاف بود که مرحوم ذاتی دخی کتبت
 اوزره سوره به نظر و تین کلماتی حکم در صحن و بنای برای بلاغتی غایت قوی
 دیتین معانی غریبه و خیالات عجیبه به قیاد و عین و نظیری نادرست و سوره در
 لکن بعضی بار و نرکانه اول مانده مخصوص الدار و مرد به هنر کتبی لطافت و نثر کتدن
 بیکانه معارفه مایل و غلام مدخول اولوب بوجهتدن بعضی کلماتی نامقبول در
 اگر چه بعضی سوری به ادا در و لیک بعضی غایت صفا در کندی قوی اوزره بیک
 الیه یوزدن زیاده نوله و درت یوزدن زیاده قصید سی و بحر و جود جمع و پروا
 آدو بر یک بیت بر کتاب و بحر ملن احمد و محمود نام اکیلی بیک بیت بر کتاب و پنجه
 منظوم لطایف جمیله و ارد که انتخاب اولسه اعلاسی دخی غیر که سوزن زیاده
 اولد دخی کتبر ارقام و تحریک افلام ایله محتاج افاده و اعلام دکلدر صاحب
 ذهن ثقیب اولان بعضی اصحاب انتظار و اقلیم فهم و ذکاوه مانند دکان سهرت معارف
 اولان بعضی اویلا بصار مزبور کتور نا هوار اولد و غنه پنجه و جمله اعداد
 بیان ایدر اولد اولد که مرحوم و قومک در یک کتور کتبی صمیم الیه محکم
 بسته اولوب صدق کتبی لایه اسفاد ن خالی و عارف و کوش بی هوشی

بنفشه کتبی کوشوار استماعدن بالکلیه بری اولوب اسراریه اغراض افسانه
 هرگز دکلدر و کلام اهل دخل و مکالمی قطعاً تو لغنه قویوب سلم ایدی نه الواقع
 مصاحبت یاران و مکالمه و مباحثه هنر و رانک احاده ایجا و سوره چوق
 دخلی دار اید و کتور ظلم و دیدار و دخل و معارفه نیک ترقیق خلی مدخلی
 اولد و غنی مانند خورشید نوار و روشن و اشکار در لکن بعضی یاران و اسطه
 صمیم الیه صحبت و الفتدن منقطع اولسی سوره تمحینه سبیدر دیم و کتور وجهه
 هو مولیهما ثانی اولد که مزبور کتور غایتن فویدق و ضرورت تاتی دار ایدی
 صحرای عاصف الیه اوراق و بهاری ریزان اولان نوان دین اشجار
 کتبی به برک و بار اولوب در هم و دینار سر شک دین و داغ و افکاری اید
 وجه معاشن کند و سی ترتیب و ابجای کفاف و انتقاسن بنفشه جمع و کتور
 ایتمک محتاج اید و الوان و انواع مال متالیدن روزه دار اولمکله غایتن اجیدی
 لکن بو حالن اکثر انام بلکه عاظمه شوالی ایام ایله سترک الزام اید و کتور محتاج
 اعلان و اعلام و کتور اوجی اولد که مزبور کتور متون منبصی و علو رتبی و
 کتور به اصحاب دولک همت و تربیتی اولد و غنذن ناشاد و مخزون
 و حال بو اندوه ابنوه ایله دبسته و دیگر کون اید
 کتور سوره اکتیندر خاطر که خون باشد و الدزد و سگان مزبور کتور اسراریه
 سبب بیان ایدوب بو کتور کوهر افشان اولد و کتور ایدی که مرحومک
 و کتور مجمع شوا و منبع طرف اید هر کس دید و کتور اسراریه مزبور کتور سوره
 امتعه و اسباب معارف و جواهر زواجر لطایف بار وجوده کله اول
 خواجه بلاغته عوض اینیجی که الو بستم ایدی مزبور دخی مقبول اولان
 معاینک لیکن عینی الیه و بعضی خفته تغییر ایله تغییر اید و الورد بو سبیدن

جوق معایه و اسل و اکا بجد خوان و دین حاصل اولسیدی مرحوم سلطان بایزید
 جامع حلیسند دکان چوب رماللق ایدرد. او ایله سبب معانی انعام و جوایز
 اکابر ایدی که منقطع الیچن اچن رملق قلدی والد فردوس آریان مرحوم دا
 کتله دانه مناصب و مراتب سبب حومان و فود فاقه ایله خوار و زار اولو صنعت
 تحصیل قوت لیل و نهار انکه باعث نه اولد دیو تفصیل حالندن سوال ایندکن بو گونه بسط
 مقال ایندکه اولو استنبوله دخول و صحبت سوا و طرفای زمانه متول ایندکن
 مرحوم سلطان بایزید خان زمانه ایدی مرحوم ملک علما و فقرا و شیخ و سوا به جایزه
 و سالیانه ای امواج عثمان کبی فراوان و انک دین عاشق مناله بجه و به پایان
 ایدی مرحوم عبیده و باریه و ستایه قصید رویدردم و صورت ناموکی آینه
 لطف بر تمولن زای العین کورددم و هم اول مانن وزیر جهان اولان علی پاشا
 مرد کتله دان و صاحب انعام و حسن زبانت کاغذ کامر ان اید اولو کاغذ و درم
 ستا وجود ناته ایله دی عدم یه وجوده کتوردی به عاریسی دم
 ایدنه کرد که رمال مل کا قلمز سر اوقات غیوب اچره هیچ سر بهم
 قصید تمام ایندکن اول وزیر نام بوقصید ده اوج کفص درج ایندکس سر
 بری رمال بری ذاتی بری صم دیو لطیفه ایدی و نفوذ نامعد و ایلهمیان
 جنان و اسباب به حب ایله خفته دل و جانمی ملو اید و مجلس خاصه کبر مک حضرت
 و اجازت و یرو ب صمک اولد و غدن سکا تولیدن خبری مناصب مناسب دکلدر
 اها و انا سکا بر تولیت و بر مک شرط واقف کی ذمه لازم و لازم اولسون
 دیو و عن لرا تمبیدی کنن یه بن منصب هو اسنن و هرگز تولیت بر و اسنن
 اولیوب فکر ایدم که بهی جهانک سالیانه سی و اول سلطان عمیم اچانک
 عطا خسروانه سی و وزیر علی پاشا ک آیین بر لطف به نایه و انعام به بهانه

و فنی مکر متولد زاده و نخی نخی آجی زاده نک جوایز به کرانه سی خوار بار تولیدن اعلای
 دیویدام شاه بازلق ده و دل جانندن نرس و هر صبح و هم حلیسین اولان قدری قلد
 ایله فتح به دازلق ده اولوب بلبلن بو کلام بلاغت نخی بله مترنم و کونین جان بو ظلم
 فصاحت عنوانه مغتنم ایدی فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد که می حوام
 بوا ناده پیری پاشا دفتر دار اولو اول نخی احسان و عطا ده و بخش و سنی ده انره افتدا
 ایند بندخی عجزه جز داننی آج دفتر از ماری جعفر اولدی پیری حلیبی دوستده دفتر دار
 دیو رایتیه بر قصید و بر دم اولدن اسنالی دخی و لغین بنی انعام فراوان ایلر غن
 در بای احسان ایلد اول ناده سلطان بایزید سوادن غزلدر استیوب به زدن
 نازنه دید کمر غزلری و بر و هر بر میره احسان فراوانه بلکه پنجه کنج نا بکافی ظاهر اولد
 علی مخصوص بنم فایه غزلن بویتی کوردکن بالله کورک عالمن معنی خاص و کمنه کدر
 دیر که حاشا حاشا اصداف اسباح لاله متلاله بدایع ایلد به در و کبره امکان جواهر
 معانی خاص ایلد ملو و پر در همزانه غواصلو اید و دریای دلدن چهره مقدر صنعت
 اول جواهر زو اهری کاندن قزوب الکتور مکر دیوب ذاتی به تولیت کوردکلر
 دیو قاپو اغاسی حسین اغایه فرمان تمشدر اول بیت بودر
 کلدی اولن هد بایستی قبا ایندیچی زاهد اخوقه به چک مانده کشف
 اول ناده بروده یکر می بس اچ ایلد تولیت و سخت و بر کبری کورددم که سالیانه
 سلطان فیض نظام و جوایز و عطایای اکابر اندن صد بار زاید و وافر در
 فراغت اید و قبول تولیت و سخت ایندم بعن سلطان بایزیدک و اخر سلطنت
 فتنه و فقرت خط روی دلبران کبی ظاهر و عیان اولو خلق جهان مانده طر بهیون
 در هم و پیرن اولسید بوا ناده عتبه علیه سنده استناد فر و متکاخی فراوانه
 اعتماد فر اولان وزیر صدیخی مرحوم علی پاشا آخو رحلت اید و دیو زه نوال

و نالی و نالی

در بنی سید و کور کور

و عطا اید ز مره مواید لطف و سخای آماده اولان مرحوم مؤید زاده و سراج الصب
افاده مرحوم حاج زاده غل و لنگه بند فی اختیار کوشه غلت اید و صنعت
رملکه قناعت ایتیم بعد سلطان سلیم دارای هفت قلم اولوب تخت یکاوس
و سر سعادت مانوس جلوس ایتدن نوبه قصید ویردکن قصید فی علی الخصوص
سرور ابرین بی قید در قافیه عدل طوتمردی نه زنجیره چکوب نوشین
بنه کماکان سالیانه مقرر اولوب جوایز و انعامه منظر اولدق کسج صورا زوی
جنانه مرایای عطا بای فرادانق تصور دن زیاده ساحت ایتکه طالع ساعت
ایتموب ایام سلطنت و اعوام بالکرن فتح قلاع و تسخیر بفاع ایل کچور و ب
آفتاب سیار کبی بریده قرار ایتموب فلک دوار کبی حاکم دن کما اولمزدی که انعام
و عطا یاسنه منظر اولام زمان پیری و هکام اید بارشباب المومنین فتح و نصرت
کبی هم کاب او کاغذ مجال و کد و بخت و فیروزی ایل ممکن سرای پرجلال و کن
قصر سعادت و اتقال اولدق مرحوم کچوب آفتاب کما ب عمره زوال
کلوب سرای سلطنت دن ریاض حبه انتقال و ارجال ایتیمی بجن پهلوان حمز
سلطان سلیمان زمانه و طلوع خورشید سلطنتی ایل ملک عثمانی نورانی ایدوب
ظفر ظلیل ذات جلیلی اوستمه سایه بزدان اولدق قصید لر دیر و حصون مؤید و نور
مرضی و مقبول و سهام ماملر ایداق حصول موصول اولمزدی بجن بانه کعبه
مروت و سخا قبله قبله مکرم و عطا آصف دهر مرحوم ابراهیم پهلوان ایتدن
اولا کشفیک فرزندانشی حبسی و قعه عظمی و دایه دهیاد بولنگه تبریر تاثیر
غضبه نه اولدق دردمندی اول کندن خلاص ایتک بهانه سید ابراهیم
ایرانی ایل قندی و بصیری و بر شوایح اوکو وارد و غمزدن دیکر و مشکدر
اولوب نایب خیال قندیک کانرین طاشه طوتموب سینه لرن و جینکرن

خا طاهر نوران و دل مخزون عاشقان کی صد باره و کسر ایتدکن تکرار جمع
اوکو وارد و غمزدن سینه خاطر و زجاج مزاج نراکت مظهری رنگ پذیر و متغیر
رومیدی لکن نه در بای سوره غوا صلق ایدو و مدحت نچه لاله آبدار و جوهر ایتبار
ابد و اظهار ایدوب آستان کردون مدارینه تار و تار ایتکه مظهر جوایز بسیار
اولمزدیم اما خیال هر زمانه بنی تربیه اید و کلا کچون سز و بدعا و نام مقبول
و ناسزا کلمات ایدر دیونفاق ایتکه دل دریا مثالی خاشاک کذب و بیعت ایل
متغیر ایال ایتیمی اول مکه بخوای تانکوا و تانکوا ایتکه بنی نوع است
و اعداد و ارباق سلسله آدمیان اچون اول جوهر فرد اصطفاء زوج ایتکه نیت
ایروب عوینا نه غو بتدن خانه سیر حبه کبر سیدی سوا عادت مهوده و قاعش
مالوفه کری اوزره قصید لر دیر و بن دخی سوره دید و کم قصید او قاعه
دارد قن خیال ک نوبه قصید سندن بوبیتی اویوب سوری بویک دیکر دیر
خیال نه توز لر کم فویر سدر سمن طبع موز و غم کوزینه تویتا ایل صفا نانه کمال لانه
بوییت بویک دیکر دیکر بایچه در سوال ایدر یک بوموال اوزره دیدم در
نه توز لر کم فویر سدر سمن طبع ذاتیک کوزینه تویتا ایل صفا نانه کمال لانه
بوحصون تمام آرزو خا طاهر اوکو سوانک بوراسی و لمسه ارا رنج اولان غرض
و سخا سدا یما تری اید اوزره او غنچ هیچ بر وجهله زبان طعنی دراز ایدر نکره
باری تواردد عوا سن ایدر کدیر کچه اول مقام معارضه و جدال اهل
بلاغت و کمال بایتنه خلاف مقتضای حال ایدی لکن صبره مجال و تحله احتمال
قلمیوب دیدم که بهیگاه کردون نعت جلوس هر سلطنت ایتدکن بوقصید ویرد
اچن اسکند زمانه نقطین تاریخ ایدوب اول درج بلاغت درج ایتیم اید
طاصورتی حرم سلطانه و سهای خاقانه ده موجود در پس بو توارد مقوله سندن

معدود و دکلدر و دیکله است غرضی شغال از دیار بوفله از مرده برودت
 و سدی شنداد و امتداد بوسیدی و ضمیر خنک مال مذلت و سوره دین منجیح
 باران گشتن بر مرده اولوب بوسیدی بجهت قدری افندی که رفعت قدری گنگره
 کاخ پسر و سر علم دولت و غنای قهقهه ماه و مهر محاذی اولوب مضب صدارت
 ذات خورشیدانیت ایلدندن ایروب اناطولی قنای عسکری و لدن حق بقیه رعایا
 ایلد نوجیه تولیت ایتیمی بن دخی اول منصب قناعت ایدوب بانه سبب کفایت و جت
 معیشت فکیم کیدرک هر یک کبرست عود قنای برینه حفاق و یرقان کیر سبب
 قوای ضعف و ضعف قوت جوارحه عیش و اعصاب حرکت کلوب الف قانم در دهر
 سباب ایلدال و یر قنم فرقت جوانی ایلد کان مثال اولوب درخت وجود نامدار
 خوان دین چار کبی برک و بار اولوسیدی و آلام و حزن پیری اقبال ایدوب
 دولت و سعادت سباب ایدار ایتیمی الدن دو شرب یرد و کم کومر سباب
 و حیای خاک قنای چون بوف چون اکلیم و هر بار ملک الموت سلامن المغجون
 ایلد قات اولوسیدم سفره اقدار بر طرف و حیا را و قات ارذل عمار و تحساعات
 بشکلف اولد ابراهیم شاپور اولوب ایاس پادشاه و محمود جلای قدر دارغی
 اولوب از دیار خوان سلطانن اچون رواند خوارک ز غلجه رواند روزگار در دیو
 رفیع ایلد کلرن برنم دخی جائزه و سالنامه لرد و فر قطع اولوب نکال املز بوسان
 لطف و نوال سلطان ملک خصالن قطع و قن اولوسید کا دلتله مانوس و دولتدن
 مایوس قن و قناده زاده آفت و عین کیر مغفوت بلوب بوحال ایلد کینور
 دیدی سندن خمین و شمع مایه ده اول تنی زمره سوا داخل جماعت خانه دنیا
 اولوب اجتماع احباب ایلد بیت فرح اتصال اوزره ایکن صورت حال منکوس و ترتیب
 اسکا معکوس و دیکله راه و طریق قن اولوب بولدر کا عالمدن انفصال ایلد

مرحومک و فاته جوق تاریخ دیندر ظاهر غیسم دیمدر استغاری قلدی کلدر
 دیوب عیدی سخنور کیدی دیمدر بر تاریخ دخی بودر کیدی دیمدر
 سوا یاری دیندن کچیدی چونکه استغاری اکثر مجامع مذکور و متلو و آواز کفایله
 قبه و وار پسر زکار ملودر عاشق جلای کند و دن اعلیٰ شکر کوز قنفسیدر دیدن بوطلمع
 دوستم نشان پای یک دیر اوستند اول غنچه کوردی دید بوزک کلدر اوستند
 رقیب زاع الدن بر نر و شیوه کار الدم دخی بن شاه باز عشق اولدن شکار الدم
 رخ یاره نظر سز نظر زخمینی اوستدر کوز نر یک صنوبر از کلکندن قن اوستدر
 کور رسم هر کون بوزک ای مین غم اولد کور رسم دخی کوردی کور دم اولد
 کور یکجک حنک عنان اختیار الدن کیدر تیغ صحنی لطف ایت ای چاکپوار الدن کیدر
 ماسک چون نقش اید و ایا فیه صالک عا رنگ خای ملاحات ای کار الدن کیدر
 غه اوله بوجنه مرغ دل شکار ایتدم بو عاقبت سرباز حسن ای سوار الدن کیدر
 وانه موره الدن کلکجه ایلد لطف خانم حسن ای سلیمان شهنار الدن کیدر
 جسم لطیفه دل سنگنی کورینور صنمک طب قدر ربلنه اول نکار کاش
 حمام کبی با سیم جقدی کجاش دو کسه عجبی دیده لرم قورن کبی کاش
 هرگاه بی شکلف او بر دکانی حامنه انگ بوزم قش اولیدی کاش
 بر پا بر هفت باش اچ ابد البور انگ اول صویدی ذاتا بنری اولد کاش
 نولدک کلر سن فلک هر جای جانم دار بوخسه با سیم طسره بر سر و خا ماکلی وار
 ای التند اولد کسند خانم کبی ای کسند دیمیه ناکیم کوزک اوستند فاشند وار
 ایشکله کاه سکبان که دربان اولد خوشتر دیمش بون ای کوکل کشی سلطان اولد
 مدح سید کایان بون غنای غایت خود را نه استی سبب مغفوت در
 قاشک ای بوسان لامکان پیرایه نوردن بر سر و در دوشم زمینه سبب

اولوبی در دو صحنه است

یوسفی کرچه کوزلر اترینی کسیر . کون یوزک کوردی سنگ حق اولکد ایکد ایست
 آخوت بازارینه وار دقن ایلر فایند . نقد عشق کدر انک کم سرور آسیر مایه
 باغ چشمت ایدم بودر کم ذرات . جمله مؤنلری اول سر و ایدنه همایه
ذهنی بر و سون موجی زاده بالی چلی دیکله شهسور . اصی بعارف و کمالا
 اچره صاحب خیرت و عوز در دانشمند ایمن مزاج دماغنه اعتدال کلکله احوالنه
 به مقدار احتمال کلوب طریق عرفی اضافی ترک اینک غیبتی ایلر اوان و کناخی
 سیاحت اینکیدی . بعث مقتضای تقون اوزره به طریق معقوله که خدمت ارباب
 افاده در عودت اینکدن امیر حسن اندن ملازم اولوب طریق قضایه عازم
 اولمیدی . اسکاره بعث غلطیه فنی اولدقن داین اجل مزبوره متقاضی اولوب
 سدانی و تمانین وسیع مایه ده آخوت رحلت اید . مالک هر دت و افرو و صاحب حشمت
 مستکاره . ذهنی کتاده تکلف و تفکدن ازاده سنی مبذل سر به مقبول کسند
 ایدی استغاری ساده ایدی اثبات مدعای مزبور چون بعضی اشیایه مختبر اولوب
 جام عیسیم بره چالک فاکه کبان ایلک . نذک ای ساقه دوران کوز کوره فان ایلک
 لعلک اولکند و کچون بر عیال ایدم . سینه اچره باذه جسری لیبوب آل ایلیم
 کرم اولوب بر خوشی امیر کن شکله یای . مایه چقدک طور مدک بهانه یوزدک محبتی
 سوسی مقدار کجه رکنین سوبله ذهنی سن غم . ساکبه اکلنجه در بولنزه باری رغبتی
ذهنی استنبولندربونک فنی نامی بالی در اویل حال . دیبای سن و سالندن
 هزاره ملک خصال سلطان عیسیم نانه خضر ترنیک آستان قلک مقصود لرینه استناد و نرسا
 ایدوب شهسار مزبور دولت سلطنت ایلر کایس . اولدقن ارباب منی اولوب بعث
 دیار بکره و قبر سه بعث طبعه دفتر دار اولمیدی . حالامد ارج جاه و طلاله متصاعد
 اولمقدن متقاعد اولوب به مقدار تمایله گوشه عولت اختیار ایدم و شناسا در بحار

اولمقدن نظم و انشا و سوز و معایله آشنا . دین جان کحل فخر کمال هر ایلر روشنا در بوت
 یار جاه ذقن عین و فادر دیر . اکای عاشق سوزین انم چکدر
 غمک خدکی کرچه که بوم در کچر . بحر و قلبی خنجرک اما دیر کچر
 اغیار کینه خواه کچر سنی سکا . اینانم سود کم سنی زیر اسو کچر
ذهنی مانی عبداللیل در برج نیرات ولایت و درج لاله زاهرات کثرت
 معنایات خلقا پیرین اولان شهر ارم آیین معظمت مداین و بلاد اولمقدن
 بغداد دن نجف زاده دیکله شهسور در اسکندریه پاشا و علی احمد پاشا ایلر
 استنبول کلمسیدی . جویات ماهر حسن خطه قار ترک و فارسی اشعار و موسیقا
 بیحد و بیاری اولد و غنچه عجزی فن موسیق کچر چکن صاحب اعتبار و استاد
 ایدی بوبر قاج معا و اشعار مزبور کلفتار نندرز مدعیه دلیل او کچون ایدر
 اولوب احمد خنار نام دلبر سیم اندام حقیقت بوغول دیوب بوانقر نام کوز
 کیدی الدن اختصارم جذب دیر ایلر . دوستلریم نولور حال احمد خنار ایلر
 کلک آچلک رقیبیده نوله اغنی لب . سیدی اولدی کل رعنا اچلر خار ایلر
 نامه ی صغر حدیث سوز ای ذهنی مکر . گاه حالک یاره اشعار ایدر سن ایلر
 سلطان بایزیدک اولادندن سلطان محمد ده سنجاقه متصرف
 ایکن دفتر داری اید سوزی نظم ساده مقوله سیدر بو مطلع انکدر
 کر چیکه کنارک رخ آن کلمه کبزر . عاشق ترنیک تاش ده لبیلر کبزر
 سلطان علمت . یانتق دیوان کتابتن ایدردی بو شعر انکدر
 نیکم شول بزنی کالک ساغ و مهر وی . مایه مجلدن نولور کم مطرب خوشکوی
عرفی التراء رانی . اتی و عاچی کسند در لطیفی مزبوری نفس کلانه
 قاردر دیودج ایلر لکن خلق اچن استهاری بو قدر لطیفی مطلعین ایدر ایدر

اکا اسناد اولور

اول به جفا به صانع که دوراندن او کز نور به مهر و به دافعی دوراندن او کز نور
رایه دیگر استنولد نذر نامی مصطفی در درزی زاده دیکله مو و قیسی
 علوی کل برادر کتری در حرم والد ماجد که چمن تربیتش نشو و نما و عمل
 معارف و فضایلند اقتباس نور و ضیا ایدوب تجالس علوم افاده لرینه مدام
 اولمغه خدمت شیرین نذر ملازم اولمغدی والد فردوس مکان دیار عرب و درون
 قحطی و حاکم امین خدمت و وضع امکا بتانده دایم و دل و جان بآستان فضائل
 آستانه خادم اولمغه فزانت و قاعده کثیر چرخ و تجلات تحصیل و باجمله معارف کلمه
 و جوئی به تکمیل آیمیدی کفالت خود مدار کلمات عماره مانت و برقرار الموب
 ملازم اولمغه کز سده اصدی و یانین مستحیله ده دیار عقبایه عام ملازم اولمغه
 فارسی و ترکی و خوب استعار و بین الناس مقبول مرغوب کفالتی و اردر بویاری مطالع
 رنگین و ابیات بی قرین اولمغه سحر آفرینکدر

دل طغی غایب اولمغه محکمت ناگهان
 ستر ایم بزم غنم خون اشک چشم پر غم
 عجب نازک قلندر در کافیه منقک
 ساعدیم داغن اولمغه بهار بهشتین غم
 عید آمد و زبان با ما شد مدم کمی
 صد هزاران عید من زین کینشت این غم

والد فردوس مکان و برد و کفایت عنوانند در
 کره کی معانی و نخل نبد علوم
 خلیل سیرت و یوسف ایم کلیم کلام
 اساس کعبه تقوی در مکتب حکم
 امام قبله دین حضرت علی صلی
 جواغ جمع رسل شمع دوده آدم
 خضر لقا و محمد سنن سجاد دم
 شعاع نور هدی مهدی سخا و کرم
 امیر ملک سخن مقتدای خیر ارم

تجن که جسد فضل کبره بحث علم اتیه افاضلک کمی مبهوش اولور کی سکر نه
 کور خب قلم فضلین بدیکه کبر محیط بو کبر بر در معنی باینده قطره جبریم
 و فن معاده دخی ذهن پاک و عقل در آک جاک و جلالک لمغین مدار و شوار
 خاکه صیقل کس کور بجه نیر که افی فاشی **سهراب** باد آهم دکدی لذن قوبر مانجه تا
 مر حبابه کوردی الی بر مرزا و بدخوب **مزید** باقه سین چاک ابتدی جگر کلک مهر نذر
رایه خن حصار دنیای عجب لطیف در بین اجمور صاری رایه دیکله سهرور
 عجبدر که نظم و اسعاج کوشش سبار ایدر کن کند و به رایه نامیده خطاب اتیه لر
 غایتین بجه نور اولور در بر و سه ده بعضی مدارس هر تفرقه مدرسه اولو جبع سمیت
 قضایه رضا و بر سید کند و سن حجت حکومت منشا اتیکد عجزی زیر دستین
 اولان فتوا و ضعفایه جعفر فضا و عین غنا اولد و چون اول و تقبش اولوب
 دنیا که خواسن کور سیدی با این جمله اهل معارف و کمالان ابله انیس مصاحب
 غایتله خوش فکرم سریع دست لطیف کاتب اید سهر فکون کبی اسعار دخی

کور مکا اولور می بکر و صالک فراسنی که سن قزایه سیر این سن که قزایه
 روستن اولمغه نیره کو کلم یا خندان اول مشکل اولور کجه لر شمع سبتن اول
 رسته کبی کور نور جسم نزارم تاره و دندی ضعیف سوزن شرکا نیکله تاره تن
رجایه استنولد نذر سنکر نخی زاده دیکله سهرور در علم ادوارده
 ماهر و میان خلقه ذاکر لکایله مذکور و بعد دخی مرتبک سخن و مقبول اولور
 حسن صداسی کبی اسعار پر صفاسی به مثل به همتا در بو مطلع انکدر
 دون کچه کبر و خلقه ذکره اولمغه عاقله دونه دونه ایلدی و ف
رحم کرد قنای کرد فنادن محروسه اولان شهر بوسه دندر نامی
 پیر محمد در عاقله رحمی غالب لبر عا لمغین مخلص بر نور ابله حسن به همتا سه

ایری بو کلام اولور

دکون در بو طغی غایب کلامی

یکی مهره دنیا و لشکر و خورجین رکن و روی زینتی خط سبزه و ده
 و سرور و غنا و قنطاری باغ لطافت و کشتن بلبلان و سر و آزاره ایکن چو کوش
 و بوفته خلی و رزق ایدوب و آزاره نام و نانی انضمام حسن به نظر نیک عالم گیر
 اولسیدی مرتبه اصحابی و ناسود و سیر مرحوم سکندر چلی مرزوبی اصف
 به صفا خدمت ابراهیم پاشا به تربیه و نال عارفان تامل آب جود و نوال ایلیمه
 اینکله صحبت اصف مرزوبه داخل و جوائیز موفوره و الطاف محصوره سنه و نایل
 اولسیدی حتی کت و عنایت و زینت کورایله صاحب قران جهان مرحوم سلطان
 خان اولغی سلطان مصطفی نیک ستنی مورخ قصید و دیوب اول بار و خوابان
 و سلطان مهر و بان مجلس به جهانده قصید بلوغ عنوان و وفو غله امثال
 و آزاره میانن خلی نام و نانی بولد و غنچه غیری درج و نانی یکی بیکر ان
 و عاقبت ابد و کج جفا و ن افون جوائیز و احسان به پایانه مظهر اولو و عوس
 مانو منقشه حصول جلوه کر اولسیدی اول دهر غنا مطلوب و محبوبی در اغوش
 ایدوب دست ساف انعامدن پنجه دوستکاری نوس ایتسیدی بواجب ایل کوش
 بسیار و سوس بیمار ایدوب صاحب شهر شاعراندار اولسیدی و صیت و صدا
 و اصل اطراف و افکار اولو غلغله انداز فلک دوار اولسیدی بعد روزگار
 روزگار مرتب دیک هر بر یک کل دلداری و بار و حال عاشق و افکار یکی پیران
 روزگار ایدوب جمله سنگ الینی نین و پسنری خار اولدق خوار و زار اولوب
 سپهر بهر کشته خانی خان الام و ملاه حکم سید و مانند تاج پرتاب با نر و زره
 بیر ایتسیدن مثال ز خلخال ایفتن اولسیدی آخو نر کریت و شدت و انشدکن
 نجات حکتی جلالت اده صالح چلی و منتهای اولدق روی و جودی دولت
 ملازمتی ایل خندان و بهی اولوب الام به انجام و بهی سبزه ناز جام ایلک سنه

اربع و سبعین و نسیع مایه ده یکی شهره بکرانی فیه مدرس ایکن صر صر فایله کستان عربیه
 خوان ایدوب اولدق بکرانی پرتاب و جودی برک رزان یکی ریزان اولدق چکانه
 سوار و ملک نام با مندن و بوز مره عطا کشته ایتده فامندن بلاغت کتوریک
 شیر غنچه و فصاحت مبدانک مرد کرینی سوار بلاغت معارک شاعر و آفرینی
 و سلاست ادا و لطافت مصای جمع ایتکله و فرقه نیک به عدیل قرینی در چو کج حال
 عاق اولان اشعار سی سوار فاق و رواج طبع اشعار و فواج عود فحاری
 یکی اطراف و اکثاف منتشر اولغله مش خلق جهان معطر قلمدر و افتاب کفایت
 مضای میان سنج و شباده مستر اولغله زوایا و ارکان زمین و زمانه منور ایتد
 لاجرم بلغای سحر نمونه نمونه اولسون دیو اول بلبل کلشن سخن و طولی کزنگن
 بعض اشعار بلاغت شاعری قلم غنچه بار ایلیم و جویق به نقش و نگار اولد

شاه دهره نولا باس کمریم دنیا ده	سعدی دیوانه کوکل عالم استغاده
بهار اولدی چلدی غنچه لک کج اکراره	کله بر بوق مکر با پندرم بنیدیه دیوار
تمنای وصال ایتد کله خوب سوکلن	غرض جرقه ر و خانه در رجوب سوکلن
و صالک ذوقی دایم دلدن ای و ن	بدنن نه کم حسرا ولد و غنچه کج
کوزی نوزی کج کج خورشید افلاک	بوزی صوبینی دو کدی برره روی عرق کل
ضعفدن کج غناده کیم دل سیدایتور	کراجل کل سیدی کور فر سوبله ناپیدا یاتور
جوشه کله کیم جیابیدر رسوم کاجتا	عشقدر نامی قضای دلد به در یاتور
وارفتا دشتن تاش ایتا چوب غیرت کون	پنجه اسکندر تراب اولش چش و لایاتور
شاه عالم کله کج زبانی درامانه	کج استغاده رحمی سوبله سب پر دایاتور
خط نوره سنه صنمک اول سب قی غنچه	حضر در خواب و امر حسرت چش حیوان کنارین
بن کلر و کله رخاک ری در زه فریاد	آجل کج جانب سیرینه روز نر فرارین

سرای سینه سوز غنچه عشق تاریدر **صاریلین** برکن کل در داهلک جسم فکاریدر
 وجودم عشق جانانید نویده توان اولید **بنی سایل** فرق اینم کوز لر رهگذر نده
 درونم غنچه و شش پر خون اولوریه بیدرکم **کل مقصودم** آچلمز مرادم ساخارن
 کنار قلزم مختص کویا ساخ مر جاندر **کورین** رچینک ترکانه جسم اسکارن
 دکل ای لاله خدر کشته که سرور و ایر **چمن قدر** کویا آه ایلبوب چقدی دغان
 سکین صیقل که فکر اوزره حواله در **محو کعبه** اوزره مقطع جلالم در
 و منظم شاه و کداسی واردر **اگرچه** شاه و درویش هلالیدر کنج بلاغیدن اخراج
 اویش لاله متالیدر **رحیمی** نامی عبد الرحیم در **اول سید** نکلص مرزور اختیاریدر
 باباسی اما سینه دن محمد چلی در **بر غیر** خبیات علومین سارکنی وار **ذاتدن** اهلکام
 جلالی رفیع ایچکله **بر معرفت** اولو شراصل حال و صا جینیر کشته ایدی بروسه ده
 اقامت قلوب عمارت طینت اختیار خدمت **سخت** ایتیدی مرزور **رحیم** درجه افتاده
 و اصل و لدن سالت و نوبت **خزبوره** اینر در رفیع **اولوب** عبد الگوین ایتیدن
 توبه و انابت **مسلمه** مزبیه به تمام ارادت **ایچکله** خویله طریق اینم در حسن خط
 تعلیفه مالک انجمن کدیمین **و عرف** جبین ایله تحصیل کفایت سینه سالک ایدر حد و در
 سبعین ده **امرتب** العالمین **ایله** کندوده و دیعت اولو **جان** سلیمین دست
 ملک کوته ندیم ایدر **نسیه** دیده دن منکوره خان اولور **عازم** ملک جنان اولور
 اگرچه لاله اسرار ضیاء استرهار یله چندان **متالیه** دکل دکر بعضی اناری خالد خواجه در
 صفا کندی کوکل اینه سندن **زنگ** غم قلیدی **آچلمز** سینه ده خالقم قلید
 طیاره حسن به بنیاد و که انجلی لب کوردوم **نه مرآت** سکندر زنت **جام** جم قلدرب
 صیه مرآت قلم ناکه قلم نم نظر غیسره **که صورت** بر کوز نمز با که اولور **ایک** ازین
 اورندی شمع شب غم زبانه بخیلین **که دیده** سوز دلن یانه یانه بخیلین

یولکن راست رو اولور **ایک** کان ابرو **ایلمزیدی** او قلیده بیانه بخیلین
رحیمی نامی بوسفدر **استنبولدن** قول و غلرندن **پنجوی** طایفه شک معرفت و کماله
 مغولرندن در **بعض** معالی و انام ایله انهامی **اولدق** علوفه سی قطع **اولنوب**
 نهال نام و ننه کلستان دفتر نطایندن **قلع** **اولدق** محمود **پاچار** سون عطار
 دکانه **اچو** تحصیل معیاش و زندگانه **ایدر** **بوجا** لک کینوب **نه** ثلث **غمین** **نیم** یاده
 و دایع عالم فانه **ایدر** **جنوب** کندی بودگانه **جهانی** **ساغ** اساری **لها** و بدخت
رحیمی ایله ملو **اول** زمانه اداره کاس عرفان ایدن **یاران** **ل** **نن** **بعض** **کماله**
 متلو ایدی **حاکم** روایات به نام **ن** **اولوب** **جدران** **بنی** **محل** **عناک** **نسیان**
اولدر **لکن** **نه** **دکانه** **کاکان** **کناده** **و کیفیت** **ترکب** **و عمارت** **قیری** **حاضر** **واماده**

کوکلم هوای یاریمه پرواز اوردی دوچ کرد عوی نیم اول بری دچی دو کند طیب عالم ایک کور رحیمی کوکلنکار که فرانک ایتیدی چکدی نعمتی لوح دل نقش ایک خیال لفاف به قرار ایدن بنی آواره کوکلر بوکون آجلن بر حجبت روز نیدر هر کجا که نک کورد وکنه راضی کل کوکلم	یوز لر نه طوطی طبع سکر صحر بقمر یوزومه دایره او فر نر چهر هر ییل بر ایکی آفتک اول هر بن ایچر عشقن معنی دکل ایچن نیتی طسره به یازمق رو امید را سیر صحر یانه ن حج سره بارین بود آواره دن یاره رحمتک کورین سینه صد پاره دن ایکی کوز و مک بری اولوریه چقون آره دن
--	--

رسوئی نامی بهیاد **صوفیه** **دین** **مقدما** **طریق** **علم** **یولک** **ایدر** **دانشمند** **اولدق** **صحر**
 طایفه **علیه** **صوفیه** **یه** **افتدا** **ایدر** **وب** **نچ** **کریدن** **مقصدی** **القائین** **عالم** **توحید** **ک**
 مرد خوش حال **مقدای** **صوفیه** **صوفیه** **نه** **باله** **افندیک** **عل** **متکلمه** **سالک** **زهد** **او** **کوف**
 سالک اهل عرفانه **اتقفا** **وعون** **نصرت** **کوشه** **ذرا** **غنت** **توت** **و** **نقش** **اکتفا**

بوا عازر زور کماله
 بوا عازر زور کماله

قلمشیدی قسطنطنیه محمیه بکلوپ مجامع و محافل نقل حدیث و تفسیر و خدمت و عظ
 و تذکره مشغول و ملغله عوام الناس باندن سربور و مقبول اولیسی بعض اصحاب دوله انما
 وانت اب ایتمکه مرزوره ارباب حاجا ذهاب و آریا به بشیوب بابی خیلی مرجع و ماب
 اولسید کند و دخی مقام ارشاده کچوب بعض خانقاها دره سبجاده نین اولغله
 کاکر و کامیاب اولسید لکن مرزوره سندالیه و معول علیه اولان واجبه الخندق
 ذکر صبیغه فخرن علی اولغله مذکور ک دخی ظهوری مانند سربا پس شی اولک
 و اول اناده کند و دن ظاهر شرع شریفه مخالف کو صریح بعض سوتیج و قول و قیج
 صادر و ظاهر اولسیدی خوف اخذدن قبل الاخذار ایدوب بالاحظه ترک یار ایدوب
 اول اناده دید و ک تریات و بید و ک مملات بودر دیر عشق بن جلیا پسیم
 نه دیر بسم حقانی ابره همان سوله بکیر بن انک اعظم بواسعار دخی مرزور ک گفتار نیر
 باغ جان اچره دیکلدن قامت بالا کین نور دن بر سر و اولور هر فن صاسم یار
 مهر حنک دزدیدر انا طوطا غش چون انده دکیسور ماه ای و جوی حسن
 رضایه قلبه دندر نامی محمود در بابا چلبی بیکله سهره دنیا اولسدر اول حالنده
 طالب علم و کمال اولوب مانع امانی و افاضل موالی خدمته نائل و آخر کتن قدری
 افندی خضر لیک خدمت والا قدر رینه و سهل اولدقن وزیر عظم و میر فخر رستم پش
 اول اناده امیر خورق ایلد جقوب مرزوره تعلیم ایمان و ارکان اسلام و تحقیق اوامر
 و نواهی ملک عظام و تخریب خلاق و تکیل عواق ایدر استار پسر اولان اولدقن
 قدری افندی مرزوری سوتی لیکدر مثلا دخی بر موجب فرمان خدمتند حسین النبیان
 اولدقن کتن ترک خدمت و زرا و ملوک و طریقت طایفه علیه نقشبنیه سیلوک
 ایدوب حکیم افندی ک ادویه قلبیه و ترکیبات پش فیه سی ایلد دماغ بر هو اسدن
 سودای دنیا یه اخراج ایتمکه نصحی فراج ایدوب دست مبارک نرندن کب نجات

دیر عشق بن جلیا پسیم

صبیحه

قلوب و باعث شفاء صدور پر کروب اولان شربت توحید و وفای قانون
 معهود و اوزره نوش تمیزی و کلستان جهانده خار غلغله دن سرو کبی
 کشیده دامن اولغله دامن سعادت لیرین دست توبه و انابت ایلد حکم طوئیدی
 بعد زمان رستم پنا وزیر عظم و مدبر امور عالم اولدقده مرزوری جویم و مشنه
 محرم و امور دین و دولت و احوال دنیا و اخیره کند و به یار و همدم ایست
 اول حجتد صغیر و کبیر و غنی و فقیر باب علی جنایه رجوع و تاب او کو لطایف
 اسباب و نفایس کماله خانه سی طومش و بیسار درهم و دنیا و املاک
 و عقاره نایل اولغله عنایا ردن تمام دایه سن المیدی سنده ثمان و ثمانین
 و تسع مایده ربه اطاعتی ربه عبودیه تسدید و حکیم و کردن رضایه
 طوق قضایه تعلیم و حکیم ایدوب خدمت ملک متعالی جمله امانت تقدیم تمیز
 بابا یانه اسعار و محققان کفایت وارد در بواسعار مرزور کدر
 قشدر کله نامه حنک عجب عنوانی وار سلطنت منورید طغوانی عالیشان وار
 بنی حرا و دنده بقدر جهان شور اولدک آهم بنم دو دسیا همان سیه روز اولدک ما هم
 بره او یقوی و ام ایست عجب بقعه در که کوزنک دین عالم رو باد و دخی
 ایمین فلک دله کردا جیرندن خلاص روز کارا کسکلیدر روز کارا کسکلکی
 رضایه نسیم عنبر نسیم الطیف من الوصال و سال انهار و جویبار الذ
 من الزلال اولوب بربلداش جبال ساهقه و تلاش مخمسی کی مرفوع و مغنی
 و آینه ساحه غمزداسی مصقل لطف و صفایله مصقل و محلی اولان حروسه
 بروسه دندر نامی عبدالکریم در سول طریق عکده و کتی قدوس اصحاب العلوم
 والا فاده مقتدی الا نام شیخ الاسلام مرحوم جوی زاده دهنه ای اولدقن
 جناب بر مغا و مکا بکیرندن ملازم اولغله کلستان دله جان باران طیف و ان

وصف

مجله

جانب تقیلمی تحویل و کند بوبرقاج اشعار مر نور کس تا چ طبع بر افندار بد که شود اول کند
توسم یک داعی برداغ اوزر سپیده عجب بر در نفاوت بلز اول کل یوز لیک بانده چهر
چمنده کوشنی مرغ ایندی مبلبل
نخار ک نقش ایدر ک نفی کور صنع نفاکن
در عشق بار کیم و مکر در در مان اکا
او یور سه صحبت بکر نازله اول حسی فیک
سوق خسار کله ای کل بقیدی اوج اسن فرار
نه آری عذاب با خط مشکبار اچره
رفیق اما سیه دندر اهل فغم و خوش نویس خطی کبی معارف و کلماتی دخی نفس
المغله کا تب دیوان اولوب سلطان سلیم ماضی زمانه مقبول رکاب اولمیدی فنون
عکس مخصوص دقایق کثره و املا و لطایف شادان ده مقبول مرضی المغله اول آید
قبلی مرعی و رضی اولمید بعد بسل علت سیدن بنیاد سراجی شمه خلل ابرو
حوادث و نوازل سواد بهر خواب و جسم و چشمن عین مراب اجمک کتایتون
فراغت ایدوب قبول منصب تولیت اتمیدی مرحوم و مغفور که کمال پادشاه ادره
وار کدیت و سلطان بایزیده مدرس ایکن مر نور دخی متوالی اولتی تقوی بیلمه سلوک
وادی ماعوه و مصاحبت منداک هم طریق و هم رفیق اولوب اول کشف انام
و قدوه ایامک بار غار و صدوق صدیقی و غایت حبیب و شفیق ایدی مر و مک
برس ردیف بر قبضه لطافت مضمونه و عقا قیر نوادر و لطایفدن ترکیب و نظم
بر مضمونه و اردر که کیفیت بو ایراد اون ان ابیاتدن ضرر و بدیدار در
بلکه ایدان جلا داجل انجی چکر هر یکیک بانه بسته زهر لو پیکان بر سن
ایسته دعوی بر کمال طوب اولدیکه روی زرد و لبست خمد حجت و بران برس

آدمی اولدیکه در کوریکه فاکر در در راسته نافه در رن ملکنه فرمان برین
 و بعضی ترجیع بندری وارد که غایتک سهر او لوب مزبور که جمله معافیندن
 معدود و مذکور در ساری ساری و کناره در بواسطه انکدر
 ناکسیره چقدی غیر له سرور و انم
 ال ایوب اولال رخ کلک طغشینه
 در دمی ای یار در دم که بوی بندن
 باغ دهر اچین ای سر و خا نام نم
 اولسون سنسنگ و نه با جرم ناتوان
 و بین الناس همور بر جیبی وارد در بندی بوبیت در بوجان عجب جهان اولد
 یختلک قوجان اولد **رفع لک** استنبول قریب اولاق قصبه چولیدن
 تحصیل کماله عازم اولد قدسین پرویز افندین ملازم اولوب کت قضا به طالب
 و راعب اولد لکن و اصل قضی المطالب اولوب کیری و اولوز اچنه قاضی
 اکیمن سنه ثلث و ثابین و منع مایه ده جواررت غونه انتقال و حلت ایلد مرحوم کشتی
 ایلد شیری و مصحبت و مرحوم مرقوله نهایت الفت اوزره اوکامین سو و نه غنه
 کر چکدن دست او رسیدی کشک لکان افغان خیران داخل میدان عرفان اولد
 کوی معارفی بو عرصه ده ر بوده ایلکه بانی چوکان اتیمدی پنجه زمان والد
 علی افغان خدمتند تسع صفت برپا اولمکه اقتباس علی فضا بک و کتاب
 جلدین ضمایل اتیمدی علم قلم شکین رفی و وسن بنان سرعت نشان اوزن
 رفیع ایلکه نصب نفس النکله وقایع و احوال بوم و امسی ضبط ایلد لایه جوادنی ایا
 رسته از فامله ربط و بر کله علم احوال احوالنه تحصیل ایلد بوجال ایلد فن تواریخ و
 میضراته دخی تکمیل اتیمدی بویبر کی مطالع آبدار و اسعار بلایه ساری مزبور کفایت

ابجد هلا لے بری برینه چقر لک
 چو قدن اولور دم یولکک شومارم
 ابرخه بقعه دیدار دلسره بر دم
 یار خطبونی تراش ایلر انجون طومر
 دیدم به جانم ال به دل رحم ایستای
 عفو قتل ایلد مسه ذنب اگر
 اسکم دوسره ایلکه طلمی هر سر
 زلفک اسیری اولد دن منهای کور
 بو خلق کچی غله کسی منجه قور
 قور قورم کیم چوق کور ران کورنر زور
 چوق اچنه بائنه صوفیدی مردم دیدم
 فتح زندانه کچر اوستنه قور و نذر
 اول و وح مانه دیدی بجا خا طر کرک
 سن ملکین افندی قول سر
 ای ماه پاره سن کشتی ایلد زم سور
 بغلندی قلدی برقه مسکین کدای کور
رمزی نانی مصطفی در بر و ساد ده در جم و دیکار عاشق ایلد جسم خوشبار
 و داغ سینه افکار کبی بحد و بیماز اولان الهیاب تروت و ساز و کبار بکار
 نامدار دن بر خواجه بزرگوار ک او غلی در سمت تحصیل علوم سالک و بازار علم
 و معرفت بضاغت و برعت و سرمای بلاغت و جواهر و اهر معارف و نقود و
 اجناس لطایفه مالک اولد شرح سرفه الام اولان مرحوم سیدی علی زاده دن
 ملازم اولد قدسین مرفیق قضا به راضی اولوب غلطه و سایر مرقله قضا به فی اوید
 قضی یار دین اکیمن سیوا سنه اربع خمین و منع مایه ده بو عالم شتغفصع الکان
 و مومون الاسب سدن جواررت لکجه توانس و نه هکاه قدس و طهارت
 استیانه انتقال احوال ایلد در مرحوم مرقوله اکثر خصایل و علومده ساری کتی
 و فن شریف عربین تمام مهارت و ارایه اوقات فرزند ساعته تحصیل
 معارفه معروف و نظم قصاید و لیدیر و اسعار به نظیر تمام مقوف اولمکه
 زمانه سنن اسعاری ستهار و میان صغار و کبار ده اعتبار بوسه در
 اسعی اسعار بلاغت مفظور زدن رتحات نکات مرئع مفظور و اعضان افغان

کلماتی در زمین فصاحت و کلماتی در بیان شکوفه تراکت مدام نور و نور
 بوبر الکی سحر و قویم رقم زده کلماتی سحر زنده بذر
 شکرستان در بوی گلستان طوطی در شراب استیاد را که ساعه بقیه در کوچه

اولوز را و بقیه مردم می
 کنج غنم بنی قودک کندک
 دید که من سنی طویر جفای طاشنه
 طویر صالین بایله ای سر و کل اندام بنم
 هیچ اولوز می کیم و ناک سنی غنم کیم
 صفای خاطر بایله بزم ای سکن کولم

مرزی حله در زاده آفاق صاحب میرالوزاره بالک استحقاق
 و لایق عالی حسب سر دفتر در زاده لطیفان اولان مرحوم هر یک
 در کسلسله انتباه عالم و فضل کثیر کامل حایر انواع الکام و لغافو جامع
 علمی الباطن و الظاهر فصاحتی که تا تک میرا نوری صاحب القضا نیف الفایقه
 داو و قیصری حضرت لایزال که در حق سلسله انتباه
 یار غار محمد خیار مانع ایشان از بهانی الفار افضل القضاة علی التمتیق ابوبکر
 القیق حضرت لایزال و لوز طایفه شریفه علما و زمره فصاحت عدالت
 احتوا دن یوزاللی اقمه ایله قضا کیم مرحوم سلطان محمد خان علیه الرحمه
 و الغوانک اوقاف و اداره القضاة متوکل اوکو سبز زان و دفتر دار
 اولد قلمی تویق وجود ریضی طوای شیخ و ران ابله برچونان و نایج
 ابراهیم اعتبار و کلاه بخت پناه افتخاری و اصل فرق زقدان اولد
 مرحوم مرقوم علوت و مومکان کمال نصفت و عدالت و رای پذیر

اصابت اید و به امور دین دولت و نظام ملک و ملت صاحب آیت
 اولد و غنه دلیل و برهان بویتر که کاسر کاسره ایران و توران و مادوم فقر
 قیصر جهان اولان افتخار عثمان سلطان سلیم خان کبی سحر و نور
 و شهنشاه عدالت کسرت و زیر و میسر ایدی فی الواقع بایله مرقوم عادت مرید
 و سنت کسینی اول ایدی که چمنزار روزگار دده مانند چهار حق غیر دست
 متطاولی دراز ایدن و زرا یک برک بار وجودم از ان قطع و بوستان
 عدالت و سداد و حسن و ضامن جسم مغرت نهان کن قطع و قطع اید و
 هر برن انواع قهر و شدت ایله طبع تیغ زهر آلود اید و حتی اولانان دیکر در
 رقیبک اولد کسینه چاره یو قدر و زیر اولد ملک سلطان سلیم
 بوجه ابله مرقوم وزارت مع پایدار و هدرت و فحش برقرار و بوستان
 و سعادت سر و مسائل بت و استوار اولوب بهار غنم حوان اخوانین
 مصون و شکوفه ابالی صرصر ذل غل مجنون محوس و نامون اولد
 سلطان سکن حشمت و خاقان زبد و سطوت سر بر ایالت و تحت سلطنت
 دایم اولد قیصر مرقوم دخی خدمت وزارت قائم ایدی قضا که هر وزیر و کس
 اید بیک نظام الملک زمانه اولدی نظام ملکی اندن تعلم اینمندی رب و مکان
 معدوم و جلال الدوله صلاح عالی رای صایبندن اوکوز اید و کس حق
 و معلوم ایدی عمار الدوله معتمد رای صایب و دخی فضل تمکید ذهن
 اولوز اولد وزیر عزیز الملک قبک حسن اهما میلدر کانه میان ملت بقیه
 مانند ایوان سپهر حضرت ارتعاج و استحکام بویوب جد و اجنه ایله قواعد
 بنیان ظلم و جفا مسائل و در سبط خبر ضعیف الحفاص و انهدام بویوب
 امانا بوقال وزیر مرقوم مدح و حسن حال در نظر تشریح وزارت بکدر اید

صفحه وزیر

صفحه وزیر

وزارت را دست اینجیل کشیدن

رونق ملک ملک و نظام ملک رفت . کو ملک کویا اکنون نظام ملک بین
 و فن ملاحظه و خج اقتداری . و بوطایفه که ایند خلی اعتباری و ارادیدی
 بو غول بر استنار . و نور ک گفتار نذر **فصل**
 زاهدی حیرت می نویسد ضعیف الیکم . اده شیخ و عصای صلواتیله یورر
 سب زلفند قنر ظلماتیله یورر . ایرین لبریه آب حیاتیله یورر
 رنر باقدنه کز زین سر و اوله که اول . صالو سیوه لر ایله حاکمیله یورر
روانی کزرت انهار . و ذرت جویبار ایله کتاب مذهب و مجددول و قامت
 وجود لطافت مظاهری . تاج بارواج مناقب و مفاخر ایله متوج . و مکلل اول
 ستر ادرنه و نذر زانی عی بعد سلطان جهان مطاع . و نه خورشید
 ارتفاع سلطان سلیم صف کن شهر طراز ندری نژاده ایکن آسمانه سته
 رویال ایدوب اول سلطان ملک خصالک نواز سن و نوالی و انعام و افضالی
 ایله خلی رغبت و کمال بوسیدی . مقتضای هربت اوزره کتودون بر ناما دره .
 صاکره رولمخر زبور سی مصاکره ایدوب املاک و اسباب و عبید و دوا . و
 دیات و مراق و آت و اوراق . جلدی صالو بشیخ خون افان . و صحرای جانین
 کرن چمن سر کردن کی عریان . قلدقن اولی . جهانک است سعادت
 استایندن رو کردن . اولوب دیار مصره روان . اولدقن شهنشاه
 ملک رفعتک و نبوره طبعی میل و محبتی . اولد و خذدن نه آدم کوندروب
 بیدای پیدا کران جهان کمره دولسکن . مزبوری خواه و آنا خواه یولدا
 و نذر زر اول تشاره خدمت شهنشاه . دلبرده . تقصیرندن عذر دیلیوب
 نجب کردن عالم نجب دور فلک . برایکی دمه بیده وار دی او تویر سلطان ملک
 بنی اهرمنه قلدی فلک سیدی اسیر . سقن اولد مک بنم خدمتم المردی ملک

بیخار

پنجه آت چسه یک شویله پادوه قالم . بچک اولدی سایه سی تیردی کیت
 پاهال اولدی پادوه توکل ای شامور . ات بشین چکرک تانی لکای دلک
 سلطان سلیم خان ضعیف تری عامه دبار ۹ بی ضمیمه نیمه ملک عثمانی ایند کلرنده
 صره امینی اولوب حجه کتدکه بعض ظرفا نتمت ایدوب دیشدر
 ایملک مفاسر الماسون رولنه . اکا خیر المیزاول کعبه حقی
 دولت حجه الاسلام فائز . سعادت زیارت روضه سبت الانامی جانر اولدندن
 محروسه بر دسه ده قبلوجه متولسی . و استا بنولده ایا صوفیه متولسی اولدر
 حالاکندوب اخلاقه شرت بولان مسجد شریف . و ملازمین ساکنین مسکن
 و حرات بنا ایشدر حقه حکایت اولور که ذکر اولان عمارت بنا اولور کین سلطان
 سلیم اول را دن مرور و عبور ایدو بونا کیمکدر دیو سوال ایدیک رولنه
 بنده کوز کدر دیو جواب ویر دکلرن بناء کلام بود جمله طاحل ایدو اسل
 مقاله بو یوز دن استحکام و یشکر که فی الواقع جامع ایا صوفیه اعظم جامع بود
 روشن و لامع در بس بو مقوله ساجدی جامع اولوب یلین نیجه سن پیدا ایل
 بعید دکلدر و قوم اکثر وقتن باده نوش . و شاهد پیرست و دمام صربای عشق جوانا
 ایله مد هوش و مست ایدی کین آخر عمر نه نوبه و انابت ایتدی ساو عیش و نوش
 شکست ایتدکین روح روانی عالم فایندن ملکوت جادوانی به روان اولوب
 سته ثلث و شمایه دوح . بجوار کرم و رحمت بزوان هویت . بنا ایتدو کی
 مسجد ک اولکند مد فوندر بهاری بو یارنجی دیوب غار بنه یازمشدر
 حقا که تاریخ مزبور ایله سکنه مرده قازمشدر **بود**
 جهانیه سرب طومشندی نامی . امیر نظم جینی کم روانی . اهل جانی خوکم نوش
 شود کلو کیم دو شو بستان ایتدی . اسیدوب روح قدسی مدتی ریخ . جنانن پاکه

جان نوری روان

اشعاری ساده و گفتاری عیش و نوشه متعلق اولدوغند کشته در خلق
 ار اسنده اشعاری المومنین بو مقدار ایلده اختصار اولد
 یاره عرض ایتدی ششم سیدنی چشم انگبار با که کوز باشتی کر کمز دیدی لطفندنج
 بولکرا و سنده دوشوب نیمزدی هرگز افتا جام عشقندن سنگ کرا و نه منت
 بنفشه نیچه آچر کو کلام ای جفا پیشه اختر لکه اچلمر کلید اندیشه
 دلر بالرا ایچون غول دیدیلر سنکیچون ایکن کوزک دیدیلر
 شیوه اوکر نمش قمر اول هر و بالادن باشنه بر دسته کل نمش شایه
 شاه عشقم بر قدح میدربنم باشنده کوردی فی دیدی هم کلکل و کوزک آج
 اعلدر سن خطکی لکه روانه کنده که نم قیر زیار بولندن غنازلک مزاج
 کته و شرفه به صره ایلدو تمام تقسیم ایتدی دیونمعت اولندوغی ایا مده رطوبت
 جلدیه سنه خلل ایلر کوز لرینه عتک رمد و زحمت سبب عارض اولد قیده
 شوان برسی دیشدر مسلمانم قیدر بو کم روانه اوندک کجه به وار الی حق
 نه غم کردینو که نقصان کلورس بله دنیا که ایتدر دکن تر قی اچو که قان اولد کوزدی
 سینه آخو اوکر فر کعبه حقی روانه بو قطع ایلدو آب و بر مس
 به روانه کوره لردیر لر بال طونن بر مغن لردیر لر کعبه بویجه زیارت ایدن
 دین و دنیا سنی بیدیر لر عترت نامه اولو بر کتابی واردر طرز مخصوص اوزره
 حقا که بر حقه در که بر در نمکون و بر سطا در که اطعمه کونان معارف ایلدو کوزون
 کاس وجودی شربه و بودر و لطایفکمالی حال انواع لذایذ و ذوقدن
 غیر خایه در بوابیات وصف طعمده اول کتاب بلاغت نظامدندر
 ایدر سه ایل مجلس غله اگرام که یخنی یخنه در غایت دکل خام
 کرامت اهلیدر ایلک تاشا صدر سجاده سن صوا و زره سلما

هر به لطفی غالب یاره دوشش تکلفنیز دلداره دوشش
 کور و مجلبده شاد اولدی سر اچ صوبنوب رقص ایدر نایق کبابی
 نذر مجلبه چاق بویله اقدام پنخون بالوده به کوز دکی بام
 رونق فله دندر باباسنه رونق در لر شهر خورده نه با لکین پاشا
 جامعک خطیبی ایدی نامی محمد و خلصی رونق و منانت نیا و ابیات عالم معاد
 قصر خورق ایدر علوم رسمیه بی کفیل و طریق معنای تکمل ایدو سیاه سونه
 زاده دن ملازم اولد قد صکن مالک و خشم و دینار و لمیچون سمعضا به
 اختیار ایتدی حدود سبعین و فایتمند اشعاری فیا بخش کند و دخی
 لا ابایه و عاتق نقش ایدر بو شعر ایدر
 فنا پشینه سن صال الکنه کیم دهر فایندر دیار فقره سلطان اول که خوش کنج نایندر
 مواعظ و نصایح متعلق بر کن نظم ایتدر بوبیت اول کبابدندر
 دیر جهان زمره و ارغنون طوبطلودر فانی بر اهل درون
 روحی در مدینه علم و کمال و چاکموار دلدل معارف و افضل تنج الکلام
 غیر الحلال عن الحرام و حوم و مغفور مفتی علی صلی الله علیه و آله و سلم
 و نهال و وحش فاضل و کمال ایدی آقا عاقلان حال بدینر دهر جهانگیر
 کمال بوشیکن کرفه رالام لحاق و زوال و کوه عاتق و لعلکار جانن ایکن روح
 روانه عالم قدس روان اولو عاشق دکنه لر نه بی جان خودی بو شعر ایدر
 کوز کو کل سینه نهی جان طولو تصویر کسنگ کون کبی در دخی فنا کوکده در بر کسنگ
 روحی رحوم شیخ الکلام مفتی الانام اچو خود افسدینک کتخای حشر غانک
 او غلای ایدی قامت رعنا سی رباض ملاخده کشیده بالا اولان دلربادن
 تناسب عیالده روح مجسم و لطف معنور اولان دلبرستان لر دندر حقا که بر دهر
 ب

و محبوب مرغوب و بر جوان نثر اثبات بلج الشکل لطیف الاستلوب ایدیکه عالم نظر
و منال کلک امحال و بود بر جهان نقش و تمثال بازلق موی میان کبی محض خیال اید
بر سر و کل اندام و غنچه نازک گفتار و سیر کلام ایدیکه بیلان کلستان شادان
شوا مدح خون گل رخساری و قربان بوستان نظم اولان بلغا سنج کوی قامت بلند باک
ایدی عشاقی جنت و جلال رخشفته بی باک و کوی روحی فداک صد اسبیل
جانرین اول روح پاکه روان ایدرکن و اول عیسی عالم حسن و ملاحظت کلام جان پر
و ادای لطافت کسری بنجه دلمرده عاشق بر ملا متی بر دمه بر سوزیده احیا قلوب
قالب فرسوده لرین جان و بر رکن **نفسیه** جان و بر عیاش شفته و روح روان
جان و بر رکن بولیده عاشق زار جانی و بر دی هر که حیف مرکب بدی جسمی افکار
اول دلمریه بایند به مثل دشمند ایکن حدود دشمن ده مرغ روحی عالم قدس طیران
ایدوب شریک زبند پر و از جان علوی ریاض بقا و بر و از کنان ابدی حالت شعاع
صباح و دیدار و ملاحت روی نماید کبی لطافتن خالی و عار و کدر بر بخت اکر
بنده کس که کرم ایتیمه یار **المزدر** نه کلور کوج نه دآد
نوله بد نام محبت اوسم **روحیا** باقی قلوب چون ابو آد
ریاض ریاض جو در صفای دل کریمان کبی واسع و برینا و صفای حدی
غمزد اسی رنگ سپهرینا اولان شهراستبولدن قول و غلزنند ز نامی علی در قره با
زاده نکا و غلغلی و مرابسی و اسکند چلی تک پرورده لطف و عطای اید حفا که حاوی
معارف و کمال و بهی جامع علوم فطری و مکتبی ریاض قلب معارف آیات شجاعت
کمال ایلد نازه و تر و دوشه دل و جانیه ثمار معارف و انوار لطایف ایلد محض و منضر
قرن حکمت و علم هیئت چش بد زمان و ارسطوی جهان و علم انباده دخی نام هر
و باجمه علوم عقلیه و ریاضیه در عدل و نظیری در اید خدمت و الدجرت احتوا

فرزوری نجات دمدح و اطرا و زره او کو سوز دیر ایدیکه اگر معارف تربیت
و ملاحت تقویت سلطان جهان ایدیکه اول فیده اعیان زماندن اولجا غنچه رب
و کمان ایدریند بر دفعه طریق علم سلوک ایدو فراغت ایدریند کین نه طریقت
فرزوره به عودت ایدو قدح اصحاب علوم سلطان علم و کوی عجم و التروم
جامع فضایل معدود اولان مرحوم بو خود ایدنیک خدمت نرفه لرینه ایدریند شکیکن
رحمت تدیس محض ملا و منصب قضا عین انصاف و خا اولد غنچه عار و عاقبت دنیا
فنا و سپهر به هر که به بقا ایدو کنه واقف او کو طریقتن فراغت ایدو تحصیل تکمیل
کماله صرف محنت ایتندی آخر عمرین طنواره کیده اندن زعانه متصرف اولدن
ریاض جنت و حیاض آفرینه انصاف و حلت ایدو کلامدن منطوق بر لاهی و نجبه
مقاله سی و اردو جوق لایف و تصنیف شروع ایتندی عمر و ایام و سپهر فرجام
مملکت و بر ملکین تمام بولش در اشعار نده چند حالت و اول کلام حلت یوقدر
اکابر دن بر سینه بوقطعه به ویرشدر
سوال ایتدی بکون بن ذره سپنه معارف آسمانیک تو باش
که لطف الله ایدی اولی مجسم معاده غم ایدوب قودی بهار
باشیدی کم قلوب در باب شهده رصد بدخوم قصه کجاست
دیدم ابن عسیر له بنده کوز در **ایکی** قالدق جهانده کوی بهار
ریاضی نزهت و صفاده جان خود مندن کبی ختم و طراوت و لطافت و عریضای
و غوار ارم حدایح و ریاضی قلوب ایل عرفان کبی مرغوب اولان قبضه اسکو بندر
نامی محمد در فارسی دان لک ایلد شهره زمان اولان ریاضی بودر زبان
فارسیکن فایقنه واقف ضرب امثال و مواقع استعماله عار و انغمه امثال
واقرا نندن فایح اولدوغی نور آفتاب علیا کبی لامع و بارق اکثر اشعاری

بخشید ابرام طرز زنده او چنین مصاحبت و کلامی دخی اول طرز او زنده انتظام بود
 بمقوله نه نه نه نه تو غل او زده او تو هر سوزنده نکته و ظرافت قصدن اینکله کتاب تکلف
 و تحمل ایدردی بوجالی اوله اشغاری دخی ترقی به تحمل ایدردی تحمل ترقی و تا تحمل کلک
 و کس نو دزد ای فلک زاکل کن کن پنجه داماده کنین را قلمش پیره زن کن کن
 در دنگ ای خم می صاف مکرش دق ایدردن عجب لبسم نذر طینت پاک کن کن کن کن
 و بیه یه خال غدا که فتنه فتنه بکن قومی بن عاشقه دلخسته ده جانگر
 اگر صوره بن خاکنه اول ایدردی آلال قوری سودا بیده باشی بکر خاندرد کر
 بحر شوی آب لطفه غرق ایدردی بیک دریم معرفت جان ریاضی بنده کوز
 رهنه جلدک می کلکونه دستانه رند لاجره ریاضی باشی آه حق فاش کن
 یوزنه اغیاره دک اول مینا کور شو اول کوفه کا فراره ای دافدا کور شو
 کورتم هر کون رقیب بدلقایه دیشی صورتی انکس التلم بکا کور شو
حرف زاری اسکوید سلطان بایزید خان زمانه فوت اولان شهادت
 و حرم جانیک دونه دونه غلنه نظیره دمی
 کمری تو چنگ اول کیمبری دونه دونه در میان ایندی پنجه سیم وزری دونه دونه
زاری دیگر تو قاتل غایتده خوش نویس و ریاضی ایله دانشمندگی زمانه جلیس
 و انیس ای حرم بیلونه زاده ده دانشمند کن سرخیل شهدا و حرم سلطان طغایه
 کاتب دیوان اولوب اول ولت خلی کاوان عزیزان ایکن قوم شهزاده ملک فقره زمانه
 بی نامشون اولوب جان کنی نظردن بایزید و پنهان او کد بولور انکدر
 بکون حلاله شمع باندن بیه بر بیکف
زاری دیگر استنبول دزد زاری سوزنی دیکله شهروز و سوا میا تندی سوزن
 اینجه خیال بولخله مذکور در غایتده می بیت و جامش منو تن ایله مدام است

ایدی هنگام بار دده که ایام کل مل و زمان غلغل صوت بلبل در تناول راحت
 رسنه شاعانه ایام کل کل کی بجانه بیزدو کل سیرایه الدن قوز ایدی
 دلبر اوله و کل اچله اچین کشت صبر بیده بیل می طونه لم شاع اولک و ایام صیفه
 زمان حواریت هوا و اوان کر میت کرما در جان آتش بر غور نشنه دل آب صومر
 رنگ آتشده عجب آب دکلی جناب دیو کا خون در و ندم اولان آتش مکنونی
 شکین ایچون ساغ زربنی کوکلی ایدردی و فصل خوانده که خراج عالم تب بلا و مرض
 عارض و لغله روی رغوان زغوان اوکوا شجاری زغوان دوشدر اوراق
 کل غنا پریشان اولدیه جام کلغام مدام الده اچلسون و برک زان ریزان
 رولور سه جوئه می رغوان بیر صاچلسون دیرید و دم شاده قلبه آتش بر غو
 حواریت کیفیت می ایله دفع بردت دمی ایکنید عجایب حالان در که **معراج**
 النده طور میوب جام شراب رغوان دتر ایکن بینه استاد سوزنکر ایدیه
 آقا با شغاری مشرق مداحدن طلوع و بروز ایکن معنوی مطبوع اولد و غنن
 غیر بر ملاحت و بر سوزدر سه سین دسح مایه ده نقاشی و نورک نقاشی
 قلسون دیو خاک لحد ده سوزن فنا ایله خاکیرین ایدوب سوزن اجل ایله دیده جان
 کوز قاره سن شکیده بویارین اغرنجه تا کیم نظری پاک اوله دیداره و ارنجه
 کور دکن خط اعلنی جان ایتدی شهادت یوز سورد و کینه مهر سلیمان و ارنجه
 یار یله کوز نکر دیه لر زاری بر کون بویله ادکار و کربسی الله اوکارجه
 می کیفیات جهان سروری درور بر جامنه هزار زاری دری درور
 کنج میخانه جای کلنجه قید دنیا دلا بر کلنجه بهواندر الینه ساغالا شیر نر بله طو تر پنجه
 بر کوزل صلتیه ایدردی قاری نیاده او غره پنجه ایله نه دکلی طر طویل غم کونه بوروشش پنجه
 نند غصه حکم بوزار بر ایکی جامله او کور پنجه **زغوان** خاک زمینی غیرت فرای سک و عنبر

ب
دکتر می بوی انکدر

سوای جانتو اسی وصال زمانه کی صفا کستر اولان شهر در نه دندر سلطان سکیم مایه
 زمانه کوا و خنده انتقال ایدوب عمر نیک زمانه اخوا و شدرا احمد پانک انش غولنه
 دیدم نار غدار که دند زلف سپه جانما دیدی اول کوز لرم نوری بخون و لمر دخت
زمانه ثانی بودخی در نه دن وجود بولان شود در نامی خود در اول مخلصی سماعی ایدوب
 آرزوی جاه و جلال و هوا و مناصب و معال حرنوری دانشمند کردن فراغته داعی
 اولمغله خدمت شهادت سلطان مصطفی یساعی او شید آخرت قتل شهزاده ده اکلان بویا
 کاکل دبران کبی تار و مار و شیرین اولد قح در نور دخی نقطه دمان جوانان منال نابیدا
 و زمان او شیدی طبعی شوره ملازم اولمغله نظم و اشعار آبداره مداوم ایدوب شوا کند
 نگار کفایتی خطی و جسدن غبار بخت بنه آینه عالم نماده رنگبار را بخون
 بلر که قصدی زنده اغیاری کرد و کورن مسوز زبانی سکبان اولو کت
زمینی سحت زمینی بطن زماندن واسع ایدوب که نور آفتاب عالم کی طبع و طبع
 اولوب بلدان جهان اصل الاصول اولان شهر استنبول دن نامی خود در زمانه نقش
 ملاحت زمان و زمینی و سپهرین و صباحتک خورشید چار زمینی لغین مرحوم حتی حلی
 رفونک شیفه سی و باشر اچوق فریفته سی ایدی استی حلی آخرت حلت ایدوب کدن
 طبعی علی ترک ایدوب رغامت سمند رغبت انجیدی هم سن و همای اولان دلبز میال
 کشفی زاده و بملکه موف بر سر و آزاده ایدوب اندر نه عشق و ارتباط و شیر و کرکی
 ارالنده الفت و اختلاط ایدوب بربری ایدوب مطایبه لری دار ایدوب کم خور و خوش و تلخ
 زمینی دید و مگدن خلصو که بریم دیک مبد یعنی مرادک زمینی فی غلیظ و تفرج ایدوب دیشدر
 عجیب اسنخاس مندا کشفی عطا کیده جهان خلقن طوبیرک اشغاری خود کلام موزون موزون
 دنیا فچنگه تازه لنوب نوبه را اوله قانوب شمله بر یوزی هم لاله زار اوله
زمینی هوا چنان فراسی رز و صول دبران کبی فیروز اولان شهر سیر و دند

کردن

کردن خوانی وجود ان نیک نیک و زینتی اولان قلا ده علم و معرفت ایدوب اول
 و جان خزن و محلی و آینه سینه سی مصقل عیان و دانش ایدوب مصقل و محلی ایکن
 جفا و صد حیف که نهال جودی صرصر حوادث ایدوب بر کوب بار اولو کدن جهانده
 و بر خور دار اولد اگر بو عالم فایده عمر و عمر نه بر عای همک حسن تربیتنه مظهر اولد
 کبار خواندن اوستی محقق و مغرور ایدوب صحنه دانشمند ایکن سنه ثانی و سنین و سنین
 بوس تان عمر نیک نیک و زینتی و رونق و ملاحتی کجوب بکار حیانه خوان مجا بدل
 اولو کس فرود وجود نه سر منزل عدم محل اولد فوتنه فوت زینتی تاریخ دوشند
 سیه فوتنه فوت نوب کیر سه حمامه او مپیر خلا بطلان حلی آبی طوندی طلیق و بربر
 اینوب ابر سفید ابر احاطه ماه تابانی سورند کجه و ابر خلوتنه صابون اولد
 مدد اولد ردی بنی اسی هم شهر آشوب اولوندا نه رولر و خدایه اسلوب
 دامن آوده و دستار پرن یقه چا قیو که کلدی سینه زینتی رسوای
 یوزک فراسی کند و کالور حجابله ای ماه قرشومه کل اول آفتابله
زمینی زینل پاد افشار آل عثمان سلطان سلیم خان ماضی نیک و ذرا عاقلانند
 بعض نفات عیادن استماع اولمغشید که سلطان خور مذکور کتختن ذن بخور
 اولو شکار و دنا طایفه زنان نر کبی کور و ب اردوی میا یونند کزدوب میان
 صیغره کبیرده تشبیر المیش خورک جویا نکه ماستی و علما و حواله خلی میا بستی و ایدوب
 دور کلدده و شیموب الدن باغی لاله نیک بریم کلشنده یار پر چو راغی لاله نیک
زمینی لطیفی قسطونی ناه سند قسطونی دند بر و دهنور کت دختر سعد
 اختری در دیکدر لکن عاشق حلی اما سینه بی بر قشای کت فرزند دیکدر
 و العلم عند الملک العلام بر خوانی مقال و ما الثانیث لاسم الشمس عیب
 ولا التذکیر فی الملهال همان عیبی اول ایدوب که حسب طایفه زماندن مودو

برقرار

ندر

بخوا کند

و ناخمس نه فرجامی جوین رجاله موجود و کلیدی اما که حلیه رجال اولی معارف کمال
 ایله محلی و ترین زو نه ناقصات العقلین کین کاملر مایند خیل مکتوم معنون و و
 معارف و کمال تنو اختفا و نقاب احتیاج بله مخفی و مستور و ایوب کلکونه ملاحات
 و خط و خال طافله مرغوب و منظوم و جهور و المغین مطلع انظار مردوزن و و
 مری ایله مصاحب و معاصر و ارالین ساغ مطایبه و عده دایر او کو مایلین
 حماه نامه طایر المخله جوق لطایحی هر اولدر سلطان محمد خان نامه ترتیب و و
 ایلمد و بونول مردانسی بوجوین و فانه کسر اولدر **اول**
 کشف اب نقابکی بری کو کی منورایت بو عالم غاصری فردوس انواریت
 و برت لبو کی جوشه کتور حوض کوثری **عبر** صیحو کی جوز بوجوانه معطرایت
 خطک برات یزدی صبا به دید کی تیر **و** ارملکت خطایله جینی سحرایت
 آب حیات و لمیج قسمت ای کو کل **یک** بیل کرک خضره سیکندرایت
 زینب قویلی زینت دنیا به زین **و** دانا و آرساده دل اول ترک زوریت
زینی قید تکلف و تصفدن سرو مشال آزاده او کو کایا جوده حال من عقل و سداد
 به باد داده اولان سهو آفاق کاتب آره درامی زیر کعبه بدین المخله خلص و خیر
 کند و به چنین اتمیدی نه کم مضالین و کسر در **و** عا و تلک بوسنده دینی
 محبت و خلصک افتاده زینی **و** و یو سعادت رفیق علم سلوک اید کده اکثر ای بر و اعظم
 او کده دیر جکوب بعض مانع مانع هم زانو **و** المخله به معارف و کمالاته به الملو اتمید
 و زرکامل اعتبارینی بوته و جی به و است تغالد قال ایتمکله تحصیل نام نیکو قلمند
 باباسی و زهر غظم محمد شاک کاتب تری المخله مشال و قراندن تفوق **ایدوب**
 سوا حق و انتب و مناصبه تعلیم تسلی **ایتمیدی** جده و وزیر و سردار عا کر
 حضرت شاعر دلیر معرکه و شیر پشته کبر و دار اولان **لالا** مصطفی پایله باباسنک

حقوق سابقه ای المخله بخته محمود پادشاه این جهان اید کده بر طلاب
 اول و زبرکایا به علو اید و خیل کفت و کو اتمید **جده** و زهر **و** شیر **و** فخر
 سجاغت میدانک و در کین **و** بهیبت و صلابت پشته زانیک سیر غنی
 ابو کبر صلابت و عمر مهابت عثمان جبار و حیدر سجاغت عثمان شاه قتلری مدبر و و
 عثمانیان اولد قن شرایط حقوق سابقه طاهر و عیان ایوب پایله لک ایله
 قلندر خانه مدرسه این جهان اید **حقا** که دیوانه شرب و لالایه کردن دل و جان
 قلا ده قید بکشدن ضایع **عجایب** کفایتی و غایب اشعاری و نوح و بیانه کلر
 و تر و توفیر صغیر **و** وضع و احوال و ار در جمله دن فکر اولد و غنی و دست
 جلب و اخذی تید که کس نه لک اموال و اسباب **و** عید و اب قلیل و کثیر ممکن
 اولان در اهرم و دنا یسرن غضب و غارت طوقی ایله الوب بر آلا نی ایله اعطا ایلمه
 کند و به نهامت سخاوت و برادر لیتک لم تر نه و لم تصدع **مضمون** دن غافل
 کج عطایا به کام از اس کنیت **فوا** سدن امل المخله عجب معانه ابر **و**
 کاتب زاده لک نه منی ایله کبر و امکان **عل** کفصل اشعار دکن سنه خیل اعتقاد
 و ار در حقا که اشعاری خیل شیرین و مرز دار **نقل** الی صغار و بکار **و** المخله
 نه در اشعار اولدر **تخصیص** کند و نک بلقیس نام بر قری طوغد قن تواریخی
 دیوب صحایف اگوان کلام غایت شام **و** ابیات بدیحه تصفاتی ایله طومند
 که پدر فوتیله یا نوب یا قلوب **که** کو کل **مصر** صرندن بقلوب
 ناکه اولاده دشو رب کو کل **اکلیم** در دم پریشان عقلی
 اکلیم دیوانه کو کل **برز** **طف** لجان اولالو انر و ز
 چون طغوز یوز کسک **النسی** **عسری** لک **رود** **کوفه** طوغدی بر قزم رانین
 حقه جوق حمد ایدم با صدین **وزیر** عظم عثمان پادشاه قتلری و لایب شروانین

فتح و تسخیر بی بدله علا و ده ممالک عثمانی اند که تهنیت فتح چون دید که ایشان به وجه
اولی و فخر نادره کویان اولان دیوانه انانچین میسر و اول ایشان بود در
بوگون میدان رزم اچین سن ایندی که فتح شروان و مارن ایدر سن من بعد زمین ابرن و

بعضی کابر کار و سه دن بصدق ایال ایندی که بمنسوب بو بیتی کوندر
افندم با که کوندرش نقش عجب بصدق نه بصدق نه قولندق نه طولدرق خود
انته قولنموب اصلاتماش اچلیچون خلعه او او زنا سینه بر ایدر قتی محکم حکوب
بوسفام بردستی در نور دن عاریه بر آت است که در دیم
ای ستمی حسن پیغان با نجات جان بیده بو که در دکل بر ارجی آت
و قیاس نانی عید اکریدر مردی چلی نیک کویک فزنده ایدر
بابا سی علی چلی پنج زبان غلطه امینی او غله امین زاده دیکله شهرور در خور
علی چلی دخی سپاه طغویه زمره سندن اهل موقت و اعان و ایل ایلک مصحبت
ایدی بو دنده دفتر دارال اولد قس کن تمشیر سیکایه رعایت ایلد قانع و قانع الب
اولمیدر ادغلی و بوردی تکمیل صفاتنه داعی الموحین رحوم اچو خود افندیک
منظر آفتاب التفات مطمح انوار ذات خورشید صفاتنه او کو خدمت بر برکتندن
ملازمت میسر اولد قس کن تکمیل صفاتنه طحی ترا حل و قطع منازل ایدر
دولت تدبیر و اهل نایل و سیکس با احوادث اقصایله سر و تمام وجودی
ستم قضایه نایل ایدر جرمی سیکتر اولد قس قضایه طوه دن منفصل ایدر
خط نسخ و خلیفه کی اشعاری دخی خوب و نازک مرعوب در بو اشعاری نظری
بوند که به کوزرا اچو بون فقره ایال ایندی عمره سورس بر یک دفعه و صفای
کعبه کوبن طواف این ساعیا منور قدی جان بزمین لا بویه جانانک

خدا اسککلین کو سترسون اولان نایک او کوزدی او که دل نقطه دیکله
افندی جانیر اولیدی قضایه الغایب آیدر بر قشک اکر دی دمان ماه نو
مهر ابردی عینک کو کلنده و کاسه اکر زلفک التذه و قریز اولدی صنفه عافیک
دو ستم ناز کلکندن در بولندن نیم فیر **و** استنولدن با می مصطفی در

نفا شکله مانه مانه و نانه مانه از نیک نقش و تصویر بدن رنگ آوب
مصوران چین نقشه جبران اولوب هنر اچین ایلد صد آفرین ایدر انا قلم
کور دکه **و** قالدرو و خام صفت بر معن بیان کتور دست بهر دانشانه
رسم صورت اکون ایلد جمله عالم صورت پرست اولور و کلس بنفنده تربیت نین
ایدو کی ساغوزین و قدح سیمین سیر ایدر مد هوش و مست و اور طلب کال
موقت و تحصیل لوازم بلخته ساعی و رعایت صنایع تام داعی نقش صورخانه
ماهر و در ایدر دخی خواهی و خواهی او زمره رسم و تصویر ایلک قاردر و بوزمانه
در و دیوار بلختی بر نقش و نگار ایدر خواهی فصاحت شعار در نذر شوا زمانه
بعضنه هنر مطایبه بوزنده رنجر ایدر نقش کچشد ابرادی موجب الطباب
و انشار در هنر تشناید در امید در که سخی تمام و جهد و اقدام ایلد کمال
اشتهاری دخی زیاده و اسباب قبول اعتباری صنفه حصول موضوع و آماره
اوله بو کتابه املا اوغچون ارسال ایدر دخی اشعار دندر

ایحی صوندک بزه مجلس طولو جام الکدک پایله یینه بزدن بکانام
زیبا پرستی خور زین او دلسر خوبان شهر شکله دوشدی خیره
سینه چکدم اونا زک بدنک سینه سنی داغ عشق کویجه ناز لدم پنه سنی
نوز اول سیم کافوری و هم جسم کلاه حقیر سینه یه کینه سی محو حد ریا
راستی منظر لند و ارمیچون نیرک بچیدی انکشتکه افانی کان بیکر

ساعتی ساغ صفا مظهر وجودی نامی محمد در انا طوی و لا یسند ندر کثیر الراس
 و کبیر العمامه مکل چشم و مرقع جامه لاکل الاجل تغیر شکل بدن اهل بایک مجلسی و بر جوب
حافظ واعطان کین جلو در محراب منبر میکنند چون بجلوت میروند کج روی میکنند
 تنها و عیش نوشدن دم ورن مردان بر صفاتک انبسی ایدی طلا قوسان و عذوب
 بیانی اولد و غنن بازار و غننی هر بار گرم و پنج پولاد دلقی آتش بند و صحت
 ابد نرم ابد و بلبابت ردم و انا طوی چه شهر شهر سیاحت و هر و لا ینک امر او اغنیای
 صحت ابد و انا طوی و هنر لیانه تصنیف اید و کماله و مقاله بید و عذر در قعداد
 موجب غرت بلکه مورث نکبت در حیف اول جواهر و اهر عماره که بموقوله مملاته
 صرف و اینار اولد و مدام اوقات و عاتق بوکونه تر ناکه که ایلیم بالکرم مندا فرای
 حقتن ایکی یک بتین زیاده مملاته دارد در تجا و زلزله عین سیایه و محی باباله جمعه
 برنم جانده کاکلک بجا بکدر سنبل صتر در درخساری طراوت مجلسند کل صتر
 بر کجا بارک غنله روی زردم و ارنم بر کجا دیو قبیله نیردم و ارنم
 بر کجا ایل جوریل آه سردم و ارنم قنقی برین دبیرین بیک درلودردم و ارنم
 نیچمیل حکیم محبت عالمنه حسنه بر نظر کوستر مدیر جان روی راجحه
 کرچه درلودرد که اغله طیبیه عین قنقی برین اغلین بیک درلودردم و ارنم
ساغی ساغ صفا مظهر وجودی خاک پاک در نه دندر سرشته و صلصال جات
 اول هنر سوده صفا کنگ آب و تراب ایل آغشته اوغله بیانه وجودی خندان عالم
 امکانده دایره اولوب اول مدینه بی قرینه نکالیمی میانند قراز علی دیکله ستر
 مرادی و حاضر او کسر مطایبات و نوادرده خلی مهر نظیری که اهل ساز
 بریط نواز می و محبوبک آشفته بی و صحت انکالفته می ایدی جنگشال قاتی
 پر لک دال او شیکین ثمن و کبی سرو قدر هوای با شدن کتمندی و نشان

کیفیت

کیفیت شب بدن کچش مست و خواب یکین هرگز شرب شرابن کچش ایدی منوزی و
 محبوبدن فارغ البال اولد و غنم بوییتی شاد حالدر
 چنگ خمیت فامنه دوندی قدی منوز نه سازی قودی ساغی الدن نه ساغی
 پیر اولدی ساغی قوخر الدن باله دوشدی عصایه نر کس زین قیج کبی
 طبع هنر لده و وف تهنج اوزره دیوانه و زمانه بجا و بیاده خلی نام و شان
 اوغله غالب شاع اقران ایدی بیانه وجودی خندان جهانده سنک حوادنه شکسته
 و منکسر اوغله برنم حیانه نه زمان دایره اولوب غایتن عمر او شیدی فارغ فسططنه
 اولان سلطان محمد خان دورنه تیشوب در حوم سلطان سلیمان خانک و ایل سلطنت
 و فرمان روانه سند و اداع عالم فانی اید و ساغ صفا کستر جاتنه شول فاشمول
 مات پر او کو مجوز سر کردی ترک برنم جهان تیشور او کو عمر نزع صحت صلاحه راجه
 و اید و کج قباچ و معاصیه نایب هزار قرض و زاری ایل جناب کرم توابه راجه و اید
 او کو قبر بنی حاضر لبوب قازدرش و خزانیک حواله بین نهال ایدام و شفا لواله
 زین اید و بوابیانه سنک خرابینه یازدرشدر انکی چون خرامم او ستند
 بن بواش جاری بویه وضع ایدم که کورن صویدین بلیه عالم بوجان کچر نیکدم ندم
 بر بوی سر و چشمی دایمک شفقوسینه طویدم کتدم یارمه عرض ایتمکیم و ارنم بن جوانه
 کوریک بک بدن بر مجنون اولور جانانه آشناک اولوب بنی یاد ایلیم دیوسکا
 دوستم قان اغرم کورد که هر سیکانه قلبه دن قصه زخه سندنر
 بالدر آده دیکله هنره دار و دیار اوغین مخلص زبوری اختیار ایتد
 لطیفی مدحتن اوا ایدوب قمر و ثنا سندن اطباء قان ایله خلی قلیوب
 ایل دقت بلکه مودیدیلر اوکل اکلدی یوقدر او دیدیلر غنجه الحاری غنجه لیبی کورد قنقی کلدی بونه
 کونیر ناله بیلد کورد و ایل و ایل بو ایدیلر کورد و ایلر سبیل اسکال چون قنذن اولدی

بوقلو و صودیدیلر

بودیدیلر
 بوقلو و صودیدیلر

عاشق جلی دخی تندرسته سندن قول مروری اکا اسناد ایدو اگر چه در جبال افندی
 مرحوم د نعل اید مدعاسنه سندن کتورسد و لکن بایک بوخل مشهوری دخی اکا اسناد
 اینمکه دعواسنه شهره ابرار و ایراد ایشدر اولی بورد
 باغک کلی سنبلی هر و نرفته سی باری کلور دیو قو دیر کوزجی نرکس
 غل بر نور بالی نک ایدو کتواتر مشهور در **سالی** ادر نه لیدر کا غلطه ده غب
 و کاسیج دیار غب اولوب طریق سیاحت مرد سالی و بو بولده قادرا اولد قبحه
 مضاب موفک مالکی هر شهرک ساکن بخانه سی **ع** شاد شمع شرابک سوخته پروانه سی
 ایدی بو سوزا کدر یار نسیم عجبی سینه ماهرانه جنگ راز درونی دیکه اولور بجهان جنگ
سندی نامی محمد در روم ایلند کبیر دندون تقوفا مایل اوکو مجاهد و حالسوز
 قال ایلد مطالعه کتب و سائل علم توحید مشغول متوغل ایدر زمانه دیکله مشا اولان
 ملحد ضال و شیطان بد فعال تقیض اولندون بفرقه کلی خوف و هراس غالب
 اولغین مرحوم ابو حو داندیک مجلس فضایل استبنا سرینه وار و کند و خفاص ایشیدی
 لکن بو حالت قبلند بر ایدوب در دندون جای کبر اولان ابرو رده دماغه نایز ایدن
 قوای عافیه سنده انکار باطله عارض اوکو دار افتاده در زنجیر ایلیدر یار اشدن بر
 مروره اول ایشاده دیوانه دیو خطا با ایدکن عاقلانه بولم جواب دیرسد
 دیوانه محوان و انجاری دیوانه توجیه که عقل دار اول حالکدن افاق بولموب
 قطره قطره سینم اوزره اشک صنم ای سیر آتش جوانم سبیم قبردی سرش
سپاهی استبولدن صوبوی ناوی اولان حسن بیگ ایلیدر منتظر زعامت
 جوان نیک خصلندر طریق بلاغت و فصاحت مرداگای دقن فرویت کبی فرسده
 دخی کرچکدن سپاهی در اکثر اشعار شراب کلناری و ساق کلخاری وصف و مدح
 اولغین کیفیت ملاحظه حال و عکار دکلدر بواسعار انگ کفار نندرد

دل دیر کوی کلزار جهان اولد و چون میل ایدر بیکله ششمه جان اولد و خون
 خوابدن خانه لرین چشمک ایدم خایه هر کج خیل خایو که مکان اولد و چون
 با که شوبله جیب با کبر شراب ساقی دفع ایدم تا کیم غم روز جیب ساقی
 آب اتوی یوریه ایدو که یوز قاره روز خنده صفای کبی صفاس صوفی
 ایچسی شرعی دکل اسکدی بوخی باب شمدی خلوتده صقر نازه شرابین صوفی
سیری سیره زار جهان غایبه ممدوح مقبول اولوب بلدان عالم شریحات
 اچمه مداح و محاسنی خارج حیطة ظنون و عقول اولان قبه الامام شهر استبول
 و محلات پیر برکاتدن محله اجله اولان داود شاکله سندن حافظ کلام ملک
 عظام و تجوید قرآن مقبول نام اولغین علم اولشدر اشعار و ابیات سید
 و ارقام در بر مقدار بنده انتظام و ربوب تربیت یوان ایشدر اکثر حکما روی
 هو شان کبی ساره و طالع ناخود مندان کبی کشاده در بو ابیات زبور کلماتند
 بر قدی کلشن اچینه اوحدی کل کلر مدد ایدر شراب کلنار
 کیمکه عشقکه یانوب کندوزنه خاک ایدر مزج اهل فنا اچره یولن پاک ایدر مز
 دل دین اولدی فدا بولمکه جانده سنگ ال جفلو غن ایدن هکره دین ک ایدر مز
 بنده عشقک اولان لیر پادشاهی استمز سایه زلفک تر ظل عیالی نلسون
تجودی قلغان دلدن در نجه زمان سهام آلام و احوانه سینه سن قلغان
 ایدوب بر پائین حوادث ایام نشان اولمشکین شایخ جعفر جلیک نوازش
 واحسانه و وزیران کپرور و معال کتر و حوم پیری پاشانک لطف کیران
 ایلد کاتب دیوان اولد قدس کل بلوکاتی اولمشدی بو بیت ایلد دینر فوتدن
 بو کدین قبیله یی جفا قلیچ خورش کوندر اوق کبی نه بنده کل قلغان دلنه
 روانه حوم سلطان بزم خانه برف رویف قصیده سی ایلد مدح ایدکن برف

صفان دین و انجاری

برابر دشنه در انگله دل شکستم از دلق او کور دیو بجودی دیو **سدر**
 صوق سوز لرله طولدر دگر رو **•** باشو که طولور بخون روانی **•** حوا **•**
 یوزک طوفندقی بر بوق بجود **•** انجمن دیدلر که بجودی **•** اول
 انبده که فاقی پیرکله لام اولوب ملک الموت سلمان المعجون رکوع داروب
 تمام احترام انجمنیدی عاقبت روی بجودی **•** وجهه نیازا معدودی خاک درگاه
 چاره زبرجوده **•** سوروب یوزینی اول سجده دن قلدر شد قهر فصاحت و بلاغی
 نقش خیالدر ساجده اولان شوازمه سندنر بواشکار کدر **•**
 صحنه میل نغمه سیای کلعدار اکبرینی **•** کلشن عشقکه بوفریادوزار اکبرینی
 فرستکده و بدم مرد ملکایر کوی **•** باشی جوق اوسون بو چشم انگبار اکبرینی
 سلطان بیدار خان **•** شجر ملک ابران دتوران **•** هندن ابدکون تو بارنجی **•** بشیر
 نه طور رسن طواری نه عادل **•** بوله کیر زادله زواده ایلمه **•**
 غنبله کچوی دیو شورب **•** حد دن اندازه دن زیاده ایلمه **•**
 تا که عالمده اوله بر تارنج **•** شاهی ات ایلمه کل پیاده ایلمه **•** سیاهی
 دیار عجبده غایت حسن و ملاحله **•** بدان جهانندن ممتاز **•** وکلتن مالک ایرا
 دتوران **•** اچره سردر غنایکی جمله دن سرفراز **•** اولوب اکثر خلقی دقیقه شناس
 و نکته دان **•** اولان نصبت مده اندر منظره چار طاق غایت عناصر **•** بخره
 رواق ادراک عقل عاشر **•** شهنشاه زبان **•** روح سلطان سلیمان خان آفتاب
 زشتان **•** وشمس نور افشان **•** سیر مشرقین **•** ایندو کی غم سفر و اقیان
 ایدوب تیرزه وار دقیز **•** حرفی علما **•** دستیکر فضل **•** اولان صدر عالی قدر
 قدری افندی مندا **•** تو ملک اهلیت **•** و معارف و کماله قابلیت **•** کور و لطف
 بجایک سیاهی ایلمه کلشن وجودی سیراب و سبز زار طبعی **•** باران جود

بیکرانی ایلمه سر سبز و شاد **•** ایدوب انواع رعایت و غایت مرقومی و بارور
 کوز میشدی **•** و حوم مرقوم تربیت بیدور قومی ایلمه خاقان مغفور و مرقوم غنی **•**
 اولوب جناب ملک نصبا بندن نور اولدوغی ترجمه کیمیا سعادت **•** انجمنه نیک
 و مانند مورجل چادی **•** ایدوب جناب سلیمان **•** ایندک سلطان ملک خصلت کیمیا
 سولات و اکسیر تا شیردگت اولان لطف و زرافتنه مظهر **•** و دین چاکل
 جلاء احسان **•** ایلمه شوز اولوب کشت زار رجا **•** وکلتن امیدی سیاهی
 و ابر دریا بار عطا کیمله محفوریان **•** و قبول قبول سلطان **•** باغ و راغ احوالنه
 ایلمه **•** مصب باران لطف و احسان **•** اولمیدی سیه چین و نسج مایه ده **•** اچره
 عنا صر سکا تفع دن مجتعه اولان سیاهی وجودی **•** نیم پروردگار ایلمه پیرشان
 و تار و مار اولمیدر **•** دیدی سلمان و فائنه تاریخ **•** روح پاک سیاهی به حمت
 فارسی و ترکی اشغاری **•** مقبول مهر غوب کفاری **•** و اردر بوخسر **•** انکدر
 غمک خدنک صفا سینه جاکیم **•** فور قتمه خنوخ کله که انک **•** سلا کیم
 دلرا غبار ذوق و صلتی عشاق **•** ایلمه **•** ملک جلاب ارر بر وانه استرنا روزگار
 جنون مستدای زلف طایبان **•** اویان ملر **•** پرش خاواک حالن پیران **•** اویان ملر
 برنم عشقک بر عجب قلمو شراب وارش **•** کیم سرشت قدن انک جاب **•** وارش
 جوعه و صل **•** اچدن پمانه عمر اولدو **•** ایلمه **•** دریا جلدیم عمرک شتاب **•** وارش
 کوزنده سیم **•** انک **•** سیم **•** اوزره دانم **•** کدای کوی عشق **•** بلمه **•** رزدن فراغ وار
 اگر چه صبح عینم **•** شام غدن **•** اینه **•** در لیکن **•** خیال شمع رخسار کلمه بر روشن **•** جوام وار
• سیاهی **•** در کیم **•** هر دو **•** منصب **•** بدن **•** مایوس **•** اولوب **•** ش **•** بدان **•** علم **•** بقا **•** ایلمه
 مانوس **•** اولدو **•** بوز **•** انکدر **•** غنمه **•** المن **•** بنون **•** دنیا **•** یارم **•** اوسه **•** نهری **•** جوقدن **•** ترک **•** ایدوم
• سیاهی **•** اوزنه **•** لیدر **•** نامی **•** محدر **•** کمال **•** باش **•** زلف **•** و حومک **•** درنه **•** قالی **•** کیم

وزان

ایلمه

حکم سند کا تب اولو بعد اولان قصاۃ زمانہ کا تب مسکات ترقیہ و خورشید کو
 و وقفہ اوغلا کا تب اولور د عاشق چلی تذکرہ سند خلی مریح و ثنائیدوب
 حقنہ کلی اوغلا بتذر اشعار سفدن خلی ایرواشتی داریدی کہ محاسب ہم و خیال
 عہد حمر و تعداد دن بیرون اوقاف محال اید و دست خطی ایلم اولور کونوا در اخبار
 و لقا یفا اشعار و حکایا و اسمار بارشیدی کہ دیر جوج اشر کو الکتابت و سیار
 اید نطفہ دو کہ حساب و شمار ایتمک مجال و غندی و خزانه حافظہ سند اولور د کلو
 جواہر زو اهر و اید کی الام حجت عاشق بی صبر و جور و جفای د لبرجی ہر دن
 از تو غندی عاشق چلی زو بری اسلام بیگل ادبہ دعوت ایدوب و قطعہ بی
 ای کلام بیخی سو حلال دیک کہ نظیرہ ادر محال کلک اسلام بیگل اودا ہست
 اولم عالم صفا سند وقت کلد زمان نوش ترا لب دریا در رشتہ مہتاب
 اچلم جامی زور تی کلیم بحر اندوہ و غصہ دن کلیم در نور و فی مست شراب بولند قح
 ابرسی بو کوہ جواب باروب کو نذر مسد ابلش سن بازوب بکم نام
 کا و عشق دعوت اسلام سمدی بلکہ دولتم غمیش بہر خاصہ لیا قتم غمیش
 بوشو انکدر اقام دولت انبہ سوار اول ہر کون اش خلق بشیر سولہ اولور د سوز
 سی استبولدن قیرغی دیکلہ سوز اید ارباقلم و اصحاب قم ایکن اکا کاش
 ایدرد عیاش و فلکاش رند و او باش خم می کبی بران شرابز اولور د
 و بیانہ مثال بادشاہ سوز دم و کت قمر دی بافت رمانی روح تابندر دیوعل
 فامسز و کت و ایدر و کس لالہ کی جام و بیالہ الدن قورن عجب مدد دیر اید
 مزبور حسن چلی جلیہ دفتر دار اولد قح بیکہ کیدوب اندہ آت بازار ای امینی اوغلا
 میدان و ہاندہ خوش و اہ سوار اولور نطفہ فلکدہ بیار قلمیکن مراد اتنی
 سور محکمہ فی الحال رخ فیروزی ظاہر و بدیدار اولر سیدہ اتفاق کچہ اودہ سہ

نسخہ مسکات ترقیہ
 نسخہ مسکات ترقیہ
 نسخہ مسکات ترقیہ

بر جوان کتوزوب سمع مثال اول د لبر ملامی قونہ قوبوب صبح دکل و اد
 اورزہ نایل دوق وصال اولد قح ابرسی جوانک قاربی ہر بری افای عقیاب
 کبی مزبورہ اوغلا و غلانہ کن دربع و دامن الودہ ابرالا و احلیت تہیا
 اولان او سناپ بہ ایلدوب یاں و قومک الف انکدر دفتر دار ہر جہن عدو
 اوغلا قصد انتقام ایتشدی و اشکینہ کوجی تیمیک بالانی دو کلمہ معانی اظہار
 قلمسندی عاقبت اول نمقلہ در در و مذک عضو موہودی قطع و نال جو لبتین
 باغ خلقتدن قطع اندی عجیب جلال و غایب انفا قاتند کہ قیرغی دیکلہ سوز اولور
 نام رجولیتی ہر مقدار نقصان اوزد ایکن عضو موہودی قطع اوغلا اول حالند
 بالکلیہ جوان اورزہ اولور سوزیک حادثہ ای سبتبولع استماع اولد قح غمیش
 و ایلی قیرغی اولدی خدام اشعار و حلال اولان شواہد شیر مرغ لند ر
 علی لکھنوی تاریخ ہمارت و بو طرز خصوص خلی شہر دار در قندی شہر حلت
 آہ و حیف قندی رحلت اید درستم پاشا کزار فرارندہ دیمدر
 اصف سلطان بہمان کلدی کجی برینہ و زبر و قومک برادری فتودان
 سنن پاشا ک وفاتہ بو تاریخ ابیات کی خوندر
 دیر را خفاہ ملک بنی فوج داخی او کور کشتیان ہر قج دم چکنہ ننگ اجل
 قواہ جہ کلیہ اکا عاتق و نفا فی ایدی احبابہ کور یوز و فی عدو کوزیدہ نشان
 سوا کل دغای خیر ایدہ لم روح پاکینی شاد اید کجای ناتف غیب دیدی تاریخین
 طلہی حمت د کتر نہ بودا استی چلی و حومک شام قانیغندہ دیمدر
 الدکینہ دمشق قجکیلہ کجی و زہ اعظم رستم یاں موزول اولد قح قوندانی
 فتودان مزبور بنا بنی اولان حسن چلی حال و لند قح بوطعہ غامی استان
 بری اودن انک بری فتودن بو نری صنم سن کیدر فتودن

بو تاریخ دیمدر

ایندک دیمدر

اولمید

غل و نس نو لا این بنا **یا پو طاشی قنور می هیچ یا پودن**
 آکسی سترم جسم ستر تازه داغ الو **برای توردی سوتر قهرم ادا فی جانی و لو**
 جهانه سینه سی و ستند بهر کم تازه جان **دخی و ق و صفای کیم جان اوزره جان بلر**
 شوخ شکر نذر نذر مزنده دلبر در شراب **باشی و ستند اند غنچه جباب**
 برنده ساقی هوا سبیل حارت گسیب **سوی با صنف جباب و لا عوق و کدی شراب**
 آیت حنکا و قنما سون دیو جان علط **بازدی قدرت کاتبی برو که مذحاک لفظ**
سرور ولایت محمد ز سلطان سلیم ماضی زمانه فوت آلود بود نیا نک سروری لطف
 عین شرور در دود یا عقبار سرور **اولی و قدیم سر و بیشتر** بو عالم فکانه ادا
 اولغله و حقیقی بهر بیشتر **اگر چه اشغاری بشمار در لکن بن قبول بعضی طالع و ادا**
 دین پرنده خاک کسی ای را حرم **مسکه بزرگم قزل و الاده اولشدر زمان**
سرور نامی مصطفی در مجلس ولید ز بابای لدر **بر خواجه بزرگوار ایدی کیم کانی**
 و کنگه مکان **اوله جواهر دهری تقصیر و غیر بو لرایدی و بر صاحب ثروت**
 و بر مالک دنیا بسیار ایدی که کاسه **عنان بولمق قابل و مال فراوان نقصان**
 پذیر او کیم **افچه سی اشک عاشق صادق ازون دینار داغ سینه و افکار ان کیم**
 حد عددن بیرون **ایده خواجه ز نور صرف وجود نه بر دانه اولان در دانه**
 که دینه عمر دیده سنگ نور **و سینه بر سینه سنگ سرور ایدی تربیت و تقویت نه**
 جان ارید و تقصیر علم و کمال **ایدر مکه بذل انجود و این مال انعدود و ایشید**
 مولانا و قوم **نیکل فضایل علوم اید که مکره عقد حال و فکانه احوالی رسته**
 انتظام علم قلوب **اشنات سباب علمی کما یبغی منتظم اولد قنور جمی الدین**
 اندین ملازم **اولوب طریق ندر سبک و عازم اولشید** بعین سر دفتر اکبر و
 اعظم **فهرست مجموعه اشفاق و دوا حرم وزیر بر معالی و حکام** و حوقم شاپر نوره

میل می اوغبین **کلا وزیر و قوم انتساب به مویشی و شتاب اولاد در شتاب**
 بنایندکن **افاده علوم اولین و آخرین** چون مولانا و زویری تعیین **بدر**
 مولانا و زویری **مدرس و قوت و تعلیم علم و کماله ملازم و افاده اصناف فنون و فضائل**
 مواظبت ملازم **ایکن عیبی کردار** خود او کفره قطع علایق و عوایق **آسان اولدو بو**
 جمله مالکین **بازار جهان خرا دایم کماله سباب و اموالین نار و ایدوب** موتوا
 قبل ان موتوا **معن این کار و عیان نمیشدی** آخوالا و شام جانده **بدر و تقب**
 نایمندن **روایح روحانیت و زان اولوب منصب اعتباریه دن قطع حوا امید**
 اینمندی **و خانقاه حضرت امیر بخاریک شیخ بزرگوار** عبدلطیف افندی به
 مرید اولشید **فاسم با شاده او می نیده مسجد بنا ایدو اوقات ختم**
 عبادت و ایام در سه عادت **مفکانه اوزره ارباب استغاده به مداومت**
 اوزره اولوب **سرور صفایه محرم و شب روز** اصی صلح و فلاح ایله انیس
 و همدم **کنده با شنه سلطان عالم بلکه کیم استغاده بی پروا**
 شاه عالم **کلمه حکیم نایبی دامانده** مفاسی و شرف هویدا اولوب **باب جابه**
 و جلال **ضکی کیمیا شانه رویال ایله طهارا عظام و اجلال اوزره ایکن**
 اف **ما یخرج من الصدیقین حله** فیوایه اوزره کند و جت رسته
 و جابه **القایه یوسف مثال مجوس جابه اولشیدی** و هوای تقدس و فضا
 نرفته **شهر باز بند بردار اولوب عالم روحانیت طران اوزره منازل و فضا**
 سیران **ایدر کن لاشه لاشی دنیا به میل و محابا ایله خضیف طبیعت و محابا**
 رفیعتی **ارامگاه قلندی حیف و صد حیف** که جان علویسی متعلق بهر عقل
 ایکن **ساکن منازل قریش اولوب رفعتیه ایکن منزل** عوده ایکن تنزل اند
 کلستان **جهانده و مثال کشیده دامان ایکن** اینی با عدن و ترزو

صوای کون و مکانند رسید مغسله فارغ البال ایکن دانه و دام آرزوی
و مناصب ایله دوزاغده اولد. غباری مکه مشرفه ده مجاور ایکن فرخنده طعن کونه
بواشایا ایله بنده و دوسسان سن شعار قلم شدی
ای سدره ثنین غش پرواز و طایر قدس عالم راز ای طوطی باغ و ریح غنات
وی بیدجستان رفعت بانه دکل نذر بو حالک قطع اولدی مکر که پروبالک
طیرانه جمال قدر تک یوق سیرانه خیال جنگ یوق ترک ایلیوب اشنا قدی
دلن چوقوب جمال انشی نه دانه دوشردی سنی بودا دوشمک نین اولدی بو مقام
بکم اندی سنی بوجله صید نه بندله اولدی کاکه قند بوسنی اندلرمی سحر
مایکرایدوب ایله نرنگور بکر سنی خواب غفلت کلد صبا دامل بودا صا کلد
هی سی کوزک اج بو خواب کلد نور سنی بوجا بدن غم ایله روان طور ایشانه
سعی ایله دوشن نیش کانه بوسه اوزدک خرابانک سب جوهر و کت ترا باندک
الفقه نه زاده سلف صطفی به خواجده دعوت اولند فاع دعوت اجابت ایله کده
خدمت تعلیمی قبول ایله عالمه سلطان ایکن کند و سق لکیده بعد نه زاده تک
فلک جودی غفاب کرد اب فاکشتی هر محات ایله غنی عثمان اولوب خان
صاحب فران و حرم سلطان سلیمان خان اولغی نه زاده فروری سرخیل کده
شهریان اندکده فرورکن فی اوضاع و اطوار ندن رنجور و نفور و مغسین
سروری غم و بتدل و صفا و حصوری الام موفوره محول اولوب نفور و فاقه ایله
ندلیل و شیدی طغوز بیلج و طیفه کچنوب مهنا خانه دنیاده مال مثالینه
سفره کی شاده و مهر و بکی فرض نانه آینه در و نده به شب و روز آماره
اولوب به در محکدن چنجه مثال در هم اوشکیست بکرسنه به مانع الفیض انظار انجیب
راز در و ندن اغاجازدی و برکن جبار کی الی یوفقه ایکن نه ظل وجود نه

اللی ایله کرسه به انداز ایدی چو کله بو خاکدان خیرت و تنکلی مختن عایت اضطرار
اوزره اولوب شجره نمرة حیاته صرصر پیری ایله پیرک راوشیدی عاتنه هر بار
انتظار اوزره ایدی آخ سنه سنج و ستین و سنج مایه ده عالم فسادن ترک
دیار ایتمکله علی علین ده قرار ایدی عربی و ترکی مصنفاته چوقدر مشنوی
و بوستانه و دیوان جافظ و کلسانه عربی شری واردر کرچه خرچمک مؤلفاته
عوام بایندن مقبول و معروفدر لکن فارسی ان و ایلخ فان اولان یاران
حاله محقق و محبوب دکلدر زبان فارسیک فانی و نجات و ضرر و اشتعا
عجری ظاهر اولد و غنن خبری شرح لغاتده عاب و فاضل ایدو که روشن باهر
زبان ترکیده اشعاری دخی و اخر بیرون مرتبه صحر حاضر اوج دیوانه وار
بوسکه جان ویرشیکن ویردی بوسکه کجه جان معینه ای غنیم لب و پدم لبو کیرا یگان
دل انجون دودا هندن جهانیه مار ایدر یارنی اغیارله کورد کلر دن عار ایدر
دوشده داخی کورسون کسه بنم منم دیو غصه بجرانکه خلق او به بیدار ایدر
دیر یلر تاثیر ایدر اسمی ستماده و الی ای سروری کوردم عالمه خندان
سروری ولایت حمیده بور دور نام مقبه دندر سرور عیال کیم فانی بالا
اولغین مخلص فروری اختیار ایلمش در بو مطلع انکدر
شول عوق کم اول کل اندا مک کاعنن جعفر سلسیلک عینی در فردون باغندن جعفر
سروری هوای جاتقواسی عیسی وار موده و تلری حیا ایدوب حقه لطافت
ساحه سی مجلای واردات سرور و صفا اولان شهر ستوده طواریکیم
وار دار دندر نامی عیسی روحوم شاه افند نیک فیس فاده سنه مداوم و ملازم
اولغله خدمت پر فضیلتندن ملازم اولمدر و طوق علم مالک و نصیب فضیله مالک
معارف و فتنه یل ایله محال و آینه سینه سی صیقل علم و کمال ایله محال در روم

لاندن

بواشایا فرورک کفایند

اولد و غم

کنار داده مدرس و بنای سرای کمالن کوشش و اشتغال بلیه رقص و موسیقی
اولد قد صحنه واتی قضا به رضا و سر با بایانه کلمات وصال انگیز بیا تی دار
بو تخته جمیده ترتیب و تزیین چون بواسطه غریب و قریب کریر افکنند
نه عالم کفایت قدرت نه صبره طاقت و ار افندی حال مکندر زیاده حیرت و ار
آدم را اولد رکوز کای شوخ شوگار و براسه واهی از کاشته با رخسار
که تیغ غمزه ایله کیمی تیغ جور ایله قهر دی کجور دی خلق جهانی اوغز کاز
خط خوب عذار جانانه یازدی بر خاشیه کلماته الله تر عصبایله زاهد
بکمزخمی بکیم مسلمان سینه حدون زیاده رعنائی بکایوز طوموغی شید الو
قد قیامت زیاده بخیمه صلی و تلمی تماشای اولمز اوغلد رکلام بلینخ
سرایا ایچ اوله بابایق سولمدر راز عشقی بهر عاشقه باده خوشکجه سید
بهار اولدی زمان شمدی کتار جویا رکدر بنم سرور و انم حاصلی عالم کنار کدر
پاکدر امینه و شش نک حدون سینه عز جلوه کاهش ای مقصود در آینه عز
سری هوا فرخ فرا و نرح زداسی دافع غموم و خون اولان بلن ارم
مثال مندر طر بنزند نامی محمد در منظر تریسی بکله مشهور و دیر معارف و هنر در
کتابته راسخ و ماهر و قلم مثال هر گونه خطی نیاخته قمار ایدی در ناظر حارث
ملک عدل داد و وارث سلطنت کجند و و کیفیاد خورشید لیلان و ادا دام
سجای مکه الیوم گنای شند و ایکن آستان فلک نهالارینه یوز سوروب
خلقه مثال باب خد شکرند و ایم و قیام و سعادت و ارزاق جلالت اطوار کینه ملازم
اوشید وجود برسد اولد بکشتن سلطنتی ارم ذان احوال ایتد کلری ایامده
بله کلویکایت دیوان اوغله بر عنوان اوشید چون زمان کجین بو قلم و قناد
کجوب منزلتاده مقام و کوشه اریده آرام ایله حتی حزب اشعاری و سر حاله

بر ساری کلام بوز عصفان نذر اولدی و کل خواجه اسرافیل از ترمین

بسی کفتری دارد اگر بر مقدار عمر دن بهره دار اولوب مضاربلاختن جانیز
قصبات السی اولان وجود معارف کبر تیغ بی درینج اجل ای قلم مثال بریده سر
اوشید و بوجو غمزه غنا صرده مطلع حیاتی برینان مقطع حمانه ایزمیدی کره کدن
برشتهار و نامدار شاعر برانار اولور و بوبرا بکی اشعار ملاححت و نثار آثار
قنی خاک رکین اهل برباد اندو کم و ملر اکز می سر کویکده فریاد اندو کم و ملر
کوزنده اوچ اولد سن ندر و شوکایله دما دم دغ جان غدن از اندو کم و ملر
اقر جوی سر شکم قامت دلجو یک اکر بجه طور قایند چشم لعلکی باندو کم و ملر
رنگ رو اوله اگر مایه ای غنچه دهن بکزد در دم رخ زبکینده مهما امکن
شما چشم و جواغ عالم نور بفرسن نظرک کوردم برودم صبا نظر سن
کور و ب بن ناتوانک قلم کطف ایت ای بری سنی کورسم وجودم جوا اولور کیدن
آستان غمزه یوز سورتم فیکدن سورتم لر دو غمزم بویکده اولمکدن اکر اولور لر
سعدی جم سعدیسی بکله شروز در شندزاده سلطان جمه صاحب هم
و حرم سرای سعادت و جلالتده رکاب اسادات ملک خصلتند مداوم
و جارب و ش خد متند میان بسته و ملازم اولوب اول شهریار ستوده
اطوارک یار غاری و فلک فداکت و کشتی خفته سوار اولد قع دخی انیس
و غلک ری اوشیدی اول شاده اتفاقه کشتی غنی دیار و نکستانه
صبا لوب نیچ زمان اول لیلان لکرافات بر قسیدی احوال و قوم شندزاده
ان رتیل بیدیل صوت و کجیل سیرت ایدوب بختش اخبار و کجیل اطوار
اچون دیار روم عودت اندکده جوینره ردوسدن آیدین ایله کجوب کونیزین
اصحاب کشف کجی عاز و مقرر و کیمه ایله مان سر بختنیر کجی سفر ایدوب کلور کن
عقاران بهاندن بر قاج طار از مرزبوره دهری و دوشوب بر صورت ایله

کلامی در نظم در نثار

چوسن

مذکور که نقشی چهره شد فکله بر ایک نخس کاده و دوشه یلر و بر الای
 غماز فون سازنگ شکاری کبی برنده طوقوب مکر و حبله ایله ایندن جعفر دیلر
 الفقه عاشق نالان کبی رازخانه اشکار و عیان اولوب **بیت**
 عاقبت طشت ادر بام افتاد آن کدایش خاص و عام افتاد
 کلاب غوانه یار جان دیوار اول یار جان مقید مغلول جناب سلطانیه یه موصول
 اندک لکنده دریای غضب طاقه جوش عثمان قهر سلطانیه باد نیت اعدایله خوش
 ایدوب اول صدف در شرف دریای صحرار و اول شتا و رحمال و هجره دریای اول
 اولد و غنچون دکنه اندیلر وصف شرا بده اولان اشاری رنگین حالت انگیز
 سابر کفاری دخی می ناب کبی صفایمیز در بو اشعار انگیز
 تمامت کاه عناقه جمال کبی باغ اولر بوروشندر که عالم کوزه هر کرباغ اولر
 و از کلام ای صمیم که هوادار اولر کل یوزگون هر سر بیل کبی زار اولد دن
 بن الم حکیم غم سودای زلفکدن چونکه سن ال حکیم ک غبار یله یار اولد دن
 بوساقیانه دخی انگیز ایندندر کتور ساقی ثویاقوت روانی
 نه باقوت روان قوت روانی صفاری ملتینک تنده جانیه
سده و حوم تاج زاده جعفر صلیک برادریدر معارف و کمالانده برادرینه
 شاکر و مساهم بلکه علم و بینه زیاده ایدو کج صحیح و لم در اگر چه جعفر صلیک
 اتش س عوام پسند اولمک شتهار طومند لکن و نورک اتش س مشیانه و
 اسنادانه ایدو کج اهل عرفان اولان یارانه روشن و اشکار در حکایت اولو
 برادر جعفر صلی قتل اولد و غنچه دیوان سلطان بن متین الدوغی زانج
 آتش مصیبت برادر یله بر آذر اولد قن پناه جم اختیه دشنام ایدو بد دعا کو
 بعض کلام اندو کج سمع شاهانه و اصل اولد قن بایر غضب طاقه تکرار شتعل

از خط و حروف و کلمات

و انار قهر قمرانه کدوب منتقل اولق خوفیکه مخوم و سکوب مبتلای بلای جوان
 و کروب برک درختان کبی برنده لوزان و تیغ سیاست خاقان کدو ننگ قاره بره
 قانق روان ایدو دیو جسم رز دفاعی مبتلای مرض یرقان اولو حای یقیشمش
 مخوم کبی مترقب و منتظر و اهل یقیشمش مدیون کبی دوق بایدن مبتلای دستکدر
 طور کین سلطان مهره ایله لایم لازم کلوب سلطان ملک نهاده و حوم جعفر صلی یار
 ایدوب اگر حوم صانع اولاییدی بوارک کفایتی انگ دست بر ایت اینده وابسته
 دریا حین بلاغت رشحات کباب قلامی ایله نورسته اولق موزایدی یو یورد
 مقربان حضرت و حومان جلوتدن بعضی حالانده انشی صحن مدرسی اولد سدی صلی
 دخی میدان ملا غنک چاکسوانی و توسن فصاحت و براعتله امثال و اقوال
 سابق مصفاری اولدوغی ارباب جبروت واهی فضیلتک صغیرینه مستر و متواری
 دکلدر دید کلرین فی الحال عبته فلک مثاله صحر اولسون دیو فغان قضا جویان
 صحر اولو زبوره دعوت چون جایش وار دقن اول سلطان غنصفر
 هیبتک دریای قهر و سطویه جوش اندی دیو خوفدن بکیده و نو و ناکیده و نیت
 و سایر لوازم انتقال و رحلتی برینه کتور و غایت افطر ایله طبع دل و التها
 آتش الام بیایله تجر و لا یعقل و سر مشال درون دلدن افغان کنان غنه
 تحمل غلیوب آستان دولت آشیان سلطانیه وار و منتظر و نعلن ایکن جناب
 خاقان سکندر عنواندن تسوید مکتوبله مامور اولد قن سرور موفور و جهور
 ایله اولد کلوب اول کبی انکار جی شمار ایله مانند مخوم صبا حه دل بیدار اولمک
 پیشه اندیشه ایله کان افکاری قزوب نیچو اهر بر اعتباری ایدو اوطا
 قلمتیدی و دریای بلاغت و فصاحت غواصل فکر قلم فکله نیچو لایه شاهوار
 اله کتور سدی علی القلیح که کاتب ید بقدر سواد شب تاری سیاض نهاده

قمرنه

چو ب سوخته ظلال بر نور فشمیدی و شاه انجم خشم سپهر دوار اطراف و کفاده
 برید صفای نوید انوار بیدار سال منشور انجمیدی استان سلطان ملک خضاله انت
 ابتد و مکتوب بدیع الکلوب بلاغت مصحوبه رویال انجمیدی جنبه شفا هین
 مقبول مرغی و دوشوب مدرسه او تو ز آنچه تر قی و او تو ز یک آنچه و بر سوز
 کور کلی صوف جابزه و بر شدر و مرحوم علی پشایه بر دوش و قفیه غایتی نظیر
 و آفتاب فلک شیر کبی عالم کبر در سلیقه عوب او زده اشعار عربیه و قصاید
 بلغیه سی و در ترکی اشعار سحرور و کلدر و مطلع انکدر **مطلع**
 یارب نوبیدی عالم الجنده دل الوسمه باری اولور سه هر کوز له یائل الوسمه
 عاشق جلی بویکی بیتی غلطایدوب مرزوره اسناد انجمدر مفتی اولان سعدی جلی
 عالم طولدی شرت لبک بن داوادم آه کم بن بنده بر دم غدن ازاد اولدم
 بن بنجه اکم و دس بخت دولدن مراد ایکی قفیه عسکرک بریده داماد اولدم
سعدی صاحب تصانیف فائقه و مؤلف حواشی رایقه مفاخر ذات سوده و صفات
 انواع معارف و احصاف کمالدن ترشح و اطوار بزرگوار محسن جمیل و حکام
 جزئیله ایلد متوشح مفتی الانام شیخ الاسلام کشف المشکلات حلال الخطایه و حله علماء
 اعلام و اعراف فضلا و کرامت بکانه سی و نظم معارفک و فضایل و میدان کمال و
 فوافلک فرزانه سی اولان مرحوم سعدی افندی در که فلک جواله بر دخی نظیر کلک
 ارمحال و آینه خیال البده عدیل و نمایان اولم محض خیالدر
 مثل و در جهان ندید کسی و در تو کوی که هست مان بنمای اخبار
 افلام مشکین ارقامی آب خورده جو بار نوبتی الهی المخلکه ثمره فضایل کوه
 علم و کمال ایلد بار و را و شد و بحاب طبع نزاکت نصایح احدا ب کرد و بکار
 عنایت نامتاهی و خلک کلستان ملک و ملت انجمدر مراد و شد اول مرید عالم
 فضایل و مقام و مرحوم محشی و مؤلف مناسبات مینوی زاده دن ملازم او شد

لکن کمال پنازاده مرحوم مخفی تمیز خاص شوکر در اختصاص ایدی و مرحوم و قوم
 جانب دار کلامه خوام اندکده بریده مفتی انام او شد مولانای مرزور دن منقولدر که
 مرحوم کمال پنازاده تحت رهنه روز ناده اولوب منادی سعادت مبادی ارجعی
 ذات قدسی نهادن خطایر انسه دعوت ایدوب فرمان واجب الایمان فاد ظلی
 اید جانب دار کلامه رحلت اندکده منصب فتوی کلول اولوب بریده قفیه عسکرک لکن
 معقول اولان عبدالواسع جلی اولم خلق انجمدر شیخ ایدی بر منصب فتوایان
 مایوس و عجم هموم غلله مایوس ایدم کجی واقعه کوردوم که بر پیر روشن ضمیر
 بوبیت بر تاثیر او و فتوب بکا خطاب ایدر شیخ بالملک المستبلا سبابا
 الرزق اذا تاک دق البابا علی القیاح که سلطان چهار بالین دوران یعنی
 آفتاب نور افشان صدر دیوان عکاسا خانه و آسمان دن تحت عایشانده
 او تو ردی بر جایش برف کردار و برید نوید صبار فکار خرده فتوایان
 کنوردی صحن مدرسی ایکن استنبول قاضی اولوب اون بر سبیل شهر
 مرزورده قفیه اولوب کافه انام احکام بر احکام و افعال محسنه و زبانه مندن
 راضی ایدی حقا که مرحوم رفیع میر اولان لطافت تعبیر و و جازت کجی
 قابل تقبیر و لکن تطبیق دکل اید و یک نور آفتاب کبی شهر و معلوم و در سوم صغیر
 و کبیر در تفسیر قاضی و شرح هدایه الکمل الدینه اولان حاشیه و قافیه عاشیه
 سندن خبری مالک اولد و غی کناب بید و حاکم حواشی دست حفظ ایلد محشی
 و معنی و کردن و کونن ایا م قلاید و زاید افلام مسکین ارقامیله محلی و متوشح
 بعد سنده اربعین و تسع مایه ده مفتی انام و جعفر طلال و خوام اولوب سنده خمس
 و اربعین و تسع مایه شوالک انجم کونی کوکب سعید حیاتی غارب و آفتاب و کاربان
 اجل ایلد سر منزل بقایه و اصل اولدی و مرحوم عاشق جلی فقرات شهر اید

سیاح
 ۱۵۰

دیو تارخ و دبیر فزینک طوطی طبع شکر خاسی دخی بو کونه کویا اولم سدر
 بقایه کجی سعد الدین یانی. اگر چه تارخ فریور میان جبره ورده مقبول منظور
 اولم موقوف و مهور در لکن کوجدی کلیدی و او نه مکتوب و مرقوم اولم
 مدخول و منظور اولدوغی اصحاب جبره و شوره مخفی و مستور و کلدر اگر کجی
 اولور سه بی یا اولدوغی عجبی روشن و مهور در مرقوم مرقومکاتیر معارف
 و فضایل و فضل لطیف اشعاری و مقبول طبایع آبداری و اردر بویر یکی اشعار
 و ابیات اول ذات ستوده صفات کلمات بلاغت آیات و فصاحت بنیانند
 او بکله سندر کم موزه سنگ کبکبیر. کسبه دیش قویره خراکه و مر لیلیدر
 مریض فاقیه دار اشعاری لعلکدن. جوابشانی ایلد ویر شراب دیناری
 روشن قلان جهان کون جسی مهور. مضمون ایدن بو کولم چشم سیهیدر
 مولانا غباری بو شو بلاغت شعاری دیوب کم نظیره دیرسه اوج دیرین دیو
 مضمار بلشتن چاکسوار میدان عرفان اولنکره آت صالدق و سدر
 فصاحت تراوان معارف اولان یاراندا و اندقد
 نقش ایدن حق ایلای طاق مینا آونه. کور عدم ابروین اول بروی غا ادر
 رفونزای دیکله موقوف اولان جوهری افندی نظیره دیوب قنقیسی ارج و او
 در حضرت منلادن استغفار اولنقد و دبیر
 ریند سوی ایلد لاف ایدرسه و جوی حسن نظمی داکدر اندوکی دعوی و
 بر دفعه دخی نسبی و جانله لیر جوهریک قنقیسی فضلدر دیو سوال اولنقد و دبیر
 یسر و مرجان دکل و سید رت. بوری اخلاص در تن ایلد طلب
 اول ذات سیادت صفات نام امجدی و اسم سعدی محمد در ادر
 فضا سندن متاع اولان امیر حسن افندی فزاند فضایل سنی در کف

مشکلات حقایق حلال معضلات دقایق. قدوق الکا بر و الکاظم استادی
 و استاد الانام مرصع ابو سعید افندی دن ملازم اولم مخلص و بوری کند و اینه
 شاعر و دنا ایلد حقا که بر ذات شریف و وجود نظیف و لطیف قدر که فضایل
 و کمال ایلد کما یبغی فزین و محلی آینه سینه بر کینه سی مصقل حسن صفات که علی ما هو الکاف
 مصیقل و محلی اولوب اقدام اقدام حجاج و شواهی فضایل و فواضل تعلی و تلویح
 اتمکله امثال و ازانندن معارف که اراغ لیلی توفیق و توفیق ایتسدر عترت کاشیه
 میراث اولان فضایل و عرفان فائز و اول حضرات عالیه علامت و عبادت
 اولان سماحت و سنی و قی حائز اولوب انار مجد و معال و انوار سعادت و اقبال
 جبین مینندن ساطع و لایح. و نیم عنبر شمیم خلوق کریمی انگ لعل خلق عظیم
 مریضدن ظاهر سنج اولدوغی نور ذکا کین ایلد کایه لامع و واضح در منصب
 علیه و مراتب سامیه و اعتلا و ارتقا ایدوب حاکم ارس علیه سلیمانیه
 دن برنوع قایم خدمت تدریس اولم کفیل علم و کمال اشغال و قندیل فواد
 معانی نه کار کینه روغن سحر و اجتهاد ایلد اشغال و زره در چونکه و صف جمیل
 و نام نیکو کور جمله جهانیه طومش و بوخونی دجونی مشام عالم و عالمیانه خوشبو
 ایتسدر بوندن زیاده تعریف و توصیف کفیل حاصل و تطویل ملاطایل و لغین
 اطناب و اکثرا و تمیوب بو مقدار ایلد اختصار اولنقد موقوفه که مناصب عالییه
 و مراتب سامیه و عن قرب الایام متعلی اولوب اوصاف و القای حقایق ایلد
 صافی زمان و صفای جهان محلی اوله ذات بزرگوار لریک ایلر فضایلدن
 فضله اشعار بلاغت شعاری و کفایت لطافت اطوادی و اردر بویر یکی اشعار
 اول جناب سیادت مدارک نیای طبع بر افتد ارندن ظاهر و دبیر اولوب
 بو محله به کسبر بر او نمجیون اختیار ایتسدر

اولدی حبیب کیمی کوکل مستلای
 کوکلن عشقن ترک ایلدی شیرینک
 جسمک بنی دئی اور دقن خلاق جهان
 ای بنده کورین صنف مهلال شوال
 اتمون یوز که تشبیه وزین اتون عیار
 اوروب بیکان تیرک غیزه اولدورک بوج
 نی ترک ایلدی که آخ جفا طوره مدک اندک
 کاله صنف سنگ آشفتهک اولوب ماه مینر
 کورینجه روی یاری دوشدی سندن یزه
 کل خدک تو یوب ای غنچه باغ عالم
 یوزم اوزره بصدوغی دم کوریه پای کبر
سعی بلدان روی زمین اچره برترین اولان قصبه برزین دندر
 نهاریک برادر که تیر سلطان محمد خان زمانه تکمیل علوم و تکمیل طایق
 حد و در سوم کوشش ایدوب انار قبد و سعی مورت و مورت و مورت کوشه
 و اخنتی موثر اولوب کوه مثال پانی دامانه و غنچه و شش باشتی پیراهنه
 چکوب پرزیند صحت مردان جهاندن دامن چین اولوب دردم جنم کیسه
 کوشه نایح ایکن سلطان بایزید خان بوغرا لستان کوربکستان عزت
 و جلاله لکینه دعوت اندکد کلک اول خواجه و مکتب کمال و موفقی معلم خادما
 هم سرای سلطان ایشلدی میان خلعت شایع و ذایع اولان تویات که
 موفقی خلد مجاهد کویا رولور از نورک امد و انشاید و انشاید و انشاید
 صوریک نقشنی بازجه کوکل نایسنه قانرا غلندی کوزم کریمک خایه سنه

شعله کیم شبیه ایدر یارب بو خد مهو
 ایغن تیغ اوزن بصیرت کجاکن ملک ایدو
 سحره طالعش قلمبر فتنه نیشتر اوق
 عاشق افاده و شوق و شیشه نوله شعاره
 صفت کشتی ده فارسی قصبه بلعنه سی وار
 چلیت آن طیار کز سرعت چو باد صرصر
سعی موفقی قصبه کیره دفا بلش ارم سیره اولان شهر تیره دند نامی مغان
 کل زاده دیکله عید منال شهره زمان ایدو حوم و حبا افندیکن انشمنه و صبا جی
 و حسن خطن خطی و مغبین منقب قضا کندن نایب و کجانی او کور ایدو دایما کمال
 دلبران کی توریث و مثال قلب مبال هر زمان عشق پیشه و سرکار دن هر کز خبر دار
 اولیوب حال مال روزگار دن بی فکر و اندیشه ایدی آخ اسکند زده و توبرش
 اچو ایلد قضا ایکن خد مسکار لذن بیکر بخت و برید و برقاج نک حوام عتیدو
 عیند زبوری قضا ایکنله سید مکتب حقا که اقدام اقدام وسیع ایلد مدارج
 و معارج بلعنه ارتقا و کمند جود و طبعی ایلد قله قضا حتمه اعتقاد ایدو
 شمره جهان و مقبول صحاب عرفان اولان خراج بلاغت عنواندند و باشا ارکدر
 یولکه شونکر که عمرم خان و یلدر دو کدیر غم متاعن الکیلر نقد و زلدر دو کدیر
 ایلدر ک میل ایلون دیوتن فرسوده یس کلدیر کو یکدن بریر استخوانلرد و کدیر
 نوش جان انلاره کیم عشقک میندست او دیده جامدن شراب اغوالرد و کدیر
 فنا کلزار ایدر عالم بهار دندن خوان قلش نه نوصنه اوجیش عنایلی شایان قلش
 ناله فی کوزیا شای می اولدی حکم برانم خانه تنه خیالک اوللی مهانم
 شرمسارم بقیه لیه سعی سک دلبردن استخوان تنی نار دل سوزانم

دیند مطلعی بود

خار و خسر که کور دیانی سیلاب شک. صنمکوز چشم ترنج کورین مژگانم
فغان یحیی پنا او علی محمد پنا و علی ارسلان شاد در کمره شیرینیه مرهات
 و دلیر میدان شجاعت کف زنا بکار ابله کاری جک بکار اولوب تیغ و در تیغ
 اول کفره فخره نکیر نه قوجیم ابدرد. و هر فتن سماک راج کبی بر تیزه دار ظاهر
 و بدیدار اوله میدان فلکده تمکب جور ایلد چر حدی دو نیم ابدردی قرال فغان
 ضرب تیغ قتلندن سمناک و مضطرب و اول فرقه اسرارک دل جانیدع لمعات
 سمیری ابله آتش و دوزخ مضطرب و ملترب اوکو هر کون کار بان جی اول طایفه
 و عادیانک سر منزل جو دندن کوچر و هر زمان روح شان و بلارک حاکمان ایل
 اول عبده اصنام و او ناخ قبر کورردی بکر علی الاعداء فی حومه الوغی
 و بیست غیر الکر و سجال بنای علیه حضرت صاحب قران و حرم سلطان سلیمان
 خان زبوری بودینه بکر کی اید و جنبه شغور کیمی ایون و نور کی تسد سدید
 و حصین ایتسیدی لکن افعال شنیعه و قبیح و احوال کریمه و دقیه ایلد دخی
 شدت ناک خوشنوار سناک خدای ذی جلالدن بی و هم و بی باک ایدی باین جمله
 جو و دخیاسی نهایت و بخشش عطای غایت ایدی ابرهار فیض مدارندن
 غرق عرق حیوانکسار و بکار زخار بخشش بی شمارندن مضطرب و شرمسار
 عجایب تاثرات انعکاس دور ایا مدندر که زبور شجاعت رستم زمان الکن زیر علم
 محمدشاه قومی تحت و جان در دیو و حرم سلطان سلیمان خانه نمیت ایلد شارح
 خاطرات این غار ناک اید و آفرال و تیغ سیاه و قوی هلاک ایدرد سوار ایل
 اینس و یار او غله نظم شعاره اقتداری دار ایدی و شعر ایدرد
 کور دیانی هم کاکل سکینه دل غلده باش اچوب میدان کیردی خدمت بل غلده
سلطان ولایت آیدیندند و حرم کمال براده دن ملازم اوکو سمت قضا به سکو

ایتمسیدی برکته ده قاضی الکن این اجل کا متقاضی اولیدی و شعر ایدرد
 نوله سینه جان کیمی کونترسم داغ جانی کونترسم ستمی هر کشی مهر کیمانی
سلطان جامع محسن لایعنه و لایحی اولوب بلدان جهان بجره عروس سخته عظیم
 قلیان لطف و ملاحه ایلد تحتی و فضای دلکشی لطافت بر ایه سی جبار و حسن حیات
 ایلد پاک و جلی اولان شهر بر و دندر و جنبه هم سن و هم پایی و بلند و قوت نک مرد صاحب
 کمال ایدی و قی و جلی خطک نوا عین الی و اهر قلم قاکار و علم ادوارده ما هر اید
 طریق علمه خیل الم جلوب کرد باد آسا بودست تحت و عناده دونه رک و اهل اهل
 اولوب آفر و کتله آفرالار استغول قاضی الکن و فات ایدن حسن چلی نکل آستان
 محارم منزل ماوی و محل و دلوب خدمت جناب معالی قیابندن ملازم او سید
 هزار روز و روز ایلد روم المیند قاضی الکن متغول لوب روح پر فوجی جفا غوغی
 معقول و لان شهدا خطره سنده موصول اوکد بوبر اکی شعار زبور کفزارندند
 نه شیوه و قید ساقی بر آیدر روزه دار بزور بودم پیر خرابانک اوکده هر ساز بر
سلطان بلده نامدار و شهر دارم اطوار محط رحال جلال معارف و اشعار
 اولان یکجه و ازار دندر حقا که کردن ذات ستوده صفایه ملائک معارف و کمال
 ایلد مزین و محلی و ما هیچ رایت درایتی امثال او آوانندن هر وجهه مرتفع و معنی اولکدن
 غیر فن بلینج انشادن صاحب بد طوبی و مهاکوی و ماکان لکدی هر دنی او سید
 حیف که اول صاحب کمالک شوی کماله ایدر لکن دست افشا اصحاب هم معارف لطف
 و کرم ایلد خانه امید و رجائی آباد ایتسیدی و اولک زمان زمانه بر احد معین و ظمیر
 او غله و نفع کمراد سرور و دلش او ایتسیدی و حمله حرم حسن بیک افند نیک
 معارف حسن تربیتی او غله السلطان معنی و من ایلد بیعی معانی و اهل اولوب
 شاهد حرام بر مقدار نایل او سید بوبر اکی معنای اشعار اول غلده اشعار کفزارندند

المساحه

کو کلن الدک عاشق نخست نکی جوری چو . انجمن غیری دلبوس که هیچ کوی و
 تنگ که جان دلر کم تن یاره یاره و سوز . هر یاره اول غداره جای نظاره و
 اول پناه حسن آید به با که اعتبار . بن برکدای میکن اول به با صدار
 غم لشکری لوردی بدین قلعه سن اگر . بیکانر کردن اول جسم و مو و حصار
 سرفا شایلی اول نقطه نقطه خال . فوتمه اوینا سن بکم شدن کبر و مال
 ایدم ترجیح بار کحل هر پاشنه . قشقی عاشق قایتب خاتم که اوین
 او تندی سکی بکسی بودن لالان . یکبله اول نه نابانی ایلو بکیران
سلوک اما سید دین نامی محمد در بعضی منا و احواله مصیبا . و روم ایلند بکل
 یاننده کاتب آید . حفا که شایره بلاخته سلوک یولندن اول غله شوی سرنزل فتول و
 بولسید . و کان فلندن بچکان خلاص بولان سرهم کلام مصیب عرض فتول
 صدمه جسم کور بن اخله بر باره بنی . جمله قلدی بر حرقه و صد باره سینه
 نیمه بر او بوی پس کلامی دید بخت . سن اوین بن دارین خوابه و تیر بکارت
 زلفی بوزن که اورنه کلور کو کلمه غبار . اسرار خطی بر شیکت کور سن نوزی
 دل نوبله نخست اولدی کلدن بوزنه . بچاره کیم دن سیمه خراولدی کوندزی
 غم ک خدنگی دلدی دلی ای فاشی کان . برنا و کبله شیشه دلر صنگه رملوان
 فانوسه کیردی صدمه که پروانه سی ابله . بر پرده هنده عالم ایدرانی کار شمع
 و بر شدر انکیزی دارد در اصفافی بود که غایتن خوی بلند بوابات اندند
 بر سب طالعک عمر در مطول صدمه مدح مخفی در . بزم مقصود فرغ و صیای و بطلوب
 انک بولنده عمر بن اینین صر . کلام عشقن بزم او بر . محمد در برسی شیخ زاده . خدا و پیشک
 تضرع ایدرم حق عزیزی . الن کو بکیرم تا خلوتی **سلیقی** پنجه زوا هر جوا هر غافانه کان
 و سیمارامی بیارف و کمال محفل و مکان . اولان قصیده سبارته دظ هر عیال او شدر

بویاری شایره و تیر بکارت
 بویاری شایره و تیر بکارت

عیال و بطلوب
 حقی زاده

نامی معنان در لیده البراهه بکی اصی کلا اچنچ بر عنواندر و حوم حکیم زاده که قصیده
 ایکن مدینه منوره به تهنی و حاکم اولسیدی موالیدن دانشمند الدفن و روبر
 مندا جلیبدن الوب ملازم و پیشیدی عاقبت نه از جنت و کربنه قاضی انگوب
 اولد قنح منسوب اولوب قضا زبور دن قضا و و طرا ایدوب کلور کن اهل عیال
 و خدم و اطفال و جمله مال و منای ایلد ناپیدا و نابید اولوب و ایلر الدفن
 یولکک جان ویرم کبی در و منغ غلک و ار شریعت تیغ عشق اولافه کو کلمه شایره
 حفا که سلیقه نظمتی غایتن خوب و اشعار و گفتاری حسن و لیران کبی نایق و غوغ
 و محبوبدر لطف تعبیر و حسن ادایله شهره دنیا اولان شورا دن خلق جهان اچنچ
 حسن خلق کریمان کبی مشهور اولغله مقبول و هنی حمهور اولان نظار دندر مرتب
 و مکمل بوانی و اصحاب عرفان اچنچ خصلی نام و نشانی و توقیع قبول اصحاب بدیخت
 ایلد نام مرینه دعوت و دار در بویاری یکی اسرار اول هدم سیم بدیخت و حرم خیمه
 کل بنی اولدر هی آفت خنجر برانکه . قور تکلمین کونده بیک کز اوله دن حورالم
 قان دخی ایدیه جانایع خشمیکه . قائم غوق اتم کم مانع یوزلر قانبله
 تنده کربیک جانم اولسه که ایلردم روا . بنده اولایه دکلمید رسکا یک جانله
 انجمن مرغ مجنون باشی و سندن کایله . که کوی لیلی خاش کندن انده شیان ایلر
 اغونه ویردی نهانجه لهن جانانم . طویه اخبار دیوا غنه کلدی جسام
 هرچن کم خوابه وار در دین جانان ایلر . قور کلور دلقر بلادن فتنه دوران ایلر
 سوز عشق کدن نیز دویمرتنق بهرن . باقه سرفور در دمنده آخر سنه اول ایمان
 غم بمرغیاردن خاطرات انگری . زخم خوری عیننه آلمر افندی کل دکن
 باقه می شو فکله چاک ایدم کور کور دیدیر . دوستم سن سن بنی عالم کو کلکسرتون
 اولانم مضاحت دنا رک اسرار بلاغت شکار میان خلق و هاشم بیج و ذابح

و سندی و بنی و کلا و ایدر

شایره و تیر

واقف علیک بایات و مطالبی افق اشترها در طبع و لامع المخبین بقدر الیه
 اختصار اولی است **ن** اگر چه سمندر را بیدار کن اکثر ایام بلکه غایت احوال
 آمده معروض مقام اینکله اولی بآوردن المخبین شتار بولشد و تحصیل معارف طالب
 و بعضی از اینکله منادم و صاحب اینکله کما بد استماع لایق و انکار و در دکلدر
 اکثر ابیاتی را بایدر بر با عیاتی اندک کلماتند **ر**
 بنکم اوز خرا کلدق نادانوز اسرار وجودی بیکدیگر حیرانوز
 انجق بوقدر اکللی بیکدیگر کجوکوی چو کان قضا النذره سرکردانوز
 سن جگر سن شکاره تیر و کمان چکر سن بن خمیده قداهم
 سن بنم جکد و کم نه بیلور سن هر کشتی جکد و کن بیلور سن **ش**
شاه دیار روم بیت علم و کمال و خاندان معارف و افغان لادن
 نمایان و آفتاب جود و سخودی مشرق فضا بیل نامعدود دن طالع و درن
 اولان عتق اصحاب اللطایف قدوة ارباب الکمالات و المعارف ظلمایای
 مدلهامده تحصیل علوم و کماله اشتغال و هر کجی صباحه دکل چراغ دل و جانیه
 روغن سعی و اجتهاد ایلدا اشتغال و هر کجی مایه الحیاة علوم بی حد و غایات
 اولان خضر نیک چلی نکت فرزند هوشمندی و بر سروده مفتی ایام او تخلصه شهره ایام
 اولان منته احمد باشک برادریدر بین الناس خواجده باشد و یکله معروف و مذکور
 و بین المهور لقب مسفور ایلدا مشهور در ذکاء ذکای قدیده و فهم و ذابسته
 نهایت ایدی حکایت اولمور که هنوز بالغ اولدق منزه جیوه خلقة امر معروف
 و نهی منکر ایدردی سلطان محمد وزیر اولدق دیکم ریاستی سیاست سکوب
 و اعاض دینادن اعاض و نفوت ابد و شیخ و فاضل مریه ارادت کنور سید
 تفریح نامه نام کتابی و آرد در میان شیخ و تابع مشهور در ذی الواقع کتاب فرور

ممدوح و مقبول اهلایق هر وجهی مدح اوسته نبسته و لا یقدر حساب
 بفضای توحید مالک و داکاه و سالک المخلک نالیف مسور طرز نوح و حید و فرید
 اولوب قابل تقلید دکلدر بعضی شعراء زمانه حیرت قوت طبع ایلدا اول مجموعه توحید
 و عرفانه نظیره دیوب لو کدن خایه شکوک ایلد مایه بعضی کلمات بلکه کوز صریحی
 مشتمل نجه ابیات دیدی لکن **ع** فاین التریا من بد المتناول سیف فاضل
 ایلد حواقی لا لعب برار اولی ارحمال ایدو کجی جای خنار و جدال دکلدر
 و تذکرة الاولیاء دخی وارد در بر قاج ابیات تفریح نام **س** سنددر
 مسکنت کیم بولنمیه اول **س** سندن اولمقبول هیچ عمل هر که خلق اندن اولمیه
 در که حقندن اولدر در دود **ق** قلب مؤمن کیم غش رحمندر **ای** این یقین زیاده طغیاندر
سنان افندی مغرور انشوران علماروم مقتدای اصحاب فنون و رسوم
 عزیز مصر فضل و عرفان هر سپهر علم و ایتان خورشید آسمان دقایق و تحقیق
 و جمید جهان جهات تدقیق مفت کتاب سماوی محنتی تفسیر بیضاوی
 معر فضا بیک طوطی شکر خندی العالم الربانی حضرت سنان افندی **هو** الذی
 تخلص بعقوب القلوب عن عماوة الجمل بر وایح یوسف فضله و هو الذی تخر
 کن الفضل العرفان و استحقاق خطب التوفیق و الایقان بیایه و فصله
 ذات فضایل شحونی اول مرتبه دن بیرون در که بوجه شواهد مذکور و نام طاهر
 عنوان شاعری ایلد جویش نظام مسطور اوله لکن یتیم و تبرکات ذکر **ط** **ط**
 بو صهیفه به تحریر اولندی اما سینه طیف اولان قبه صوف و ندر بابا اری
 صلاح و تقوا ده یکانه مقتدای زمانه دزمانه مشایخ عظامه شیخ حاتم دکلله
 شهره ایام و مقبول خواص عوامدی بر فوای فلما بلغ اشد ابتناج **ط**
 نصف فضله بالغا مایع مالک و طوی سعارت رفیع علم مالک **ا** و کوموال عظام

خوشنود

وائالتی فحاشم خدمتده قطع منازل سالک. قلوب آخ سلطان سیمانک خواجہ سی اولان
 خیر الدین آفتیدین ملازم. ولد قدس کج یو کجی بنش اچیل مدرسہ صار کچ پادہ
 افادہ علوم مدوم. بعد اوتوز اچیل مدرسہ طائفہ فتح مضاع مفضل و کشف
 رموز مشکلا. جو بصر فہم اولوب اندن رقی اچیل مدرسہ دا و پادہ موافق عنوان
 اولان ارادہ پنچ دقایق ابد. مقاصد و مراحضہ شکلا تہ اظہار ید بقیہ. ایتھندی
 بعد گلگیر اندن ادرہ دہ مدرسہ دارالحدیث دہ تلویح الراج اشاعہ فنون و تلویح
 ایضاح واجب و مسنون. ایتھکد فکک مدرسہ بنیدن برسی. اول کعبہ جلایل
 حضائیک مقام شرفضائیل اولوب صحن مدارس شان قدوم ذات بر عنوانی ایل معادل
 و محافل هفت بهشت جنان اولمید. بعد ادرہ دہ سلطان بابر ندیان مدرسہ
 ایکن قضا و طلبہ بہ مبتلا اولوب اندن غل و لغوب یولده کلور کج فاضی شام
 اندن بروسیہ. اندن سعادت و مہم ایل محروسہ ادرہ دہ اندن بس اللہ کون
 استبول فیضی اولد قدس کج اناطولیہ فاضی عسکری اولمید و آخر دعدغہ دغہ
 صاحب و خاطره واتب دفع و زوال آمال دنیا یے گلستان خاطر بر صفا سند قلع تیکد
 کتیر و تصنیف نروج ایلدی انصاف بودر کہ بوندرده اولان لطافت تعبیر و وجاہت
 کتیر و ملاحات تقویر و حسن ادا و لطف تصویب خارج طوق بصر اید و کج حق و مقررد
 اقلام شکین ارقا منق نہ حالت وارد در کہ ہر قطرہ سی قد نبات و ہر ریشہ سی
 آب جیاتدر تالیفات لطیفہ سی آفاقہ منتشر و آفتاب کتب کج اوان و کثافتہ
 مستر و لوجی ایک یوز اچیل مدرسہ دارالحدیث سیمانک ایلان اولمید
 علما فضائیل ہیات مصر استاذند. جینا الیک بیضا عہ حجابہ. دیوب جملہ سی
 استفادہ علوم و تحصیل فنون و رسوم. ایدوب ہر برسی مجلس شریفہ کلوب
 عنین خوا و سواخ و القاء سکون و لواح ایدر ایدری متقی نام اولان و حوم کج حود

افندی عنم دار البقاء و مخلود ایتد کدہ اعیان و اشرف دنیا. یوسف ابراہیم صدیق
 دیوب رجاقبول منصب فتوی ایتد کج بر فتوی اچیل کج علی الفتوی اچیل کج علی النار
 اوتوز سہ ایلہ دامن عفتی منصب دنیا یلہ آودہ ایتنر دیوب اختیار سیمانک اچیل
 ایتنر مدرسہ بدلیہ و طریفہ تعیین اولوب حارث ملک عدل داد. پلوش حمز
 سلطان مراد پلوش عالم و فغان دہ بنی آدم. اولدق بیس یوز فلوری کوندرب
 اول پیر بر صفا کج خیر دکان الدی سہنت و نماین و تسع بایہ صفونہ جوار
 رحمہ رب العزتہ انتقال و ارتحال ایتد. احمد تہنگ اولات شریفک شرف جوار کج شرف
 و کوش دل جان. استماع لای کج کومہرافت نیکہ مشفق اولوب دولت پابوس
 سعادت مانوسہ سیر و کد. اولمکد ندن برسی و فات ایتد کج بوبیتی دیمیدر
 خون جگر لہ بیلد و کم کوز یاشینی یار. صلدی بقلر اللہ اندن نہ و جہی وار
سنان آفتاب آفتاب حسن و جلالی حسن یوسف کجی ظاہر اولمقبتہ مناسبتہ دندر
 معلم زادہ و حودن ملازم اولمید و قصبات رومن کہ قانی ایدی حاکم اولد و
 بلا دکل بندہ و آزادی حکومت ذات ہر سداد ندن شاگرد و راضی ایدی غانت ملاف
 و اعانت مظلوم دہ غایت غیرت و نہایت حمیتند. اکثر اعوانہ و اشرار و ظلم
 و جورہ کمال صرار. اورزہ اولان ظلم و نابکار ایلہ پنچ دفعہ اعوان و انصار ایلہ
 جنگ و پیکار ایتد و یوسف شور بطافتی میزان ملاحات و تکرار کج وزن اولوب
 مصر بلا غنت مالک اولان سوار روشنہ سالک و یغین یوسف وزلینی قہقہ سن نظم
 ایتد و بوابیات ہر صفا سی کتاب زور ندن زادہ طبع خورشید ضیائی
 کورسم یوسفی اگر برآن کورینور کج کم کوز و مسمان. بینہ فویندہ یارہ شور و قوزی
 عرفتہ سدی میانہ ایدی. اور تلقدہ کم بہانہ ایدی. و بوشعر اکندر
 دیدمکہ اولامید لازم اولان ندر. بر پیر اشتدی دیدمکہ اول بہار اولہ

باغ جهانده عیش اید کور بر دم اوله کیم کلکیرین یلکراسه روز کار اوله
سوزی خورشید جهان سوز و آفتاب عالم افروز کبی به عیدیل قرین اولان
 شدر بر زیر نند و طایق علم سلوک تید کد هکک فراغت اید و منیال و غلری علی یک
 و محمد یک خدمتد عمر کچو مش و بکر رملک و نورک غرو اتن کنار نظم آیداره کتورش
 ایدی حقا که شرفا یفتک اداسی آه عاشق کبی سوزناک و الفاظ بلاغت عنوانه مانند
 آب روان سلس و پاک آفتاب انوار یک سوزی کون کبی ظاهر و سحر
 اید و کج میان نزدیک دور محض و مستور و کلد و نیت کیم بو قول مهر و کبی صدق
 مدعا بهرمان ناطقه **۹** سر و قدک دمسیدر شاخ کل کلزار ده
 با کوکل سیفده مهر ک صقلدی اغیار **۱۰** یاور و جک برده چکدی احمد اوزره غارده
 چین و ماچینه کیدر کلد یل صاغ و آن بونم دیوانه کو کلم قلدی زلف یازده
 وصل دهر در همین دنیا شاعدن **۱۱** خوشه عشق اهلی نه آلدی صدی بو بازارده
 سوزنیک معیند روشنر کونشدن **۱۲** گرچه کم در صورتا کم ذره دن مقدارده
 لیک صونم خطم قلدی دیک حایا جوابلر **۱۳** که خیره آب جوان اچکله ظلمت حایا لمر
 بر بیت دلپسند کتاب فرورده محوسه ایند و کج بند دندر
 جو کل رحم ایلمز اشفته سینه **۱۴** انجمن عمری و آرخ هفته سینه
 علی بیک جقند وید و کج ابیات دندر
 محبت شمعنی جانده دلیل ایت **۱۵** دل سوز اول شمع فیتل ایت **۱۶** بونم شمدی صبر درون
 مکر آینه کم انده نظر وار **۱۷** **سرای** حسن و بهاده آب و هوایی جان فزا و دل
 افروز اولان شهر سیر و زدن زمره سپاه خاقان دشمن سوز دندر و حوم
 سلطان سلیمان خان غازی و اقیقه نهفت حایون سور دقلی ایام و دیار
 عقبا به حوام ایتد **۱۸** نه عجب ایلدی غو و بس **۱۹** بو ابیات و زبور کدر

کج یازده سیدر لاله لاله لاله

قد خریا کبی در هر بار چککدن الم **۲۰** سینه خرسند و قه سی اولوشن نروخ
 طاقی سوزینه و وسر هر کلدن ایل **۲۱** عیش فریادی صفین حلای شیرین ایتی
۲۲ کتر نهال باغ رشک و سهری **۲۳** و صدایق و رباض جنت منافی لک
 و نضارت مالا کلام **۲۴** ایلد خندان و بهی اولان شهر ادرنه و ندر شواریک
 قدوه کمال الصفا **۲۵** ساع و حوم نجای بکک گلستان آستاندن سر و سهری
 کبی با کشیده بالا اولغین محض و زبور ایلد نثره دنیا **۲۶** اولسیدی و حوم و
 نیمه خاص و تکرید بر خنصا **۲۷** اولمقد و حوم کفره بیدر **۲۸** فیض حال
 ان شادانه الملک کمال **۲۹** نرجه و نجایتی رقم زده کلک خوش مقال **۳۰** اولور
 سلطه بایرنید خانی فرزند سعودی **۳۱** شنداده سلطان محمود ایلد سنجایه کیدر
 و زبور شنداده غم دار کلود **۳۲** ایتدکینه آستان خاقان رفوم معاود
 ایدوب کانت دیوان فلک فحمت **۳۳** اولد قلد هکک قبول منصب تولیت
 ایتد **۳۴** ادرنه ده دار کدن منولیس لکین تذکره کسرا و جمع ایدوب
 و نه سدن زیاده منصب رجاییله بو ابیات **۳۵** و حوم سلطه سلیمان و سیدر
 نه ایتد مبلرم بی در لکده **۳۶** که قابودن سور لدم پیر لکده
 نوله اح **۳۷** سلطان اولسه بند **۳۸** قوجه قول فایو سنده اولسه مقبول
 سه خوس و خمیس قسطنطنیه **۳۹** ده سرور **۴۰** کلشن جنان کسند و امان اولور
 صرصر تندر اف **۴۱** خوان اخوان ایلد یل و بار وجودن آلوده خاک مذلت
 و هو ان ایلد ابیات فراوان **۴۲** و اسعار سید و کرایه و محمل و مرتب دیوانه
 و اردو اسعار و بو انک آب روج و اسعار نیک سوزی صوچی در
 کون کبی بو کسکدن اوچو دار سه کوی بار **۴۳** یاردن اوچو کور کون بر کون
 دا غلر خلفه سنی کیدردی زهر لک **۴۴** جبه صمق نیم اولور کور سترین دشمن

تلخ

بیار صو

حق او غلدر بقدر کجی کجا انگیتیم طفل ایکن داخی بر نشدی کوزم دامنم
 سبدن ایکل اصر بونیه گویا به نو طوله دخی قولنی یار بنم کرد نم
 سینه ده در دوغک اغنی سیر کلون کتمه لرد فدی سشم قطره سی پیر هفتم
سیاهی روم ابلند بدو سینه دیکله شهروراید اگر چه طایق علم سلوک
 قلمبیدی لکن روی بخت سیاهی سفید اویوب حصول مراد نماند قلمبیدی
 بو مقامی حبس عالی اولمشیدی **کلمدی** زلفکده کوکلم کل سر افغان ایلمز
 کسیر بخت سینه عالمده خندان ایلمز **سیدی** قاره سیدی دیکله شهروراید
 آفتاب وجود پر جودی شرق ولایت جمید دن بروز و ظهور ایتمه در
 صحن مدرسی ایکن سلطان بایزید خان در حومک اوقافی دآره و روایت مبارک
 خیر اینک خدمتی جناب فضائل ثنولرینه منووض و موکول المخله منصبه استنبول
 وصول بولمشیدی ظاهر اکثیف اللجه ضخیم البنیه کربه کنظر قبیح کجی کسندایدی
 آل فاریدن قیر الدقح نهایی جعفر حلبی دیمه در
 عجب در کر که کرد که سید و مردم زاده بی قور قتمه سید
 عجمی و فارسی و ترک نظم اقتداری وار در سلطان بایزید متون فخرده
 عجمی بر قضیه و بر شکر حفا که مقبول برابر و مرضی صغری و کارد در نیه فنون
 اغوزج و رسائل بزمندراسی کجالات و فضائل میانند شهرور در حکایت
 اولنور که در حوم مرقوم بروسه ده قبلوجه مدرسی ایکن بزیک زاده که نامی
 رکن الدین در بیدرم مدرسی ایکن اتفاق قضا و قدر خلاق ابله برین
 جهان سوز و عالم افروز دن ظهور و بروز ایدین صاعقه آتشبار مدرسی
 عاشق جگر سوز و دل کباب کجی خواب و بیاب ایدیکر منشا زبور و عید
فارسی ای فلک آهسته رومکاری نه آسان کرده
 بیدرم خانیه را از رکن ویران کرده

الحق بو تصفی خوب واقع اولمدر مطلبی شایع در
 قدک اوزره زلفک حدک کور و سیدی دیدن ان بدر ابله قدر قدر ریح قدیم
سیدی قول غلدر دن بلوک خلقند در دگر زاده سیدی حلبی دیکله
 متعارف در قابل شان طالب عرفان خوب سیرت محبوب صوت کسنداید
 سلطان بهمانک واسطه مطمنه دنیا دن حلیت ابدی نظم ساره در بوشارا کلد
 سر بری کلخن اولنور سرای بیدلر بلا سیر عشق کینر قباچه بیدلر
 عباچه صوفیه بلا دفع ابدرد و کسیر بلا به قوشودار انرد عباچه بیدلر
 مونسیم تحت و غم اولی خندان اولم بنده عشق اولی عاکه سلطان اولم
سینی اصلی سینه بیدر خصل کمالی بی و معارف و لطایفی کتب بدین کمره
 طایق علم سلوک ابله کامیاب اولمشیدی در حوم سلطان بایزید خان امانیه ده
 شهزاده ایکن آستان فلک قبا بلرینه انساب اید و مانند سینی و شاهن
 ذات معارف ترمینی ساعد سعادت مساعد شهراده ده مکا و قرار قلمبیدی
 و مثال سیف زرنگار خدمت شهر بار سپهر اقتداره بیل خلیوب میان جاننده
 نطق عبودیت محکم و استوار ایدوب قطعا خدمت عکله لردن کسند
 و خدام بارگاه سپهر اهداء طاقلوب حلقه و شن باب سعادت نبدن آیر کمر اید
 بناء علیه شهنشاه مرقوم فرغان فرغانی وایت روم و ولد قتمه روم ابلند
 بدو کبیره و کبیره فنی و حکام اولمشیدی بنی احوام صوفیه ده خدمت شریع
 سید الانام ایدوب اول هکامان شریک ز روح روانی عالم بقایه طیران اید
 صوفیه ده بنار اید و بی مسی خطره سند مد فوخر و حوم عاشق حلبی بوغل
 کر چک کوزلدر رنکای مهلقاشک کبیرن اگر کر چکر سه رواقشک
 و که کسند جگر انک باچه بر کرد قاتع بغولید رنکای بی وفاشک

سید الانام ایدوب اول هکامان شریک ز روح روانی عالم بقایه طیران اید

بدی بولیده طوغولم چو که قاتک طعن او قریب بخون آتر با که یا قشک
 اندی او قنی بیدی یابن لکر المده خکانر کله سنگ ای دلرباشک
 سیفی کبی بو کلدی بیلی ایکی قات او اولدی مکر که بر کوزله مست لاقشک
سیفی استبولد ندر دیوان سلطان ده باش معاطع جی اولد قدر کج
 شام شرف شرف انجاده دفتر دارا مولی سلطان و حافظ و ضابط و تھو خانان
 اولمشد بھصل مولی سلطان ده سوعی نام و اقدام بالا کلامی معلوم خدام ستر سدره اھرام
 اولدق حلت دفتر دارا غزن اناطولی دفتر دارا لغی احسان و اقدام اولمعه خدمت
 علی لری اکر ام و اعظام اولمشدی برج آتی خدمت مرزوقه ده استغیا بله
 کنج فراغده کلیم قناعه کشیده پا او مشیدی لکن اول منصب جلیل ذات نیکو
 و جمیلنه مفتقر و بوا مو جلیته نکا متیه کلیمه سی اند آفتاب جناب معالی نصایبه
 معھدر دیوینہ اول منصب پرا جلال رویال سدره انصایب ایله دو
 و اقبال بولشد رخا زه عمر بن مخزون و مکنون اولان نقودا نام و جھولات
 اعوامن مواجب علم و کمال صرف و جملہ اوقات و عامہ ساعتین جملہ معارف
 بی انجاء عطف ایتشد رافن انانده مہارتی و نظم اسعاره قدرتی وار در بوا
 تذکرہ بہ کجتر او نمینجون کوندرد و کج کفنا را ابدار ندر
 خلوتہ جقدی کون کبی اول نقابہ حقا بودر کہ کوکده کوزل آفتاب
 دوندی بسم ضعیف بر ناله مویہ دن مویہ ناله دن ناله
 بوی لطفکدن خبر ویدی کبی کج کل قولق طونش صبا یه غنیمت غنیمت
 لطفیلہ خندہ اول لبی شکر کشندہ در کشتندہ کلک کولشی رخ خندہ در
 کل یوزل کوردی جلدی مینا غنیمت کلمہ دن غنیمت کوشنہ و اردی دین
 دو ستم از یک جوعه می فیت از دل جان عقل بو انجی کشتم کہ از میخانہ بودندم بدوش

والد مرحوم بو معنادہ دیمشدر انجنان کشتم کہ از میخانہ بودندم بدوش
 انجنان پر شدم از بادہ بدور لب او کہ شب از میکده بردوش کشتم جوب
فانی میان صفار و بکار دہ شامی او علی مصطفی بیک و بیکله
 شہرت شغرا ایدی شام شرف انجاده ظاهر و نامی او غلہ محمد صنی نامی انمشدر
 مرحوم سلطان بایزید خان زمانندہ سنجاق بکی ایدی شواہ قدما دن مذکور
 و خلق انجندہ بو ایکی مطلع غایتہ مشہور در
 تیمر می تماشای لکار الدہ صونہ سن ای عاشق محنت زده بولد فیم بونہ سن
 مینہ ای جام مصفا سنی کورد کلمہ مجلک رونق بین دینہ دہ ارت
شامی بود خیم شام شرف انجادن طاهر و طمع اولان کوکب رخسار و لامع در
 نامی مصطفی در مرحوم جوی زاده دفتر دارا جو و جلی مرزوق سلطان سلیم خان
 حضرتہ اقدام ابتدا کدہ مرہ خدام سپہر حشتم سکنہ انتظام ایلمہ بر خرام او کو
 سرای سعادت پیرای سلطان دن جانشنیکر بالمشایخ ایلمہ جوشندی بعدہ اما
 میر لوال و مشیدی حالا دخی خدمت سلطان دہ دامن در میان میان اراده
 علم مثال مشارالیه بالبنادر بو مطلع انک کفنا رندیزر
 او یکیم شاد و میسر بر آن نیتیم جوق ہلہ حقون مضار
 دار السلطہ جلالت مدار دن زمرہ سپاہ شجاعت شغرا دن بہ تصرف دیوان
 اشعارندہ خلاوت ظاهر و بدیدار دکلدر دنائت شافہ او غلہ جوایہ و شوش
 بو ستولہ مہملا و تر نایہ انکار ایلمہ مذموم و مغفور صفار و کبار او مشدر
 کوب و شوب منجانیہ اچرہ قالدیم ایقین مدام بر کوزی سنانہ کوردیم با ذہرا
 عقل و صبر و اختیار دل مناعی قالدی شادی باز فسادہ کوکلم افشا
شامی نامی صاحب در بوسنہ سراج دیکلہ شہرہ دنیا اولان سحر طوطی بستان

بو شعر
 صتر
 صتر
 سر

و بلیست سراسی در اول شهر چنتا ساک و طاق زاده و یکله استهار
 بولغین خلص زبوری اختیار ایتم دبر ایدی لازم ولایت اولان فصایل و عرفان
 تحصیل و صفای جانبی عنوان معارف بیکران ایله تکمیل ایدوب طریق ترقی علم
 و کماله سالک و کجته کمالات و معارف احوام لطایف و ناسک اولوب نشان ایتم
 حضرت نیک خواجده سی اولان عطاء الله افندین ملازم اولوقدن طوق بند عازم
 اولمدر طاق اقمه مدره دن موزلدر وصول خمین چون ایام غل پیرانی
 امتداد بولوب یونین کی زهر بریت غلی خیل شتاد بولدی امید در که
 عن قریب الایام جمله مراد و دوانی حاصل اولوب آخ شتاء الایامی نور و فیروزیه
 متفصل اولمخله بار سرور و صفایه و اصل اوله جامع انواع فصائل و حاوی
 جلائل فصائل طبع عالیه فی تحصیل و تکمیل معارف و لطایفه حسابدر پنج زماندر
 سرای جهانغ جاریز و دم گرم و سرده و هنگام سرور و درده یار غار در بر باشا کرد
 سر چگون سمایه قدیمی فلمون عوض فرخ بویکله سروک بین کسمایه و الایرض
 او یکمنون رخو که زیر که مانبا یوز فرزدوب اولدر نور کیشدن اول
 شایا و صف رخ و لبری کویله حسن خطیله یاز لون صفیات جنگه
 بر ملک یوزلو کوزلدرینه کوکدن ایدر مرده جسمنی عیسی کی احیا قلد
 اق و کزدر یکمنی زلف طوئنه سیدر ملک جان و دای غارت و شتاد
 طرف چمن کشته و سوزیل سازه کل نای عراجه الاله مطرب حمازه کل
شاه دیکر دما رزما ندن ظاهر و نمایان اولمشد تحصیل فصائل و عرفانده
 و خدمت و الانمت افصل و روانده دامن در میان و تکمیل معارف و کمال
 تسمیه ایله سهره آفاق اولمغین خواجده افندی خورنیکه متعکبه لرینه
 و مدارسه فصائل جلبه لرینه مداوم اولمخله اولحضرت ملک افندین ملازم اولمدر

ترجمه سی کتیر اولمخله قوق اقمه مدره دن موزل سب و روز تحصیل معارف ایله
 ظاهر و بروز ایلمک موافق مشغول بوفنده فصلی اقتدار و منظوم و منظری اناری
 وار در حقا که هر چه میخور و شایسته کمالی مدح و توصیف لایق ایدو کج
 مودف و مسود در بوجله به کتیر اولمغین احوال ایدو کج کلمات نذر
 تیر غز که ننی صنفه ایدم جانا کویز براوق آتم بیرا کافو جوق جان عزیز
 در دجالا کدرای سر و سهای بدتر تونیا در قدیم کافو صقن اچ او پر
 راقم کوفک بوخله بوکونه نظره دیمدر **غزل**
 دار زلف دلبرک منصور و شش دیر یوزر حمدته اهل عشق و شکر سر داریوز
 بوسالت با که ای شاه جهان بتمیزی کم آستانک ایستریله بر قیو قوتلاریوز
 در رسم و دنیا ره مالک اولمدر غم کل عالم فقو و فنانک مالک دیناریوز
 ایل کوروب رسو الغم طعن ایله جانا نه غم بز جوق دق جاء دنا موسی اندن عاریوز
 بویله عشاق پریشان ایلزدی ای حسن بولسیدی اول پرنیک طرطریوز
 باغ حسن دلبرک بر غنایب زاریوز **نظره غزل** رخری مرانک طوطی شکر باریوز
 نوله جاری اولسانک دیده خونبار اولای آب جیانک عاشق دیداریوز
 باشنه الدق اله میدان عشق یارده جمله سر بازان عشاق کک بون سرداریوز
 کند و یج بیدن بیره اوسر برید قیامت روینه سورمش کار کایس زکاریوز
 کار بان راه اقلیم فنانک شایا باش و جان تر کن اور بر فکریه سالاریوز
شاه لطیف قوی روز قیو نیند کمال باش زلف حرم ملازملر نذر و جم
 سلطان سلیمان معانی نزا دوز بنده ادر اندک عالم فلان کدر و ملک تقایه
 ایتمدر بوطلع اکر چون خراجی تشید کلسان اکره کلک رکن و بوی کرکه دو غنیمت
 بعضی همد در زمان ارباب منفسدن پنجه بین امتیاز ایدک نه منصفی جلیل و نادان
 اوله احسان ایدوب اهل علم و عرفان اولان احرار دولت و جوان و باش و حرم

اوله قد به قطع بلاغت عنوانه دیوب مقبول جهان اوله **قطعه**
 ای فلک میگو اگر جایل و نادانه ایسه . بنه خنی تا او قدر کمال و دانا و کلن
 یکا بوجور ندر صا حب و فان صیون . اهل فضل اکلده کیسه بنی حاشا کلن
 اجهل و دون . دینیم کجاده نظر این . عجز دن جهل و حماقتده ده دنا کلن
شانه مشاطه قدرت پروردگار . اولان کیکی وار و در و در و در و در
 و جهانکده نقش و نگار . ویر کله بدن جهان لیس یکانه روزگار . اولان کیکی وار و در و در
 نام بیفته بدر . غنیمت بشیر زاده سیدر . بوستان معارف و کمالانگ . سرو
 آزاده سی در حفا که بوفنده سزاوار مدح و ثنا طبع عالیشانیه . و قابل تحسین لایق
 قبول کلمات بلاغت عنوانه . وار در طریق عکده دانشمند به مانند . ایکن یوسف حیاتی
 کرک اجل المش و اول زماندن بر و بیت الاخوان فداه قلندر بوستان زوگرده
 کل عمری پیدار . اوله کر چکنی بدار رخ و پرشتهار . او کورد و بو شکر انکدر **عزل**
 فردغ عارضک الوعنی هر کاشانه لایق . او بر شمع صفا در مجلس شانه لایق
 عد و ربا ده لعل صفا بخشیدن چگون . چون اولمز جام بزم آرای چم بیکانه لایق
 کند کاکل عنبر فشانک طعمه اغیاره . بکم زنجیر زلفک کورم هر دیوانیه لایق
 دوشنرمی دکه بر قلب خزینه فکر خیاک . اولور می کج سر پوشیدن هر دیوانیه لایق
 جگر ر قانی نوشن اینجه کاشه سر . صفا بزم منشا شانه اولدی بهمانیه لایق
 بادی نظرده عاشقه ای شوخ شیوه . جادو کوزک کرشمه لایله که سحر ایدر **مطلع**
 نینج تبرکله تراش لایله رخ زینک . قره سن کو میلم موی خط مشکینک
شانه نامی احمد در بین الناس ملاک دیگله مشهور در بوستان طبع معارف
 و فضل کمال ایدر محمد . اولان مرحوم اوجوود . افند بن ملازم اولور بالاجره
 میان غمی دادی فضا ره کورد . ایلدی حفا که غایب زمان و عجایب جهاند
 عجیبه المضمون . و تصانیف بر بقاء مشحونیه . که خارج حیطه اوضاع شخصی و نوعی

و بیرون خطه دلالات عقلی و وضعی در . بید و شمار در جمله دن بر البقی وار دکر
 پنجه نامی وار در . دیباجه سنده و میگرد . و تمیبه باسطون الاساطین . او
 اقتصوس التوا میس دیوب عجایب اسرار فوسدر . ابو علی سینا به قال بوعلی دیوب
 در اربلسدر جمله غرایب فشدن بری بود که کتاب فرمود که دیباجه سندن بوعلی
 تصنیفات و تالیفات ایدر طو لدر و ب خلفه قتل کتن و قرا و قلیجی عالم آخه گذار
 ایدر بکل انده دخی وار دقن بودیاری دخی با ستره تنگ یار . ایدر سیرین بو فزایار
 و زار ایدر آب سماندن ملائیکه کرم ایدر بودیاری بولره تودیوشفا عت ایدر
 و میگردینه بولره ایکن بو حالندن و قو و فلاکت ایدر در دو ملائکدن شکایت
 ایدر دیوب بویتی و میگرد . پلاط اعطایان . ترانا کن عریان . و تالیف خنوبی
 اول زمانده وزیر اعظم و شیر افخم . علی پشایه ایدر اندکده . و میگرد مولانا بایف
 ایدر عالمی طو لدر مقدر ابسه استبنول ایدر غلطه بو غازی طو لدر روح دخی مشاب
 در که خلفه کویری و غله سفاین و حاکب الامندن خلاص اولور . و بوضف هر کاسی
 حکایت ایدر که بر کزه محبوب سوخت شمع . و عذرا یه عذار و لیلی زلفی غنیمت چون
 و واقع . اوله قد به بر کون عظیم ضیافت ایدر ب کلاب کونی جوج ایتدی و انزلی
 خانه سینه کنور و ب صحن چینی . و سقوه منقلبه او کله طعمه کونا کون قونوب انزل
 ایش فرشت اولمدر . اشعارنده دخی ترکی و فارسی . الفاطمی جوج عوبته ایدر
 و عوبته یی فارسته ایدر جمع ایدر یاد کار کلل اظهار . ایتدی که اصفی که صفار کبار
 سنانی مرحوم ابو سعید افندی مدح ایدر ب بر قصیده و میگرد مطلعی بود **نظم**
 سبتوح دمانه به چه قدر و سرم مانه . صبت خنشم و دش صفا خنم شنوی
 و زبور که مهر نیک بینی بو و جهل و میگرد نقش نگارنده نقاش چین . ابن علی احمد قاضی نیکین
 و کانی عالم جودن ملک عکله راجع اولوب بو متوله کلماتیه و ارفع اولور

تن به دایم جو ایدم نه نام و نه نش **شاه** همان کویک کلابینه نواله استخوان
 ایزی توزنی قیام ای صبا لطف ایله جانک **شاه** بنیه جیدی جانم اریه بی نش قلسون
 چقوب جانم صلا ایلر دم غم ایله عقیله **شاه** بنله کوی جانانه کلن کلن قلسون قلسون
 رهکن با سنی ایزی دوشمرک بول کل **شاه** همان بول قلسون قلسون قلسون قلسون
شاه ادرنه دندر جم سلطانک قدر دار کی پید اشغاری نظم قد با کی لکافت
 چشمه خضر دین جام سکنز لکبه **شاه** بره شور آینه دن طوب و عیش بکبه
شاه موغله دندر طوبی علم غنیمت **شاه** و تحسین کماله بدل امت **شاه** ایدوب تکس طوبی حرم
 و تنجیم علوم و فهوم **شاه** ایدکده کمره قوسیده منلا خداوند کاره ارادت **شاه** ایلکب و جود
 حالت **شاه** ایتندی جود پای سیاحتی و امن غلته چکوب بقیه عمر و مهنی صرف
 ره عطا و عبادت ایتندی اقلیم علم دین و مالک معارفه شاه ایدی که لغت شاه
 کبی اثبات مدعایه شاه و اراد **شاه** اشغارنده خلاوت تو قدر **شاه** بو شو انکدر
 بر مرقی ابرسیه در بوزی مهابه چون **شاه** شب بد اچمی فتان کوزنیک خوابی چون
 حق بویتی غایتین خوب و بکدر **شاه** کاه اولور بسم طولر بر پر دوزن بازاده
 کاه اولور خالجه بازاری پر دوزن **شاه** قشمو نیدن قضاة طایفه
 نظم اشعار و علم اوارده زمانده ایشتر **شاه** ایشلر لکن بوزمانده وفای خوبان
 و صداقت اخوان **شاه** کبی نام و نش نندن اثر ظاهر و عیان **شاه** دکلدر بو مطلع مطبوع انکدر
 طوب کوب کل نوزی و لبر لاله مجلس و ندی کلاره **شاه** کله بر یوق مکر ایشدرم بنیلر دیواره
 کند و بی عوج اولو خلق طعن و تعبیر اندیکلر نه عذر لک ایدر بو بنیلر جواب صوابی غیر
 طعن ایلر ایشلر که ایشدر بو جهال **شاه** نوله ایغم بو عین هر فنده الم وار
شاه محمد قزوینی در علوم عقلیه و نقلیه **شاه** و سایر فنون کلیه و معارف جزئییه ده
 هر صاحب فن و دانش علم طبی قانو فی روزر مفردات و مرکبات و سایر مسائل و علمای

شاهان عاری الا بو انکدر

صراحت از این تغییر در باب اول

ایله تحصیل تحصیل ایدوب کلیات و جزئیات جامع و خاص **شاه** شفاء اسقام و دوا امراف
 و آلام حکماء سالفه و اطباء سابقه به معادل و مساوی بقا و نطن و جالبینوس
 دوران **شاه** ثانی ابن سینا **شاه** ابوعلی شریف دینا **شاه** اولمشیدی قلب خمانده رایج متعفن
 حاصل اولان حقیقانه **شاه** و برک رزاقین یقینر موایله پید اولان مرض بر قاضی **شاه** و عاش
 سیداده نمکن و مرمن اولان عشق و هوا **شاه** باذن الله تعالی ازاله ایتمکده **شاه** عدیل
 و نظیری ادر **شاه** کسینه ایدی دیارندن اسفا طافض حجة الاسلام **شاه** وزیر ایت روضه با طهار
 خزانام علیه الصلوة والسلام **شاه** اچکون سغرایدوب اولدولت سیر اولدوق مدینه منوره
 دن سلطان بایزید مرحوم علم طبدن برکت تالیف ایدوب **شاه** کالدر رخی الماصدا
 اهدا و اتی **شاه** ایدکدن مقبول طبع موسکانه **شاه** اولوب مرحوم مرقوم مستلای عرض نویسن
 اولونین **شاه** مصر سلطان قنصو غوری به طبیب مذکوری کوندر هر دیو جود خوش خرام
 قلم **شاه** ایله نام و بلاغت علم و فصاحت توأم **شاه** و منتقل بر آدم کوندروب مدینه
 منوره دن کونورتمس **شاه** سلطان مرقومک نهایت مقبول و مقرب اولدوق **شاه** باب
 سعادت مابین سلطان ده حکما کتب بنض حسنی نایض اولدوق جمعی مولانای و نورک
 بغض و عداوتنه ناهض **شاه** اولوب سلطان سلیم ایله اتفاق ایتکدر دیو نفاق ایدکلرین
 اولکلی حالدن بر فحای من **شاه** سمع بخل دور **شاه** و بر مقدار نظر فلک مداردن جاکور
 اولمشیدی اول انشاک سلطان سلیم **شاه** پلشت هفت اقلیم **شاه** اولدوق نهشت
 اهل برور و قدر شناس **شاه** اولمغین خدمت مولانا ایله تمام سنیاس **شاه** ایتندی
 سلطان سلیم نامه محال کتفایس **شاه** نواز فارسی به ترجمه ایدوب اندر حکم
 اولان سوا **شاه** دخی الحاق ایتکله بنا تالیف زبوری عالم رواق ایتکدر
 بر فقیر طبدن و بیان مفردات دن **شاه** و سوره اثنا یستقل لطیف مصنفانه فائز
 اولوب حسب الاستطاعه معارف و کمالاتی حاوی و جانر اولدم و حرم سلطان

بیکم مرض موند عارضه قرحه بر المی جان عالم اولان جسمندن زایل و سرور و راج
 شایه شایم شفاء الهی اید جانب صحت یابل ظن ایدوب آرزوی جلالت مصحوبندن
 استنبوله بولمکتوب مرغوبه کوند مشدر الحمد لله الذی اذهب عنا اخوان ان ربنا
 لغفور شکور قال الله تبارک و تعالی کما به الکرم ان میسکم قرح فقد من القوم قرح
 مثله و تکالی یام نذا و لک الناس و قال النبی علیه الصلوة و السلام الحی یصیب المؤمن
 و لا یصیب الم و لا وجع الا و یكون کفارة لذنوبه حتی القوه و البسرة و قال انطاطون اللان
 القرحه اولها جاحه و آخرها راحه و یقول العبد الفقیر و المملوک الفقیر القرحه فرجه فی البدن
 و فی غنا العفو مات فلذا یکتب علی صوت القرحه اللهم اجعلها فرجه یتنبی القرحه
 و جاحه یتعقب الراحه و اجعلها کفارة للذنوب و کفارة للکروب یا جابر الکسور
 و طبیب القلوب تاریخ صحت یا فتن باده نواز از قرحه جان کداز و جاحت پراز
 بر آمدیکی قرحه جان کداز جسم شریف نه صف کن رسد از شفا خانه و رحمت حق
 هم این زخم امر هم از زجرن مجده اندر زمان تسل شد آسوده از زجرش جان و تن
 فقیری حکیمانه تاریخ گفت عفویت بود منافع از بدنام بر زمان کرچه بخصور اولدی
 ضعف تن برله عالمک جان لیک دفع عفویت ایتمکه بولدی قوت قوای روحانی
 تن پاکنده جقدی بر قرحه بر کن کون چکدی ضعف جسم دیدی بوبند شاد اولدی تاریخ
 جان جانانه صحت از زان مولای زبورک اید سلطان مذکورک انکار جان و نقصان
 روحانی اولی الخسین اول سلطان علی محمد سر ساری جهان کند و یکنوار اولوب
 اول صاحب قران عظیم الاقرانک ارکان انقالتد کنج جوق زمان کجیدی وفات ایندی
 مالک مالک پاشا طغر بایدرن حوزه تغلبه نکت سباه فرین اولان مخلص
 اول طایفه طاعنه یحجت و ارادت کنورن فرقه اولیکک لانعام ملهم اصل الخسین
 مخلص زبوری اختیار یتمدد سلطان سلیم ماضی زمانه رو کلشد اگرچه طبعی جند

تاریخ دنیا و احوال

احوال کسدر اما دیدوکی اوصافدن بالکلیه موادر بوفارسی مطلع انکدر
 قاج بکرنگی که صاحب دولته ابر است این همه کلای سرخ باغ ال حیدر است
 بی مرقوم مقام خلافت بنایی و مضرب خیم جلالت دستکاهی اولان شهر
 استنبولندرن پنج زمان رئیس کتاب دیوان طحانی و صاحب و جامع اموال طحانی
 اولد قدس کن هر بار تبر بیا بنر کی میدان دارو کیری اولوب باند کمان نش کمانینه
 و ششمانه کوزلیوب خدمت شاهید بر باب و سینه بی کینه سی تش شعی غله بر باب
 اولوب حال طلب شهباده امیر الامراء اولمکه مفتخر و مبارکی و اول فواجید کلای امر
 و تاهی معارف و کمال ایل معروف و اخلاق ضعیف و اوصاف مرضیه ایل موصوف اولان
 او قحی زاده محمد پاشا کنگ فرزند هوشمندی در مقدمه باقی علم سالک دانشمند و حد
 طبع و شدت ذکا ایلد بی مانند اولوب مرحوم معلول زاده مسند بن افتاد افاده
 ایکن خدمت عاده سندن ملازم او خسله رفعت و علای زیاده اولمیدی حالا
 بار بلای طایع علم تحمل ایلحق خوسفدن تحول اولوب اسباب ریاست و زعامتله
 متر تل اولدی تخلص زینی ایکن بعض کسسه ایلد سر کندن تخلص بولمکتوب تید تخلص
 کان بالکدن خلاص بولان سرهام کلای بدق قبول ارباب کماله وصول بولمکد طاهر اصل
 سن شهابدر ایددر که بولمکتوب معارف و کمالی جاب کتاب ایدوب موجبات
 نقیصت و زلیلت دن احتراز و اجتناب اوزره اولابونکره به کثر بولمکتوب بولمکتوب
 بر کل عارضه لداره دیم اولدی ظفر تر و شوب چونکه رخ آله اولور زنگ بیز
 کور دعای قدحی نجبه حیرتدکم نه قدر سم دایسه دلیله ایلر تاثیر
 بدن اراج اولور سه عجمی اوم جین شک ایندی قویله اولد و غم کلدی یقین
 دیمش شای رقیبی بنیاید بوجو ایلیم دل بوانه قطعا اعتماد ایتمز او پابندن
 سرخی ولایت حمیده و صغیر و کبیر مایند اکر دیر و یکله سرور اولان شهر ظفر

افتاد

قبای مدح و اطاری علامت باکرامت. **الا المودرة فی القریح**. ایله بر طراز اولوب
 رأیت رفیع الآیه منقبت و نالری هبور ریاچ. **لیند هب عنکم الرجس اهل البیت**.
 ایله خفون و اهنراز. اوزره اولان طایفه شریفه ساکات. **کثیر البرکات**. نسب
 طاهری. جمال ظاهرندن. واضح البرهان. و انوار حب و نسب روی نیکو سنده انوار
 خورشید تابان. کبی طاهر و حیوان. اولوب شیخ علیه طریقه زینیه. دن بکین افندی
 و بیکله مودون. انواع صلاح و تقوی ایله موصوف. اولان بر عزیزک اغلیدر و دروم المین
 بعضی قضایه قاضی و حاکم. اولدقده کین دیار عقبا به عازم. اولمیدی مرآت کسینه سی
 معقل معارف ایله مجملی. و کردن دل و جان قلاطی لطیف ایله موشخ و محلی. ایله یو انکدر
 سوز عشقک حایه ای مه نویله تأثیر ایلد. **جعدی افلاک** اوزره آهم کون کبی سیر ایلد.
 دل شریعتیخ عشق اولدی دیو جانمک. **قل قلک** بر شهره ایت نایه تحسیر ایلد.
 لعلمکی رسم ایلیوب کو کلمه نقاش خیال. **براقصو** اوزره شکل جان تصویر ایلد.
شریف نامی محمد در شریفی فرزند هوشمندی. **طایع علم ساک**. اولوب
 عالم و فاضل. کونیز کامل جامع العلوم و اقسام الفضائل. **منیر زلال الافاضات** مطلع
 بالانکمال. **فتاح ابواب المشکلات**. بمفاتیح کونیز. کن فی ظلمات المعظلات بمصباح تقوین
 فمن یحاکیه فی الافاضال الکرم. **ومن یابو به فی الادب و الحکم**. **الذی جعله الله تعالیا خفیا**
 ولم یبق له من الخفایق شیئا خفیا. **مولانا العلامة زکریا افندی** حضرت لیکستان آستانه
 به لطف بیسمانی بویا. اولدقده نجات نجات ایله بیل مال کویا. **اولمیدی** جعد مولانا
 زبورک ذات خورشید انارخ. **مشرق ایوان صدارت** اولدقده تذکره جیبی المعظمه ملازم
 اولوب کت ترسیمه کک و عازم. **اولمیدی** زکریا شکوفه فراست. **و بهار کیناست**
 ایله عزیزین. **و اشال** اقراخ میاندق فضائل و عرفان ایله معنون و معین در. **لا یق**
 قبول اشعار ابداری. **و کتانت** و اسلا ده خیل افندی و ادر بویا عارف رقم زده کلک

کجه دیر لر و عده به ایلر و فاولان زینین. **باک** اما چکیجه سینیه به کلمه بقین
 قومازا اولعل کجه ریز اولدقده غیر بار. **کو کلمه** ذره جهر ارام و جانه قلم قرار
 و آیدین کتب دهر لکجه و فی استاک. **مطلع** از بر اتمش سبق شبوه فی حافظ اوده
 چکیجه اول برینک روزه بهرانی. **بلمدم** روز و صالک عبد اتمش هر کسینه
 کلمدی بار ک خطا ریحانه دیندر عاشقه. **فجیه** قلمش کورمه جان رخ جانینه
شکاری جدی غمچی قاسم پاشا. **و بابا سی** دیار بکره و فرزند مال اولوب بعد ایملر
 اولان حسن بکیر نامی. **در صید و شکار** اول طایفه نک صغار و کبار نیک سپهر و کار
 اولمغین مخلف فرور شکار و دنا و کشت و در حوم شمس پاشا نک قریب سندن اول
 فرقه نک موضع دینار پر فاسندن **ایده** شهر با طبع بلند پر و ازینک شکاری مرغان اول
 عالم لاهوت و دایما هوای عالم علویدن طیران ایدن تیز روان ملک ناسوت. **اولمغین**
 هوای حباب و جلالت فراغت. **ایده** و شایهین بهمتی. **ذخارف** دنیا و دنیایه شکارم بو
 قلعای عیننه المزم. **و جناح** میل مرغبنی هرگز صید و شکارینه صلمز. **ایده** و نوز اچمه جوالی ایلمقام
 کوسه غزلت که فی الحقیقه سرمایه سواک و معال در. **اختیار** اتمیدی در ویش صوت
 و لطیف سیرت کسینه در بویا ایده عبارات بلغیه. **و استعارات** فصیح. **ایله** قصه یوسف
 و زلیخا به اقدام و اهتمام اوزره ایکن شهر بهار روح پر فتوح حقیقه دنیا اوزره قونمقدن
 عار ایدوب عالم شبا حدن ملک ارواح صید و شکاره کندی. **و کان** فلک فی
 انبیا و تسعین متعاییه بویا ایت انکدر. **و کلمه** شععه مهر ملیه بهر شرار مدر
شکری سینور جانبلندن. **علم و کمال** طالب بلندن. **نوهوس** و نوجبات ایکن فیات
 و صل یاری فکر ایدر کن کندی غم دیدم کا. **کینه** و که ای غمگرم دیدی کو کلدن کل
شکری کرد ساندند. **مرحوم** سلطان سیمک فتوحاتین غم اتمیدر اگر ادره متوله
 ایدو ک معلوم و معلوم اصحاب عقل و رشاد در بوبیت انکدر. **مطلع**

جبه

ایده و شکار کجه و شکاری و شکاری و شکاری

ایتمیدر بویا عارف رقم زده کلک

اغلقدن کوزلرم باشینی پر خون ایلکد . بر نه عین ارسس بیرینی چخون ایلکد
شمسی سلطان محمد و سلطان بایزید زمانه دفعه دار اولمشد جندره چی زاده
 دیکله مودن . وزمانده انواع مفاخر و مانرا ایلده موصوف . در سلطان محمد ایلده زمانه
 الفت . و میانلرین غایتین خلقت . المخبین کاغذ خانه بایند حاکم جندره چی زاده
 چغشکی دیکله شهور اولان خواجه و چایراری نیکلیک ایلکد سلطان بایزید زمانه
 آفتاب عمریه زوال ایلدی . و وجود پر جود کماله عین الکمال ایلکد بوبیت ایلکد .
 و اربکن کلزاج سنک کلسانه بقرن . مهر خمارک طور رکن آفتاب بقرن
شمسی خورشید وجودی مطلع شهر برودن طالع و خشان اولان قضاه زمانه
 سلطان سکیم زمانه غم دیار عرب ایلدی و کماله کفده غنی ایلدی کلمات
 بدیع کسانک شمسی مطلع لطف و قبولدن طالع . اولمغله مقبول طالع بعض ابیات
 و مطالعی ظاهر اولمشد بزم سنک کلک یوقد زورک . ماک ای دست مکر و ایل
 در دیش بند پوش کبی بسمل اراقدن . کل خلکک و صفین او تور آل و قدن
شمسی قلمونیدن فرقه قضاندن و لطیفی علم اواره مهارت . و فن نظم ایلدرده
 قدرخ . و اوردو مدح بیسمار ایلکد . حال استعنه انارندن بر ذره ظاهر و بیدار .
 اولیوب شمس انارنده عارض اولان کوف سیاندن بخلی و آشکار اولمشد بویچ ایلکد
 او یکنور بوق صحر که مسک خطا دن غیری . ایلدی اولده ایش سهر و خطا دن غیری
شمسی بود غنی قلمونده سوا سندن جامع کهر زورده موقوف ایلدی بوسو ایلکد
 ویرسون خطا خلک آینه قلبه کدر . اول غباری قومه مرآت عذار کدر
شمسی ولایت عجدن روم کلمدر کتاب ده مرغک غلی در نظم زبوری سلطان
 سکیم یایر و کده منظوم خطا کار ایلکد بوابیات کتاب زورده بیفوتک ایلکد
 قور صغور کوزداندن طولدر دکن . خانه کوز کوسکله قلدردکن . قویم هر قصه و افانه

ایضا

ایضا

مورک اغندن قهر سزدانه . سيقلور ایلکد السده جهان . نیز سیر سزدرد لودر لوانیا
شمسی اول شمسی خشان مطلع امارت . و بدربار عالم صد اکتشام اجمدی احمد
 اولد و غنی جهندن مخلص زبور ایلده میان الکفاسدن سر علی کبی سر آمد اولمشد سلسله
 انتاب و انتمای . قدوق اصحاب کرامدن سیف الکلام . خالبدن و لید خد متکرمینه
 مستقیم منتهی اولمغله مفتخر و بهتری . اولور کرایه و بونقندری میان صغیر و کبیره
 خیل شهرت پذیر اولمشدی ککن والد فردوس مکان . بکونه کوهرفشان اولور
 کتب توار کجده و اسماء ر جالده مظهر و مرسوم در که اول صحابی پراجلا کک اولاد
 اولمیون اولد و حیدر علیا دن اعضان و افغان نابت و خیران اولمشد
 و اول مطلع مفاخر و مناقبدن کواکب ثواب طالع و خشان ایلکد و بجل من عقیما
 مظهر حال جان اولمشد حفا که میر زبور اخلاق جمیدن . و محمد غیر عیدین . ایل
 موصوف . و امثال و اقرا فی میاند ککالات و عرفان ایلده موقوف و کلشن اولجای
 از بار منقلب بحد و کماله محفوف . دایما اوقات فرخنده صفایه قار اولدجه
 تحصیل و تکمیل کماله معروف . طایفه شوا و بلغا بله صحت و الفی اولمغله بلبلان
 مضاحک فخر جاند کویا اولمشد خجمله باغ و بادای ایلکد همان عینی اول
 ایلکد بود کلوموتب ملاطین ککار . و رعایت و عنایت اربا کجک صاحب مکننت
 واققدان ایلکد تربیت و نواز سکنده اهل ایلدیوب جود قیل و قال ایلد جوب زبان
 ایلد الکفای قلوب بلکه بوجده غایت لطف و حرقت اولمق کوسنر ایلکد حبس اولن
 زمان . مرحوم سلطان سلیمان خان . زبور کمال جود بر جلالی هنوز مونس
 و نوسال ایلکد بوستان هرای سعادت و اقبال لایزالوب جویبار الفی بیسماری ایل
 کسب بالاد ممتاز . و سهل مانده بین الاقرآن سروسای کبی سربلند و سرفراز اولمشد
 حم برای سلطایندن جقدن بوضا فالقده تفرق اولد قدس کن زیر سایه لواء

لری

سلطانیده مؤلف اولوب شام شریف شرفی الخاتم بکل کیسی اولمغه احترام بولسید
 بعد اناطولی و روم الی بکل کیسی اولمغه خدمت صاحب قران غم کلزاجان ایدوب
 تحت نشین بهشت جاودان اولدق مناصب بنویسنگ سطر ظاهره سندن اعراض
 و زخارف حاضره سندن اغراض ایدوب ترک عوفای امارت ایلده نوزوی کوشه
 قناعت و فراغت اولمیدی لکن ذات سعادت نهالارنده مندرج اولان دولت آنه
 مقتضای ایدکی هر زمان سلاطین العثمان ایلده مصاحب و مشاوره عیض جلالته نژادنده
 منجج اولان اقبال اول حاله مستوجب و لایق ایدکی رکاب واره خدمت خواجه
 کامکاره ملازم اوله الفقه مرحوم سلطان سلیم خان خدمتله مرحوم مرقد عالم طفولتین
 حقوق سابقه سی الوعین و وارث ملک بیکه و سریر آرای تحت خاقانه اولدق ملازم
 خدام مبارکاه فلک سکا اولمغه خاقانه اولمیدی بناء علیه العود احمد دیو حجاب سلطنته
 العلیه عودت و مراجعت ابتدایک معرب حضرت سلطان اولوب پیمانه مثال حکمرانلردن
 معارف اولمز و حیدر و کارد و سرباز و اوقوللردن ایرلمز ایدی خدمت سربازی
 حکایت ایدر ایدی که هر کون اول کس خشان عالم احسان ایلده شکاره توجه
 اولوب لیدرکن انغریق ارا سنده سر و قد و لاله خد پری پیکر ملک منظر برج ملک
 مهرین و درج حسن و لطافتک کوهری نظیری **منشی**
 متالن کور چشم هرگز زمانه نظیری کلش قطعا جهان اولیدی بی خوبان جهانک
 قول اولوردی کور شمشیر لایق نذر بر دلبر سیرین شایل کوردک اول شرو ملک
 خضایل صوبکی سر و قدینه مایل اولوب اول غنچه نورسته فتح باغدن فویشن
 و اول عالم حسنک ای نه بردن طوغش کیمک قولنده در اول چشمی شهباز
 دیو استغفار ایند کلزنده بنم اولدوغن اشعار ایدر که اتفاق اول کیمجه سیکه
 اولوب اداره باقوت رمان اولدق خدمت سلطان بنای اول هر کلزاره

مصرع دیدم دیوب و قور

هوا دار اولوب طالب وصال و نایل حال اولدوغن اشعار چون کلک بر
 بکون بن بر جوان کوردیم عجیب و غریب رخسار بن دخی بمصرعی دیدم دیوب
 بلبلدایه او فندم و صلیبیه هوس قلمی انک بر قوری سودا در بخت پاشی
 سلطان مراد خان خضر نیک دخی کماکان مقرب خدمت علیله لری فتح و فتح
 کیمی ملازم خدام عقبه سنیله لری اولمیدی آخر سیمج و نمایین و متعین ده
 خورسید دولت و اقبال کماله ایردکده آفتاب عمری زواله ایرمشدی لایق قبول
 اساری و در نه کشته و صول بولش کفاری و ار در بوشا رخ نور کلک نازند
 خلقه خلقه کا کلک طوق بو نیمه زنجیر و ش فنده کفک عاشقک یانک کتسون شروش
 بیل قفانه بیلدی اول بهار در سید الغم بنم نیمه بی اختیار در
 قرمز کلدر در سیمده داغ کم و بیش عاشق داغ اوستی داغ
 بلبله اچمدین دمان غنچه رازنی ایتدی نهان غنچه
 بر دلا و رصفت قنوب چمنه و کدی اطافنه سنان غنچه
 نرکس غمزه کاره و آرد چمنه سرمدان ایلترار مغان غنچه
 کر ز آلود دستنه نریمان وار اولدی کلشنده بهلوان غنچه

منشی اسکوب یانغ اولان قصه پر زیندن در چاغ افروز نغمه
 روشنی بخشین بلفا خوب زبان روشن بیان شاعر بلاغت عنواندر که
 سعه اشعار آشناباری خمن سوز صفا رو بکار و کلمات شوق سمانک
 سوز و کذار سعه شمع پر نور کبی نزدیک و دور یاننده روشن و آشکار
 اشعار سوزناک عاشقانه مهریت کویا آتش عشقندن بر زبان در جمع واد زرد
 نزار اولوب انجن پر و جوانده دمع آتش نغنی جان ایدوب ظاهره خندان
 حقیقه سوزان و کریان اولق مناسبتی ایلک کند دجی نمونست ایتدی آستان

ملک مدار حفرت خداوند کاره رویال و اول مقام بر احترام ذوق سما علی
 دونه دونه کفیل و جد و حال ایدوب خاتم اخوده استنبولده خانقاه شیخ
 وفاده گوشه نشین و غولت کرین اولمشیدی حالت حلیتی بیهیت اوزره اندر
 بر کیم که درون فلک سینه ظالم و سفاک و دل پر غل نجیل و اساک کبی تیره
 و تار و عیار حجاب ظلام سازدیده انجم سیار اولمشیدی
 شش زلفین جانانز احامل دراز و تیره و د لکیر و مایل
 نمی دخی بر دست شمع آتوب بویک شمعیک بستن و اردیو خانقاه وفاده اولان
 مجاوران و اخوان و یاراننی دعوت الی سز لزد که مشغول اولک بن بر باره استراحت
 ایدوبین دیر اندخی بر مقدار ذکر خالق پروردگار ایدوب مزبور خواب راحت
 بیدار ایمل ستر لکورد که چشم جبینی خواب جل آتش بیدار اوی فردای قیامت فاش
 واقعاست با که محبت الهی و بیانه کش خجانه عشق نامتناهی اولان **مصرع** بوز
 ذوق و توفیق و بر جهان و سری دونه دونه اول ملک غفور شیخ لطیفه غار قرن
 و لیا بی دیگور ده مونس بار خ ملائک و حور ایدوب بر ایکی اشار اول فوج غلث
 و شمع بزم عالم فضا حکت رقم زده ملک ستار بیدر **نظم**
 عار ایدر شش بنی اولدر ملک اولسم تنم وارین یلوارین بونیم طاقوب کفتم
 خلّه جنت اولور سه جلکین چاک ایدوبین دم وصلده کجا جابل اولور پیرهنم
 سمیم گوشه بیخانه و برم فلک کلشن باغ جناندن بکه یکدر وطنم
 آه کم گندی اولکلز بوز که باره کر دو ستم عاشق اولان بنیده اوکمر تنم
 فوجم در دم سخاری پیرهن سز جور تدم وار می قالد کم کفتم
 هم روح روانم سینه به کل نور سن چونکه جان اولمزد سز
 اولور سم با که کیمه اینم تبار نه در لک پنجه هم با که سز
 ارتدک جانکی سز نه شعی صار در دکر زربکی برسم تنم

کیمه

مطلع

مطلع خلاص اولوق نه ممکنر کوکل کم مبتلا او التمر عشق المذن کیم عالم بر کجا او
 باشند آتوردی آتش چو ان ستملن بانه با قلعه شمع نه وار سدن ای نگار
 کیمه کم عشق اینی اولای شش او قومق یازمق اولمز اندیشه
مصرع دیگر قصه طایفه سندنر انا طویلیدند اگر چه نظم و اشعار اقتدار
 وار در لکن شمع اشعارینک اول کلوفیاسی و مرآت کفایک چندان صفاسی
 بوکطافت که خدا کاکل دلبرده قودی نه کل نروده نه سنبلده نه عنبرده قودی
 نه عجب حالت اولور بوز جالی بار کشت کنش ال رقه سنی کورد که دم دیر
شهادی انطالیه طریزندر حلوانی اولوق منا سبتید مجلس خربوری اختیار بخت
 اگر چه لطیفی خلاوت ولدت سهد کفایتی تعریف بی شمار ایدو حلوانی اشعارن
 اوکوب صامتند لکن بر فحاشی من لم یذق لم یعرف هرگز خلاوت شعرون
 کیمه ذوق ایدوب طامتمند سلطان مہم ماضی دورنده آخره انتقال تمیز
 فقر و یوانیلای عالی مقام اولگدن کزدو که یوسکده کورمه منزلک تحت تیر
 استخوان کله سین چترها بوان سنین کور اچکند مور خیل جیمه جلکدی طنا
شهادی سلطان محمدخان زمانن رعیت بی شمار بولوب اولوز کارده
 شاعران ایدی سلطان محمد درت بیک تنه دیوب نظم مرقوم دخی نام اولین
 مست جام حمام اولدر بوابیات کتاب و قومه نذر **نظم**
 بنام خداوند ادا ریاک برارنده اتش باک و خاک خداوند جان خداوند هوش
 خداوند روز و رات بوش نرختش اونداسنوه کله نای جرج و سکرای رکوه
شهادی معین دندرا لک طریق لطف اولوب نزل تکلف و تصلف اتمیز
 معارف و کماله شش انقله دین جاسک صور لطایف شهودی اولدو غنم
 عدوان نقادن شهودی وار در خوش بزم و لطیف صحبت کند بر بوسه انگار

بوز بوز بوز

بوز بوز بوز

مجلس سیده لبیک شوقه پیمانه دوزخ کور شمع ننه کم شوقه پروانه دوزخ
مولوی از سماع ایلیم مجلس او یار دور کرد و دوزخ بره تابانه دوزخ
رشته نظم سرودی در الفاطی در دوزخ یک مهر بری بر حسن خندان دوزخ
سیدی نوزدین رسول چشم و چراغ بتول ایکن برید یکن سیدی
آسمان جلالت و ولایت یک نجم سعیدی حضرت حین سندن الی سندن در
ناهی قاسم سلطان سکیم طرا برنده شند آده ایکن آسمانه سندن انت بایک
سلطان رفوع تحت تشریف سلطنت روم اولدوق التفات بیکرانی ایلد برزیده اوق
اولوب خلی جلالت شان آلتا سیدی بوسو حرم یک کھار ننددر
شراب تلخ زهریه بکاشرت کلور حرم لبندن صونیه باریکه کراول کز زبان
سجی دبار کر میاندوز اکثر علوم و مشارکتی علی الخصوص فن طبه خلی خدات
و مهارتی و ارادیدی و کمال فقه و فنی نمدار مقبول و الی البصار منظور ذوی
ایکن من اعجاب الی حوال اعتراف کمال فحواسی و زره حرض رنده دایما مبتلا و جهر
خشنود ضعیف بصیر ظاهر و پیدا ایدی جمله مذاقت و مهارتندن حکایت انور که
العثمان سندن سلطان محمد بن علی م خان بر مرضی بله مبتلا اولوب جمله اطباء علاج
و دوا سنده عاجز و قاصر و مقوم مقام اعظم و اکابر اولان در دولتمند حاضر
بولان حکایم و حایز اولوب حفره مراجعت اولدوق تشخیص مرض ایدر
علما جی بر فرج مفرط در دیو کلاشم فی و خطاب وافی ایلد جواب ویر بر کراول
اشکال و پلک پسر احتشاک مقصود و حرامی در بار کواکلی کبی سنگین بر قلعه
متین و حصینک خبر فنی ایمن اول خبر مستر اثر و سمع سلطان ایرتیک مرض خور
منافع و عوق الم بالکلیه منقطع اولور پلک و فنی جائزه طفور لوانم بر قریه ویر
قریه مذکور و نیک ضبطه لیدرکن اسکی ضابطی بولن باصوب اموال و اسباب غارت

ایندک **ع** آجین خوند آتی کچر مضمونی اوندی خورورک بوکاره قباح
آثاری جان سیرینه کار ایدوب اول سرورانه بورانه ایلد حالنی حکایت
اچون خوانه رساله بین نظم ایدوب اول غارنگر لدن شکایت ایتند اول ایلد
سلطان محمد دیار عقیبا به خرام ایندک برینه خسرو روی زمین اول سلطان مرادک
اشارتی ایلد نظم خسرو و سیرینه شروع ایتندی لکن کتاب بلاغت سماک مطلع ایلاند
خورشید تمام ظاهرا و لدین و اول خطا سیرین مقالک آفتاب وجودی کمالن بولن
نظم عمری مقطع قتاله آقا اولوب غلام غلام مراد حاجی و تر اولدوق عیسی
زاده سی جمال کتاب خوروری تمام ایتند و احو زمانه سندن اولان خوانک سجی
و سرداری و اول و زکار دده بولن بلغانک نمدار و پراشتناری مشنوی
نهایده قدرتی و ارد و غلیانی ایلد مناسبتی بوقدر اگر چه کتاب خورور و فنی
اتاقکم و استوار و یکدست و هموار در چونکه کتاب خورور خلق ار اسندن مشهور
و مداح و مفاخری صحیف قلوب جمهور دمه سطور در غلیانی کتریرا و کندی
کل بوزک مجموعه سندن نیجه کم دفتر دوزر ویر اوراقن بیلد چون نخسین اردو
بوخه نوز فرک بوزک کوفینه بکزمز نیجه کم بد زلفک بوزن هرای بوزر دوزر
سجی برویه دن چاشتره جی نیخی دیکله معروف دوزر اهل حوضدن طالب مفت
مرصع احمد پاید صحت ایتند چندان غلیانی شایع و کلدر لکن محکمه بکو کونه
لطیفایات و واقع اولمدر جمله دن بری اولدر که پنا جلی نام مدر سندن برداشند
خوزه شیخ دیکله معروف منلایه و اردوق بوبیتی دیمدر
پاشا نکاشته ناسی قل قیرکن بنم جانم خورما بای ندرین و خواجه الیکس
الیاس جلی نک خستند بوبیتی دیمدر الیاس جلی صحت اچون بر جکر امش
کلون بری میدان کیمکیم جگری وار سلطان بازندخان بر سوده کی خایه

بنا ایند که بو تاریخی دیندر بیکه باین سلفا چکی بناسن بکرم تاریخی خوش
 وروسته نیک سیر قاپوسی دیکله موقوف قاپوسی تو بیایدوب دیمدر
 صکارک سیر قاپوسی صورسک اغاج بازارینه واردن دونه ویر
 و حنیته بو مطلع غواکی استار اوغور بهوک دونک اوز نلغدن ویک
 نر کسلرک فراقیده کر بکلی کوزم بو ملکز اولد **سبح** مرصوم سنان افندیک
 فرزندار جندی حین افندیک اوغلید نامی محمددر رفم بجابت جهته خلقتنده
 مکتوب بر جوان معدود و محبوب ایدی هر بار مرآت مشقت طلب عرفان مذاق
 دل و جانینه آب حیوة کبی لذیذ و مطلوب و بیاض سواد کتاب نظر بصیرت
 خط زخار و رخسار پراوار دلبران ملک دیدار کبی محبوب و مرغوب آید لکن
 عواصف صوارف زمانه و صدمات تذبذب خوانی دن کل وجود مسعودی هنوز
 نام اجلین نمروده کلشن بقا و چمن حیات بر صفای اخضرار و کمالین بولین
 افسرده اولد مرصوم ابی کتوره افندیکن دانشمند ایکن مقاد اجعی الی ربک
 راضیه مرضیه روح بر فتنه دیار اندن عالم قدس منصرف و فرمان واجب الادب
 فادخلی فی عبادی و ادخل جنتی عنان جان پرا حترامن صواب التمام
 مسطف ایلدی نو عروس سوی رشاقت فد و صباحت خد و تناسب اعضا
 ایلد مزین و محلی در اگر بر مقدار متردی رداء بقا اولیک ستره دنیا اولمندی
 بقندن کجروب فوجد چون سیم تنک روز چهره کریبانن الم پیرهنک
 زال سپهر حلقه کوشواره در انده ستاره در و شفق لعل بار در
 سنک غنک و کشر ازل پینه سن کیتیمز افندی دخی بوزنی قاره در
 ربا جان محبت دیکلون باغبان عشق سفال سینه فونش بر اوج خاکدر کلم
سبح نامی محمد در طیب زاده دیکله متعارفدر ایلینک براد کتریدر مرصوم

سحر
 و کمال
 و کمال
 و کمال

و کمال
 و کمال
 و کمال

معتم زاده دن ملازم اولشد حال افرق انچه مدرسه دن معقول تحصیل و تکمیل
 معارف و کماله مشغوف و مشغول در حفا که حجب و موانع تحصیل علم و کمال عتقا
 بی غایت کریم متعال ایلد حرم بال و قبله قلب پراجلاندن بالکلیته منقطع و عل
 و شرایط وصال عوانی معارف و ارکان و روابط اجتماع فنون لطایف
 وجود مسعود دن بامر جامع اولد و غنن غیری خلعت زیبای زیبای بلاغت
 و طراز لطافت امتیاز فصاحت قامت اشعار بلندینه راست و زیاده انوار کمال
 وصف کفار فرج فرا سنده کالشمس و صیحا ظاهر و پید و روشن بودید در رفم
 بی بضاعت تربیت و نواز شرینه حب الاستطاعة قیامم اوزره اولوب ذات جمیل
 القفا لربینه الخذاب الکلامی المومنین هر چند که میدان مدح و ثناء نده بکت فایده
 منزاع بر یلوب مطلق العنان قلنس من بعد سر کشید و آرمیدن المغله مکان بو قدر
 بناء علیه بوندن زیاده جل شاقب و مفاخری الف موقوف قلم و نون مشدد و ات
 ایلد مؤکده و بنا و اطراری بوندن ارتق مرفع و مشید قلندی بوندن کر بجز و ک
 چون امر اولندی یار ایشکده قیامم عشاق اچند بزدخی بلدک مقام
 ایدر آب زلال تنگ بر قطره دریا نه کم تاب قهرک ایلدی بر قطره دریا
 کلام روح بخشک شمدی سولیمز سجانی اولان روح کلامه واقف اکثر بپوختی
 اولدم جهانه بر بوزی کل یار اوی بیار عشقی جوق پنج بیک و ارا و لوسی
 بینه ساقی می کلکونه بیضاق و اربی باده نک قطره سی یوق لعل لب بار کبی
 رانم و وفی بوغله یارانه طرح ایدوب هر بریسی تنبع اینبیدی اول غل بودر
 اولدن یار دست دشمن بد کوهرشتن قلوبدرالدم فریاد کچی شد التفت
 خدا و برسون کاعمر درازی ای بو کرم بولکه جان و برن عشاق بید قیام
 کرک سنک سیاه الوون کرکله و خارا غرض بر بالشراحت بو تقدیر سر التفت

بو بیت فیهین مسنددر
 و قضیین و نوره ده بوی

و کمال
 و کمال
 و کمال

اولوب گلشن بزکده کویا کرکس غنا . سر انگشت سیمینک و زرین ساغالتند
 حسن صفت میا نذر کورین ز خنجره . مثال کجدر با نور دما دم از در التند
 شاعر نور دخی غنچ ایدوب بوتز که به سواد و لغت چون اسال آید در
 خم اولشرا قشک کچی زین افسر التند . صان اول ادر که بفرشتکات قدر ز التند
 کلور دی قصه خاکم کرد باد شوقه دایم . غبار اوله تنم پای سمند دالتند
 شیم صبح کلر ز اولمون کلشنده دلداره . اولور نازک تنی آرد ده کلرک تر التند
 کنشدر عارضک جانا که عکس تاب رو کدر . اولور غلین کف سیمین ساغالتند
 صفتین الدنم لبت باز دهر کمریند چی . غریب ایدر اول بو کبودی جاکر التند
شوری بروسه یانند اولان کی سهر دندز حیرتیک برادری اولاسینه چاک
 و باسی ایدی اگر چه اوایل حالده مولوی اولوب فی مثال ایل هوا . و مائل شور
 و شعب و ذوق و صفا ایدی لکن آفرین توبه و انابت . و طریق حق مراجعت
 ایله حق تبارک قبول الیمه بواسطه فرور ک کفایت رندند . غنچه سزوباری نیلر
 یار سزوغاری نیلر . نوش ایدلرم صفا بخش با ده پر خاری نیلر . بند زلفو کجکدن غیر
 سوری بی قرار نیلر **شوقه** سهر ادر نه ده بر پیره زک قولیدر سلطان
 بایر نه معین ده شزاده ایکن خجاق و طالعی و صنعتی در دولت تار نه تجمیع و حاضر
 اولماین بونلرک جمع حاله پروانه اولق شوقه ایله شرف بوره و اروب شوار
 مایف آلدر ایله منادم و مصفا اولوب شزاده نک دیوانده کاتب و جعیه
 خدمت شهنشاه مسخوره مانند تیر صایب التدبیر دایم و دایب اولمیدی
 اگر چه اساری مذکور اردن ادنا در لکن و اصل مرتبه علیا در استعار
 پر صفا نک صبا و شوقه و کلک تیرینک مذاق اهل عافنده ذوق نور شمع
 آفتاب پر لعل کبی و شن و آشکار اولوب حلاوت عمل مصفا کبی قابل انکار

یازن هلال شگفتی طاق زبرجد . اول قشک مثالی انیمش موده
 میخواره نک عاسی نوله اوکسجا . هر دم قدح د عاسن او قور سیکده
 کیمدر دهر سکای یوزی کون شوقی غنچه . بر کوزی شیلو یلدری دیکون قشکده
 کر چیکه وجودن عدم انیمش کشف چوقدر . حال ایلر اسند میا نک کبی بو قدر
 دریغ حیرتم قلدی بسم سن سروق . بو کون دنیا ده بولمزم بولم یارن
شوقه بروسه دندز افتخار آل عثمان . سلطان سلیم بی برید خان . طر ارنن
 شزاده ایکن لالاسی اولان شمسی یک فزاری به خدمت ایکن خورشید شزاده نک
 معلومی و منظور نظر اطفال بیجه و رفوقی . او مسمیدی بعد و طند مراجعت ایدر
 بعضی ال عثمان روضه سینه مزید دار اولوب معاش چون بعضی جهت اختیار نمیشد
 بو سوار کدر
سید آب و هوای فرخ فرا و ترج زدا . اولوب بلدان جهان لهر شزاده نیا
 اولفله سهرت نما و مقود مقام خلافت غظمی و جلالت کبری اولان شهر قسطنطنیه
 دندز محروم عاشق جلالتی نک شاکر و خاهی اولوب فرور ایله زمان منفعت غل و دم گرم
 و سروده غنچین و ممدرد ایدر . طریق عکملو کایدوب بو طریق خلی خجنت دیر
 و فلکات کسید . سی ایدی سخی افندیدن بیک بلایله ملازم . اولور قدح صکک
 سنه ثمان و ثمانین متعطلیه ده کلکنت فردوس برین انیکه عازم . اولدر احراض
 فرمنه و مملکه به مبتلا . اولوب هر چند که معالجه و مداوا . ایدر د فایده و مریوب
 بلکه اول عاشق و شیدا به هوشی دا . اولدی خانقا دم کر عاشق شیدا سی . و عالم
 ذوق و صفا نک رند بی پروایی اولوب ظرافت فرین . و ارباب صفا یله غنچین
 ایدی اشعار و اف . پر کوشی شاعر . در بو اشعار انک کفایت رندند
 زلفکک بدن جو زوبای مکنک آصال . کون یوز کدن کلک رفیع ایت جهان صبا

قیامده

خوبتر مردان حسن بکرمه و یفک اوله مریک شهر سوارم سن سمندا زله آلا بهال
اولد ورم شیدا به باین یو عهد ایتدک کون بو کندرا اولد و رب باین بنی فرد بهال
سن کیدلدن کوسر ووردوران بکار خت کل کلیم سرت اولدق کورمه صحت بوزن
شیری نامی علیدر ریاض جو دیزر کوری از مار ناقب سجد و شمار الیه به بهال اولغله
کنجو رکوز انامدینه العلم و علی بهال اولوب زوج فاطمه بنول اولغله فرد و شیران
بسته شجاعت اولان و لبران بکرمه مرد اولان اسدانه کفالت علی بن ابی طالب خیر علیه
هنام اولغین فخلص مروری کند و به حاجت احرام بمسیدی هر سک اولغی وزیر احمد شاک
اولغیدر سدهان سکیم کیم حرم خاصنه الوب ذره وجودی مهر تربیتی ایلده برداش
وسا به مکرم و عا طفته نهایش بولوب باوجی باشیلفی ایلده جقوب آغوشی قله
ایر و واج و شقه لوا سعادت اخوانی قبه افلاکدن بالاد و عالی اولغیدی
آخر مرض نقیبه مبتلا و میدان صحت به سر و پا فلقد مرده نفا عذلیه شجاق اولو
اختیار غلت و مرده حرات هوای ایلده برپاره استراحت ایلوب انده بر قاج
بیل محده اولدق صکره آخرت حلت ایلدی بخوف اسعار فلک بل غنه همسر
و پیشه زار براعت نزه سیری و عالم نزلنگ بر میزی اولان شوا دندر بویت
کحیف جسمی دندردی آه و زارینه کورک بنی نینه دندردی روزگار نیم
ایکدن ایلده باشکه مرغ آشیانه سین مجنون کبی بلاده کوکل خونشانه سین
مردم دکلی سن کوکل الدنمه کیه صیقان صبا دعا لک کور وین دام و دانه بیان
بر بوسه سپید بیک از جان بهر دکر کور دکی سیر بانه بارک برانه سین
دک نزه عشقی صنما سون کن مجنون کیم اوله حکمتی تعلیم ایده افلا طونه
کوره بن اول کشته مهر فلک بگزینی چه یمن ناله کندیکه بو کون کردونه
شیری بوک دخی نامی علیدر سسر دندر زمره سپا طغریا به دندر طرز

و اینها را در کتابهای دیگر نیز می بینیم

بستان خیال و کت تراکت و وقت مفالده متفرد و بعل طبع ارجندی اول
اول شاخار بلند و دایما متفرد اولور دی بوغول خراج فاصیدر
کوریک کولور غمزه دلبری قلیق فاب فراخوی صابری جن بکر خضری بنمیل
صور وجه دلبر کبی آپاری سحر دن طور خاشاک شیرا اوپا وین کورده کاکا کور
او بکنور مشر خط سیر سبز و کای شوق سنک صفین بوللی در با غده تر تر چنگ
ای بنفشه صحنه او بکنه به جقدی دلک بوم ۲ اغنخ ای غنچه اجدی سنک
شیر یا داغ اور بوی تازه بر جلر جلک با شدرله طونه نور قلعه به دندی به
دنانک آرزو سیده کورن چشمه کج باشی دیدی بوق بره طو شرن در قانوج صوبا
باشنده او دینار مهر خکله کور در شمعک او شوب پروانه لبر بر کلور شمعک بان
خیال خاصه دیو بو بیتا ایلده مبتلا ایدرد قیرم اوزره اولجیک دم اولش پر کلشن
کیم بیلدین بویو بولغنه طریق دو که سن و جیر نه عجمک بو بیتنه جواب و بر سدر
جنگ شاهی با قولباش از سر نادانست هر کجا دیدیم یک شاهی به عثمانیست
جیر نه گفت یک شاهی به عثمانیست من ای بینم که ده شاهی بیک سلطانست
واقع حال بود که بیت فرورفتن بکندر حتی خدمت والد ماجد جوابنده در سدر
نرجع رافضی که محنت چولو لولیت برستی حبه نهاده از فضولیت
عز و افتاد صابر جلب قریب دندر صبا و صابر نفس آزاره سینه غائب فاهر
که تبین و عوق جبین ایلده کچوب طاقیه دوزی لکله تحصیل کفافی روزی ایدرد
کلان و فی مشایخانه در نیت کم بو شود لیلدر ابر فرقا کلزارینه بو کلشن کچین
جانان و اصل ولیم جان و جهان دن کچین **صابر** استنولدندر قدوة العظمین
اسوة الناصحین مولانا عوبک قبری او علیدر نامی مصطفی در مصر صحنه یکن غوفان
بوفنا و عازم ساحل بقا اولان خالی بواب زاده اخذیدن ملازم او بویضا صابر

و اینها را در کتابهای دیگر نیز می بینیم

حالا دیار عرب یوزاللی ایله متصرف رتبه قضا در قضاة و ولایة اراستند
 سنی و عظامه پرستهار هر قنده اولور سه رغبا و قوا و ظفا و شوا ایله یارغا قضا
 فضل و کمالات علی الخصوص علم تواریخ و محاضراته صرف قوی و انتظار ایدوب
 بوقن جلیل المقداره علی الخصوص تاریخ ابن کثیره خلیل روزگار خراج اقتدار و طایفه
 هر زمانه تحصیل علم و عرفان و تکمیل معارف بیکران ایله قضاة البغداد کمالی نمایند
 و بنا اساس فضیلتی مدام تشبیه اوزره در کفاری معنی دار و قضا و قبضه استقامت
 حکم و بلاغت و سبیل در بواسطه انکدر
 دکل بوقس و رخ آه اید بخیر خسته بشل ذل توتم و خسته اولدی بویسته
 سحر بر طاس اوب خورشید دن گردون کبر دار افشانی کو بیکه آهسته آهسته
 چکینه بر در یکدانه سینه به عیان بولن هر نسج و اریه جلیقه عیان
 صادق ظرافتی ادر نه دندر خطی حوب و انار اقلام مشکین ارقا می مرغوب و عیان
 اشاری مجموع کرده کنده خطی ایله مکتوب در خوانه اشاری و عین معین کفاری
 تول جده در که منبر ایشام سند جاری اولفله زبانت بطوح و مسافه اشاریه حد
 غایت اولن امحال و محض خیالدر بر هر حال بومقال انکدر
 برت نرسد اولنا زک بدن کوردم مشکینی کوک التنده بن
 ساقه سکا کوز قند و غنی کوردی جبابک الذوغی هب اویدی جمله شرا بک
 جمله طو توب چکمر ندی شیشه صادق بیل اتمی اولاسه ابا غنده جبابک
 صلندرین در سر و چنده سرو آزادی عجمید سلیمان زمانه توسل بادی
 او بنم غنجه تک طفلن دیو زاید بیلک ایدر شاه کله بر توب بقاس با عین
 صاف جندری فاسم شاپ و نیمکله سره دنیا در دیار مصر قاهره دن ولایت روم اوق
 قدم سربقی ارزانی ایدن عالم ربانی و کثره صمدانی واقف رموز و باقی مالک کنوز

کبریا

حقایق علم حدیثه بخاری و مسلم جمله عالم بایده مقبول مسلم و شارق معاین
 مصابیح ذهن ثاقب ایله منور قلوب انبی آدم اولوب طوای غرای فضل و کمالات
 توفیق رفیع سند عالی ایله معنون و حدیث صحیح فضل صریحی کابر اعین کابر متقل الا
 معنی اولان مولانا جدری خد متزلزلیک بنده درم خنده سی و جا کرد دست
 پر دریده لری اولفله انتاب هر قوله معلم و موسوم اولمدر مولانا جدرنیک
 ادغلی محمد طلی که انواع فضایل و معارف ایله معروف و اصناف جلال فضایل ایله معنوی
 سلطان محمد خان عجب لرخته و کفوان خد متزلزلیک الطاف بیکر انیله لوف اولمغین اول
 سلطان و افصح البرهانک زمانه شایخ اولفله طوای وجود پر عنوان اولمیدی
 مزبور قاسم پاشا سلطان محمد خان عجم منزله تربیت انیمکله مهر وجودی آفاقا
 رفعت بولوب دفتر دار اولد قلمک ذات خورشید انارقی منور ایوان دراز
 اولمیدی تبعیت بقا حد طریقی ایله سلاطینیک بیکی اولمدر ستر مزبور ده عمارت جامع
 بنا ایدوب اول شاکه دست اجل مزبور سر بر جیاندن نقش حانه انداخته
 و نقیث طو انبساط حیانتدن برداخته ایدک طو طلیح شکر شکنی انزبانه
 اشاریه تنج ایل کویا اولور دی فوج اشاری لطیف سوزناک و ایشا بلغت
 سماک ادا سی خطی صاف و پاکدر بواسطه اول طبع در اکدن روشن و تابنا کرد
 سبک مردم کل اوزره تار و مار اولوق ندر نرک هر کوشه دست و خوار اولوق ندر
 که جفا سی حکم ایدر ملک دله کاهی سیخه بر خواب آگاه ایلکی مهر بار اولوق ندر
 خط و لبر کبی آخ جون کلور شش یازن صافیا آینه دله غبار اولوق ندر
 کل گرم اولوبن بولمدر چلن ای دست صووق کچر ایمکند اخچا جلن ای دست
 مندا ادریس تواریخ آل عثمانده و زرا سلطه بایر نید خان سلکده یازوب
 سوسن ده زبان کبی مدحیده رطب لسان اولمدر صادق مزبور کمال وجود

در

شهر بخارا و دن لایع و بارق اولمدر طریق علمین طایفه طایفه ایدرک اتفاق
 فضل رایت ایلد اطوار و احوال مرفعی اخلایق اولان مرحوم غنی افندی که حدائق
 جناب پر حق یقین خوشه چای اولمدر فائده توفیق یاق اولمدر حکم مبدی اهل جان
 امثال اقراندن یاق اولمدری مرحوم مرحوم پیره زن دنیا یه تبارک طالع اولوب
 عالم قنارن قطع علایق ایتدکه ملازم اولمدر فی اجملة ایدر ارمی معانوح اولدی
 شب دروز ساطع و غاسقین کفیل علم و کماک طالب و عاشق حسن خط اولمدر
 جوق نوادر و لطایف و حقایق و معارف ناموح اولوب کمال ایلد انصاف و صبر
 کبی صادق در و اسرار مرزور که گفتار نذر
 ایدر هر خط ده بیک گزینی معقول و مردودک عتاب نشو ایزر خطاب خنده آلودک
 جفا دن غیری دیر لایق کلام اولمدر تن سها بری و فاسق هر نه در لایق کلام
 دیر سک کر که اولمدر غنچه نک کو کینه ای صادق دوشه کور زاله کبی گوشه کلزاره اکنده
 کلنجی عکبر فیه کلزاره شه سرام کیندی هر درخت کلنشا فارغی غر
 ره عشق کده نه جو قدر اگر چه عاشق اکه لطیفه نظر ایلد که اولد صادق
 یار کلب ز کینه تشبیه ایدلن ای دل اتمه چقدی بنم غنچه کلن
 صاحب خطی ذات بزرگواری بنده و آزاده مسانده جلال آزاده و کماله شهرت
 اولوب جناب فضل کسری که ملک معارف مهربان مرحوم قهرمان شاک
 براد که مریز سالک طریق علوم و رسوم اولمدر فخر علی روم اولان مرحوم
 کمال پاشا زاد نک بوستان فضل و وفات حزان اخوان دن سرو کبی آزاده اولوب
 صغیر قلب پر کماله ماه لایق نوازش و التفات ایلد هر چه و عشقون خاطر فضل شایسته
 باران کثیر الغیض تربیت عنایت موقوف ایلد کشیده بالا ایکن صاحب قران زمان
 مرحوم سلطان سلیمان خان و خانی خان اولمدر خواجه اری خیر الدین افندی قوابل

زمانه جمع ایدوب ملازم ویر که عازم اولمدر مرزور دخی شیفته زحارف دنیا
 اولوب مانند کرک اول شافضل و علایق ترک ایدوب نطق حقوق برینه کمر عقوبت
 میان دل جاننده برک ایلدی بو حال دن غفل و بو امر دن اهل اولدی فغده ایکن
 تنزل ایتد عتده ایکن تذلل ایتد ادر نه حمیه ده سراجیه حدیسی ایکن سلطان کج بدین
 خاقان چشید کلین و فریدون آیین شهنش خورشید کونین و سلیمان نیکین
 مرحوم سلطان سلیمان خان که کفار مغوس ایلد یلوا دور دوس وودین انکروسته ایتدکری
 غازی انشاء غوا و انشا طرافت خوا تعبیر دلپذیر و توفیق نظر ایلد بحر ایدر
 وزیر خود مستبیر آینه غوس حسن تدبیر مرحوم ابراهیم شاکم جلیل و خطیر ایلد نظیر
 ایدوب انرا جناب معارف سمیری ایتدکن مانند سیریل مان اولمدر فضل و وفات
 تربیه و مثال خورشید نواز و باران بهار اول بوستان معارف بهیماری تنیه ایلد
 مقتدا ایدی پاشای مرزور صره متوجه اولوب قزاقشی تذکره حبیبی اولوب کتدکه بویرخ
 زیبایی دیوب و ادب پاشا مدرستی جائزه المهدی
 حضرت پاشای عالی منزلت عالی جناب حق شاک غنچه دایما شاد ایلد
 عکرم منصور شاهیله کجوب دربارک شه سلیمان زمان دورنده بر آد ایلد
 ظلمه ویران اولان اقلیم معور ایتدکه واروب سلام اهلن هر غدن آزاد ایلد
 عاتف قدسی دیدی تارخین الهام ایلد یوب آصف دوران عادل مصری آباد ایلد
 جعفر طریقی ایلد نازد مدرسه علی پاشا و عیش اولوب اولمدر معتمد معونت ساق
 توفیق ایلد اداره حقیق تحقیق ایتدکه هر کج مدرس صحن ثابته اولمدر کلام اعتبار
 شوی یابینه ایرشیدی مدرسه مرزور ده ایکن خاقان مغفور سلطان سلیمان منصور
 فیروز شاه قصه سن ترجمه ایتدکه ایدوب کتاب مرزور جلد صم ایلد نام کمر قلم ایدر
 سهل مدته اتمایلم موقوف و مؤید اولوب اتاقی جناب سلیمان و ایدر ایدر خاقان

ایندکه بنحوق رفعتی قضا طلب شریک علیک اولوب بعد شام بر احتشام وقایه
 ظاهره یه حاکم دوائی اولمیدی اندن متقاعد اولدوقده جوار ای ایتوب انصاریده
 فرزندانی بنجابی بیک بنا اندوکی جامع زینبا یانده خانه و باغچه ترتیب ایدوب
 مردم دیده کی گوشه نشین و خلوت کرین اولوب هر و مثال چمنزار جهان فایندن
 و امن کیده اولمیدی اول نایده اکن شتراده سید سلطان بایزید جامع
 اولوکی بجه ترجمه ایدوب بر خوی الما فور معدود ترجمه کتاب بر نوره شروع ایدوب
 جوخه ایامده اخذ فی انام ایدوب شتراده بر احترام عرض ایدوب حاد و مرانی
 ندایه ایتوب اعلام ایتون دیو اشارت علیه ظهور و صدور قلمیدی مولانا
 مرحوم مانده چار دامن دنیا و غداره دن ان حکمیدی و خرزج قلب مصفا
 تخم قناعت و انزوایه اگمیدی لکن دانشمند زینک حوائج منظم اولوب هر
 کوکب سیار کبی رولر اولوب شترایه مثال مجتمع ملتئم اولسون دیو ای
 ایتوب انصاری هر رسین طلب ایدوب بومی یوز ایله مدرسه مروره ده افاده علم
 و ادب ایتمیدی بعد میل زحارف فایندن بالکلیه قطع نظر ایدوب عیبه چشمی
 چشم عیبه کبی بوز و فر اولوچش نزلک سرای رجا جی سی سبل
 خواب و خنل ایتدکه مدرسه مرقمه روح فارغ اولوب بعد مطلق مرام دل کا
 اولان مرتبه فنا فی الله و اصل بالبح اولدوق جسم وجود و خواب اصل
 الوب عالم حیاندن کوزن بومیدی و کان ذلک شترایه ثلث و سبب منجی
 اگر چه اداسی روشن و واضح توفیق و توصیفه لایق و صانع اسعاری و ار
 لکن انسانی سار و کث سندن راج ایدوب مانده فواج عود و مناج ایل وجود ظاهر
 و لایح در بوخالی بدل اول جامع علم و عملد که دامن منصبدن ال حکمیده
 آنجا اولدی عمر چون کجی مواسندن بیدین ال بر دوکن دنیا بکا نندن کرد

بیدر لک یا مید ر ایدر شدی ایام سکون صوبی لطفی اقمهر بکا نندن کرد
 طایفه سیدی دل ایدی شترایه جیفه دنیا غمی و شمر کاکا نندن کرد
 بن جهان سودا رندن حکم ال می سر سید غوغای دهری ال کاکا نندن کرد
 هر کون اکاه اولدوکی و ش کبی کجی صالحا حالک نولور باری کاکا نندن کرد
 مرحوم مرقم کمال پنا زادن و حوک اصلاح و ایضا حنه حاشیه سی واد
 بشر عقل حادی غمر عالم ربانی و احد بلانی و معلم علما افاضی وادانی
 حضرت سید شریف جوی جان نکر ترحم کفنا حنه دخی حاشیه سی اردو حاشیه ایتد
 بوندن اصل و انج ایدوب اهل علم و کماله اظهر و افصح در فواقی شرح کفنا حنه
 مناسب حاشیه اولق مقدور بشر اولق رنبه سندن عالیتر در و کماله ایتد
 کتیر اولن حوائج بر بصیرتدن ازاله شکوک و غوایتی اینجوب اولک منطابق
 کوره حاشیه کتیر اولمدر صانع ادر نه لیدر عطار زاده دیکه بر شترایه در
 کھنل معارف و کماله صرف قوی و انظار ایدوب ضبط قانون علم طلب بکا جلی
 اعتبار بومیدی خدمت سلاطین و طلبه خواقین قبول اینجوب بر خوی
 الکاسب حبیب الله و کان شریه وادویه طبیه ایل کسب معیشت بومیه ایدوب
 سه ثلث و تبیین و تعلیم ده خواص ایدوبیه واقف اول غل علم کیمیه دخی عارف
 اولق قصد ایتدکه بعض تدبیر اندر خابط اولدوقن باشنده قیامت بومیدی که
 واذ الکو اکب انشیرت فواسی و زره اجزاء دخانه کبریتیه مقصدا عدا و الحق
 کوکب لسان و فواقب دندان بالکلیه منقطع اولمیدی بو حاله کندی
 دخی عفونتی نایر ایدوب سرای بدن بر و جلم خلل پذیر اولحق سلطان روح
 اندک مکان اینک مکان اولوب عالم جوداته روان اولمیدی عفا قبر
 و افراصل کندن جمع و ترکیب ایتدوکی چون اسعاری کیفیت و حاله خالی و عمار

غایت خود بین و خود نما کند و بی حکمته ابو علی سینا بگوید خرد و زید دنیا سیم
 بلا شکست بر دلا می و تهر فلک قدر رضا خشک بانی و صانعی که چو دی بر حال بوقال انکدر
 نه و آرسن بگویم باشن کوز تک صوفی بپایم کشیک دست باشینه بود شمن آینه
 زین برک سمنه خطار جانک سمنک بر جو فور سنا سیدر جان ز خندانک
 او ستنه دتره میغه نوره سته لرک سکو ب اتمزدی صبا بر کل طزاری
صانع ولایت جمیده فضیله اغوسد نذر نامی محمود در بونی محمد علی دیکله شهرور
 واعظک برادر که تیرد جناب بر فضایل و محارم فضل و عالم سنان افندی مرحوم
 ملازم اولو استنبول بکرمی ایلنه شاهی مدرسه سدن موزول اکین موت طبعی انکصب
 حیاندن متول و عالم فادان ملک بقایه متقل اولوب وصال حضرت خالق و صانع
 حله امان مانه سینه افکار ایدوب اول شوق و ذوق عالم بالابه گذار ابدی بانی قبول
 اول انظار بعضی اشغاری دارد بوشوا انکدر ایجک لعل صفا بخشکی دل ختم اولور
 بیستون بکرو دلا یا دایدیک فرهادی ناله لاله ابر او دم ماتم ایدوب هر واد
 غم بگو کلام جقم جسم ناتواندن تمنای و صالک کتیه روح رواندن
 شاعر زبورک برادر که تیری و اریک علم و موفدن عمار و بری اکین تاریخ و ابیات
 دیوب اکابر و ثقاته و یرو ب کند ذک قیامت و جملنی خواه و نا خواه اثبات ایدر
 عجایب کلمات و غایب ترمانه دارد در عجالات و اعجاز فاعیل هر دنی و جی ثبات
 ایدیکه بومفوله کسند مراتب سامیه و مدار علییه مدرس اولوب طالع بلوسه بانی خشک
 ایلنه فانی و حاکم اولمشیدی فی الحقیقه بومفوله ج خادیم شرح ابدن بنای شرحی مادام
 اولمشیدی سلطان سلیم ثانی خد متل نیک خواجہ سی عطاء الله افندی و خضر سعادت
 مخزن بعضی خادیم کرانه کلاه ایلر رعایت سنت نبوی علیه السلام اید کده بو تاریخ دیوب
 از برای اس که انوب جمع کردند و تمندان بکرمت سوب اگر از دفاع وقوع سواد

تاریخ سینه شاهی عالم اولور

تاریخ ادب کو چینه خوب اول نام خیر و شخص زبور کانی انوب دیکله شهرور
 و مذکور اولمشیدی والد ماجد ولایت ناطولیه صدر عا کفدر اولوق باجم سعادت
 دیوب تاریخ دیکدر غایب و عجایب نهایت و غایت بوقدر تطویل کلام مقتضی مقام
 دیکدر **صبا** ادرنه لیدر تاثیر خلص ناصیه حالند فطرد و هویدا او کومانند بار
 صبا بر برده آرام و سچ بر کوشه ده مقام ایتمزیدی سلطان بیزید خان
 مرحوم زمانه کلندر شاه کامل و اشغاری دخی و جمدن خارج دکل داخلدر
 خوف بیا اورده مرتب دیوب وارد در بوبر یکی اشغار مذکور کفتر اندند
 اشتراک بالک قلی خوان و صالیه بر مرال سولینه بن اجله اغیاره ایدر دیه اجل
 عین ویم و لام کیم چشم و دنان زلفیدر دل خواص عشقه بواج حوقله ایلر عمل
 لعل شکر با شنی کیم اوج خالی وارد شکر اول تکرر نقطه لوله قنده و خوش المثل
 تاب بدن رزه طوطی بجه من جانانی تاریخ عزت کل ایدر اجزای با و جانی
صبا قضاة مابیند حکم زاده دیکله مودندر نامی مصطفی در مرحوم مؤید زاده
 دن ملازم اولوق دیکله فله ده مدرس اکین قضا سمنه سلوک ایدو اناطولی
 در دم ایلنده قضا کتیه و کتیه به فانی اولمشیدی آخوضوبه ده فضل اکین صبح
 حیاندن شب عات بدل و وجود صبحه کوشه صبح مقام و محل اولد قدری افندی
 مرحوم ایلر صبا و مقارن اولخله مزبور نهائیده مطا هر معاون ایدر صبح صبح
 کبی شوقیان آفاقه منتشر و بعضی مطالع و ابیات مستند اولمشدر بوبر یکی کلمات
 زخم سینه شرح ایدر در دم دنان اولمشدر اول دانه قلوب بیکانک زبان اولمشدر
 سینه لک که غمزه که تعلیم خانه در کم طه لوله طبله داغ شانه در
 و بر صبا به کاکلکی دامنک کبیه مابین جفونه زلفکی بوبر اهلک کبیه
 اقدی بر سرده کو کل صوب کبی کدن بکیر جو بیا را ولدی شیم کسند بنون بکیر

تاریخ سینه شاهی عالم اولور

کوزلرم باشی بکلر دله خلک • ستره اتش و شجک ک • لوندن بکفر
 هر قدر مدینه بیک عاشق با بال بک • چکوب اول طفل بری ناز سندن بکفر
 صبیحه خسته چو کدن طنبوب دیو • کاه و بیگاه چکوب ناله کندن بکفر
 بن سید تیغ مردم تن بخار مد بک • برده سبام صورخ رسم فرامد بک
 روضم اوزره او هم روح روانم شاد • کوزلرم باشی ایکی کوز چشمه سار مد بک
 صبحی انوار حیض واسی • او تکاثر عیض و انوار • واصناف و انواع انوار
 ایلد آینه جمال انار • جنات بکری من کجما الانار • اولان شهر بروک دین صبح وجود
 ظاهر و بیدار • اولمدر بکینه صبحی دربار • امام و خطیب خدمت مشایخ کبار
 دن بهره دار • هر پیر خوش روش و پسندیده اطوار • در بهمانا پیر و ناتوان اولم
 زبان خوان • ایزکله بیل بالی خاموش و لال • اولمیدی ننگم والد ما جد و میسر
 پیر لک بردی علی شو و خلدن رخ اول • کلدی یام خوان کیمدی زیان بیک
 محض منوری وزند هوشمندین بیک ایدوب رقبه وجودی رقبه انقندن تفلیک
 ایتیمدر خلافتا حلب شهباده حاکم و وای اولان کمال بیک زاد نیک عبیر
 زاده سید زهنا عیسی اولمدر که اغازاده نیک عاده سندن ملازم اولمیدی
 اول زمانه مطالب و اما فی دنیا فی فانی ظل زایل • واجبا و غوالی و اما فی قلا ده
 خلود و واندن عاقل اولمدر خسته عالم و عارف اولمدر قح میل مویات
 وز خارندن مارب • و آرزوی مطالب و مناصدن قایب و ایت دینه باطن
 و چشم ظاهرین • مناظر تنقبات آب و گلدر چشم دخته • هوای فضی عالم دیگرده
 طایر و بصیرت • و نظر سر برتر • مشاهد صور فایدن کوز بوموت بکل جمال
 با کانه کمران و ناظر اولم هوا سیده بر مقدار حوالی ایلد • ترک آرزوی معای
 ایدوب • سلب تعینات جهان • و طالب توحید و عرفان • اولمدر و بوبرغ ایلد

بعضی شایخ زمانه • خدمتنده دامن در بیان اولمدر اول خدمات جلیله نیک
 آثار فی ظاهرو عیان • اولمدر یک شایخ غزالیات سلطان جهان • اولدی علم تقویده
 یکانه • اولمدر اکثر اشاری مصوف کونه و محققان در بیان زده اولمدر اجمل المستین
 خلعت و خالصت حکم و متین • و بنا برای دوستی و صداقت • اسنوار و صیدین
 اولمدر بوندن زیاده مجلای مدایحی • اولان خانه بهشت آباده ترینین • و برک
 بوهر ایکی شعار • بو مجله به کثر بر و نظیر او نمیشود اختیار • ایدو کلام و اشعار نند
 بو غزله فایده اعتباری • و بو کلام تکرار • اینه دن عجب صفاسی وار در
 حایجان ره عشقیم و مقیم عفات • عوفانی که نشان میدهد از ذات و صفات
 زائر کعبه دل کرده فدا جان برش • بر در دوست نباشد بوساط حاجات
 و همین و زلف و رخ و خاک من بگویم • اصطلاح است که خوانند باین موزان
 تیغ عشق باریله جسم او بجه بر شکاف • آفتاب عشق کلمه در و نه انگشت
 هوس لکله ظاهر اولور دلد مدام • راز سر بسته مضمون علیکم بالاسام
 باسم شعیب رخک بجه او کبوتر هر بار • هنری یوق جوهر کای دلد ار
 رساله بر کار و قلم رقم ایتیمدر • وصف پادشاه بده بوباشا • ایلد مایا • ایدودی
 شاه جم قدر و فرید و شجاعت • حامی جوته دین ملت • ظل حق حامل نور غایت
 آفتاب سحر امنیت • صنوف نانی دیر غلظ حکیم • نقطه وحدتی اکر دو نیم
 صبری استنبولین سلطان محمد خان • علی الرحمة و الغفران • حاجنده حافظ
 کتب اولان ملا عیوبک اولمدر • نانی عبد الرحمن در • فرست نام هارست انواع
 واقفام شوک کتبیله صرف عت • ایتیمیدی خونیه کابلندن لیکن ایتداد کی به
 اولوب یکر میل مقداری انده او کو • معین در دهنه کلوب نیچه بر کد از خیل در هم
 و دیار خوج ایتیمیدی • آخر ملازمتک شهر و زهری ایلد استنبولده طومرغه

قراری صبری فلیجی بنه بخدا کیدوب اول اراکله من توطن مقام اید بو ایشار
 صون نوشن اید لم شرابای سیاهی طورم کرم ایت ایله شتاب ای سیاهی
 تا کم جفون باشه شراب ای سیاهی رفیع اوله ارادن بو حجاب ای سیاهی
 در طریق عشقباری این خاکه نزار **فانی** آخو از عشق توای شوخ از پافاد
 و طبع معایه چسبان اولمده نایج بال مشککن سندن پنج معالطاهر و عیان اولمده
بسم سیده هست احوال از مشکل بسته زلف یار باد اول **بسم عیسی**
 خاکراه شمی که آوری از پی توتیا بر می نشن ای صبا کا ملی مکن خیزر **بسم سوره**
بلال زخم تیغ آن نگار کینه از پی هم نموده کینه و مولانا هلالی نک بوظیفه
 عارف اسمعی استخاج ایتمده **فانی** آخو ای خونریز من یکدم نخو خواری ببین
 چشم رحمت باز کن سوی گرفتاری بین **صبری** فانی احمد در غلطه دندره افضل
 افندیک بوسان فضلندن تفکده و تکراره ایدوب خدمت بر برکتندن نعلم و تکراره ایتمده
 کلستان رو بنده سبزه خطا دلجو طاهر اولدین فلم مثالی حسن خطه قارز اولمده
 بوزنه خدی کو شش و نظم اشعار آبدارده تمام ورزش اوزره قابلیت شایه و ارجوانده
 حضرت حق تحصیل کالایه من بعد دخی موفوع ایلیمه بواشعار ایتمده
 پیشه ابتد نشسته سن باشه جودی کو مکن اکلمز بوسر کدشتی باشنه طوفانی
 گل یغادن بن نیمه چاک کریان ایتیم **صاری** یلور اول لبری فوینه آلو پیرهن
 عارفک آینه عالم نادر دو ستم سده رولر جو قدر اما سنده عالم وارده
 جهر می جوک غمی زرد ایتیمجه بقدر سمدی بدم دندره باله ایل دیار در
 عاشقه تنگ باوز بوز کوسر بریا لک یوز لودر اما قاتع سدر
 خاک راه یار ده جسم بنم بکمر اول رایه اله اورنایه کرد
صبری عبدی طریف دیکله کور و فز و اما بندر نام عبدلته در بابای دیباغین

بخت ایتمده در حوم بختی قاره جلی ایلد قرابتی واردر طرافله شهره دنیا اولان
 قدیمی طراف دندره حوم سلطان سلیمان خانک خواجه سی اولان خبر لکین خواجه
 ملازم اولمده اناطولی ده کناره مدرس اولمده صحن قاضی اولوب بعلیکده قاضی
 ایتیم **اجیبو** اداعی ایتد دعوتده اجابت و حوران حشاید لکده لکشار بین
 باده سندن صبری ایتمده ایتیمده مقتضای طرافلته در یوشوه دخی صرف ایتت
 و بدل اوقات و ساعت **ایتمده** **بسم سوره** ایتمده
 کوز لر کدرینه اکلجه سی بن محزونک مونس و همدی آهیر شور مجنونک
 بن آه حلقه دل ارک السندن اغلا و دخی دیکه خونبارک لکدن
 عیار خاک رهک توتیای دیدمدر خدنک غمزه حنک حصور سیندر
 کچمه عمر عزیزم فغان و ناله ایلیمه **صبری** فانی احمد در غلطه دندره افضل
 روح شایه کتور ای ساق بزو که کوکل مشکلی حل ایدیم لم
 اکسیر دول جان تحسندن بدل ایتیمده ایدیم لم
صبری فانی احمد در غلطه دندره افضل اکتر و زرا ایتیمده
 محرم و هر یله ایتیمده **کچوب** ایتیمده **و اعظم** ایتیمده **ایلمکت** ایتیمده
 ایدوب سلطان بایزید خان زمانندن بر و اولان افاضل انشور انک کتاب کبی
 نطرمعا نصایلندن دوراوش و تبریک اکثر انک خدمتده تراب اولوب
 شمشیر و ش باندندن قطع ایتیمده **کچوب** ایتیمده **و اعظم** ایتیمده **ایلمکت** ایتیمده
 ایتیمده **و اعظم** ایتیمده **کچوب** ایتیمده **و اعظم** ایتیمده **ایلمکت** ایتیمده
 یونس پاشا باغچه بین الوب وزیر اعظم اولان ایاس پاشا اول و ضمه داشت
 صفته دعوت و ضیافت ایتیمده **کچوب** ایتیمده **و اعظم** ایتیمده **ایلمکت** ایتیمده
 صونم رقیبه غیفکی ای سیج دم کافر الینه دوشمون اول سیج

صنع لطیف قوتی اوزر قلمونیدن بیدار. او شریک در صنایع و نگارنده
 بومند سلطان بایزید خان و غلزن سلطان محمود معین و نهاده بکن نجایک
 نایب و طالع دقردار صنع دیوان کاتبی ایدی حتی صنع مزبور اول زمانه بعض
 آماندن خائب و خاسر اولدقه بوییت بی نظیر مشرق غلزن طالع و ظاهر اولدقه
 صنع قولینی تیر اوکار در دی نجایک. الاندم که طالعی انهم معا و نیت
 و حرم نجایک و فائده کتک نجایک یای. دیوتا ریخ دیمدر نجایک بیکدیگر چون
 زمان کچدن صنع و فی عقبه باتوت ایلد عقبتی عالم عقبایه روان اولد. اشعار نیک
 چندان اشتهاری و خلق اچکن اعتباری یوقدر کین نجایک بیک شرف صحتی ایلد بعض آثاری
 و ابیات بلاغت اطواری وار در بواشعار انکدر. یا شکی کورده زلف سیرکار کورده
 ای مردم کشتی سونک فاره کورده. سکون ایت در بکا کولم بواغی شریک
 بری اولد و غم استر برسی خیر خواهد. بن جهاندن آکیم سلکوب ایت قدردم
 یوری ای غم چک لک سندی داماند. جانکی دیر لب جان کشتی دیر لک دیری بار
 اوی ویردی بند اولد و روح رواند. دل غم منجی بیکه کچور متغیر لک کچور
 کچور اکیلد عالم. بیکه عشق نگار بیکه کچور. نقد شکله در دآو صنع. خلی دمدر بولای
صنع بلدان روم اجماع اسلام قدیم و عتیق. اوغله منشاء و مصدر اصحاب افاده و تحقیق
 اولان شهر ازینقدند بود و فی اول عصره کلشن وایه سلطان حالن کیمه بلویوب
 اختفا ده کلشن در بوشهر منل امیر انکدر. قدنه کوره سرو یا زمش سن
 انکر انده قاسون ای نقاش. نازک دکلمر کورده ای مله قافی مجلده کوستر سکا
صنع اسکندر شاه اوغلی معطف نیک دیکه مودف ایدی سلطان بلیم خان باغی ناند
 سنجاق بکی ایدی حتی صوای چلدران ده عا کر قلیاش بد فعال. ایلد ملاخ صفیان
 اولوب آتشر قنار و شعله جنگ و جدال انفرام و اشتغال بولدقه عا کر سلام وایا

صنع

که شمعان بوم التقی اجماع. در رسول همامی. اول طایفه بدنام انداز و پیغام
 اچون ایل ایدر کرد. قطرات بجان. قوس فرخ کاندن. اول طایفه طایفه
 بد کمال دستنه باران. اولدقه جیخون خون مجاری درون و بیر و لرندن
 تمام کوه نامونه روان اولمشیدی بیت نریک کمان کرده جانها سئوه
 قشاقش کن تیر بر هر کرده. قوت و سطوت جنود منصور منظور نظر شاه مغلوب و مقهور
 اولوب اکثر سران لشکر و مقتدیان مقتدیان عسکری مقتول و ماسور اولدقت بقیه السیف
 ایلد شاه بر ظلم و حیف قراری فراره تبدیل. کاتهم صحر مستغرة ذلت من مسورة
 فواسی مصدقه مالدی. اولدقه میرز بورک سنجاق و مردانه لکی و نطق میدانده
 نهایت فرزانه لکی ظهور ایتکین. سحر بار مظفر و منصور باشند دست مبارک
 ایلد تکر صوفیوب سنجاق عالی احسان تمشیدی بوشهر انکدر
 کل رخلو که لاله اگر اوجسرت. بغرنده انک نیریدی داغ محبت
 با که رغبت ماکه نفرت ویش ای سنجاق. سنده حسن بی نهایت بنده غنی کمال
صنع شهر نامی محمد و خضر وار لب در باره قرار. ایتکله لایه حسن و صفای
 در کنار ایدوب بر و بگردن گذار. ایدن فرو و تجاره امداد و اسعادی
 ارشاد. ایدن شهر ستوده اطوار. کلیسولیدند. قصه طافدن بعض اشیاء
 کاتب و ناظر. اوغله سبزه زار معاشی خرم و ناضر. او کورد حقا که اشعار
 بلاغت شاعر نیک انوار معانیسی مانند آفتاب نورانی روشن و سواد کی
 جعد الفاظ و حروفی خط حال لبران پیری مثال کنی نازک و متحسن عقود
 سطور نظم بلاغت صفایه محسود عقود درخشا ب. و عصاره عباغ معبوض
 آب حیات. و مسکر روان اولد الالباب در بیت کفصیده کتاب وصال
 اچیده خطاب. اولد که اگر بر حوتی عالی جناب. بر مقدار انتاب ایدوب

در مصری

هر مصری ناز بجز در حرم سلطان سلیم نافع نثر آوده ایکن و اما نه جقد و غنه و میسر
 لوی عدل نثر آوده و بیروب نور . فرمان ایلمر بنی قسری آیدین **صنی**
 روی بلدان و مالک خال نیک و لاسر سلا نیک و ن ارباب تیار دند و تیار قلند
 اول مقدار سنه قائل اولیوب خوانه نمیزند در انبار اولان محصول دخی مرتبه
 قبوله و اسل و کسدر بوطع الکر **نظم** قبوکه خلقه زرا و غنای ماه لقا . مد نو الیدی
صنی بروسه دند سلطان محمد خان زمان اولان قریا و شوا دند و تان سنه
 ایدی کن نقش نثارنده صورت لقا نمایان اولیوب رسم و کیر اید و کج کلامه قات
 ملاحت ظاهر و عیان اولدر . سبکدن هر سه باده نشان اصم لدم
 بلورم آخر بوسودالرده جان صم لدم . **صنی** نامی صنع اته در خال نفوذ فایله
 آغشته اولش بر در دمند پای امید دامن قاعته چکش بر دوش مستند
 بنه زمان آسان جلالت آشیان مولویده تکمیل آداب طریقت و کفیل اصناف
 معرفت ایدوب طاد دخی صاحب عرفان و اهل دل الیه تهذیب نفس و کسب معارف
 اتمکه مشغول در بوبرایکی اشغاری بوجله تیر و تیر و تیر اختیار ایتد **نظم**
 تیر آهم کر فلک بولا اول ایلر کذر . اول جفا کار کا دل سنگینه انز انز
 مردم چشم سنگ موی میانک کورمک . بوغیکن انک کبی بر مردم صاحب نظر
 آفا بزم خجبه تشکبه ایدیه بن مای کا . کم اوستی ای یوزی کون غیر دین الیستر
 نقد جان بولم خوج ایلر **صنی** دیم . اسشته عزم حاصلی بویوکه اولو جان کور
 سمع مثال ضیا بخش چره درونی و با عت سردن و قلب خورونی . اولان علی نام
 جوانه وفات ایدکده شو کبی خیل با یوب با قلوب و اول یارک بار جوانه قاتن
 با قلوب فوتد بوتا ریخی دیمدر **نظم** اوله علی نک و حنه رحمت **صنی**
ضعیف و حرم سلطان سید جانک اوایل مطمنند ظاهر اولان سوادند

بوابه ۲ کم و لایق رد و ذم و کلد . شمشاد دلبه ربوستانده بنم
 ریز انال طوبی باغ جهانده بنم . دیدم پنچون تنی سن یار و فادان ای
 کلدی دیدیکه میوه سرور و اند بنم . جان دیدم و کم بویکده ای نازه کل نهایی
 ایکنده از کوره جان بوسانده بنم . **ضعیف** لطیفی قوی اوزده فطونیدن نامی کور
 علماک صلی سندن و دیوب مد حنده خیام اطباء کسیده اطباء اولوب توفیق
 ناینده اسباب ایتد و لکن خربورک وجود **ضعیف** اول دکلونا بود و خیف الکر
 نام و نش نندن انز ظاهر و عیان و کلد بود کلو مدح و تاسن ایتدکن به انا رنده
 سعادت قولانه حقن عطا در . اکاز و ریل سنی ایتد خطا در . نه عیله اولور و عا
 نه تقصیر ایل فقر و فلاکت . کسلی عیله کردولت بویکده . کد الرقیه سلطان اولید
ضعیف بونک دخی نامی محمد در . روم ایلین قره طوفه نام قصبه دندر . وایع علم
 سلوک ایدوب حرم مفتی علی جللی دن ملازم اولوب سخت تدریس مایل اولور
 از بنقده الی انچه ایله مسقط تدریس مایل اولور و لکن موزل اولید و شیشه
 قلبی صفا پینه سی سنگ غلله شگنه دل و بوغال به سبب برغب و فسدن
 منکر منفعل قلمسیدی بنه زمان فلاکت و ذلت غلله سرگردان اولوین ناچار
 الی انچه ایله تفاد اختیار ایدوب اوقات کسب کماله مصروف و اعنه عمره جانب
 عباداته معطوف ایتدیدی بر فحواص خلق الان **ضعیف** کند و عجز و ضعف
 نسبت ایتد و کندن غیر **ضعیف** خلقه دخی و ایتد . اگر چه کلت خ نرج ایتد
 کمن حقیقت شاهد علم و معرفتی جوج ایتد . شوکی ده قید تکلف و تصفدن آزاده
 کو کلک آشناسی دلبه چک کوز لام روشناسی دلبه چک . بر ایکی اوج اولور جفا بنم
 حایه سی دورت اولور دلبه چک آه بر کون **ضعیف** چره سنده . کلوب ایلر قاسی دلبه چک
صبری انا طولیدن کا نقودین ضمیر دان صنعت ریلد معقول ایلر سلطان سلیم خان

بوابه ۲ کم و لایق رد و ذم و کلد

بوابه ۲ کم و لایق رد و ذم و کلد

دورنده دار حیاتی ثابته و برقرار و اعمده ارکان عمره قائمه و استوار ظن این
 اشکال طالع صورت انکس نمایان اولنگه بوجاعت خانه جهان من و این فایه
 روان اولوب عارم عالم جهان اولنگه بوطول خلق اینجی مهور و صفی قلوب سده
 مسطور دره

حرف طالع طالع وجود معارف بخونه و لموع آفتاب بلاغت بخونه لطیف
 قوی اندر قسطونید ندر لکن و صوم عاشق طبعی غالب معین دوز دیم ندر
 بخانه و صنی ایلد معاصر بری بریلد دایماست عوه ده حبیب و معاصر و دوکار اندر
 مجلس مواسنه ساوغ خلقت و محبت مدام دایم ایدی سلطان محمود ندر
 ایکن بخانه ننج طالع دندر ارا ایدی بوجع شهراده و نور غار غور درن
 مشتمل برای هر روز اولیج بخانه کلوب در شهر یارده تقاعد اختیار ایدوب
 طالع طالب رتبه عنوان و مثال دولت و عزت ملازم ارکان دیوان اولوب
 یکجوی کاتبی اولنگه امثال و اقرا ن میانه عزت و عنوان نشان بولمبیدی
 بوقطعه جنب سلطان سلیم خانه صوند قدح مقبول حضرت اولمبیدی **قطعه**
 سکین اولدوغی بویکونیک **دایما** سیف قاطع بیلد در
 ضار در کرچه نفی ده جوق در **جوق** مضرو و ارمافنی بیلد در
 بجنی کور در بکون بوطائفکن **قنده** و ارر سه طالع بیلد در
 روایت اولنگه قطعه و نور مع سلطان عاکله و اصل اولیج اول طایفه
 اما سیه ده و زرا اوزن باحد قمر نده بیلد می ایکن دیدکده خوف و خشنیدن
 مثال بیدلوزان اولوب الکری مغنوج کبی حرکت ارتعاش ایلد قلم طوکنه
 امکان اولیجی کتبتن و اذیت ایدوب بای عزت دامن قناعت
 چکده کلهکره جوق زمان کجوب عالم عقیبه و مملکت بقایه و اهل و آفتاب

اولیجی برای هر روز

وجودی و کلوب طبع به بودی غارب و اقل اولدی افق ضمیر و مشرق طالع و نور
 آفتاب بهخت طالع و برق و کلوب نواقب شعار رایتی لب لفظ و نراکت لایع و بار
 زلفک قراجی خال و خطک غریب اوغریسی **بربره** کلدی تمش ایکی ملت اوغریسی
 کورل طلع غ آسنی اول سیمک **چوخی** بتدی کنشک بیلدی ووشدی قمر
 باوید غسم و غصه دورانی بصر لر **البیده** از لر فغان اصلا ن بصر لر
 سورده اینک توزن میدان حکمش **نوماز** لر ایکی کوز میچون ان بصر لر
 ای دیدکده جرقاننی طور غرسن ایدین **بکر** که بید یارده یکی نامه بیز رسن
 ای اشک اگر بومشده سن کوکلنی یارک **عالمده** بکون سکته مرمرده قاز رسن
 وصف ایلر کین حسن رخ یاری رفیقی **زنهار** که بن دیمه همان سنی بوز رسن
 سلطان سلیم خان کوه نگین سه عشرین متع لمیده آهنگ قلع و قمع قزلباش لعین
 ابتکده بونارنج بی عبدل و قرینی دیوب مظهر احسان و خشی المندر **ناج**
 نه طور رسن طور ای شه عادل **بوله** کیرزا دیلمه زواده ایلد
 غنبد بکجوی دوشهر **حد** دن اندازن دن زیاده ایلد
 تا که عالمده اولد بر تارنج **شاهی** ات ایلد کل باده ایلد
طالع کفه و لا بتند و اقی و عامی کسنه در شونده قطعه ملک و غنکین
 باش کتور وی زلف بر چنک خطا و الیج **بغدی** ملک خن بولتارنی الیج
طبعی فلبه دندر فر طینه اشتغال ایدوب عمری نهایت و علم کمال بولمیدین حکیم
 و انشمندی اولوب قانون معالجه مرضی به واقف و قاعده شفاء مجوران
 پر بلایه عارف **ضابطا** سباب و علاقه مداوا و حاوی فنون اختیار معالجات
 ایکن مبتلای الم **اولوب** و فضل آجلدن شفاء و نجات بولد بر سر انکدر **چ**
 می رفع اولیجی برش شکر برین ستر **خلق** اکره طبعی بودر اصلی کراک

طبعی برای هر روز

طبع ایستنی آرد و گلیه و دند و قاضی مصر ایکن غواب کرد افشا اولاد حرم
 عرب زاده دن ملازم اولمشدر بعن اشتیاق باباسی مدرسه مدرین اولدند کیم
 ساکن سمت قضا اولمشدی بفتح عازم عالم بقا اولدی باباسی کابرو عیان
 قضا زماندند و طبعی کور پر کوشی و لحن شوند چاشنی صفا ظاهر در بواستعار
 ایک منزق طبعندن طالع و باهر اولمشدر ساغده حباب مریضی بله و ادر
 فرستنده هم طور مدین اغیاره سوکریین ایدم غرضک با دشمنم با که جفا
 عازمک شوایند بقدم سبتم اوزره زده داغ سینه ده شاه خیاک قوردی بکرون باغ
 کا کلکله خیلیدن ادم کجای لاله خد نافه میکنه و برین است بودر بوجه داغ
طبع باباسی بعض عایر سلطانیه بدو تولد اولمشدی کند و سی دانمشند اولوب
 بیشتر زار عله اسد قنارم و اعدا و دینه طبع نشید و وجود هدی صفا قنارم
 اولان استادم قدوة اصحاب کلام عذخ ارباب کائنات و عالم افاضل الکامل العالم
 ابوسعود افندیکن مدرسه فضلنده خاکنم اولمشد خدمت شریفندن ملازم اولمشد
 طبعی شمع ازما شمع عازم سلف ایل ازما شمع اولمشد باوه نوش کلک غفلت اختلال
 و راجه نهاده اعتدال کلک عالم است نیندن شمع و قدم وجودی خاک مذکوره خراج
 قید دن عاری کداوشن فارخ و آزاده بوز کسبه قول اولمشد زانما اسیر باوه بوز
طبع مدان جهان لجه پیر و جوانک مقبول اولان شهر بشت نش کلک بولند
 نام بیلند و ایکنی فخر روم ایلده صدر عاقد اولمشد پرنسوان اولان مرحوم
 افندیکن ملازم اولوب پنج روز کیم منصب ایل بهره دار اولدند کلک و ادر
 بخداوه دفتر دار اولمشد حالا دفعی اول منصب نابت واستوار در بوفنده طبعا
 خیل اقتداری و لایق قبول بابت واستعار و ادر بواستعار انگ کفایت زنده
 کوی ایچایه فو بوسبر اید چون سجاده نیجه مجنون دیون قسبه کشی دنیاره

در عصبانی اولد
 و او سنده و وزیر سجاده
 در فتنه و اعتراف
 و محال ازین سینه

اولمشد و در بخت کیم

طبعی

باد هوای

باد هوای آمله کسبه کیندر قلعندی غندی خلی جال فیر در کور
 فکر خطکله پسر محنت خون دل بیمار عشق اولانه بنفشه شرابی در
 خلی رونق و بر دی دیدم بار خط کبار نازله کلدی ویدی طبعی ملازم رنجند
طبعی روم ایلده و دیندند و طریق اوزره طریق تحصیل علم و فضلده صد کلک
 فرج و اصلده ایکن سلطان بایزید پر عدلک آخر سلطنتن آخونه نقل اولمشد
 جنتا رخلر و که کزیه صافور کیدرک که طوتر مهر و می ایکی کوزی کی فلک
 شمع مجلس سکار شک ایلوب ای سیم ادرینور شبکله زر کیوب التولی
طبعی کوبک وجودینک طلعی اسکوب قریبه قلعن دلن نام قصبه دندر نامی
 ابراهیم بقی فتحک اسپانی طوت و نپاک و امن آلوده و کریان چاک مدام
 کیفیت شراب ایلده بی عقل و ادراک ایدی حیاض عیان حبشه خورشید نوازش نامه
 حابه شویان جهان هر کون صابون صیقل بیک کز بوسه لر بیکه قریبی و کینی ازاله
 اینمک استیاله سی مانند نور خاله ایدی و قبه جهان نافه مسک از فرایه ملان
 اولوب هر کون کافور و جیبر و هر کیم عود و عنبر بی نظیر ایله تجر اولمشد مانند سیر
 بوی بدی نقصان پذیر اولمشد کشتا مکانده جای کیم و کلدی هزار زور و زار ایل
 مرحوم حسن جلای کیم مونا سندن ملازم اولوب اوج بکلندن اوز غورا و غلنگ
 خدمتند مداوم اولمشد بکرمی ایله مازارق قاضی غنایه حاکم ایکن
 آخرت ملکنه اولدی عازم کردن جانده دغا سیف امر غازی لرز
 قبله بازار ایدوب وارده ای جان در دور جاسوی خشک بزا و کلک و لالیوز
 ای طلعی کیم صاف و لزدریا کیم ایک عشق پاکدن عالمده صنفه خالیوز
حرف القاء طریق کونیک نام قصبه دندر زمانده اولاشوا و طرافتک عدم و حریف
 محض اولمشد کیم مرد طریق ایدی سلطان بایزید خان دورنده ایلمشد و دواج کیم
 باغ ارا سنده کوروب و کدار قو لکم دیدم ایا سرور و اف

در بخت کیم

در بخت کیم

در بخت کیم

سیم صلح ابد و بن بوار بجن . قودی سر کشکی و یاندی همان
ظهیری روم ابله عودت . ولطافت هوای کون کنی ظاهر و حدایح
 در ریاض رنیا بی صفای بساتین نزهت آسینی نصارت سایه کاسر . اولان
 قصبه مناستر . دندرد بلند زاده لر دندرد مرصوم کمال با زاده دن ملازم
 اولوب فرق انچه فانی لکن مناستر ده عمری آخر اولکد حرنور اگر چه شوخ طبع کثرت
 صفای می و تجو به طالب و مایل ابدی لکن و ناست خستند دخی مرتبه زانده و اصل
 سور کو کلم شود لاری جفای اولسون کون . قبول ایدم جفای سینی فاسی اولسون کون
 ظهوری حیره کتیا کلور سه اول ملک سیم . اولب غنیمی طود اغنیم رضا اولون
ظهیری ولایت شام طالع اولش بر ماه نابا . و منرق و مشقه شارق و مانع
 اولش بر شهر شون . بزی زاده و لکله مودف به بیری . و اولو لایتنی انوار خا بر اید
 حوزان بخش اول خطه نک خورشید ماه بیکری در باباسی شام شریفه می سیمه جی کون
 حال کند و سی متصرف زحما و لایق نوازش در . امید در که آفتاب عالمیت وجودی
 زواله ابریدین معارف و کمال کماله ایزه . آیه کون طوغشون بلبل و بد کلری در
 ملاحتا سار . و نراکت گفتاری . روی بداری کبی طهر و بدیدار . و روشن آشکار
 و خسته لر و ک طوسه نوله تیر و ک سینه . ایلتر اولجک ایل قبوره بلیه سینه
 مسکنک اید و کاکل بر چینه از کش . صفقند و غی مسکک بوا بستن فیه چینه
 نه نوزده قدم بعد غنه خاکه طرکش . بر نقش کچر موزه زمانیکه زمینه
حرف البیان عاشق کثرت ریاض حیاتق . و رفعت جبال شواهیق . ایل
 سابر بلدان جهان دقایق . و کثرت فواکه و شمار . و وزت غیا فرغ اشیا و ایل تعریف
 و توصیف شایسته دلایق . اولان بیزد خوسه و لایق مع و بارق . اولکد زانمی محمد
 مخلص عاشق و دینه کم تکره کتیا سنده قدیم سینه نطاعک نر جو سینه و یکد که
 بر نقش ک که نامی بر محمد در . و لادنه تاریخ و یکد . و ذکر اولان تکره کتیا کدی سینه

ابدی و سیمه جی کون
 بوا بستن فیه چینه
 بر نقش ک که نامی بر محمد در

و یکد در از لدن اسمی و صفینه موافق . کوز لکر مبتلا سی یعنی عاشق
 بابا سینه سینه علی نظامی و یکد معروف . سادات کثیر البرکات اعجابدن معارف
 و کماله انجای موصوف . در اقدام اقدام ایلد بوا دی کفیل ع فاند بویان و حنزار
 علم و ایقانه مانتد جو بیا رسو جو بویان . اولوب پنجه انالی فحام . و موالی عطا ملک
 کستان اسانده بیل خوش ایان . اولد قدیم کج محل الذین افندیک در بای لطف
 انجای منداطم و افواج اوج کج کریم عامی مترکم . اولوب خدمت نر بیلدن
 مندارم . اولکد رعد و اتند طبعی بایل ذوق و صفقا ایلغین ساک منصب قضا
 اولکد قضاة اچنج علم و معرفت ایلک شهره و ولایت ذات فضایل موفورینک
 هر جیتی سمور . ایدی تذکره کتیا و یکد و اصفاف بودر که کچن شوا و اسلامک
 احوال و صفات حکم تنیع ایتد و لکن کونروان سنخ قطع لطافت و دلالت
 بوقدر . سوی هزار بار انش سندن اعلا . ایدی دخی طاهر و بیدا . ایلک عجب که سینه
 انشاید مشهور . و نامی دفتر نشاند مسطور . در کتاب خن بوری دارا کفر جهانده
 مسبوک . اید کدی کتیا سلطان سلیم خان فانی . حفر کتیا نام بر خوانی . ایلد مسکو
 ایدوب اید و اکتاف کعبه معالی مطافری . قلدقه مقبول طبع مکارم موفوری . اولکد
 کشف جود و ظل حمایتدنه انظار الطاف و رافتریک موقوف و منظورری . اولکد
 بنو مدت قضا و اسکو بایل دفع اخوان و کدوب اید و منتقنای طبع و شغای بای
 اوزره جمال انظام حال . و جهزه حصول امانی و آمانی . یوز کوسر شیدی لکن کتیا
 دولت بنا رو کردان . اولوب سعادت حیات یوز دوند شیدی دست اجلدن
 خلاصه جمال جمال . اولوب اول حالده سیه ست و سبوعین و سنج مایه ده جوار متعاقب
 انتفاع ارنحال . ایدی همانا تا نیر مجلس ناصیه احوالده نابان . و مانند خورشید
 رخشان . مطلع حالده طالع و نابان . اولوب اولکد عشتن خالی . اولوب

محنت عشق و دلدار. ایستاده و بیمار. اولن هر بار حاله. ایدی استغاری مانند مع
عاشق. و دین فاسق ضیق و حریق کلام قبول بل عافانه لایق و حقیق. و بوشمار
لباس حسن کوزا اول کفدار کجیم بیلدر. هزاران چشم بیلدن جللی تبدی بیلدر
زاله در دیش در دندانک ای غنچه و این. غنچه یا جشمه اولدر انک اغنیه و روشن
عار ایدرین ذره کشته دن اول افتاب. هر دم افزون اولد غنچه بیلدن ابراج
قدم با صوب کله چون قبریه نافه ایلا. مزاری او سینه اور تروده تبا بیک
دماغ جان مشک آب بر ایلر یوی ستر سر. کشدر کوبکلی فایله زلفک بکزد
جگرده آتش غنچه کله بکشد نازده داغم وار. ار او جانگی کبی ایم سو بنم برچ اغم وار
زرا ستر یک جانم منت یوزم اوزده. لعل در درم جان سیه انکی کوزم اوزده
احسن ملاح. و احسن ملاح. برج و بدنگ ارتعاجی. ملاح نریا و معانی ذراع
کلبه مالک روم ایلی. اولان شهر طیبو لیدن. ملاح وجود یلی سفینه مقصده سواد
اولوب لایه متلا عوفانی. عثمان بیکر افندی ابقان کن. ایکنه قصه اینه کده قرأت
مخفایه انام. و کفیل علوم آتیه اقدام و اهنام. ایدوب طریق علمده و اشمنده
اولوب نجه نامدار. افضل روزگار کجفته شمع. اولوب عکس فضا بیلدن اقباس
اناره معارف بشمار. و نجه افضل عالمی کجک مجلس شیدا اید و من عب طریق علم
ایده مبوب نعل و ذوق و صفایه تنقل. ایکنه زکایه کت علمدن تحول. اینمندی
اگرچه نچ مدت. ماکل با بیتی المیزد که. بخوی الزیاج مالک شتهای تنن. فوای اوزده
اول طریقه دفعی مراد و خوانده و اهل. الیوب سرهام مایه پیکان حصول الهیه صل
اولمندی کنن حاکم غایت حضرت خلیل الله متوقف. ارض رومده و قدر دارق
موقوف در سه اصدی سبعین و سوغ بایده و والد فرد و مقام. قضی ولایت شام
اولوب فایه قبرس اولان معصوم شایسته انین ده ایدر الامراه لشر و نور اولوق

کجای خدمت عالی رنده سعادت دار و دولت کردار. بر دوام و برقرار اید
حقا که قطب سپهر دوار. کبی تفصیل معارف بشمار. ده دایم در اسخ. و قهر عاقبت طبع ک
مانند قبه افلاک عجا و مشاج. در استغاری دفعی بحد و شمار. بیرون حصار قلام مشکبار
بوند که به محیر اولم غنچه ازال تبه و کج و رفته دیشدر. که منظوم مؤلفا نوزدن کت
مهر و مهر وار در. لغت رسولن بوابات اندر. ایکنی ابرو کج کم دبیر ازل
ایلی صفی جبینک حل. بری رای نبوت اولدی انک. بری رای رسالت اولدی
و مطلع الانوار مقابله سند کفحه العشق نام کتاب و دفعی دار در صفت قصده بوابات
یا کبی عیدنی قلش خم. متصل نیر کبی آردم. کور دیکم لعل برین المیش کویا دانه زان
شویله جروح و پشیمان اولد. صند سن کم اراده جان اولد. و مهر و فایه نام کتاب مهر وار
کیدی بیک بیدر. بوابات مهری نه کورن عاشق دلندن اول کتاب مرده در
نه عالم مهر سین ای نور مطلع. که ذیلک المیش ذراته ملحق. بری دیر دم و بران کلین
ملک بر دم کجه نهان کلین. و روضه اللطایف نام اوج بیک بیت برکت بزر دخی وار در
تصوفه مستفقد. رتبه شایسته بهده به مستفعل بوابات اندر.
اج کوزو کج ایلد مهادوزک. چوک ریادون بوشکله یوزک. دیده نذر کله ان اولا
قل کوزیکد کوزو که النبی. غننی ملک کشیه فض عین. قلمیه با جان و دین بین
بوندن ماعدات به مستفعل اولان مؤلفا نوزدن بوند در که ذکر اولوز انیس الکلی
صد قصه و صد حقه. مایون نامه مقابله سنج در حشر عذر. راحه النفوس یا مه مستفقد
ترجمه ز ناکر الحار ب قوتیده که شهنشاده ل جنگید و که سلطان سلیم جلوسه دکی بیلدر
بیک بیت مقداری صفت جنگل شهنشاه بونده و بیلدر. هفت مجلس کتوار فتح در
ختر عذر. کفحه القلی امام محمد غزالیک ایها الولد نام سله سی ترجمه بیدر و بعض شنه
دفعی مستفقد. منشاء الان. بین فصل اوزینه صور مکاتیدر. رتبه التواریخ ترقی جو در

المیش

دور آمدن امام غزالی به دکن باز شد اگر چه قضی عضدک شراق التواریخی ترجمه سید
 ولکن ملحقه غالبه دیوان مکمل ترجمه مع قصاید دیوان فارسی مع قصاید امید در که
 دست نربان زمانه اول خواهر انتاب و چندین بر مقدار انتخاب ابدوب بوجواید و آثار
 جوڈ اسم جیسمی و محبوب بر مقدار اشتها و بول بوطالع نامدار و اشارت صفات شکاری
 بوجویده عرفانه بادکار و دو کتابک کتاب سینه نقش و نگار و لغت چون این ال تمیزه **مط**
 کید نورسته و لبره سیر باغ جانانم
 بولکتر خا طوم و کمره حقیقه جمعیت
 نه غرض حاله مدد و دارنه طاق کفزار
 بقصدی خا طوم کو کلم خواب اولک کل
 جانے صور دم بکا جانانی کو تندی
 چه بستی گرفته یارم که چهره تاب داده
 کج کج اولسه قطع مراتب بکانه غم
 آی اولمخچه منزلن الملق محالدر
 هر ایکی کونده منزل الان ماه تابا
ع اوله نام قصبه دندز ریش زاده و کیکه مودف ایدی نامی الکی در و حوم
 سیکم خد منرک خواجهی اوله علی افندیک جناب عالی سینه الکن عمران بکر
 اولکدین اجل جلت ویر محبوب عالم بقایه جلت انمیز کلک حالدن جا کلدر بوشا رنگ
 هنک جفای یاره نمکدر هنر
 خورشیدکی که چه که هنک کماله
ع وصف حاله رتبه مدح و ثنا و عا و محل مقام مواله و انالی و لغت و غنای
 شکار اولان در سلطه الغلیه سلطه طنبیه حمیه دندز حافظه نووی و علی بیکه مودف

طریق علم سلك اولوب انشمنه اولد قسکین محاسبه جی کاردی الکن روزنامه
 حساب انکه عازم جناب ملک تاب اولک علم او آرده حسن خطاده هارانی ایدی
 باتشک سحر به جانان قاسم اولدی دونا فرنگده چکک بر بارغم می قلدی یا
عارف شهنشاه جی فتح اند جلی و یکله و قدر بابای ارباب معارف و زرافای عجم
 حسن خطه قاز قانوزی اوزره بر لیج نویسلکه ماهر و لغتین الفاس میرزا خد متبله
 روه کلک کین خدمت میر و شهنزاده دن آزاده اولوب مصرفا هر به وار و قد و شج
 ابراهیم کلشکی دخترسات مجتبه الوب عارف فرور اولک ساله دن ظهور ایدو
 اول اصولک فرود خدن و اول اصولک فرود خدن صد و نهم در و حوم صاحب قران
 سلطان سلیمان خان شهنشاه جی اولوب اول بکانه ایلک لطف و افریه نظر او متبیدی
 طایفه اردام علی کصوص سلطان کوم اشاران فارسین ماهر و محبوب غنای
 سیمیندن و پیلوری لعل نکیندن تمیزه قلاز اولک قری جلدن مسوری عارف
 و نکته دان و نظم فارسیه مقبول هنروران صاحب فرورک و ات خا طوم مجملای
 لطف و از ایدو حاله مقبوله شواء ماضی و غایب اولمیدی به بوجمله ایلک سیدکی اولک
 شهنشاه به کوره نسبت فرودوسی سوز و مانده سر و سر از از ارالین هر و بکانه
 اکابر و اعیان زمان یا لکده رواج مناج معارف بویله کاسد و بوبازارده بیج
 و شر الکی باطل و فاسد الکن بوقوله سودایه ووشک غیبیادنه است و غیبیادنه است
 اول سنوده صفاتک وصف مغازی و محارباتک مجملات دیوب بیکه حساب ایتا
 دیمشدر خدمت والد زردس مگا بکونه کوهر فغان اولور ایدیکه اول مجملاندن
 بر مقدار ایتا انتخاب اولسه حاله الی الما غمه قابل کتاب او کور و فرورک شود
 غیری چون سینه ابداعی و غایب اختراع و اردر جمله دن بر محبوب بی نظیر کلک
 نقش و تصویر ابدوب هر عضو کندی و غیرتک ایتا دیند بر منی کثیر ایتا در

اولاد و ملازمت و انوار علم **عاشق** اهل بی جلد معارف و کمالات ایلد محلی و غیرین
 اولی شتر از بند نامی محمد معروف. اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده ایلد معروف
 و فضایل و محارم ایلد انیس و مالوف. در محرم شاه افندی بن ملازم. اولد قد صحن
 طریق تدبیر عازم. اولد صدق و وجود بر احترامی. اربعین بایه اربعینی تمام
 ایلوب. بر دوت خمین بایه خمینی بهولت ایلد کرب بهار مراد. و عواربتغی خوانده
 و اصل و نایل ایلوب و خود کامل میدان همانده اسناد و افرانده غالب و مناسبت
 اتالیقی ایلد مدرسه ابراهیم پاده مدرسه علوم و فنون اختصان اوزره اولوب
 بعد مدرسه طایفه خاصکی جناب معارف صلیتیه خاص قید اولدند و کمره التمش
 انچه ایلد مرادیه برده مدرس اولدند مولویت ایلد قلی ازینر اولدند و حاجی اولان
 خطیده جایگزین در حفا که مشکلا علومک علی الخصوص علم تصوفک مشکلا و کاشفی
 و میدان معارف و کمالاتک مرد عارفی ظاهر اگرچه وزیر شتری تدبیر ذات بی نظیری
 و المذبرات احوال. آینه تفسیر اولان شان پاشا خدمتیک خواجه سی آید لکن
 عالم معینده در ویشی و فنا کتیک دنیا جبه سی آمد. تدبیر امور دولت و اصلاح کار ملک و ملت
 وزیر فرورک معین و ظهیری. و جمیع اموره مشیر مسفورک مدبر و مشیری. اولوب
 هر کون نظام عالم و صلاح و سداد بنی آدم. ایلد مقید لکن به بار علی بر دوش
 و بیفته غفلت در کوش. اولوب هر کج فقر و علما. و اهل عرفان و صلیا ایلد توانست
 و مصاحبه و ترجمه کتاب رشیده دوام و ثبات اوزره آید. اگرچه ظاهر امانی ترجمه در
 لکن کواکب ثواب زیادات جمیع ایلد محلی و موقوف. و چنیز از وجود نامدار تحقیقا بحد و شمار
 ایلد محض و در حقه فضا بلند فضل و خوب شاری و فن و حاکم جنبی نام و اعتباری و آزار
 بوزر ایلد شایسته کار فایده یار و انارید که بخشیر اولدند.
 آنکه خدمتک غمزه که هر چه یو الیه. حبس کدره بار محنتی بو قدی یاره.

بیگانه از محنتی عمر گذاردن. کرداب بحر عشق شورگ افشاده.
 کوسه به شیدا دل که یاوز نظر دکه. و آن رویی کوزلم خود ناله.
 بلا برنده به پروا جگر خونین الجبر عاشق. و اغت عشرت ابا دنده نیر جام مغفوری
 خراش و دوکلو صبا جلد به نرنگه ای مهر. یانوب یا فکده شو فکده هر دم شمع کافوری
عبد الوهاب کثرت عمارت و قیام سدا طین لک رقاب ایلد فلک قیام و اظنا
 هوا و عذبت آب. ایلد مقبول و مدوح شیخ و شاب. اولان محرومه برود دند
 اسل عیدی و یکلک مسهور در قید تخلص ازاده و سحر بلاغت شاری نقش
 مخلصان سازه. اولان شوا دند. و محرم قادری افندی بن ملازم اولوب برود
 بکرتی انچه ایلد حرمه بیک مدرسی اولمیدکی قادری افندی و بوزره زبانه بهل و عشق
 و منظور عین کمال عینیت و رافعی. اولمیین و محرم شیخ الکلام. منتهی الامام ابو خود
 افندی بن استنبول فنیسی انکین شاعت ایلد و خدمت نیابتی الیوبر و اول خدمت
 مخفی محذومیت. و عین سعادت زبانی اولوب اول مقوله عالم وفا ضلک نایبی
 اولیق دولت و اصل اولمیدکی. بعد فقر و فاقه ایلد به صبر و طاقت. اولمیین
 جانب قضیه رضا و میرسدی تمش ایلد. ق غیبی اولوب برده اوقاف
 سلاطین فی سبیل کور و بقیشتن ایلد و در غیری دور یلوب و در نامه اعلان
 بیامن و تقیج. و محاسبه موزد اتنی نام تقیج. اندین جناب کریم و نایب حساب چون
 شباب ایلدی و کمان ذلک سه ثلث و اربعین منیع علیه محرم جنبی بلند شان
 سخا و کرم ایلد شهره زمان. مالکی سبذل. اوضاع و اطواری مقبول و دلیران حیات
 آیین ایلد جلیس و قرین ایلدی هر قنده بر سر و کلخدار. کورس البنت اکا هو اوار
 اولوب فاخته مثال. هر کچه بر سر و کلزار. جالک قوبینه کریمیه اولمز و زرگری کی
 هر کون بر سیمیری در کنار ایلد و طایفه سی کی در اغوش انیمیه جان کلز. ایلدی خکار

نامار اجل و سرفا ملک حیاتی نراج و بخوا. ایدوب مرحوم تر قومک سبب و نایا
 و ملک سهر کندیک بر دلبر شیرین و کانی. اولش در تفصیل حال بو بنوال. اوزره
 اولش که آسمان معارفک بدر لاهی و خورشید طالع مشایخ علیه نقشبندیه دن
 لاهی زبور ایلدیزی البشیر و محاوره و لطیفه سی بارشور. ایدی اول اجل و خاوری
 ایچون نامار فی مننه بر غزل دیر که مطلع بود. ۹
 قشکی کان خزه سی تبر و غمزه سی خنجر. نامار جمعی کبی دار می جهانده بر دلبر
 جوان مرزور. غزل نکور. دن دیکم و رنجور. اولدق تنه خوی و نایا و نایا ایدی و لاهی
 بهجوب ایدوب بنده مرزور. ارسال ایدیکده لاهی مرحوم جوان تر قومک بو مقوله نظر قار و کل
 اید و کنگه عالم. اولدقده عبدی جللی کس اید و کنگه عازم. اولوب عبدی مرزوری لاهی
 دخی بهجوب عبدی بر دخی شوق و عشق دلبر ایلد کریمت کلوب حیمت جاهلیت. اوزره
 فرید فن نفاق و دلبر عرصه شیر. اینس بو سبب طایین طلیس خرد بود
 عقور نفس و شغل غمت و جنگ بیکر. دراز دست و قصیر سینه و کنگه بر
 انگ مذاقنه ارب هر لعنت اوله. عجب نه دیلده اول کلعه داری بهجوب ایلر
 جو ذات اولدی مظهر زو و مخفی. که نامی بول انکه جهانده لمعه و فر
 خردری ایلدی تعلیم اولداندیشه. که آد ایچون صیف و باب زخم کمر صحر
 بن اول سوزی دیدم کم کون اید و نفع. بن اول لاله دردم که دیر کورن جو مهر
 بو بهجودن فقر و احتیاج نشینده جمع اولوب کما قهر به یقول اولوب اول صفا صام
 ایلد مرزوری مقبول ایدر لکن بعض نقادان استماع ایدم که عبدی صلیبی کس
 اقرار بندن حصار بر و اجره امام جلیل و عابد و متقی و زاهد و سارید اولد خدی مقابل
 ایچون مشغول اولدقده دعای مقبول اولوب مقدمه لاهی وفات اید و حق
 کچمین عبدی خدی قطع عالم حیات اتمدر. و افعال لاهی سدر اربعین ده وفات اتمدر

بو قطعه لاهی بهجوب ایدوب
 بهجوب ایدوب بنده مرزور

اگر چه اساری قلیدر لکن قایلک فوت و مرمانده اول ایلد کندیک اوسلیکته متعلق دیر
 بلدرم اورش صنوبر شکیدر. دود آهله بو نمیش فاسم
 قدیمی زین ایدو دی دود سیاه. اوسلیکله اولوب بر شهرتم
 مرض عشقی کور شفا بیرینه. الی کور در دخی دوا بیرینه
 بکاسودای زلفک آخر کار. فره چول کیدر رعب بیرینه
 مفت کج صبور جهان کشته. نقد عمرین و بر کر ابرینه
 باقمه بن یوز و نه کجوب کتمه. سوک کیم باری و حبس بیرینه
 کونه بیک کز اولورم زفت دلدار یله بن. ای فلک اولمکه نور قده مرغن بنی بن
 نه اکم وار سنک میا نکرده. نه دلم واریا خود دیا نکرده. عاشق اولد یکیلده با شتم
 خنجرک ایدیدی یا نکرده. دور سنکده جمله ایل کر بان. کم کورن کولم زما نکرده
 یوق بیره جان بر دیا کفر. دن اهلکده نه زیا نکرده. عید الله بر غمه دندر قزنجی
 حیرالتین اولغی دیکله حروف قدر. والد فردوس مکان. بر دسه ده خلام شرح الاکار
 ایکن مرزور دخی مدرسه عیسی بیکده خدمت ندر رسد نایت ورس ایدی اول
 توفیق بر مقدار صحبت و الفت اولوب ترک بیجا کی و کلفت اولمیدی. مانند نوشته
 صلاح حال یله سرشته. اولوب آتش جذبه و عشق کانون در و نند مشغول. ایچون
 چشم جان سرته مداد تصانیف مستوفیه ایلد مکتبی ایدی اما دیده ذوقه داو اولما
 و مداد کل فام ایلد نورستی حاصل اولم و صوامع عباراته سمع اصطلاحات هر ند کلو
 اناره اولوشه انوار تجلی بر تو صلیم. قرالهیوی عن جریطه القوافل اید. و ما القیل
 بناء علیه طابوئی التلی فی خدمت مدارس علوم ظاهر. دایکن بعض شیخ زمان
 خدمتنده سالک طریق توحید و عرفاندر. حال او لطیفه ایلد اختلاط و ارتباط اوزره
 اولوب التوحید اسقاط الاضافه. فحواسی اوزره تکلف و تصفای رسوم ظاهرینی

للعاق و القال نافع

مصرع کون کج ز حال الاضافه . اعدام و انتفا قلمش در واقع هر جنبه محو و نابود
 معارف و فضایل بلکه شهوت و بویستی السنه خلق و مذکور در
 می و محبوب انبیا و ذوق بهشتی که با آنها . خبر الدق او طردن بزه آدم کلاهی
عبد الوهاب القابونی بلدان ایران ابراهیم سهره دوران اولوب ایاکی کالات
 و وفات بمیدان و هم دان . اولان قصه احمدان دندرها سخراس بر و سواس
 ضلالت و استنای زمانه دین و ایمان قبرا . اهل تبر . روز و شب لعن و سب
 اینک اهل سینه و جاعه افتراق . و دو خوب سینه بر سینه دایه جوان و آتش
 محن و اخوان ابله احراق . او زده اولدقن و حرم دفعی عازم دیار روم اولوب
 بخت نام شرف الحاق . و مصر فایده ده توطن و مقام . اتمیدی و الدما جده فایز سلا
 جده الاسلام . و در و بال سنه حضرت سید الانام ابله بر اخرام . اولدقن قاهره ظاهر
 مولانا زبور ایلکه قرآن السعدین واقع اولمیدی زبور کمدج و شانی اهل عذبتین
 و طبقات ان اولور کید . و اطراف معارف و اخلاقدن ناز جواهر کلام اعتبار
 فکور کید فن معاده تمام نامی . و استخراج و استنباط قدرت مال الکلامی و ادرار
 معنای میر حسینی شرح ایدوب هر معاصره نیکو اسمی استخراج ایلد معنای ترفیه
 لرندن ترف و لطیف . شرح ناکلف و ضعیف . اولمیدر و معنای اسمی و محسنی و بشیر
 اگر چه معنای شیرین و دلکین و دلکدر لکن غایبه متین و حسینه و مناقب حضرت
 سلا خداوند کار و نوای حوس . و صراط مستقیم اولو کتا بلرم اردو سنه اربعه و پنجاه
 و نوبه ده شام شرف ای بند بو عالم انشا حدن ملک ارواحه . خوام اتمیدی
 بو فارسی سار زبور ک گفتار نند **فارسی** آب حیوان لیست بر سر چاه فتنه
 عادی نیست مگر نجره آن دهنست . بوبت صراط مستقیم نند
 چشمیم ده که کر جو صاف نصد . کرد کیر دهنه کی بسید **عبد الوهیز**

ام الولد زاده دلیله معلوم بنده و آزاده در . بابای منجم و جدی منجم
 که جمعی جامع انواع مناقب و حماد در اوایل حاله سیرور بخت داود پادشاه
 اولوب اولان شاکه قاضی عسکر اولان زیر کزاده . مرتبه قضا منصب جهان و مطلع
 نظر ادانه وار ذال . اولمیدر تحت خراج عالمه اعتدال کلوب او زبور ک کلی اختلال کلند
 قوا بلز مانند صاحب فضل و عفا . بعضی کسینه قاضی حاکم . اولق او دین و دولت لایزال
 نهایت کار . هر برسی قدر دارلق منصبی ایلکی کار . اولسون دوجیله کار . لک ایدوب
 کزدوب بعد زمان محاصم . و مطلوب نفس جو بیض و ماهی . اولان منصبه شاکه و ماهی
 اولقن خوفدن بو تر و یوح . و نوبقه ایلک لیث زاده به مدرسه اسکودین قاضی
 و لیکن زاده به از بنی مدرسه سندن اما سینه قضای منی و حرم رفو عین
 قضای منی . توجیه اتمیدی لیث زاده . و معلوم دیو قبول ایتوب خفی تغیر اتمیدی
 غازی او نور کین فکوردی حکایت اولور که بر جمعه کوفه جامعه صلوات مسنون
 او نور کین قلوب مؤذن اقامت ایلدکن . تغیر خاطر کیدوب غازی نیم ایلک نام
 اتمیده ارکان دولت اسلام . اتمیدی و جبر اما سینه به کوندیکر قیم . اتمیدی
 اول قی خواه و نا خواه قبول ایدوب نیمه ایام و فضول خدمت قضای شمول اولمیدی
 حرم معینه ده و تبره و انقریه ده نیمه زمان قاضی او کو اول بلادک ایاکی
 عدل رشادندن راضی اولمیدر و معنای زیر کزاده نیک . سر رفو عه جاه و دولت
 خاک بولاق فدا کت موضوع . و سابل امانه و آمانی . داس قنوط و بابل ایلک منقطع اولور
 خدمت صدارتدن رفوع . اولدقده به حایه مانی او زره تدریس لک اولوب بخت
 جلد قاضی اولمیدی جلیدن دفعی موزال و لوب انذن اما سینه مفتیسی اولدقده
 بومی تمیز ایلک متاعه اولمیدر و حقیقت قنایان اوج بقایه متاعه اولد و کان
 خسته انین و تمیز سولانه . حرم نجاتیک قنایان لوب دامادی اولمیدر

بوفتن و خجاستای او کشید و در وفارش کلماتی شایسته منصب قاضی بکن
 نیز در عیاضاتک صورت پذیرد. هذیه حجتی مبینها. استت بالوفاقی است
 صاغر عبدالحزین کاتبا. قاضیا فی حایر معینا. فاکدی افندی بر کوندر دو
 درج ضابطه جولانی شاهوار. و جواب بر اعتباری درج استند. کن
 کی بودیاری که کوی یار را منزل کنیم. جان و دل را کعبه مقصود را حاصل
 میکنم مردم دعا و دعا دارم می قبول. زانکه با اخلاص حق از صمیم دل کنم
 قبله حاجات من بود از ازل درگاه. که بود از قبله خود روی المایل کنم
عبدی ای قضا. فلک ساجده سی غنوم و اخوانی. قلوب کساندن از اجه
 قلوب هوای جانقرا سی روح و روح و راحه اولان مبدی پرمینه شهر ادره دند
 نام پرنهوانی عبدالرحمن در بنی خلیفه در عابد و صالح. و و اخلاص و صاحب هر عزیز
 او غلبه بودی طلب علم و کماله سالک. اولمقدمه قیام مغاور و مراک. و تحصیل
 فنون معارفه اشغال و حجام مصارع و مغارک. اید و فضیلتی نام و علمای عظام
 خدمت کرده مداوم. اولوب قاضی زاده افندی بن ملازم. اولمقدمه کون دولت
 قضا یافته در دیون منصب قضا به رضا و یردی. حقا که شوا به بلاغت عنوان میانجی
 تنوق اقران معین. و کسوت سحر و ازی طراز پرخیز از امتیاز ایل خلی و بران
 میدان بیانده بکران لسان. و توسن زبان منزل و برکله اول جلدیده حاشیر
 قصبات التیق اولان نامدار کردن. و مصافی بلاغت و بیانده. سمیر
 عالم کبر کلام پرنهوانی. ایلیم شجر ملک عوفانی. ایدن سیر دار کردن اکثر استادی
 آه عاشق در دینا که کبی بوزناک. و الفاظ در بر باری آب روان مینای غلغله
 لطیف و پاک. در سخن معاده دخی نام ناجی. و شهرت بالاکلامی. و ار در احوالی
 مستبدی و بصحت. و بر فوای الارواح جنود مجتهد. اولی المکن الفتی

اولمکن فن معانی کفیل و کجیل. ایدوبت های معارفه عمل تزییل. اولمقدمه
 والد فردوس مکان. ادره ده خاگم برج شرف نشان. اولمقدمه مرحوم فردوس
 مصاحبت و اختلاط. ایدوبت پنج ایام جواب هر کلامی النقاط. اوزره ایدوبت
 مرحوم غایده حلیم و حلیم. این بجانب موز و موزوب. و ابیات بیت ظاهر و اطنی
 اعجام و اعراب اخلاق حمیده. و اطوار پسندیده. ایلیم و معرب ایدوبت مجلس
 باید اندن بری بر کلام لطیفه آینه نویسه مانند حیا شرم و حیا دن عرف ریز
 او کورد. بر کسنه خلقتن ریخته. و خرج خطا آدمیان دست و زبان
 رسیده. و کلمه ی دورنده فن ادره ده دخی دوار. و بی عید علی و غیره و دیگر
 ایدی مقصیف ایدوبت کی مر جلد و جوخ مسدده. مسهور آفاق. و آهنگ خوش
 حجاز و عراق. اولمقدمه علی کفص در دوش نمانی عالمه عیان و نهانی
 نام دلبریم اندامک عشقیده رسوای جهان. اولوب ریاضت جنتی ایل و اسکن
 یک عالمی سیران. ایدوبت که بر نور کمانه او کس کزنج و بوب قبه جوخ کردانی
 بر ناله و نغان ایدوبت. دانشمند اکن بو غول باندی مرحوم سلطان سلیمان و دیگر
 علوفه خاقانی ایلیم بهر مند اولوب فاضله دعا کوی جناب رشید و سعید
 و داخل سلک خدام و عبیدی اولمقدمه **غزل عبیدی**
 بوطاق لاجوردی زربفت او باغک او. مهر لبه او کجی ایلیم و لاغک او
 اعدای بد مزاده شرم سفر قلیچ. تیغ ظفر با کجی مالک بر اغک او
 جوخ برینه همسر اولوب لوی عدلک. سر منزل سعادت دایم قناعتک
 سلطان بحر و بر سن دولت سهری اوزره. مردم شرم منت چایک او لاغک
 لطف ایت عبیدیک کل او بر دایم من. بو تکلیف چانه با نر جو اغک او
 آفر ز غره ده بوز ایلیم قاضی بکن. یا ایها النفس المطمئنه ارجی فرما نی

نان

همه جانها دغان آید که بشک کویان فادخلی فی عبادی خطاب است
 مبادرت چون طواف کعبه بجایه ذوق و صفایه بویان او کوی نه نمانین
 و تنع مایه ده عنذ لیله جانیه کلستان جنبانده اشیان ایدی بوبریکلی شعار
 نتایج طبع درباری و جواهر کبر زخاریدر که ثبت اولندی **۴**
 طالع طشدر لیدی آید و کم فریاد د طالع طش برده قلم بنم فریاد د
 صلندر کسیره ایلرله بنده و عده ثلکین بکافلتند کس قتلن ای لوح روان
 مادن دیمه که وجه حسن آسندر نه تر د او کشتن کوزلم روشندر
 نه اجلدق قضای کلشنه کلن بزرگ نه صالندق داد او زره بویع سر و مندر
 فقیر اولدقه استغنا صغر لر بلز یارب نه وار برزم احوال مرسی بن بد لر
 صنم بنی ایلده جهانن گذر آیدم کوردم سنی ای غافل او بوسن خبر آیدم
 غمگله بایال دلان ای برافه کمرسن اله احسان ایدرسن کج و صلندر اکر سن
 عد و برز جفر مقله وار رسن باینه هم بنجه فریاد ایدر بوعاقع لاله اکر سن
 لیک جابینی برز آمدیم اکر سن اناکم غم بجز که فامر بوبه و غم دوران اکر سن
 دیندک فرمغ اغاک تو ای یک بر بوسن بهی ظالم اوندک هیچ حق کانه اکر سن
 بنجه سخت بوزن کورسن عبیدی در دندم طیبیم بل کج اول سنه بجزان اکر سن
 بنی زنجیر غشقه صنم کم بخلندم کسدم سنگ دیوانک اولدم ای بری اولندم
 بومغار دخی انکدر **بسم** بجره ای غوا صلا کرد که احسان اکر سن
 دیده عاشق کبی سنده صدق در دکر **بسم**
 کوا و کینور سه سیر ایدوا و قد بلندک شوین سنگ درختی قوبر ک الرنم ک بر بوسن
 بنده به ایزک تو زندن صون بری ایلد ای شه مالدن ملین سری
عذر عارس دیوان عدا فارس میدان شیخا و بسم عده دیوان شرف و کمال

شمه پیش طاق دیوان اقبال جامع شرایط و ضوابط وزارت با سربا معین
 و مبتین مقال احق بها و اهلها سلطان محمد خان کبی سلطان عبدالعزیز و وزیر
 و مشیر الخم اولان محمود پاد در روز خیر بنه خصال واقف افلاطون منال
 ایدی که خراج ملک و مکتبه حضرت و سوره لقمانه غالب و فن حکمه خوش نصیبند
 خوشه چین اولمسه جالبینوس و اسطوطالب ایدی علم فاحت و بی غنمه دخی
 نظیر عمید و صاحب و احکام وزارت و احوال خوانین امارتده این حکمان حساب
 رای صایب ایدی بنیه کم خواجه جهان مدح و ثنا سنده بویکونه کوه افشان اولوب
 سوسن ده زبان کبی بویوزدن رطب اللسان اولمشدر **بسم**
 اگر نه جوهر ذات تو بودی علت صویر بهم هرگز ندادی ست کبریا بویکونه
 ز لوح خاطرات یک حرف عقل کل اکر خواند کند طغای معلوما افلاطون بویکونه
 حقا که وزیر رفوم فن نشا ده مقبول منم و انا رطب بر اقداری پسندیده جلوه فرما
 عالم جواهر زده مهر مشورانی که کما فی الالکون المکنون در قلاید عثمان اصحاب
 عوفان و عصا را عبا را بر استعاره لذت لثا ربیان در مسکر و کون جهان در
 خواجه جهان ایلد مرا سلا و کما کج اولمشدر اگر چه خواجه جهان انشاسی صیبن
 و مبتین در لکن وزیر خور بر کلامی دخی جابشتی دار و کینین در حوالم اشعار
 در بارندن انشاسی هزار بار راجع و غالب ایدو کج اصمیش رقی و مغارب
 باینده انوار خورشید تابدار و ملامت هوشان قمر دیدار کبی روشن و آشکار
 الاله حصان نام موضع ندر مهو طفل خود سال ایکن سرای بنیال باکنم
 دریا نواله داخل اولد قلع سلطان محمد خلک است و الا نهی الیک علم و کفر
 اشتغال ایدوب عود و عود مسعودی چمن الطیف اعمد و دنده کشیده باله
 دیوستان احسان بکیرانده آب نوازش و تر بیلیم نشودنا بویوب بود کلو

حرات علیا به ارتقا و اعتلا اینقدر بسکن کرده یوزیک آنچه ایلیم وزیر اسلم
 هم روم ایل بکل بکیدی ولسیدی سخت و ساحتی اول مرتبه ده ایکن که
 شهر قطن طینه ده مدرسه سینتین بنایند که هر مدرسه فرزند به هر کس که
 دانشمند اوله ایکی دولبنده و بر صوف و بر استقلاط جوقه و بیش یوزانی حیات
 ایدر مش روایت اولور که مندا ایاس و مندا عبد الکریم و محمود پاشا سراسی سلطان محمود
 کرب و مندا ایاس بویک اولور که بالکر بر حقه ده اولوب محمود پاشا ایلک عبد الکریم کوچک
 اولور که ایکی بر حقه ده اولور ایمن حکیم مندا ایاس لطیفه ایدو اول زمانده
 نیجه که ایکی کوزه معادل ایدیم کذلک نه علم و فضل ایلک بیکر کا عدیل و جانل اولر سر
 دیر اید حکایت اولور که بر کون سلطان محمد خان فضل دوران مولانا قریب ایلیم
 ایدر کن مولانا مسعود دن شهر قریم بلد قریم اولوب نام مرتبه ده معور علم اولور
 مسعود بر مقام حجت نشان و عزت قزای بلدان ایران و توران ایکن بر
 دل هندوران کی خواب و دیران اولور باعث نه در دیو سوال استیکده مولانا
 زبور و فی جواب دیر و اوقات شهرت افند کر رفعت اصحاب حجت کی بلند
 هر طاق و ایوانی کردن خورشید نور افشان کند مسانت و حصانت بنا که
 طاق و ایوان و طاق فلک رواق طاق ابروی خوبان کی سمره آفاق
 ایدی لکن پادشاه کا کارک بر وزیر بد کردار و قبح حیات طواری و ارایدی
 انک رانی اصوابی و ظلم بجه و حبابی و کار ملک و غلبه ظاهر علمانک و عقلی
 وار و یونعظیم و توقیر کی باشد و تقصیر ایلد شهر و نور خواب و بیاب و امید
 و دیگره سلطان محمد خان و فی وزیر رفقه خطایست طاب ایدوب ای خودی
 و ایاز بر اختصار کلام بر احترام خدمت مولانا کی کوشش ووش ایلد دکل که
 قریم کی بر شهر عظیم عظیم النظم بر وزیر کی سوبه بیری ایلد خلک بنیر و شرح کل

لطافت و تراختی صر صر قبح و عواطف و قاحتی ایلد صولش نظام بقا عالم
 و استاد سلسله بنی آدم بقا شرح شریفه منوط و اطباء بقا شرح که علم
 عالم ایلد باقی و دایند اونا وجود علایه ربوط در پسر جانب علایه عین عظیم
 و غم که نگران اولوب اول طایفه علیک خدمت دامن در میان اول و مرتبه
 دکل وزیر عالیشان ایکن علوتنا ندر که کفش کردن اولور که تحصیل ایلد
 و جارب منال آستان بر اجلالرتن تزییل ایلد دانکی تیکل ایلد دیجک محمود پاشا
 دخی علی الفور جواب بر صواب و یروپ دیر که ایشاه جم جناب وای باکشت
 کامیاب حصص زبورده جوم و کنه فی الحقیقه باکشت ایدر که بمقوله وزیر بر
 سیرت امور دین و دولت و مصالح دنیا و آخرتده کمدیه ترکیب و سیم ایدو
 زمام ملام جمهوری دست اختیار و قبضه اقتدایند توفیق و تسلیم تیمدر آخر
 حکم فرمان الاهی ایلد زمان وزارت و ریاستی متناهی اولوب بحسب نظام هر نظر
 غضب شرفناهی اولورده بر قاج کونیدی قله ده جبر اولوب بقی طعمه تیغ
 سیاست باکشت ایکن ولسیدی حیده ایکن وصیت نامه یازوب باکشت
 اسکندر برآت و بر قیج و بیک شیبوز آنچه ایلد کلدیم ماعدا ما ملکم ایام باکشت حاصل
 و سایش سالک نکرده دل جان هر مراد و مراد و اصل و کسدر و یوب و غلی محمد کجک
 زعامتنی و اوقاف داره سنگ حمایتی سپارش اتمدر و حوم و قومک فیاض
 و کمالا و لایف و مطایبانته حد و غایت یوقد و بوندن زیاده امواج حروف
 مترکم تجر بی معانی متکلام قلینوب متلاح مقالی ساین اطباء و اسرا بایله
 بحر محیط مدایج بحیسانه عازم اولدی بویر ایکی شکار اول وزیر کا مکار کفتار
 کوزم باشینه رحم ایت سورمه درون که مردم زاده در دوشمن نظر
 کور دیکه عنبرین زلفن رخ دلداره ماه مشک افشان تویدر صانوم کلارده

نمذ

مصرف و مبدول ح. حقا که لذت الماس مره. لطیف المی و ره. تکلف و تصلفدن
 بری. و بخار که درت و تفتدن آب صافی و جگر که عاری صحت صفای
 روح ارواح و منادمت دلکش سی چند افراح. و دریل تراج. در امانت
 و درایتی خاطرن دور. اید و حالند که قانع و صابر دایما نشین شوط. در
 بوبر ایکی شاعر اول شاعر اندر کفایت. بلاغت ندارند. **مطلع**
 نهال کن آبر و بغیر سن کستانک. قو برمه یور کنی غنایب نالانک
 دیک ملک استدی قد بالای لبره. طوبایح دیکیل دیه سسی و ستنه بره
 کله دی ساقی قناعت دارا کنی خانه. بر ایاغم اوده در بر ایاغم میخانه ده
 بایستی طر فده کوردی غنچه نوزنه نک. بکرنیک او حد و غی اولدر لیل خوشک
 بو غل نی بدل دخی فایح. هر ترسب مدح او نمغ لایح در **غزل**
 طبیب در دمی کوردی دوا دن ایچکدی. پشیدی بنضمه بن مبتلادان ال
 چنار بیعت ایدوب خانقاه گلشنده. ایرندی پر خزانه اودان ایچکدی
 وفای جان صبر کن او خواجه حسنه. نه غمز اولدیکه بیج و فادان ایچکدی
 رخنه حایل و لوردیو قطع ایدجه بر. کسدی زلف برین جفادان ال
 دیشدی کم برالم خبره اولون اوباسی. عذاری اولش عالم بخاک ال
عذاری قاضی بکده اسکوب ایکن ترک عالم اخوان و کروب ایدن خرمن
 نام قاضینک کوچک اوغلیدر صد و حفصل کلک ایکن اخره انتقال ایتددر
 و انصاف عذاری کلان بولیدن نواله ایرسدر و تحسیر **انکدر**
 بنی یوز دونور و صندجک باره. باشم اوزره طوبین بو شنگ باره
 قوال نه قنه بونون قوشه باهریم. نه کبر روی بجا غلکه شتم آره سنه
عذری عذاری زبورک برادریدر اگر چه غایت اعوج و لنک اهر حقین

اقدامه مسیه اقدام ایله دنیا باشندنگ ایدی آما که وادی معارفده
 قدم را سخن. و معرفت اشعارده کعبه شامی. بی عار و ننگ ایدی بعضی بلاده
 قاضی و مسیدی حاکم اولدوغی اراضی و مالکی مانند تیمور بر شتر و شور.
 ایدوباره استقامنده ست پای. و راجل تر از و مثال در هم و دنیا زنده
 ایسه اول نکته مایل. اولد و غندن محنت غول نقیشتن باشندن زایل. و کله
 غنکبوت جانده دو دناله اولدی پیرن. یرده کوکده یری یوق میکنه لختدر
 دشت غم بیکل کچنیش نیلر جیغون. می دریغیا لکر بولدی دیل میدانی
عاشق روم ایلینده یکی بازار دیکله بازار روزی کرده متاع اعتباری بروی
 اولک شهر نامدار دندر نامی محمود در اول خلیصی جا که ایدی بعث عشقی به
 تبدیل ایدوب بو یعنی دیکدر **فارسی** غفلت شوم بعث رسید. زان سبب
 حقا که تاریخ کو یلفده ج عیدیل و ج زین. آوازه اعتبار و اشتیاقی ناله خون
 عاشق غمکین. و آه و این منظره بین کبی اصل قبه جوج دوار و خوش برتی
 اولوب ازان و امثال بو طرز منالده بجمش و سیف سلول طبع مقبول
 ایله بوقلمودی شخیر ایدوب فتنی عر شده آهمنده طرز غلده دخی بر شتار
 بقیس ساقی نقیسی خوشی ایله. قبل آن یزدانک طرنگ اختصاره افتداری
 اولان شوا بانا مدار دندر قدوه ارباب افاده در حوم معارزاده قطن طینه
 حمیه ده احوال قوانین شرعیه ایتد و کده دانشمندی ایدی اول شاده مرغ روح
 عوئی مکان و قدس شیانج **ع** ایلدی باغ جنانه طیران بر بیت و باهر لک
 نجه تاریخ دیوب حروف مستوطه سی بر تاریخ و غیر مستوطه سی بر تاریخ او کورد
 نزل احمد لیدن سلطان سلیمان و زهر اولان مصطفی پاشا طغوز یوز آفتش
 درت سنه سنه روم ایلی کلر کیسی ایدقد بونارخ رعایایه ویشدر **تاریخ**

ایده

کفن

شدت خلصم عشقی

قلیوک که جوهر دار و صفاتی در مقدر . بونار بخلاف اینم عجب ملک عجب
 همان حقا که عجب شوکت سا که گذر . شهاب الله در ملک اولی که میران
 و حرم عاشق چلی تذکره گشوده دیند که در نور غشی یک بغیر ناری و اردر
 اندن سکر و جمله تاج جوق . جمله دن رمضان زاده محمد چلی بی بی اولد و خسته
 اصحاب صفای جمع اولدی کماهی اول کهر . بونار بیج اولدی چونم اتفاق جلدی علم
 امور شرعی و قانونی جامع حاکم کلدی . شایخ اولدی ذات پاک که بر فایق عالم
 بواشعار نتیجه طبع بر افتد ارندندر .
 قیام اینترقی سن بدن کما مظلوم غایت . خدا نوظلمی صورت فرجی قیامت بوقی سلطان
 که اسکن سلطنت و صلح شد کمال دیرین . که الیابا کشت اولدی خدمت بوقی سلطان
عربی ساد و زیبای کلشن سبیل بر طریق دیر و تیره اولزه اولوب دیده روی
 وجود سعید آیدین . اولان شهر تیره دندر طریق علم خدمت ابتدا که کمره قوا
 ایدوب مولوی اولمیدی موره ولایت مقام . و اول ملکته توطن دارام
 اینمیدی شهباز طبعی صوابی بلغمه صلحش . و بویقده تدر و خوش خوام
 کلماتی چنگالنه آکشر در بو شو انکدر . مست عشق کدر و شش طور بر بویکه باقی
 خاکدن رنج ایلک دوشد کجه افتاد کونولا . دبیم کیم الی صون سوره بین بوز و بی هم
 اول غنچه دهن کلدی دیدی او بیکه دیریم . بزه که چیکه دیک کلدی فرانکوی جانان
 انکا دستینه بول سوردک بر الجقدن کلوب انکا **عربی** نامی مصطفی در لوجی
 و نوحی برادر کمر بیز جمله سنگ وجود معارف سرشته خلق مقام اولان
 قضیه برشته دندر حرم شهبازده سلطان محمد علم شاکر شیده . قدوسر آمد
 اولوب . سنجاقه جقد فده نوحی رئیس الکجایی و غنی مطبخ کاتبی اولمیدی
 اول شهر با خسته وجود عازم دار غلور . اولدنده که ارکان دولتی کاکل

سبحان کی تاز و مار . و مثال اوراق خان برین روزگار . اولمیدی
 در نور و خج در دولت کلوب دفتر خدام سده سدره اخرا مه کجیدی . بعد
 دماغ جاننه بوی انور غلت . و دل غلنه عالم قدس دن نوید فراغت ایریش
 تقاعدانی سید قناعت . ایدوب کرن عالم امارت کلین خانم وزارت . مصطفی
 اسفندیاری ساید سنک باب آفتاب حوادث ایامدن انتر الحت . ایلمیدی
 و اول حالده جناب رب کریم تبسم ایلک . سبیکه اشغاری جندان خالص و صمیم
 و شاید آناری حسن و ملا حله و سیم . اولمیدر بواشعار انک گفتار دندر .
 دیرک سینه ده کی شو قله داغن بیکسن . تا قیامت نه عشق چو اغن بیکسن
 ای مصور قد دل داری ایدر سک تقویر . خاک ریز ایلک سر و بد اغن بیکسن
عربی ارباب علم و دیوان . و اصحاب مروت و احسان . ارا سنده
 موقوف و مشهور . و عایت دیانت و مروت . و نهایت سخاوت و مکرمت
 ایلد مقبول جمهور اولان دفتر دار پیر احمد چلی یک فرزند ساد کتمند بیز نام
 واسم سایلری پیر محمد در حاوی فضایل فطری و کسبی . و جامع کمال و خضایل
 و هی . و نور علم و فضیلت . و صفای ذهن و طبیعت . ایلک آراسته و صفات
 حمیده . و سمان پسندیده . و معارف و فضایل غیر عدیده . ایلد پیر اراسته
 کجینه سینه سی جواهر زو اهر معارف ایلد ملو و مخزون . و نفود انواع فضایل
 و درر غزلطایف جلایل خضایل . خونی ذر و ننده مکنون . در حرم والدر لور
 مقام تکلمه خاشی . و جمله معارف و کمالانده شاکر دیر اختصاصی اولوب
 اول اسد خاکی مجلس افاده لرینه مداوم . اولمید خدمت اعاده کردن مقام
 اولمید . و حقا که به ذات تریف . و جوهر لطیف درک طور و غنچه معارف
 و محض مغر و مکارم و علم و تواضع و علم . ایلد لطف مجسم و روح مصور . در

سحاب الفاظ در باریدن قمر و ارم و دیدار اولان صور معانی و فنی الکلی
 انظار همی با جبارده قهر و حال و انهار کلک عار و مجازات رنن جاری
 اولان جداول و کما و خاطر زقاری اعتبار ناقدان انشاده عین آلال
 زبان ترکی و فارسی و عوایح و نوایچه و ابعاری و هر برنده مخمل و پیرل
 گفتاری اولد و غنن غیری فن و شاده و فی خواجه جهان و هر و اید و
 بلاغت و بیاند زبان ترکی ده اولان اخلاق مقبول و ستور افای در
 اگر چه حجب الطاهر حین و اعطاک اخلاق ترجمه سید و کنن چون معار و لطایف
 الحاق الکلمه حسن و ملاحظه طاق اولمندی مدارش گانه دن برنده مدرس
 و هر روز نگین فضا یل الیه بنا و سرای علم و کمالی مشید و توش اولد و کلک
 مدارس بیانه نک برنده افاده فضل و عوفان اوزره ایکن شزاده و
 شاه نشان شمشاد فلک مکان سلطان محمد خان خد متکثره خواجه اولمندی
 عقب سوز شانت مسور ده معانی و دوس سعادت و اقبال و جام نواد
 برسدادی و صبا و حصول مراد الیه مالا مال ایکن مرآت جهانده صور و
 نمایان اولوب دل جانج در و جوان الیه مست و سرگردان اولد و
 مرغ زوج عالم قدسه روان اولوب ع ایلدی غم گلستان جهان
 بوانا بلاغت شاعر تشخیز خطیر اقتدار و چون دل جانن زمین غن
 خلیم سوز عشقی آتش عشقه دوشندن صبح
 یورک اوینا مغه عوف جلال الیه یار کله انصاف ایت الکن تو که تو چار و
 راحتم بیکان تبرک اولی خاوانان کیم و غیر راحت الان فی حفظ الک
 طو کدین چینه سی و هرک می کلونله بصلندی چوک جانادل بر خونک
 چقرسه فلک اقصی عیار زما ایندور زرخه بر کون آغ و اول کوزله

بهر روز نگین فضا یل الیه بنا و سرای علم و کمالی مشید و توش اولد و کلک

اد کتاب

عجمید زمانک لبر عانی پست اوله اناسی قوجغنه او کور نور داغی قوجا
 اگر پایینه یارک یوز سورم دیرک کاک بولنده اختیار الیه اصلاغی بصیرت
 و مادام اشک حشرت یوزین قانیکه خاک ندر هر دم سر کویکه یوزقان اولغنه
 ازل نقاشی هرک سم ایدر کن دنگی و شکر زمینه جایجا اولد کلستان اولغنه
 بر بر بلوریش اول خطر یکان بلوک بلوک صف صف یازلش آیت قرآن بلوک بلوک
 سینده دسته دسته اوفک بکرا که کم اوق منظر لینه جمیع اوله یاران بلوک بلوک
 بر شاه سن که رکند زکده الای الای طور شس سلامک المغه خنوبان بلوک بلوک
 افتاده لرا با یکد و شمش دزن دزن دو شمش یوز که زلف پیر بلوک بلوک
 بازار دهری طوتدی چویداری کلک گوشه بکوشه ای مد کشفان بلوک بلوک
 عتاقه صاغه صوله نظر قل طرف طرف بوقله قولو کی ای شنه دوران بلوک
 غمی دیار و صله غم استه جایجا بغل یولینی عسکران بجران بلوک
 والد فردوس مکان بعض احبانه اریال ایتد کلک مکتوب بلاغت عنوانده
 فللا فضل اهل العصر طرا یادی الفضل جمانت نادی
 قصر راس النواصی الا قاصی و عش جباله یوم التادی
 و بوابات خط ردیف قصبه سندنر
 لعلک که ظاهرا یله ای کلغدار خط باقوتد که مشکله یازلش غبار خط
 پرکار حسن باپی بریدر دهن کل دور زحکه اکه اولدرد مدار خط
 مهر رخس ایر شندی زواله کور و خطن اولدی فلکده صا خط نفق الزحار خط
 و حرم سلطان سیم نیشک اود و فایله شیخ محمد عصارک مهر و ستر بی جسته
 غم اینش لیدی بیک بشو بیت مقداری ترجمه ایتد کلر نه سلطان حرقوم
 عازم حباب ملک قویم اولغین نام قالدی کتاب حرقومک مطلق بودر

بهر روز نگین فضا یل الیه بنا و سرای علم و کمالی مشید و توش اولد و کلک

جانب والا رتبه عشق
 غلبه هر فرغین شیرین
 بو عشق که بترد به تکلف
 جو صیت بچکا بی اولدی پدا
 خورن بقیغ برنده اخم
 چکوب حبیب جهانی ایلدی چاک

عنه استنبول ندر نامی محمد در اناسک شرق و غرق علم و کمال ایلد اولدو
 جازم و عالم اولوب تحصیل معارف و کمالات عازم اولمشدر کمال کورسیدی
 افندیک خدمت اولوب خدمتدن ملازم اولوق صد دنده در امید در
 عن قریب رخ فیروزی شکار اولوب نطوح جهانده پیاده قلمشکن فی الجمله
 سوار اولوب بر مضبوط ایلد اجمازدن مناصب عت و جاهدین بنفیشاه دیه
 سایر معارفندن فتنه شریخ باز لقه هارقی معارضه خصومه سکنی واردر
 لعب شرطجده نطوح زمانه در که حقا که فرزانه در اما غایب دند که خصومه
 لعب و قومده غالب ایکن سایر شریخ باز لکی لعب و نوره مشغوف و نطلب
 اولوب اکثر باغور و بارب در بو ائشاده معایه اشتغال ایدوب اول فنده
 در ختام جعفر مغه اقبال ایتیمیه که بوجیده به کبریا و نفعیون اختیار ایدو
 اشار دند که کتیر اوتد راقم و ذلک بو غولنه نظیره در

دامن احب انکی حکم طوبی جانینک
 کاسه بازم هر کیده جوخ سرگردانینک
 باشمی قطع ایلمک شرک خلق ایلم
 باکره کلشنی و صفایم ای غیا

ای بوجی سروجنرم ال بنم دامن
 دونه دونه رقص ایدرینک دایم دور
 حاصل ای زلف دلبر ال بنم دامن
 عارض لبر بنم اولسون کل خندانینک

کر بنی آزاد قیل که قتل احرایت شها
 کشیکر عرصه نظم زبوندر جهان
 بو مطلع معبد حسن افندیک نظیره سیدر

رام اولور ادر که هر شب برمه تابان
 شاعر خورک معیانتند در **باسم جا**
 ماه خود کوهرنی عرضه ایدر اول سروه **باسم زکریا** بتر خدنگ جو ریدینه نثان اولولا
 ماه و ششم کراسینه بکدل و کجرت اولام **عنه** نقد زلفت شمار میجویم
 عکس نثان فصیح میجویم **نام جعفر** اس مجلس سکس و کهنکاره تو
 وار در غایت امیدد **ای مطلب** علای می کبی بی بر کن ال خالیش عفواید
عزیز مبط انواع فیوضات الهی و مقوم مقام حضرت خلافت پناهی دار طئنه
 العینه قسطنطنیه تحیه دن در نامی مصطفی در سبع شداد جهان نشانه واقایم
 سبعة دن حال ایلان مال بکرانه خوانه اولوب معال سع سیاره اولان بکر
 و روی فرعون اعدایه از دمای هفت سر اولان بیدی قله ننگ تحفظ ننگ
 کتخه اسیدر نظم اشعار ده کوشش و تسمیط جواهر آبداره و رزش ایتیمکه
 بوفنده تحصیل مکت و اقتدار ایتیمدر و قلاید فرایدا شکاری خیل اعتبار بشدر
 طامه ملائیکه عزیزی و بوطایف ننگ صاحب جبروت و تیزی در جفا که اشکاری
 رحیم و بنای فقر بلاغنی حکم و منین در ننه کم بوجیده به کبریا و نفعیون سلال
 ایدو که اشعار بی نظیر و شالند صدق مدعی فرخورد مانند آفتاب پرور
 جلوه که منصفه بر روز و نور اولور اول اشعار بودر

کوزک قان دو کلمی اول غزوه بیداردن کوشش
 شب ایدوب الوداع ایتیمه سیر کوی دلاره
 اصلا غم کیدر کبی سیر و دلاره

دورانینک

کوز با نین صرف ایلد کجه کره ایلر دمدم هرشی خوجندن اغلر عجب دمدم بودم
 جفا سنکیده جیمک کوک کوک انش اولن یی کر اورش سنینه ای عاشق تخت زده کز
 اید بجه بر در یکدانه بی دلا پیدا اولنجسه وارنی بولنده جلفدی دریا
 چون شمع کشرش اولمه چوسایه فاده دل نه با و اول اصل نویش اول دلا بصل
 چونکه ویردک دهن دلبره دل کندک ای عاشق محنت یوق سل
 فور قرین کورک حودک کره ناکه الله مدد اول یوسف نایه قتی یا بانه کز
 باده نوش اول بوری هر خطه اید وین ویر مدین عمر عزیز یوج ملک باده
 عاشق دیمه شولک سیه کم سودکی خوبک بولنده فدا ایلیم جان عزیز
 خلاف مقاد شوای زمانه شهر استنولده اولان طایفه زمانه شهر انگیز دیوب
 شهر دوران و مقبول خلق جهان اولدر بو ابیات اندر **مر جانی**
صاح طینی بری نمونه نک صاحبی زمانه فتنه جوق شلوفتان جهانر
 زمانه کیسی جوار و ستمکار صحنیک صاخشی عاشقری وار
 انور دل کثوریک زلفی باجی بنی شدن جود کی اک صبا
 بر بسی پنه عینی بر سجنر تنه مانتد پنبه نازک و تر
 بوی جان باغک تازه ترایه دمانی چشمه آب زلالی
 دیدم کل سینه دیدی او دلدار او دیدم پنبه نک اوینی وار
عسکری عاکر جوارح واعضای لطیفی قوی اوزره شهر ادرنه دنو خوج ایدو
 اول خطه مسعودن عالم وجوده ولوج انیمه لکن عاشق جلی غالب یکجه
 وارد در دندر دیمدر پادشاه جهانک مفت کثوری ضبط و تحیر ایدن عسکری
 عدا دنده داخل اصل رتبه زعامت اولمه رام مراعی متاصل اولمیکر بلایکده
 توطن واقامت ایلکده فاده خاک فقر و فلاکت اولمیدی اخو اسحق پاد غلنک

عورتی آلوب نتودج حابه و خیل ملایک اسبابه واصل و اول توبیل سار
 حجه الاسلام و زیارت روضه خیرالامانه و خیل ایل اولمیدی امانه تمت اختیار
 و ریت رفیق و الحاکم دن قورلمدی **میراج** حاجی اولر بلتی دروار ماغله کعبه
 اشارنده و خج حجت یوقدر بو مطلع انکدر هر دینک و نه حکم جوج کردون کشته
 جنسی در البته دوزردون اولان دون کشته **عشرتی** امانی و اعایه نهر استنولک
 قتل توج و عینی و مقام عیش و عشرتی اولوب شهر خورک جوارنده خفوار دریا
 ایدن یکی حصار دندر نامی مصطفی در طایق علم سلوک ایدوب خدمت موالی
 و امانیدن خایه اولوب ملازم اولدقد فکر ادرنه قنبه خاص کوبده حاکم
 و وایه اولمیدی سلطان اکثر قیق خاقان الحاقیق صاحب قران بی ریب وین
 فتح و شیر و آقین اچون نهفت هیا بولری اولدق شهراده سعید
 و شهید مرحوم سلطان بایزیدک وجود رسیدی و عشر بر جدت و صدیقی
 که حرات جمال فیه بانر شدید دریا جوج کفارک خوجنه مدسیدر اولمچون
 شهر ادرنه بکلکله امور اولمیدی خدمت شهراده اول شهر حبت آباده کلککن
 شهراده به غل قصیده و یروب شعرات واسطه سیکه و مالک حسن مبد اولمه
 نغو و نوا توفید اخمصا صم و قربت مالاکلام بوکوب غوث داخل نرم نس
 و خلوت و صراخی کبی متکلمن مجلس عشرتی و کسیدی حقی شهراده مرحوم
 ینه سناخی اولان کوتاهی به عودت اندکده مزوره اسکی شهر قضاکی البور
 اول آفتاب سعادت و اجلالدن ذره مثال ایلرمدی و مانند رکاب
 اول نهوار شجاعت انت بدن جدا اولمک لکن بعض خصوم و اعاد صورت
 حقدن افاد و اعوایه باده اولوب جناب صاحب قران مرحوم سلطان سلیمان خان
 خدمت شهراده ملک خصال مزورک اعوا و اخلاص ایلیم پیمان کبی باده بر

و اهل عسرت اولش در دیدگرنده اول فاقان دهرک نظر غضب و قهری
 اولوب موزول اولمشدی آخو سلطان دریانو الگ برغول بیانی شیخ ایوب
 ویردکده جوام و آنا مندرم عفو و انعام چکوب روم المین منصبیله
 مقضی اکرام ایتمشدی اول غول بی بدل بودر **ع**
 اول الماکوز برزمله مکر و ال و سنده **ع** عمره لر عت قلک جنگ و جدال و سنده
 ایشکله کیکیکه غلجک نقشی شری **ع** برج رفته شریا در مهال استند
 اشتاری اشعارینه صد بار غالبدر بواشاری حالین خا و کلدر **ع**
 صنه عشق اهلنی موتیله کنارا ایلدیر **ع** بجه صبر ایدیه یوب ترک ایلدیر
 صورتا کورمیل دیور قییک یوزنی **ع** بندیر غلجک بونه فرار ایلدیر
 ترک ایدوب تاج و قبای صرلوب کفنی **ع** خلعت عاریتی کیمیکه عار ایلدیر
 کورتوب ایغی بوملکت فاسیدن **ع** واردیلر عالم باقیده قرال ایلدیر
 ارفه سی اوزره یوب ایل قوراندی **ع** غم و محنت بزی ای عسرتی زار ایلدیر
 بره رخا بره غا بره بک یوزی کلدن صحنه بک **ع** بسون اککلنه ماه تمام
 شیکلا همکی مدنو کی **ع** مرحوم سلطان محمد شوا سندن روزگار
 اشعارینک اعتباری و اشعار ایلوب و اول مرع اطلانک قطعا روم و اشکار
 قلمدر زمانده دیدک ایشا و اشعار دخی **ع** چو قویم با برین نیاید بکار
 لطیفی تذکره سنده بوطلمع یازمشدر **ع** برکون صنما یورکمی یارم الکلدن
 تا کم کوره سن نیچدر یارم الکلدن **ع** شونده ملاح و ملاوت و کند و ده
 ایجا دتقره قدرت بوخیکن نه زمانده خیل رعایت اولوب بوجی یوزلر
 و طیفی و ارایش حتی اول تاییده بفضل بویستی دیکر **ع**
 عشقیا طالعو که عشق اولسون **ع** کرچه نرنگ کوچه ستارک ای

عشق

عشق صدایق پر صفا سی دیح ریاض ارم و سباج تیره ابدن قهنگیره تیره دند
 معبد پر غنر دیکلشور در **ع** دارکدشده مرحوم سنان افندیکی معبدی و مجلس
 برافاده سنک مستفیدی اولدقد هکک مرحوم جوی زاده افندی به واروب
 اذن ملازم اولمشدر بعض مدارسه مدرس اولوب آخو طریق غلته عازم اولمشدر
 تیره چشم آیدین اینسون رخلرکی حورین **ع** خاکه بر تو صال کلز دزه جو خورشیدین
ع برج باروسی جرخ مینوبه حاس و رفعت و حصانت ایلر صحن البیان
 و مین الیاس اولد و غنن عیسی **ع** ناس اولمغله مرع و ناس
 محتاج شویدا وراق و اطاس اولوب بودار جها نده مهر استنبول هموار اولد
 یکجه سار دند نامی الیاس در **ع** اولاتش جنگ و غانک سمندری و پشه زاروب
 طوب و تنگک تیرزی اولان طایفه بکچریدن اولوب بقده موتی زاده شیخ
 حاجی افندی به تحت اراده ایلدکنج انزاده قلمشیدی بدیع الفضل افندیکی
 فضل و همتی ایلد بعض عایزه کتبت اوزره اید **ع** آخو یوح سادات عنان اختیار
 و مکنتن شاهراه علامته یونلکوب بوطعه ایلر جناب سلیمان **ع** سده خاقانی
 عرض حال و انا و ما فی البال ایتدکده اول طومار قبیل زخم سینده صد جاکی
 و مفتاح کلید خاطر غمک اولوب مراد مالندن سوال اولوب تیرا موی
 هدیه قبول موصول اولدقد کوشته غالت اختیار اید و بصیرتیک اون انچه
 علوفه سی محلول اولماین قبول قلمشیدی **ع** کوشته قناعت کفیل توشه آخو شغول
 پادشاه جهان پنا بک بن **ع** بنج میل ایشکده چاکردم خسته اولوم کسکی در حکم
 صانع اولورسم صولای اولگام **ع** بیز ندیم جهان غم زبیرا **ع** پادشاهک علوفه بین بریدیم
 شاکلایه اوکچرخ اوزره **ع** هر غایه پایده ایلریدیم **ع** قنعه چکلی اوله اکسوب اولوم
 یا نر اوده کیرر سمندردیم **ع** کک بجا دیزدن آخو **ع** ایلر که قبوله کسمردیم

عشق

عشق

شاه عالم پناه صانع الوجود چاکریم از لده چاکریم بوج آب دوی جمله اشعار
 گاه حرات فلک روی سعادت کو ستر که دوزخ زنگ ملا متله فکاکت کو ستر
 ایومه ای دل صبر قل او مک ملامت کو ستر کوره لم آینه دوران نه صورت کو ستر
 نیدی دور فلک آینه اسکندری دیوه الدردی سلیمان خاتم انگشتری
 ساقیاد دور ایسون باد بلیه بر قل ستر کوره لم آینه دوران نه صورت کو ستر
عطای سلطان محمد خان شوا سندر نازه جوان حسنه مشهور جهان اولی غن
 غیر خلی فایلیتی و نه پند اهلینی اولیون اچر ویه الحق استدره تهمند فرار
 ایدوب قصیده سنده بو بیکه حالنی اظهار ایت در
 کوچ کورس هر کشی در سلطان نعم ایدر شدی عطایه کوچی سلطان ایدرین
 انشاد قدما نه منوله ایدو کی معلوم و کیفیت حال ابراد اولان انشادین معلوم
عطای بلدان جهان لطافت اسلوبه شهر آشوب اولان شهر اسکو بود اجداد
 بلا و عهدن کلندر سلسله لری سلطان الاولیا برهان الاصفیا صاحب المقات
 نظر الکرامات الشیه مالک انصار عبوی حضرت شیخ احمد بسوی پانتاب
 ایدر ادعا و عواقب انساب ایدر در حوم اسحق افندیله صحت و الفت اوزره
 خوشه چین معارف بیجای اولمخله جلالت ان کتاب ایتیدی روایت
 اولور که مرحوم مولانا و اخلاص بلیهان جلنیک مولودنه اخبار موضوعه
 مشتمل در بودخل ایدو کندوسی بر مولودن نظم ایتدکه بزم عرف و فضل اشعار
 و صنعت سواد ساریز بود اکر بشریت مقتضایه اوزره خط واقع اولدیه
 سرانگشت اصلاحه نصیح و بعض برنده خوش و تکرار ایه تنقیح البلیه نزد بعض
 نفس منوره کو ستر در حوم دخی رکاکت و ساقی نظم فروری معلوم ایددکه
 جمله سی صلاح اولد و غنن کنایت ایدو کتابی بال مومنه با تروپ و حومه

ارسال ایتدکه در نورس مجلس و عطفه افکار ایدوب عالمی بختک مار ایتندی
 بوم فراق او دیمه نیک به بکر کیفیت شعوم رکنین شراب بکر
 بو قاره قاره اسکی کو بکلر کیم بیر او جاننی قالمش شهر خراب بکر
 خور بقره و درویش نه بیلور سین که شاهزاده اولدند اکره مثال آینه اول
 ذہنی روشن ضمیری ده اولد بده اولم نفکد یکی جهان نه بکر حیدر تخی نه لقی
 طایقت نقشندیه سلوک ایتدین تجنیات کاتبی اسلوب اوزره تصوف نظم
 بر لاله سی وار در بوبیت اول ساله دندر خدا کند اولم توفیق همراه
 کمنه قریبه بولردی هم راه **عطای** آب مصفا سنی نه سلسبیل و تنیم و هوا
 دلکش سی شفا بخش هر مرض و سقیم اولان شهر ادرنه دندر حکیم شان اولم
 و بیکله شهره جهان ایدی ابن کلیم مصفا کلیم فحوا سی اوزره قاعده و قانون
 شفا و معالجه و تدبیر مضاده بابا سنگ تعلیم اوزره طبع فیهی کامل اولوب
 کلیت علم طبه ذهنی حاوی شومل اولمیدی اگر چه ادرنه بیمار خانه سنده طبیب
 ایدر لکن محتاج علاج اولان دن بیمار و پر حیار و کندی کبی ملحد و زندقه
 دار الشفا و تحقیق خانه قمار در دیو اولد اراکشف دن خم می کبی طشره جفری
 بتلای سو و خراج اولان حکیمانه علاج خمر عتیق و اعراض سودا ایدر ایتد
 اولمده بر و ان سه صرف رجوع در دیونر کمنشال سوغه صرب فی الدن
 و شرعزدی بعض مضایه و ارمق لازم اولد قده فان فل مست لا عقل
 و اروب نه مرض انک کلامنی اکلر و نه اول خسته نک فریا کین دکلریدی
 آخر پیمانه عمری با دفایله بر اولوب خجانه طور اخی و تکیه گاه عالم و جودتانی
 ایکن **ع** کوردی بزم کثرتن ایاخی مودات خوف و کلماتن درکت اولان
 ترکیب اشعار و سخن گفتاری تاثیر و حالندن خالی و عمار و کلدر و بر اکی ایتا

طبیعی است که این

التماع

مخاندن جوده که شفا و در حال اولد

زرد چهره بلبه بولور کویکی عاشق بولجق
 بولدر طایفه کعبه التون بولجق
 جام اوزره هر جباب هوادن خبر دیر
 عاشق وجودی کیمی فنا دن خبر دیر
 غمگ خدکی سیر بلا دن نشان دیر
 قاشک کمانی قوس فضا دن خبر دیر
 بیک جان ویر فساد بگا و ایدیش
 بر جان بولغدی عطا دن خبر دیر
علمی نامی محمد در بین الانام رخ می نداده مدیکله مشهور ایتام اولان مولانا امام
 جامع انواع العلوم و حکم جدت طبع وجودت فهم ایلد ممتاز کلمات فضل و عفا
 سر و مال کشیده بالا و سر فراز تبار زخا و نایب دقایق فیاض زبانی عارفی
 و حقایق مرکوز دایره علوم و حکم مطلع نوافل حسن شمس خدمت مریکه طاهر
 ادرند و حقیقت ده سلطان سلیمان مدرسه سن مشغول خدمت مدار سیم
 علوم علییه و فنون خلیفه ده در حقا که علمی کیمی معارف و کماله جوق و لقا
 و نظایفه حد و غایت یوقدر البتة هر کلامه قصد توری و ابرام ایتیمی اوکر
 و اقداح هر افواج خراجی تا اول ایتیمی اقاویل و اخبار دن تنقل قلم شهباز
 طبعی تروان لطایفی قاجور حاضری نازکی نوبر محل اولی لطیفی و کرم در
 اول جلدی صحت دکتاسی صفا بخش قلوب و غزل اتراج و کرم و شایه در
 امانا هدا الذی اخرج الی الترابه معانی صمدی حقایق اولوب میدان جهان
 مسوق اقران و افتاح اولدر قطب فلک کرامت و مرکز دایره و لقا
 اولان مرحوم مؤید زاده حاجی افندیک خواهر زاده بی بابا روفی راده
 نرجه لای برادر اولان قاضی رفری حلیج کریم الطرفین اولوب لاله معارف
 حاصل اولدر قریک اناری و جنات حال و جبین مثال بنی لند ظاهر و مانند
 انوار خورشید نوار روشن و باهر در کمال دیندیر ایلد اسرار بی نظیره قاکر
 حاصلی شاد و غلیظ شایه در توند کرم به خیر و تفویج به فقره انزال ایتدی و کج

این است بی شایه

مکتب

مشکین حل ایدیه مرکب کتا عشقک
 واعظ شهر دم اور رسه قولان سول
 کرچه سوردگ جویم بیجا
 کو کلر قادی اگر مکنی
 اکلدر در عشق اکلدر
 اکلای دل بلای بواجی
 تذه تیرن اولدر دل و جان
 علیا جان دکی بیجا
 قدم بهنر با طریقه علم کچین هر دن
 اگر بلک در لک انی باشند کچین صور
 بر قریح بادیه ویر عارفک جان فتن
 کر زبان ایلر یک آنی دلا بن حکم بن
 تا لطفن کراوم دزنه جم هر بد مرک
 ماه و شش ای یوزی خورشید فلکده لک بن
 ترک ایتدی ابراهیم و صندی غلر دیو یوزیدن
 جاق بولیم او مردم بن بوا کیمی کور فتن
 چشم حاسد دور کشت از روی همچو خان
 دور بادایا آلهی دیده بد اختر شش
 نیست این ابر سیه کز سوز عشق مهوون
 سوخت جام در تن و بر باد حاسد شش
 شک طعن آمد زهر سو علم دیوانه را
 از غم عشقت بین آخچه آید بر شش
علمی نامی احمد در لطفی جلی در بر برق فینک او غلدر جمع اصفا فضیلت
 و کمال و منبع ناظران حلال اولان ادرنه دندر طالب علم و کمال و ساک
 وادی اشتغال اولوب آخو مدینه علوم و فضایل کعبه قوافل حسن شمایل
 هضر بر پیشه فضل و عوفان و حوم والد فردوس مکان و علی اکنان خدمت
 و اصل اولوب ذات بر انوارندن اقتباس معانی فضایل ایتکله طریق علم قطاع
 محنت و عبادن پاک و منزلت و اسی حنیض خاک ایکن بالای افلاک ایتیدی
 والد فردوس مکان و غم کلزار جهان ایتکده بعض جهال و نورک هفت
 سنگ سیاه او غلر بادی محنت و عنا و صیاری جور و جفا ده فلکیدی بعث
 و حوم عبس الرحمن افندی دفعه ثانیه ده صد عا لیکدر اولوفده اول افتاده خاک
 اندوه دستگیر و اول سلمان عالم عوفانه معین و طاهر اولوب ملازم الماعله
 صورت انوی و مرآت حصوله روز و طور فلکیدی و دیده الم دیده و خاطر

ستم کشیده سی مشاهد شاد و دام ایلم بر نور اول کشیدی حفا که نازکی به پیش
 و استاده کفاری رخ دلبران کبی رنگین و دهن سیمبران منای شیرین
 اشعار در رباعی عبارات رایقه و استعارات فایقه و اید موشخ قلایه نقیض
 مانند آری و در رشته جان اصحاب عرفان جمع طومار اشعار به منور و دریاغ
 ارباب محال عود کلام مسعودیه معطر و اشعار نیک لفظ و ادبایی باکی سار
 اولان کلماتی دخی عاشقانه و سوزناک در ترنورک جانب راقم الحروف ایلم مناسبتی
 و زیائیده اخوت و خلقی اولغین عنان سخن کشیده و حکام بیان آرمیده
 قلندی بواشعار و استا نتیجی قلب صفا صفا در
 لب و کل جام شراب دیکش در کورک رخ و کل آینه عالم نادر کورک
 دیو اغیری نیدرسن که ابدیم بوقل حمدت ای بری دنیا ده آدم بوقل
 اجل اجل که جهان کشتی بهار اولون صفت صفت که چمن سر و بیتار اولون
 هزار غنچه کشیده از شش ای علمی آنکه سولینوز بر لبه بار اولون
 دیگر که جوری همان عین و فادر درش عاشق اولون و صفا پیسه به لازم کوش
 نیغ با یک جهایی بر نوزدن زخل با جو اسی بر نوزدن نیغ بکر عذار که درات
 بقه انک صفا پیسه بر نوزدن بوبر ایکی اشعار و الدرد و در کمانه و دم دو کج نقیض
 و اما یک منظرین برج عفا کیده ایدوب بار سنارم کون کبی حرف منقذی طاقم
 جلیل القدر و الامرتت مهر فلک فوت کریم فی ان عالی منتزل ذات کوکار
 نام راقم الحروف و نام برادر کهتری استار اید و در کمانه
 علانم و عمر عدل و جیا عنان و احمد خلق و حسن ایلمین سلوبید و افواج و کوار
 نالایغی ترج و عدل و ادبی نازه کدر کلتن چو مانده آب حکم اولکی جبار
 فرج افرای اصحاب و نال و نوال و اخلاقی ترج فرسای ارباب صفا ابیات و

قدح پیای بزم علم و عرفان طبعی چمن آرای گلزار مرغ و در افکار
 ولایت کیر اقدیم عطا دست کهرمانی سربس لادیک معرفت طبع در بار
 راقم الحروف که بوغز لینی خوشنیر اتمیده
 باغ دهری زین ایدن جانا جا کدر نیک لاله یه داغلا ورن رو کیده خالکدر
 غنچه بی لال ایلمین غنچه و دلا کدر نیک سروی با مال ایلمین نازک نال کدر نیک
 کلکده آتش صفت رخسار کدر نیک
 اوندی رسم سخا ده ایل عطا وجود یوقدر مانیده اصلکسیم و زرک وجود
 علیا احوال ایل و نیک جمع مال و دل بریان ایلمین دلمر نیدن سیم و زر و خوشنیر
 اللرندن کلر احسان ایلمین **علوی** قبه الاسلام و الایمان تحکامه سلطان ایلمین
 اولان شهر مطهره دن کجوی طایفه سند و بعض علوی مختص حسن خلقی و فکله
 نیغ دو اودین و رسایه فائز و خصلی لطیف و کمالاتی جائز اولمشیدی شوی دخی
 مسئول طباع ایل کال در سینه نکت و ثباتین و تسع مانیده بود ارفنا و زوالدن
 بدر بزه عیار رهک کل چشم جان صوفون کوزینه سورمه سنی ایل اصفا
 انوک منال غنچه دخی کور مردم دیو کل مصحفینی اجدی یلمین ایلدشی شمال
 الاله اگر بوی کباب دل نازم اشخردی سک یار نیم خاک خرام
علوی رنج سکون عالم ایچ سواد اعظم و سواد قلوب بنی آدم اولمشیدی
 مشهور و معروف و مقسم از راق شیخ و شاب اولمشیدی اعنه و خلق صوب
 صوانه معطوف اولان استنولدن نامی محمد در درزی آده و کلک معوف
 و بو طایفه را سند ممتاز لوق الیه موصوف در حقا که شای باک ادا و لطیف خیال
 و ناظم روشن باین و شیرین معال شریک طبع علوی حنا حین فکر خیال ایلم
 هوا و فضا و سماء بلا غنچه طیران ایدن شوا و زماندن و اقدام انجام کلام

عالم صفا و استا ایلدشی و کورک

حسن توریه و ایرام ایلد لطف مقال اعتقاد ارتقا. ایدن نظم دوران دندر
 بعضی بی انصاف و بدگوئی و زورشی و برکوی در اشعارینک دایسده در
 لکن طعن و نفور انصافن دور و مجهوز در زیراکه معشع و مخیل بی میل و بی بدل
 قصاید مشکلی وارد که کند وی اختراع اتمند جمله دن بری خوان و بهار قصیده
 که هر مصرعه ذکر خوان و بهاری التزام اتمند و بویات اندر
 شال عانی و معشوق اولور خوان بهار. جوان سرودی و اولدی بهار لاله غدار
 خوان زماننی فکرایت بهار الدن. بهار عالمک اولور خوانی آخوکار
 و سنج و نمانین و تنه بایه دن حق غظیم اولور بعضی ماکن نانی حجیم اولوب
 بیوات صفار و بکار شیطان بر طغیان و استکبار کبی خلقنی من نادر و بوب
 خلق جهان. اسی عیسیان. کبی اهل نیران. اولور بریدی و رمانی و شهر روزگار
 زور کارک شدت و قدرندن دل همدوران کبی یایوب یا قلمش بریدی اما کبی بیدارک
 آه آتشباری آسمان روان اولور قد کواکب نواقب سما مانند سما دیده جهاننک
 اولورک. و خاین و دغاین پنج روز کار دن بر و صفت و غنی مکتوم و مکتونی
 ناچار آه آتشباریله عالم عیان قلدورک. دارات پر دار آ. شهر سینه عاشقان
 کبی سوزان و اسباب و اموال صبر عاشق پر ملال کبی کلان و تالان اولور قد
 و نورک دخی خانه نی یا نسیدی بودور و بیکه صمود ایدن دو و جنت آودی ایل
 جسم افلاک کوکه بویان نسیدی اولور قریله بر قصیده بر انتظامی دیوب هر مصرعه
 ذکر آتش و آبی التزام اتمند و بویات اولور قصیده نامدار دندر
 دل یوب تشغیل و دو کردی کوزم آب. امتزاج ایلدین آتش و آب و تراب
 خانه آتش بر غور شسته دیله آب صونر. زنگ شده عجب آب کلمی خلیج
 و بری قصیده چار اندر چار در که قصیده خواجه سلمان جواب بویات اندر

وصف فوق

جمع دانه در بابا کر
 بطالنه مناسنه در
 و سوارات العرب
 مسکه

جهان باغنه خد زلف و چشم و قدک ای لبر. بری کلد بری بیل بری و عری شهر
 المده باد و کوزده آب و دکنه نار و باشد خاک. کافیدی بوزلف و عارض و حد و خط
 جالکد و ناخکد زبا کلمه کلامکله. بدن بریان جگر سوزان و دلان جان بی فر
 صاحبکال اهل کجن. اولان بایرانه طاهر روشن. در که دارنده طغوی ان من بین
 قدوة بلغا. و سر دفتر طایفه شوا. سبحان جهان خدمت خواجه سلمان. یا کز
 هر مصرعه چار اوی ذکر آنکه التزام ایلد اکتفا اتمند و شاعر و نور انکر
 حرا دندن غافل و ایتد کلمی صفت و دقتن ذایل اولور اول سنده اکا اکتفا
 قلمش و شاعر و نور او ایلد کلمه و مبارکی کب کلمه طریق علم سلوک ایدو
 مرحوم معلم زاده معنی ده معنی اولور قد و دانشندی اولوب مکتب کلمه و طریقه
 حاضر اولور کلمستان ایلد. باران لطف و نوالی ایلد حاضر اولور سیدی اندر کلان
 واسطه سید نی اصحاب دولت. و ارباب جلال و عزت. بلکه حضرت شزاده جواد
 سلطان سلیم خان خدمتگزار عیون دیت ایلد کب آشنای و معرفت قلمش
 بعد حکارم خلاق ایلد شزاده آفاق اولان طاق. جلی خدمت شزاده ده
 مقبول و سلک مقربینه دخول ایتد که و نورک خواب نهانده میل و رغبتی اولوب
 بیلان مقال کلمستان لطف و نوالدن غیری بر و متغیم و عند لیسان اشعار
 ناخار کرم بشمارندن اوز که محله مترنم اولور بریدی کلن جمله دشا و نور
 میل و جنتی کفر و اولور طایفه دن خاقه نظر لطف نهان منتظر اولوب شزاده
 خضر کریمه تربیت و مدحتی ایلد شزاده کلمه کلمه شیشه و صفا و عطیه سینه مظهر
 اولوب نیچ ایلان آستان معانی نظایر مکرده بنده و چاکر اولور سیدی بعد طاق علی
 استنبول کلوب مرغ روح جنت آشنای کلمستان جنبانده مکان ایلد و خیر
 سربیدان اولور قد علونیک علونیک و مظهر داستان اولور شمس

دبر

سحر

دل خواجه وادریور سینه جان کلون شهر خانی قوسون چینه کلون
 مرحوم صاحب قران سلطان سلیمان خان بومغانان بجنور اوکو جس و قتل
 علوی رخمان ایندکه جو غرض و خوش دریای غضب سلطان د خانیف وهران
 ومانند برک بیدلرزان اولدقه طمانه قراده قوبوب قاری فراره تبدیل
 و حضور خفزی مشقت سوزه د کثوب آفتاب وار بر بر بدن برج آخوه تحول
 اینتمندی باد صبا کبی دنیا بی سیر و کاغ و انهار و جویبار کبی هر دایه کذا و
 دینو دهور و اعصار کشت و سیاحت اختیار اینتمندی بعد با کما هفت اقلیم
 حضرت سلطان سلیم تحت سلطنته جلوس ایندکه مثلا جلوس ایلک کلوب و صاکنه او را
 ایلک ملازم اولمیدی اول ماندن بر دس و کار و مناف و حرا بنده اولموب کما انی
 بعضی حرا و وزیر ایلک مناکم و مصاحب اولمیدی حاد فی اول مرتبه دن قلوب
 غم کبی ساکن مینا اولوب کوشنه کاشانه دن بر قدم شتره جعفر و سنا و مثال
 شراب ناب سر حرکت قلمز اولمیدر اول ایلکین ترتیب دیوان ایتوب و آل شفقتی
 کبی شاعر بلاغت شاعری پریان قلوب شریا صفت منتظم اولمده امکان اولمید
 مرحوم طاق جلوسک و فائده بونایخی شهره آفاق قدر ایلمیه حق که خاتمه طاق
 بویرا یکی شاعر بلاغت شاعر نیکچ افکار ابا کاریدر
 عدم کلزارینه بر نجه لب صابا کمر کندی درنج اول هر دو سیمین بدن تیزندی تیزندی
 اوبدی دل لاریک ان عذرا یه و آهندن هب کوزلر دیر عذری کنانندن
 خرج ایلر سه جنو که دل نوله روان یک بلور افندی کیشی کدوبه چقارن
 اشدر بورکم یاره لری نیمز اولمیز صبر ایلیم چاره ندر بنزایش اولمیز
 بولندی دیده خط مشکاره بقدن کوزدیه قاره مولندی کتبه بقدن
 مرض غنی دوا سر لجانانده صور بوری لایحه کوه کل حکمتی لقادن صور

آشبان اینتمندی سینه ده شعل کوهی نمودی شهر با محبت او بودن او
 خطک فکر بلیه محبت ان جنتر از محبت در فک و قاری بخون و در تون باران
 درینا سید اسکم جویبار اولمده کتبه بنم سر و خم و خاره کنار اولمده کتبه
 و صاکن شهرینه ایلر منک منیر اولمیدی خوش کبی اینتم فریاد و زار اولمده کتبه
 بر نجه عاشقی کوردم در جانانه کیدر مور در چکوب بخت سلیمان کیدر
 علی حلی بوجیه کثیر التفسیر ک عالم ارواح و احدی فر اولوب ملکات شبا حده
 می و را لویه واسطه و لالی وجودی قلاید تهور و اعوامده داخل ملک انتظام
 اولمده رابطه اولوب سزاوار انواع اکرام و لطف ماهدق کلام و لا تغل لکما
 جناب غندن مرآت منقبتی صورت عبارت ربوبیت ایلک مجلی و قلاید جلایل
 فقائیده فراید رتبا رحما کما رتبان صغیر ایلک موشخ و مجلی اولان بدر مکرم
 بدر سماء سماحت و کرم جناب علی الشان و سنی العنوان هر سهر مخارم خلاق
 ماه جهان عالم استحقاق بحر تحبیط فضایل قاموس لالی حسن خضایل سند
 احادیث فضل و کرم مطلع انوار اسرار علوم و حکم باغبان حدائق حقایق
 بر شرف و بابر کچور کوزر انامدنیه العلم و علی بابا آینه جمال کمال
 در رفعا مکانا علیا جام جهانمای مراتب اسمیه و مناصب علیا متم ماهیت
 جلایل لطایف مقوم نوع فضایل معارف مرآت علم عقل غاشر خلافت تاثیر
 و تاثیر افلاک و عناصر واسطه و عقد صدور فاتح عقد مشکلات امور عنوان
 نسخه و معراج نهریت مجموعه موالی و مالیه نتیجه مقدم و تالی ایام و یالی
 چاکسوار دلدل فضایل معارف حیدر کرار عوارف و لطایف
 لبس من اند بستر ان کج العالم فی واحد الموالی الفضل و الخیر الکامل
 العالم العلامه و القدوة النواته ذو السجیه الهاهره و العفة التي دلائلها ظاهره

اف

روایات

المنفوت بالحکام الجزیه والاخلاق حسنة الجميلة امام حضرت **فضل** قالیام
 و تزیینت قبلایه فرایده علم اخلاق الایام **بیت** قول لسان التهرید **فضل**
 و لکنه فوق الذی هو قایل سلطان الافاضل برهان الدلائل الالهی بالمتوسط الاول
 البو النافع والبدلت طاع الطود کس حج والعلم التامخ **ع** و اوی الحسول والمنقول
 جامع الفروع والاصول بدر الایم سراج الاله مولانا الوالد والاکتاد الماحد
 الذی ارفضه العائد والیاسد **نظم** شرف اضاء لواءه في رفعه کالصبح فی ترفع و ضیاء
 و فضائل شمس العدة بفضله **و** الفضل ما شهدت به الاعداء **ع** صفدر مصاف
 للذین احسنوا الحسنى زیادة مولانا و والدنا **ع** علی علی ابن اوانه احسن تعلقا زاده
 جعل له الجنة مأواه و کایح کجنان متقلبه و مثواه خدمتدیر که سبزه وجود پر جودی
 جنت ارقبه اسپاره دن نو خواسته اولو سبزه اقلیم فضل و عرفان و ضبط فکر و
 تحقیق و ایتقان **ا** چون شهر نور دن علم افزاسته اولمده **ع** حقا که بر ذات شریف
 و بر وجود لطیف در که اخلاق معطر می بخور جبال فضائل و می سن عادات جمیل
 طراز لباس تمایل تابنده خورشید ضمیر منیری شمع انجمن انشوری و آینه رأی منیری
 جام جهان نمای هنر کسری صفو ضمیر منیری مشک کشتی عقل مستفاد و برید خاطر منیر کا
 راهنمای و قود صلاح و سداد **ع** صحایف اخلاق روی زمین ده اوراق کلام نثرین
 کبی کسرا این **و** سماء نکلت فضل عمیمی سیم با کبی هر دیاره رسیده اولمده
 لوح خاطر عاری محل نقوش حقایق الهی و حقیقه ضمیر منیری ضبط انوار فیوضات
 ناستا هی کنجینه سینه پر سینه سی جواهر زو اهر علوم ایله شجون و عقود نفود
 انواع فضائل صدق درونده جزون انوار کلام معجز نهای مشکوة انجمن اهل عرفان
 و انوار اقلام سکین ارفامی **م** بین حقیقت اسرار ایمان در
 از چه قایده در حلقه درست جریس **ع** چون جواب توبی خواست که حاضر شد

علم تفسیر ده ذات بی نظیری بر امام در که کشف مشکلات اولو کما افتد ایل
 فخر ایدر که و بر قاضی حکم حکم و تحقیق و انعاند که جمله انام کلام و جبر و سبطلی
 و ارا یکن غیری لایبی کشف انوار تنزیل بیکدن متد ایدر که مشرق و مغاربده
 مضایح ذمین غیبی تابان ایدو که روشن مظاهر و حدیث صحیح فضل صریح که کایر
 عن کایر تلقی ایدو که مستور و متواتر در هر مومن و مسلم باینده مسلم اولو و
 محل عناد و منازع و مکابر و کلدر **ع** دخول مجلس خاصینه حضرت مکن اولو
 بخاریدن کلور و کلر حدیث طالب **ع** واقف مواقف علوم و حکم و فاصد مقام
 فضل و کرم اولوب ادره توجی و توبیر ایل مسائل مشکله فی توضیح و دقایق **ع** فضل
 تنقیح ایدوب اول صدر کسر لویه الاسلام و قایه الانام و خیره الانام بحر حیط
 علوم بلانایه جامع فضائل و معارف بی غایه عارج معلج الدرایه اولو وجود
 معودی هدایه ربانیه و عنایه سبحان اولو و غی مدغایه شاهد صادق در غرر
 کلامی کفایت ایدر ایدو که لاج و بارق در علم هیئده اول غیث المسلمین
 جمید روی زمین اولوب قاضی زاده روحی اولو و غی امانی ریح مکنونک
 نور فضلی اولی عالمه کون کبی جلی **ع** بو علی باینده حکمتن دم اور مرعوب
 ضبط و فیات اعیان و حوادث و فایع زمین و زمان و اخبار ملوک سالفه
 و احوال سلاطین سابقه ده محفوظ ابن کثیر **ع** کانت هی قلیل و حقیر در
 فتا شاد و دخی خواجه جهان **ع** در ایدر صدق فضل و عرفان اولوب
 نثر اللالی و قلائد العقبان و الکلیل نیجان بلاغت و بیان اولان کلمات
 بر عنوان و منشآت فصاحت نشانی **ع** عقد ثریا کبی اجتاج و انتظام و میرکله
 بر کتاب بلاغت بفتاب التمشد در که جبریت فرای بلغای کتاب اولمده اول
 کتاب بلاغت مظاهر میان منعار و کبار دره مثل سائر اولوب محمود حالشان

معدی در

بای و غایر اولمده

برین لطافت خوبی کسی نیاید **تجلیهای عبارت و دوسر معنی را**
 شبهه فکر جلال جناب حقیقت و مجاز و وجه باز هم در آن قوادم خوانی
 اطناب و ایجاز. ابر اول کتاب حمزه بلاغت و از و بحر پر دازک هوای موج
 و تاسنده پرواز. آنکه امر محال و محض خیال در دنیا و طوالت که اسناد کارخانه
 قطرات در مواضع شفقین و مقیاس حواس ابر اولی بدر عنایت قاضی
 بالا و توفیق مناسب با این بکمال ابر اولی که اید و کمانه نور غزاله در **عربی**
 قد لولوا الفاظ سطرها. نوکت با تعید لاسان العطل و من عیون لولکین با
 بخل العیون لا خیرها عن کل. اول عبارت زیاده و استعارات قائمه و اول
 الفاظ علی و کلمات قصیده یک اویج بوابیات در.

یا منشأ او جد الاشیاء انشاء. و لا یخالف الاشیاء انشاء
 یا خالق کل شیء ان انشاء و ان ملک. یا رزق لعی ان ابلا و انشاء
 مدح خدمت علی الهانده جناب فضائلش من مصدر افعال حسان مسند الیه
 درون واحسان خورشید آسمان فضائلش کوکب سعد جلایل خصایل مشرق
 آفتاب علوم و حکم آینه جمال با کمال فضل و کرم بوستان فنون و معارف فکر و درویش
 و هوای کمال و لطافت با زینت و سوسن مایه معنی باغ. عدیل و نظیر تعید از آن
 که طاکستان جهانده طوطی شکرستان معانی گویند. ایدن و رات ذات ستوده صفات
 صراف کو اهریمن اول خلد زمان شرفیله خواجه هر معارف با عیال او که و خود وجود
 و احسان طالب متاع عوفا و اولیله باز علم و کمال روح بود **نسیه**
 خواجه اول نزدی شاه دوران. اولیله خواجه زمین و زمان
 کلز انک نظیری و نسیایه. اولدی فضیله قد و دوران
 خواجه سلطان جهان و سلطان فاضلان زمان خدمت کردن بر مدح جامع که

جوامع بلاغتهن اید و کج روشن و لامع در کوشش آید که **مراع**
 کلهی بر حالت که در یار کبی جوش ایدم. بوی رزید که مرحوم الحون علماء
 بخدمت دیک مستدر که جامع انواع صفات و وقایع و حایز اصناف
 کمالات اید و کج نور صبح کبی صادق در وقت مطالعه و مسانت جسته
 هر وجهه فایق اید و کج انوار خورشید کبی لامع و باریق در علمای عابدین
 عداوت عجب و کله که قصاید و اشعار غیب جمله تحفظ و معلوم و نوادر
 و امثال صحیفه ضمیر لایک مرسوم اولوب علم فضلی احاطه الیمن بر کج زخار
 و بر دریای بی بین و کنار در سبزه زار جهانده نقشه مثال سر فرو اید و
 متحیر و صوفی اربعین کشن کبی سر بر انوار اید و ب متفکرین که اول سر و بون
 کمال و کل طکستان سعادت و اجلال. بنجه توصیف ابر و ببل کبی یا کبی بنجه
 نغمه سر اولم و مایه است تعلی و تفوق فکرین نه مقوله حد و زمره خوف قلوب مانند
 هر و ماه اول حضرت ملک صلیت و فلک جایگاهای کماهی روشن و هو اقل
 جسم اولان هر سر موزبان سخن گذار و مدح کو اولوب حشره دکل اوصاف
 حضرات عالیته گفت و گو. آنکه غلفه اند از جوخ مینو. اولیله وصف اخلاق
 علیه لرزیدن بر ذره و ذکر فضایل علیه لرزیدن بر قطره. عیان آنکه فکر و کله
 پس جبران و زارم که اول حضرت یک مدحی نه قلم ابد کثر قلم و عهده وصف
 بی انتها لرزیدن نه حال کبر برون اولم. اوراق آسمان ال ایدر که خوف ذرات
 شریفین اکا توید ایدم و خطمه اشجار روی زمین طاقت کتور خور که اول
 هر چه بر صفحه اندیشه کشد کلک خیال. عالم مدح تو بالاتر از ان ساخته اند
 اول حضرت که اوصاف مدح و صفات اولی نه لازم که صفت طنائی با اشیاء
 همسان اولوب مشرق و مغرب زمین ده عطر اینزل. ایدر و ذکر حبلی

تجلیهای عبارت و دوسر معنی را

جنوب و شمال الیه اغوار و انجا در پنج گونده مشک یا لکاید و شرح فصل و کمال
 و اوصاف کریمه و القاب پر جلالتی خاصه خورشیدی بایام و وصف حاجت سحر
 و اغوار و تصور ایدوب و بیدار و جرح پیر و اوراق و طباق و نیر و نیر و طبر
 آتش و نیم کشت خلق عظیمی و لطمه نیم بر دیار منتشر و آتش در و قافله شب
 و روز و وصف بظهور و بروزنی و اوراق و اکناف و شتر و شتر قلمش
 فاسکت عجزا عن امور کثیره **۲۶** سطقی لا یحیی و ان قلت قلت
 بوستان جهانده هنوز نهال نورسیده اولوب نقشه خط سبز گلستان روینده
 و میدیه اولمدین میوه فصل و کمال بر کمال و شتر و شتر اقدام مشکین ارقامی
 عین آب زلال اولمشدی مولانا بخاری حکایت ایدر ایدکی اوایل حال و بباد
 سن و سال و ده صبه و مزوره ده تحصیل فضایل موفوره اکنون اشتغال ده
 و ترتیب مقامات علم و کمال ده لیکن ایام بهار ایدوب هنگام گفت و گذار
 و موسم سیر دشت و لاله زار اولوب ماه ارد بهشت ایدر مکه طبع سبز زار
 نمودار بهشت و روی زمین مثال فلک برین اولوب نهال کل هر و کی هر و زار
 اولمشد بیل شیدا عشق باز لکه آغاز ایشیدی باد صباینه باشند کن کن
 کاکل سبزه رفتار اولوب زکس شهلا بنفشه نک زلف مطرا سی غمیل
 زرد و زار هر کج صباچه دکل کوزن بومیوب انجم مثال بیدار اولمشدی
 بزخم گلستانه قمری هزار دستان خدمت علی انگ بر کلمات ایل غزلخوان و
 سوسن ده زبان بوابات بر عنوان ایدر طب اللسان ایدی
 جبل شیاچ ایدی پریشان چو افتاب کلش هی جقدی تخت گلستانه کایا
 رخ و لاله ریشه ابر لبه آیدار زلف بنفشه شعله بادیه مشکاب
 دیوانه لکبی بوشوب بندن سحر زنجیرن سوز و یو کلور گلستانه آب

فصل بهار ده کج لک کوه اوغین قلع صباچ زکس نورسته نیم خواب
 قر زردی باد صبح توری نی لالک بیج ره بیلک حکین قلع کباب
 بر کون آتفاق بارانله سیر و صحت گلستانه آب مثال وان اولمشدی آتفاق
 باراندن برنده بهارستان مولانا جامی و ایدر خدمت عالی منقبت
 و علی اکثر لک کتاب حریر الی الاک منظر رری اولمشد آینه مثال مقابل
 جمال با کمال اولوب بر زبان اول بهار عوفانه نفیج کنان نکران اولمشدن
 خواندن بعض کتاب و توک بعض حکایاتنی کورد و کزنی دیدکده ملی حکین
 غام ایدوب حیره حافظه ده خزون و صدوق در و نده محفوظ و مکنون
 قلمم دیدکده اخوان و شکر عاکتری اوزره استندایه شلبوب زبان طبعی
 هر گوشه دن دراز ایدکه آغاز ایدر مهوم و فی حسیبته اولک تک تقطعات
 و اشیا و نواد و حکایاتنی از برون صوکی روان ایدر لک شکر و اقراخ و سینه
 و حیران اولدیر و هر برسی خاصه صفت بر فکرین قلد و بعض و عوفانه
 ایمان کف و دیوانه و فی اول نامدن بر و اول فاضل زمانک بلال مثال الیه بالیا
 او فی غنه عالم و فتح اقالیم عوفانه سلطان رفیع العنوان اولاسنده تم و کماکی
 حازم اولمشیدم و لوا و فضل و عکاسی و اصل فرق و قدین اولی غنی رای العین
 مشایده قلمشیدم جناب علی اناری بوکونه کوهر افان اولور ایدر لک رفیق عکله
 ملازم اولدقده مرحوم والد فاضل قیوم لیکن خدمت سعادت حقه الاسلام و دیال
 سده سدره احرار رسول نامه خائیر اولوب بولده لک قلمیه و بوقصیده ملحه
 دیشیدم جا کت لقا دن برکتی تملک حائز اولمشیدم و اکثر کت عینه لک
 جمال با کمال کورنش و کلتن فواید و عواید نثار لطایف و معارف دیشیدم
 بکر علی الدواصل بایق الجمال قدا حق النواد هوی ذلک الجمال

اول صبه و اول

وقت حیل میرسد ای جان تو هم برو بانگ نفیر بنوم ای دل تو هم نیال
 نای نفیر کسی ایدر ناله ایل در د کوس رحیل کسی و کر سینه ایل حال
 یا حادی اگر کتاب ترقی لرفقه حامو علی النوام فنا مواعلی الیال
 نالان روم مثال حوس ابریدانک بانگ درای شبخوا از مجمل وصال
 هر دم زمین چهره زرد و دمه شودن بولم قطار انک در افتانم انفصال
 لمعان نور و چمک فتره الرسل بدر یلوح فی ظلمات من انفصال
 جو آب خیر نو نیکر دستطفه چون از رفتن شعله زدوی در قتل
 ماهی صیغه فلک اوزره دونیم ایدر انکشت مجرک که اولیدر الف مثال
 و معی بیاب جود کالتهر سائیل حاشا که نه سایل جود لدی السوال
 از لطف خویش یزمن بر مدارانک تو ابر رحمتی و منم کشت خشک سال
 سل و سمال لطف کله کوزارم شین غرق اولیدن بوجیده لطف ابدی و سمال
 حریری که نایج تار و بود حلل معانی و بیاض و نایخ الباق ارواق فضایل و عرفان
 اول سال و بدیع المعانی و کوریدی مقامات بلا غنچه کنده منامن بلوب نعت مقام علی
 قابل و کورده و صاحب الخفاف ساک طریق تصاف او کیده منزل دعوادن معتزل
 مقام تنزل منتقل اولوب کلم النوا بعدن ترجیح استیکه مایل اولورده حقا که سالد
 زبوره قلم مثال مزار الیه بالین اولوب بر آن دست ارباب عرفان کیمیز
 و اعلام سکین ارقام و صف کمال بلاغت و انتظامه و فائز اول ساله نکایه و
 لک احمد بامین اکرم الانس بعدا هراه ۱۲۱ التوی و علم بالقلم
 تولف بالکاف و التون امرا و تنقش لوح اللوی من ذلک الرقم
 اولابنده خورشید عالم عرفان و درنده شیریشه کینق و اذعان غنای
 قاف معارف و حقایق سباز بلند پرواز هوای قیام و نفا حیلالت اکتساب

فضایل عی به بانگ مایع مالک و میدان امتحانده امتحان اقرانه غالب بیکت
 اولوب طریق سعادت و رفیق علم سالک اولد قده خدمت افصل انام
 و امثال فی علی مشرف و کوشن دن برهوشی خواهر زو ام کل بر انتظام علیه موقوف
 و مشفق اولوب حضرات عالیانک را نوزده مجلس فضایی و شمع انجمن معارف
 جلالی اولمکری جلد دن و غیره مصر فضل و عرفان اولان مولانا اعظم
 سنن افندی به و شایان علم و حکما که دست پرا جلالی حریبا ایدن شمره افصل
 دنیا اولان مرحوم حریبا افندی به معلول علوم و فوئنه ذات فضایل مکتوبه
 علت غایه ذات پر معالی و کارجی لانا خذ فی الله لومة لائم حمایه حسن جرای
 اولان مرحوم معلول میره دانشمند اولوب آفتاب فضل و صلاحی مانند نور خورشید
 ظاهر و وافح و تحیم حسن نمایلی بوی عود فخاری کبی فایح اولان مرحوم
 قره صاحب افندی که نظیر لطف بر خیزدی اولوب مدینه فضایل مکتوبه
 لیکم عیدی اولمشیدی اولان انا که مولانا ی مرحوم اجابت دعوت حق انجمله
 روح روانی فسحت سرائی جنبانده ارواح صاکنه ملکی اولد قده موقع ملائمتدن
 ابا ایدوب اول زمانده شیخ الاسلام مفتی الانام عالم و فضل و خیر کمال طایفه
 علما ایچ عایت دیانت و صلوات الیه معروف و ارا و افکار نفع نهایت
 احسان الیه موصوف اولوب امانه بر در و فضایل کسره اولان مرحوم
 جوی زاده مستدین فتوی افکاره اولوب رشیدی افلامی حسن آرای
 دین و دولت و ریاضت بخش بوستان ملک و ملت اولد قده اکتساب
 جلال فضایل و اقتباس انوار فواضل ایدوب خدمت علیه لیکم غنای
 و شاکر دیر اختصای اولمشیدی خدمت علی عثمان بوجیه کوه افغان
 اولور ایددی که جمعیت نیر کایله اوایل شرح العفند دن درس او قیوب

بعد از آن اول جمله خبر را بنویسد و کم رساله جناب شریفه اید و یوب دیباچه
 اید بعضی محاسن منظومه فصل و کما ۲۰ اول دفعه احمدی که زمانه زده آفتاب
 علم و کماله زوال برکش و بنیان فضل و عفا نه اندام و اندر اس گلشن دیو
 یوب شکرگاه خوان میانه منظر التفات بحد و پایانه و خرات صور
 چه کراخ اولدم و ای تون کجا اول هر و کبی سرور جلوه که منصفه بروز و ظهور
 اول کدر دیو یوب را اید اول خضر تن مدارم اول دفعه هکیم طریق تدریس
 سالک و هانم اول دفعه حکایت یوب که اول زمانه صدر عالمی قدر اول
 صدر نشین فضایل بحد و انتها آینه جمال کمال العلماء و زنه الانبیا کوکب
 سعادت و اقبال آفتاب عالمی فضیلت و کمال فدق المفسرین و غلغله
 مولانا و اسکانا انجود اسکندانه قاجی افلور خد مری صدر اولوب
 خدمت پرغزین ملازمت اوزر اکیمن مرصوم چوین اوده ملازجی اول دفعه اول
 محبوب تذخو بوعاشق صادق کیل ویکر و یارینه چندان ملازمت ایوب
 تیر بر تیر نظر لطف و نوا ایغیا رایل هر بار فیض و قالد اولوب **سراج**
 بزه کلد که طوقنیز کجا اهل اید ایدی و بن عرض حال بنده اعراض ایدوب
 سالم و اعراض ایدر اید آفکاره جانه و کاردا سخوانه متشوب بر کون
 اول مدارس مدرسه ایلد مدرسه اولنن کتابلری که حاشیه بکریه و حاشیه
 مطالع و مطال در بولری الوب اوکلنده بوکونه عرض حال و بونوردن
 اناد مانع البال ایدم که بزم جناب کریمه شفیق و کجی کوند زو مال ایدوب
 باب رفیع و شفیق بوکنا بلور بونوردن خیری که انت بزم اولوب بوبایدن
 اوز که محفل و جمع بائیمز و کلدردید کج **سراج** سخن کز روی درد آید کند
 خواهی اوزره نه کم خدمت علی کائنات بونوخی و طرز خوب ایل ادا ایتیلر

ایضا

بنم شوم دمان شکر افشانه بیلر بلی سوز خوب ایلجی آدمک جاننده بیلر
 کجان کمال جوارت و سوزدن خلاص بولان سهام کلام پرتا شرف نگاه درون
 فضایل شانه جای کبر اولوب یور دیکر که کشی منصبی بوسفیه ایلد الحق کرک جوب
 بهر الای ارباب شفاعت ضراحت باشا عیج ایلد اچار دن و ادا تنی الحق
 فرزانه لوق و کلدرد دیوخی حال درنده بکرمی ایلد حاشیه مدرسه بن اح
 و انعام ایتیلر اوج بیل مقداری اول مدرسه ده مدارش علم و کمال اشتغال
 ایدوب حاتم اقلام بدیع الایانه ایلد اول کلو مالک و ولایت کمال فتح ایتیلر
 حد و دهر و غایتدن بیرون و مرتبه و اعداد دن شمار کواکب کبی افزون در
 اول تیغ درینج ایلد قلمر و ملک عرفانیه ضبط و تنجیر ایدوب چه منازع و محام
 و مبارک و مساهم سلطان عیالین و پهلوان میدان اول دفعه اول مدرسه
 تالیف ایتیلر حاشیه حاشیه بکریه که میان اهل فضل و عفا نه مانند الفکار
 مشهور و شیخ و مقبول قلوب ارباب اذنان و طبایع در حجت نافذ و نص قایل
 اولوب ربان اداخه و اعلا لافنی لایع کلامی ذاکر و یای اول مدرسه
 و آوازه لاسیف آلاذ و الفکار ایلد قبه عیالیه و پسر دوار طومدر
 بزم سنه ثلث و خمین و سحطی بده که سال ولادت راقم کوفی در حوض
 بروسه ده بکرمی بنی ایلد حیره یک مدرسه سنه مدرس اولوب بنای برای فضل
 کمالین مشفق و متوشش او شکر در حکایت یور را ایدیکه اولن مانند صدر و لای
 انا طوی اولان مولانا و اعظم فدق ارباب العلوم و احکام رافع التوبه علم و کمال
 ادم ایلد طلم و ظلال مولانا محمد علی ایدیکه بانی مدرسه مدرسه کوسه سی و کلد
 معروف و مذکور در عایت شرایط حد ارتده صاحب آیت اولوب تربیت اهل
 استحقاق ایلد جمله و آفا قدیم مدرسه در بروسه و خرویه مدرسه سوز اولان

محمد شاه جلوس کم خدمت علی الشانک شریکی اولمغله کوسلی ایران در فیضی البیان
 مدرسه غزوره به طالب و پنج دم ایدیکه وصول مرام سفوره راغبی لکن جناب
 صدات باج صلاح و تقوی ده بکانه اولدوغی کیش جلوس دخی خلاف و نقضی ایل
 شتره زمانه ایدی اول جلدن مدرسه غزوره انکار و برنگه متردد اوزره انک
 بن دخی هنوز صدون کلوب دخی امانه و امانه موصول اولمق احتمالی ضمیر
 قطعاً خطور ایشکن بنده نوعاً قبول اولدوغی جناب شریفه مسئول اولمق
 اول آنده بکا احسان ایشک روی امید می ششم لطف جاوید ایل خندان ایدیک
 بعد سلطان حاقیق صاحب قران بی بی وین آهنگ نیکین عاقبت
 ایدیکه ایشا و راهده صد و رسالت پناه مرحوم سنان افندی محروسه پرو
 مدرسه و بی الدین نامزد ذات جلالت نیکین ایشدر من بعد دست بیت
 قطع مراتب و طی مناصب ایلک صدر صد ارنده صدر نشین اولمق موزل اولمق
 مدرسه غزوره ده مدرس ایلک باغ مباح لطف و کرم اولمانده وزیر اعظم
 و مشرف اقم اولان مرحوم رستم پاشا پسرانه تمام الاخره مایه و وفاء
 فیه کونامیه ده مدرسه عالی بن ایدیک اولاد دیرسی قرق ایلک جناب علی شکر
 ویرمکله مدرسه زینه خوان و اول تبعه منعمه به جلوس نام و نشین و میرمندی
 بعد سلطان ششم خان خدمت نیک خواجیه سی عطایه راته افندی برینه وزیر قو
 استنولده بناسد و کج مدرس اولمق در اگر چه ظاهر احباب به عنوانی
 مدرس خان در لکن ذات افضل و اکمل برکته بناسد اولمغله فیه حقیقه مدرس اولو
 جوق مدت کچدین مدرسه خاشکی ذات معانی اقیه صلیبیه خاص قبول اولمق
 بایه غوغا جانه نایل و تمام منیع نعمت و علایه داخل اولمق دیر روایت ایدیک
 ایدی بدو مکرملی اولان پیر روشن ضمیر و فانی عدالت سیمر مولانا میری

افندی که عن قرب مفضل احوال تحریر و طبع اولور مرحوم قو ملک برایکی مفسده تیزتر
 ایدیکه دولت تیز رستخیز بود دولت است که و خیز بود
 مضمونی اوزره من بعد فرزند هوشمند کواکب سیاره کبی برج التیر اولمغله کامی مستقیم
 و کاه راجع اولمغله ان ایدیکه کواکب ثوابت کی بطی اولمق اولون دیورت کوزده دعا
 ایشدر اول پیرک تیز تر تیز تر عیسی هدف قبول موصول اولوب اوج بل مدرسه
 غزوره ده مدرس اولدوقله مکر قدر مدارش نایب خواه بایند ایشدر و اول
 مدارس میه تشریف ذات جوزنی برشتی ایلک معادل حامل مشیت داشت اولمق
 اوج بیلدن زیاده اول مدرسه ده افاده ایدوب جمع صاحب قران زلمن
 مرحوم سلطان سلیمان خان ایلک مدرسه دخی بناسد کده برین مرحوم قو ملک
 ایشدری پیش بل مقداری انده دخی تحصیل معارف و فنیاتل بیسمار ایدوب
 بعد کونیده غوغا لاری بوبیت و کشت بد کویا و بیلستان برای رفعلی بنو ظلمه
 شام کو خال رخ عرصه کینیت تمام خوش سوادیت به ذلک علی کمال
 حکومت شام شرف انجمله بر حاشم اولوب نسیم عنبر غنیم لطف عیسی اولمق ایلک
 واعلا سنک ساحه وجودینه وزان و غلام انعام و سیاب کرم عیسی ریاض
 قلوب و فیض و شرفه باران اولوب اطل و نایک ارجا و انجاسی افتاب مکرمت
 و عطایه سی ایلک تحصیل و نشانی ایدوب کحل کواهر دیده اولمق الالبصار اولان غبار
 کیمیا عیاری و زور دیده اقبال و سرته چشم سولات و اجلال ایشدری انده
 قاضی لکن اخلاق علما می نام کتاب که اخلاق علییه لری کبی نام و شتره ایام
 تالیف ایشدری حقا که برکت حکمت بصادر که خلعت خلعت جن و کجایی
 ظاهر اولان اخلاق ناصری و جلیانی اخلاق نیاب متولسی اولوب بیان
 قوانین حکم علیک و علیک ده هر کلاهی بر فصل و باب اولمق در اول و فیض

در بیان ایدوب

مکتب وجود و ظاهر اولاد اخلاق امری منسوخ و متروک و اخلاق احسنی
 ساجی و عالی اولاد اخلاق محسنی و جلایی و فقر حکمتن مشکو و ملکوک اولاد
 بوند عاید شایده ظاهر و لامع اولاد **درج** اولدی اخلاق علانی احسن
 الکاتاریج واقع اولدر فی الواقع اخلاق حمیده رنگ بیکده بری تحریر اولدر
 برکناب و خصایص رنگ عشر عشری شطراونیه فی فصول و ابواب اولور
 حکمت علیه دن غیر اولی شجره علییه اول کلوفوائد و لطایف و فرائد و
 درج انیشلدر که قابل تعبیر و مکن توتر و کلدر شهر و نور علما و فضلاء سیاهی مباشنه
 و مباشره اوزره اولوب خدمت علی الشان شیخ العربیه اولغله علمای عرب و قومک
 بود کلوتجریدن متبحر و متفکر اولور لایق بر دفعه کمالی شادن شیخ
 ابوالفتح المالکی که مالک مضاب فضایل اولغله توبه دن غنی و توبه صفتن مستغنی در
 اصل لایت مؤبدن اولق توبه سیده ولایت مؤب و احوال بلدانی ذکر اولغله
 مرحوم و قوم کوشه کوشه احوال الطوارین سولیک کلزده شیخ ابوالفتح بوکونه
 باب کلامی فتح ابندی که اول لایق نه طریقه کورد کر و انده نه مقدار قانت ابتد که
 دقایق احواله اطلاع نام بولش مرحوم دخی اول مالک وراثت کتب تواریخ ایل
 کورد که رای العین شایده ایتدک دیوبور و قلزده شیخ ربور غرق عثمان جبرست
 و کورت اولدر بر دفعه دخی منتهی نام و قدوه علمای اعلام اولان شیخ رضی الدین
 ابن بدر الدین که اهل شام اذ معال و مغانل سیوطی و ابن حجر موزریدی
 و مشر و فقه کلده یکنانه دهر و ذریه عصر در دیوبند نه یایه قلور کوردی صرح
 حضرت بجی ده علیه و علی بنیت من التمجید و الصلوات اتمها و العلماء و الدماجد المیه
 شیخ ابوجانک صاحب الکشف اولان اعتراضات و ایرادات و تلامذه
 شیخدن ابن السیرین کجلی کجی جوایلری مذکور اولغله نفیسی راجد دیوب

اختلاف

اختلاف واقع اولغله خدمت علی الشان ماصدق جبر سمن اولوب بر قوی
 هویت السمان ابن السیرین جابنده اولوب ابوجان صاحب الکشف اعتراض
 مالک طریق انصاف اولوب راه و تعصب و اعتاف اولغین ابن السیرین
 محاکمه سنده کلام منصفانه و جواب تحفه سن دیر سدر و سرام کلامی نشان قبول
 اهل عرفانه ایرشدر دیوبور و قلزده شیخ ربور جانب ابوجانده اولوب حال
 اوزره انتطاع و انتصاف اولغله جانب علی الشان سوا کخانه لایق کله کده
 علامه ابن حجر و سیوطی نک ثولنا تندن و اجاب عنهما تمیزه نه باب الدین سمن
 کجلی باجوبه غالبها جیتیم و دید و کینی بویان بلیغ و کلمات فیضی ایل اسال
 انشکری اول دخی حال متوقفه دن ابن السیرینک بر ایکی جوابی زعی اوزره
 تزییف ایدوب کوندرد که خدمت علی الشان انصاف بودر که فی خصوص
 اون سوزینه دل کوریلوب نفیسی مقولدر که بر اولسون دیوب شیخ ربور کت
 ابن السیرینه و بر دخی جوایلری تزییف و تضعیف ایلکه جانب ابن السیرینی تشبیه
 و ترصیف انشکری علمای عرب بو مقوله دقایقدن فی نصیب المغنی میدان
 محاکمه و فحاشه ده مغلوب و کشیب اولوب جمله فیض علی بر راضی و قابل اولور
 هوالاتی بهالم تستطعه الا و ایل دیدیلر حاکم اهل شام اول قدوه زنام و ربور
 ایامک فضل نام و احاطه مالک کلامه معترف و انهار فضایل بشمارندن معترف
 اولوب مجالس و محافلده اکابر و امانی ابات مدح و ثنائین تلاوت ایدوب
 هر بر بسی آن آیه من آیات الله دیو شهاکت ایدر که بمع فائزه طاهره
 قاضی اولوب بهای بی همتا عنایتی اول مالک اکابر و اصاغی اوزره
 کسرا بنده و سبیه افکن اولوب عقاب عراجم بهد و جانبک جناح رافت
 و شفقنی سایه بان رمضا و نواب و حسن اولغله ایل مصر قییل و تلیثم

اقدام و ذیل الیه سادات و اقباله نیل اید و بصیر و کبیر و جوان و هیزان فضل
 عرفان و جلال من التخیق و الایمان اوله و غنه ایات فضایل غایه نئی
 مشیت و عیان اینه کزنده و کبر فضایل و کبر لرزنده کند و اینی خریق عثمان کور کزنده
 بر خوی حتی اذا اذکره الغرض قالوا اما فضل و بیکر اینه ایمان کتور و کبر اول
 مملکت اولان علمایک میثواسی و اول طایفه نک مقلد و معتد اسی اولان مولانا
 بکری زاده خلق جهان و نبوری بلاغت و فصاحت و عتی زمان و واصل مقامات
 معانی و بیان اولفقه و حیرت دوران بلور لریدی و هنروران قضا و عیان
 خطب بلوغ و کلمات بدیع سینه حیران اولور کراید خدمت علی ان تانیت
 قدوم چون کلوب ناز جواهری کیران و حق العدم کهر داند انا انا تانیک
 عالت مهورده و قاعده معروفه سی اوزره ان خطب بدیع و کلمات شجوه
 اینه اینه که مرحوم دخی طریح و قومه اقتفا ایلد امام و نبوره اقتدا اید یک
 سحر البال اولوب قریب اولدیکه خدمت علی ان تک انطلاق لسان و بلاغت
 الفاظ و عذوبت بیان کنگ و لال اوله و غنجه مثال من بی زبان اولمغه اخوس
 و اکرم فله هزار بار تحسین ایلد سر برین ایدوب ماسمعن برهذافه بابینا الالین
 دیوب کلمات بر کاتنی کوش اینه که ان نوالا کبر مبین و جنبیدی بجن حروس
 بروسه تشریف ذات سنوده صفات ایلد انواع بلیات و اصناف کلمات و کلمه
 اولوب رنن لطف مکین اقدام بر تکمین و سعادت آیین کینه رویال انجمله
 ادب و نادری کوه مثال اولوب طاق بلند رواق افلاک ایلد دعوی مبارک و می کاش
 ایدرید اول شهرک حمام حدان و جد اول و انار زلال نای طایفه مهر و ماه ایلد
 پای سعادت جایگاه طریقه صول و کردی و اول خطبه بهر شاک جبال و تلایه
 اول کوه فضل و کمال انظار ایلد با خمره صواب نمیدن کجده که الک امتعال رویال

رویال اقدام بر اجمالی میسر اولوب اول بوجه درگاه بوز سورک دیو و نور
 و سرور زدن باشی کواکبه ابر شیدی بجن فحیده ادرنه قدوم سرت ازوم ایلد و غنجه
 بولوب خاک حقیری قدوم خطیری ایلد ماس ایوان افلاک و خا ذی مرکز سماک
 اولمشیدی امان اطراف و اکناف ابر فیاض لطف شامیلد رفقا ظلم ظلم دن بخر
 اولوب افاضی و ادانی ممالک نسیم عدل کاملندن نرست پذیر اولمشیدی
 جناب علی ان نری و نور زهد و عبادت و کثرت امانت و دیانت ایلد ارسته
 صفات حمیده و سمات پسندیده ایلد محلی پیراسته اولمغه هر نه محله که غنجه
 بر افر و غنجه اولد هر کس که پروانه وار و موفقی صفه و بدیدار اولد البته
 بر سوخته اولور و و هر نه فضا که طایر و ولع بال کلاه اولد هر که هوا جداله
 پرواز اید فضا که اولور و و هر نه زمانه که طره مشکین خامه سی عارض من
 و دولته بهره کش اید خطاطی غنجه سربچیده ایدن سر سرکز زلف
 برای بیکران کبی سر بریده اولمق محقق و مقور اید و هر نه مکانه که آفتاب
 جاهی مطلع کاهرا ایدن طالع اولد هر که ستاره مثال محل مقابلد و غنجه طالع
 اولد آتش جوانه پسندگی سوزان اولمغه امکان بو غنجه
 میا ویز در مقابل نیک بخت که افکنندن مقبلان هست سخت
 نتیجه ترتیب معذات کلمات اولد که خدمت علی ان تک نرین و همی اولمغه
 بر عنوان اولوب فضل جلی البرهان لر نه مقام معارضه و اولمغه نام و نشان
 بولان محمد شاه چکی که اگر چه حق الارضاق فضایل علمیه و کلمات جلوه ایلد بر تقاض
 ایدی لکن **مقرع** بره بر دیر سک ایدر انکار معاند و لجوج و جبار ایدی احباب
 و اصحابی جناب والد فضایل یک انار اقلام براحت رضایتی کور و کورنده
 معارضه و منازعه به قدری اولمغین و نبورک قوت بختیه سی غالبدر و یکله

مستی و کور کاید خدمت علی شان بود و جلد که هر افشان اول و کور کاید
 خلق عالم اکثر با طرف مغلوب و شکویده اولوب بطبعی انک اوزره جبول و جهور و خلقی
 اول سجیه نامر صیه اوزره مظهر در که بوسوله امورده ملزم و مجبور اولغری بالکلیه
 مغلوب و مهوای تملک بلکه هر که باغ عالمده سرد سراز کبی مستغنی و ممتاز اوله
 لکد کوب زاغ و زغن اوله و غن استر و مهر مال بند و میوه دار که بوسلاح جهانده
 بیدار اوله تبریدات ایل بر جواز و موقوفه العجاز ایدوب هر طرفدن اسکا
 شک انداز اولور انقده مولانا و قوم قسطنطنیه حیمده قاضی کن موصل اولور
 خزون و ملول اولوب حوزد خبانت طبعندن **مرآة** استریش قیلان بقیان
 فحواسی اوزره خدمت علی شان موصل ایدوب مکه مشغول اولغری و بر حجت
 خصوصنده مرحوم مرحوم کماله سنی رز ایدوب مرحوم ابو خور و کمالی
 خضر نیک دامادی اولوب عتبه علیه لینه استنادی اولغده عانت و امداد
 ایل رساله بار فرب بوا ابرماطل اوزره اصرار ایل مودی لباس غنا و استکبار
 اولغری لکن عامه موالی و مالیه جنا بندن مظهر انواع لوم و عقاب و محلی
 خطبه و عتاب اولوب جلد شکان قانع حاله بو کلام به مثال ایله نوره خطاب
 اری العتق و یکران الصلا **ج** فغانده من یطبق له عتادا
 شول نال که آب جوزده جوبار توفیق اوله هر ایله رندان اولغری و ادل نایه
 مؤکد و اساس مشید که معارف ایلده مهند اوله بوسوله نقبله منهدم و دیر
 اولغری اگر چه اول جمع مجلس عرفان که منور قلوب اهل علم و ابقان و افروخته
 بد قدرت بزدان در بر فحواسی بریدون لطف و انواراته اول چراغی سونیدر
 قصد و غایت ایدر لکن و یا نه انه الا ان یتیم نوره منتضی اوزره هرگز
 مراد و حرامده اصل اولور کیم زمین طلبی دست دبا ای جهاد ایلله کل ایلد

و لیک منزل مراده بی بولدی و هر بایدن مقدمات حق سبحانی تمهید ایلدی لکن
 اکا بنجه مرتبه اولدی بملدی که بوقوله بنی بر افتاد ایلطوشن و عجز و انکار دن بشری
 سنه فایده و بر سوب محضی بازه طوئن اولور اخیره بصیرت عاوه ادب حایل
 الوغین وجهه صوابه نظر اولغده قابل اولور و سمع جانیه دست نقیض بر تانی ایل قنوم
 ایدوب مواعظ و دوستانه اصغایه نایل اولور دیده سی چشم ز کس کبی نور اید
 عاقبت کلاه حیا با شندن دور اولور و سمعی کوشن نقشه کی فوت سامه دن
 عاری ایدوب عاقبتی سرافکنده و سو کواری اولدی که همان اول نشاده نایره حیانه
 آب تنیحات ایل منطقی و آب زندگانی سی تشرف و حرمان ایل مستغنی اولور **ع**
 بادرون کت هر که در افتاد بر افتاد اول زمانده که هنگام هجوم دشمنان ایلده لک
 مقتضای بشریت اوزره ساعده ضمیر معاصی هر لینه رماح اخوان وزان اولغری
 اولیا خدمت بری بید کبی لرزان ایدی حضور عالی رنده بوحقیق قرآن عظیمدن تقال ایلد
 بو آیت کریمه طاهر و عیان اولور و لقد نعلم انک یضیق صدرک بایقولون فسیح
 محمد ربک و کن من المک جدید و اعبد ربک حتی یاتیک البقی بعد قسطنطنیه حیمه
 محل افاضات علمیه لری اولغده مورد امن و کاه رانی و منزل سعادت جاودانه
 اولوب فرمن جان ایدو اتش فرا و حید ایل سوخته و چهره شاد و دوخوانان
 سمع درختان کبی افروخته اولمشیه اول تا بیده مزاج هما یونخ اصابت
 عین الکمالدن متأثر اولوب غبار عرض الم ساحت وجود پر کر لینه متطرق اولور
 اینجه ضمیمه مستغنی لری شکدر و مشرب اوقات و خنده ساعته تحن و نواب
 استقام ایل مستغنی اولوب مرض نفیسی اگر چه اعتذار بوزندن بای سبب و سبب
 دو شمشیدی لکن اول پای سعادت پیر ایدن مزارق اولوب اول مرض بر کزنده
 اقدام حضور و سرور لینه پای بند اولمشیه عقل قراک در بای حیرته و سرور

و جلاله
 و کرامته
 و جلاله

رضی نبی

عرض عرض بوقوله جوهر باطله نه یوزدن آفرینش ایدر و الم اراضی سقم اول
ذات بر لطف و کریمه نوجمله مداخله ایدر تارک سپهر دن رفیع اولان قدم منیع
دست الم وضع نه حیثیتله واصل اولور و عو قو جا هده مهر و ماه دن بلند اولان پای
سعالقنده غبار کدورت و کزنده نه حالله حال اولور بودکلو فضایل کمالات ایل
مخوف ایکن طرائق بوانوع حصار بندرینه نه جردن یول اولور و فطر مبرات و نافع
اولان ذات نافع و بارعنه مفرته نه سبیل یول بودور خیمه خراج شریف لیس
صحت کلکده ذات خورشید انارتری مشرق ایوان صدارت اولوب منصب صدارت
خدمت علقه ربه اختصا من غلبوب اول منصب رفیعک ملا بسی بی معارض و فحی هم
قامت عالی رتبه راست کشیدی اول پایه بلند بودمانه دکل بای سعالقنده ریسنه
یوزور مدکندن بای مبارک لیس و دوشوب عذر رخ در خواست انجشیدی
انته القدره منقاده الیه تکرار ذیالها فلم تک تصلح الاله ولم یک تصلح الاله
بودینه و بواسطه ایدر مدارج حاره رفیع معمار ملکات عصا می ایل بلند پایه اولور
رابطه عالی دن هر مرتبه سیمیه که مطامح هم ابناء روزگار لونی غایت معانی و اقدار
دیو تصور ایدر کاید اول مقام رفیع و اصل منصب منیع نایل اولدغه اول مرتبه
دیدة اعتبار و نظر افندی رتبه کو ستر محبوب بدایت کار بکورد کاید منازل عالی
و مناصب ایدر دن هر منزله که نهایت افکار اندن تجو زانک منیر دکل ایدر و کجی ظاهر
و بیدار در چون اعم علی لری الشیخه و غوارینه امتطایده اخذ اذنی رفعت
نک فرود پایه بقدر رفیع او منصبی که خلق بدان استخار کرد
اول منصب عبلیده سیرت رفیع و سجنه عالی لری بادستان لطف بادشمنان
اولوب قواعد مکانه دشمنان سیر اعجاب انعام عامی ایل منهدم و آثار عداوت
دشمنان انظار لطف و ارفاق ایل منبرم و منهدم ایدوب ریاضی طالب و مقاصد

صفحت کج

لطف حسن ایدر

دوستانه رتبه کف سیب منانی ایل شالاب و بوشان امال و انما فی خ
غلام ماطر جود و افریده سیراب ایدر جوهر زو اهرام و امانه اجتماع و نظم
و ترب در رضای احوار و ابراری که هدف روزگار دن استخراج و استحصال
ایتمندی فکاده کردن حسانت اعمال و ذرة التاج مانوس و اقبال فکله بدی
والوده خاک مذلت اولان فخر و ضعیفیه خدمتی اکیر دولت و کیمی سعادت
بمخبر بدی عامه ارباب جاه دن بوفعل ارجمند ایل سر بلند و سرفراز و بوجال ایل اگی
تیمر میانده مستثنی و ممتاز ایدیکه سر بر رفعتی اوج افلاکده ایکن روی نیاز لری
صوبگی خاکده منزل خورشید کیمی طارم چارمین ایکن نه منظور لطف خاک مذلتده
اولان فخر و اکین ایدی مدارج غنیه مذنی و عقلی ایدیکه ممکن و درویشی ایل
متجلی ایدی بر فیکر کلام باضراغنی هزار امیر و وزیرک شفا عتدن اولی
و ارجح و حصو و عالی رتبه بر فیکر کلمه آثار سرور جبین پر نور لریدن کون کیمی
ظاهر و واضح او کورد زخارف دنیای دخی ایل قطعه شیفته و خروقات
و منزوات فانیه ایل هرگز فریفته اولوب فندان حصول منصب ناوله مقوم
و سرور ایش و شراب عوور ایل سائر صدور کیمی محبت و تجو و اولمدر
حکایت سوز لری ایدی که مبادی حال و مقدمات احوالده عالم فقر و فلاکته ایکن
بر کون نماز جمعه ده بر آغاید کردارک که لباس کونا کون ایل مانند بولگون
اولمش طاموس وار ظاهری خیرین و طمع اما باطن باطلی بد صد اسی کیمی اقیح
و اشنع قنق قنق دیار مانند پیازاکا بوی بد و طعم خردن عیبری فایده و برمش
درون قباحثه نخونه خم می کیمی و امدن عیبری نشسته کیرمش
و بر میه شمه حلاوت اکا مانند پیاز کیمه زر بفتوری جابل ادا قنق
کجا که سی بانه راست کلکده اطوار فقیرانه و لباس درویشانه می کورد کده

نصفه

روی زهر آلود و جبین مذکرت فرمودی بر چین و پر خاوش اولوب
 بدن غایت نفوذ و استیثاش ایلدی اول جناس سناسی لباسنی دست
 نکبت استیثاسی ایلدانه جمع ایدین طیور کچی و شروب کندی و فو و مکتنت
 سرایت ایده دیو متالم و مضطرب و آتش بغض درویش کج نون دروننده
 مضطرم و ملتهب ایدی بکادخی زبورک و بکار قباحته نازنده سر چشمه خاطر
 اغوار و آینه و صغیر شکست و انک بکشدی بر قاج بیلدن حکم اول شخص
 انحرصال و افعی اشکال اوزده کور و ب اسباب مجده تاج بنم امانه و االم
 ملتئم و نریا مثال فراید حرم عالم جتمع و مستظلم ایدی اول نماندن برو خدمت قوای
 که سرای سعادت دینی و اخوی در کدومه لازم و لذت و ذمت فتنه فرض و واجب
 بلورم و در حوم و قویمک حضائض علیته و حضائل حلبیه سندن بر دخی بوابد بکلیس
 عالیه رنده دایما معارف و طیبوب غیبت کین کسسه ذم و غیبت کند و لرزیدن
 اولمز و قدح قدح مجلس پر ناز و مدح رنده دایر اولمز ندی متال کالاندن
 کلمات نقض هامة نوبت دکر ندی و صحبت بر لطائف و مناقب رنده دخول مسای
 و مثالبه و رخصت و بر کمز ندی دایما دست احسان ایلد قلوب جویخانه آبادان
 ایدرد و ویران ایتز ندی و هر بار کاری جبر نفعان اید کسر قیلدن مار ب
 و کزیران ایدی بر ملک عرف وجودخ نیغ مذمت ایلد منتقطع ایتز ندی و
 بر مؤمنک شیشه دلفی سنگ نمیت ایلد منکسر و منصدع قلم ندی **الحکم**
 من سلم المسلمون من یدیه و لسانه کلام فرخنده بیامنه با صدق حسن الکلام
 ترک الایعنیة فوایلد اتقافه مؤرد و حقوق اید اول قرآن عظیم زمانه زمان
 کریدن سوره هوده و ارنج کثاف و تغیر قافه مفاکوه ایلوب خوانشی
 حقایق و دقایق ایلد موش و عیون ملاح کبی قیم اولان شیخه لری خط در ایلد

صیحه ایتز ندی و کتاب هدایه و شرح عنایه فی نوابغ و لواحقیه مدارسه
 ایدوب اطرافنی مباحثات و مطارحاته نین و نخله ایدوب اول جرایب مفضل
 خانه در بار لری ایلد مصیقل مجلی ایتز ندی کذلک شرح الحوافف و حسن حله
 حاشیه سنگ عذرا سن بر خط زنگار ایدوب اول فقره فی صورک در و دیو
 بر نقش و نگار ایتز ندی **اشاء الله العلی الکریم** ایلدی خنی تر کابی جمع ایلد عزم و عزم
 اولمندر حضرت حق اول کاره دخی موفی ایلد الله ولی التوفیق و دخی مالک
 اولد قری و شرب ز نظر لری صید و شکارینه صلد قری کتاب بیخه و حسابک
 اطراف و حواشی سنی اثار اقلام شکار لری ایلد **و هر بر بنی معارف**
 و لطایف عالمه بیر استه ایتز ندی و مولانا خسروک در و غزنیه حاشیه
 شایق ایتز ندی اتمام توفیق رفیق اولیوب ایام ناز جام فشت و نخل
 ایدوب اول جواهر زو اهر حقایق و در و غز دقایقک بازار وجوده
 کلکینه و عایق اولد اول حاشیه به جت بازار نظایر سلطان نظر بازار خدمت
 علی الشک فضل و کماله فی اجمله واقف اولوب اثر دن مؤثره استدلال و فعل
 قوت و قدرت فاعله انتقال ایدر لری دست تطاول هر چه هر تیغ آفتاب پر
 ایلد مقطوع اولسون و احکام تصرفات و تعلقات ایام ناز جام خدا یا مظهر
 و منوع اولسونکه بوقوله کزیر دلیزیر کتام اولسنة و بوموال اوزره شیخ
 اولان دیبای زینبای بی نظیر ک اختتام بولمینه مانع و عایق اولد بوقوله
 فضایلدن فضل مرتب و مختل دیوانه و مصنف و محقق اثار بلاغت شکار
 وار در که ثمرات الفاظ و اصداع خودخ محمود ذواب کواغب غلمان و حور
 و اشراق جمال معانی و التماج حسن اسالیب و مباحثی ماصدق نور علی نور
 اول جواهر زو اهر ملاغت و بیای که نیم کور و ایتز مال و قلاده صد و خوانه

جایگاه

عنوانه

در

فکر و خیال در

کان امانت حقوت کائنات الیقوت والمرحان اید موصوف اولی بر صفا
 البینه کرمش و اولی بر حسن و الی لم یلمشتم انفس قبلهم ولا جان فحواشی اوزره
 خدمت علی ان ندن غیرتی کسینه کلان پر دلالتن کل وصال دیرترش در ذات
 شریفی ملک متعالم میرغالی و سعاد دقت خیالک شایسته بقی اولوب بوفده و فی
 نامدار مقبول صفار و کبار اولدوغی نور خورشید کیمی روشن و بیدار در دیار و
 اولاد ایزد معادین و طبع موسیقی ایل معانی اولان و حرم احلیه جناب الا
 خدمت علی ان غری سوز را ایدیکه ادرنه حبه ده اوج شرفه لو مدرکستنا و حبا افتد
 دانشمند ایلکن احلی ایلک آشنا اولوب مدام جام معارف و کماله اصطباج
 و اعتناق و نوع و دس خود معانی اکثر زمانه اصطباج و اعتناق اوزره اولوب
 اراخده انفصال و افراق او کرمید اول ایلده بوز و بوم یعنی دیار و روده
 فن معانی چندان نامی و اهل عرفانک اول سخته انجذاب نامی بوعیدی لکن طبع
 صوکی بر وقته مایل اولمغین تجسس کتب رسائل ایدوب اولدیر عیانی
 در کنار ایلک اوز و سبله هر مقامی صوکی حبت و جو بومثال ایلک و تو ایدر
 آخر طایع اعجابدن برنده رساله میرحسین نیابوری خیرن المیدک استخاف
 ایچون آلوب و بود احری او قورن بازر ایدم ایکی کونده رساله انام ایدوب
 مطالعه و انجازه مشغول اولمیدک لکن بر بود احری اولفته متحضر اولغله
 نامدار اولوب خلق ایچن شرت شعار اولمیدی اگرچه خدمت علی ان تک
 بوکلامی حق انصافدن صادر و عین درویشی و مسکندن ظاهر و باهر اولدیر
 لکن خاطر فائز اقم کوفه ساغ و لاغ اولان بودر که حرم احری جانب
 معانی مقید اولمغین اول سبک معنی شوی سندن اعراض و سبک ایلک عجب
 ابیات و خاطر معانی چون ارباب تکلفات و تعففات و ادره اما خدمت

علی ان تک معاری معنی دار معنی اولدوغندن قطع نظر اولسه نه ایلک
 لطافت و مداحتی روشن و انکار در زنه کم بومعنیات مدغای و نبوری
 اثبات ایچون شایسته صادق ایدر و کماله و بار قدر **بسم**
 اجه اول سینه کیم بسم کیمی صافدر بنی اولدر مکه چون زرگر کیم صافدر
 در و بوجله ای در نایاب **اه** خون دل اولدی دامن احباب
 کند و یخ مرتبه عشقه شوکیم و اصل ایدر **بکر** ایکی اوج مرتبه ده نام کوه صافدر
 میان صفه عیش اوزره خود را احباب **بوف** سوده شویله که اذن دوکلدی در
 او رغبتله خدمت شریه دندی بی با و سهر **قام** عاقبت زهر انگ ستر بر می عافره
 دل غنای یغیون حذر ایت **بوف** و مبدم جانب دله نظر ایت
 شهر اکره بور تمیزی یار کیم **بسم** نرک ایدر لم اول کیم و چندین کیم
 ساقیا اولمک کرک کلا اچا کیم **بدر** چون مستط اولدی کل اوراقنه باد
 کوکل اسب کیمی نهفته یائل اولمگندن **حسن** سن ایت دیوار نقش فریق صنع دست
 اجوت حضرت بنو تک طغوز یوزا ون الیته ولادت همایونری واقع
 و خورشید طالع وجودنا فعلی اسعدا عاتده طالع اولوب بر تو انداز
 عالم وجود اولمگله وجود عالم فیروز و مسعود اولمشیدی عین ذات خورشید
 انارتی منور ایوان هدایت ایکن سه نبع و سبعین و تسع مایه رمضان
 مبارک کنده ام حضرت حق تعالی و تبارک ایل نفس مطینه لری ارجو الی رنگ راضیه
 مرضیه خطاب مستطابنی سمع قبول و اذعان ایلک اصفا ایدوب جناب عالی
 در روح علوی رفیق علای اختیار و جمیع عالم جبروتی تفرقه فرقه
 ناسوته انبار ایلوب بر موجب فرمان واجب لا اذعان فادخلی فی عبادی
 و ادخلی جنتی همانم بر کرامه روح بر فتوح آشنایه لکن بکرانه اولان نفس

شراب

قد رند

جهان بران اولوب

برون این قفس همه بغایت و نوبهار
 در میان چنان آشیان است روح اندوه و زاد فی عالم القدس فوجه
 حفا که نو کار داشت فرادن خورشید صرست و حرام غلام غموم و الا بدین متوار
 و بنوع دموع جاری غموند مانند نهز چگون جبار اولوب قریب اولمشید که
 جان بدین و دایع ابد و رسته حیات بو عظم رفتن تقطاع بوله موت
 موت العالم فوای اوزره آسمان هر صبح شام اشک خوشی و کوب لباس تمام و
 پلاس نیستی کشیدی و صبح روشن روی مصیبت غم غم و وقوع غم کربانی
 دریده و نام غم غموی بود و افعه دلوزدن کسولینی بریده ایمتیدی
 آه کم در دیده کس غم غم قطره از آب درین یم غم غم
 دیده نگر کس چو برآمد ز خواب کور شد از بس که بیارید آب
 واقعا غم سیه حمامه صابوب شب تار سیه جامه سن کوب دست جبار
 زمین باشته خاک فشان اولوب دریای عثمان جوشان و جوشان اولوب
 و غم غم در دل سوزان اولوب افلاک دخی بعد مثال ناله و فغان آید و کس
 بو مصیبت غم ای کون اید و کس واقع و عیان درها خدش علی انک بویا غم
 اولکی بچو کده عالم خانه و نام کجا دایما کوکلر کوب عالم طومر ماتم بکا
 اینکلدن دور اولدن اولکده صحن اولکده نوحه کاه محنت و ماتم سرای غم کجا
 بدر کدن قطع نظر بو متوله ذات فضیلت کتر دن جدا اولق و اول متوله ذات
 کمالک نظر لطف شامکدن خودم اولق بلا سینه مبتلا اولق عظیم مصیبت
 غم و اندوهی کوب جانمزه جبر اید کم ای کوکلر جبار نه بر یکی کون صبر اید کم
 متواتر قطرات مطر حمت و فضل بر سر رفته جنت صفتش باران باد
 در توازی غم در هم احسان بر نتود حسنات و دجهان رجحان باد

در عالم غم و غم
 در عالم غم و غم
 در عالم غم و غم

بوبرایکی شاعر بلاغت شعار و بویات جهان اول جنبه نایب ناکر شمع
 قلم مزار و نتایج طبع اقداری در
 قبی لاله کونک اوزره زرین خنجر جان شفق ناکار المشر لاله عید در کویا
 نه دکلو کند وید آرایش نه اول الف قی دخی موزون اولور کم زیله اولور الف زیبا
 غرق نقش جهان صور کد کلک کونیه جهان آرا ده بر صورتد رای ماه جهان آرا
 علیک سینه سندن ظاهر اولن نوک بکال مکر نورس چنلر در که المشر خاکدن پیدا
 درون لاله جان بر نیا آید ک چون کونیا سکا مخفی دکلک حالت در درون جان
 ابدان بخشکی خلبه بر کز اوید مکر کس قدح و شرع دور العذن المینجی غری خجانی
 علیکد فتنه عاقل کس کسوی کره کیرک طاوید کردن جانینه زنجیر جنون جانا
 شوق روی اتمشید ای تشی مسکن بکا ای خط دلدار کدک خضر ایشد کس بکا
 هر تیر غمزه کم قنک آتدی کمان اولوب قالدی دل گشته ده خاطرات کون
 اول کر چه فتنه ده بردانه ایدی خال خط بعدی شمدی فتنه آخوزان اولوب
 مظلوم عشقم ابریه نوله کوکلره دعام بو آه بیچ بیچ الی نروبان اولوب
 غالب اولدی شرف و قدر ده روز خیده لیلته القدره در لدن شکن زلفی بر آت
 ماه نوکیبی در لک اوله سن شهره شهر کند و کس نعل کبی ریزم اسبته آت
 خاتم یا قوت و زلف شب مشکدن مدد سینه کم بو میلله اول ایکی دالکدن مدد
 ختم اولست که چون فکفه سحر کرم ار ال دستینه همان ساغر زرن کرم ار
 صبحی دکن هر کجی جمع ایلد و کس شش در می دیزه پای قدح بزم سحر کس و ار
 ادل کلک عاشق دختنه سینه لازمه داغ دل لاله صفت دیده ترن کرم ار
 روز و شب شش در هم ای کلک کلک شده دوشه جام میه قلدر میه سرن کس و ار
 عاقبت سیم و زر عالمی کوزدن بر غم فتنه بر کوزی اچق ایل نظر کس و ار

ای علی کل کجی کشند صلمه کوزک اچ
 جاکلای کرجه کون کبی هر برده لاحدر
 دما دم شل عشاق ایکنه تیر کله تیرک
 عینک غیری حوز به عشقی واقع اولکدیر
 آهله کرجه طاق فلک بر سراره در
 جسم ضعیفی که خس کوی یار در
 دوشش شهر ابرک سبای چشم مست
 یار ایدی اختیار عینک جو کندی یار
 سینه تخت خانه سی در دو غلام کار در
 صوبه کیش نهند و بطریق آشنون زور در
 کوی دلبرده اغوش استخوان جای
 روی یار اوزره کورینن خط مکلن فنکوز
 سگری مصری خجالت بکر نه غوق الین
 دله غم کلدن آهله بیان ایلدر
 ساغنی کیم کن ریشه لجانان در
 مجلس کلدی رقیب اورنوک مدد بیا
 قسمت حقدر علی اسباب بر غم غفلت
 خوشه ربکا لعلکدن گفتار عتاب آمیز
 غوق غوق اولد قی زیا اولور اولک
 2 بر نور قلور چشم من سیل غمدر
 3 لعل فرح انگیزک بر آید آتش رنگ

عاقبت قبر در رس که مفرز کس وار
 طلوع ایتمز نیم غمانه بر خطه طالعدر
 برسی حجت نافذ برسی نصرت طعدر
 ایانه سود کم عمرم جسم غیر واقعدر
 ایتمز شب فراغی منور ستاره در
 بر کون او مارم آه ایلده روزگار در
 هر جام می لاله خلدی لاله زار در
 عیب ایملک فغانی بی اختیار در
 تازده داغشم جای ایملک سرسار در
 کیمکه اول سرور و انک عاشق دیوار در
 اندرین هر بری هر دو وفا طومار در
 حسن فراتینه عکس زلف عجز باری در
 وصف لعلده علی نک ابدار اشاری در
 چونکه لشکر دونه بریره دغان ایلر
 پنجه یایل اولسون عیاشی اکا کیم جان کر
 آجق اول کاسه دیر کیم اکا شیطان در
 ایلکره ذوق وصف سکه غم جوان در
 جان پرور اولور جانا جلا تیراب آمیز
 شیرینتر اولور اونسه بالوده کلاب آمیز
 راه سر کوکیده هر خار تیراب آمیز
 خرد عوق ریزک بر آتش آب آمیز

افق نه مغاندن بر کچه چون او بفر
 اغیار سیر ایتمز سن شریف علی زمین
 شویله در عشقم ایلدن دانه خاکل هوس
 یاربیلد دشمن مصاحب بن سیر در دهر
 تازده عاشق اولیجی دافله زینت فولک
 دل لایق ملکه اول بت معقول شناس
 انکله یول کل یلر دیو نهنت ایدیک
 امر نه کوروب میوه باغین اوانک
 خالنده موی مانع میل هوس دکل
 دروعلینی سر شکم اشکینه نیجه سیل
 او دین مورغم خطکه سر منزل اوله
 کل جلدی صفا کل کیده لم کلزاره
 برایکی کون سر کوبنده اولور دم کون
 یار او کنده علی سترک خاک او پکت
 شمع رخسار که میل تیرد کما ستر می دلیل
 چون قافله وصل مننه بخلدی محمل
 سینه سینه باغ الف چکدی غمگدن جو دکل
 ایکی نوز قدر که اولدی باد آهمن کون
 جوی دلدن در او قد خوش خواهم اجنور
 مردم چشم دکل عکین کورین ای علی
 اگر چه خانه بر نقش در سرای جهان

بخت سیر هم کبی اول نرس خواب آمیز
 ای لطفی عتاب الودای رحمتی غدا آمیز
 کم بکا حالت دیر آواز بهر نکس
 خاریده سایه کل میل گرفتار نفس
 یکی سکه جققی اسکی سی کچر بولک
 اهدم اولسون دیکم تو یوز منقولک
 بکا دلدار دیدی کیم سوری مالک ایت بولک
 کیم صولرانی کوزری ناشی فقر ایتک
 عارفک کوزنده ادب نرس دکل
 شویله خوج ایلدی کم عاقبت اولدی
 تن زاره اولیجی خاک لحد سر منزل
 سن دخی کلکریلبر برایکی کون کل اصل
 اولسه قافله عمر روان مستحل
 کللیک بزمه جو چه کیمی دکل صا جل
 چونکه روشندر کچنر الیچنر میل
 بشلادی جوس کیمی فغان ایملک دل
 جو یک اولدی بوزی خوش کیم کل خودرو
 اشک دریا پارم او شنده ایکی ابرو دکل
 کیم دیر اول شش دوشن نقاره کم دکل
 حسن خواننده خال خط غنبر بود کل
 دکل کتابه لری کل من علیه صاف

دکل

دکل

زمین بلا و زمان مدار عرش بود در ای جهان نشسته زمین و زمان
علوی استنبول ندر نامی علی در ارباب زعامت ندر بعد کاخ صفاخانه ظل و آفت
 ایر مکن صغر علوی دیکله ندرت پوشیدی محو ولایت ادبما غله اغوز عاتقه خفندی
 اغوزوم ابدی بکلر یکبسی نینده امین دفتر ایکن سه ست و غناین و تسع بانه ده دفتر
 عمری دوریلوب دفتر اعمالی تقیج ایکن دیوان نیردانه ردان اولوب قش بدنده
 اولان روح علویسی عالم ارواده طبران ایکن سوده مرحوم خیال بکه تعلید ایدو
 کند و زعمی صاحب دیوان و سخ و عالی عنوان کچنوردی ططراق الفاظ میل
 و شغف ایملکین مقصود اصل اولان او معنی بر طرف ادکور و مقیم کوشه فنا و
 زوال اولوب عالم حیاتده چنگال عقاب جلدن فرخ البال ایکن بو اشاری
 بو فکده نیت و کثیرا و نفیون راقم کو فخر اریال آتیشیدی
 قنار منده بوق جای صفا میانه دن غیری سوردی قلدی کلنجه فریانه دن غیر
 بری خود کله باقدک مطربا آهنگ ساز ایتیم جالیز کوش جان نوره ستانه دن غیری
 افلاک هر کیم جبر آه و نف نمر حکمی اولور سه ناله دل نر دبانر
علوی شهرت جنت اس یعنی ردوسه برو دندریکان او علی دیکله ندره دنیا
 ایدی باب سلوک طریق علم قانع اولد قدح ایکن اول بیدن فارغ و رافع اولوب
 قوت لایمونه صابر و قانع جواب عبادت و صلاده ساجد و راکع اولمشیدی
 برایکی زواید اچمه سیلیمه متاعده و اول جهله طریق هوا و هو سن متاعده
 ایکن دست قدرت عنان غنیمتی جانب آخونه بانیق و قاید اولوی اشاری
 نصیحت کونه و مقوفدن نمونه در نقطه شکایتی خیل شهور و الهه خواهر و خواهر
 دار دنیا و دینک کیم جفا بینی در محنت و درد و بلا و غم چهار راکخان در
 شوال شق کور کیمو بصلح کچنر خلق ایکن نی مصلح بربری کوه ستم قبلانی در

شهرک صلاحی بدن اولون که مفکر کیم وار یا فندی کفر بدیر یا محسب او غلانی در
علوی بود فی شهر برو دین فدا و شوا دن سلطان غازی ماد طرند در
 زبان ترکیده هفت پکری وار در اشاده فارسیدن ترکیه نرجه ایملی کند و یه
 شمار و دناز ایدن شوا دندر بو شهر انکدر
 ای سفر غمن ایدن بایر خدا یار ک اولو امت اهل نظر قافله لارک اولو
علی جلی واسع علیسی دیکله موقوف و موالی عظام و اما کرامدن اولدو
 معلوم و مکتوف در زبور و انج جلی دن ملازم اولوب پنجه مدارس بیده افاده علم
 عالییه بیدادم اولد قدح کمره ادر نه ده سلطان بایر بیدمدتسی ایکن بر و یه قاضی حاکم
 اولوب اول حالده ایکن محکمه محکمه آخونه عازم اولدو دکان ذلک سکنه فحش و تسع بانه
 آثار بلاغت اطوارندن خلق ایکنده اعتبار بولان هیایون نایب سید صفاک اول نامت ایمان
 و کتاب بلاغت مودون بران شادر که استاد زمان و خوابه جهان الیه الاکان
 مکتب وجود امکانده بنظر و مثال تالیف و مشابان عالم و مصنفان بنی آدم مدرسه
 وجود عده قرین و همال بقصیف المتدر کتاب کالی ظالعیون السواجر
 و نظم کمال الزلال البواکر روسا بلیا کتاب اول کتاب مطابک مطوریکین نقابین
 کورد کده بر فحوی خوراکها و اناب سر فزایدوب استادان جهان دل جانندن
 سر برین ایدوب بر تقضای ماسعنا بهذخ آیتنا الا ولین مرع و اطوا سنده
 زهی دقایق لفظش خف جوجوم سها و لیک کشته چو خورشید در جهان مشهور
 های مدح و تاسی اول هوا ده پرواز ایلر ک شبیکه افلام و دانه و دام خطوط
 و ارقام ایلر شکار اولنه و خوشید بر انواری اول مرتبه ده عالیدر که مدح و توفیق
 در ان کتاب نظر کن بچشم معنی بین که رنگ صورت معنی و لغت چین است
 کتاب نیست غلط بیکم که دریا است که دست عقل از اطاف آن کهر چین است

صفحه و پنجاه

صفا علی انوار

و اطوار و تصنیف الکاتب

کتاب مرئوسه اولان اشارندن غیر منظمه کسسه واصل و دریکچ استماعدن
 حجره بالار باب طابع داخل اولمیشدر کورسم بر دم سینه غم در دناکی ایلر سینه
 غیر کورسم اگر غیرت ملاک ایلر سینه **علی علی** بقا مذکور اولان ام اولمیشدر آید و غیر
 در حومک فرزند خیر الخلفی در پنجه موای عظام خدشده کسب علومده دقت و اهتمام ایدو
 بین الاقراان بلال اسامار الیه بالسان اولمیشدی افندین ملازم اولوب
 پنجه مدارسه فاده علوم الیه و فنون عالییه مداوم اولمیشدر حوم صاحب قرآن
 سلطان سلیمان خان مدرسه سن مدرس ایلکین خلب شربایه قاضی اولمیشدی انده خادم
 شرع رسول ایلکین کوکب عمری افول بولوب اول منصبده خدمت قضایه مشغول ایلکین منصب
 حیاتین موزول اولمیش و کان دکن سینه اصدی و ثمانین و شصت مایه صلاح و تقوی ده
 بی بدل و عفت و استقامتده قرب المثل رعایا و برایا سیرتندن راضی و شاکر و عامه
 اهل حلب ایات و قار و ادبنی تالی و ذاکر در جسدی قبول الفحاین ده مدفون و روح
 بر فتوحی فاتحه صغیر و کبیره متون در عجب و ترکی شنوانتاسی و علم عینه و یطوکی

و اگر بید بواستعار نتایج طبع پر افست دارندند **س**
 صدق شک جورک بانمی هر دم اولور افزون شکست ایندگی لیلی کاسینی فزون ایدر چون
 انکچون حکیم تبرک دل خروجه خلک کجبه که در دکن قور قورم ناکاه اول اول خنددن بیرون
 بن ضعیفه لعل و لبر خوش کلور کیم و عینه کل بشکر خوش کلور
 بر عجب دار الشفا میکده وارسه باشی اغزین سر خوش کلور
 فلک بر عائق کمرشته و شور جا کدر شفق قنونی حسمده بر برد اعلی کوکب
 شرار نار آهده که طوتدی روی افلا کورینلر دکلدر انده هر شبای قمر کوکب
 عجب انصاری دخی مشهور بلکه بیای خفته مذکور اولان اکی محصور در استادی و اولام
 حضرت شیخ الکلام ابو سعید افندی مدینه و یکدر قدرانه الرحمن جل ثناؤه

بسیج روایع و ظرایف علامه فاق الوری کجایتی و دقایق و عوارف و معارف
عمر بیک در فیهضای کمال بلغت غره و ضعیفی جبهه فصاحت یعنی نکرسان بلاغیت
 طوطی بشرین مقال قدوه بلغای روم اولان حجوم خیالی بیک در یکانه صدف وجودی
 و کوه کرانایه ذات بهبودی در حاکم و الاحب عالینب نیک نفس و مودت نسخده
 وجود سعودی تدنسیب تهذیب اخلاق ایلر مندیب انوار رشد و نجابت ناصیه عالییه
 و انار بزرگ و صلابت جبین میسندن نور خورشید خشان کبی طاهر و طبع معارف و کالات
 ایلر آراسته و همواره زمین دل پر صفاسنده تخم مهر محبت فضلاء و علما کاشته بر ذات
 ستوده صفاتدر پنجه زبان زعامت ایل اختیار عزالت ایدوب طلب منصب چون آستان
 احواد و زرایه تر دد و ملازمت ایتیموب باباری طریقه لرینه سالک اولمیشدی بعد
 شوکت منصب وزارت عظمی و وزیر اعظم مشیر فخر احمد پاشا خد متکرینه خصوصیت نام و انتقام
 مالا کلامی اولمیش و اصل رتبه علیا و درجه و اسنسه اولوب پنجه دم هزار خون و غم
 ایلر مدغم اولان قلبی عقد بلا و المدن قور کلوب کلسان جانی جویبار حکومت و فرمان
 ایلر تر و تارده اولوب و روی امانه و آمانه مشیر و نورک وزیر اعظم اولمیش
 بهجت بر اندازه بولمیشی حفا که جناب مهندب و مودت لری مشیر و نوره نهانده مودت
 ایدی وزیر قور کول تشر حقت و غضبی ایلر سوزان اولمیش حوار ننی قادر اولمیش
 باران احسان ایلر سیوند رایدی و زهر الکام استقامی ایلر مزوج و مسموم اولمیشی با د
 زهر مری ایلر علاج قور ایدی وزیر و نورک زمان وزارتنده قبولان کلر کلک
 بیمار و فتر و انرا ایلر کامکار اولمیشی و وزیر و نورک شرفات فقر جلایه صدمه
 تند باز و ال ایلر متناظر اولوب اساس بارگاه اقبالی زلزله فنا و زلزالت ایلر
 متداعی اولمیشده آفتاب دولتیه بر مقدار کسوف عارض اولمیشی حاج احمد آقا عقد
 الامدن قور کلوب تمام بخلی اولوب حلیب شرباده دفتر دار اموال سلطان اولمیش و ایلر قدر

سند لامح

رفت و غنّه متعلی اولدی امید در که هلال رفت و اجلال یون فیو ترخ و از دیار
بولوب نهضت شرف ویر دکلر کج کوبنده قضا و قدر بوبیت بکاشی نشاد ایلیه
این مناصب که دیده خویشیت کار کللی هنوز در قدرت و بوفته دایه
فاکر اوله کج کوشش و نظم اشعار بلاغت سحره آرایش اوزره غواص طبع در بار
دریای بلاغت و اشعار دن اخراج ایتدو کج لائ آبدار عوس بلاغت و قضا کوشوار
اولمدا حوی و ایلق و یکران طبع عالیشانیه اشعار افرانندن میدان بلاغت و بیانده
اسبق اولدوغی موز و محقق مابینزده اولان اخوت و قلت و ذات ستوده
صفالمرنه اولان فتوتک متضاهی اولدیکه مقدار العاب بیکر انکریه اوراق الطباق
جوانه بر و صدف مجوعه زانج در مدایج و مفاخرای ایلیه بر در قلعه لکن هرنه دکلو
اطباب و اسهاب اوزره آفتاب عالمک بدن بر ذره و قطرات بی بانه یک قطره دکلد
بناء علیه بومقدار ایله اکف و اختصار اولمده بوبر ایکی اشعار اولان کامکار کرد

ساقی بر ایله باده ایله ساغنی
هسب سیم سمشکن بولوک ایلیون
شول دل کیم سنگ خارادن تبر عشق ایتیز
جانانه عجب نهر مجتده کم اولدیه
رقیب رو سبک اوله باشی مغر التده
دینم بالشر زکاره ای خواجا اولوب غور
نولای معدن هر دوف دنیا غن حکیم
مسیحی کج کوک ابر کوردی عالم کربید
شرار نار آهدر یقین افلاک سراسر
ایلدکن کان عزیز چاه مجتده خلاص
سورای طیب سینه جوهر حرم
ای دوست بنم دیده غمدیده ده نم وار
مجت تخمی خود هر یرده غرم حاصله ایتیز
شوریده کوکل صغیر ایکن کون و سکانه
کرم قبل شمسوارم انی خردایت شمشیر التده
دم اولور کم بولنر سنگ خار ایشلر التده
محققدر اولور خاک سبک جوهر التده
بتلق دایم مکن قلدی قارونه یر التده
انکچون اختر بنجم تیور خاکستر التده
مع حسنک یوسفی بر دلربایه مالکتر

عرو

عرو مولانا عبد الکریم ایکی عبد صغیر الوب بریک نامنی زید بریک عمر و قوشیدی
زید عمر دن متمتع اولوب عمر و قوشیدی اولدغی کجیل علوم عالی مقدار و کجیل معارف
و لطایف بشماره صرف قوی و انظار ایدوب شول کر چکدن اشتیاق و یرشدر
اکثر اشعار ی تنک کج کرده و غریب قافیه لرده واقع المخله مقبول طبایع اولوب
میان ارباب طبع سلیمه شایع اولمدر مرحوم آق حلی ایله مصفا و معارف و بری طبع
عیش و عشرت مبشر ایدی حکایت اولور که برکون ایکیسی بر جوان خندان راست
کلوب دلبری مصاحبه طوطیچون اعلی عالم حسنک نانه ماهی وای ملکک لطافت
و ملاحتک بادشاهی لطف ایله بانه ایکنر کجیا فتنه اولوق دوشدر و شکر و هیتمز
نه چ فتن اولوق استبر دیدکمرنه جوان سیم اندام سخن خیم و شیرین کلام دخی
اوستکره علم و موقت دوشمز و قیا فکر متقنای اوزره ایل علم و کوز احتمال اولمز
دیوب ربورای الزام و افهام ایتمدر حقا که اخبار و انار اشعار ملاحی عاری
میان احاد و افرادده مشهور و نواتر و چاپشنی عشق حالت سوز مانشه آفتاب عالم
افروز کلمات پر نکاتده روشن و ظاهر در بواشعار اولوق غامدار کرد
قوم بیل قوم فغان ایلیه عشق عالمده داستان ایلیه الحق اوچم بلند پرواز اول
عوشه حق آنده شیان ایلیه جلوه کاک فضای قدس اولوق غم حای لامکان ایلیه
جانی بر دلربایه اهرله اره دن حق ضایه اهرله ال کلیدن کوکل ختیه سنگ
اولت دکن یاهرله دل شیدا کی اولمادی و یرتو دلبر بر جفایه اصمیرله
کحل اکچون خاک پازینر عرو ی باد صبا یه اهرله سوردم یوز می یکیکه باغ ایزکن
رفعنه باشم طوج به ابردی قد مکده عایه الله مخفی عنایتی در آینه آینه لکک انککود
حرف قافیه مذکور اولان طبع در چلیک که اسپارته زاوه و یکجکله مشهور در اولمید
بودای فقیر لک خالیدر حقا که کردن وجود بهبودی قلاید معارف نامدد و ایلم

ابتدی نری تبرغم جوانه نشانه . بسک عجب نیک اولی نشانه کمانه
عاشق جهان ویر و زین دلرباسته . دلدارای کور که هیچ صابر نیلانی
عهدی ادرند دندرس سلطان بایرید خان . عهدنده کتاب دیوان و خط ایلم
موقوف اولان اکابر و اعیانند . بوطلمع پراشتار و شوندرت شمار اکابر
قنده وارم سایه سر و بلندم دارا یکن . کیمه قول اولم سنک کیمی افندم دارا یکن
عهدی ادرند لیدر نامی علی . لیدرم شیخی اوغلی و یکله سرور و جلیدر اولم
علی ایدی صکع عهدی لیدر . طوق علم سلوک ایدو . آخوالی قیام کیمیکم مدینه
موزل اولوب شیشه خاطر معارف پیشه سی سنک غول نهادی ایلد منکر و رافنده
اکت و اقراندن متاخر . اولوب آینه آمانی رنگ تعدم امساله متکدر . اوغین
یوخی کیمی قیام بقا عداختار ایدو . شوی نظم سادو و کلام موزون مقول سی
بنی طشامغه اطفال او شور و طلالی . وارسته عهدی بنم دینده جمنون بدلی
دود آهم کوسینه ایتیز اوک . جسته قویزیمش کیشی بی قاره علی
دو کرم کوزا بن اطرانم بنطه کیم . یار ذره دهجون ایدرم رمل علی
عهدی بخدا ایدر نامی احمد در . بابا شنه مولانا سر در متعبان دار السلام
خطه و بخدا ایدر اخرا مدن ایدو . کندوسی و فی بلغا و شوا ایلد آشنا . اولمغله
دیدن جانیه کل معارف و کمالات ایلد روشنا . شهادان بلاغت و بیان ایلد در
عهد و پیمان . ایدی اگرچه اکثر طایفه اعجمی نظم ترکی ده قاصد در اهل و دقایق
و خطای زبان و زبوره غیر و اصل در لکن زبور کی شاری رومیانه و استادان
اولمغله سر قد قبول ایل عرفانه داخل در پنجه زمان استنبول و محاکم بلغا زمانه شمع
اولوب کاشانه ندر زبور دن طالع و لامع . اولان بلغای و اقربنی مثال بودین
بره جمع ایدوب مذکره کثوایز سدر . بواسطه عار اسکندر .

ایده که استوار و کثور و کثور

جان متاعی بولدی بازار دهر ابحره رواج . کل خدنگ غره کیده که لطیف است بواج
قان ایدوبای قاشی باولدی اوکلد لیدر . یاره مک اغزن را رواج اچکون هر زان
او ق کیمی فاده که اندک بیانه کر حکیم . خاکدن کلک کوزدک مینه ای بروک
عهدی دیار رومه کلوب ایدو . کورنمز اولدی کوز و مده ملک عجم بنم
عباس نامی محمد در بابا سینه عجم حسن دیرلر . روم ایلکرنده فاصل فضا یای مردوزن
ایکن ترک مقام جنت و شیون . ایتیز ادرند ده قاضی مدرسه سی دیکله معروف
مدرسه کیمانی و واقفیدر عیانی زبور ادرند ده بابا مدرسه سنده مدرس اولد قسین
انا طویله قاضی اولشیدی حکایت و نور که دیار کرده پاسبین او اسنده قاضی
ایکن قزلباش بد معاشه اسیر . اولوب دیوانه کیمی سلسله و زنجیر ایلد رئیس قوم کمره
اولان شاه بی انتباه . نکبت سپاه . وضلالت پناه . یانه وار دقده در درون عیان
ایتمیوب جوب زبالمع . و شیرین بیالمع . ایلد طماس خناسک مصاحب و سرور و شایخی
و مهر دار . اولشیدی ظاهر الزمره صورت اخلاص کویستر مکه . تر دستکله لکرنه خلاص
اولوب بقد دیار روم سعادت دسوه کلکده تصرف منصب ایلد موسوم . اولشیدی
هر کون معرفه مدخلی و اکثر معارفدن برپاره الی و اراید . شونده عالم بوقدر و بوقدر
دیمه تاثیر منصب ایلد ده ذاتک زمانکدر . با طول مذکره با زمان امتحان سندر
اگرچه کار تقدیر کدر او کار بقی خدا کندر . یوری سنده دورش بریکه دن شینان سندر
عباس مناسر دندر نامی سلیمان . ایل علم و عرفان مقبول طبع و لطیف نشان کسند
ایدی صفات جیاد کمالا . حقه توارت بالجاب . نظرندن دورا و مخلصه حال مظهر
بذ اعطاء نافی منن او امکن بغیر حساب . اولمدر طریق علمه ملازم اولوب مائول
دستولیه اولان منصبه وصول بولمیدن روضه جنان و سرای بهجت جاد و دانه دخول
ایتمیدی . اشا رنده لطافت ظاهر و نمایان . ایدو کچ بوغول ملاغت خوانندن روشن

گلشن صغنده بر غنچه زیبا سکن
 باغ قدرته یا خود لاله و هم اسکن
 نورسن صورتان نه یا خود روح بد
 که بوا آینه حسن بچهره هوید اسکن
 کورینو عکس خاک آینه خاطر ده
 مهر و شرف تره ناچیزه پید اسکن
 نو که کر گلشن کو یو که ارم دیر سه کو کل
 یوزی جنت لبی کو تر بو جی طوبی سکن
 ای عیان دل بزم مرده می احیا آیدی
 نو که گریاره دیم واریه عیسی سکن

عیان نامی مظهر در بابی طلب مفتیسی بکن عالم عقابیه سخراتیش در طریق علم سالک
 اولوب ملازم اولدقد حکیم خدمت مدارسه علومه قائم اولمش در قلم دو زبان
 وصف حال شان بوجویش عفا نه بیان عیان آید کده استنبولده فرق افجه مدرسه
 مؤول آید امید در که نیروی سعی و باز وی قوت اجتهاد ریل معانج عوس و داد
 و واصل آرزوی فواد اوله اکابر و اعیان زمان ایلد صحت و الفت قلشن اول از نهیک
 احوال و اطوارنی بکسر در راقم کوف بو غنی طرح ایدوب یاران صفای و اخوان فای
 شیع آید کلر نه بو غنی دیم در **غزل راقم کوف**

بولقی استر با که بگز بر مه تابان
 بنده بدم جوقی دوزخ بوجی سرگردان
 و آرمی خوج ایلد سه راه غنچه وار
 یولو که اولون فدا روح روانم جان در
 بیره کجی کند و بگزند و کچون لعلک
 اول حجاب التذنه قلدی چشم حیوان در
 در عشق کله جگر خونین دایرداغین
 باغ دهره کلر لاله و نعمان در
 ای حسن او نه بر مانده که دن مهر و فای
 اول پری و ش و ش عهد نه طور مردن دوران
 کجیدین دلرخانایا و کز کان در **غزل عیانی**
 کور میلدن یوسف کلچره می پیویش
 خنک قان اغلقده دیده کریان دجی
 رو سن بکن جام شملک درونم خانجی
 سینده بر روزن آجیدی خیر جانان در
 بزم غنچه باده اشکله پر در جام عشق
 هنکوز جیون کیدلر خیل در میدان در

خار محمد عیان فی ملک کل قان غله
 حالنی بلر هنوز اول غنچه خندان در

عیان برو سه دندر نامی در علم و کمال صد و تحصیلده و لوازم و مرام معارف
 و کمالانی نمیلده در امید در که معارفی ترانیده و مدارج ترقی به نصاب عده اوله

دلمی قلدی ای پری آشفته حالک اولیه
 با غم زلفکله هر دم پایا کت اولیه
 گاه لعلک عرض ایدرسن گاه خمار کدله
 دهمی و ابرو و جمله عشتاقه الگ اولیه
 سنده ختم اولدی کوز لکله دیر ایدم
 مصحف روینی عرض ایلد حافظ زاده

عیشی دار التمام قبه اولیا کرام احسن بقاع و بلاد اولان خطه پاک بغداد
 نامی حسین در اشعاری داده و کثرت و وفرت ده مرتبه عدد و حد دن زیاده
 سه اربع و نه ناین و نه بایه ده رومه کلکده خدمت راقم کوفه کلوب بو تذکره
 شام عید ابر و بمن نمون صاحب جمال نیست فردا عید چون پیدانشد اشب طلال
 عید اولدی او پیکار سن اول لقاالن او پیش کل اگر چه کد ابادت الن

عونی نامی مصطفی در مقدما سبق ایدن عوب زاده افندینک همیره زاده سید
 حضرت غنک لطف و عونی ایلد طریقی بر توفیق علم سالک و نصاب کماله بالغ المبلغ
 مالک اولوب عطا افندین ملازم اولدقد حکیم طریقی قضایه عازم اولمش در
 حالاروم ایلنده یوز اتلی قبه ایلد قاضی حاکم در حقا که فضا یل کمال ایلد آراسته
 و کردن دل جانج قلاید فراید معارف ایلد پیراسته قضاة اچره علم و حلم ایلد هنوز
 ارجای معور در بوسه انکدر

خوف الغین عیانی نامی عبد الرحمن در سواد دیده قران اولان شهر دندر
 اوایل تحصیلنده حضرت والد جلیل انتابیکله پنج فنون و فضایل کتاب تحصیل
 درجه و استعداد قریب اولدقد شاعر نظم و نحو ایدوب طریقن اکا حصر
 ایتکله اول فنده یکانه دهر اولمشیدی اولان شاده جوات وفاده ساکن ایلرین بی

بوسه انکدر
 در

سرکوی و فانک خاک ساری — ایقلر طبرخی یعنی غباری
 آینه ضمیر تابناک غبار تعلقات و تعینات پاک اینک معادل و حامل مرات افلاک
 اولوب الواح درون پر فلأخذ صور و نقوش اما لای محکوک و سبیکه قلب پر غبارینی
 پخته و مجاهده ده مسوک اینک چون طریقه علیته و نقشبندیه یه سوک اینشیدی پوزچی
 اول زمانده دیو بشپور جهان و مقبول هنروران اولمشیدی ترجیع ربورک بندی پوز
 غافل اولمه کوزک آج عالم کبر اسکن سدره ولوح و قلم و شمع معنی سن سن
 بعد سنه اربع و اربعین و تنوع مایه ده بیل طبع نورانی که قبه روحی نوای عاشقانه سی
 بر صدا اینک غلفه انداز چرخ مین اولمشیدی مقام دکشوب آهنگ حجاز ایدوب
 اول مقام بزرگه رویال ایلر سرفراز اولمشیدی پنجه آیام می و ربیت الله کوام اولوب
 خدمت طاعت حضرت ملک علام و طواف بیت پر احترامه قیام تام اوزره اولد
 خسته مناسروری عالم وحدتکشی و آسمان غولکک آبنده ماهی اولوب دباشنه
 سلطان عالم **معلق** سلطانیه و درویشی مسلم اینک نهمزاده سلطان معطفایه خواجه
 اولوب اختیار یله کند و چ چاه جامه القای تکلمه فروقات و زخوفات دنیای
 دنی پشیمته و باز بلند پروازی باز بچه مکر و فریبه فریفته اولد قده غباری بو
 بلاغت شعاع اولان بار سعادت مداردن ارسال انیمه **قطعه**
 ای سدره نشین عرش پرواز وای طایر قدس عالم راز
 ای طوطی باغ وراغ رفعت وای ببلستان غوت
 باشد دکل ندر بو حالک قطع اولدی مکر که پروبالک
 طیرانه جمال و قدر تک یوق سیرانه خیال جهنم یوق
 ترک ایلوب آشیان قدس دلدن چو بوب جمال انسه
 بالک اینک منابر و شش منورک اینک منازل فرش

رفعتده اینک منزلتیک عتده اینک نعل اندیک نه دانه دو شرب بس بودامه
 دو شنگ ن اولدی مقام کیم ایندی سنی بود و جلد نه بنده اولدی س که بوقیه
 بوخسه سی ایندی سحر مایکرایدوب ایندی سحر مایکرایدوب ایندی سحر مایکرایدوب
 بایکین سنگ اوزاخ نیر بکزر سنی خواب غفلت کده صبا دامل بودامه صالیدی
 بی کوزک اچ بوجو ایدکن قوزر سنی بوجو ایدکن غم ایلر روان طور آشیانه
 سحر ایلر دوشین تشنگانه بوخسه اوزک خواب نیرک اب جوهر کج تراب اینک
 سر مایک اولوب حجاب مشور اولدکینه بکرایه شور صم که بو نظم دلبزیری
 پردر و کمر بو بند پیری غباری خاک رسویر بل نف حق کذا رسویر
 حکمت الکک غباری سروری ربوری تعجب و تعجب بودامه دوشد و کن مکر آکمی
 ایلر تعبیر ایدر کن کند و باشنه کلوب اولان مکن مشرفه و مواضع مکرته قوتوب سلطان
 بایر نیرک و غلنه خواجه اولمشیدی سروری به بوقطعه کوند رکه باعث اول و لشدر که
 حدتاسنه اهدی و اربعین و تنوع مایه ده سلطان البرین و بچین خادم ارمین خضر فغان
 سلطان سیاه فغان سوز عافین ده اینک غباری بو غول دلمشدر
 نه بیلور شوقی هر مجنون سن اول حوالی بندون نه بیلر قهقه شیرین سر و کوه کندن صور
 غباری مقدم شامیدن سترک خبر الملق غبار اول بولر اوستنده کلندن و کیدندن
 کوه لای صبا بو شوق آمیزه عالمده نظیر اولورنی هر بزرگ شیرین سخندن صور
 سروری دخی غول بزوره نظیره دیوب آخونده بو سنی دیشدر
 بر اینک نرک بیتیلر غور اینک روا میدر سن ادراک ایلرک باری بر اهل کندن
 غبارینک بو معنادن خرات صغیرنده غبار قلوب بالا خوه شیشه بلورین کبی قطعه بزوره
 ایلر مایه البالغ اظهار اینشیدی قطعه و بزوره به سرورینک فی جواب طول و رازی
 واردر لکری بنب سوال قوی انهنن ذکر جواب ایلر اطاب اولغدی بون و قعه

اهل ساز گشته ابدی حتی کند و سی برز اختر اجماع و علم رملده و خج
 استاد ما هر و غیر دانسته عدیل و نظیری در عقده فراق کعبه سنده اولاد اهل
 التیامک دلبزخی الخط و بیاض روی ایلد اجتماع نه طریق حاصل و لور و عاشق
 بر ملاک خوشی فرجه مبتدل اولوب عینه وصالدن خارج ایکن نه طالع سجد
 ایلد داخل اولور دغن بلوب دل دبرده مهر و وفادن انرا اولمده و غنه عمار
 و ضمیمه عاشق بی صبر و آرام ده آرزوی وصالدن غیرنی مطلب و حرام بوق
 اید و کنه واقف ایدی حرم عاشق چلی نکرده سنده حکایت ایدر که در حرم
 التمش بایسته دکل دعوی سیادت انجمن کن سعد غنجه کلزار کیمی بایسته سبز ستار
 صا رنده بر مجسده راست کلوب صورت سیادت کلز قایم بخره ده نایسته
 و از نارنرا اشکر بوستان با شجده ده نایسته اولور دغن غالی قوت رملده لور
 دید که بیاض اوینه کمره فی عارض اولوب نیچ ایده لم دیوب سوج السیف الغل
 سنانی اظهار ایتشد اشاری ساده در و شکر را کند
 قابوچ دیوار ایدوب ارباب شقه نازد کند و بین بر کوشه ایلد کوستر اچازد
 غیبی منادار هنر و ران الیقذار و حج و منبع شوا و بلاغت شاعر اولاد
 منادار یکجه و وار دار و نذر نامی محمد در حد و تحصیل کماله ایکن غوغای
 قیل و قایه ترک ایدوب مولوی او شیدی آرزوی کشت دست مالک
 ایلد اطاف ریح مکنونی سیاحت ایدوب بر برد لکرات قامت و استراحت
 بر تشیدی باد صبا کیمی هر دیاری سیران ایدر و مثال جوین ر
 هر وادی به روان او کور و آخو سنده اربع و پنج و تسه مایه ده استنوله
 کلده دل غیبی غم وطن ایدوب بوقام ماتم و شون و دارا شجیان
 و خوزن آهنگ جانب صوت ذوالمانن ابدی حقا که طبعی متعرف

و اشار بلاغت شاعری سایه برکت و نرا کتده متورف اولان شوا و نذر
 اجدن بر مقدار امان بول ستره جهان اولمده ریب و کمان بوغیدی بو اشار
 اولان شوا و نذر ک لوج بیانه اظهار ایتد و کس کفتر نذر
 دیدم که در دهر دلت چاره سی نذر ویدی طیب و صلت کا چاره سینه در
 دولت دل خراب و بیابان خزینه کم مال و منال غصه باره خزینه در
 غنجه کل کینه ایش شفتک شها رحم ایلد بو قولکده بر ادنی کینه در
 دل روضه و خیال خلک نور احمد شهر بدن قیاس ایدر اولک مدینه
 با شینی قطره قطره غریبی روان ایدر ایتا قسیدی بای سنده شربینه در
 کز در قرص مبه طبله اچنده ماله مشتری در جسم اچنده در کرم ال
 قلیدی بر لعل خورشید شجده غایب کبسه غنجه ده بر بینه ایدی هر ژاله
 غنجه اوزره در لید صرین اچیت لب و لدار ده بریر کورین تنیاله
 اولور کم جان و دل نذر جسم نامی کمان آتش وار ریحایه نقدی فائده بقه بر دکان آتش
 ز خکله عارض کون کیمی بر بردن طبع کون نه حکمتد بو کیم آبله او شش نوامان آتش
 سپهر و مهری ظلمت طودی شنگ طاس باز مهر سبیه جیه اچنده کماله ایلر زمان آتش
 کلوب کوکلم آوب لفظ آرام ایدی کیدی غریبی کلیدی صانم المعذ اولکلت آتش
 سیر و زیاده چال اولوق دیکله معونی جنبیه تاریخ دیشدر نه کلک عیان تجریان
 خال نامی محمد در حسن و ملاحتده مانند خاله اولور دغن نور خاله کیمی خیز خفادون
 عال و آیات مدایج صفاسی جامع جهانده سان بنی نوع انسان ذاکر و ماله اولاد
 معدن اکابر و اعالی شهر بروسه نک شاعر شیرین مقالیه اهل معارف کلک کلک سیران
 نور بدنه حاله رنذوا و با شرم لایله در طبع غایتده کنده قبه تکلف و تصلفدن آزاده
 صاحب امر و معاشر شوا و طرف مشهور انام مقبول خواص عوام ایدر کند و صفنده دیشدر

کوزی آهولرک شوریدن حالے . هوا شوریده سی سکین غولے
 و بین الناس دله برادر دیگه شته اولد و غنمه بانه بویستی دیکه
 بجنون که بلا دشته گشت اینه ی سراسر . غمی نه کلدی دیدی حالک نه برادر
 اوایل حال و مبادی سن و لنده تحصیل علم و کماله اشتغال ایدوب سلوک طریق پر
 اینه کله کله اول نامه شزاده سلطان قورقوده که شزادگان روم اچنده
 قضایای علوم و تربیه اصحاب فنون و فنون ایلد موصوف و مرسوم اید و خدشه
 دامن در میان اولق آرزو سید معنی به واروب مرحوم مرحومک محبوب و محبوب
 اولان پیلر بیک که ساغر لطف و احسان چکدر و باده انعام یکران اچکدر
 اصحاب معارف و ارباب لطایف مجاور و فر و دار و دهر ادر علمشیدی خدمته
 اتصال ایدوب صرافیه مثال مقیم مجلس لطف و نوالی اولوب کیدرک مجلس شزاده
 داخل و شرفه مرحوم اصحاب لطایف و کماله نایل اولغین مرتبه توت و دودته
 و اصل اولمشیدی حتی شزاده اولان نامه معمره کتده سعادت وار خدمت
 شزادگان کاردن ایرلمشیدی و سایه مثال اول آفتاب دولت و اقبال دن
 منارف اولمشیدی روایت اولنور که سلطان سلیم ماضی تحت سلطنته جلوس و کرد
 کتان جهان غصه نده زمین بوس اینه کده شهابز بلند پروازی سلطان
 قورقودی کار ایلکچون معنی به نفست ایا یون و غم فضا متون کر
 اولدق شنه مر نور سلطان طغرل خانبه تفرقه نامه کوندروب برادر جان
 برابر دن توقع و تفرغ اولدر که برنم جهانده بکاهان پیلر ایلر برادر بصحبت و
 راضی نور کم بریز کنج مذلت اولون و دیشیدی آخ شنه خور طوطوب
 سرخیل کرده شهیدان و اعیان و ارکان وجود پر غوغا کبی متداعی و دیران
 اولدقه غولای هوای منصب دن فراغت و بر و تر بنده کیلک یانام تر بنک زاویه

درست بخون ایلد قیامت ایدوب بویستی دیکه

خیال چشم آهولرک هر بار . کیلک یایا به دوندک سینه بار
 بعده بنه هوا جابه چتر آرزوئی زواره ایدوب کوبنده دل جانیه شلوک
 منصبه آغازه ایدوب سور بھارده مدرس اولمشیدی مده عرفیه سی نام اولدن
 در دولته کلوب اعیان سعادت بخون برکده او تر میوب نیز کلکد یو سوال ایلر
 سوری بر اولغین او تر و بھنور ایدم دم دیو جواب و بر سدر و لطیفه ایلد
 اقشر مدرسه سین نویستی ایلد ایلد ایلد ایلد مدرس اولمشیدی قدری افندی قاضی
 عسکر ایلر اغوس فتوا بین طلب ایدوب قاضی عسکر دخی نوعا شیوه ایدوب بابک کلدر
 دمنده با غنمه باران احسان لطافت سبزه زاری تازده اولمز
 جهانده کوچک و بزرگ قشقه کرمدن راست هیچ آوازه اولمز
 افندی لطفاست اوچوب و کلکی قو مناع امنت اندازده اولمز
 بعد نه تلون طبع مقتضای آرزوی مناصب و حراسته فارغ و نایب اولوب
 عطایای دشت ایل و خزانه شرف ایل دن آید بیک ایلد قاضی ایتیدی
 مادر انا مدن شیر شیرین برینه زهر قهری چشیده اولان طفل دل خوشینی ناله و انشید
 شکین اچون بکطلان شده توطن ایدوب انده جامع وزاویه و حاتم بناسنه
 قصد اینه کده صاحب قران زمان و حرم سلطان سلیمان و عاتقه و زرا و اعیان
 و جمله اکابر دیوانی بوقطع ایلد در یوزه ایتیدر
 چونکه میر خردان اولدم بکابر بر کول ایلرانه اولد در شیم مانندی صدق مهر
 عسکر رخساره خلرله اولد هر گوشه بر کارخانه و بر میره یول ازلد هرگز به صانع اولد زیاده
 ذکر اولان بنارلی تمام ایدوب مع الدوام و دیران سیم اندام و اصب
 عرفان و اکابر و اعیان ایلد ذوق و صفاده بر دوام ایلر بر قوای ذاتی
 نعیم لایکده الدهر کنده و دن بهین افعال قیچ و وفیه صاکن و اکابره بخش خاطر

درست بخون ایلد قیامت ایدوب بویستی دیکه

درست بخون ایلد قیامت ایدوب بویستی دیکه

میر اسکندر اخباری کورس. ای کو کل عبرت الی حاله. حاصلی نوله ی عاقبت کوریم
 بود عزت و سعادت. داد بن زهر قهری اغرنج. فکدی سچ انتر حلاوتدن
 اول بن نجم طالع راجع. جعت واردی کمال قبتدن. فوندی نوز چهره امانه
 صر صرمت خیانتدن. رفعت وارد اوله امر شریف. ناکهان در که عدالتدن
 چکد بر سوی آسمانه همان. کوزوب ان فاک ذلتدن. کیتدی دونه دونه سماع ایدر
 دار آنه دیار جشدن. بوسنی بخلو قول اوله درگاه. اولدی آزاد قید جشدن
 بصدی بر اینج شادیدن. بشی فورندی چون منزلتدن. ایتدی مواج خوش طالع
 فوز محبوب عالم کشفدن. اولوسی دیرسی انک اصلا. خاله اولادی هیچ فقیدن
 دیردی اهل سما کا تاریخ. ایتدی عزم ستمو طالع فتن. امانا بویا بلاغت سمانه
 عادل دیو صانع انیقه رشقه به مثل. شواره عود بن ابوجسن علی بن محمد الانانیک
 وزیر نظر الدوله محمد بن تعیدیه دید و کی مرثیه در که عصفه الدوله زبور صلب ایدر.
 اجبایه جدی الماسن دیو صبا حدن غروب آفتاب شارقه. و کجور قنادل
 و شعل ایلد صبح صادق. وارجه جلست در ایدی. روایت اوله که عصفه الدوله
 دار دنیا دن گذار. ایدر که وزیر مزبور بر در ایدر. اتفاق اوله ده عصفه الدوله
 دفعی کت جبر و دن تحت و تابو تو منزل. اولوب سرای وجود پر براسی صر صر زوال
 و فنا. ایدر منزل اوله. علقه خیمه و خیمه. بجع انت احدی التجار. کان الناس
 حولک جین قاموا. و فودن اکل ایام الفساده. کانک فایم فیم خطیب. و کله فایم لفصلت
 مدوت بدیک تخوم اختفا. کدهما الیهم بالهیه. و ما فاق بطن الارض عن ان
 یفهم علماک من بعدک. اصدار و جوقیرک و استنباه. عن الاکفاق ثواب الایات
 لفظک فی التوسل بنشری. تحفظ و فو اس لقا. و شغل عندک الیبران لیل.
 کذلک کنت ایام حیوة. رکن مطیة من قبل زید. علامه السیاح المافیات

و تکر فضیلة فیها تأس. تا بعد عنک بغیر العدا. ولم اقبل منک قط جذا
 تمکن من عنق الکربا. اسأت الی النواذب فاستار. فانت قیل تار النایات
 و کنت یحرمی هروف الکبا. فغاد مطلبک بالبرآ. و صیر دهرک الاحسانیه
 الی من عظیم الشان. و کنت لمعسر سعدا فلتی. مضیت نوز فوا بالمفیات
 غلیل باطن فی فواد. تخفف بالدموع یاریا. و لو انی قدرت علی قیام
 لوضوئک الحقوق الواجبا. ملأت الارض من نظم القوا. و کت بها خلاق النایات
 و لکنی اصبر عنک نفی. محافه ان اعد من الجناه. و مالک نریه فاقول تسفی
 لانک نصیب مظل الیها طلا. علیک تحیه الرحمن تتری. برحمات غوا در ایجات
 روایت اوله که بویا عصفه الدوله استماع ایتد که نولیدی بن اولوب بولیا
 و حرافه بکا و شلمش اولیدی و یکندر **غلامی** قول اوله که بعضی کابر کل غلامی اوله
 مخلص خبوری اختیار ایتد و طریق علم سلوک ایدر ب ملازم اولد قد کج کل دوم
 ایلکرند و متعرق منصب نصفا اولمندر بویا کزنده اشاری و شتی کفنا ریدر.
 سابه دیوار دیرده بنی فوک منظر. تا کلخی اوستومه خورشید خشم بنم
 ای صبا طوند کس لطف کلزار انکن. دامن کل صبور سن اچه سن بار انکن
 آشناقی بوجی ای کعبه بیگانه نواز. ایل اوچه صانع الک برذر دیوار انکن
ع مولانا علی بن یوسف الفزاری در تحصیل علم تجده و طالب اولماین اختیار
 مشاق و متاعب ایدر و شغل اچون دیار عجمی سیاحت. و نجه متع هیران و کمر قند
 و بی راده اقامت ایتد. بوج بر فوای حب الوطن من الایمان. سلطان
 بایزید خان زمانده بنده و مودت ایتد که مناسرتی بوج حادیه و کمر
 انون بروسه قاضی اولوب بوج فای شکر اولمیدی اون مل مقدار
 صدر صد ارنج برقرار. اولمدر بوج غوال و لوب نه سکر نیل فایع عکر اولوب

افندی که اول از قبایض فصل ادب و فنون و معانی گرفته نام قصبه در باب اول
امیر شاه دیر. متعین قضاة اسلامون بر قاضی برجیس اخرام. ابدی خدمت
فلک رستگرنیک طبع فضایل و فوری. انانیت محبت معانی الامور. فوای اوزره مطارح
هم عالی لری معارج معانی به محصور. و معاصد نعت شریفی. مطالب و مراتب سامیه به
متصور. اولوب اتمه نعت. و جمله منتزعی. تحصیل جلال فضایل و معروف. و عنان
بکران سی و اجتهاد لری. وادی تکمیل فضل و رشاد و معطوف. اولمغنی اصحاب علم
و وفان. مایند قایق الاقران. نادر الدوران. هلال مثال و رالیه بالیان.
اولمغنی. بناء علیه سر و چنتر ارتقوی. خورشید عالم زید و تنوی. مشکله اوزره
جما غیر ام. مشکله اوزره و با جبر ظلم. و حوم چوی زاده افندی که باران فیض و احسن
بوستان وجود دار باب عرفانی. محضر و آفتاب عالم کلام و عوارفی. حوره ظفر
اصحاب معارفی. منور. تربیت قوایل زمانه ده قدوه زمانه. اولمغنی زید و یکانه
اولوب هر فنده می سن فضایل ابدی آراسته. بر سر و شیرین شمایل ایشسته.
البته انچه در کنر اینک کاری. و هر نه محله که بر نهال علم و کمال کوره. بر هر حال
اکابران فیض غامسی ابدی شود. و بر یک ششم و شیوه ذات بزرگواری ابدی
خدمت پرستیدن و دانشمند اید یوب منظور نظر مرام و مکاری. اولوب و حوم و قوم
عازم بهشت جادوان اولاده ملازمی اولمغنی در. الی فی ابدی مدرسه مصطفی پنا
خدمت افاده ده ارشاده. اوزره اولاد قرینی و زرا غظم. مشراخ. جلال الدوله
صلاح العالم. محمد شایسته استماع ابدی که. اول الوی لای خاکی اندکدن دفع ایتمکله.
درة الناج اکابر و اعظم ایدوب ذات بر فضایل و مکاری صوره کجور مشیدی
و اول ذات به شمول و ابدیه. و مناصب عالیله محل ایتمکله. وضع النبی فی محله
معانی بر نه کجور مشیدی. مدرسه بهمان خانه ده. مدارش علوم عالیله دایکین شام

شام شرف انجام. بدن قاهره ظاهره بر اخرامه. قاضی اولاد قرینی سعادت خجراته
فائز. و دولت رویال سده خزانامی حائز. اولاد گلکین موزال کجور. بدن
ایکی دفعه قسط طبعه حیمه به قاضی. اولوب ذات خورشید انارت. و شتری انارتی خود
استفهام کبی مستدعی صدارت. اولمغنی شرف صفا صدارت. اولمغنی. حفا که
بر ذات شریف. و بر غفر لطیف. در که حسن سیرت. و لطف سر بریده. دست پرور غایت
سبحان صفای طینت. و نقایص جلیله. محمود و معنوطا مثال و اقراخ. اولوب و جبر مشیری
جام جهان نمایی معارف. و طبع فضایل کبری. مراتب صور انواع لطایف. ذات کامل الصفا
انوار رفوت و اوصاف ابدی و موشی. چمن زار روزگار. نایم معارف و شمایل
محل و مروج. رواج فضل و کمال. ان الله تعالی فی ایام و هر کم نفحات فوای اوزره
شام جان جهان بانه فایح. آفتاب عالم معارف و لطایفی. اطراف و اکناف
ربیع مسکونه روشن و لایح. اولمغنی انواع علوم و اوصاف فزنده ماهر و علوم عظمیه
و نقلیه ده عدیل و نظیری ندارد. اولاد و غنیه ضوی و کبری اشکال. و ترتیب مقدما
نظر اید استدلال. ایتمکله حاجت که جمله علوم. تخصیص علم کلامی. اولاد و ده انامک
توقنه دلیل مدد که کلامی محض کمال اولمغنی. و کجور و توبیر اید کجور کجور. و نظر که
مقاطع آراء و فکر در. دعوی و رایتی اوزره دال اولمغنی.
عقل کلکین شیر او بود نمکله. حکمتش جیت طبع را شجند. استفاد از علوم او تعلیم
عقل البغیر در ضنون حکیم. علم دین و حقایق اسلام. مزج کرده همه بعلم کلام
خاشیه کجور و شریفیه. بر حاشیه شریف تمیق و تسبیح. ایتمکله در که اول کتاب
سنگینک هر قولی و دهن دلیران. و خیالات سخنوران. کجور و ذوق و دقیق در طوب
و توفیق انکار. اول آهین حصارک. در و دیوار ندن بر طاشن قوی بر حق امر حال
و نقب نظار لیه. اول حسن حصین و مداره. یول بولق محض خیال در. الحق قامت وجود

مسعودی آب خورده جو بار فضل بشمار در شمار فضایل و کمالات ایلد بار و در
 رواد و پرچم پرچم رایات افلاکی شان زده دست معارف بی انجام در ضبط
 و تسخیر ولایات فضائیلده حافظ و قهر اولسه سزا در هر نعم و در با که بلبل بر ارمه برای ضعیف
 اول کلتن قدرت و استطاعت نک مدحت تر تم و سروده آیتک آغاز این هزار دن یک
 و بسیار دن اندک اید و کنده رب و شک بلا شمه منفک در و هر ذکر جمیل که اول
 جمال با کمال فضل و کمالات اجمالده لسان بلفاف فضاحت مقال اصدار و ابراز ایده
 چهره بدیع جمال دن بر نقطه خالک وصف حکا اید و کنده کلام و مقال یو قدر
 زبان خادام ارشد بوصف و مقصور هزار بار بود معترف بجز و مقصور
 چونکه شهباز صبح و شامی قضا کون و مکانده هر آن طایر و ساغ و صف و اطرا یک
 جالری محافل عالی و اما کنده مدام دایره اولوب لسان هر بادی و حاضر مقیم
 و سفر آیت مدایج بی غایتی جامع و حاضر اعظم و اکابر ده تالی و ذکر در پس
 اول شهباز بلند پروازی دانه و دمام حروف و اقلام ایلد شکار اینک خیال خام
 و بدایع معانی مدایج و معانی لایبی طریقه انیقه حقیقه و حجاز و اسلوب مرغوب
 الطاب و ایجاز ایلد بیان و عیان قلوق استیلاات او نام مقول سندن اید و کمال کلام
 خیال حوصله محرمی بزم بهیات جهاست در سر این قطره حال اندیش
 لاجرم بوندن زیاده رکضات کیت اقلام مناسب حال و ملایم تمام و کله بود و کلو
 فضایل دن فضل لطیف انشاری و بی مثل و مانند انشاء لطافت شکاری و از در
 میراب خامه سندن مادیات بلاغت جاری و التام شعاع بر اعذن طهارت رکاکت
 محجب و متواری در بوبر یکی انشاع بلاغت شعاع اول فاضل روزگار که رشحه
 اقلام در باری و نتیجی طبع بر اقتداری در که تینا و تیر گشت اولد
 بر هلقایه دوشدی دل زار و مستمند حاصلش غزال مهره معنیر صبحی کند

بر غمزه ایلد ایتدی کو کل مرغنی شکار
 خالک سیاهه یوز سوره کلام کیه وار
 دوشدی عصاره شیشه بجز اچره در دله
 خالک اول یولنق دم کله شاید که ای غنی
 حباب آس زلفت از سر هوای جام جم بیرون
 تعالی الله چه قدر نازنین دلپسندست این
 پینداری چوپیران بر سرم موی غنیدست این
 طالعور با کون کوسر مین دور چکره
 دنیا به ویر زبسم نوله شراب نیایی
 کم رشک آسماندر هر نیلگون جبابی
غنائی لطایف بانین و هدایایه قنوق و ممتاز و لطافت هوا و نظافت فضا
 ایلد سر بلند و سر فراز اولان شهر استنبول دندر نامی علی در ایام جوانیده
 کجیل معرفت و سلوک طریقی کتابت ایدوب وزیر ثانی ایکن و دایع عالم فانی
 ایدن بیاله پاشا به انتاب ایلد کتاب ارسلنج جلالت شان و رفعت مکان کتابت
 ایتد در اغور غامق دیوان سلطانیده کاتب اولوب قاکار اولد قی قجیل کماله
 و طالب و جمع نمود معارفه مجد و راغب ایدری بود ایا مده و دایع جهان فانی و غنم
 سرای جاودانی قلمد رتائیر مخلص اید شروت و غنایه و کف و هدایایه و اصل
 و اموال عزیزه و نفوذ کثیره نایل اولمشدی بونکره به کتیر او بختیون بوفیره کارل
 ای لاله رخ کله بنجه تشبیه ایدیم سن پادشاه عالم او در ویش کلشنه
 اول نهاله ال ایشتر بوری اقدام ایتد باد ایدوب میوه و صلی طبع خام ایتد
غیر غنائی نامی محمد در دیار عجم خیل و خشم ایلد کلوب جناب سلیمانیده بقول مسلم
 اولان اولایا پاشا نکل اولاد دندر اسکندر بیکل او علی در معترف زعامت

ایدوب کاشانی
 ایدوب کاشانی
 ایدوب کاشانی

نور و نور و نور و نور

سجاعت و غیره. و فوت و حروقه. و دانش و معرفتی. ریزه طالب عرفان جو
 شود که دعایم گوشه نشینی. زمین و رزنده ستوار. اول که چکدن اشتها و دیر می
 و کله خط که اطراف لب جانانه کلندر. جناب خضر در کم چشمه حیوانه کلندر
 نری تو قومه لطافت و اعطای نار چمن. کوکل پروانه و شنار فراقه بانه کلندر
 لباس حسن سرور و رانده کی محل دیر. افندم بهشت هم هر نه کیسک کی محل دیر
حرف الفاء فانی قلبه دندر عیسی خواجه دیر کردید. لطیفینک خواجه سی
 اولی غله عجب مدح و اطرا ایتند. ایراد اید و کج شونق قطعا عالم یوقدر اول بود
 مطربا وقت طرب در الال دفع دینی. س قیا جامی کتور جلک او کون شری
 لکن بوغی جناب مثال منظور نظر ارباب مثال در.

دور اعلکین سنگ میخاره برین جناب. باش آتیق بالین آتیق او آره برین جناب
 صاف دل صاف در و نزار ایلر ز آینه دار. پاک چشمید نظر دیداره برین جناب
 کابینایه هی صفتش مری المیز عیسنه. وار میدر دیر رسه خانه زاده برین جناب
حرف نون نانی عبد الکریم ز ما هیتر قضا دن قلبه قاضی ایلر. وفات ایلر محمد
 چله نکا و غله در. زیک زاده دن ملازم ادوب و بسانده متفرق منصب قضا
 اولدق امانه و آمانی دنیا دن دخی قضا و طرا ایتدین قضا اتمی ایلر عالم عقبا به
 و بوجان فایدن کدر ایتند. بواسطه انکی گفتار نند.

نور حسن کم تراشده او هوش کوستر. همان قرا کو کیم ده موسایه آتش کوستر
 بیل ایتدی رخنن دل کیوی پرشانه. روم ایلنی ترک ایدوب ووشوی عزت
حرف ی بر دس قاضی ایلر. وفات ایلر اجه زاده نکا و کیدر بابای محمد چله
 بر حرم سلطان سلیم طرا بزند ایلر. اول شدرده حاکم ایلر فخری بر نور اول
 منده ولادت ایتند. اول همدن سلطان ملک فوت سلطان سلیمان ایلر

رضا عا خوت اولندر. بناء علیسه تربیت و نواز شنده نفه مقید او کور براید
 صحنه سی ایلر نهال آباله آسب زواله شکست. و منزلی کون کبی بالایی افلاک
 ایلر کند اجل ایلر قور خاکه اینوب پست اولدی لطیفی تذکره سنن مزبور یی ابراهیم
 پاشا و لیمه سنده وفات ایتند و دیشدر لکن خط و الدما جدا ایلر مسطور در که بو سوز خط
 ابراهیم پاشا و لیمه سی که سنه ثلثین و تسع مایه ده اید. اول کون موالیدن کج سنه
 فوت اولدی. اما پادشاه همزکا و غلی سلطان مصطفی و لیمه سنده که سنه سبع و ثلثین
 و تسع مایه ده اید. روملو سلیمان دیکمه کسور. بر مژدن مجلس کجده حضور خذ اوندکار
 اما فخری جللی سه فرس اربابین و تسع مایه حد و دنده خا و بانی مرصندن فوت اولد
 سیکه و کلمات. پوته لطفنده ناصح. و شوی سما ملا حنده طالع در بواشار ایتند.

چون سیه پوش اولد اول لبر شیرین چو کاش. قبله صنورم آب جنانی ظلمات
 جلالک مصطفی اطلال انک چشم ای دلبر. او قورار مکتب عشقده دایم صوی ایلر
 هر دم اول سیمتک طره غنبر شکن. قلدی بسته و سودازده شک شنی

خواجه دست حوادث ایام ارتجاع قلعه سپهر انتظا مندن کوتاه و نافع حصن ملک
 مینو اولد و غنه رفعت کنگره برج و بار و سی کواه. اولان قصه کونا بیه دن شیخ
 طریقه سنیه دن برینک ایلر و غلی. طریق علم سلوک ایلر و بو طریق امانه شوق اوزره ایلر
 قاید قدیر آبابی طریقه سوق ایلر شیدی نیجه متغ بای هو سی امن و حدنه چکمش
 و تخم فراغت و انزوا لیه. زمین فراغت و قی عتة کشیدی. هرگاه عباد الله خدمت
 و عطا و نصیحت ایلر اشتغال و جواج در دن صغیر و کبیری. قنبله بند و رخن تذکیر
 ایلر اشتغال اوزره ادوب جواب هر لفظ و زواج و غلی ایلر نیجه فسق و اهل شرور
 فسق و فجور لرندن تائب. و نیجه کمر اهل حسن ارشاد ایلر طریق صلاح و سداد ایلر و آب
 اولندر شوی بر اسلوب و بر غلط. اوزره نظم و سطر. متولسی. مجلس و عطفنده

نور و نور و نور و نور

سخن شیرین و کلمات رنگین و جوق لطایف و ظرایف ایراد آید در روایت
اولی که بر قلم ایلارالنده رقابت واقع اولمیش و غنطه حکایت طریقی ایله فلان
زمانه فرنگستانده بر کافرو ایشین دینده خیلی قیم معلون ایشین دیو شخص مرنوره
توریش ایدرک پنجه ماه سال ایدی که آرزوی ملک متعال ایلد بکلا لام بود مال
ایری افرسندغان و نمایین و تنع مایه ده دیار عقبایه انتقال وارخال ایلد فراخ نووی
بر طرف اولدی هوسر کندی هوانمندن کیرد نیدن آفرودکن دنیا بکاسندن کیرد
خال رنگین ایلد اولکل کل پرچین اده سی کاربان دل عشاقه حوامی دره سی
کلشنده عالمک ایریز نو بیره بیج کس زاعلر آزاده و بلسل کرفاق قفس
قنوباشم دمدم دریا کبی ایلر خوش بلنم قنن کلور هر دم بکایار بوجوش
عشق بول بول اغل زین ایدی عریان کج اولدم ابراهیم ادهندن فرافوقه
و قه سلطان سلیم و سلطان بایزیده بو قطعه سی بین اجمهر شهور اولمیدی
چون بکیم فکر و قهر سلطان ازل تخته باخته نابوته تقسیم ایدیلر
بخنی کور کیم تخته نابوته بندی بایزید تختی بر شاه سلیم الطبعه سلیم ایدیلر
فردوسی هوا و خوم و بیه زار فراخ و درختان بار آور و بنیز خا ایلد حدائق
فردوس برینه مبارانده کساف اولان شهر برده دندر اوزون فردوس
دیگر شهر در توارخ و حی خزانده خیلی استخاری و خزانه ذرونده بو متوله
نمود نامعد و ک استخار و استخاری و آراکید مرصوم سلطان بایزیده
نامه سلیمان نامه اولو اوج یوز کس جلد کتاب البیفا ایلد اولی عالین باب
بو جلد دن کس جلد انتخاب ایدوب ماعد استخار و اقیامک زبور ک آتش
غضبی التهاب اوزره اولد قده اشد فردوسی طوسی اول لایکته ستوده صفقا
حقن ناشایسته ایتا دیکره اول بوم خوم بوجر بوم من محل قرار اولی بیتی ناچار

اولی و در حال اولی و در حال اولی

دیار عجمه فرار ایشیدی کلمات مقتول طبع کون کبی قطعا مرتبی وصفی اولمش اشعار
بی صفقا همانا کلام موزون و مقفی متوله سیدر بو شعر انکدر

فردوسی روم ایلنم مومون موره ده قصبه منسره دندر طریق علم سلوک ایدوب
ملازم اولد و قنن صحن قاضی و حاکم اولمیدی بو شعر انکدر

باشه نیدن ویر فریم بولکله انی بو نیمده نیچر بر کورتم بار کرانی
یوز نیه خط کلجک رام اولدی یار بکا خضر ایشیدی دلا خط مشکبار بکا

همانا بو معنایه والک بو مطلع غا اسندن سرفه ایشدر اول مطلع بودر
شوق روی ایشیدی آتشی مکن بکا ای خط دلدار کلد ک خضر ایشیدی سن بکا

فردوسی استنولدندر زمانده جویار لطافنگ هر دنا ز پروردی و عالم
حسن و ملاحک بکانه فردی ایدی جع روی نیکوسی پر ریش اولد قنن
برش و ایفون ایلد بر نشویش اولمشیدی اوله هالده که آفتا جینی زواله ایشیدی
عمری دخی کماله ایدوب آخونه انتقال اریل ایلدی بو شعر انکدر
بنم ماه سپه چرم کیر بر شیکلاه اگری انجگون باشم اوستنده اولور دود
هچ پرده کوکده ذرحه بو قدر قرار بکر هر جای اولدی کون کبی چون شهر بار بکر

فرخی ولایت همار و خاندن قصبه آق همار دن شاه پیر فداء شوا ایلد
شمار دندر و قصبه سنده جهنت تولیت و کتبت ایلد قناعت ایدوب نیکه همانده
لنگر غلت ایشین کوشه نشین مقام انزوا و فراغت اولمشیدی اشعار غنوانک
روی فرخی بنیشت ملاحظ ایلد خوم و خندان اولان شوا همانده دندر بو اشعار

پادشاهم خاتم لعل دافن کلمی وار عالمه حکم ایلد هر سلیمان کلمی وار
خون چسکده دندر کورتر سنج لعلک ای افندم بن قولو که بوخه احاسن کلمی وار

زبور اشعار

اوید و ب قند کیدرسن بر سوری غنقل **کسمکه** ایوب انصارید به قربانگی دار
 بر وفات کو کلم آلدی کتدی یار اولونگا **باینه** دو دندم صبا کبی قرار اولونگا
 کافرا و سوغی ایوب عالمده بر سوبین **مسی** مسلمان بو بولده اختیار اولونگا
 روایت اولونور که مرزوری بیت مذکور چون انکارا نید کلرنده کافرا و سوغی بدم دیو
 توجیه ایوب الترنین خلاص اولمشدر **فروغی** قسطوبندن کوشه نشین و غزلت
 کرین کسمه در خلق اچنده شایع **مقبول** طبایع بعضی مقطعات و ملاح **مشرق** مشرق
 لامع و طالع اولمشدر **بواسعار** انگ کفتارندندر
 اول اوجشبهه انجیوب رقیبا **دیار** ترک ایدر سک بهیصرا
 عالمک چون گذاران اوزره در پیش **نی** سرور و ملول انیمه ذوق واسطی
 کنده اسبندیدم بر اولونک **بنجه** اویچی ارنه صبا ال **دیدی** رمزیکه بجا چاره بود
 طولش اول بر قیودن اودن کل **فروغی** نامی احمد در طریق صفایق علمه سالک
 و مناع معارف و کماله مالک اولدقدن کن فراغت اتمیشدر **حالا** برو سه ده
 کوشه فراغت و انزوا ده **در** بوفنده ظاهر و بدیدار اولان اشعار سوزناک
 فروغی روشن و اشکار **در** بوبر ایکی اشعار مرزور کفتارندندر
 بر دو که سبینه می طوتردی اگر **یورک** اولسه در حدن اگر
 سبینه مک زخمه در مان **دیر** بیک **طوفور** می بجا ای فاشی کان احسانک
سبینه نام بر جوان **سبیم** اندام اچون کیدر
 ای دل سوب اجزاء تن کل کل اولدی جلوه **بندی** بنی قال ایلدی عشق انشیکه سیمان
 وزن تسلر اتونله جانیده را **بندر** جهان **حقا** بود در سوزند در اول بوفی کلیم
فروغی نامی هبته الله در سادات کثیر البرکات دن مظهر کلام لینه **سبیم** اکبر
 اهل البیت اولان خاندان سادا عیم السعادتند در معنی نام شرف انجام

ایمن عازم دالسلام اولوب فروغ شعله شتاری کشکوة فیها مصباح **اولان**
 عب الفجاج **افند** نیک خواهر زاده **سید** سلطان سلیم ثانی خدمت نیک خواجگی
 اولان مولانا عطاء الله افندی خدمتند ملازم اولدقدن کلین طریق قضایا لک
 و عازم اولمشدر **حاکم** قضاة کثیر الا فاضله داخل مالک مالک معارف و فاضل
 مرضیه السحای محموده لک **کمال** کلمه و جرنیده شامل بر ذوات کمالدر **مقبول**
 فن جلیل معارف تحصیل و تکمیل **ایتمک** معارف مثال صاحب نام جمیل اولوب فن معارف
 معارفه عمل نریل اولمشدر **حفا** که طبع عالی منشوی بوفنگ بهیج و منشوی می کوب
 نامدار و بهر اشعار اولون اچون خلیل کوشش و ورزش اوزره **در** بوبر ایکی معارف
 نهال قد و لجویک سنگ شاخ کل تر در **دیانک** زه غنچه **رضیک** کلیم کلیم
 کورنجه خالکی رو کیده قالدی مردمیده **فراری** کو کلیم زلفکده ای مهر و فرار در
 غبار خطی ظاهر اوللی روینده جانانک **دلا** آینه اهل صفا خیل مک تر در
 ریاض جنتک زاهد کا الماسی اوی **که** سب غنچه سیمینی یارک با که بهتر در
 عجمی مور راجع اوله علمی اوزره دلدارک **لب** شیرین جانجشی فروغی شهید و کرد
 قو کده داغ و شعله شتابر باد کارم **کدایم** باغ عالمده المده هرک دایم وار
فروغی ولایت صا رو فاندندر **طریق** علمه سلوک ایدوب بهره دار و مالک معارف
 و کلمات بشمار اولمشدر **ابیات** شعر فوئی **واشعار** بلاغت فوئی معنی دار
مقبول صحاب عتول **و منظور** ارباب انظار **در**
دلا بولنه افوب هر یکا به آب کبی **بوزینه** اورمه صفین کسنگ شراب کبی
 جنق جنق صو کبی اچ **فانکی** کرس **جهان** قانیه کوزد که کل حساب کبی
 فلم کبی که در رس **لوح** خاطره باز **کسمه** به دیمه قلبیکه کن کتاب کبی
 بولمعه جان و دلک ره برق بر لری **کلمه** ی تنگ جگره چالیدی تنق بر لر سب

شمع و پروانه فونی بویچه ختم اولد
 دل صوبری جام شرابله آجلور
 بوقلمون کوزلرم ایزک توزیلر روشن آجلور
 رنجاج ساغر باده ترابله آجلور
فضل کلستان فصاحت سر و سر بلندی شمره جهان ابو الفضل افندی که
 مرحوم مثلاً در یک فرزند سعادتمندی در اوایل حال و زمان اشتغال
 بسادی علوم عالییه کما ینسخ تحصیل و سایر معارف و روحی علی مایه مکر سوم تکمیل
 ایدوب بر صاده مؤید زاده به دانشمند اولوب اندن لازم اولد
 اول تا ییده روم ایل قاضی مکر ملاً خلیلی ایلد مرحوم مرفو مک بدری مثلاً در یک
 عداوت سابقه ای و لغین مرفوره قصه اذیت و جفا ایلد و غلغنه سمت قضایه
 سابق اولغده متقاضی اولغده مرفور دخی بالآخره قضایه رضا و یروب روم
 ایلکرده قاضی اولمدر ربع مؤید زاده کرار روم ایلد صدر عالمقدار اولغده
 انواع حکام و احیان ایلد خاطر و یران آبادان و شبنم لطف و گرمی ایلد
 غنچه درون فضایل شگون کل کسب خندان ایتشیدی بعد انا طولی و قدر در
 اولوب اندن غل اولغده حکم روم ایلد دفتر داری ایتشیدی مکر اول
 مرفور اصی فضل منصب دفتر دارلندن عزل اولغده نواحی شهر استبول
 طویانه نام بر مقام بلند و قتل منیع و بر جای شریعه که قدر کا ملان کی عالی
 و رفیع ایدی بر باغ بر تزیین که نمونه فردوس برین در آراسته ایدوب
 ذات بانی قضا و انتباهی و ماتقدتوالانفکم من خیر تجد عند الله بشارت
 دلخواه ندن خیر و انگاه اولغین من بنی مسجد ابی انته له بیافیه کتبه
 مصنون نمونه اقتدا و بوباید اطوار و انار مقتدا بان بزرگوار اکتفا ایدوب
 پنجه تنه باغی سه فریده بر جامع و کتب بنا ایتشیدی اوقاتنی انواع عبادات

مرفور

و خرو و صنوف طاعانه صرف ایدوب ننود مکر کرامیه سنی هیئت علما و شوا و شیخ و صلی
 صحبت جنس و وقف ایتشیدی مثال وجود نامداری سبزه زار و زکارده پنجه اعمار
 ثابت و استوار و راسخ و برقرار اولغده حیات و زندگانی جهان فایدن شمع و بهر
 اولوب حال فرخنده ماله تا صدق طوبی لیل طالع عمر و حسن عمل اولشیدی ایام عمر نه پیر
 ایکن طالب ثواب بودان و جالب بقاء و دو جهان اولوب طواف بیت الله و ام و رومال
 سده سدره احرام خیر الانام ایکن محفل عزیزی بسته ایدوب بسته بسته اول طوبی و توفیق
 سه اشین و ثمانین و تسع مایه ده لیلی کویان احوام اکنان ایلد عمر کعبه جهان
 ایلدی حقا که فضایل خلق و خلق ایلد مستم صغیر و کبیر و فور کسب و ظهور فراسده
 بی عبدل و نظیر مد اخل متابع فضل عمکا ذات جلیله مخصوص وایت ذکا و درایتی عبادت
 جناب عزتدن محضی و منصوص لذت ایلد مرده لطیف الکی و رده معلومی کثیر تحف و علی عزیز
 خاطر نه اول قدر قضایه عریته و لطایف ادبیه و اسرار لطافت شعار و انار و اجاب
 و نوادر و اسرار و اراید که اقلام سکین ارقا مله شمار اولغی و خانه مثبک کوثر
 ایلد اصدار و اظهار اولغی بیرون مرتبه اقدار در صغر سندن ملازمت سلاطین کما
 و جمالت و زرا و اساطین ذوی الاعبار ایلد متادب و اخلاق اسلاف کرام
 و فضایل امان عظام ایلد متخلق و متهدب اولشیدی سن بلوغه و اصل و بالغ ایکن
 انار معارف و لطایف سبزه زار صغیر ندن ظاهر و نایغ اولشیدی سلطان بزرگ
 نکس ردیف بر قصید بلوغ و شریف دیوب بالذات حضور خاقانین او قود قی
 خیر دعاسن و حد و عددن افزون جویز و عطایاسن اکوب اول شاه کریم
 نکس و ارجیب و دامان بزر و سیم ایتشیدی سلطان سلیمان باغ حد و کربک
 بابا مع مثلاً درین خدمته ارتباط نام و علاقه مالا کلاهی اول مرتبه دن افزون
 ایدیک اقلام ایلد اعلام و ارقا مله افهام اولد حکایت اولور که سلطان مرفوم مثلاً

ایکن

ادری و حرم

دیار بکر قاضی عسکر لکن دیوبند یکی یکی که در مرض شکر کونند و ب کونند و دوی حکم
 حسنه در صحت و سلامت مصداق فکره حرف اید و واو عکس و حقه فراغت بال افزوده
 اولادش بر تربیت اید و زدیو بویور شد و مزبور کاشان نیمی موفات و ربانی
 و مصفا و وار در دیوان حافظ غزل غزل قافیه بر قافیه تشیع ایشید و اشعار بلاغت
 حضرت خواجه حافظ شیرازی فیض روح القدس ساجد و لایح اولاده نظم بی تکلف و
 بلکه ترجمان الغیب اید و کنده کمان و رب بوقدر لاجرم اول متوله نظم با کده جواب
 و بر مک طریق صوابین دور اولوب ناظم دیور کجک و کجک تعب و زحمت مزبور هب
 بهاء منشور اولد و غنی اند آفتاب پر نور مخفی و مستور و کلد و مرحوم مرقوم لطایف
 و نوادری بحید و حساب جمع اولده نیمی موفات ابوابی شکر کتاب اولد و کلد
 بر لطیفه غنی غایت خوب و مرغوب در که غفلت و اغراض سلاطین بر اجمال اید و امرا و عمال
 و سایر مباشران اعمالک ظلم و بالکن اعتدال مزاج عالم کون و فساد و اعتدال و ارتقا
 ملک و وجود و امکانه اید و جنوب ظلم فراوان اید و مانند زلف مشون اختلال
 کلوب ادا و اذال اصاغر و اسافل اعالی و افاضل و اناج و امانه تقدی
 اید و ب عینه و ظلم عادی و بن و صغیر و رعایا و کینه تقدی اید و کندن
 حاصل کلام علایم آخر الزمان روز بروز بارز و عیان اولد و غنی هر آن حکایت
 اید و ب تعلقات جوخ دوار و تغیرات الطوار دور ستیزه کار دن شکایت
 اید که حاضر و نثر اصلاح عالم خود جناب فضل توأم خدشده فرض مهم و کلد
 نیم سکر و شکایت و نیم بر غزل و حکایت دیدگرنده بزدن اولاد بخت کیشین
 وجود و امکان اولاد کلستان جهانی بزه سر سبز و نایاب سلیم اید و بر بانی
 خواب و بیاب و بر مک صوابیدر دیوبند و بر روی بواشعار انکدر
 از خال نقطه با خط عین سنه صد داغ عشق بر جگر چمن مشک سنه

بر برک کل نر کس نراب میزنی و زلب کلاب بر کراب میزنی
 آسمانی کبک اولاده کون کبی اولدی عکس سوز چاک اید و بیت و صلی ست سحر
 بنی اول ممدن اید و باجور لایقید اید و بنی جهان آره بندک جگر جگر اید و اید
فصل هر چه من فضلی بدان جهان اید و ظاهر و باهر و لطافت هوا و نصافت
 ساحه و عذوبت ایلد می سن ارم و سبانی حاجب و تر اولادش سبب اولد نذر
 نامی محمد در قره فضلی دیکلد و وفدر مبادی احوالده تحصیل علم صرف و نحوه اشتغال
 اید و کلد و نظم اشعار آیداره صرف قوی و انظار اید و ب اوقات ذوق ذائق
 حضر و حال و قالی نظم شعر بیتا لد فخر ایشید و مرحوم ذائق به تمام اختصار
 اید و ب مزبور نشان کرد خاص کچوردی حبه مرحوم صاحب قران ثانی و بلیغی
 سلطان سلیمان خان اولی شهادت سلطان محمد کور خاندان خوی زمان
 و بلیغی دوران قصیده اید و ب ذائق که قدوده عصر و زبده دهر اید
 قصیده سن جمله دن مقدم او فود و قدح فضلی نام بر شاکر دینام و ارد در اجازت
 و بر کلکون دیوبند قصیده سن کلد و دینام او فود و قدح
 بدین شهادت سلطان محمد عین سینی غه جقد قدح فضلی کاتب دیوان ایشید
 شهنشاه مزبور ک دیوان عمری بوزیلوب اول سر کلشن جوانی نهال اید و حب
 قرانیه شکست مرصه خوان و پایا لکنای خوان اولد قدح شهادت سلطان
 مصطفی آستانه سنه انتاب و انتم اید و ب بنی زمان اول کلستان صیاده
 بیل کویا ایشید و آخوالا اول شهنشاه ملک خفاک دخی کمال دولت و قبالت
 عین کمال و آفتاب عین سعادت و اجلاله کوف و زوال اید و کشف سینه
 سلطنت و کاحرانی و ارت ملک بخت سکنت اولان سلطان بیلک شهادت اید و کشف
 کریمه الشی اید و ب آینه دخی کاتب دیوان و صاحب خوان ایشید و اول نایب

سینه سبزه و تنه مایه رمضانده جو مقصودات فی الختام ایله بیرام غم غم
 دار کلام ایله حقا که نوی نازک و خوشترنیک قرصیم و سبکه زری زکاجوهر
 و صفا بیکردن رنگ نغش قر و فواج عود قاری ابیات و اشعار ایله شام
 دل و جان اهل عرفان بخت و معطر بوضه فضلی باهر نظیری در صاحب الحاق و اثر
 شاعران در مولات عدیه و تخیل و صنعت قصیده سی و ارد بر جوده های و مایه
 نام کتابی و ارد و تحفه بکرده دخی بر نظم مستطاب و گلستان طرزن و گلستان آدلو
 انشایی و ارد در جمله دن سرور اولوب خلق اکرده مقبول مذکور اولان کل مبلدی در
 حقا که بر نظم و کتاب مرعوبند که کل کیسه بر آمد و مقبول اعیان اولد و غی
 کل کبی ظاهر و عیان اولد و بیدان خوش طبعان گلستان عرفان اول نظم و شایسته
 عنوان عالم داستان ایتمدر بوبرا یکی ابیات و اشعار اولان نظم ستوده صفا کمال
 بلیک مجنون شیرینک لافزادی و ارد **عشق** کا عشق که صورت هر صنعتک استادی
 سکا کوز عاشق و دل عاشق و جانیک عشق **عشق** تنده هر قلم جانا اولد و جمله عاشق
 چون ابردی تیر عشقکانه اترق نیلگون جسم شرمید عشق او بچو استمر غم کفر عاشق
 اوبیانی غیرک ابر کور رس و سکه جانا نه درس غدن اولوغی سنی جانن چون عاشق
 سر اسر سوز و حال اولق کرک افشانی خاک که با یوب با قلم هرگاه انکله او عاشق
 سن بو کمال سنله مد فلک می شن سن نوع بشوده کور مدک بوخه ملک می شن
 کوز لرم اکره ادین سن سن ایکی کوزم نام بسم ایکی کورنده سن چوبه بیک می شن
 قطب مرادم اوزره سن دونه مدک بیل نعل ای ششم اوزره دور ایدن خویش فلکی
 دنیغ غن علف کبی بیه عشرت است دیدم هیچ قولی قبر تدک صوفی اسکی سن نه سن
 لذتی کلامک بل مذاق اولن بیلور یوخه به فضلی سوزده کج نکل می شن سن
 وصف ببلده بوابیا کل ببلدن دید

کلمات با حروف

دیدی بیلر بواره ده بوکدا که خفایه ویردی جانم غنا بک کستان اولدو که بی بر
 حومه قید کجیلده نجه با کسر بوچه با کتدر اونه طور دسک اکا حقد
 دله طور مزعج نه خوشد بو بلزم کم نجه او شدر بو نجه باش اغزیدر او مرغک مست
 اونم دک که انخوره قوشست وصف شاداه بوابیا ت دخی اولکت بدندر
 طنره ال اوزره کر زار دوشردی الی چودست چار خلفه ایدوب برود ظاهر
 شدت و ظلم ای یکد وافر کور و ب اول شدرنی خلق کور اوده ایدنیلر او جافه دوش
 او جغی خلق ایلوب جواب اولدی آتش برت شیند شایه بانه اینه او جفله دون و کون
 او دها سینه چمنی اودو حاصل شدرنیکه طوبی جهان اولدی هر شهنه خانه سی زندان
 بوقدر قدر اکرده شایسته کیر و کورتری خیلی چودو غلا اولدی ست سخی ایسم
 سیم غرق ایتدی عالم کینا سروده کیدر دخی خلوت سیمان قلدی کلاری سیمه تریزین
 ویردی ایدوب هزار دادوش جوی دجوبه کلکی کلکی کوش **فضول** فضول لطافت
 افتضای دل کریمان و شمعان کبی بهنا و واسع و ساحه لطافت ساحه سی خاطر
 عاظر عارفان فیض مظهر کبی شاده و لامع اولوب تخمگاه خلفا و ملوک پشین
 اولان شهر ارم آرا و زردوس تریزین دار السلام بابد و محمد علیه بغداد دندر
 اوایل جیاتن دم وفاته کلنیه شروانشایه کوشش و نظم و کفایه و زرش اوزر
 شاعر علی منش در فواج طرزنه قریب بر اسلوب بدیع و کت غریبی ار در حقا که
 طرزنه فرید و مکتبه وحید رشعر بلاغت شاعر و برناظم فصاحت و ناز
 در که لسان جام بابت انتظام خطیب مدارج منابر منال اوزبان قلم برات
 علم ایدک کاشف استار عرائس سحر حلال صنوت زلال صفای معالی رنگ
 سبیل جهان و چشمه خوشنود تابان و حضرت ریاض پر خوانه محمود
 و منبوط گلستان جهان و سبزه زار آسمان کردان در ساحه وصف کلام بر انتظامی

فضول غبار

اول مرتبه دن بیرون در که کسبت نیکام اقام میدان اعلان و اعلامن جولان
اینگه قادر اول و سخت و سخت مدح و اطرا سی اول صد دن افزون در که طایران
و هم و خیال اول هواده طایر و بر آن اولغه امکان اوله اشاری حکم و دین
و نازک و رنگین هر وادین اقتداری از شاعران مدار در زبان ترکیه چندی
دارد لکن جمله دن لیلی و جنون اشتیاق بولشدر مولانا حسین و اعظمی و فقهانی
روضه الشهدا این ترجمه ایدوب حدیقه السعدا نام و برتر از انصاف بود که
ترجمه و بیک کلام فی الحقیقه اول حدیقه و انیقه و رشیده به نول کلون مال
بلاغت و کثرت که حسین و اعظمی و بارن کور کور و اول قدر ریاضین
فضاحت انگشدر که بوی و جوی شام مشایخ جهان ابرشدر سلطان کثرتین خان
سلطان بسمان فتح عاقبت چون خطه و دارالکلامی حطام طوفان مله نریز
ایدوب اول بین نصارت قرین توغ سلطان فی درایات کثرتین و انیقه
بلاغت برین اولدقه اتفاق اول مانع موسم اردبانت ایدوبی داشت اولدی جهان
دیو عالم نداده و دفع خون و مکاله ساغر نکریم بیله لاله دن غیری در زمان اول
و بولبل هزار دستان ارباب عیش و مصافیه صلا داده ایدوب عروس بهار سکین باز
حلل کب لولوبار ایدوب و در رخسار کل طری و کاکل نفث طبری شبنم
عیسی دم حری دن مرشح اولوب ببل بیچاره شهادت غنچه خاره
اجل ای غنچه باغ الحاف کز نمانیدر دیو هزار در دله گفت و کوده و باد صبا
صورت کل غنایله خالیدی نینه دامن اول غنچه چمن دیو بریده آرامی
اولوب کلستان جهان نیک و بوده ایدوب شاعر مزبور وزیر اعظم و خلیل جلیل
سلطان عالم اولان ابراهیم پاشا و صد اگریم مولانا اعظم قدر کی اندینک
جناب والا قدرینه قصیده غزالی و ایدوب انکر حسن تربیت و وساطت غنایله

خاقان مسفوره دخی قصیده ویرد که نچه جوانی و عطیانده مظهر و جعفر اردل و جان
ذات صلات و احسان ایدوب محضر اولشیدی کل دیف بو قصیده لطیف و شریفی
اول خاقان واجب کثریفه ویرد که کل کی باش اوزره میر ایدوب و بوی لجوب
عالم کبر اولشدر بوبرایکی آیتیا اول قصیده بلاغت سماتند در
چقدی غایتی برده دن عرض ایدوبی یار کل سدی مرات ضمیر پاکدن زنگار کل
بتدی اول موسم که اجماعه کوکلر سلکته اولد کلسنده ریاضین خلیفه در کل
بیو خالق عادتین طوئش انکچیز بوکم عمر دن اولر جهان باغنده جود کل
قنق بیل فانی طوئش بلرم کیم متصل که اسیر خار اولور که بتلای مار کل
حد و سبعین و تنع مایه ده کل من علیا خان باده سندن بکران و صها
کل شیشه مالک الا وجهه ایدوبت و سر کران اولدقه ترک عالم وجود مستعار
و هجوت ملک استی بنایدار ایدوب دنیای ذنات مدار دن آهنگ دیار
وانق الاخرة لهی دار القوار اینشدر مرتب و مکمل معظم و مجمل دیوان غنوائی
وار در بوبرایکی کلام و مقال اول ناظم سحر صلا کدر
هر کورن عیب ایدی آب دین کرمانی ایدوب تحقیق کور شرع بوق جانک
قنق بتدر بلرم ایمانی غارت قلن سنده ایمان بوق که سن الدن کیم ایمان
بلرم کیم بلک اغزل سترنی و نوار المیش اغز کیم بوق دیدر دیدر کلر و اولیش
خوشم کیم دیمدم کرمان کوزم اول خاک کیم زبانی اولر اول کوزیا شک کیم تو بتا دند
فارغ ایدی عشق اوز که ملقا کردن حوز جانده صافدی عشق کیم ایلار دن
کرم کل کیم ساقه التفات کیم نوالر اکلدن کلد و کی خبری درین ایدوب اردن
صبا کوبنده دلدلر کیم نرافاده کیم بلرم برون کلور سن بر خبر ویر آشار دن
مقوس قشکر کیم دیمدم کیم کلد کلد کلر در که قانر دو کیم کلد زنگ طوئشدر

جسمی پذیرم رحمت با نیکوای بخوشی طاش. احتیاط است با نیکوای که قور و یانده نش
اولور رخسار که کون لعلکده کلبرک تر عاشق. سکا اک کن کل کو کدن این سر بردن تر عاشق
سپهرک فارغ و صکده ماه و آفتابند. غرض عید و صالکده ربوای و کون بندن
دوست بی پروا فلک بزم دوران بی سکون. درد جوق هم در دیوق دشمن قوی طالع بزبون
سایه امیدز انیل آفتاب شوق کرم. رتبه ادبار عالی بایه تدبیر دون
عقل و دینت صدای طعنه بر بردن بلند. بلای عشق کون کوندن فروزون
بیلده برک لاله تک تکین انشعاب نیات. صود عکس هر دو تک تا شیر دولت و از کون
کر بلاده بنا اولان چشمه بونارخی غایده خوبدر.

کویا بوجشمه بر شاد در راه حقه تشنه ایلر جست و جو
لوسی انگ دهنر صودی دل دو کر هر کیم که اولر رو برو
صوکبی از بر لاش او قروا با جوی دهری هر دم سو سو
او کینه کم کلمه دیر تاریخ چون ما حسین ایله حسن غنیمه صو

و سلطان سلیمان اسمنه بومعا انکدر
شرح است کنی فیض عاشق زانال طلسم کشته بهر حفظ آن سلطان در یاد
فغان کتب قلمند ز سلطان بایرید خان اولادندن سلطان عبده
سجاده کن اول شهادت بر اغراضک حضورنح علم مثال هفت از ده و شهاب زار
هوا و صبح و شام سندن پرواز ده ایدی غرایب حال و عجیب اتفاقانندن در که
بوفغان کن دخی نال جودی منصور وار بردار اولمشیدی شهادت به کمرده اسکندر
نام نظم انمشد اشعاری رغبت و اشتیاق بولاجی و اول عروسان بی حسن
و قبولک بر وجهه کوزه کور بچک حای بوقدر بونوخر انکدر مطلع
بشم مرد عین چشم طوتردی بونجه غزله بولکه سایل و لشکر بود رشیدی مندر لکله

فغان عدن ارباب ذکا وطن منبع شوا و معدن بل سخن زمین تراست رهسپری
نظم و فصحی بی عدل و فربه خند و وطن اولان شهر طربازن دند و نامی رمضان کند
بسته القدر یکی بر عنواندر مبادی حاله علوم آیه دن کجود صرغه اشتغال صحن عرف
تحصیل بلاغت و بیان و تکمیل بدایع و عوفا نه صحرای تکلمه شروع شوا عصر اولوب نوام
و خوانی نظم توانی ایله سما بلاغت و هوا و فضا حق بهما پرواز اولور دن فی الحالب
اقدام براعت ارتسام و دام و دانه نقطه وار قدام ایله تدر و سلاست و نسبیاتی
شکار ایدن شهاب زلزله دن اولدر حفا که اسرار بلاغت معارف و فصاحت و تارک
عطافات اصداغ حروفی خود و ذوایب حور جهان و عصاره عبارت آیات
سکر روان سخندانان زبان الفاظی عکس معانی نفسی اشعار بلاغت معارف
آه عاشق در دناک کی سوزناک و کلام بلاغت سماعیه آب روان و درون هجر در آن
کبی سلسله پاک قضای مصنع و مخجل نیجان کلام بر عنوانی بواقیت بدایع صنایع کلکل
مختل هر جتی کل شاعری بدل در اگر داین اجل اکاتفاضا آیموب بر مقدار اجل
ویره آید و حجت حیاتی حکمه محکم در ازین سبیل او کیده جوق شاعری کلماتندن
بلکه پنجه سن حیاتندن او صندر ردی بلی فغان الرزایا بالنفاس مولغ
مرحوم فغان قاره باج زاده واسطه سید مرحوم اسکندر چلبی به دخول تبرکده
بعض اصحاب غرض که مظهر فی قلوبهم مرض در مریضی شاید خدمت ابراهیم باب
دخی مشول ایدوب اول آید دخی مرغی و مقبول اوله دیودایما وزیر مرقوم فغان
ایدر کرد و هرگاه مثال و سادینی ذکر ایتمکله باز بعضی شتاقه شاق و بر کرد
اشاق اول شاکه ارباب صنایع و جودن بری طلسم ایدرم دیو تو جودن مانند
عوج بر شکل دوزوب کتور دکن وزیر مریض شکل مسوری و مسوری فی الحقیقه
طلسم فغان ایدو ات مبداء انتاع فایبوسی تر شوسنده دکر رشیدی وزیر مریضی اعدایه

ابراهیم با دخی مسلمان اولیوب بت پرستکدن فراغت آیمش دیوساوی غیبت
 ایند کزنده ناکرانی اعدای نغانی دخت زانند دیوسنی بوسیلد بچوایتدی دیو
 غمایدرد اولبت بودرد دوا بر ابراهیم آمد بدیر جهان یکی بت پرست و یکی بت نشان
 وزیر سانی اندکرا صواب خافک مکاید و فادعن صحیح و واقع ظن اید و حقیقی
 اولان تیغ سیاستله اثبات وجود جیاتن سلب ایدو بیگناه اول در دمندی منهور
 بردار ایدوب بی سبب استدر **لحن بدست**
 چندی کرجه ظاهر جسم نغانی کوکره دونه دونه چندی جاق آه و نغانی کوکره
 مائنده آسمانی کیدی کوکره باکر بویدی انک دغانی آسمانی کوکره
 بویر قاج اشعار اولی عوامدار کدر
 فشک ایند غی خالک دکلرای مهر و ستاره در که اولیدر هلاله هم پهلوی
 شیم کاکلک آتش نیم کلشنند ویشر کسنبه سندن امانت بو
 عرقدن ایلیدی چون امیننی زلفکتر طور و قورقنه نار عسدار که قرشو
 دیار دلدن اگر کم کچوسه چاک دی جان و غرسون البته ای کمان ابر
 نغانی باشکی دوک روزه بخلفند آق اچیه قاره کون اچند مشکدر بو
 اوایل حالنده حسینی تخلص ایلک لطیفی غزل مزبور حسینی نام شاه ایشدر
 اغلر کسبه کبردم اجیوب دیده **داغ** کوره بن طور سون ایکی کوزونه خون حکرم
 بردن اوستون اوله کردون **داغ** که جهان اچره نیم اوسته اولدر دوزنرم
 بنی اگری جعفر ماسون بائیکده خیر سرتیز یوزینه سورسون الواب بر اوج فام اول خوزیز
 دو کله فانی خلقک که نزل الابر بزه کلد که طوقنر کچر امال ایلر
 در نمی تویدرنن خاکین عجب تیرکای قاشی کمان سیمی غریبال ایلر
 مردم دیده کنار ایتکه اول سر و قد تمش ایکی دره دن صوکتورر آل ایلر

بو خاست عاکده اچلمر کله مقصود نه غم ای بلبل جان چونکه کله اعدم وجود
 اور بدرباشم جلا و غم کچم فرزند سیخ کوزمدن اوچلری چقدی دکلر کچم الود
 ویردم دمان لبره دل غایبانه بن مقدار ذره کورمدن اندن نه بن
 لعلک حدیثنه اچه مزدرجه دمان اسرار غیبیه واقفا اولان طبع خوده دن
 تیغ جوهر دار و صغفه بوغزال ایلر الزام معاند و نازعه بران طبع و حق نافذ و تقرق طعنه
 حذت او دینه تیغی نکارک زبانه در جوهر لری یوزنده نذر دن نشانه در
 بزکره در کله کله کچم شیر آبدار بر اچنده جوهری در یکانه در
 تیغک سپهر و جوهری بر بر کواکبی خون دلم یوزنده شفقن نشانه در
 تیغ نکاره نوله دیسم نخل رخون جوهر لری شکوفه کبی دانه دانه در
 شهزاده سلطان مصطفی سنت اولدنده یوقیده پرفضا حتی مشهور و مقبول ایلور در
 صبحدم آتوب عطار ددسته زرین قلم صفیه سیما کون طار و نه جلوی قم
 اطلس کردون قنقن ایلوب یقیدی نقل خاکپای فرش شاه ایتکه فرش قدم
 دکدی بر زرین قنقن میدان کردونه تیر آتوب بر زنه با ایدو کمان چرخ خم
 شاه خاور خورقن چقدی حصار چارم آسمانلر بروج چرخه چون دکدی علم
 دوا بر ابراهیم بنایه دیدو کچم بقیصیت سی دخی غرا و بی مثل دیتا
 بردون که خدش مله جنگ ایندی آسمان اولدی بروج قلعه کردونه چون
 الدی الینه تیغنی بهرام دار و کبر باروی چرخه چقدی نبره ایتکه همان
 اطراف کایانه خبر صلغه کنش او دیاقدی فتنه قلعه کردون ناکرمان
 کر کچم جانیه خواب جهان بولان او بودی فتنه عالم کواکب اچدی عیون
 و سایر تصایدی دخی مقبول مستدر جمله سی مشهور عالم اولمین ایلر **فقیر**
 روم ایلنده اسکوب جوارنده نانو ویکله حروف اولان قصیه دندر خرقه و فقیرا

وزمره شوا. دن کشاده دل شاه باز تو غل و مشغل طلب جاه و ملک استغنی
 دروننده اولان جوهر عشق جوانان. و اشک چشم کوهر فانی. ایله کوکل و کوری غنی
 کسینه ایدی طوایف مختلفه حیثیت ایدوب کبر جوده بر کتاب دیش
 بوکلمات وصف شوا. اولان ایستند ندر.

نذر شاه لک بلدی حالن. ایدوب هر دیر کن لغی حالن. کیمین ام المیوب کیمینی دانن.
 طولاشوب که دمان که میانه. ایدوب یوقیره در لوقه لالا. نتیجه جعفر آلا که خیالات
 نازه پنجاه دگون کر که برین اول کصوفه. برالدیه ساعد ساقی برالدیه ساغر باده.

فکری نامی در ویشدر. مانشی زاده دیکله معلوم بیکانه و خوشتر مرز نور دخی
 علی الوجه المقار. طریق علم بر سدا. سلوک ایدوب ساقه جوتی ادرنه جنسی اکین
 وفات ایدن پیری پاش زاده دن ملازمت ایلداتنها. بولدقدن کیم سالک منصب
 قضا. اوکده حقا که فکری و فنی. شوی رفیق. سیرت جلیل. منزه لقی ایل هر زنده
 مدح اولسه لایق و حقیق. قضاة اکین نعم فراوانی بزدول معاشرت و مصاحبت
 لذت و مقبول کسینه ایدی عجب در که عیسی و اعریشی کبر. ایله اولو طایفه نایه
 قطعا تعلق و عقیده ایتوب بلکه فرقه و زمانه. مدام لعنت زمان. ایکن آخر عمر زنده
 مکاره دنیا کبی هزار اردن قاش. و طوق مهر بر قهرن نیجه مردود کوشینه
 صالحش بر عتق شمل. و خدا غنه شوم. ایستلا. اولوب اول محنت و بلا ایلد لریش
 دزار و سیند پر کینه سی اول نیت و غایله خروج و افکار. ایکن بو عالم وجود
 ترک دیار ایدوب آهنگ حلت دار القار. ایکنش. ایکنش افکار افکار اولوب کتایه
 و بحر نهجده بهرام وزهره سی و نیجه شهر نکینه و قصاید بلاغت بهره سی و اردر
 ایکنش افکار و بی مثالدن بوجله جلیله نک عروس جو دینه طوق و خلایق لایقون
 ای کوکل آنکه لذت و نیت دنیا یله. نیکی فرماده نول پیره زن جلوا یله

ایدر ایدوب

سودی کوکل پرستم سیمت. بی مدد کافره قول ایتدی بی
 کجیر بنده سن یاره منافق مدد. یاندم اولاره منافق مدد عیال شکر مدد.
 بختم اوینم کوزاچدر مرالم و کوری. بر نظر الیک بکاهی کوزی آچقلم مدد.
 فکر یا طوغر کونه کوسرمه دلداری. کور دکی دم اولمه بد مهر عیال شکر مدد.
 کف پای سکایه شود کوز کوزم. قبرمش کوز کوزاوشش اول کف پا کرمه دم

فکری بر و سه دن ایل حوت. خوب طبع و خوش صحبت کسینه ایدوب
 لکن طلب معرفت. و آرزوی سیاحه. مکسی اولان صنعتدن فراغت ایدوب
 سرو مثال باغ جهانده فارغ و آزاده. اطراف عالمی هر بار کشت و تماشاده
 ایکن کشته خنجر تیر پستین حیات اولمشد معارفدن فرج معالیه آشنا. و دیده دل
 و جانیه کل عفا زده و شفا. اولمشد کسینه ایدی بو شعر نتیجه فکر مدد.

باده در صحنک کورین عارض دلداره. بر الفذر کویا ظاهر اولور رخساره
 یا قمر شوق ایدوب انکشت فخر کانیات. و یکدیله ایتدی به خود بر سر و در کلارده
 مرحوم عبیدی ز غره قاضی اولوقه بویته دیکدی.

موقوفه نینه بر معنی لایزالش سن. قلمجکله ز غره قاضی لایزالش سن
 بکر شاه اولوب بر دیر مهر و بنفشه عذار و سبیل مع. ایله پهلوا اولوقه بویته دیکدی
 بکرش ایلد پهلوا اولدی فکری **فوری** افند اگر چه قول اصلندن لکن بویته
 موالی سند ندر. و بوطایفه عالیک علم و کمال ایلد متعالی. سند ندر نانی احمد
 کندوسی میان شوا. سرو مثال نماز و سر آمد در هنوز سن بلوغه یتیم دین
 شیخ الشیوخ نقش بر مضمون حکم. مادی ضلیلا دن ذات حق نبی و طایفه
 شیخ اکبر حق الدین عربی. حق کربنی و انقده کور و بشارت و دلالت و اشارت
 بر هدایتی ایلد کشتی اول جان. عیان ضلالت عصیانده ایکن ساحل مانه.

و نفس ظالم ظلمت جهالتن نور توب ملک نور انیت ایمانه کلن مرد و حکایت و
 روایت ایدرد. اقدسی اولان نقاش علی یک بزوره سبب تحصیل شد اولان
 اموره فتور و لوازم و مهم بنابر قیصر تربیت قطعاً تصور اینیوب مذکور
 دخی دکا و فطنی موفور اولغین علوم الیه بی فوری تحصیل ایدوب بعد درجه
 استغاده و مرتبه عقل مستغاده دارنده جد وافر و جهد شکار اید زمان قلیل
 علوم خیمه و فنون مهمه به تکمیل اینستیدی آخر بوستان اقدی مرحوم ملک باض جنات
 برافضالنده سروشال دامن در میان و ثابت قدم اولغله شرف ملازمت لرل شرف
 و مکرم اولمشیدی بعد مدارس عالی ده خدمت مدارسه علم و کماله کماله باغود
 و الاصال اشتغال درزه اولو. آخر شام شرف النجا مده شیخ الاسلام اولمشیدی
 اول تا مده ندرت بر ملک عظام اید صبح فردز حیاتی شام دلوز همانه متبدل اولوب
 ریاض جنانه لذت لشارین شرابی نوش ایند کلزنده کاتهم لو لو مکنون
 غلامندن و فاکه نه تاختیرون و لحم طیر فایستهون اید مستقل اولو
 حفا که شعراء ردیک کبر او معاف خندن و بوز مره بلاغت بهره نک اعظم و اکابر
 بنیان فضل و عرفان و باران بلاغت و بیاندن صدف کون و مکانه بویل
 بر درشا هوار آزد و شمشیر و غواص و زکار اکاش بهر لولو بر اعتباری
 واحد بعد واحد کتورش در فواره دروننده نمایان اولان اینا سوزناک
 و کلمات شرفشانک بعضی بوجوین عرفان و مجله بلعای زمانه کمر شطیر اولو
 قاتک سرود کل طغوس و سوبله کل کلیم زحک ای غنچه کلکوسوبله
 دینو که در کرانایه یکیز دیر لکم اولمیدر کله ای دیشلری لولو سوبله
 سجده ده فامتا غلامی کرایت یار ای کوکل اگری او نور دینک طغوسوبله
 کریم قل مجلسی یارم اوک اغیاره سوبله سطر باهره بلورسک ایوتیلوسوبله

بدرنگ برین ام سیر فی وصفایت یارک فوری زنده یک کر طغوسوبله
 استخوان سرطوله خاک چهره مار و نور کتمیه فکر خط و زلفک دل بهجوردن
 غفلت تمش بلکلر نا کوکه او چاسون بو اول برینک جسمنی خلق الین کا فور
 پنجه شیر بلادن جسمی ابرسون تیغ حسرت اندک طرناق آره سینه کرمون
 کجوب ملک وجودی عالم غشقه قدم بیدم بوکوندن کرم اولمز سر عدم اقلیدر مقدم
 دونه اولمشین بر آره ایدو جان بر دلو کرم غمکله ای کمان ابر و اوقم اندم بایم بیدم
 ایکی بگرم بری سیرینه کدی صحنه صغیدن بدن بول کله دی جان سوزن بهر لاله قطم
 جسم نزار میده کور و بیا مایل دل دیدی تن ضعیف و خفیف خیال ظل
 الحق قومه رکاب و نش اوله جویغ تیز نه یاوز اول اصل نه بواش اول فصل
 موی میاننی تن زار مده موشکان وزن ابتدی کله لایکیسی راست قل نقل
 رتبعی دخی ریح سکونده به نظیر مدلی هفت کتور و بوطاق ششدرده
 مقبول صغیر و کبیر معشر لری نه ایته استادانه مختلری خود بو چوخ پنجه کانه ده
 یکانه در اکثر انار و اشغاری معلوم جوان و پیر اولغین ایرادی اید تطویل
 و تکثیر اولمندی **فهمی اقدی** خدمت والد علی الشانک دوحه وجودی بنواشته
 نمایان اولان نهال فضل و عرفان و شجره فضایل نمره لرندن سرزده اولان
 اعفان و افتان علم و ایماندن بری در که بر احوه راقم کوفه اولان عجب جفرک
 برادر کتیری در نامی محمد محمد و مجمل محمد در خدمت والد باجد قاضی شام شرف
 ایکن سه اشیتن و سبعین و نه مایه ده ذات پر جودی عالم وجودی شرف
 ایدوب کوکب جودی افق بروز و ظهور دن لامع و خورشید ذات رشیدی
 مشرق سرت و نویدن طالع اولد و غننه محمد خضر تاریخ واقع اولمشدر
 جو قدرش با سپهر افروز کرد و بی زبادت جو ذاتش در جهان آمد جهان آمد

خدمت والدیر افضل غار خوردن ساری سرورده انتقام انکال اینکند
 طفل خود سال فکشدی داعی بی بضاعه تربیت پدران لرینه حسب الاستطاعه
 قیام ایدوب بحمد الله الملک العلام تحصیل معارف و فضائیده کمالا بجایان
 کبی سوسی وافر و کوشش علم و درزش فمذده حد و اقدامی فضل بجایان
 متکثر اولوب برخواهی الشبل فی الحیثی السد ذکا و فهم انوار ذکا کبی جللی
 و ظاهر و مانند تبا شیر صلیق روشن باهر اولمغه تحصیل جلال فضائیده
 آباد کرا لرینه مقتفی و مقتدی اولمغه اوایل شغفانده مقاصد متاخرینه
 حمیدی اولوب ذات او حدی که اول بی نیایه و نالند معارف و فضائل پیره
 وارث اولمغه و احراز فضل و عرفانده امثال و افرانه مغبوط و محسود
 اولوب ذات بر خودی آیت وجود مصحف وجود اولمغه
 لاغرفانه شبل ذاک الاله العتار و ضواء ذلک القمر السار
 حالادخی غنچه پیرا دبی صبا دلکنای حق و طلب اید کفتمه و سانه خاطر
 جلیسندن غبار مولع تحصیل و تکمیل رفت در ماولد که عن قریب افراد روزگار دن
 اولوب اوازه اعتبار و اشتیاری غلفه اند از فلک دوار اولمغه قدح ارباب
 فضل و کمال عده اضیای جاده و جلال ناظم مقاعد الفروع و الاصول ضابط
 قواعد العقول و المعقول مسند بن نصب فتوی خلوت کرن ساری فضل و تقوی
 حالانچ السلام یقینا نام اولان چوی زاده افندی که طوطی جان
 نهشت فتوالریده بولازله کوب اولمغه
 ذات بکوی تو در فضل و صلاح و تقوی برتر است از همه عالم و علیک التوقی
 خدمت فلک رتیلدن ملازم اولمغه کبره بای ساری معا یلرینه نشید و مایس
 اچون سالک طریق سعادت رفیق تدریس اولمغه در یومی قریب انجی اید مدرسه

لرینه

مردمیه ده مدرسه علم و کمال مشغول اولمغه کبره وصول به خمین اچون
 مدرسه مروره دن موزول اولمغه الولد سربیه فحواسی و زره ذات جلیل و نبیه
 لرینه میرا شاولان معارف بشمار دن نظم اسم اشعار اواره اول مرتبه ده اقتدار
 و آثار اقلام متکبر بنک اولمغه درجه ده اعتباری و اشتیاری و اردر که نو یکد دست
 ساقی عمر بقیدن دوستگامی حیات و بقایه نوش اید قبه عالم وجود و امکا پر خوش
 ایدوب اجناس مبدع و لوفیب و انواع خمر غلات باقر و زبیدی اید بقیه ماکل چنان
 خلق جهان روضه ارا یک جهان اولمغه غنچ رب و مکان یوفدر تحصیل و تکمیل
 فن معما کوشش ایدوب سمل زبانه ضوابط و قواعد انتقاد اید بقیه ترکبند
 استاد اولوب بوقن شریفی دخی نامدار و بر اشتیاری اولمغه بر یو بر یکم معیات
 و اشعار اولمغه دم بزرگوارک آثار اقلام در بار بار نذر
 کیمجه دلدار بیدار اولمدی بر شمع بانجه کف پایینه نوز سورد دم مراد اوزره اویا
 اویور کن غزلیه بیدار اولوب المذبح اولمغه اویاندر دم صفا بزمنه بر شمع ضیا کتر
 شکست ایندی لب لعلک صفا جی جام نشیدی رخکایتن صورت بولمدی ثرات اکندر
 سین اولمغه مکه ای دل و خونی سر غنچه یوزک سور پایینه عمر کرانما به شتاب ایلر
 زهکنر بیل جان میل کلزار ایلر جان طونالم که لعلدن آشیاندر هر کل امر
 لیک و صفنده جانا بیلدی خونی کین نونا نظم خیال اکنیز فم اولمغه جان پر
 فراموش ایتون دیو و فای عهد و پیمان سرانمشنه مردم اوما یک رشته جانیه
 غبار رکندارک و اریکن ای مردم دین کوزه کوستر مزار باب نظر کل صفا مانیه
 حیاتم جو اولور نازیک کف ایلر اما سوزه کله کجه جان بخشیم دیر اولمغه افغانیه
 الکه نامه کی ای فم کلستان معانی در عجمی المسه طاعتن خادم کاند جولا بیه
 نراش اید که خطن تنگ اولمغه اولمغه کورن دیر مظهر اولمغه در تجلی ناز مویس

نازیکه گفتار به بلبل غنچه کرده . آجلور او غنچه فم حیف میان خارده
 تازه جان بولون مکن مرده گفتار کل . سخنرایی حیاتیست دم گفتارده
 جور کله صنوبر آینه خاطر عاشق . بچاره اولور بزنگه کلد کچه افانق
 قدم ناز جان میانی هوا سینه . ویردم متاع صبری سینه بوق بهاسنه
 عهد آینه طور و صورتی احوالکی صور . هر جا بیدر اول هر روان عهدیه طور
 بار عید ابردی دیو ایلدی نوشناده . ساغر می ال ادوب کلدی مبارک داده
 زخم شمشیر مژگان افشایدی . نسی بر او کجا به جن عالمه رسوا آید
 عاشق سوز درونی اوله کونکین **حسن** . حسن بی پاینده کور مرده خالی خندان
 نقاب روینک اول لاله خسار . نوار آینه کنارین رفع مکرار
 جو خنجر بر میان آن ماه بسته . هلال عید را رونق شکسته
فیض رام کوین اولان عید صحر . و ذره کمترک برادر کهتری مظهر کلام آینه
 من شبل ذاک لاسد . اولان محرم و عظم و مجید . در نای حین در روم ایلمنه
 یکی دفعه صدر اولان ذوالقو و القدر . مرحوم عبد الرحمن افندی عرو و شاد
 لطف به اینها سینه عاصم . اولوب خدمت مکران ملازم . اولش در اول شفق شفق
 ایله تفتن فی الطریق . ایله لم دیو داعی اخلاص ملازم . مدارس افاده به خاکم
 اولوب انر طریق صفار فنی قضایه عازم . اوله بر حفا که حسن صفت و حین سر
 در دریای فنوت و مروت . قدرست کتاب اسماخ . عنوان صایق نثر خاطر
 دریا مناظر . و فیض مظهری از بار معارف و لطایف بیسمار . ایله مزهر و چرا
 جهان حکام شانه . قندیل به عدیل فضل و عرفان ایله متور . قمری لایه نفس دانه
 نغمات بلاغت و براعتی سراوازیستی ایله مستم . و غنچه جان بهار دل و عار جان
 نسیم جلیح و بیان ایله بنسجم در ذات معانی نر جانک معارف بید و انجانی توسط

کلام . و تو تل کلام مسکین ارقامله . اظهار و اعلام . اولون خیال خام و تدر و فام
 مشکفانه . اولادی دور و درازده خام . اسکر مظهر و جوامع . در منی اخوت
 آرا ده حجاب سوسه مدراج دنا بی برین . نجه فضول ابوابی شمل رکتی تالیف
 اولور د . معنی خود فرو شنیدن خسار و اجتناب ایدوب نشر مدراج و شایسته
 اطباب و اسهاب اولمندی شمشاه طبع بر عنوانی . اقلیم فضل و عرفانی ضابطه و حاکم
 و بر فوای الولد ستر اینه معارف و کمالا پیره وارند . بواشعار بلاغت شعار اول
 مستح فضایل علوم . ملک رقاب عالمک مشور و منظومک گفتار در بارند ندر
 اسرار لیک طایفه نجه دل ایده پنهان . شمشیر نقایده و جامده حیران
 پایک التند صحنه کبکدر . بوز سوزر آینه کو کبدر . دیدی غبار یله کورن اومه
 منزل شمس بر عجبدر **فیض** . ارباب زعامت ندر هیچ سفره گفتار با کار ایله بیچ
 بیکار غمزه ایکن قولاری قتل انمشدر . بوبیت حسب حاله اولمشدر
 قبرم او سینه سمندن انوب اولمه دید . ظلمه اولمشدی نور اندی او کین او سینه
فیض حرف با که مذکور اولان طور سون زاده بقایه نک برادر کهتری نامی
 عید الله در طریق فایض البرکات علوم و کمالاته . فیضی شریف و نسب عریق و
 سابع نقیب الاشراف و منتی اولان معلول اده محمد حلیج دن آلوب خدمت شریفان
 ملازم . اولوب مظهر انواع الطاف و مکاری اولمشدر حفا که انواع معارف و لطایفی
 جامع . و مشرق ضمیر منیرین . ایله علوم و فنون خطیر باری و لامع . حلیه کمالات ایله
 اتقان در روشن ساطعه . آذان اهل ذعان صیت فضایل و عرفانی ایله ملو
 و مطن فضایل حلیه . و معارف کلیه . و جزئیة سی مشخص معین . اشاع اقران
 میانه متکاش . و فر . در معنون . در حاکم منقذی قطع مراتب . و
 مناصب اولوب بومی فوق آنچه ایله خدمت مدارس علوم و فنون مداوم و موا

بوبر اکی شاعر اول ذات فضایل شاعر که آنرا فیض طبع بر اقدار بدر
 شوی که کجی سینه دن تیر که با قاشی کما سیر دندی سیر کجی بولدم اندن نش
 کجی که رکن زدن و شاه خوبانم در یخچه لبه کدی سیر اچون جانم
 نیجه بر الده می سر خطه ساغر طونه لم آق کل کیس عرق نوشن ایدیه لم نر طونه لم
 کل که الده اوغچ می حرا طوتسه عیش و نوشن ایسه عشاقه رخا طوتسه
 کو کل فلکی سلامت ساطنده او مدین لنگر یه بیر کافر ک اولدم اسیری می سلطان
 بغرم دلدی نیر خون افشان ظالمک اوده او جیدر پیکان
 بی جهان بخش عشاقان اولدم **عز دای بیا کشتن اولدم**
 راه عشقده سنگ اشیاه افیلم **جفا پاش** قلدی صدر و قلب پاک بودلجی سرفدا
عرف القاف قلدی نانی عبه کفادر بو عهد فاکر والده طرفندن
 جیدر قاعده ولایت حمید و قصر لطافت و تراهی جانب استار ازلدن
 انواع سراج و منقبت الیه بر تاسیس تشید اولان قضیه اسپاره دندر امیر حمید
 قضیه مزبوره ذکر اولنان فاکر نیک اجداد عطا مندن شیخ قطب الزین العوائج
 حضرت زینب علیها السلام اولاد فی فی ای به الا لایام اسپاره زاده و یکله شهره حال
 و عام در ذکر اولنان قلدی انواع محفوظ و معلومی مترکم و متلاطم اولان
 مرحوم قره سید بن ملازم اولوب علی فوق کجاده بعضی مدارس خدمت
 افاده به مداوم اولد قلدی روی بکوی جودی دراهم دنتود نامعدود
 ایدیه بی باسم اوچون طریق صفایق قضایه سالک و عازم او مشکر درج دنیا
 والد قدس شهبان انشاء ابنا و احوال علما زمانه بو کونه کوهرا افشان اولور
 اول زمانه صدر جهان و شیخ علما دوران اولان مرحوم ناج مزبور ک قضیه
 رضا و بر موب سنگ کی صاحب قدر رفیع فاضل الیک عین تفسیر نسیج ضیافه

قادر دکلسم بو معتدل اندیکه عشقیه بر حجت عینه فکر بر ایدوب جناب کردون سر
 خوش اندیکه انصاف قبول ایدیه تمغه اولوب مطلب علمای اولان قضایه رجاسندن
 زیاده ایدیه احسان تمشدر بلا و مخطبه به قاضی اولوب آخر الامر بغض خدات سلطان عالی
 ایدیه اسکداره اسب گذار اولدوق اسکندر ظلمات ایدیه ملک حیات باشنه
 تنگ تار اولوب حدود اربعین عالم بتای کشت و گذار ایدیه حفا که مولانا یالف
 رفیع القدر سیدم الهد کثیر التطف عزیز الشغطف تالیف و تفسیف قادر علی
 علوم عربیه و فنون ادبیه ده خیلی اسخ و ما هر ایدی خدمت حضرت والد روایت
 ایدیه را ایدیکه بر دفعه بر و سه به داروب اول زمانه عالم معارفک خورشید چشمه
 طالع خدمت مولانا لامع مزبوری بر کجی ضیافت ایدوب باط معارف
 و ساطط الطایف دو شنبو انشاء مکالمه و مهاجته لامع صلی شاعر فارسی
 اولان معانی غریبه و نکات عجیه نظم عربیه بو قدر پس بو جهندن سرفارسی
 راجع ایدیه کجی ظاهر و دامن در دبود عوی اندیکه مولانا مزبور انکار ایدوب
 شوخ و ارج و افسدر دبود عوی ایدوب حفا مجلس انکار ایدوب بکت و غوغا
 انتها بولمچو اثبات مدعا اچون سیر لید نیکز معانی و نکات فارسیه به او فک
 بن دخی شاعر عربیه ده نظیرن بولمزم ملزم اولان دیوب باط مجلس انکار فارسیه
 بلد و کلدی معانی و ابیات او فود قلدی مولانا مسور علی النور نظیرن ایدوب
 دعوا سن شود عدول الیه اثبات ایدیه کر ایدیه حقه لامع انصاف ایدوب
 بو علم و حفظه حالامغه عظم اولان قدوده دهر کمال انشاء زاده فاکر دکل ایدوب
 رب و کمان بو قدر دیوب مزبوری سخن ایدیه مزبور ک انشای دخی فاتی
 و خیلی رفیق ک شنبه و رایج ایدی روایت و نور که قلعه ردوی کفار خوش
 انده ایکن مولانا مزبور ک قریب موضع فاضل او کو قلعه مزبوره نک

الذکر

دن

فتح و ضبطی زنت تحت سلطان عالمه فرض و احمد دیو صاحب قران زمان
 و قران ده جهان . بالطول و العرض سلطان سلیم خد متربنه عرض اینه کده
 اول شاه غنور خلی بھنور اولوب اول مول قله نذر که انک فتحی کا عرض اوله
 و انک ... زده تھن اولان بیان کوزه نک قلی ایچون راج بیان کوندر
 اگر قاتل بر بورک عرضنک لطافت انشا و ملاحی اداسی اوله عرضنی با پمال
 ایدوب گرفتار بلاد نکال ایتمده اشتباه یوغیدی دیو بوشلر بود کلو فضا بکندن
 فضا نظم اشعار آبداره قار بلکه بوقن عدیل نظیری لار در بوغل معروف و مشهور
 اول ذات فضایل موفورک زاده طبع پر شعور بدر

بیلی کی چینه قونوب کل و ناغله بختون یوره کی کی با نر لاله داغله
 هسکامه کبر اولور سه صراحی غنچ کل کیم نیچه پهلوانی به سر بر ایاغله
 دل طفلی کوزار مله دوشوب کبر آله او کرندی صوده یوزملی ایکی قباغله
 پروانه لر غم کیوب انوار حسنک درویشلر درر که طولانر چراغله
 گو کبر قادی رقیبیده دیر کون بیل چینه همنفس اولور چی اغله
 نیچه بر صبر ایدین تیر بلا زخمه بن بر جبه دانی بقما لوا اولو بدر بدغم
 همن حبه معربه معنای و معتبره فحوا عن ذکر ما اشتری صاحب خننه و البسلا
 عشق بن الهوی عن ذوی الباتنه و البها خلق بن القضا کد بقیه المشتبه
 باغ الجمال الحوطه بکطان الغنچ و الذلال المشتبه علی مزرعه العین یوز قنا
 زاینه منطلبه سرق البصر بقص الی قاع صفصف من نور بکمال التوه و کور
 نتهی الی حایط من سک زفر حاجب عن مس نظر و فی وسطه باب من کافور
 هذا رائحة الکرو و یفتح علی سنان الرجب و الورود و الی بحین و انواع الطایب
 و نفایس و افراد یس تله الاعین الذوائق و المعطیس و فی کجوحته

عین لکیت سارها خضر لم یصل الی انطما ینصب علی حوض من نور جمال
 فیروی السعطنون فی قیظ الجلیل بانفس ذرة بحر البصائر الیه فی قناعه
 مسرة المشاعر فی صندوق البدن و هی فی حجرة الزمن فوق الاخذ و الاعطاء
 بحسن الرضا فحکم الی کم الموقع بالاعلی بعتة البیع بالتعالی فی نایس الاشیاء
 علی ما هو علیه الفتوی جوی ذلک و حور فی غرة شکر الخصال من سنة ازل الازل
 عن تاریخ هجرة بنی الکمال الی مدینه النعل و الانفال شهودی حال بصر بن الکمال
 سمع بن الاذان ذوق بن اللسان شمن بن تهاؤ الکتمان لمس بن الابدان
قابلی دار السلطنة آل عثمان اولان حمیه قسطنطنیه نک کورانی محله سندن و طایفه
 تصوف سالک اولوب حالیه ذات کامل و طبع قابلی طی معا و زود مالک
 ایتمیه ی آخو الامر کوشنه صم عارض اولد قدر صکن آهنگ ملک قدم و ترک عالم
 حدوث و عدم ایتمدر بوشلر انکدر

دو ستم نازق آتکله نیچه بر یاغم شمع دلسوز کی اقه کوز مدن قانم
 قیوسندن قوی اولوق دلرم اولشک قابی کور بنه عجب سلطانم
 دون کیجی خال شک شوقینه کرم او کورانغ یا قدی ای مه پاره باشینه اینقدر کی داغ
قانعی قسطنطنیه علمای طایفه سندن زرغینی تکیه کاه جهانک مرد قانعی و سما معارف
 و کمالانک بدر لامعی کچر دی لکن جلدی خلاف واقع اولد و غنه بران ساطع درک
 اشاری اشهار بولمبوب میان حلقه شایع اولمدر

جام حی اولور بر لجانانه برابر دنیا ده برایش در بوکه چاق فانه برابر
 یک یوزی و مور یوزی آینه کورم کاولدی یوزه یوز سن مه تابانه برابر
 باشه کوکه ایرر سه اگر سر و سکنی اولایه بوکون قامت جانانه برابر
قبول سیر و زدنر طریق علم سلوک انیمدر ارباب اذعانک قبول قبولی

منصور ناکاح صاحب انصاف و جل سندن در طریق

کلبان اشعاریند وزان اولان شعر او زماندن در بوایات و اشعار مکرر
 واری بر عاشق در و نده غنچه داغی یو دو ستم ار باب عشق کلرین صاغی یو
 صنفه کم آیره بیگانگی دلدن تیرک کس حایل اولمز ایکی کوکل بر اولمق
 ساق و برنم صفا در دایمته غرضور پامیز ویر مرزبه کله قدیج آق طوار
قبول کوتاهیه دندر نامی احمد در طریق علم سالک اوکو مرحوم ناظر زاده افندیگ
 کلشن نظارت سمات فضل کمالانک خادجی اولغده مرحوم مرقومک ملازمی اولغده
 کت قضا نک عاجزی اولمشیدی فن بلاغت طبعک قبولی و دقایج در قایق شو
 وان یه شمولی و اردر بوبر ایکی شعر بر اشتهار انک گفتار دندر
 بو قدر کنه او غمزه سی خونین بن در شاه صوج اولدرن دکلدر اولند
 کلوب آجل بد کجه کلنک و قتی وار دیرن اجل ای غنچه باغ لطافت کل زمانیدر
قدری احمد نام فرخنده مائری عبه کفادر اولمغین مخلص مرزوری اختیار
 اولذات رشیدک اصل ولایت حمید دن فیه اسپارته در مرحوم بزرگ زاده به
 معید اولوب سولک طریق تدریس ایله معید اولمشیدی مدرسه ثمانیه دن بر وقابی
 بعن اناطول قاضی سگری اوکو اون ییل مقداری صدر صدارنده دایم و طایفه
 علمایه داد و دهنده قایم اولوب موزل اولدقد کلن اول سر کلشن فتوی
 منصب شریف فتوی ایله پراجلال اولمشیدی بعن انتظام عقل فغانه بر متدار اختلا
 کلده غیری ریاست منصب و راست صدارته فریفته حسن و صورت دولت دنیا به
 شیفته اولمغین سارقت جاه و جلاله تجلی جمال اولوب حد داننده متکفل
 امر فتوی اولغده قدرت و جمال اولمق بالاجه منصب فتوادن استغنا
 و امان نبویه دن صورت استغنا کوستروب بر و سه ده اختیار کوشه انزوا
 اینمشیدی انده مسجد و مدرسه بنا ابد کده کلن سنه تسخ و خمین و تسخ بایده

مخت و کربت ملکت فنان رما بولوب آهنگ عالم بقا اینمشیدی حقا که اقران اشقا
 میانن جمیل المناف جویل الواسب صدری متبع قدری مرزغ عقد فضلی نظم
 و خلق لطفی لطف من النسم بر ذات شریف و کریم ایدی افادت پناه شیخی
 و استلای ابرو غود کمالی خدمتوری بوکونه کوهر افشان اولوردی که اول
 سر و جویبار فضل منصب صدارتن غزل اولوب اول انشاده روم ایلی قاضی سگری
 اولد و غنم مرحوم مرقومک لطف و تربیتلرینه مظهر اولوب خدمتدن مهر نه
 مأمول که رجا اینک منقنه حصول جلوه کر اولد و غنم غیر میانه زده اولن
 حقوق حد و عددن ازید و او فر ایدی بناء علیه باکانه هفت کشور دارای
 فریدون فر سلطان سلیمان خانه تربیلر ایدوب یوزاللی ایله وظیفه ایملک باعث
 اولدم و بو فرقه و وظیفه قاعد بو مقدار اولمسه بودای خاک راسب اولدم
 دیو ابراهیم و افتخار ایدر کرد سایر فضایلدن فضله بوفنده دخی اعتباری
 و خلق ایکنه جلی اشتاری و ارایه فی الحقیقه نیرات کلمات سماء بلاشده متکالیه
 و الفاظ و اشاری درر معانی دقیقه ایله حالیه در بوایات و اشعار اول ذرات
 صافی دل اولوب سبک فرج اولی روشن کس سیره طبع اوکو کراچان اولمه در ددن
 حلقه کیکی نک قابوسنه اورمه قولاغ بقعه همایک سر ایندن یکاروزن کس
 کوشه کیر اول پرده اردنن چنجه سیر قل و در بین اول کورمه کنک دیده روشن کس
 آسیا و شری تمیز اولمه اوکمه بولغک خود بهین اوکو دقیقه کوزله سیروزن کس
و قاضی عسکر لکن غزل اولد قوج دندر
 نه دو دجست آتش نه رنگ و دله داغ وار فراغت مکنه شایم تو غم نه اوتام وار
 شعلی یغنی قطع الیوب کدم اکل اخن بو عالم کشت زارنده زبانه نه باغم وار
 نه غم کده سه قدری غیب اقبال غمزه جابه بجه دانه کفای مخت و امن فراغم وار

بزرگوار کی طایفه دندر

قدری دیگر نامی عبد کفاده بود عبق قمر کا قاربندن مشهور و کمال طالبان
جوان با فہم و ادعا نذر بوفندہ دخی بعض کلمات ظاہر اولوب ایجا معنی تبار
شاعر در بوبرایکی مطالع و ابیات انکی کلمات نذر
عرض اید و عاشق بی دلورہ جابان کمال اندی آشفتنہ لوی بوسر و مان کمال
صبر شریشتہ جان صبر و قرارم طالع کورسم اولیایر پربانہ پربان کمال
فتنہ در کرچہ سرا با قد دلجو یک فتنہ نک بشید رای سر و خوا مان کمال
بندہ جمیت خاطر نیچہ اولسون قدر باشند عقلی اندی پربان کمال
نیچہ بر آتش عشق کلمہ با یوب یا فلین نیچہ بر آتش کلمہ فاسق یا قدین
عکس انکشتہ جام بکرہ کورن اندی خیال نہ بود کہ شوق اجسہ عیان اند
الف جک بسندہ کہ در درون کارہ عرض اید دلا احوالکی مکتوبہ خنکارہ عرض اید

قدری سوم سہ ای نامی و حویم و حطیم سعادت پناہی دہن ثونا بولوب شہر امنی
بعثت تہ زادہ سلطان مصطفی نک و قدر داری ایکن متعرف منصب لوا اولان
لطیف بیگ و غلبہ نامی محمد در مقدار طریق علم سلوک ایدوب قدوس دہر مفتی
خواجہ جلی فندی یہ ارتباط اید عقد آمانکہ بر بارہ انتظام و انضباط کلنیکین
مرغ دل منار امل اید حب جہی التقاط ایچون ینہ با باسی کشنہ انداک
و اخراط فلتندی اول انکارہ متعرف لوا اولد قد صکرہ جنت و کرت عالمین را
بولوب دوش بر ہوشنہ اعلام اکانہ اجوب تخت روان نبوت ایلزمینہ
زوان اولشیدی بوطلع انکدر بنجون کسہ غم بر بوق دل غمخوار دن غیری
دو زبوق اوسنہ بوجہ کج رفتار دن غیری **قدس** قدس مکان جنت اشیان
غرق در بای رحمت رحمانہ خواص عثمان مغفوت سبحانہ بحر محیط کمال در دریا
انفصال مرحوم عرب زادہ افندہ نام ارجندی محمد در مرحوم واعظ منظر

فوزند علم و ادبیدر سلطان سلیمانک خواجہ سی اولان خیر الدین افندی
ملازم اولوب مدارس علیہ و مراتب جلیہ نایل و طریق پربوق علمہ طی
فیاض و قطع منازل ایدرک مدرستہ علیہ ثانیہ واصل اولد قد آفتاب ولع
زوالہ و ذرات ہر کمالک سعادت کمالہ ایدوب فلک طالعین نمایان اول
کواکب سعادت غارب و نہان و شب دیجو تختہ نجوم کجوست ظاہر
اولوب ثوابت مثال بری فلک من ایکن خاک فتنہ و آدم کنی ہشت
ثانیہ دہ ایکن زمین تختہ و دوشوب جہ جوم و جہ عصیان محض ظلم وعدوان
اول صاحب فضل عزیز ضرب و تہذیب اید غزال اندک زندہ موسی وار دست
فراعنہ جواردن خایفا یترب قرار ایدوب مدین الطاف حضرت دیانے
جویان اولد قہم نیچہ زان شہر روسہ دہ قرار و مکان ایتشدی ہانا بود کو
مخت و عنایہ مبتلا اولد و غنہ باعث اول ایدیکہ مرحوم مرتوقین ات معاکری
امر معروف و منکر دہ مساحہ و سابلہ یہ قایل اولوب ان لم یستطع فیلانہ
کلامیلہ عامل اولمغیر زمانندن بعض دور و اعیان و امرا دہر
و وزیران زمان بھنور رنجور اولشیدی اتفاق مرحوم مر نور صحن مدرس
اولد قد ملک حق شیع الاسلام مفتی الانام قدوہ علما دہر الفاضل ہیں
وقایع زید و عمرو در در بای وجود مرحوم و مغفور ابو کتود افندی
دانشمند الدی دیوہانہ ایدوب اول برانہ ایلہ پردہ عرضی شکت
و شیشہ ناموسی شکت و قدر در فیعلی بوطلم عظیم ایلہ بیت انکدر
بعث صاحب قران روم سلطان سلیمانک مرحوم مرحوم مرتوقین
جہ کنہ و ظلم ایدوکن معلوم ایدوب آہ صبحکای اوریک سلیمانکری
برایک ایتشدہ مشتبہ بوقدر دیوب اول فتنہ نک اشتغالہ با دوی اول

رستم پان. انک آه سحرگاه ایله باشنه چقا به جفته آگاه. اولو آب فته
 باز آید بگو. فحوا سی اوزرینه صحن مدرسه مدرسه اولو قدره سلفان
 سلیمان خان. کند و مدرسه بن احسان. ایدوب بعل قاهره طاهره قفیل
 غنچه حیاتی کل کی خندان. ایتشدی بعل اول ربینده که زمان شدت
 شتا. و هنگام سورت سرما. اولوب کثرت برف و باران فلک انیر کره
 زهریر. اولوب عقاب زمانه. آشیانه فلکده بقیه مهر و ماهی طوکرش
 و صلاح زمانه. پنبه برف دکان زمین. طغوب طوکر رشیدی عا کر غم صانع بار
 مانند تاراج کران شکر تار. ملک کلستانه مدام بخاوده. و زمین استغبار
 روبین تن ایکن بهمن دی. انکه جنگ و و غاده ایدی **نظم**
 زنج بندی کشید جور بهمن. جهان زال را در قید آهن
 خلاقی راز سهم سودی دی. فسرده خون جور و سن در رک دی
 صباغ چن زر بسوکل برینه نقره خام. المیدی و میان حوض وجودی کان کشیم
 اولوب صحن باغ دروغ معدن رخام. اولمشیدی بو مقوله زمانده که مهر المصاب
 باشه سنجاب سیاب. و کور غامدن چقرمز. و حصن حصین ابرده پنهان
 اولوب کشف مثال. باش کوسر مزیدی. کشته به سوار اولوب دریای
 غامدن لیمان اسکندر یه روان. اولد قده. برآمد از میان بحر یک موج
 که گشتی را چو تیر انداخت در اوج. صرصر تند باد خوان سفینه پر سینه بر آ
 الماکی الله او بندوب کشینک منامی کا بهی بالای فلک اولوب کا بهی
 آرا کا بهی موفاک اولور. و کا بهی شدت روزگار له بجار زخار. و پیل
 دمان کبی جوشان و خروشان. اولغله سفینه چوخ مثال آب اوزره چوخ زنان
 شدی آن فلک هر ساعت فلک و ار. بضر باد کرد آب دوار.

میرش گاه با بط گاه صاعد. مدارش گاه ناقص گاه زاید
 شدی که سقیم و گاه راجع. کس مکنت غارب گاه طالع
 اول نشانده ملاح زور کار. بادبان اکفان. ستون کشتی ابداننه صاروب
 کنگه اجل اولان فلک وجودی عیان فناء به صلیب شدی بر موج عظیم. زورق
 سفینه دونیم. ایدوب مرحوم مرقوم کشته وجودی آشته المیدی خد
 مولانا هر چند زورق سفینه جبال حیا. و امان نجات. لوب اهل کشته به سادی
 ای جبل بعضی من الموقین. دیر ایکن فحال بینما الموج فکان من الموقین
 روایت اولور که اهل سفینه داشت و جبرتن مرقوم غریق فنا. اولد و غنی
 نجه کوندن صیقل بدیلر. عجب در که جناب مولوی. عالم فضلک ای ایکن قوت ماهی
 اولوب مقام رفیع سلطان و حوت. ایکن طعمه سمک لقمه حوت. اولد و معارف
 و فضایل شیمار. ایلد در بای بی بن و کنار. ایکن بر موج ایلد غریق خبر ملک و بوار
 اولد. حقا که مرحوم مرقوم علما رو یک تمام بنا مندن. و فضل از مانکی مندن در
 نیا فضیل عرفان. کشف کون و مکان. بویله بر درش هوار. آزد و شمشیر
 و خواص و زکار. که مالمش کل ثلوث پراختاری. واحد بعد واحد الکتور
 روزگار با سرعت. اکا بهر مزارعت و همت. و بر ملکین شکر آرد مسودا سنی
 بیاض ایکنه مکان. اولوب آثار اقلیمی شهره اعیان. اولمشدر بوقطعه انکدر **نظم**
 هنوز داخی ناز حین ایکن. نه قنلر بوند و روی با که دورا. طوغلدن فایم غلغله
 دخی کولدر مدی خط بر آن. **قرنی** از بنقدنر نامی میرش. کند و دخی علم و
 موفدن آگاه. بر ذات بر آینه. اید قنلر فضلاروم کمال آوده مرحوم
 مونا سندن ملازم. اولد قدر ایکن بعضی بایه متصرف ایکن آخر عمر رخمت
 مبتلا اولوب اولخت و عنایه کونر صدای ارجعی. و اصل اولد قنلر رحمت

منانه روان اولمشیدی اگر چه پنج یوز است و اشعاری و آرایه لکن بر سبک
 یوزده کلکه آقدا ری یوغیدی اگر چه کند و غنچه هر بری بر درت هوا آید اما
 نشالامر کوش بر هوش بلغایه کوشوار اولمغله لایق و سزاوار و کلکد حال و حال
 یازده یی خطی و فاشی کندی که چپنه مهر ایدر اولدی او مهر پاره جفا سحر کلک
 خط لعلک بر یک مجسمه سلیمان بل سلم ایدر در برایکی اهر سنه
 صانوب کرد که یوزلف بر قویننه غنبرینه در که کیرش صانکه جانان قویننه
 مکر لعلک قویننه کرسه رقیبک نوکیم کیردی سنگ خاره نک لعل خاش قویننه
قندی برو سه لیدر قناد و شکر ریز اولمغله خلدن مزبوری کند وید باغت نمیز
 ایشدر پنج زمان معصره فکر و دماندن سکر باغت و بیاض مکر و وفایده فضا
 کتاری قالب نظم اشعاره افراغ ایدن بلغا فضا کتر دند و تاریکی اشعاره
 پراشتار اولوب کتری کتابه توارنج روز کار در جلدن مرحوم قوجه نانی
 نانی اولدق دید و کج بونار کیدر که هم بیت مهری ایشدر **معطفی** جلال توین
 و مرحوم سعدی فتنیک انتقال واری که تویارنج دیشدر **نقار** کجی سوزدین نانی
 مرحوم عاشق چله قور و نام بر دلبزم اندامه عاشق اولو اول ماه انور منزل
 بمنزل وکت و سفر ایدوب اول عاشق زاری پنجه کرک مجاز کفر اینه که تویارنج
 دیشدر **قور** داه عاشق آلب کندی اه بواشار ایش کتار نند **نظم**
 قانده قاندم دلبز جلاب لعلک قزیننه کیم بکا قندی دیو بهتان ایدرسن هر زمان
 بلوک بلوک بورین شیو کاری کوردکی طرف طرف چکلن آه و زاری کوردکی
 چلوب چلوب کتور رنند جوهره غشانی کره کره طوشن زلف یاری کوردکی
 چون طولاشدن لفته یارک شکر اولور قاره بختک و ایش غنچه کینی لان اولور
 بادشاه عالم اولور کج قیاسم دکل دامن دلدارسی قودا مرصه سلطان اول

سنه ایشتن و سنین و شمع بایه او افرین بود ارجهان باشنه تنک اولوب
 ارتحال ارباقایه آهنگ ایشدر ایل یوب انصاریده قوجه نانی بنا ایلد و کج کج
 وینده که شو او طرفیه مد فندر مد فون اولمشدر وفاته کجی آه و جفا قندی جلالت
 دیو تارنج دیشدر **قیاسی** قسطونیدنر خلاف قیاس اوزره نامی قیاسی در اسم
 مرسوم سماعی اولمغله ال الان بر سنه نک اخل در کج سماعی اولمشدر طریق سعادت
 رفیق علم سلوک ایدوب بو طریق متاع و شند ایدین چکلک بر حال اوزره نابت و فرار
 وکلدی کاهی خیالی بیک طرزنده سپاهی اولوب کاهی سپاهی و غنی علوفه ستمه طالب
 اولمشیدی کاه سلطان بایزید خان شفاعت نامه لریمه ملازمته بایلر راجب اولمشیدی
 آخر هیچ بریسی مفید و ترتیب ایدو کی مقدمان سستفید اولوب جلدی کاشق
 کجی رنج بهوده اولمغله صا جلی امیر مرحومک متوا سندن ملازم اولدقن صکن
 سمت قضا به سالک و عازم اولدی حال اوزره قضا نندر بواشار انگدر
 بایک غباریم سنگ ای غنچه لب نگار **اکمه** بنی که خاطر که کلیه غبار
 قودم بن بر صفا عشقه بنیاد **قو** مز بر طاشنه بیک اوله فرما د
 پنخون و بر رقیبه اغزی داد **بنم** شیرین دمانکدن سنگ داد
 قیاسی لیلک القدر اچره کوردم **بکا** مجنون دیدی عشق اولوب ستمه
 حضرت ایل یوب انصاریده پنجه مدت قاضی ایشی اولدقن بوبیتی دیوب اینه ورو
 او قوردی **قیاسی** صنفه قاضی بایبیدر او قاضی بلکه قاضی بایبیدر
حق الکاف کانی لطافت هوا و نفاقت قضا سی اظلام مشکین ارقام
 ایلد کتابت اونون امر حال ایدو کج ظاهر و بهر ایدوب کاتب قدرت
 اقلیم لطف و ملاحی شهر مزبور سربست تیمار ایدن نثر جنت آسا کوه برو
 وندر **فاغ** قسطنطنیه اولان سلطان محمد اوغلی سلطان بایزید خان زمانه

بو عالم فنا و عدم قدم بهش عرلر دندر کتبت صنعتده هر وقلم سال هر کونه خطک
 شسته قمار اولمغین خلیض بوری موثر اولمشیدی قضايد و اشعار کتب و اشعار
 اوایل کچه نابود و ناپیدا اولمشیکن بوطلع غراسی حال رباب صفا و نقل مجلس نظر
 اولوب ساغر صبا کبی لدن و ولدن و نمز و برکس اولمز که بزم انس بلبله الالدق
 ینہ ای جام مصفا سنی کوردک کلمه مجلسک رونقی سن دین ارت کلمه
 عاشق چلی مرحوم مطلع مزبوری شامی ینست الیشدر و آند نعا علم کاتب
 افلاک ز قباب کچی کجی باب اولان شهر سینا بدند نامی مصطفی در صغیر سندن
 قلم کچی کتب ایله مجلس و انیس اولمغین کاتب خوش نویس اولمشیدی مقدم طریق علم
 سلوک ایدوب لکن زبانده لکنت اولمغه مرادن ادا یه کند و ده قدرت و مکننت
 اولوب دمان نکلنده دلی مراد کچه و نکل قابلیت اولمغه اصحاب دولت دار باب
 عزتہ عرض حاجت اینک استعانتی بوغیدی بنا علیه ترک مال جابه و جلال ایدوب
 اختیار کوشه قناعت ایتمشیدی و بعض امرا و اکابرک معلم دکاتبی اولمشیدی
 بعض اکابرک سورنه بوقطعه فی دیوب نوزاکک اولدوغین و خدی دیشدر **قطعه**
 نوله معذور طوطه لریاران خدمت سورده مضورم چوق
 اول سبید ندر رک تارنجی سوری سوله دیکه یوز بوق
کاتب غلطه سیدی علی دیکه شهنود انواع محاسن و مکارم نا محصور ایله
 معروف و مذکور در باباسی عز بکرتک اسی و کندوسی کاتبی همیشه معارف و کلامک
 طالبی اولوب شوا و طرف ایل الفت و اعیان زمان و همزوران جهان ایله صحبت
 ایدوب جوئے جام سخاسی مجلس بر صفا سنده حاضر و ظاهرا و منکره مدام صاب جلور
 و سفره انعام و عطا سنی آینه و رونده به علی التوام جلور ایدی خانه سی
 اصحاب عرفانه ملی و نادی و ضلیهان وادی غنی اولوب تلای تلای غنی

رنق ای و صفا

اولان طرفا و عرفا به ملکی و متکا ایدی یننه کم اولان نامک خوا سندن مولانا ینیم
 بونه قبا به صالیدی جود و کردله آواز سیدی علی رومی حاجی قوام شیراز
 شادوران فضایل و معارف و غواصان دریای کمال و لطایف اولمغه ساحل خانه
 جود و نایمغین لکیر بر اغوب جویره آستانه صولت لر و حاجیان لطف و نوال
 هر کونه کعبه مثال مقام معالی مالن طولور لک ایدی ینیم مزبور شرف صحتدن دور
 و بورانه ایله بر ایکی کون مجور اولدق انده اولان اصحاب آواز و ارباب
 سوز و ساری اکوب بوترجیجی دیوب اول مقام منیع کوند رشیدی اول نیدی بو
 وارمغه کوشه مقصوده یننه منتظر در دل فرسوده یننه کوشه کوی مغازه کورسم
 دامن زهدی فی آلوده یننه حاله آفاقه ظرف آواره کوش اورق دم مقصوده یننه
 اینکله نامی محمد قاسم اور آتش صین غوده یننه حقه بازی ایدرک کورجه می
 دیر سه جنبش و کف جوده یننه کاه ناز ایلیمون کاه نیاز اوله بخلی می پهلوده یننه
 بدوشکدر کوزک آغ غفنی قو خوابن بخلکله کزیم بو غلطه ده رواق فلک ناطق
 ایوان کیوانه برابر و ککره طاق سما اتعاف بام فخر خلاصه همسر رنگ نگار خانه چین
 بر فخر خورنق رونق و سپهر آیین بنایلک اولان مانن مزبور ایله مجلس و قرین
 اولان شوا و سحر آفرین بر تارنجی قطعه دیوب دیوار فلک کردار یننیزین
 ایتمشیدی کندوسی نتوز یوز فرق لفظی تارنج ایتمشدر بعد حاجت قران زمان
 سلطان سلمان خان بنای ساری وجود طهارت بران اینکچون دفعه ثانیه ده
 قصد ایران و توران ایتدی و ایامده پری رئیس یرینه دریای هفتن قبولان
 اولوب کیتدکه نیم مرام و رجاسی متغیای هوا سنج ایمیوب با دخی الف
 دریاغ عواصفکله بادبان تقدیر کشته تصویر تدبیرن تحت خلاف بتغای ایتمشید
 حاصل بر نواهی تجری الزیاج مبالا شتهی السفن خواه و نا خواه نیمه بیتا و دور طاق

ایله کت کجراته. و در خوب خدمت سلطان کبر و کجراته جانب بردن کمال لازم کلدکن
 کجراته در خوب کند و به موافق اولان عا کرانیه سند و هند و آذربایجان و خراسان
 و لایقترین سیاحت ایلوب اولان کجراته تحت نشینک عبودیت نامه خدمت
 سلطان شاه شانه. یعنی که مورثال اورنگ سلیمان. یوزنور و بختور و خور و خور
 سلطان سلیمان خانه کلدکن اول سلطانین کامکار و حوافین ذوی الاقدار ک
 خراعت و شفاعتی. ایله مرزبورک ریاض آملین امطار لطف و نوالی ایله خور و شافار
 رجا و امانی سن قطرات بنان حسانی ایله مرزبهر و متفر. ایدوب یوزاللی آنچه
 متفر کلدکله تفاعد اختیار ایتیشیدی. اول شانه امر مادی حق ایله صوت
 کل نفس از ایقه الموت سمع جانده. و آوازده. کل مر علیها فان در یحی جانده
 ابرینوب مر صراجل همت اجل. و برسوب کشتی بدنی با حل خوده ایکن روزگار
 مخالف لنگر حیاتین آلوب عثمان بیکان فنا و ممانه صامتیدی اول مغرب و سباحته
 جوق بلا و حزن چکش در سر کشتن. و سیر کوه و دشتن. بر کتاب ایدوب اتحاف
 جانب فلک قباب ایتیدر. و علم حساب و هشتن دخی خبلی قدرت و مهارت و ار در
 اسطلاب و ربع مجیب و مقنطرات و معدل و ذات الکرس اعالمده ترکیبش مثال
 اوزره مرآت کائنات آدوب رساله سی وار در. اول فذه قدرت و استقامتی
 ذکر اولان رساله دن معلوم و معلوم اولور. بوبر ایکی اشعار اول حاج ملک فلک
 دست خون الودک ایتدی بیچر جانده. دو ستم الله مشکدر دست بر بالای دست
 خدنگ غمزه مشکدر ساقی سینه جاکم بن. و میدر صون لیک طرب غایت در زمانم بن
 یولنده اولدو کوه غمزم دلیک امان. مزارم اورزوم کون اورزوم که ملاکم بن
 مهری کو کلدکن اول صحنک چون بری کل. خوج ایله نقد اشکلی انک دری دکل
 بر سر و زمانه زمانه در در کو کل. شیرین ادینی اکل اول انک اری دکل

طعن ایتدی و کتی عاشقه مسجد و عیشک. میخانه اچره اکس وی بری دکل
 نوله جرم ایکی یارین شفاعت خواهم. طبع نون زهدنه زاهد نرم الکهم وار در
کاتبی اول ذات مکارم سنن. قدوه ایل زکا و فطین نام نامی حسن و حدیث
 مکارم اخلاقه صحیح و حسن بیان آحاد ناسن اخبار مرام مجید و قیاس مروی و معنی
 کردن دل جانده فلاید زاید معارف الیه مرتین. و امثال و اقارانه تعلیم متفوق نور آفتاب
 عالمتابی محسوس و معین در حرم برای سلطانده کشیده بالا. و بوستان خدمت
 خاقانین نشونما. بولدقد چکن طشره چقوب کاتب دیوان. اول غله عنوان بولوب
 طوا امثال صاحب نام شون. اول شدر بوزمانده نهال کافه. رسیده اولان رؤس کنابدن
 و دفتر بلناده قیدی موجود. اولان سر آیدار باب خطابدن رفت کتا بنده قلم سال مهر
 و فکر و جهان عبدل نظری اکر. اول غله طارین کاتب سلطانیه نکاتینی و جلایل و جلیح
 امور خاقانیه نکاتینی در. و نظم اشعار آیداره اقتداری وار در. بواشعار انک کفای
 جهانده کلک عشق اولد عشق. بنم فرما دل مجنونه ثالث. بولوکه کاتبی خج ایتدی و ابرین
 غنم بیه مکر اولدکن وارث. کوکلی مراننده قونما سون دیو کرد ملال. صوبه پیر ایکی کوزم
 ناز بلمه چمن سیرنه غنم ایله خواها. صف صف طوره ماسر و صوبه طونه دیوان
 دور رو یکده چمندن بولما سون دل فراغ. سرو کیمی ای بند و لاله و شنی بخونده داغ
 چون هوای عشقی دوشدی کو کلک ای کاتبی. نه تماشای چمن قلخ هوای داغ و فراغ
کافی ایتدی نامی محمد در. باباسی صاحب عرفان مرادیه ادر نه ده مشوی خوان
 او کما غنم کند و لری مشوی خوان. او علی دیکله موقوف خلق جهان اوشیدی
 طریق علم عازم. اولوب استلای و استلای انام شیخ الکلام و مفتی الانام
 مولانا ابو سعید و العالی علیه رحه الملک الهالی خطر ترنیک خوان فخر کجراته
 نام. اولوب خوره مواید نوایدینه فاکم. المعین خدمت سر بگردن ملازم اوید

نور
 بولنده نامی کاتب

بعد سالكه تدریس اولوب الی قه ایلده دارالسلطنه قسطنطنیه تحفه مصطفی پاشا
 مدرسه مدرس اوکو پنجه مدت اول مدرسه ده اقامت ایدوب اول درجه دن
 پایه اخوی به تعلی و تعلق ایتمکله افران کندی دن تنوق انجمنیدی هزارجنت الام
 ایلده نامیده ناکام ایکن التفاجاب جلالت نصاب ایلده کامیاب اولوب
 صاحب قران زمان مرحوم سلطان سلیمان خان مرقومک سنائین ایلین بضاغ
 و بدایع مجد و معال ایلکچون و عنوان دل جاننی انواع و اصناف لطف و احسانه
 مقرون ایدوب آرمده کندی مدرسه لرین برین احسان ایتمکله خاطر خوشی ختم
 و خندان ایدوب بنده زمان خبر میدیده قصر لطف یحیی خشیید و مقدمات اولان
 جمله شفقت و رافتنی کید ایدوب دفعه دارالفرا درنه قضا سنی تسلید ایلدی
 بعد اول صاحب قران زمان فرمان ده زمین و زمان سلطان سلیمان خانک
 صفحه دل جاننی کل من علیها فان رفومی ایلد مرقوم و دیباچه ایالت و جلالت
 تمکلاتیام نذاولها بین الناس سطوری ایلد مرقوم اولوب اولن و نضل محل
 حی صرقله سکوار ایکن حی صر عکرا جل اولوب اوزنک سلیمان بن امر حجاب
 سبحان ایلد شاه سلیم الطیبه سلیم ایلد کن اولن و سعادت مزون متوجه
 اردوئی مایون اولوب بر ایلکی کون نهدا درنه به شرف نزول یورد قریزه
 بعضی اصحاب دولنگ مرنوره غرضی اولغین رعایا نیک اندن شکایتی واردیو
 موزول بندر دیر بعد اول ارشاد کین و تخت سلیمان اولادارای قیام
 سلطان سلیم خان ناه خدمتکنیک زمان دولت و کامرانیلرین جزیره
 قبرس فتح اولغوقده جزیره معنوا بها العزیره اول جانب صاحب عزیره
 تقلید انجمنیدی لکن اول متوله بلا مبغلا اولمندن معقود اصلی و
 بکو نه قضا برضا و بر مکن مراد کلی فقر و فاقه افطار لرین بر مقدار خلاص

اولوب اکتب غنا و سیر و تحصیل درهم و دینار در انا بر فوای ماکل
 مایتمنی المردیدر که اول معنی دخی حاصل اولوب جزیره مرنوره نیک علایا و بریا
 صغیر و کبیر و ضعیف و تواناسی طعمه شمشیر غزات و مجاهدین و لقمه حمام حیات
 جان و دین اولوب بقیه السیوف اولان مؤمن و مملو فکر فی نوره طوب و نوب
 و صدقه نیر و خدنگ و رعد برق پیغ جی درکنن پنج زمان حیران و دنک
 اولوب حواشت و ذراعت قدرت و استقامت عسکری اولمندن جزیره مذکور
 برایکی سال قلب ارباب کمال کبی برین اولوب اولان محاکم اسلامدن
 رعایا سورمک ایلده فی حکم مهور و آبادان اولمندی مدت مدیده قضا
 مرنوره و مکننه اقتدار لری اولمندن ناکام و ناچار یومی طلقان ایلده
 تقاعد اختیار انجمنیدی سمنست و نماین و تسع مایه ده ساقی اجل و شکایتی
 برینه ساغر زهر آلود و صوب صدمه حمان بنای کلام و مراحمی حکمت
 انهدام طوینج موز و روح پر فتوح الباقی سبزه زار عالم بنایه حرام ایلد
 حقا که جزیره جان و روان دل جان و دریکه آذان طالبان عرفان
 مشاغل معتبر حیات ایلد موز و دماغ صومعه و سکان جهان و قطان
 قبه رفین و زمانه و رایج مسکین رایج مسکین فواج کلکانه ایلد خطر
 ایدن شوا و بلاغت کسره و نذر انت ایلد دخی زمانن کل عنوان و میان
 خلق جهانده خیل نام و ناه و آرایه صاحب قران زمان مرحوم سلطان
 سلیمان خان امام عزرائی خورنیک کیمیا سعادت نام کتابی ترجمه ایلد
 بوشلریدی بر مقدار عبارات شریفه و اسفار لطف ایلد ترجمه ایلد
 لکن امانته ایام معاصره و سعادت ندرت در اغوش شاه مراده ایلد اولوب
 مواضع و عوائق و بوائق علایق اول نرتیب و ترکیب اوزره اختتامه مانخ و

بعد تواریخ سلاطین و علمائے نابغه شروع اینمندی آنکه در فی امانی معلوم و کلام

بواسطه آنکه گفتار ندر غزل

ادم که عرض جمال ابتدای وضع اید برقع کوشدر اول قمری باقی سی اکام مطلع
بوجن خطه باقوت ببلر کور ایدنا قلندر اش غم استخوانی منقطع
شراج از دیو ساقه تغزل بلیکم ابای صون الم کل دا خیل بنفع
میل بسیم اولمه بهاده حذق در داخی اولسه کوزیشن الم صدق
الکر کفنده که بر ایکی بوله زار اوکو حوصله تشیده بوز که قزدرمه دق کیسه
بلای عشقی کل ای غنایب کلنیم که مشکلات سوا آل و جوابله آچلور
کور سه طلمی سحر روی مقصود شودین کم کیم لرنرک خوابله آچلور
قوش اوچر نار احمد جریاره بلمه حج محبت نامه ای ایلنوب کبوتر واری باب
ای سر و ناز لاله خدایه و بهار کیمیک بن غنایب زار کم سن کلغزار سن کیمیک
رستم زمان و چشمید سکندر نشان صاحب قران دوران مرحوم سلطان سلیمان
خان وزیر اعظم رستم پاشا عزلی تید که حکم بنه وزیر اعظم اید که ده
بوناریخی که حروف منطوقه و غیر منطوقه سی مستقلا تاریخ اولور و کشدر
عربین ام رستم خان کامی دیگر عالم عالم ربان مظهر جمال کمال نیر دنا
سر دقر صوفیان صومعه خاک نور بخش مجاوران قبه افلاک تفسیر
عالم تنوی و صلاح وزیر و وزیر صفدر شاه و صلاح در دریای کمال
اولان شیخ جمال خدنگین برادر زاده سی و آستان سعادت
آشیا نیک ها واده سی در خدام شریعت سید الانام دن ایکن سینه
اشتباه و خمین و نه مایه ده ترک گفتار فنا ایدوب کوشه بهاده
منام و آرام ایلندر مرحوم مفتی علی جلیلی بک خدمت بجاخت فرالین

ملازم اولمغه کام روا اولمش در قصه یوسف و زلیخا نظم اینمندی کین اول
کتب بر صفا بر فوای امانه ایا دی سبا کوی چوکان دیور و صبا اولور
شال ورق الطیر هوا به بران اولمغه اجا و وجودین نام و نشان بوقدر بوا
کر چه اولمز کوزل اول سر و سر افرازی کیم کوزل اولدر که توکلن اوله شهباز کیم
کله کوش ایدره مزبوق بره بلبل اکلر عشق دستانی شندی کم او تور کم دکلر
بنده خلقه بکوشم دیو باد ایددی مگر بنی اول و در لطافت که قولاعم جکلر
کرامی نامی عبد الرحیم در قضایای فضل کمالک شمل غمی اولان اولدر کوار
خدرنگین برادر کهنر بدر که راقم کووف بخیر رنگ غمی در والد علی ان جهرنگینک
جهر تر بیلر نه مرتبی اولوب خدمت پریمتکر نه دامن در میان اولمغه خصل انواع
فضایل عرفان اینمندی و برکت تعلیم و ارشادی ایلد علوم عقلیه و نقلیه ده
فایق الاقران وقوت مباحثه و مناظره ده شارالبه بالیان اولمشیدی طریق علم
سلوک ایدوب ذات ارجندی دانشمند اولد قدح خصال وجود پر افضالنی باغبان
فضل کمال اولمز بوسان خدنگین دکلر دای جان ایلد چالشور و ثمره وجود
فضایل بهره سی نوباد و باغ کلمات اولمغه اصحاب مدارسه رغبت و مناقسه
ایله بری برندن قاپشور کرا اید بو حالد شیخ الاسلام مفتی الانام مولانا اسنادنا
ابولسعود اسکنه الله تعالی دار کلمه خدنگینک حجاب عبودیتندن دایم رکوع
التجود ایکن بعض اوضاع و اطوارندن ربیع اولوب مرغ بال فی بالی آشیان
آستانرندن رمین اولد قدح بروسه قاضی ایکن مولانا عجبده باقی افندی
خدمته عازم اولوب انردن ملازم اولمش در ذات فایقنه شایسته ولایت
اولان اولیدی که بکمالک مدریس اولمغه قضای مناصب و مطالبه و اهل
واقدام اقدامه قلعه رفعت و عزته نایل اولد لکن ادر نه ده صامه مدرسی ایکن

الکافه زنده

قوت با صبره لرینه ضعف و فتور عارض طاری اولفته سمت قضایه بایل اولشیدی
 پنجه زمان روم ایلنده قاضی و حاکم دامواج بکار کرامی اولی بارده متلاطم و مکرر
 اولدقد حکم والد علی انک اناطولی قاضی سگری اولدق فتنه قضایا اول ذات
 کریم المحدثی کجاسی اولشیدی بعد بیکشهرنده قاضی لکن سنه اثنین نایین ترج بایه
 ان ایضا ایابهم مضونخه اوزره نغم آباد دار السلام حوزة مقصود فی الخیام
 ایلد نغم جاد و دانی بایل اولوب بوفیق محنت و تبا جیدن سعت رحمت نامتایه
 و اصل اولد حقا که مرحوم مرقوم انواع فضایل ایلد مودنی و مرسوم ذالبر حترایه
 اخلاق کرامی ایلد متخلص اولدقه شهره قضاة روم اولوب بامثال اوایه میاننده
 سر و کبی سر فراز و طایفه قضاة ستوده صفایا ارا سنده مانده شهباز جمله دن
 ممتاز و بلند پرواز ایدی طبع دراک و ذهن بایک بر مرتبه ده چاک و جلال
 ایدی که اتمام قضاة که حکام متار که افاده و استفاده در هر محل کطایع کل
 و عقل اولد و عرض اولد بغایه الله تعالی و هدایت اول جمله کثر و توفیر اولد
 اسوله و اجوبه به نقیر و قطیر مبادرت و مسارعت ایدر کرایه و زمانه ده صنعت کای
 منقبت سخاوت ایلد بکانه اولو افاقت نوالده ابرینان و مطروابل و اساله
 و اجراء مکرمت و افضالده کبر بایل مداد ابرندا و رشحات سیاحتی سندن
 ارباب رجا و سوال اصداف مثال جواهر و لالی ایلد متلی و مال مال اولورد
 و هر کس که تنگ دستلکدن غنجه کلستان کبی دمانی کنده ایده سیار کف
 در پاشی جیب و دامانی شبنم کبی برسم قنورد کلستان جهانده انا زماندن
 بخلق عالیشان ایلد سدر و عنایه کبی سر آمد و بلند بالا اید که جمله عباد الالهی ذات
 و شفقت اهل عبال و اقارب و خویشا کبی بلوب انکر ک حسن حالنی
 دل جانده خوانان اولوب ایتام و سرور لرله غنجه کبی خندان و آلام اخلاقی

ایلد غم مثال کریان اولورد و بارانک چمنزار نظام حاله سی عینیت و ایتام
 قار اولد قیصه منظر و باران اولوب غم مثال خلق عالم کچون بایر باقلوردی
 بوجله دن نظم و اشعار ایلد شهرت شعار شاعر ساجو نامدار اولوب اشعه معانی
 لطیفه و نکات دقیقه و بارقه تجلیات رشفه سیاب کلمات بلاغت سماندن انوار
 خورشید نهاری و ضیا کواکب شبنماری کبی واضح و پیدای و شعاع لطف و حکمت
 و التماس بلاغت و فصاحت الفاظ قضیه و عبارات بلیغه سندن اند نور ذکا
 لاج و هویدار نیته کیم ابراد اولنان کلمات با ساد مدعای نوره شاهد صادق
 فلک حالده ای خواجه نظر قلمربین جوج اطلس نه قماش اید و کنی بلربین
 جوجه طایفه هر نقد استواریه سیر کافندی التمه و ارا وستی و ارب
 اوتمه پادشاهم کشته عشق کد عارذ الکنن کلد و کی خبری درینج ایتمه کد ارد
 دیر مرضیموز اول مهر جهان آریا بکزر ابر و مه دیوا غزنه المزر ایه
 دام نظره دوشدی اگر چه نیجه دلبر کو حکم سنی طوندی بنم ای روح مصور
 کعبه کو یکله کلسون دیو یاران صفا قوم بغیر فایوکه و ارد فیه سنک و صبا
 با که جهان کرکزا اول علل روان کرک اول کشته به جان کرک اندن جهان کرک
 دیدم ای مته شنه بم لعل خند آنکه دیدی ای دیوانه مشرب صوصد کی قانکه
 مرجبان ایتمه سکن ایتمه عاشق دید ایلد نک ابراقدن مرجبانیت دوتم اغیار بیلد
 غزاید را مشرب به بوائیک هر پاشله پادشاهیم با که ظلم ایتمه شیلد بال شیلد
 شهید بو که دمیدم ای شوخ و سپید پاک اولد عقیقه اسی دل بیلزدی قند
 عبرت الدی بو کجه غلر کور بو عالم آه کیم عبرت نای عالم ایتدی غم بنی
 غم عشق کله بر شورید حال و سینه چاکر بر نری غیب ایتمه آه غم فرامرز در دنیا کر نری
 نری بردن کونورد و کج بود کور و کازانی غبار اولد و غر در بو کجه خوشه نه خاکر نری

این کجایان حاله کجایان حاله
 این کجایان حاله کجایان حاله

تجلی آید به انوار حسنک خانه دلد. جهان آلاشندن تحت عشقکه پاکیزه
 وصالک شبنجون تبره اغیار آید و کن بر اولک اولد و غراسته مزاکر بلاگز بر
 سلامت باقیه بین انچه کرامی آرزو هرگز خوابات بکمره برتر دامن و بر سینه جاگز بر
کشف ولایت کر میانه که در غم قصبه دن کشف مثال اثر جگر شد و جسی نک
 برادر بر ز غنچه صاحب دیوان ملک بلاغش خسرو خاقانی و بوز مره نک
 صاحب نام و خانی کچودی لکن آید و اشعار دن اولی الانظار کوزینه طوفور
 و جلیس شعرا و طرفاده او قور کلماجه بود قدر سلطان بزیه خاج جایی میلد قد
 اول نخوری زبور اذکو بعض جهات ایل قاعث انیم در بوشه انکدر
 دل قبیل کور و بسین صحنه آه دید برج عقربه بند سیر ایدر اول ماه دیدی
 باغ گلشن کور و قیامت قیامت بر ایاغ اوزره طور و بیا جک الله و بر
کشف اوزره دندر مقدار انشمنک طریقه ساک اولوب لکن روی دل
 و جاتندن حجاب اسرار کتاب مرتفع و انوار علم عرفان ایل تراکم ظلام جهل
 بی پایان خدیو ملک علیم و نشان ایکه منکشف و منشع اولمجم راه و فکر و کتابت
 اولمشیدی حالاکستان امانی و امانی خلی نصارت اوزره او کو متعرف
 کچ بقدی کور بوزینه سن کعبه جانک جکدی کورینه یسل نزل قبله نمائک
 ای ساقی جام مین کورین کل جاب لعلک غنیکه دوکدی اجل در این شراب
 بوزینی سور مزی دی دائم ساعد سیکه قولرک باین و میر سیدی و ستم بالینکه
کمال زرد ولایت اناطولیون بر عتد نام قصبه دندر فاتح قسطنطنیه روحم سلطان
 محمد خانک وزیر اولان سر دفتر اصحاب بلاغت و انشا وزیر خود ششیر
 محمود پانک نظر کیمپ انزل لیلیه ز وجود نامداری کمال العیار اولوب سیکه معارف
 و کمالان سکه قبولی ایل بر اعتبار اولمشیدی مولانا و زبور ک فضل و کمالی سیم سر

نصف کلیم اوزره و اسرار انکدر

عاشق بر ملال کس موفور اولمغین وزیر زبور ک علان سر ایند خواجه لک خدیو انور
 اولمشیدی وزیر مسفور عازم برای سرور اولد قد اوزره دندر خالص کو غم قصبه ده
 بنا اید و کج مدرسه ده مدارش علم و کماله اشتغال اوزره کین مدارس مثلاً اعلامه
 طوائف کور و بیان ایل فنون شیخی گزار و مجالس عالم بقا که فرقه قدس بان ایل مسائل
 تحمید ملک مجیدی تذکار ایلکه حکمت ایلک روی زردی نند زرا صفر ناصع اولوب
 موصوف کلام سرت نظام صفراء فاقع اولمغین لقب سلور ایلک شایع اولمشیدی
 زمانه سده شوی کمالن بولوب منظور نظر با بقال اولمشیدی بوشه انکدر
 بن دیدم کینه کی جانا دیدی کو کلدن کل
 قلیدی شید اکو کلک او کج شیمی شیدالرنیم ایلدی بنجا صبری زلف سمن سالرنیم
 باده و محبوب عشق ایلینه لایق قدر دیدم طوئیلر مجموع بو فتوحی سنلار نیم
 ای کاش جوتن بولکه خاک قدم تو که کاه انک بزرگی انده رفم اولسه
 ابر و ارک کمالرینی بین نور دیر بکرز تیقلرنی نور آهو کور دیر
 قوادیر صنوبری با کیم صالنه اول در دمنک آینه بالینه اور دیر
حکایت نامی اسمعیل در بنده و آزاده میانند دفتر دارزاده و کلک شوره اطلاق
 و اوصاف سخنه ایل مذکور اولد و غنچن غیری نزهت آباد قلب پر سدا
 انواع معارف و کمال ایل مهور و ساحه بال پر انصاف مصعب غام کمال اولمغله
 روض مظهر علوم عربیه و فنون ادبیه ده رانج و ماهر و معارف حکمت و صنایع
 جوتیه ده عبدین نظری کار در مشوی النون ایل شوره جهان اولمغین کاهی
 نقل مشوی ایل خلق جهان سودمند ایدر کید سوبه ایل بال پر کمالدن آرزوی
 جاه و جلایه دافع اولوب بر مقدار جوالی ایل صابر و فاقع اولمشید افرینشدن
 بوزمانه کلینی اولان حوادث و وقایع جامع توار یخون برکتای مل و نافع تالیفه

شروع ایندی و کج استماع اول نور لکن اول بر لایح هفتوز تمام او کونایح اول نور
 امید در که انما میل مو فح اولوب بود فی دریای عدمه طایسویب اثر اعدامه طخی اولوب
 نرنگ روشن جواخی روز و شب طور زیار کوی باقد و غی جواخی سوزیدلر روزگار
کلاب کلبه نام قصه بنامند و کاهی بعضی برای مناسک و صاحب و کاهی
 بعضی قصه کاتب و نایب اولغله ترک سودای مراتب و صاحب ایتشیدی
 کلاب کلامدن بوی لطافت فایح ایندی و کج بوطلع مشهور بطن طاهر دلایح در
 سکا و یکینکه جانانک طایغی وار با سنی قویوب اکا طایبک ایامی وار
کنایه دو اثر اصحاب کماله مدار و دار القوار شوا به بلاغت شاعر اولان
 یکینجه وار دار دندر نامی حسن در جیرت نک بر ادبی اولان سینه جاکت
 خدمتین چاکل چالاک شاکر دخاصی منظور نظر اعتبار و اختصاصی اولغله
 معارف و لطافت بطن بهره دار اولوب زمانده خیلی اعتبار بوشیدی مانند انهار
 بهار گشت کوه و دشت ایدوب خانقاه دنیا نگه کاه بقا و کلدردیو با صبا
 کجای بریده یکن و قزار ایتوب کاهی آستان مولودین سماع و صفایه تخیل سوز
 و کداز و کاهی غله توکل و زاد فواید سوز حجاز ایکرد اشاری معنی دار
 و سوزناک و الفاظ و اداسی دخی پاکرد بو غزل مزبور کلدرد **غزل**
 کجسون هر کج کلامیدان انک بو کدی اول الف قامت قشعی نوغدر انک بو کدی
 بیک جبریلی تو دک دشت فنا آفرین ای عرصه کاه لامکانک بو کدی
 خضر و عیسی کبی چاکل سبک روح و شوز طک دکل اولق زمبینه زمانک بو کدی
 ای کوکل جالاک اید صاحب نظر ادر غنم ایدر عثانه دک آب روانک بو کدی
 ای کنایه عرصه نظم ایدر پرواز ایت بوز کیم سمنه طبعله سن بین جهانک بو کدی
 خاطرات را قلم کو و ذی ساخ و ظاهر اولان بودر که اگر چه شاعر مزبور ک سمنه طبع بکند

مضمار بلاغته جائز قصب کیم اولوب میدان المشر و عرصه کاه فصاحت کاه شوا
 براحت سمانه آت صا شد لکن بوطلع بو غزله لایق و بیت نامی مدح رسول دانی
 اولغله سائر بایه موافق و کلدرد بوا شاعر دخی مزبور ک کفار دندر
 دکل آواره سی سر و سمن سما و مهر و نک قبار شجنت و جوبین ایامی جام کلونک
 تیغ سرتیزک که بار و سینه بیسکان در خضر در ظلمته کویا چشمه حیوان ارر
 کنایه کاه ابر و سین او کربین زنگنه سخن میدانک شمدی الگده طویج چو کج
کواهی ولایت اناتولیدین کبوه نام قصبه دندر افتخار سلاطین آل عثمان کاسر
 تاج شامان ایران و توران نیش ترهه بین نوش ترغیب ایلد نمشین و ادرار
 فیض انعام اغراض صیت حامد قرین ایدر سلطان سلیم خان باضی زاننده
 جمله عی کر جاردن زمره ارباب تماردن ایدر اولشاه مرتج انتقامک نام هر جتر
 کتبه البیایح نام برکت بوب کتربا بین ابراد ضرب امثال التزام تمیز
 بولور ایندی و کن اول کیم بدعکدر کیم ایتی اولدورن سور مشلدرد
 او شمنه طوغری سوزا کون قهر قو و کت غم دکل طوغر شهر
 کرک مال لده کیم منصب قزان کبر و باغلی قزان یاغلی قزان
 اولولر بوزی اولور کرچه ایست او نتمه کیم اولاسرین دولت ایست
 مقابره کلکی کتبه دعا کلک کتیب دعا لن اوزادوب مرجان دن او شمنک
کوثری لطافته آب خوشکوار بی مثال کوثر و هوای دم وصال کبی جان بر
 محل و مقر سلاطین عدالت کتبه اولان دارالطمنه العلیه قطن طمنه خنده
 ساقی کوثر علی مرتضی علیه السلام اولغله محض مزبوری باعث احترام بکشدیدی
 نایسته شهربا دشا بهی سلطان عدالت دسکاهی خدمتده باش جوامع هر کله
 مفتخر و مبا بهی اولان سپاهی زمره سمنند بوشوا انک کفار دندر

وصف سخاوت و امانت
 بزرگوار است

جعفر مشرباشنی بقاعه غنی حایه خوانند. همان دبسته قاضی لعلکی کوثر جانی
 بار عشقه نه ضرر انگار اجندن. اعلمی کوز ملک مردمی بوک اجندن
 سپری بند قفا ایلدکم بودر کیم. کچسون تیری اوده سینمک اوجندن
کیمی رأیت وجودی اما سینه سنی غنچ خانق. اولوب بای سیاحت کشت
 مسالک و طرایح. ایتشدی آخو دل بهاره چاره. تیار در دیو بعض امراء
 نامدارک دار الشفاء استانتق جایگز. اولمکه در دروین بر مقدار علاج پذیر
 اولمشیدی اجوائ خیالاتن حال اولان نسخه کلام و چون معانی کیفیت
 و حالتن عاظم خان. دکلدر بو **راکندر**
 اویارک خوابه وار ششم چشم خوشباشن. اولور شهرها زو شید قنادینه کلون باشن
 یوز چور و رماح بدلی روی خوبدن. و جهی بوق یوز سولون کچم چوین
 شویلمست اولشم ای کیفی قیامت فوکر. حشر اولمکه بزم کیم کیمینه
و فی التام لاله ولایت صار و خاندن زمره قضاة جلیل العواندند
 منقر علما روم جامع الفضائل المعلوم حایر کمالا انسانیة فائز غیاثیانیة
 مرآت جمال کمال احسنوا الحسنی زیاده مرحوم و مغفور له کمال پشاده دن
 ملازم اولوب نیر زمان کتات فتوی ابله استان سما بمارنده خادام
 بعد بعض قصبات قاضی و حاکم اولمشیدی **راکندر**
 قتلنه قصد ایتسون هر دم اکر عاشقک. کلکون بایشی یوزی صوبیلده خنجرک
 خیال خورده فکرات وصف دند اندک. لاله تاکه نظمک اوله در کوه سگون
مولانا امی غیرت نگارستان چین و خطا. ورشکارم جهان کلشن سبا
 اولوب خانک دلکن. و هوایی ملک. اولان شهرت آسا خورده برودن
 عالم شروانشانک هر ساطعی. وزانه سنده سما بلا غنک چشم ناقب و بدرکامی

ایدی بابایی سلطان بایزید شهریارک دفتر داری اولمشیدی لکن مرنورک
 باغ دماغنه نیم فنا و دان. و بدرقه هدایت سبحانی. ایلد طریق حالات رفیق
 توفیق روان اولوب نیر روزگار. دفتر دارکامکار. اولور ملک اراجین
 حضور خداده محاسبه افعال افعال کور لکده. من نوقش فی لیلی بقدر عذب
 فوا سجه حساب ویر ملک هنر عذابدر. دیوسالک راه صواب اولمشیدی و بو عالم
 فناک بقای اولمده غنچه عارف. و بوجوهان جی مانک شهرت و ریاستی شخص خان
 ایدوکنه دیده بصیرت ایلد نظر و واقف. اولمغان سیاح دل جان فانیولن
 طوتمشیدی. برایکی کون طریق علمده نک و پو. و شایر مراد و مرانی جنت و جو
 ایدوب جمال وصالک دیده ظاهر ایلد نظر. اولمغه مجال اولمچی قطب فلک کمال
 مرکز دایره وجد و حال. غنای قافی قطع علیاق شهاب زهوی قضای حق
 نقش بند کارخانه ولایت. مرسله پیوند حوران هدایت مقبول حضرت بار
 حضرت امیر بجاری به ارادت قلوب خدمت پر عادتند تحصیل کمالا انسانیة
 و تکمیل مراتب و مقامات علیة ایتشدی بیدر سایل و مستغنی. و علم تصوف
 و فن شعرا و اشعاره نیم مؤلفاتی. دار در مندا جامی کن اکثر کتابینی ترجمه ایتمکه
 زمانده جامی روم. دیکله مشهور و مرسوم. اولمشیدی شنده اولان مقصناتی بولر
 حسن و دل شرق زبان. عبرت نما. منقبت اوس القری. ترجمه تختات ترجمه
 نواهد النبوة. شرح دیباچه کلستان. شرح معانی اسماء الحسنی. بار و خوان مشات
 و جمع اللطائف. و منظوم اولان مؤلفاتی بولدر. دیوان اشعار و خاک نامه
 و امق و عذرا. دیبه و رامین. ابسال و سلامان. کوی و چوکان. و کتاب
 مداح رسول بزدان. و مقتدای ارباب بلاغت و بیان. اولان حضرت خاتمه
 رضی الله تعالی عنه دوشنده کور و ب اشارت پرش رتلی ایلد دیدیم دیو دیباچه

کز بر و سپهر انجمن در واته قالی اعلم شمع و پروانه جابر نامه لغت فارسیه
 هفت بکر شهر انگیز برده و متقل حضرت حسین روایت اولی که اولی زنده و عظم
 مناعه بجا رسد جامع متقل حضرت حسین او قنوق کوفه در دیدن منادی فریاد
 کتاب مذکور یثالبف ایدوب اولی بایده قاضی شهر اولان اشجی زاده بی
 و واعظ مسطوری داعیان شهر و عاتبه جمهوری جامع کبیر بر ساد ه جمع ایدوب
 حضور زنده متقل حضرت حسینی او قنوق کتب رفو مده اولی جکر کوفه رسول و
 فرزند سال غنچه بول عا کر مکنان خند ولدن غنچه مثال دکنک ملول اولی و غنچه دیکر
 یسون بر خسته جان بیک تبرید شیر تنها بر سوری خنجر بر لب
 ویزید پید کافر طامعون کو یک دو شر کبی بام بر کیندن دوشد و کنه دیکر
 طامعون طامو به دکن خوش جان تر اکه بوا سلوبله او جوقی بستر
 بوبر ایکی اشعار مزبور کدر

جعفر نور کوکن ملکر آه و زار مدد اود لره بندم بوا که بر شرار مدد
 قومسون بار ایشکینه خاک جسم غبار ای کوزم بانه بوسیل اشکبار مدد
 کوزلم بول کوزم لکن تیره دلدر ای توتیای خاک پای شمسوار مدد
 ای طیب جان دل کار یقین بوز غم ذرتی تر یاک شهد لعل بار مدد
 لامعی دل زورقن کرد ایه صمدی بوج غم یوق کنار وصل باره روز کار مدد
 کل کون بر ذره بارک خاک بر کور مدد اغلقله دیده دن جتوق قواسم کور مدد
 چون ازل صحنه اوردی نوبت کجاش طک دکل عیش اوزره دیکر ایتن سلطان عشق
 فایح او نراون کز نیک عالمی فتح رلیه عرشدن علی طوتر چون بهمن سلطان عشق
 بجز در بایه دوشه دامن تر ایلز جوج عالی کبی کوز لر عصمتن سلطان عشق
 آتش اوزره صا که غنچه کاکل کین نقد جان بر منج جگر کاکل مشکین دست

دور دی داود زره از خط غنچه بای بار چکدی عباسی علم کاکل مشکین دست
 کویا حال بر شام اکلش د لبرک دحم ایدوب کوشینه سول کاکل مشکین دست
 نایت اولدی خطنک جوکم مزور حجتی سعی ایدوب ترو برین اوزر کاکل مشکین دست
 طو نه و غنچون مهر حنک لکین فرخون خط بیکه غرق اولمش مهر اسر کاکل مشکین دست

لاهی نامی مصطفی در روم ایلین سیر و زدیلمک مذکور اولان شهر شور دندر
 سلوک طریق علمک نهج مهور اوزره بذل جهود ایتد کدر مکره نجات جذبات
 گلشنیدن جانته بر نسیم ابر شملک سفر دیار مهره تقسیم ایدوب ساحه بالنی غبار
 رجاء جبه و جلالدن پاک و حجه صغیرن کدر رات علایق و عوایق دن آثار مجاهد
 و انوار تجلیات ایلد تابناک اتمک جاسیله نیجه مدت خدمت آستان گلشنی ده
 مقیم اولوب گاه اوراق بهار کج کلستان آستانه د کور ها جلور و گاهی
 غنچه کبی رشحات سیاب شوق و انجده ایلد کلوب جلور و گاه خان دیده برک جبار
 کبی جابه و دسار دن عاری اولور و گاهی دیده غنچه سندن زاله مثال
 متعطر اولان اشک حشر و سرشک ناست بیل معرکبی جاری اولور و بعض
 شهر استنولن بیغول اختفا و جلوده نیجه زمان سرو مثال غنچ عالم دامن
 و کاشانه قنعه در دله در دکن اولمشیدی صاحب قران عالم مرحوم
 سلطان سلیمان خانه وزیر اعظم اولان علی پاشا کز بر نوره میل نام و انجده
 مالاکلاخی اولمین منراج مقامی مرجع خاص عالم اولوب التفات عالیسی
 ایلد جنازه مزدحم شیخ و ناب اولمده جلدی عالیجناب اولمشیدی خلک مزبور
 ف د عقیده ایلد اعتقادی و آراید واته قالی اعلم رتبه شعور و نظم با غل
 و درجه اعتبار ارباب انظار دس خط و نازلدر بوشهر انکدر

قویه فیضک ابر بار کادر اشک شور که فلک مهر و ما بدر اشک

طریق کعبه ره روان اولسه . جناب حضرت برشاید ایدر اشبک
 قیادت اوز که او کور بولای کیند . عزیز و بی کسر اولانه پادشاه اشبک
 دیکلازم دکل غل و فکر که کم یاره . زبان حالده سولر اغرا خوب نویاره
لطف کبار افاضل و مدن جامع الفنون و علوم نظیر و عدلی مانند غفایم
 اولمغه موسوم اولوب صاحب سبیل شریفه و مؤلف مصنفات لطیفه و حیات
 علوم و فضایلدن . انا مل دریا خضایل ایلد ازاله غواشی ایدوب کتب معتبره تعلیف
 خوانشی ایدن مولانا لطیفدر که آوازه فضل و عرفانی قیته زین و زمانه پیر
 ولوله کوس غم و نانی عرصه گاه جهان و ایوان کیوانی پر غوغا ایدوب حق
 کلامی ابصار اصحاب انظار ای حاطف اولدوغندن غیری علما و فضلا
 و امرا و وزرا هیبت و سطوتدن رهناک و خائف ایدی مواعظ و نصایح
 مشفقانه ایلد اکابر و اعیان زمانه زبان طبعی دراز اید و کندن هر ربیک
 اعلام انتقامی حکت و لهنراز اوزره اولوب مترصد کینتی و مترب زان
 و ذلتی اولور کراید جلدن اول زمانه اولان اصحاب فضل و عرفا کینتند
 و طایفه شریفه ارباب تحقیق و اتفاق مقدم و پیشوا سی جامع انواع معالی
 و افضال خطیب منبر فضل و کمال اولان مرحوم خطیب زاده نک حاشیه تبرید
 شریفیه تالیف اید و کج حاشیه بین تزییف ایتکه مقیده اولدوغندن
 خاطر شریفی متألم و مضطرب و کانون در و شمع آتش کینه و انتقام مضطرب
 و ملتهب اولمیدی و اول زمانه علما سندن مندا عرب ایلد سلطان جهان
 شاه درویش نشان مرتبی العلماء متوی القضا مرحوم سلطان بایزید خان
 حضورنده بحث و توافق و منوودن مباحثه ایتکه ذکره قیج بعض نکات
 شنیع و وقیح ایلد مندا مزبوره اطال لسان اید و کندن جهانک خرات

قلب پر صفای بر مقدار مکرر و سرچشمه خاطر عاظمی غبار کدورت ایلد فی حکله مفر
 اولمشیدی حاصلی بر بهانه ایلد شاه جهان مغرب سلطنت و مدبران مملکت
 اتفاق ایدوب مندا مزبوری مظهر اسم مفضل اولوب طریق توفیقندن ضالدر
 و دایما حال خلق افلاک و اضلالدر دیو تفتیشنی خرم ایدر و کلرین مزبور
 ربجین و دست زبانندن الم کشیده و تحت چنین اولان بعض اصحاب بعض
 وعدوان حاشا اول صاحب فضل و عرفاندن قنلی موجب بعض اقوال و افعال
 مشاهده و معاینه ایتکه دیو غصه شهادت ایتکه علما زمانه سی افتاء اباحت قلم
 جوات ایدوب مندا مزبوری نیک سعادت شهادت ایدر و لغدت شهید
 تاریخی اولمشدر مرحوم مرحوم مولدی شهر سوده صفات بلخ نوباندر
 سنان پادشاه علوم آله و فنون عالیله تحصیل ایتکه حکم مرحوم علی قوشچی
 عجم کلدکه تلمیذ خاقی اولوب علوم ریاضیه و فنی تکمیل ایتد و مدار عیدیه
 افتاده علوم ایتکه حکم صحفه بعد مرادیه برو سوده مدرس اولمشدر
 بنای سرای فضلی مشید و مؤسس اولمشدر مندا مزبورک اوضاع و احوال
 تکلف و تصدقن سالم و عاقل هر کس ایلد مطایبه و ملاطفه و مازنه و محاوره
 اوزره لا ابالی مشرب اولدوغندن حاشا بی دین و واسع کندی سنور کراید
 اول شیر دلیری مقید زنجیر ایدوب ایتد یوسف اول ذات فقایل مشحونی
 مجوس و سجون ایتد کلدکه سلطان بایزیده کوندر دو کج ابیات نذر
 اولد و منی مهر وفا ایتد و کیش کراید مهر وفا اولدر کینت
 وزیر اعظم اولان ابراهیم پاشا کوندر دو کج ابیات لطافت سماند نذر
 ای مروت معدنی لطف سلطانم مدد وی اباعن جد و زیر آل عثمانم مدد
 دامن یوسف کبی جا کلد ذیل عظم خصم بی ایقان الله الکریمم مدد

علی قوشی مرحوم ایل دیار بختن بیلک کلن منلا فخری به شرط واقف اوزره فرق ایل ایل
 اولان دارا کدینی اوتوز ایل دیار بختن منلا فخری به شرط واقف اوزره فرق ایل ایل
 ای دهر عجب ایدنه در کیم حدت ایدک . بنیادنی بقدرک همه علمک عبت ایدک
 بر دهر به بر اولمچون دارا کدینی . نقص ایلوبین اوتونی دارا کدینی ایدک
لطیف مولدی قشمو سندر . اوایل حالنده تحصیل علم اشتغال نمیشدی چون فراغت
 ایدوب بعض عمارت جلیله ده کتبت ایلک کتب معیشت قلمشیدی حال استنبوله
 پیرناون تیر فامنی سال کلن ایکی بولکشن شیخ حیاتیه برک و بار او کوشوش
 وقد و تاسی سلام مرک و پیام اجل المیفون مخفی اولمشدر زمانده شروان ایل
 شهرت بولوب تذکره الشعرا کوثر و املا ایتک زحمته مبتلا اولمشدر شیخ اجاب
 شواده لوازم و حرام کاری مرغی ایدک کندن غیری حلاوت عبادت و لطافت
 استعاردن بری خاطر افسرده دلان کبی لطف و لطافتدن عاری اولوب
 اجاله اقراح انت ایدن ارباب بلاغت و براعتک مجلس اعتبارنده کاسه
 حرف کبی الدالاغه لیاقتی و شایان قبیح منظر و کریم پیکر کبی بریم اهل کماله کلک
 صورتی بوقدر جمله شوالی کندی مک سقط راسی اولان قشمو فی نام شهر انتاب
 و انتا ایتکل یاران صفای کتاب مرزوره قشمو فی نامه نام ویردر ایل
 شوی انتا سندن بهتر اید و کج خلق و مقور در اشعاری و فی وسط الحال
 اولدوغی معلوم ارباب حال در بواسعار ایتک گفتار زنده
 سورمه چگون اوزنی نکرستنگدن . شانه ننگسون الی زلف پرنیا کدن
 زکم غبار پای سک کوی دلبرز . اولورک اباغی تیزی خاک کتیز
 نقش دو کونی آینه جانده سیر ایدر . ققوفنا سر برینه مالک سکندر
 جمن یکا ایدی کعبه سبزه و نغمه . ساقی بود و لبیک شمع هفت کشور ز

زلف غنیمت بار که بوزدن کتور سک و جوی . چونکه ای حوری شیرین کلشن جنبه بار
 ظلمت شب ایلوب در عالمی صمک سیاه . باد آمدن سونبدر چراغ مهر و ماه
 کوزم با شینی کجرا ایدم فرا فکله جد القدر . سسکه قافیه اظالم صوبیز نزدی اراقدر
لطیف هواسی لطیف و آینه خوشگوار . اولمخده نماز بلدان و امصار اولوب
 نمونه جنات کبری من کثرها الانهار . اولان شهر برودن برخواجه مالدارک
 اولغیدر که طوطی لطیف . دیگله تهره هر وضع و شریف ایدی مرحوم کز رسیدن
 ملازمت میرزا اولدو فکله منصب فضائل حفظ و اوف . و نصیب اوفرا لوب
 کسب بسم و زر . و تحصیل موال بید و مر . ایدک کده کده استنبوله مدرسه بنا
 ایدوب کندی مدرسی اولمشیدی شیخ مدت صلاح و تقوی ایلک کوشه کیر عالم قاف
 اولدو فکله طوطی بنان سرای ملک بنا . اولمشدر بوشو ایتکدر
 که کز توسن چرخ مه نودن فراغ دار . بو عالم کشت زارین نه جفتم نه اورا غم دار
ن مقررات سلطین عثمانیه و مهابط انوار غیبات سبحانیه . اولان قبه الکلام
 شهر قسطنطنیه . دندرا اول ذات کریم کجیا نیک که فیض حیاتیه دستندن ابرها رحیا ایدر
 نام شریفی کجی در عالم سبا و تدن که حکام تحصیل موفقد و عروس کلات انتا نیت
 نظر ذات ملک سیرتده جلوه کر . دسالت کتبت که آیت رفیع رایت علم بالقلم جلالت
 شانه ناطق . اولدوغی کانتار علی علم و رفعت شان شاکت موقوفه . ما صدق
 مضمون بلاغت شوقان و القلم و مایطردن . در انامل دریا خصایله منور میرستر
 اولمخین تحصیل فنون آینه دن استیفا . ایتکده سالک خدایت خوانه واستیفا
 اولمشدریدی بر زمان دیوان سلطانی . ده حاسبه جیلک عنوان ایلک معنون
 و کوشه میایف و دفاتر کوشواره مانور و معافوی ایلک موشخ و مزین . اولمشیدی
 حقا که مستوفی افلام نیکه شهروا عوام . اجمال کمال ذات . و تقاضیل حسن صفاتین

اوراق سبع طباقه کثیرا و نه متعلقه فکر و کمال اندن حساب یک فلم و کلدر و
 محاسبات و دفاتر ایام داخل خزانه ذات بر اصراری اولان مکارم بی ارفا مندن
 بر رقم و کلدر و امید در که بتایای جابه و جلال تفصیل و اجمال اید تحصیل اید و ب
 عامل ایام ذات سعادت انجمنی اکنون در عهد اید و کی مرآت و مناصبتی تسلیم بیک
 و اصل مقام منبع و قدر جلیل اوله زمانه مرزده طوطی طبعی فسر بلا غنچه کویا و طوف
 قند شهبان اید شکر خا اولان و کلیم لاف معروضات و بیایده بد بیضا ایدین
 شوا و فصیح القان و نظایر شیرین زماندن در بوبر ایکی ابیات مرغوب اول
 ذات محسوبک بو مجله جلیله بر کثیرا و لیسون اختیار اید کلری کا ساعده فصاحت معجون
 دم قلمده خونم نیغ ترانکده فاشدر بنم دست امید مدر که دامانکده فاشدر
 با سکه و کلدر نقش کما بنیچر سمند بنیچر مطلقا فی سنگ نایکده فاشدر
 پریشان خلق سزلف پریشانکده فاشدر پریشان ایملک عاشقوری نایکده فاشدر
 نکر کجی دل جلا دغم کای کمان ارد نشان استرک شسته زخم بیکانکده فاشدر
 مرد و دسر کوکبا و لوب بتدل و کد اغیر سیه رویه بوال کوزل اولدر
 کجی فرما دیل فجنون با که هم فاشدر وادی عشقک بو کون ار در عجب نهالشی
 غافل ایملک کیدر لاف طعن با اید قویق طوتمق بلور سن قول اعدا به بنامند
 روم ایملن اسکون بام شهر ارم سعادتی توطن و آرام ایدوب بر ایکی کلدر
 طریق علدن فراغت ایدوب انی معیشت و سبب فحمت بمشیدی روی نیکوسی
 لعل رنگ و کلفام اولدر و غندن محض مرقوم اید شهره انام اولدر کان جهان
 و معدن دل جانندن مقبول آفران بازار عرفان بنیچر لعل آیدار و کوهر بر اعتبار
 زاهدک کوکلنده جنت عاشقک یار یار لاجرم هر کشیک با بشنده بر سودا وشی
 عاشقک حالات و جده انجمنی منکوز در بار غنوه سی آمده قوم را اختیار

و لیسون
 و لیسون

و لیسون
 و لیسون

ای مقلد کشتی و آینه صاف اولق کرک قومیه تا کیم اکار و کد و رندن غبار
 صفحه خدندن یارک منکوز خط غبار ذره لر در کیم کونش رخساری نمیش آشکار
 نامی محمد در علین قبا زاده و یکله بر استار اولان فاضلک فرزند هوشمندی
 اولعین محض مزبوری اختیار ایتن در جهات و لوازم کمال و علوک تحصیلنه
 عازم اولوب دانشمندی مانند اولقن جناب فضایل طاب فطر اتوار و آتیه اکلک
 و فصل الخطاب حائز فضایل و مائثر سید و حساب اولان زکریا افندی خضر نیک
 آستان فلک قیامندن جابوب مثال فلام اولمعه معارف نظار الطاف و مراحم
 اولوب خدمت علیه لرندن ملازم اولدر کار دو سجده رستم پاشا مدر سندن
 متصرف خدمت تدریس اوبو تحصیل تکمیل اسباب علم و کماله تائیس اوزره در فنی
 انواع کماله و معارف ایدل اشنا دیده دل جاننی کل الجواهر عرفان ایدل روشنا
 اولدر و غندن فیری نغمه دلوزیب و بهجت افزا و الحان دلنواز و مجلس ارا سنگ
 و صفی قابل کثرت و املا و کلدر حالاد اخل سنجایدن جناب کیم و مابدن
 مامولدر که بلال جودی کامله باهر اولدر فیم انوار عرفانی دخی منکاز و متوافر
 و لیسون شیفته دل منتظم الحال و لیسون سنگ خنده عدد و منکسر البال اولسون
 بنیچر بر راه جفا ده قلده افتاده کوکل بنیچر خیل ملا و غمه پامال اولسون
 باد آمله جهان با غنی لرزان ایدین تاکه اول سرور و انم بکایتال اولسون
 ای کوکل اولمعه سر دفتر ارباب نظر و قضاات هر ورق او سینه قدح ال اولسون
 ذات بر جودی او شکر کما ای لعل منزل فعت و شایسته اقبال اولسون
 بر اولمک نشانه اکنون شیر خدر که سنگ نزار نزار اوله قائم مقام
 کیسی رشته هانسون کیسی انوی بر کزین اوزلف عنبر نیکیه صالار و مارا و
 لعل دلقر نوله و صفنده او کور عابج شرح انمرا و شکر لعل ای دلقر

اولدر و غندن
 اولدر و غندن

دیش سن نند جان به بوسه اولزا و کون ^{لعل} اولمز دی بوسوز لسن از لوشن بکار
 مقدما مذکور و مطور اولان لامینک فرزند دلبندی در نامی در ویدر
 مالک طریق سعادت رفیق علم اولوب طریق رفیق ملک شداید و متاع بید و رتوب
 چکش و بجم اصل و رجای زمین مانرا دیده اکتبیدی آخر بر فوای من فرج الباء
 و بیج و بیج هزار اقدام و بیج ایل صاحب فران زمان مرحوم سلطان سلیمان خانک
 خواجه سی خیر الدین آقندینک آستان ضعیفه داخل اولدقه حلقه مثال باب فلک مثالند
 زایل اولوب غروره و نشاء اختی حکم طوفانیج دولت ملازمه نایل و واصل
 اولمیدی مدینه قسطنطنیه ده بوی زنی انچه ابل خدمت ندر مشغول ایکن کو کسلیج
 و خورشید پر شعاع وجودی غروب و افول بولوب نال حیات صدات خوان و نشاء
 فکر زلفکد رشب زنده جان کلنجی کبی ایل مرغک اولور آشبان کلنجی سی
 کو کلیم طول امل فکری ایدیدر بایمال اوللی سودای زلفک هر زمان کلنجی سی
 غمره سی فکر بیدار و سی خیال دیرک لمعا بینر سکا تیر و کمان کلنجی سی
ملک دیگر زمینی رنگ بهرین و خاتم بلدان جهان فیروزه کلین اولان
 شهرت آیین برونده و دن باریق و لامع اولوب خورشید وجودی افق
 شهر نور دن ظاهر و طالع اولمدر نامی عبده در بابا سی قصه اسلامون
 به متعین و بنام کمنه ایدی کندوسی مهر حسن و ملاحک بویف کنعان و عالم
 شیوه و نازک مهر خنای و آفتاب پر لمعانی ایدی ذرات مثال اول آفتاب
 حسن و جمالک عاشق سرگردانی محنت عاشق کبی حب کلنیدی و تابد
 عشق و حننه ناب مهری ایل سوزان اولمز ذره دن افزونتر اولمکه
 عد اولمز دی قد و قامتی برزم تراکت و لطافتک نعم و روی بکوسه
 فلک خواجه و ملاحک آفتاب پر لمع اولمچین مخلص تر بوی اختیار انچه

ایزدیون بوشیدی و ایشا زکمر

صنایع و بدایع علم مالک اولوب بابا سی حقیقه سالک و تابد شیخ الاسلام
 منیع الانام حمزه الخلال عن کرام علما دانشوران جهان ایچن جی عیدل مشایخ
 اید و یک معول علییه و مفتی به اولان جوی زاده افندی خدیگری ساید بان
 صدارت ایوان سلطانده کسرایین اولدقه جبل کینین ائمه عاهم اولمکه
 حقوت ملک رفعتن ملازم اولمدر حقا که ایام جوانی و عشقون زندگانه ده آفتاب
 رخشان اشعارینک برق مثال شمعی و بجوم کلیم مر سونمک کر چکدن برین و شعاع
 اشعارنده معانیه دقیقه و تجلیات رشیقه ایراد ایلکله خدی التباع و طبع و قاف
 و ذهن نغادینک بوفنده ایجا و اختراعی وارد ایددر که بوی قیوم مثال لیل
 از دیار کمال بولوب لمعه ال کبی سکت اصحلال و علامت الخلال طوئیه
 بوابه انک کلیم و معانی در و بوجله به بحر اونیفون مخی طبع با کماح در
 بایسته یوز ویره یار اینم شوندر هب بوغوغا لرا و مالک شایسته
 شونک تفرقه کیم اندی دلت بیدار اوکومه دوشدی عدم ملکه اولور
 صانع رحمانه عبادت اوله بر دم غرضی هر فن صوفی سماع ایلر شیطانه دوز
 مثال ابدیت کشت دشت راحت قیاس قرار کا کبی کوه غایت بود و ادب
 یقین اولما سون غبار اول مه سولک شیخ مدد اول کونکری بکلم انه اراغ انون
 بواسطه بلرغید بزم دلواره وارم برکون بن اولدکه بلالره فلک باشم ابانغ انون
 حذر اینون اومد ابا غننه یوز سورمون اعدا نشان غلجک کیکینی کوز قولاغ انون
لوی ولایت روم ایلنده برشته نام قصبه دندر صفای و صایف قلمنده
 مرسوم اولان نوتش ما سواج خلوک ایدوب لوح قلمینی غبار اخبار دن ساده
 قلمچون طریق تصوف سلوک ایتیمیدی نچ سدت قطب فلک کراحت محور دایره
 هدایت مرکز افندی یار ایدن کتور و ب کجیل کمال ان تبه صرف محنت

ایتمندی اشاری همان لوح ساده متولد سبز که انده نشو و قوم لک
 مرسوم دکلور و کلماتدن خود کلام موزون و معنی اولمقدن غیری حال معلوم
 و منوم اولمشدرینه کم ایراد اولنن متالکدن استدلال اولور

ایکون کوی دلدردن خبر بوق	ایکون کوی دلدردن خبر بوق
صفا فحش نه سنده دختر زنی	صفا فحش نه سنده دختر زنی
قنه ای بیوفای مردم نمک عهد بنوید	قنه ای بیوفای مردم نمک عهد بنوید
ای بنم اولمقدن باشم جوخ فکلمی شن	ای بنم اولمقدن باشم جوخ فکلمی شن
قلبی ز غلدن ایروب ترقن ایرین	ای بی لعل دلبر خویش حکلمی شن

حق المیم بار حصار اولمقدن دیگه نمره دار و دیار اولان فصل نامدار
 اولمقدن قید و نشویش شدن ازاده و روی المسمی مانند فکلمی اطلس نشو
 می سنده ساره غریب شکل و صورت و عجیب وضع و هیئت دایما هنر از به کار
 همیشه زندگانه خلق اوضاع و اطوار اولوب کثافت کجیه دن بری
 اولمقدن مرزوره غایت خفت عارض و کار اولمشیدی سگینه و دقاردن
 دخی بالکلیه کار ایدی بر حال و شانندن صد و زمان اگا منصب تدریس
 روا و سزا کور می یک سالک منصب اولوب اما طوطی ده و دوم المیده
 بلا دیکتره به قاضی اولمشیدی سه اشیتین و اربعین و نه مایه ده کلیسوی
 نام شهر با احترامده قاضی اسلام ایکن دایش حمام دفع نزاع و دفع خصام
 ایکون خواه و ناخواه جناب قاضی کجایه چکنیدی تاریخ و فایده و درج
 مانی حق قلدی جان تبلیم زمانده شواله اشهار بولان سواد نامدار دن
 و اولمقدن دام و دانه نقطه و حروف ابله تزدوان معانی لطافت مالونی
 شکار و دریم و دیار فکرت و انظار بینی نثار و اینکله سالی قدان نو

والطانی در کنار ایدن ناظران لطافت شعار و نذر بوبر ایکی اشار و انگشتان
 کاکلک اولن حیمه بکریم جان اولمشدر غمزه لرا اول سینه بکریم سنان اولمشدر
 اشک خوشنیمه هر دم چشم کریم بنم شول حبابه بکریم ای لبر که قان اولمشدر
 قد بالاک اوزره جانازلف قنایک بکریم شدر زاغ که سرور وان اولمشدر
 لعل شکر باری اوزره طم طار یار ای مایه جمیدر کوباکه جان اولمشدر
 اولمقدن صنوبر قدیاره عجب اولمز ریزه که باشه طشیره اولمقدن ادب اولمز
 اسک دایه کوکل انانر سن یله اولوب صوبه طیار سن
 ای قدح قنقی بزمده کاو له یار اول ارایه طوفوز طولانر سن

مالکی نامی عبید الملک اولمقدن حلقه مرزور ایل متخلص اولمشدر مقدما فکرم
 و مسطور اولان قادرشک فرزند پر مغازه و مادر بیدر بنان نب و حالیه
 سوال تفصیل ایلنج اولمقدن شرح احوال تگوار شیخ اولمشدی داعی باقم
 انواع معارف و کمالات ایل حال خوانه قلب سعودی نفوذ قضایا موعود
 ایل مایه بر ذات مستجمع الکرام و المعالی ایدی صدر افاق صقل جهان و بدر عالم
 عالم فضل و عرفان مرحوم والد فردوس مکانی جو تربیتین مربی اولمقدن
 کب جلد ایل قضایل ایدیوب آستانه افاده لرنده خادم اولمقدن خدمت
 اعاده لرنن ملازم اولمشیدی دارالکلیه الشیه فکلمیه الحیمیه ده
 مدرس اولمقدن مکره معرغه و یارک مالکی و فقه و فقه نیک عبدملوک
 ایکن آزاد اولوب بر ایکی درهم و دنیا رک مالکی اولمقدن سحت قضایا
 مالکی اولمشیدی نواحی معرقا هره ده عنایت ملک قیومه قاضی
 اولوب بعد اما طولیده صند قلم مقبیه ده اجراء قضیه شرعیه ده برام
 ایکن متاع وجود نامدار بینی خازن فکلمی هند و قیومه صامش اید و ولوی

او فکلمی

ش هوار ذات بزرگوارنه بازار روز کار ده اعتبار اولمغین جوهری ایام
 اول گوهر را خرامی نه صدف زمینه المشرابی بواشعار آیدار اول از بزرگوار
 یاری مست اکلیم بوسمه تک تا زدن طیسور حسنه شود به طور مزایا زدن
 دید بر خط کلد و کن خیار جان او کشته کرد غم قنذر دیر آینه جان او کشته
 سولید که اول بکی عاشقی المهداک کر سکوٹ ایلر سر بر دم قان اولوقان او کشته
 روی رخسار او زره نازه خطکی کوشش مور رچقدی صنور دل او در خندان او کشته
 زخم خندک باره خون اولدی بوجکر بود کلو یاره بادشهم فنده باش طوخر
 کجک کرک خندک خفا سندن ای کوکل اول قاشی بانی خکجه جانن سور کجر
 الدن جعفر دی جانن بوسکین لک کورک قلاب زلف دلبه السندن لک کورک
 تا چین طرکه کله رخک کور دی مالکی بریج و تاب اولور کچی اولنجه تاسجر
 ره عشقه جانا چشمه لرد چشم در بایم اکا دست بلا با پیش کمر لرد دایمی فاشم
ما باباسی جالبی علی دیکلمه معروف افاضل صفات قصبات دن بر ذات
 ستوده صفات در نامی شیخ محمد در کلمات ملاحظه در خدایه و چمنزار
 شیوه و نازک سر و روان اولوب مصور ازل و خلاق لم یزل صحیفه وجوده
 روی نیکوسن مثال از رنگانی ایوب مانع چه بود و صورت به عینش چه بود
 مانع منم که چهره کنی ملاحظتم فحواسی مهدوقه حال جمالی اولمغین جلفن زبوری اختیار
 ایتشدر حالا انا طوی به صدر اولان مولانا اعظم جامع العلوم و حکم ملا احمد
 افندی معلول زاده افندی ارتباط ایوب خدمت شریفه نزل ملازم اولوب
 طریق تدریس سالک عازم اولشدر عنوان جوانین قلم فکرت و خیال ایلر رسم
 صورت قبله قال و تکرر توش کلام و مقال دست از مالک و طوطی طبع بزرگانه
 مهر باغت و مضاحقه سکر خالین اوزره در ابد در که مدارج ترقی ایلر قهر کمال

مستغنی اولوب ذروه قفل تنوقه اقدام اقدام ایلر شتلق ایده بواشعار اکلدر
 ای خط سیه عارض جانانه طوخته بوز قاره لغن ایلر ایمانه طوششم
 آغوش مبین طلب ایتیمه کیم آسا مانع مد اول سر و خوا مانع طوششم
 ره عشقه نه غم چکه کوکل در دو ای شه ملک جفا شیدی کور دکل کرک
 بزنه کلدک النی او بکله باغت اولوک اولدی ای جام صفا بخش مبارک قدیم
 ای مصورا و همک صغنه باین بازیک دوستی انگشته کز ترا بر یکین فلک
 ار تر و ب دشمنی داغ او کشته داغ او دینی اولدی ای مانع دختنه زیاده ملک

غزل اقم الحروف

کل کل اولدی میلر خلی هر صبریمک بریر ایلدی نینه کلکری باغ اریک
 خون غشاخه انجیر سیک می کلکون برینه نوش جان ای کوزی سنانه زاید اولد
 خلق رغبت ایلر کله اگر چه او مرز بیزه اول منته چکدر به خاک قدیمک
 مددای فاشی کمان فاخته کمر کور کیم بری بیکه کچر ناوک حور و ستمک
 بلبل ل نوله در دیکه فغان ایتیمه حسن خال لردی نینه دامن اول غنیمتک

متن نامی محمد متقی در مقدمه حروف فافده قدسی جلفن ایلر تخلص اولان عرب زاده
 افندیگ فرزند بلند بیدر کندی به آباء و اجداد دندن میراث اولان علم و عرفانک
 کھیلنده کوشش و تکمیل معارف جوئیده در زرش ایتش جوان ایدی حفا که
 پنجه زمان ایدیکه یعسوب فلک حسن یوسفی کم کرده و ناپیدا ایتشیدی بوی پیرا من
 وجودنی استشمام ایتدکن اتق لاجدر حج یوسف ایلر کویا اولمشیدی و پنجه ایام
 ایدی که کلته اوزان جهانن در دو دشت بجران ایلر و ابیضت عینای من کجمن
 دیوب چنمان نور افغانه که بریاه تابان دبری مهر خشان در غیبت نور دیده
 ایلر کر بان ایدی طلعت غراسنه من ایدیک فلک ایلر البیض الفاه علی وجه فافده

وصف جبار

بصیر

مصفوفه اوزده قریب وینا اولد **مصور ازل ز روح صورتی میخواست**
 مثال قدر ابر کشید و آمد راست **جفا که دست تپا دل هر غدار لباس جفا**
 هیکل غریب بری و عار **ایدوب اول نخلان کمال لقا** **مرد و زن آفت بهر رخت**
اولد **واحر تا که اول خوردیده نک نوری رسید** **اولوب شکوفه زار وجودی نام**
اجلدین **مرصه باد فایله** **برک خوان کس خاکه صا جلد** **وتند باد اجلدین اثر نوار**
و که و افزار **و شده عواصف نهادن کرد بلیت و آزار** **اول نخلان مدار زمین**
فایله جاکه **در یخا که خوشید روز جوانی** **جو صبح دوم کم زندگانی**
اگر چه حجره روینده اولاد خال غریب **چشم بدی دور انگیچون الفاسد ایلریدی**
لکن نوح آفت و کزند اولد **دیر اغوشوزیلر میج آسا** **نچه مرده لیرین جیا** **ایدوب**
بر جوا بله نچه خسته لره **درمان ایدر کن** **تغیر ملک قدیر** **ایله دامن جیانی دست اجلدین**
فوتر مغه درمان اولد **بغض اراضی فوجی چون** **چوب چینی ایچک مباحث ایدوب**
ایام طاعون و موسم و با اولغین **توبی چوب حدوت و بایه مودی اولوب**
سند آشتین و تباعین و تنع مایه ده **دو کدی در دیله اجل در لایه**
موی میان و ابروی باریکی کی **دقیق خیالی** **و خط روی دلیوسی کی** **فقی کی**
نعلی **در درج دماغی کی منتظم و کج و دار در** **بویا ایلک کلماتندیر که خیر اولد**
بنی جیون مثال ایلک **بو استغفانه نیدن** **و فاد و مهر اومن نیدن** **کیر و دیوانه در نیدن**
احوالی عرض ایچک **هسچ و نمدی نمد** **بر لحظه نیدن بنم ایلدی** **زفت**
عقل و دل صبر اولد **روان بنم غم کیر** **ای جان ملاحت زده قالدی** **که صحت**
در دکلر اولد **و صالک کمال جیا** **ای روح روان انگیسده** **جان نیت**
تشبیه ایدر اولد **نور امو و میان** **ای متقی نمدی** **فتی انجندی** **ترک**
وصال امیدی ایلر **چون که دیر مدکل جیا** **اولنجه چک** **کوکل ایدی** **بلای جرای**

بنجه با قریوز که هر کون ای پری لم **رخو که بکزدن آفت** **مه رخشان**
چشم خیال **سکله بر رو افذر** **قاشک غنبد طافسم** **ای غنچه طاقد**
ساقه اینی **طولردیو** **جکس عاقله** **چشم حباب** **وس غری** **کوز قولا قدر**
مثال **جواهر وجود ارباب** **رفه معدن** **و منبع شواء** **بشرین مقال** **با کبریا سخن** **اولان**
دار افرادر **دند** **مانی حسن در** **مقدم ارباب** **چو فتن** **ایکین** **صنعت علم** **و معرفت** **عین**
و بعضی ارباب **هنر ایلد** **قرین** **و منشین** **اولمغله** **فصل معارف** **و لطایفه طالب** **اولمغله** **الوقوع**
قابلیت شانی **اولمغله** **خوئی** **زمانی** **امثال** **اقرا ننه** **غالب** **اولوب** **شعراء** **ایا** **کین** **نظیر** **و**
و نظامی **دور انک** **شاعر** **بشرین** **مقالی** **اولوب** **عندلیب** **زبان** **ففسر** **مانن** **نجات** **بلاغت** **ایله**
مترنم **و طوطی** **جانی** **شکرستان** **فصاحت** **کلام** **رنگین** **ایله** **منکلم** **اولد** **برقاج** **زمان**
فت **معاویه** **کوشش** **تیکله** **انده** **دخی** **جلی** **نام** **و نشان** **بدا** **ایق** **در** **هنوز** **داخل** **شیر** **شاید**
جناب **کریم** **و نابد** **مولد** **که** **مدارج** **بقایه** **متقاعد** **اولد** **قچه** **انار** **طبع** **پر** **اقداری** **مترنم**
اولوب **خفزد** **جودی** **و اصل** **چشمه** **جیا** **و بر** **خورد** **آر** **اولد** **قچه** **مار** **ایق** **معانی** **لوگو**
لوئه **افلام** **شکین** **ارقا** **مندن** **دایما** **جاک** **اوله** **بوبر** **ایکی** **ایست** **بلاغت** **شما** **اولن** **سک**
دینرسن **بای** **بوسه** **عاشق** **زار** **کچلد** **بو** **او پر** **کوز** **کوره** **خسار** **کچ** **ایلر** **کوز** **لد** **بو**
قوبوب **کویکن** **کوکل** **راه** **عشق** **اختیار** **انیم** **کوکل** **فالمون** **بکم** **بول** **فالمون** **بیر** **لشد** **بو**
سلا **نیکه** **کلور** **دیو** **غیر** **فرخ** **قال** **بلال** **شهر** **او** **جنه** **چقدی** **ایدوب** **استقبال**
طیسم **کوردی** **کم** **جسته** **یه** **ملکن** **کل** **کحت** **بود** **در** **ال** **و** **جی** **ایله** **بنفیع** **طوند** **وغنه** **حکمت**
دیدم **اخ** **خط** **کلور** **اول** **عل** **خندان** **آشته** **دیدی** **اول** **روح** **روان** **کل** **موند** **جوان** **آشته**
فلکده **کسیه** **باش** **اکرین** **ای** **شلی** **غرا** **قناعت** **ایچک** **اولور** **بر** **دلم** **مانه** **بلال** **آس**
اول **یری** **کوستر** **میوب** **روین** **طوتر** **صاندم** **صکره** **بیلدم** **خط** **خسار** **نندن** **ایر** **نرس** **حجاب**
سن **نشه** **چاک** **کوار** **ک** **ایغینی** **او** **یکره** **هر** **قین** **کحت** **ایلدی** **موز** **کله** **ما** **جلدی** **کاز**

طالع منور که در آرزوست

نار آید مثل یک طوقی کش **خیال ای مهر جهان** افروز کرم انش شهاب
 جامه سبز و کبود اجره زاندر خنجر **صان شفق** اجره هلال آسماندر خنجر
 آسمانده ماه نو در باده ماهی خوش **ماهن ماهی** به دکل حکم رواندر خنجر
 تشنه دلقور و دوحه دمه ناله جان **بر کوزل** بیلدن جگر آب رواندر خنجر
 شویله یکچکندر که فانه باند غن ملر **غمزه مست** مداسکن نشاند خنجر
 طغلو دلقره مثل نکت کبر و بدر کولنه **کویا بر دلبر** شیرین زباند خنجر
مجدی نامی محمد در بر غره غرا در که شهر آدرن دنگایان و بر خورشید بر صیا در که
 افق بلبل مر نوره در طلوع و رخسار اول در مقدار تحصیل معارفه اشتغال
 و تکمیل فضایل از قبیل دل و جاننه اشتغال ویرد که صیگره اخ زاده محمد جلایی
 در سلطنت بایزید در مدرست لکین خدمت احاده سندن ملازمت میسر اولوب
 عود و مولی منقعه ظهورده جلوه کرد اولدق دولت قضا یاننده در دیوکت قضا
 بایل اولوب سلک قضا قضا داخل اولد حقا که جامع معارف و کمال آن
 و حایز مکارم و فضایل نفاذ علوم و فضایل جابهی رفیع و مجدی ایشل
 و ایراد معانی بدیع البیانده ذات کامل القضا ناشی غیر ذخیل در خطوط کلمات
 بر عنوان عودسان معانی به هر کجی شستاف ایدر و غلام اقسام لطایف اربابی
 عالم مخوری و نکته گذارین ابریشاف اولور بوزمانی جوکان زبان الی کوی قضا
 و بیاف ربوده ایدن اصحاب عرفان و خوا و عالیث نذر بوبر یکی انعار رقم زده
 سحر بزم چنده زاله ایل غنیه مر **مید صبح** قلمش شیشه در اغرنده برالما
 ردایدوب سور دگرین خلق نامون **سویلی** اینجی سک لیلدی نموندن بکا
 دیدیر قدک الفدر ایکی قاشک ایکی **بر دیوب** ایکی دیوب قومدی آخ شوا
 خواجه عثم بوزن او غلایندر بولکتر **تیر آهم** قاره قولقده انمش اوقی کجر

نه طور دور

نه طور دور و در کلمه صوفی کیم **یچکه کل** کس به سانه سی وار
 مجدی کندین یوردی دیشل **یو لورین** بیجی دیشل دلدل
 ارادم بولدم کوبینج بک **بولشیر** اکبر کبک زهر جفاکار
 خیالی آلوده ایدی خاک بکله بوز **اغلا غبسله** یی بودی ارتدی کوزن
 و بر شوز صبر و قرار یی عشق در نوز **کوکله قلمش** در انجی اک فاطر مانده بوز
 بکا کوسر ممکن خسار زیبا سینی خان **اولبد** رباشیه القندن سر زلف پشانیک
 بولوغت قلمش شهرت طوبی اطراف **بنم جوق** سود کم سن از کیشیه صحنه عتاقک
 دل صوفی در دلی بر مفعول غزنیه قلم **یوخسه** اغزی وار دی یوفدر دوانک ای غم
 کوزلرم بری برندن اغرای سیم **خاک** بابو که نثار ایلکن لولوی عدن
 جوق نغمه ابتدی دبلر لوب اکلا **اول کل** رخک اولابن بیلد لینه قرابن
 کرمون کوبین غم بیلاده آزار **قیس** فریاده کلنی سوشور کماره
 خط و اردنمه حاشیه روی باده **النمه** ای کوکل جوغ اولور سوز کنارده
 ساقی جمعی اینهی بر ایلک یار **باد شه** در نوله ایلر سه اینی دیوانه
 قلمیه طرزنه شمع دبلر حق مقبول طبع **شمس الایم** سراج الایم امام زجاجی قناری شرح الضوء السراجی له ذهن وقاد
 و طبع نقاد **انوری** الطبیعة **یکادان** تبال قاسم الانوار اذ هو الانوار
 منار **هیکل** من میاکل النور **مسئله** سائره بین یدی کجور تمثیل مرقم القیل الا قیل
 و بیج **النهار** سبئی طویلا **سلطان** ولی الابدی و النعم اخذ ایدی ارباب العلوم
 و حکم **لقبه** القام باعرا **و یقول** بعض المستغنی باعرا **محمی** غلظه دندر
 خدمت ارباب مدارسه ایتدکد حکم کت کت و نیابت ایلد مارت ایتشدی
 بناء علیه اکثر یا غلظه ده نایب کت **اولوب** خدمت مر نوره قناعت ایدوب آخ

در نوله ایلر سه اینی دیوانه

اعظم طالب و اعظم تارک بمشیدی پنجه مدت دخی سلاطین بوحالده روزگار
 کیچوب در یادن استنبول کلوکن عجب وار. بر کار با کارک یکدیگر بودری کار
 ایدوب در دمنایل و خیال و مال منانی ایلد با سهر هم اسیر اولوب پنجه زمان
 جلای کبی بسته اغلال زنجیر اولمشیدی بوحالده پنجه ماه اول کچیک کن کند و جی و اولاد
 بهایه کسدروب تحصیل کچون کفیل ایلد استنبول کلوب اکابر و اعیان و اشراف
 و ارکان دیوان و مقدمات و یسوق حق نان. ایدن یاران و اخوان گاهی
 کونته کلستانه کل کبی بزبور ایلد خندان و کاهی کلکله اخوان جهانن شمع وار
 کند و یل سوزان و کرمان اولان صدیق خالص لجنانندن در یوزه انعام و ان
 انمشیدی کفایت معیار در هم و دینار جمع ایدوب کتک اناسندن در یایی
 وجود ده و کتله اویرو روزگار کوز در کن صر صر فاش کشتی جیانی تحت مخالفه
 دوشرب بالا خراج امواج بلا باشند اشوب هزار جنت و انشوبله گرفتار کرداب عینا
 و غراب عثمان فنا اولدقن هدم و جلیبندن جبر ریش بزبورک اولاد و عیال
 طیر مقصود کمال کبی نفس بند و اغلالدن آزاد. انیکله در دمنک روح روا
 شاد ایدوب ارالرن قوی بنیاد اولان قهر فتوت و صداقتی دست لطف
 و مروت ایلد آباد. انمشیدی بخشود و شیرین ده شهنامه دیکدر طبع شوخ
 و نریم شیوه سی اصحاب لطف و قبولک عجبی اولوب حرم سرای بلاغتندن
 ابکار افکارک حرمی اولد و غنن غیری دریای سخن سنابن معالی سواصل صفای
 حاله و اصل و کس و اقداغ اشغاری و انیر محال و محافل ایلد و اما نل
 آب زنجیرین سوزر کلک بزورین در سیر اچون روشن جمالک هر جبابه و کوه
 عالمه اسرار عشق فاش اولدی آه کیم خد متنع سن نه حنک دخی پوشین در
 ایدر ز صوا انین عینکله سیر و سلوک ساکن کوه بلا و غم عجب و ادین در

این کلام را در کتاب
 انمشیدی بنویسند

بکری

کجی عمر اول دهند بر جواب انشدم. خا و نورین صانک یوق بره رنجین
 محرمی معنای غیر اینمه زنه ارتقا لذت کامل اولور انین کیم غایین در
 محمد افندی و هو الی و الفضل و العالم العامل ذو حکمت الصمیم و الال الکریم
 و اکثرن القیم و البیت المحض بالیقین در دریای مروت غمره کثره فتوت
 منیع زلال فضل و هنر زلال نیایع کمال بر طایوس بنان فضل و عرفان قاموس
 لای متکلمان تحقیق و ایتقان فاتح مقدمات عوامق مبایل کاشف مشکلات اواخر
 و اوایل و افاق مقاصد اصحاب علوم و فنون رافع حجب و استار نفوس و ظنون
 ناظم معارف و فروع و الاصول صابط قواعد المنقول و المعقول محموم اهل العلم علی الاطلاق
 و ارث مناصب الفضل الاستحقاق زمانه ترک محموم مکرم و معطر در که مرحوم بستان
 انشدیک زنده بمجل و مفتی در حقا که غره محمد رفیع نور صباح کبی شارق و علو جاهه معنی
 کو کبیانج و خورشید و ضیاع کبی متکلا و اوبار قی فی نیل نجابت جبین میسندن لایح
 و انار و انوار جهانب غره غم اسندن کاتشم و صیحا ظاهر و افصح اولوب انار
 روی بر صفا سندن لامع و اضواء مجد و محال بیشان خورشید نمنا لکندن روشن
 و ساطع اولمغین وجود شریف و جلیلی شواهد جبال سعاده متعلی اولمشی نورش
 وجود امسن اسنرو اجل اولو فضل و عرفانن امثال و اقرا نندن متوق و اقدام
 مکرم و افضال ایلد فقر عالیه در جاه و جلال مستحق اولی غنه خلق عالم واقف
 و جازم ایدی که عندیسان جلالتان بولکلامه مترنم اولور کر اید
 ان الهمال اذ ارایت نموه. ابقیت ان استصیر بزرگاکاملا
 فی الواقع بمنه بادی عزیمتی ریزان بمنزله الوب جی کاسم و اهل غن غن غن
 وادی کسب صفایک معطوف اولمشیدی و ذات رسوده صفای فی الامام
 و الیای تحصیل علم و کمال و تکمیل فضل و افضال مشغوف اولمشیدی بر قدوه علمای

بنده

واسوه فضلادهر اولوب بکری کران فضایی مورد اعتراف امام و دریای
 بی پایان عرفانی مقصد افاده عام اوله سزاوار و تابش خورشید صغیری
 شمع انجمن انشوری و آینه رای میری جام جهان نای هنر کتری اوله جای نگار
 بحر علوم و کثر فضایل که ذات او جموعه حقایق و دیباچه حکم
 عارفی مد و مائری کل سرین کی جگر روی زمین اچلش و شمامه نکلت خلق
 کریمی نسیم بارکی هر دباره یا یلوب صحیف مناقب و مفاخری مانند اوراق
 بستان جنات خلق جهان صبا جلالت در اخلاق و ادبانه هذب کویا برود
 زمانه بر طراز مذہب بوستان ستاره روض مزهر و عظام اکرام و انعامی
 سیاح محط در وجود شریفی که بیشه فضایل و مکارم اسد ضارم و دست
 مبارک کن اولان قلم سیف صام در مرحوم ابو کحول افندی خورشیدین ملانم
 اولوب مدارس علیته شرف و توفیق متوجج الواح اشاعه فنون اندکده حکم
 فضائش شرف انجام تشریف ذات پر احترام ملک کسب عنوان و اختتام انجمن
 فضا بروسه دخی تعلیم معالی تشبیه ربله دفع کونه ابدوب دولت بابونه
 طالب و عاشق ایکن فایده تدبیر راحله بریمه لرینی شهر مزبوره داخل و اهل
 اولمیدین فضا در نه بیسایح اولمشیدی جنت ساحه فلک ساحه فیه الکلامی
 مغرب خیام سپهر شامی اولوب ذات خورشید انارخ منصف جلیل صدرانه
 برقی و لسان و یروب طوای ذات مسعودی ایله منصب خورشید منشور
 وجودی بر عنوان اولدقد صحن طنباب خیام سعادت و اختتامی ساحه
 صدارت رومن اوتاک جلالت و احترامه مربوط و انتظام احوال اصحاب
 فضل و کمال کف کف تکریمه موقوف منوط اولوب نیه ایام روم المیده صدر
 پراختتام اولمشیده فی الواقع مفتوح تنم اقباله چمن طبع پر کمال لرینی آب

سی و مجاهده بی باطله خضر و شاداب نمند در لاجرم غنچه دولت و کرامت گفته
 و خیزان اوله رواد و مبداء استنقاف نفحات سعادت لریدن خاک بطالت و عطلتی
 کلشن معطر عطر لریدن دور و مجاور نمند در سپر بلبل دایم جابه و جلالت شاعر
 عزت و علالت مدام دستان سرا اوله سزاوار سائره سعادت لرستی مستقیم سیر
 ایکن ناکا رجعت ایدوب قدم جلالت لرستی مدارج سعاده متصاعد ایکن متفاعد اولد
 لکن مشنری به راجع اولمقدن نه زبان و ماه آسمانه کاهی بلال و گاه بدر اولمقدن
 نه نقان فی الواقع تحقیق مواقف امکان و مرصعان مرصع دوران اولنره
 روشن و لامع در که آفتاب عکالتی دولت مشرق سعادت لریدن برونی حالات طالع
 اولوب از دیاد در جات کمال ایله اوج اعلا به اتصال بولدقده موقوف اسبیل ال
 اولد و غنی ظاهر و ساطع در روشن کجوم اقبال بر و تیره و بر منوال اوزره اولوب
 کواکب متجبره مثالی کاهی مستقیم و گاه راجع در

فاضلا کواکب اقبال کرجعت کرد نیست بر دامر جابه توازان هیچ غبار
 زانکه در عرصه میدان فلک رجعت استقامت پذیرند کجوم سباز
 من بعد ممول و مرجو و مستولدر که دیوار بستان رختلرینه و جمله رخنه که اولد
 دست عنایت حقوت پروردگار ایله معمور و انوار اولوب اولمکیدن دخی حکم و اعلا
 و آینه سینه کینه لینه تصادم و تراجم اشراق دن غبار انکار که قوس در
 مصقل دولت آر جند ایله مانتقدن انور و اجلی اولوب میان برکان انال
 عندنا لاف و حسن باب سایل حال ذات فلک جناب لری اوله
 و الشمس من بعد الغروب طلوع چونکه کلستان جهانده اغصان لایح جمله عالمیان
 از نار مدح و اطراف لریه منور و دماغ سکان ایوان وجود عود او صاف مسعود
 رواج مسکین نوایی ایله معبر و معطر اولمیدر حل منازل خدا و فضا بلریده جواد

خوش خرام اقلایک نه قدرتی. دسترباز بلند بردار مقالک هوای شرح کمالگرنده
 طیرانه استطاعتی. دارد هر چند ذات بزرگواری. و جناب فضایل شاعری. عنوان
 شاعری ایلد بوجمله ده مرقوم. و حضرت معالی انتظامکنام بر احترامی. وصف ناطلی ایلد
 بونکرده ده مرسوم. اولی ذات شریفه نظر عین عیب عار. و محض موت و شنار
 لکن جلد فضایلند فطرت عقد نظم فصاحتی جواهر آیدار. ولایات شوار ایلد مسمط و موشخ
 و کلستان براعت و بلاغتی. رشتات کلک تیار. و غمام اقلام کوهر بار. لایله محض و مرشح
 ایلد کلر اظهار و اعلام. اچون کتیر و تطبیق اقدام اولد. بوبراکی ایلد لایطیات
 اول ذات سوده صفایکدر. متاع موقت کتیدی نه لطف و نه کرم قالدی.
 همان دنیا ده شمدی حوص بنا رود درم قالد. آنکرمش نیم سرور و دائم کل کتیب
 آلد آشفته فکشر عالمی لیل کتیب.

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 و الصلوة علی سیدنا محمد
 و آله الطیبین الطاهرین
 الغفرین

تحد حایز کالات حبسی. و فائز سعادت و همی و مکتبی جامع علوم و حکم
 منبع جود و کرم. معدن علو و هم. تیمه شایخ فضل و کمال. سیمه قلاده سعادت و اقبال
 واسطه عقد فضایل. رابطه جلایل فضایل. دره بیضا بکر خط معارف. غره ضیاء جهه
 حقان و لطایف. درج مکارم اخلاق و تربیتی. برج کرائم فضائل مکرزینی.
 بوستان دانش و ادعایک خیال لایسی. و صدف غر و شرفک لالوی لالاسی. آسمان
 سعادت و اقبالک کوکب سعدی. عالم عظمت و اجلالک ذات بر شرف و مجدی. غره
 کل زیبای کلزار مروت. در یکتای دریای فتوت.
 قبح کردن بزم کارانی. چراغ افروز جمع نکسته دانه.
 سواد دانش و ذاتش که عین مردی. سواد کرده ملک بر بایض دین حور.
 بوداعی ضعیفک. بوادراق پر شایخ جمع و تالیف. اتمنه عله غایبه. اولوب

خواجده زاده

مرآت سوده صفایکری مجلی صور معارف غیبیه. اولان مندن بن صد کاه
 فضل و کمال. سریر ارای ابوان سعادت و اقبال کوکب سعدین. شریف عالم فضل
 و یقین. بکر مواج. سراج و تاج. سیاب ماطر. فرات زاخر. سلطان عالم فضل و کمال
 خواجده سلطان خورشیدنگ **نشیه** آن خواجده عالی هم. دیباچه جو دو کرم.
 سر نامه فضل و حکم. سراج اصحاب کمال. نهال دوحه فضل و محسوری. و نور دین سرور
 و جهوریدر نهال جود پر جلای. کلستان فضل و عرفان کشتی بالا. اوله روا. در
 که آب خورده جویا فضل به شمار. در و هلال ذات بر فضایی. بوی فواید بر تابان اوله
 سزا. در که اول خورشید فضل و احسان مستفیض اصواء و انوار در.
 هر بوی که از مشک و قنقل شنوی. بویست کزان زلف چو سنبل شنوی
 سر سعادت موقی. آسمان سعادت و اجلال عسر. اولی غنه دلیل بویتر که سعد کبر
 اکابر در وجود کما منزلتی. صدر نشین اوج سعادت. اولما سته برهان و فخر
 که انوار نجات جبین مبینند هر بار بار قدر در **عربی** ان الهملال اذاریت نموه.
 ایقت ان سبیر بر اکاملا. فی الواقع جلد افعالی محمود و مرغوب اوله عجیب کل که
 وجود پر جودی بر اسد که مصدر سعادت شوق. در رباعی قول و فعل و وضع و
 ادبی مدوح و مقبول اوله غیب دکل که بناء ذات معبودی ثنائی علم و حکم و وقا
 مجمع. در اشکال احوالی منتهی مجد و معال. اولی غنی نه محال استدلال. در که کبری صوفی
 فضل و کمالی جمع و ترتیب ایلد. و ترتیب امور علوم معلوم اولد و غنی بالبداهه محمد که
 تصحیح طریق نظری عقل اولدن کورسدر حالا و اصل سن شباب. ایلر خبایه انه الله
 فضایل معارف بیجا. حاوی و شامل اولوب طاهر اوجود پر جودی هنوز طلال
 ایلر فضیلت و کمال. ایلد بر کامل. اولد سر سرعت فهم و حدت ذکا ده. بر شرباز
 ممتاز. در که جوه باز قوت متجده هوا. وقت افکار و انظار ده. انکله پرواز. ایتک

الوالب

ار محال و طایر شکسته بال خیال اول و دیده طبران اینک محض خیال در اولد کشید
 بقندی لولده السعید فحواسی و زره اخلاق و اطوار محدود و ذات نیکوکاری مرضی
 و مقبول کفایت حیات و ادب و سکنت و وقار و زره لیل و نهار کفیل معاشیه
 مواجب و مشغول در کند و لرزیده میراث اولان کمالات بسیار دن بری که نظم اشعار
 آید در اکا دخی غایت مکت و اقتدار ابداء و اظهار انبساط و دامن زمین و زمان
 جواهر زوایا هر بلاغت و بیان اید کوهر بار قلندر بوبر ایکی شعار ملائک شکار اول خدم
 نامدار ک آثار قلم شاعر و رتبهات سیاح کلک مدار در

نه باشد کرد کن بلزنی برب شیر تیزی نه قلندر و کدکن باد ایلمزنی چشم خونریزی
 مرآت روی باده نظر قل جفای کور کلزار حسن دلکشته بق جناح کور
 آیات حسنی دست کلک قضا صنعله باز شش جمال باده نظر ایلان کور
 عبرت کوزینی آج نه غفلت و بختی هر دم عدم ایلین کوجن کار و کور
 کل ای طیب جان دل اضافه کل مدد در دو غمک حسنه اولن با تو ان کور
 ای سر و قدیار که عسیر ایدین الجفیع ایتمه اول و نخل روان کور
 بیلد لایع و راغی کشت کبیر بایر کل بوزینی کور مسون عالمده هر کز فارستر
 ای کوکل صحای سودای سواذ لایق طی اولن کجی لایع جمال بارستر
 منزل مقصوده ای لای اصل و لمرش راه غنم رهبر عشق رخ دلدارستر
 عشقن خال دکلدرای محمد کوکلن بر عجب وادین بوز کیم اولنزه هیچ کارستر

نجد امین هلا وجودی زمین فلک نمکین و ریاض بر لطافت و ترهتی غیرت
 سپهر برین وهر باغ ارم آیینت مکین اولان قهرنا زمین ایلد رنگ کاخانه
 چین اولوب بلدان جهان چره هر جهنم بی عبدل و قرین اولان شهر قزوینک
 مصفا فاندن قصه ابهر و یکله شهره دهر اولان شهر دن طالع و رقی اولش

بدر سما و معارف و حقایق بر ذات برگزیده و طبع فائق در حلقه مرآت و مضامین
 فتوتنگ سابق سابقا طماکن مانده متصرف منصب و زری اولان میرزا بیگ
 سابق نکل سلسله انتابری شیخ باالدین سهروردی حفر کربینه منتهی در زنده عاقل
 نخل وجود مسعودی ریاض شهر معهود ده نشو و نما بولوب مرآت سوده صفای
 مصقل معارف و کمال ایلد آینه عالم نما اولمشیدی اولن بایر بهشت نثراد ده آتش
 رفض و الحاد اشتغال و انصرام طویلی انده منزل مقام طویلی و اول کوشه
 ارم مثاله آرام ایلمزنی بیرون چیز امکان اولدقده

و اذ الدیار تغیرت عن حالها فدع الدیار و اسرع التحویلا
 فحواسی و زره باباری خوف و هراس طماس بر و سوا سدن خطره شیخ صفی الدین
 اردبیلی بیکه اجداد نک مزاری اولمغله دست ظلم و عدواندن کیزان اولنلره
 دارالامان ایدی انده مختصن و مستوطن اولمشیر بیکه و دایما جواهر سپید رانه
 زمین جاننده نثار ایدوب بنم حال بر اختلاص عت ال و بود یارده که مقام
 قوم ضالدر تمکن خاطره سن خاطر کدک طشره حال دیر اید اول انشاده بدر کرب
 دیار عقبایه کدز ایتد کده مولانا قاضی زاده کده رود که علم و فضل ایلد بیکانه اهل جو
 و طبع روان و قلب پر صفایه مثال رود اید انکر مراغت و موافقتی ایلد
 مثال انکار کوه و دشت کدزان اولوب باد صبا کبی و باد و تلالده بویان
 اولرق مانند فرات کشت و کذار لری شهر بغداد او غرا دقن اسکندر شایک
 مظهر الطاف فیح الاکان فی اولمشیدی لکن بو حالدن ش ضال خیر اولدقن
 مولانا نک اهل عیال و عفار و اموالین نهب و غارت ایتد کده انده دخی
 تمکن و قاره مجال حال اولوب غنیمت هذایله بهره یه توجه ایدوب بهره ده
 ایکن مولانا مزبور جان کبی بصر دقن اولو مثال روح عالم قدسه روان اولدقن

تمندی

بصره ده گشتی به سوار اولو جانب هر موزه روان اولمشیدی نگاه دریای عمان
باد مخالف و ریا عواصف ایلد جو غنوشان گشتی باده کبی جوشان و خوشان
اولوب تلام امواج کوه مثال ایلد گشتی کاهی جرخ دولایه کبی عالیجانب و کاهی
غواص و ارغوطه زن مغراب اولوب کاهی رفعتک اوج افلاک کاهی و کاهی درون
دریا آرمکاهی اولان کاهی اوکورد

کاهی سوی محبط شد ادب و از کسے اور دسوی مرکز ش باز
کاهی چون انجم سیار سائر کسے چون کسب دوار دایر
کاهی در اوج و که در فقر بود کسے ماهی و کاهی مه غود

آخوالا حشاه موج من فوقه سیاب مظهر حال دل پر اضطراب اولوب باد با
کشته کریبان عاشق بی صبر و قرار کبی درین و بالا و سر و قدان منک مستقیم
اولان تیر سفینه کمان ابروی جوانان کبی متوس و خمید اولمشیدی عجب که دریا
اولن بحر محیط عرفا که بود کلو اشلوق پیدا انجینگن و کشته دخی خیزان جان کسے
اول روح روانه جسمه کمان ایدوب اولولولالای ال اوزره طوترن قیامت
دریا ننگ حالمق ایدوب زنجیر زلف خوابان کبی درهم اولان اجزاء سفینه بی
ماند حروف مقطع بیری بیردن جدا ایلد و کشته دخی بلرک ایلد اول کوه هر کتایه
السن جعدی همان روز کار روز کار سفینه به اول درش هوار صدق وار
سینه به جکدی دیو در و خینه ایدوب بیوردش بنزدیک کناره
رزش بر سنگ دگر دوش پاره پاره و الواقع بر سفینه که دریای سخنان ایلد ملان اول
اول سفینه غریب اولد نه جای طعن و لا اعدر و بر گشتی که جواهر فضل و ادب لب لب
اولوب کوه و قارانه کنر براغه لنگر مثال درون دریا به دوشه نه محکم کلام
سعادت زمینه که اول کوه هر کتایه در سینه ایلد و بخت و دولت ایاغنه کلوب اول

در شاهواری یو طایق ایلد در کنار ایلد آخوالا مرد یارک بود کلو قهر و شدت
چکمه غریت هندون فراغت ایلد و زرخ و زغن نه که هندوستان روی
دیوب حمامه دل جان جان شیراز پرواز ایدوب آنده دخی آشیان ساز
اولن محال و لیلحق لباس درویش نه ایلد خواسانه اندن بینه بلاد شروان و تبریز
کلوب اموال مورد و نه بقیه فلان مال و منال ایلد نیت خجسته اسلام و رویا سده
خوالا نامده باد صبا کبی طور سیوب تحمل شاق اسفار ایدرک و مثال جویبار برده
قرار ایتوب کوه و دشتی و گذار ایدرک علیکم السلام فی آخر الزمان مضمونی
ایلد عامل اولوب آیت رحمت کبی راحله آقا منکر شیخ شرف النجا به نازل اولمشیدی
و آنده دفتر دار اولان شیخ کمال زاده ایلد قرابت به نسبت لری المومنین خدمت علیه رینه
کمال رتباط اتحاد و اختلاف مرتبه سینه و اصل و نایل اولمشیدی بعد طالب کمال
سعادت دنیا و آخرت اولنزه سرابه روم اولدوغی معلوم و مرسوم المومنین
حصول برید و وصول بروم ابجون دفتر دار مرقومک مخدوم ملک خضایی نجفی
چلنک خدمت شریفین دامن در میان و کوشش اچ جوکان تجلید غلط و دوا
ر و لرق دار السلطنه الکلیه قسطنطنیه محیه به کلد کلن آسان قدری قدر آسمان کسے
متی و زمدار کافنام و سپهر رفعتی رفعت سپهر کبی خارج حیطه ادراک و نام اولان
سلطان الفضل و برهان العلماء خورشید اوج سعادت و اقبال کوکب جدید فضا کمال
آن خواججه که هست ز تائید خاتمه نش تدبیر حال دولت و تائید کار ملک
قبله کاه اصحاب معارف و کمال و قبله جایی ارباب جاه و جلال کعبه فوافلین
ورکن عظیم جلایل خضایی رینه رویا ایلد کده منظور نظر انعام و افضایه اوکوب
جناب سپهر احترام ایلد نه خفیل اخفای نام و تفریح لای کلام ایلد کله نوبت سلطان
بایزید خان ایلد بنی الاقوان قدر و عنوان بولدر حق الواقع سر رفعتی اوج سماه

خواججه احمدی کمالی

نمائین

عسر

اوله رواد که خاک آستان سعادت آشیانه رو ببال نمیدارد و زرد وجود نامیدار
 دار الضرب جهان کمال العیار اوله لایق و سزاوار که پوئه اخلاص کند و فی الحال
 شبیم سحر کبی آسمان غمت عروج ایتنه خلیق و جدیر در که اول سرخشان احایه
 مقابل اولشدر و نهال وجودی خوان احوال من خلاص اوله بری در که جنت سعادت
 و رفعت داخل و اصل اولشدر حفا که بذات شریفه که انواع مکارم اخلاق و مکارم
 اشفاق ایله موصوف ذات ستوده صفات حلیه کماله بختایا ایله مزیّن ایدو کی
 نور خورشید روشن شدن مشهور و معروف جامع فنون دانشوری مالک ملک کلام و خنوی
 درج درون معانی مشکوفا حوایه زوایا هر محامد و مانرا ایله ملو و صایف مناقب
 و مفاخری مجامع اصحاب باطن ظاهرده متلو بلاغت و براعت و برافت فصاحت
 شعرا انکشت نهای ارباب حکم و تالیف بالبنان اصحاب قلم اولوب شروان اده
 صاحب بدیضا اولدوغی کون کبی طاهر و هویدا در بوا ایتین طبع عا و ذات معالی
 منشری نظم شعار ترکیه کوشش و ورزش ایتکله تمام مرتبه ده مکتب و اقتدار
 ابد و اظهار ایلوب رقم زده قلم سحر و درختات کلک سیاح رفتاری کوشواره
 کوشا اصحاب عرفان اولمغه و زبور کردن هوش ارباب اذعان اولمغه لایق
 و سزاوار در پیچ زمانه که کستان جهانه غنی و دل جان نسایم کلام کوه خانی ایله
 منفیج و پیچ نهور و سنن در که خاطر فاطره و حکمین صحت فرخ و ترج زدا لرله
 منبسط و منشرح و عقد ثریا کبی ادا ذات کریم نجی ایله صیحه جتمه و منظم اولوب
 عقد لیل و نهار کبی سرشته مصافق و محی الصنم منقطع و منبرم و کلد ربا و علیه
 بوندن زبانه کیت باد بای قلامه میدان الکنار کلامده رکضت و خرام و بر کنون
 منفع العنان و مخلق اللیام قلندی بویر یکی ایت بلاغت آیتا مانند عود قاری مشام
 بلغای ستوده اطوار منو و معطر و مثال شبنم سحری ستان قلوب اهل هنری حضور و مفر

ایدن کلمات فصاحت مانند نذر که کتب و کتیر و تعبیر و تفسیر اولشدر
 جفا و جور بی بدم که یارک امتحانی در دل و جان انک هویری بر لطف نهایه در
 فکار سینه می تیغ غمکله چاک ایدرم طریق عشقه آخ و جودی خاک ایدرم
 تنم غباری بوکدن کدر و بر سر اگر سرنگ شمسله ریکذاری پاک ایدرم
 غم ذاق و بلای عتابه ممکن صبر رقیب میل ایدر یک کند می هلاک ایدرم
 خم ایتنه بار غمکله کمان کبی قدم که تیر آهله افلاک زخماک ایدرم
 مکر واقف نشد از درد جهان بیکر بگذشت از برم امروز یار من
 نه دارم با کسی کاری نه از کس دردم بیکر همین عشق و غم عشق یار شد کار من
 سپردم دل بدست در بایچه پیش ایدر فکندم بار خود را در بلاچه نایچه پیش ایدر
 دگر پروانه سان سرشته ام چون شودم دگر چون شمع سرگرم بجایچه نایچه پیش ایدر
 بصد جاستم از بار تعلق رشته جان بزلق ست عهدی بویچه نایچه پیش ایدر
محمد فیرت صحایف جلایل ضایل حاصل و فرنامه مواهب و فضایل خوانه فضل
 و کمال محفل اموال معارف و افضال سر دفتر کناه دیوان لقا فذکله مستوفی
 اموال خاقانی عالم علم و عرفانک خورشید روشن ضمیری و دست مثال باش اوزره
 بیر ایدن دو بلند زاده رک بری در دمت عامل قلب جمیلند در عهده اولان
 معارف جویندن باقی قومیوب بالتمام تحصیل و ایراد و معارف کمالا و لطایفی توفیق
 و تطبیق ایتکله محاسبه وجود و سعودیه تکمیل ایتکله هنر طریق بر توفیق علم سالك
 و عازم اولوب قاهره طاهرده قاضی و حاکم ایکن عربی نیر حجت رحمان اولان
 محمود جلی دن ملازم اولشدر ایلده مدرّس اولوب مدارسه فضل و کمال
 امثال و افراشته سابق ایکن قاید تقدیر عنان غریمتکله بنی مت قضا یاقی اولشدر
 روم ایلده یکسهر و سلاطین و بونک امثال فضل کمالان اولوب بعد دفتر دارلک

دفتر و دفتر دارلک

عنوان ابرکرم و غور و معارف وجودی لطیف طراز دولت و اقبال ایلیم و طرز
 اوکده حفا که علوم و معارف حقا و حق و نصیب مستوفی ایلد محفوظ صور جلایل
 فضایل مرآت ضمیر حقایق تصویر منور و محفوظ خوانده صافه لریده نوار و حکایت
 و لطایف تواریخ و فیض و سایر معارف و کمالاتدن جوهر و غاشن سجد و غایت
 مخزون و محفوظ در بوفته دخی ازمایش طبع اتمکله بنجده دفعه دست کوهرش نندن
 لای منظوم و منثور رمی و ملحوظ اولدر بر بوبر ایلکی اسرار و غرور ک کفایت نرندرز
 جان خلاص انیز دوشن چکانه اولاینگ اولدر بر برتر مزل یا تر غزل یا تشک
 آسان اوچ جنگله نایان بوزک طالبان عید و صله غره عز آتشک
 لشکر خوبانه خط خوب منشور رشک حکمن اجوا ایلر دی حکیم طغراقشک
 ملت عشق اهلک حرای اول وجه حبیب ایلکی طاق ایلر رشک ای میثم ج بهشت
 پای دلبسته در اول کاکل کبیل بویه کوکل آشفته در اول لف برشان بویه
 ماه هر کون قش طغاسی مثلن قره لر مثل و مانند اولور می اولی هلال ابرویه
 قمر غش فکر نرم ایلر دل نیکشک دیکت اول شوخ طاش ایلر دوق اولور غره
 سبک قلندر کل کلزاره با سرفرو سروک اتمز عو کاس ره جاناسر فرو
 قوراشیکل خاکنه هر کون سهره فلک در که عالیکه ایلر عرش اعلی سرفرو
 زینت باغ جهان رنگ جهان خواهد زد زال صدس افکار تازه جوان خواهد زد
نوی خال وجودی روی جهان زینتین اول کوباده جانبینی مافه بخت قاین
 و مستقرات سهرایت سلطان کی فقیه دولان شهر قسطه طینه دندرنامی جبین در
 بازباشنده زاده دیکله شهرت پذیر اوکسید بازار روزگار ده متاع وجود دینی مراد
 ایدوب آخوالا مروه که قبل و قال و نبرد کا جواب سوال ده نیر فاده جی چشم هاش
 سنان و جوایس افعول و عرفان و نلره قصب قلم مشکین برقی لوله چشمه خنق

وایقان اولان سنان افندیک خدمتنده دامن در میان اولیجی خدمت شریفند
 ملازم اولمکه کسب معالی و مکارم ایشیدی بعن قضایه ممالک تحبیه و افراد
 قضایای شرعیته دن معدود ایلکن وایمه وجودیه تصور اینه و کی قضیه بقایسی
 سالبه کلیه ایشیدی معارف جونیه دن بجهه دار و نظم شعاره دخی اقتدار و در
 کمان بر و لک لک ای مهر و هلال کلر سوزک طوغریسی بود کیم قتی اگری خیال کلر
 کوزکله قدک و زلف و فکمل مستدر ترجم ایلد کیم عاشقنه بو عالمدر
نوی قسطونیندر وادی تحصیل علمه پویان و شایه مراد و مرامنی دل و جان
 ایلد جوایم اولمکه جوینده شود پاینده معناسی ظاهر عیان اولوب عجبدر که کندوسی
 رویتاج ایلکن دیدنه جانیه کل معارف ایلد تحصیل و شنایه ایشیدی دارش علم و معنری
 یاشنه بزمسون تمام باشی برابری بر فرزند لطیف انجیری وارد در ایامدم مباحثه
 و هنگام مشغره ده انگله مناقشه و محاوره سی اولوب معارضه بالکلام و کجودن
 مقارعه بالرتاح و کتوف مقامته وارر کراید یاران صفا فرزند کندی کندی و سندن نهج
 و تقدیم ایلد کلندن بخش عظیم چکردی آخر بو بار جفایه چکله طاقتی و بو کفایت
 و شسته کجده استطاعتی اولمکوب سینه نمان و نمانین و تسع مایه ده عالم بقایه جلالت
 ایلدی سلطان قایلیم وجود والی ولایت کرم وجود آینه جمال خرم و انتباه
 آفتاب عالمات السلطان طلالته پشت خمر سلطان مراد خضر تیری ابد الله و قوآه
 محمد جهان عدل کتری و مشیدار کان نیان رعیت پروری اولدقن جلوس جهان
 سعادت مقرونلر سینه بو تار یخی دیشیدی
 تا تنف غیبی دیدی نجوی انگار یکنی اولدی اقبالیکه داور عالمه سلطان مراد
 داعی راقم الحروف دخی بو تار یخی دیشیدی سلطنت بولدی مراد دینی سینه
یحیی افندی ذات بزرگواری اولاد و احجار منافیانرین دولان محی الدین

قصبه در ظاهر و عیان اولش در نامی محمد در اشاعت نوا فضل و شادی عیال و جلاله
 کمره اوله مادی اولان تنلای شیخ الاسلام مرحوم ابو خود و عمادی خیرینیک
 فرزند فضایل خدای سر و در کلشن انشده سر آمد اولان مرحوم احمد جللی کت
 آینه ذات معالی آینه مقابل اولعله صورت ملازمتی طلعت نما اولدف صکر
 سالک مسک کفص اولشیدی طافصه فصاک نامندن و کرم و مروت اولطایفه
 مرزوره نک شمره ایا مندن جمعی دوارس کمال معارف و محبتی نما رانی لطایف
 سی صفت کن مرده رینی احباب اینکله لوله اقلام مشکین ارقا مندن خیمه
 آب حیایه اوج اینکدر در و بشیرت خنده روی کناره صورت مطروح الشکلف
 صحنی خوان خون و ملادن سر و مثال زاده و مرآت محال سی غبار الام و نمودن
 ساده اوقات تجسته ساعاتی بخیل فضایل و عرفانه مقصود و ظهور انواع مکارم و
 محاسن المومنین و مشهور در بوبر یکی اشعار بوجله به ثبت و انجمن اختیار زید کفری کفار

سندن یا نوب بقلعه جانا ملکره نودی دغان آتش آهیم فلکله
 گذر کن یاربین بیمار ایل آهسته دیدیر کم اوللو اولدی جانن کر در رسته
 یوغه الده ابا خواجه نه وار کو هر نری دوشکده طوود در دامن چشم نری موز
 لطافتدن او بوچه فرزدی بر بر او اجدی باغ رخدن بهار شفا لو
 جامه خوابدن کور و چین حر اول ماه اولیه صاندیم که ابوب فونجه کردی کنش
 اولدی ای غنجه دمن بجر کله خسته هزار کل شرا بیده علاج ایتدی طبیب کلزار
 کریبانه اولمک مطلع مهر لطافتدر اولور انن جمالی آفتابه هر سحر پیدا
 بزرکن وصف قند لعل شیرینک لعل بیلدی لذتندن الده اولکدر فی شکر پیدا
مختاری سادات عظیم التعالیک بر نفسی مختاری و عزت ناشیه نکات استوده
 ارفاع و عین اهورا امیر نامک اغلیدر که ساجانه کور اولان امیری کبر آوردر

شبدان بلاغت و بیان اطهار خیدار و دعوی طلبکار اینکله غایت بی غایت
 حضرت باری یار اولوب مراد و مرا منی الکتور مندی شوا زمان و بلغا جهان
 ایل بخیل بلاغت و بیان دامن در میان اولعله صنعتی فی الحکله به تیر شیده بوبر یکی
 باده نوش ایتمه کل اغیار له دیرم تر اولور مدد اولد لبر کلچهره نه تر دلبر اولور
 زلفین نسیم اچو سبک حدین انکار اول کونخ کوس تر رخی عجب با که رذکار
 برنم چمن لاله کمراده زاله لبر مختاری جام چین کور بنور حجاب وار
 غریق بجر فواقم او باره ایر منزل امید وصله قوای دل کناره ایر منزل
 قلوب قیامه حسرت بولنده سینه ایقده قالدیم او قدی چاره ایر منزل
 لیک سرن نوله کشف ایتبه کفار سوز یله اچلور عالمن اسرار
 اولمش آشفته سی اول کل کل غنبر بارک وجهی وار اوله برن کونج زلم دستارک

در تر افق شهر طراز نندن طالع اولان بدر لامع خورشید آسمان ولایت
 کوکب خشان جهان هدایت شریف کلک و کریم الحیا مظهر انار و کان تقیا اولان بیجه
 افندی در که درر غر مودت وادی رشته عروق و سر این خلق چها نده منسلک
 و نقد محبت و لگا پونه دل جان خلق چها نده منسلک اولشدر مقتدا طریق علم ظاهر
 سلوک ایدوب صحن سعاده مدارن نادن بری اولش بهار عالم علم و عرفانه منزل
 و آشیانه اولدفن تعلقات هیولانی و کدور اجسامه نک کرد آلاشینی دامن
 خاطر و جانیدن سلوک ذیل وجود کرامت منالنی خار و دغانا ک خلق جاه و جلالت
 تو پر شیدی که ذات قدسی شاعر و بگرد داری جماعت خانه امیرش و اجتماعدن
 قاجوب خلوت تنزل و انقطاعده او نور شیدی حواله قسطنطنیه ده بنک طاشی نام
 موضع تلکن و مقام ایدوب مجد و مدر بنا اید و اول انگاه بوبر یکی اغدا را ایدید
 فیزل باشلی طبر اغیل اولینر

بجی خدیجه

حضور طفلی بولایع استنبوبین . بشکطاشنده طبر اغیل او سیر
 برود و سیر ارباب خلعه ارادند و غیر و کبیر اصی مجلس افتادن اولوب خاندان
 آمدند خلقدن خلاص بویج . الرجال فی الجبال فواسی و زره بوروز نام موعود مکان
 ایدوب انده دخی مسجد و مدرسه و حمام با ایشیدی و ارث ملک سیکما . خزان خلایک حاکم
 مرصوم سلطان سلیم خان . خدمت نیک مرحوم رفو نه تحت جنا . و خلوص جناتری اویان
 حرم سرائی قلب بزرگوار لرن اشعات فصاح فیض انار لریله بر انوار . ایدوب لاله کلمات
 حقایق شعاع . کوش ایشورینه کوشوار . اینکچون حضور موفور کجور رسته دعوت ایدوب
 و انصر صدق در و زدن لاله آبدار نثار . اینکچ خدمت شهریار . کوش از خانه قوتی
 توندی سنده ثمان و سبعین و نه مائه نیک لیلۃ اضی اسد کوشفند جان هوشمند قیام
 ایدوب لبتک کویان . احوام اکنانه طواف کعبه جنبانه روان اولد . اکثر کلک مجذوبانه
 و بد لایانه در مجلس بر بود اثر اولد و دخی بومعایه سر در بویشا هر کوشی غایت
 حاتم اچنده دلاک بر این کوردی باشد . باشند بنی چوقدی آد ایلدی تر ایش
 باشومی استره یله دوندی لاله زاره . فان باشند اشدی اولدم اندن و خلقدی
 کوز قید و غمی کور مردن قصه غم نه بوی . اینکله و غم کلوردی اول جا هدا باشد
 صبر یله کوردم اول کز ایرد کجی کورده . دیدم که اوسته لطفاست جلال استر ایش
 چالدهی استر ایش طاقت ایشی کلدی . صان موسی ایلد فرعون کردی بنه صواشه
 اه اینه ای مدرسج و کلوسر کشته . البته کوز کورس هر نه یازسه باشد
 خراک کدر که کلک کماله بنم . عشاقی اچنده بخیلین طاش و کندی وار
 وارلق قوجوق بر در رن دخی کورده . کل شخم اولد کستر کجا عالم ندر آدم ندر
 نفس مقدس ایلویق به هر از او کجا . روح القدس بلز ندر عسی ندر کرم ندر
مخلص صاحب قران زمان . مرصوم سلطان سلیم خان . و غلی عید و شریک کشته

تیغ طماش عینیه . اولان مرصوم شند آده سلطان بایزیدیک مقدما خواجه سی اولان جعفر
 افندیکی و غلیدر کند و دخی شمشاد زبور کتب و مخلصی اولمغین بومخلصی اختیار ایشد
 بابا سی عالم عقبا به حلیت ایتدکن اختیار کوشه غزلت . و اینار مقام قناعت . ایدوب یومی
 یکریمی قچه ایلد شند ایدوب و صاحب مناجسدن فراغت ایتد . بومطلع ایشد
 اولور بن ابراهیم زین سور جانیم سن . ای طیب دل جان دردمه در نام سن
مدامی زمره سپاهدن اعیان بندگان در کاه عالمانه بدن قرع می صلی بکله شمشاد
 سایر سپاهیه و بر لکلن خدمت ملکی . و مراتب خاقان . یہ موقوف اولوب او افران
 قسطنطنیه تحیده . امین بیت المال اولوب شجره وجودی بستان حایده موقوف
 اینک نرکال و منال . ایدوب بود ارفادان کلزار بقایه انتقال دار حال . ایلدی
 ساغ کلکامی . مدام کیفیت ایلد مالیه . و عفا را شعاری نورش و حاله ضایع . کلدر موقوف
 کوه غم چشمه سید چشم کمر بایش کل . سطر اریخدر اوستدن انکاش کل
مدامی خروار لب در یاده قرار . ایدوب بلدان جهان لچر صدق لطافتی در کنار
 ایدوب کلکیو یله نام قصه پراشتار . دوز نامی محمود در مرصوم شیخ الاسلام . منقعه الامام
 موقوف اذان آله و اولور بلایه تحقیقه . و مقلدا عشاق الشهور کجوا هر نه قیفه عالم العلوم
 بالرتوم و کدد . مولانا و اسنادنا اکتود . خدمت ندر دولت ملازمه بهر دور
 اولوب منظور نظر کسیر اثر لری . اولمشیدی مشعل شب افروز بجوم علومه اهدا . ایدوب
 اصحاب افکاره و تدبیریه اقتدا . ایتد کد کلکه ولایت کفده متوقف خدمت فتوی ایشیدی
 حالا مولوتیکه کوتا هجه ده خدمت قضایه مباشر . بدایع بفضایع معارفی اولد یازده شر
 حم الفضائل محمود کفایل . فضل و کمال بلایه معروف هر بادی و هر حاضر در بویار یکی
 بادی نقش کرک هابنه زینب یارک . دوه طالبان در اخرینیه دوشن اختیارک
 نعلک نقش کور دیای مهر عالم خاکده . نوقدن برغل کسیدی ماه نوا افلاکده

انصار الفیض
 خیر

مهر خرف رنی صفاینا و مهر مظهره . سرا عدا به نهایت که سبب مقلوعین
برج ذات بلجی صیاف اگوانده صریح . در شک س جبه بر صفاسندن روشنی
 سبا . و لفاکار و جرج . اولان شهر دلفروز . قصبه سرور . دن ظهور و روز . انبش در
 نامی مصطفی در تخلص نجات و لوازم فضایل و محام . ایتمه عازم . اولوب قهرج بقصور .
 معارف تهور ده مقیم درازم . اولدق سبب صام . جامع منافع و محام مظهر کلام
 لا تاخذ لومنه لایم . قاضی زاده افندین ملازم . اولدق سبب کج بعضی قضا به قاضی و حاکم .
 اولدق در طاقشهر سرور زایل فیروز . اولوب مقتضای علو هم اوزره توفیق فضل و کرم .
 و تکتیر خدمت ششم . و طمطراق و عنوان . ایلامش اولدق افرانی . مایند خلی نام و ن .
 فضل و عرفان . ایلمد و خلق جهان انواع معارف و کمال ایلام آراسته . و ظاهر کج
 باطنی دخی اصاف حلل لطیف ایلمه پیراسته . در بوبر اکی شعار . انک کفشار نندرز .
 نه بلور قامت و جوک المن با دکر . او بر آواره در رکندی هوا سنده بلور
محیط محاکک حائر کلبیدی اولمغله راس الرؤس و حصانت و منانت برج بارو وصول
 طوب هوای دیمهون و محروس . اولان جزیره رد و سدن . بوستان زاده افندی خدایک
 خطه فضل و عرفانک خطیطی . اولمغله غرق در بای محیطی . اولوب خدمت علیه کردن ملازم اولدق
 قضا و ولایت اناطو به قاضی حاکم . اولدق در شیرین شجاعت . دلیر عصبه صلابت
 مرحوم مصطفی پاشا خیر اربان و توران . ایچون غم کبر و دار . ایدوب صحرائی ولایت سرور
 قزلباش بد مشاکر کاشی ایلام لال زار و منار رس و حیون . اولطایفه باغبانه نک خوشی
 ایلمه سرخاب اتیه کن اردوی همایونه قاضی اولمشیدی حالادخی بر پنج ماضی اولدق بار
 فاضله در اشعار بحدوحی . مدح و ثنائین تحفه بحرین برکتی . واردر بوبر اکی ایست
 رشته نظم کجورن سجه . شهر وجوده کتون کفنه . معین باد کفایم . جنش کلبی الکاجام
شیخ معروف کفی مدحی . اولمش ایلمه خیرت کفی مکر . خوی پسندیده ایلمه معتبر .

دانه کماله موصوف اید . نام شریفی کی معروف اید . هر سخنی در کبی مرغوب اید
 لوحه دلت سوزی مکتوب اید . نامه نامه نامی انک و کبر . نامه لایک قنادیه اوج
 همت ایدر نامه لایک پیروش . منزل مقصوده وار پیروش . خاکنه یوز سوریک ایچون قلی
 چونکه دکل عقیقه بغداد ایدر . **بو مطلع دخی انکدر** فی ایچک ایچون کلمه در میکده یوچو .
 ای ایدانه اوتمه که کوز و کورق یوق . **مردی** جمله رجال و مرد . عالم علم و عرفانک
 فردی . اولمغله مرید شمال مناقب و معارف . اولان قصبه مناسیر . دندر تخلص فضل و کماله .
 فی الایام و التیال . کمال اشتغال . اوزره و قندیل بال ذی البینه . فیتله جهدی در غل اشتغال .
 اوزره اولوب دانشدا اولدق . افندین ملازم . اولوب طریق قضا بالک عازم
 اولدق . حالامین فصاحت . محاسنات و صلیه کماله . ایلمه معروف بر ذات سواد صفای
 مشرقی مکریدن خوشاینده ایش و مطالع . لامع و طالع . اولدق . بوانشار انکدر .

مردی عمرو نیک و غلیدر . زمره بند کی عتبه سکنی . و طایفه سپاه طغریناه جناب
 خاقانیدندر . زنجیه زمانه سنگ فردی . میدان اشعار و انانک . مردی در غریب خیالاتی
 و اسلوب بدیع اوزره کماله . واردر ایجا کما معایه قار . شاعر کج بوبایا انکدر .
 دره دن جسمی کون خلری تابی تبیدر . قره کونل کتورن باشم زلفی شبیدر .
 سبیلک یوزنی سیره دوشن کاکلدر . غنچه به کل کبی اجل دین آنکس لبیدر .
مراعی مطبخ سلطانیده اباعن جد اشیر . ایکن کندوسی حسن خطه مثال اشیر .
 اولغین . داخل زمره کتاب دیوانی . اولمغله و اصل انواع نعم طحانی . اولوب مثال
 افران میانم مکرتم و معزز اولمشید . کتیر ولایت حمید ایلمه نامور . اولوب غرق خدمت
 مر نور . ایکن خصال حال امیدن موبه مراد و مراعی حال امیدین و بایه قدری مول و

اولان مقام و اصل و لدین دفرجی دوریلوب غایت تجلی و شتاب ایلد غم جناب
 سربجیاب ایشیدی شاقی نام دلبریم اندام قمر و ارفق شادین طالع و رق اولوب
 منزل منزل حرکت و سیر ایدرک فسطاطیه جی روی بی نظیر و قریبی ایلد رنگ بهر برین ایلد
 ببلان کلسان بلاغت اولان مانع غل سر ایلد و طوطیان کلسان فصاحت اولان بامین
 شکر فایندر ایدرکدن مزبورک بوسینی حسن قبول ایلد منظور اولمشیدی
 کلدی اقباله بیدی نوز از زر قدیم ایلدی روحی مشرف اوجوان شامی
روحی آب روی حسن ملاحی اولان جوانان پر صباحت کیمی آب خوشگواری مانند شربت
 شکرین شیرین و کاکلچ بر چین دلبران زنین کیمی هوا جان فراسی نافه مثال شکرین اولوب
 چشم آهوان ناز و جمال کیمی سواد دی لکشا و ذردوس برین مانندی کلمه مردمان جوی
 اولان شهر استنبول دندر پنجه زمان غلطه امین اولوب بوج بودینه دفر دار اولان
 و انواع مکارم اخلاق ایلد شهره دار و دیار اولان علی جلینک فرزند بر علم و ادبی
 تحصیل علم و کمال مشغول اولوب طریق علم استعدادی حسن قبول صبی فضایل حصول
 اولدق فضلاء استنبولدن تعاد ایدن شیخ زاد حسن جلینک مانند فضل و کماله خادم
 اولمغه مستغرق نعم فراوان اولوب خدمت عالیشان شدن ملازم اولمشیدی
 فسطاطیه حمیه و متفرق خدمت تدبیر فضل و عرفان اولوب بوج کاربان اولور جا
 وادیست فضایه روان اولدق فضلاء قضات اچره حایر قضات سنی اولمغه شوق
 بولوب نوز مره علیه میانین خیل نام شون بوشیدی حفا که مباحضوچها نمن مردم دین
 مقبول منظور و کمالان نیت ایلدین کچرور مذکور اخلاق حسنه و اتعاق حسنه سی
 اشعار دلیذیری کیمی مدوح و مشهور دام و دانه نقطه و حروف ایلد تذوران معانی
 لطافت مالوفی شکار دلاله ابد افکرت و انظار فی نثار و ایند ایتکله سیه قدان
 بلاغت و فصاحتی درکنار ایدین باطمان لطافت شاردن در بوبریکی اشعار اولد

وصف

بارشورای مه سپهر جمال قمری باقه اولسه سا که بلال
 یوغندی عالمده دربان دلدردک ایزک عشق کله آتفا سندن کوکل بیمارکین
 آفت عالم اراطوشیدی ای پیری خانه دل مهر خسار کله پر انوار ایزکین
 خواب غفلتدن اوینامندی خیم کاینا باغ عشق کله کوزم نرک صفت بیدارکین
 داخی صورت بولمندی دیر عالم ای پر رشته زلفک میان عاشقه زنا ریکین
 اورمندی داخی جلدافضا منظور مال دار عشق کله نگار امدیدی بردارکین
 شمایا طاق کسیریدن نذر اول کیمی ابرو یاخود ایوان سنه نذر اول کیمی ابرو
 بگادست قضاییدک اتمش تیر در غزل چکلش دست قدر کله نذر اول کیمی ابرو
 شمایا حفظ ایتکله نجینه حسنک طلسمده قدش ایتکله تیغ جان نذر اول کیمی ابرو
 بری برینه باش او ربه عجمی شکر آس ملاحی عرصه سندن پهلوان نذر اول کیمی ابرو
 باشه جعفر کار عانی کیمینه باشدن کیمینه باشدن عاشقید جاق باشدن
 ادره دندر بخایه بیکه نانتن مانند بوسف کغان حسن جمال و صمیمه
 دانش و کمال ایلد مشهور جوان اولوب بخایه بیک پرین کاکل غیر شکسته و کشته
 خنجره ایا چشم مستی اولمغین کند و نیک حال بجز لانی و مزبورک جمال با کمالی خلق عالمه
 یلو کزین دکلم هرشی دیوانه درر سن پری چهره ملک منظره مستی صلی
 هنوز نوجوانی ایلک سلطان بارید خان زماننده جام جام ایلد منت سرگردان اولوب
 بنم صراخی کیشی تا جدام یوق قوییم ابغین او پاکه اقسد ارم یوق
 می است صونندی لومه روز ازل ایلکدن اول می ستم دخی خوارم یوق
مسلم ذات شریف ملک صفات عنبر لطیف معارف آیات مهر سپهر معارف
 ببل کلستان لطائف مدار مرکز فضل و انفضال محیط نقطه علم و کمال اصحاب معارف
 و کمالک ملکی و ارباب فضائل ستوده صفات مکملی راقم و خوش مزاج کبریتی و غمی

دفاع امر ای کمالی اندر دستان بخایه بیکه نانتن

اولان غم بخت و مفتی در نشانی رایت شاعر و محمد فضلًا حقایق دانا صنوف انجلی طیبیه ایل
 مخوف و ریاض بخت آناری جانت بگری من خنیا الانهار اید موصوف اوله اینه اساره
 دندر تحصیل فضل و کمال و تکمیل اثره اصناف و افضل اید و جبر کعبه سلوک طریق
 استفاده اید که جنان فلک قباب مفتی الانام لجر السهام و لجر النوام مظهر دقایق
 اسرار الاله و بل کاشف حقایق انوار الترنین المطلع علی خواص التراکب و المکاشف و الوفا
 علی غوامض نکت القرآن و التبع الملتاخ استادنا ابو حنیفه کمالی خورشید نایل رتبه ملازمت
 اولد قدر که سالک طریق تدریس اولوب روز بروز قدر و قدر نی تشبیه و تالیس اوزره
 قسطنطنیه حیدره قرن اچمه ایلد مدرسه ابراهیم شاه مدرسه ایکن دولت کون خیار
 ایندی قضای سلمی بو مثل شهر در دولت قضا باندن در دلوب بند طبع مکالم اقتضای سبله
 متوجه سیر قضا قضا ایشک اید فی الواقع قضا خدمت علیه رتبه محض قضا و علین غنا
 اولوب قضا ایشک اید ایملک استرکین قضا آسمانی اولد ایکنی بوندع ایهیه قضایی
 اولد قدره شهادت ایلد علم عصیان و طغیان اخلاصه و شک فلاحی شری و ریخ
 اطراف و الکافه انداخته اید و بهر قاج اثر ایدر که دارک اغوا و اف دلبه غفوف
 و الدعوات کفای کند و به پیش خیار ایلوب خندان سلطان سیم شهر یاز ایلد آهنگ
 جنگ و یکار ایلد که والد بزرگوار لری صاحب قران سپهر اقتدارک دخی سلطان بایزید
 بو اوضاع ناپسندیده سندن سرچشمه خاطر شری فخری و مرآت قلب فلک صفای مکرر
 اولمشیدی ناله علیه کانون مانر دن سلطان سیم معین و ناصر کوثر دکن بایزید شایسته
 صد متبع جهان کنیه مقاومت قدری اولمچ کاتهم حرم مستقره ذلت من قسوره مصدوره
 کجا اولوب دست اختیار ایشک اید پیچ چارگی لزان و ابر صاعقه بارکی دیده و دلدن
 اشک ریزان و افغان کنان منخوم و کیزان اولوب یوم بفر المردمن احیه آناری ظاهر
 برداشتم دل امیدی که دیشتم بر برداشتم زخمی که کاشتم

صاحب قران

صاحب قران

صاحب قران

صاحب قران

صاحب قران

صاحب قران زمان مرحوم سلطان سلیمان خان شهبازی نیک اتلیس من اهلک
 فوای و زر طغیان و عصیان ایلد تصاف و محراب دل جانک کت انقیاد و افغان
 انخافنی عتبه علیته و ستم ستمیه چمن ایدی دیو عزل ایدوب بنی زمان مناصب ربدن
 مایوس و محروم انواع غموم و اهوم و الاس بی انجالم ایلد موسوم اولمشیدی آقا الام موسوم
 نوز و زده که اقبال بهار و اعتدال لیل بهار له روی روزگار خندیدن اولوب درختان
 بوستان کسوت زند کیدن عاری اید یکیدن لباس حجاب پوشید اولمشیدی و شان
 کلستان که خورشید و سر کران بایور کر اید جام لاله و زرین قدح ایلد کل کس شرب اغوانی
 نوشید اولمشیدی اشجار بخت اختیار حرکت ایدر سه سز اوار در که زمره و اب بکینر ایلد قمری
 خوش ایلان اولمشیدی و ابکار چمن با شکر پرده دن طرزه جفره بر میریدر که ترنم ملاز
 ایلد فاخته غزلان و کشر اطفال ایچ کوزا چوب خواب عدمدن بیدار اولد لرد و چای مار که
 هر صحر صوبه لریوز لرینه ابر بهار بهاریه بوقصیده لرینی صوند قدح جوده جوامیم و
 کنا لرینه رقم عفو و احسان چکلک ریاح اذاج چمنه اقلب معالی افصاح و وزان اولد
 غنچه خاوری در هم و دلتک اولمشیکن سیم سرور و صفای خندان اولد و لاله کمر کعبه
 سوخته دل ایکن غنچه شال شبنم سرت ایلد خنده زنان اولد که اولد عدالت عنوان
 قضا محکم دوشسون دیو جناب جلالت نش ندریه احسان ایلد بویا اول قصبه بلایت
 صلاعی عیش بکردن و سان الاکنون که دشت کشت جو کردن و سبزه بولون
 بنفشه و گل و سنبل شگفت زکار نک شقایق و سمن و سبزه رست کونا کون
 سوی چمن حرکت کن در ابتدای بهار در ابتدا معتز بود از انکه سکون
 حالادخی زمره قضا اسلامدن کاه خزان کاه غیب و کاه حضور و کاه نصب
 ایلد عمر کچوب و بنجره طیبیه وجود مسعود و ایشیق فلو دایله و دست امیدی
 معانقه عروس عمر جاوید ایلد کامیاب در حقا که اشعار بلایت شاعر و کفا قضا و شاری

صاحب قران

صاحب قران

فضایل و معارف و شمار کبی مقبول است و کلمات باریک است مناقب ذات ستوده احوال
 کبی رصین و حکم در مدام نغار بلاغت نظامی صراحتی بال و انبوه افلاک من جام مرت
 فرای عبارات و کلام مصبوب اوله فیه عقول فحول اهل بلاغت منسوب و لباس ادراک
 و احساس اصحاب باریک بالکلیه ملبوب اوله بقیة الکلف صدق لای فضل و شرف
 عدیل و نظیری از شاعر در مرتب و محکم و بوی ترکی و فارسی است بلاغت عنوان و اورد
 تیغ عشق یار له سینم کورنزاره دن بن قوله در دو بلا چون تیرش یاره دن
 یاریدی اختیارم کیندی عشق کل کیم یاد ابلد کج ایتم چه اختیار کریم
 آج بوزک مهر نور و تاب اولون جوز بهیک دهر مشک تاب اولون
 خط رخ رباری و صفایه لم بیک گلستان دگر کتاب اولون
 مسلمی بنده ام اولون دیر سن اولون ای شاه کایا اولون
 ایبن سوربر آصلیقه ردیدیمکی اوتمش رقیب اورماندن بر و سورور
 غم کل اوقه بادشهم دل سپر اولون تنگ بن قولک بر کوز اوجیل نظر اولون
 بر کنز اینک کلبه دیرانه بهر سک خاک قدمک دین به کل بهر اولون
 محبوب و میه توبه بوشن نه زاهد بیور دغنی اتمیه لم توبه لر اولون
 کمدرد دیر سک صباراه چمیکشها یلدر بر بر پیکر صحن چمنه جانبه
 بوی زلف کتور سن بزه اولن سحرک ای نسیم سحری هو لیمه الدق خبرک
 در دغنه بوشه لعل جانان کرک ای طیب جان آمد د اولدم بکاران کرک
 خضر و شش ابر شک آب حقیق لعلنه نیجه صبر ایسون بر آدم که اولم خاک
 مسلمی یارک الف قدی فاشی نونی ستر غم دکل خال خط اولمزه کوز لده آن کرک
 عشقه دل بر یکا طغیله اعدا بر یکا اره ده قالدیم بنی ایلده خدا یا بر یکا
 کیندر بولما غنچون روی و شکرتن ماتان بر یکا مودلارا بر یکا

بوی غنچه کیندر بولما غنچون روی و شکرتن

خواجده عطارک در ساری ابرار سینه تیغ آید و کج قصید بلاغت شعائرند
 سرور از آتاج زبر بر سر اگر چه زیور است تاج زبر را هر که او سرور نبارد سرور است
 ای بس سر که رفت و ماند خال افروز کرچه پیوسته بسر می باشد آنچه افسر است
 با جمیع کاران اخوت چون غدا بدست رخ که بهر رسم و زر گری نماید اخلر است
 عیب هر چه دل کن چون سیم و زر داری کور به چشمی که آن بر زر جو عین عجب است
 راست در دوزخ تمی از دغل لفظ و معنیش نکل و صفر و الفان بهر ایش مر است
 عصر یوم جمعه ماه صفر تاریخ گشت هم بدین هنگام و روز انجام کارش محراب
 سحر زمینی تقادم اشعار و احضار دن دور و هو اس غایت اعتدال ملک مشهور
 و آب بر صفای عین چشمه زلال اولمغه مذکور اولوب حوالی اسکوده پشته دیکلم علم
 جمهور اولان قهقهه صفا موفور دندر میحاصفت سخن برده لری احیا و میر اقلام شکن
 ارقا مندن آب حیوة اچوا ایند کچون مجلس زبور ایلد شهرت پذیر اولمغه نزار و کلام
 روح بخش و اشعار جان پرور ایلد اولناظم بلاغت کسره مسیح ناخ فکله روا در
 حقا که حال صور احوال مرات فیل و قالدیه منظوم نظر اهل کمال اولدی بر نور معادل
 و ماثل و مثا به و مثا کل ناظم بحر صلال و شاعر و روشن مقال جلوه کر منفه جو
 و صورت نمای مرات حضور و شهود اولمش در دقت خیال و لطافت و زراکت
 مقالنه عدیم کتیلر و شاعر ایدروم اچیف ناکش ثلثه دینکمه لایق و جدید و اشعار
 بلاغت شعائر مانند خورشید فلک نیر عالم کبر و شدت پذیر در دیوان الطاف خواننده
 جمع اولان خیل معانی بر دیوانه جمیع و ساء صغایف ایاتنن نمایان اولان کوا
 خیالات بر برده ملنح اولمش در دینکمه مدیح و کلامه فام خط ده مهارت نام
 و خوش نویسنده قدرت مالا کلامی اولمغین مرحوم علی پاشا نکات دیوانه
 و عطار و صفت حجاز احکام جلالت عنوانی اولمشیدی آفر و زیر زبور کج جو ع

کلی که جمیع اولاد اسباب حیات و راح میتریزان کی با دما ایله مار و مار و پرچم توغ و چو
 بر دوزخ صر صفا و کنایه کنت ایله پریشان روزگار اولدق مرحوم تاج زاده نک
 خاک بانی تاج سر انگشتر آستان عرشته التجا ایدوب اولد ب سعادت قبا به انتاب
 و انما ایتشیدی کانت سلطان دیوان اولق رحایله بوقصد زینباج که افق بلاختن بر
 غره خرا و عالم فضا خن بر هر جهان آرا در دیوب طایفه زبان فرمان غلغلده و صد انشید

خواب غلغلته ن اوینما غم یون از بار
 شویله صالند لار باب جن کم سروک
 کلک کلک انگشتر عارضی وصفن کتر بر
 کوشل هی بطور صا که کندن خلقه
 فاخته چونکه الن بویوشد سروک
 میرا قلم سخن بغین نجی پاشا **فصل**
 سحر نظمکی الدف الینه شعرا
 المنزم اخونه معین فایده هیچ
 جسم انجده که جان عایتی اولد چو
 اوکار بر قاج اقی تبار ایلد روزگار کچو بطور روزا و ن سکرده هیچ آسا عروج عالم
 بقا ایدوب محنت ملک فدا خلاص رما بولدی سیجی خوت شد تاریخ وفات در
 بوبر قاج ایتا بلاغت سما اول قند شو انک کلمات در بار نذر

محبوب بر دهر و برن رونق درینت
 آن کرک خوبین کافه ال اوزره طوطی
 کربود قدر دن کیده کلک سبب نهج
 خیمه عشقی اورو جالین محبت طبلنی
 بت لاله بولور نته که دبرک اچی صورت
 بوخسه بر خاتم دخی بولور کوز قاش
 برینه اولد کلو بازلر کراوله خطه اش
 شمد بک نوبت بر بندر زده بشقه مهر تر

سن حراجی کوز بله چونکم با نقد جان دل
 لعل نایک با دینه دوشد کفر ایه شویله کم
 بو اولوخت دکلمیدر سیجی بیزه کم
 بوقکین شوال قدر قانیده اقدی کوز کم یار
 اگر سوا ایلوب او یکینسیدی لعلکده خاتم
 کوز و مریضه رمدن سیه نقاب ایدرم
 بوقطره قطره دوشان شک چشم در ضمه
 خانقا کچن زاهد نینه کم اوراد او نور
 سوز سیمدن قراروب خلک کلکین
 کتمیوب چوق باندوغن بر فک کچن کوز
 کوجله هر جویله کچی کی فونوب
 سجدی قیوب او حق حجاب نه فونوب
 ای دریا ایل اسلام و کدب آتش پرست

مشق شیخ عتد رستم دوران اولاد صاحب قران زمان مصمم طاهران سلیمان
 خاک وزیر اعظمی مصمم رستم پاشا نک کتد الرندن مصطفی کتد انک فحال دوطه بر صفای
 مرابط انوار ظاهری و معنوی خطر خطیره جناب موکو اولان شهر قونیه دن نشو نما
 بولوب درویشان دریشان خوش خوی ایلد مصاحبت و معاشرت کبدل بگردی
 اول غلغلته نام دل جانیه رواج فتوفنا یله خوشبوی اولشیدی که قرق الیک باقی
 ز غامضه قناعت ایدوب از دیار مضیق مقال اچون خدمت اصحاب جاه جلال ده
 ترک نک بوی ایتشیدی حقا که کلمات پر بلاغت و بیانی شام انس جان مسک و عنبر
 کبی متجو و معنبر و اشعار بلاغت شعرا مانند عود قمار دماغ خلق چغانیه موطر ابدن
 سواد بلاغت کشر دندز قبا یی منقبتی طراز سیاه تله معلم و او صفای کریمه رینه شرف انما

حساب نبوت نظم اولوب اشعار با کجای کبی قران و امثال میانه علم اولون در ذات مقام
شیم و معانی هم در بواشعار امکن کفار نذر

بوشه کیش کجای شخمان دو کمنه نه نم دل نه غم دین کربان دو کمنه
شوقد آره به بن شایه مقصود کیم جست وجود اطلبسم خشنه میدان دو کمنه
چکرم غم چکرم کوز و مه خاک فرمیک اگر لای نوز بهر کمال صفایان دو کمنه
خط بصدی روی لبری فشنه کیم اختتام ایشندی سیر کما کشته کین دو کمنه
سینه در ضایه دکل جوان جوان دو کمنه نیکه در اکک دکل مهمان مهمان دو کمنه

مشرقی استنبول نذر اطراف دکان فجه با دیکه کبی سر سرت کشت ایدوب
مشرقی بایل طریق جیدی اولغده حلقه اراد لری کوش جاننه کجوب اول زمره نک
بنق حلقه کوشی و جام محبت و ساغر مودت ترنیک مست مد هوشی اولمشیدی علم ادواره
دخی صاحب اقتدار اید اخا کحضرت سلطان سلیم خان کجاست تحت تین سر سیر سلیمان
اولمدین معین اذکین آستان فلک مثال لرندن در یوزده لطف و نوال انجکیون مال
ایلدکن زحمت اجل وینی روی مال کبی نذر ایدوب خاک فیایه دوشتر مشیدی بوز کندر

فراتکله ضعیف و ناتوان و در دنا کیم بن غلگدن شرخه شرجه پاره پاره جاک جاکم بن
کی اولدره احباب ایلر اول نفیسی آما بو بن اوللو سن قتل ایلر اک هلاکم بن
مصطفی غایت عقل و سداد و نهایت فلاح و شاد ایلر شهره عامه بلاد و معلوم جملگی
اولان خدمت مخدوم حقایق نباهی منظر الطاف متاهی الهی شهباز هوا فیضای حقایق
عشق و قاف حقایق و ایقان جهان کمالیک در بای حیاطی و عالم علم و فضل کما موس
وسیطی حال سلطان سلیم ماضی مدرسه سی ایلر استقبال اقبال ایدین و الیه هذا الان
بنجه مدارس علمیه ده جست و جوی شایه فضل و کمال ایدین مالک ممالک هوشمندی مقدما
نام شرفانی مدن متقا عدلین انتقال ایدین قاف احمد صلیبیک فرزند سعادتمندی

قافاده افند

مصطفی جلی افندی در که ذات متناز و مستشاری زمان صبا کسن تمیزه بالغ النحیه
نصایب فضل بجای به بالغامایع مالک اولدقده خیر الانباء من بقیدی بالاباء و فوایه
اوزره مظهر اسرار پیر و انور کبی علم و فضل ایلر شهره دور اولمچون باباری کبی
طریق سعادت رفیق علم مالک اولوب زین علماء ایتام شیخ الاسلام و متندی الانام
مفسر کتاب کریم سبحانی و جهره کندی مرابای مرابای رفقای مولانا و استاد ابوغود
اسکنه آتله کوریم الودود نه مدح محضود و طلیح مضود و ظل محدود خدمت لرندن
ملازمه معود اولندر حقا که انواع فضایل و معارف کجاست اولغده لایق از ان مرفوع
و معنی مرآت ذاتی مصقل کماله مجلی علوم عدین و فنون کیشره به فایز و عیش
تکبیل نفسانیه اولان فضیل و عرفانی حاوی و حایر در فارسی و ترکی اشعار و زبان
عرب اوزره مضایق بلایع اشعار و اردو محصوم و حقیم نفیر کتاب ملک علانی انعام
ایند کلرین بوقصیق ملاغت نظامی دیشدر بولکلا بلاغت آتاش اولذات سوز و صفا کندر

کونش کبی بجا هر کون سن ایلر عرض جمال رقیبی کور بن آی باشلرین عجبو هلال
عید اولدی یارلر ایدراغبار حرمها ال چکدی بندن ایتدی دلدار حرمها
دکتر ایله بجا کلیمی حرمها اچون الکرله مختلف ایدر اول یار حرمها
سوسو بر و بکر عالم مسب بحر اشکدن اولدی مال مال
کرده جلوس حضرت سلطان سلیم خان بر تخت سلطنت بودش ملک بالود
تاریخ این اگر تو پیری حرمها کین نه اذربیع اول و زردوشنبه بود
الام الام الیر مع بحسری کوا بل نقد صابر کبر الایکدب حل
و هیل عثم غم اندهر لکاس حکم ام اختص بے زندان غنیر زایل
و تفسیر الکتنزیریل قد جاء فایقا جمیع تفسیر الفول الا و ایل
وارشده العقل سلیم به الی غرایکتاب الله اقوی الو سایل

و اقوال اقوی الا قابل بینهم . فی اخیر اقوال و باخیر قایل
 و فی نکات بنیات کاترها . علی رؤس الاعلام منور است علی
 نفی ظلمات جهل من بغیدی ها . فما هو الا المندی فی المنازل
مصطفی آفتاب وجود بر نوری توسیة دیکله منور . اولان قصیده دن طلوع
 و ظهور اینقدر توسیة طوسیة لفظندن کثیف و صحیف اولق احتمالیة کاهی طوسیة
 مخلص اندر مکارم اخلاق . ایلد ندره آفاق . اولان غم ارباب استیصال تحقیق
 جامع فضایل انسیة . و عادی فضایل قدسیة . کلسان فضل و عفا نگر سر و سر بسند . حالا
 مدارس صحن ثانیة دن برین مدرس اولان کوچک مصطفی جلیلی افندی در تحصیل فضایل
 ایدوب میان افرانده . امثال مثال رالیه بالین اولوب ساکد طریق علم اولدق
 قضا مصفا هر ایلد بر عنوان . ایکن عثمان جهانده غنیم در بای رحمت جهان اولان
 مصمم عرب زاده افندی دن ملازم اولمشدر . حالا دفعی مناصب و مراتبی معارف
 و فضایل کبری کبی ترفیقه . و اسباب و آلات سعادت و کمالات تلقی دره در حقه
 و ذنون عالم . بلکه محیط عالم فنون اولان قانوس عظیم موصوف مالا عین رأیت
 و لا اذن سمعت . اولان علوم غریبه . و نوادر و لطایف عجیبه بی جامع و مثل اولوب
 هر برنده متوق تام . و مهارت مالا کلام پیدا ایتیکله استلا کامل . اولمشدر اخلاق السلطنة
 اولوب کتاب بلاغت نصاب تالیف اینمشدر . اولکتاب مستطابین اظهار ایدوبیضا .
 ایدوب و اضع قواعد و قوانین فن انشا . و رفع مبانی اسلوب حکیم و املا .
 اولدق قلم اعلام و ایدوب اینمشدر . و فکیه طریق رساله نمجه لری . و درخی پنجه سایل
 و مقالاه مرتبه لری . و ادر طبع شعریه . و سلاقت نظمیة لری زیانده عاوش حاج .
 اولمشدر همت قزای ارباب عقول اولان صعب و دشوار و ایدلرده ماهر و راسخ در
 جلدن مجموع مکارم و معایه دیباچه اولوب سلطان علما و معلم سلطان اولان خواجه

توبی مصطفی

افندی خضر زنیه دیدکرمی قصیده خضره لری در الحق بوقصید بنیال نظر اولق ارمحال
 و بطور لغوزه . بوندن اوز که کلام و مقال . دنیکم شخص خیال ایدوب کی معلوم و مجزوم اهل
 حتی بو جمله به کثر بر اولمشچون بوفیقه ارسال اینمشدر . بوابیا اول قصیده دنلر
 بر کیم طوغدی کورددم ماه نهران سعدی . چکمش فلک نفا به مهر جهان سعدی
 انجم سباهی قونش طوطو بطولوب منزل . طاق سپهره چشش کور فردان سعدی
 شمشیر فرخیده کو کورده سعد ذراج . قربان ایندیکل ستر نور زبان سعدی
 اینمش بنات سعده تقریر قطب ارس . داماد ایندیکل ستر کیوان نوان سعدی
 یزمش دبیر حکمت انشا مناظر نده . خواجه جهان دولت دولت جهان سعدی
 سر کو کیده اولور سه نوکله اکم سایل . صوکی اول بوی سرو الجفاه اولدی سایل
 بویمش عادی یارک نه عجب مجتبه . خارج مجت اولمشدر اولور مشر داخل
 عجب قلمش جهان حق تعالی . معلق سیدی قسبه التی دریا
 نیجه نقش اینمش باری جهان . زمین مائی زما فی آسمانی
مصطفی منظر غنای استجانیة . فائز کمالات انانیة . مستجمع حقایق علوم مستنبط
 و فائق حدود و رسوم . منظر خفایای مطارحات و مناظر . و مبدع مزایای مباحثات
 و محاکات . حالا مدارس صحن ثانیة دن برنده مدرس اولمشدر بنای سراسر فقه و عرفانی
 مشید و مؤسس اولان مصلح الدین افندی در . ذات پر معارف و فضایل . و جفا
 کریم انضباط و عظیم الفواصلی آسمان فضل و عرفان بدر کامل . و انواع و اصناف
 علوم و کمالات جاوی سایل اولمشدر مخلص شهر بقری وجود لطیفی کبی کامل . در
 اول سیم خام کوشش نام . قصیده بنامدن ظاهر و هویدا . اولوب عجبدر که کوشدن التون پیدا
 اولمشدر بوته مجاهد و اشتغال سیم وجود کریمنی قال ایتیکله قرائن بازار عرفان
 قاتنده کامل العیار . و نافدان فضل و اقبال . میانین اعتبار . اولمشدر بنای علیسه

کمال در

صاحب المصطفی

شیخ الاسلام و مفتی الامام منبع اسرار العرفان مطلع انوار معانی القوان جناب استاد بی
 مولانا ابوسعید کمالی غفر له کتب منظوم الطاف کثیر الاعداد و غیر تعدادی اولوب
 فرزند دلبندی محمد علی افندین ملازم اولوب مخدوم زاده ابنه دخی استاد و معلم اولوب
 معارف کلیه و جزئیة ده راسخ و ماهر طر فاء انجام ایله مصاحب معاصر اولوب کلام زبان
 فارسی به تمام فکر در طایفه علمای حسن حظ دن حظری اولوب اکثری بوساحتدن
 به بهره در آنکه جناب مولوی خط نسخ تعلیق خوش نویسیک ایله تمام شهره و در در
 معارف بشمار رندن بری که نظم اشعار آید در در صوبی طبع چهره فاری اولوب ادبی به
 روان و جبار و آثار طبع بر اقتدار بوی مشکیت در آنچه خود فاری کبی منتشر و ساری
 بوبر ایکی اشعار اول ذرات بر بیج الامارک کفایت رندند بوجله بیکتر از پنجم کوندر مشرور
 خال خلک یانتن دمانک کورن شها بکزد در به اگر سه با بختی
 بزم غنم مطرب و فی آه و ناله در اشکم شراب و فکر دمانک نواله در
 میل آتیه حسن بایز و ال عجمی در خورشید اگر بلند اوله سبل زواله در
 ساقی غنچه خم که لبند بباله در کویا ختن غنچه الیه اغرنده لاله در
 زلفیه دل و زنده و لاسک کمر زخمی در ذی شانه نسبت ایله انی اطاله در
 دمام در فتنه اوله و غنچه خرم کربا غبار کبک کفشدن ایرود و شدی جانانک
 برام شیرل و جندن چندی جان خیمه کلوب باینی فصل آیدی اولدم تنی بر آنک
 شرف بولدی سک کوکلیا کچن سر فراز اولد بیکوده کامل بیچاره چونم اولدی در بانک
 کل خود روا جلوت نسبت آتیش کندن بایه و زرش خجسته غنچه نورسته شرمند
 مصطفی با تاج و مظهر اولان غنچه افندینک فرزند دلبندی در حالاکه حدانت
 سن و غنچه ان شبابین در بغایه ملک الکوبه اقصای حق استیج معارف و کمال
 ستمه کهور و قهرای نیت احو از قبایب فضایل بی نهایت جانبیه مقصود اولوب

عزیز زاده

اعنه

اعنه شیخ حبیبی استحصل حقایق علمیه معطوف و از نه تجدد علمی استخار و قیاف
 حکمیه مصروف شب و روزت بدین فضل و عرفان الیه امتزاج و ابتدائی و بابا و الانی
 مکارم اخلاق ایله تمام انصافی و از مخدوم پسندین اوضاع و جمیع اطوار در نویسیکه
 غایت بی غایت کریم کردگار ایله صدیق و زکار ده دو حقه وجود پر غبار سی
 بر جور دار اولوب نخل معودی کلستان جیاتن ثابت و پایدار اولد اشیا آینه ملک افکار
 غایت اعتبار و اشتیاق بولس نور خورشید تابدار کبی روشن و انکار در لایق نظم آیداره
 کوشش و پیر برز کواریری کبی بوفته تمام و زرش اوزره در بوبر ایکی اشعار
 صفا اشعار اول مخدوم نامدارک انار طبع بر اقتدار رندند
 معصود من کوشش بوز که بر نظاره در مانع اولور اکا دخی اشکم ساره در
 باند شمدی دانگلک بوزی قاره در
 رفعتده در شند کلو بزم نار آهنگر انجسم او نار دن بره و شمش شرار در
 ابر و لکله رخلک ای شوخ و شوکار مجنون عشقه بیر می نه نویری بهار
 ابر و لینه دوشد و کلک تری واردر اچمز اورا بی کسیه اول زلف مشکبار
 بر باره طور دیم او پیری طویو شیر عالم خواب جانم ایله الیز فرار
 اچکن رآب روان دلیری نولا اچله ایله کچه کوکل خنجر کنار
 ملا معصوم نامی محمد معصوم در هلال وجود بر عنوانی دیار خواب نین میر دلا محان
 دیکله مشهور خلق جهان و ممدوح انس و جان اولان شهر زدوشن نال و جان
 اولوب آرزوی سیاحت افات ایله دشت قیاقدن دار السلطنة العلیه به کلوب بی تابان
 اولشیدی فی الواقع کوهر کان معارف ایدی برندن جدا اولمیش قیمت و بهای بی اولمز
 ولولوی شاهوار جهان لطایف ایدی صدقند حقیقی کوشواره اشرفی و اعیان اولمز
 آفتاب عالمات دایما بر هر دره قرار ایله نوریل شکار اولمز بودیار خسته اطواره

وصف غنچه و کونک

کجه

بر تواند از اولد قده حمامه وجود خطری اولافانه فکر کثیر التقصیر ده آشیان از اویشدی
 طریق علم و عرفانه سالک اولد قده زمانه سندن شهرت شعار دانستند نامدار اولد قده
 سلطان الا فضل برهان لایمان سر دفتر اصحاب مکرم وجود ایت بکود و مصحف وجود
 مطلع انوار درایت و بصارت جمع انار سعادت و صدارت خضر تکرین که انوار صالکست
 و اصوا و جلالت و جناب پر افشا کندن ظاهر و لایح و رواج سعادت و اقبال اول ذات
 بر کمالک شایم نمائیند دم مسک و بوی عود کی فایح در **مستطیبه**

آن خواجه و الاحب سر نامة فضل و ادب هم قدوه خلیل هم عده ملک عجب
 خواجه افندی خضر نیک مرتبت شایم فضل و کمال و مصیبت سجال سعادت و اقبال سجال اول
 آستان سدره انصار لایحه رویال ایدوب اول جناب پر کارمون ملازم اول مغرور مغبوط
 اقران و امثال اول شدر طاروم ایلین قاضی و حاکم کھنسل معارف و کمالانه مواظب و مداوم
 اهل روم ایلین کثرت اختلاط و وفرت ایل طندن اوضاع و احوال و کلمات و اشعار
 نام رومیانه اولو عجب اول غنی انبات لکون شایه محتاجه در اکمل بندر که شایه ان روم
 ایل کثیر الاختلاط و الا متزاجه لایق قبول کلمات لطافت سماجی و نازک و فحیل معنیانی
 وارد بر ام اسنه بومعناش شایه دنیا و مقبول مرغوب فراف اول شدر

پنجه بر دولت و سلندن اولاس مجرم اول مرکب بولنه ویر حاصلی معصوم
 ندیده قطره خون از جگر بر آورده بدین تودل از دین سر بر آورده
 کون شسته جدا از تو مرد چشم بروی و سر راه نظر سر بر آورده
 سینه ام الفاه سرود و جوینست که دل بیا دقده دوست در بر آورده
 نهاده لعل آتش برای سوز دلم خطت که ناله بدور قمر بر آورده
 ز چشم و قد توجیر این صبح بچونم که چون ز سر و تو بادام تر بر آورده
 دلم بودی عشق تو مرغ نالایت که از خنک جفای تو بر آورده

بی ناز شکایت چشم دل معصوم همنه اردانه لعل و کهر بر آورده

معنا نامی علی در بد وجودی نیره نام قصبه و طلوع ایدوب بدری اول شایه
 سلائی که اجوت انیشدی مزبور ک نشو و نما سی و سلال مثال یون کمال بولسی انده اولغده
 سلائی که لک ایل شهور اولشیدی قرن معاده نامدار و صاحب اقتدار اولغین خلص رفیق
 اختیار انیشدی اکثر بامنی تلی و بجایه بکلمه و کافیه قصبه ک بکلمه صاحب
 و مناکم اولوب دولت وار رکاب عزت مدار لرینه ملازم اولورده آخر دوس نام
 قصبه مخوس و بدنام ده توطن دارام انیشدی آخوالا مرغلان واجب الاذعان ملک
 علام ایل اول قصبه ده دیار عقیبا به خوام ایلدی خلاصه سلاطین روزگار و نفاوه
 خوافین سپهر افتاد خورشید روشن رای چشمید ممالک ارای قره باصره کامکار
 غره ناصیه جهان داری شاه فضل محل سلطان سلیم اول شجر ممالک ایران و ضبط بلاد
 آذربایجان ایلکه اول بارک هر قلعه صاحب شتر بار لرن داریه سر کون انیشدی
 اول شایه دیار جیدن معاکوی و متعان بعض اصحاب معارف کلوب معاری مشهور
 و شایع و مطلع قبول صلاح جهان من مانده خورشید رخشان طالع اولشیدی معانی مزبور
 دخی اول نامین شاه مزبور ک نامنه معارف لای ویر دکن ممالک مجرمه این دخی
 بوفنده صاحب اعتبار و اشتها کسنه لطاهر و بدیدار اولد و غنه غنی خاطر عاقل ختم
 و خندان اولوب مزبوره اوچو ز فلوری انعام و ان انجند تحقیق کلام اولد که
 مزبور اگر چه نفاوه اوقات و خلاصه اعمار فی که سرمایه سعادت شایه و ذوق معانی
 صرف ایدوب زمانه شتر بار بلندر لکن مشایخین رومدن امری صلی و مرحوم والد
 معاری مطلع بر وزن طالع و انکار اولی مزبور ک معاری کتب اولین و احکامین
 کی تروک و منوخ اولوب صدای کمره منوله سی و شدر بویکی اشعار و معانی انکدر

سودمکن غیری تندم بسم اولایانده که ایلمز بر دم نظر بودیده کسریانده

طاهر رحم ایلدی رحم الیز اول سگدل . آه آتش بزم اچکره شعله سوزاند
 بونلک کیم باشنگ حوزتا جیدر **معنی** موج آب دین نیک محتاجیدر
 لب لعلک حیات مرده جان **معنی** مدد اولدم دیسدر ایلدرمان
 اوکی صلوا ای کوردم قان زل **معنی** ویردی بن مسکینه تکرار اچی دل
 دیار انکروس فتح اولوب دیار اسلامه ضم اولندقن تاریخ دیشدر **معنی**
 فتح اولدی کلکی انکروس **معنی** سلا سیکندر وایقین موکو و شغول کتب مشوی
 اولوب تحفیل منار و کمالات معنوی اتمیکله مخلص زبور ایلد مختص اولمشدر بونلکدر
 دور ایلر کعبه کوکیده سنک لیل و نهار . فصل ایلر شمس کلایه قلم مولودیر
معنی روم المین قصبه قلغان دلندندر . وجود خطیری قلغان دلر تیر تیر ایلر
 قلغان دلن کایر اولق غریبدر . و اول مقوله صاحب دن ایکن معارف بی بدن صاحب هم
 و نصاب اولق امر جیدر لطفی نکره سنن مفتی علی صلیک معبدی اولق تقویدر
 مخلص زبور ایلد مختص و نام زبور ایلد مختص اولمشدر دیوب مرحوم عاشق صلی بابی
 معبد اولغله معبدی مختص اولمشدر دیشدر رخ الواقع زبده افاضلده مور . و نقاوه امانل
 صدور مقتدا و مقلد جمهور . کاشف حقایق الامور مالک رفاه لک مقوم و مشهور
 فاضله کز انز دانش اوروشنشد . ایچ بر خلق ججهان بدر حقایق مشهور
 بکر فکش تنقیر نهار احرم . دل اچکشر نظر لطف خضر ارا منظور
 و الد مرحوم و مغفور خطی شریفی ایلر جور و سطور در که زبور کبابی معبد زاده دیکلر تهور
 سلطان بایریددورنده کچمش مدبردن ایش حاشیه تجریده حاشیه باز مشدر
 او سبند کندی به معبدی مخلص ایشدر مفتی علی صلی به معبد اولمشدر ظن ایلر دن دیشدر
 زبان ترک ده خسه دین شوا دندز شاعر کوی در نظم میانه اکثر کلامی ساده و عفت
 بوغزلنی بعضی مطربلر ترانه غلامین و در زبان خلق زمانه اولمشدر

طالع نحس اولدوغی چوخ شکر دیمیدر . با شمه بوخجه بلا دلغی دلبردنمیدر
 عشقیدر یا کلیدر ییلکری لال این . نالسی بزم اهلک میغی ساغونمیدر
 دفر عتاقه یارنش سن قی طوطی لم . کل سن انصاف ایلاندن اولن بود فتر دیمیدر
 ای معبدی کچک کو نذر کو لوبان اغلق . کنسی کنکده نسیدر بوخه کوز لردنمیدر
معنی نامی محمد و متقیان افضل و مدح جامع انواع لغنون و علوم فضایل معارف
 و محاسن لطایفی مانند خورشید پر نور . موقوف و مشهور اولوب اکابر و اعیان معینین
 امثال و افراد . و اکف و اخواندن تفوق ایلد موصوف و مذکور اولان مرحوم معبد
 زاده انصاف نیک نتم شجر وجودی . و نهال سنان مکرمت وجودی در اجداد پر کوار
 که بکسوتیان دیکلر برشته دار . دیار مرعشه غایت فضل و کمال و رفعت جاه و بخت جلال
 ایلر امداد . اولوب ملوک کاکریه صدور . اولغله بن کچمور خیل اعتبار بوشدر
 زبور دخی بیت علم و کمالن مربی اولمشدر و ریاض فضل و عرفان نشوونما بوش . بنیمه
 و شاح علم و دانش . بنیمه قلداده عرفان و بنیش چمن ارای عالم علم و کمال . زینت
 افرای سرای معارف و افضال . موشخ قلداید کمال . مفتی مقال فضل و عیای
 انواع مکرم اخلاق ایلر مشهور . هر جلی محمل و مهور بر ذات معنوی نور در
 حال اتق اچ ایلر بر سه دو خیمه مدرسه سنن موزول تحفیل انواع لطایفی
 مواظب و مشغولدر چونکه معصیت جی این ایلر . رضوات اکت بهتمطی
 و اقدام اقدامات هر اهل تحفیل و تکمیلده متخطی . در امیدد که هر آن تر قیده
 و هر بار جناب نفیض لیلی . اباب تعلی و تنویر نفقیده اوله بر ایلکی نهار
 نوش این دلشنه جان و غل لعل نکر . آدن ایلر زردخی عالمده آب کوثر نکر
 المزم کل جلالی نور چشم غنیمه . نونهای دیدنه اعیان خاک درک
 آرزوی بوی زلفکده شهاب سبیل کیم . خاوان هر دم پریشان ایلر غنیمت نکر

و این اولات سوره صفه کلام
 و این اولات سوره صفه کلام

جامی و پیر به یکی کریم اولمزر . الدن الی دو شنده جیاد اولمزر
 کده بقدر خاکبای غیر افشنگ کورن . سنبله قلم نظر زلف پیرننگ کورن
 کورن کوه بلا در کوزلم باش و کل . راه اقیم فنا در قرن قاش و کل
 دشکر در بلرک یا قوت تشبه اید نوک . اولون ای کان وفا شک ملامت باش
 بر کورن کل معبدی خاکبای بار یله . کورن اولون انک خاک مذلت باش
معنی مقدمه بر کتاب دیوان سلطان . و نویسنده دقایق و جلائل احکام حکایت
 اولوب قبا جلائل طایر است ایلد موز . و دیوان عالیه ذات معانی
 طوایف جناب سلطان . اولفده مکرم و متوز . و پنجه زمان رفعت چاه سودا سید
 چاه مذلت دوشن کراهرک و سکیر و معنی . و صرم حوادات بنای اراکله متزلزل
 اولان در مانده لک باجت قرار و تکبلی . اولان مجبی صلی در که نواجا انری
 مشهور دانش و هنر . مقصور و مخصوص . و صنوف صوفی مکرر و معنی
 موصوف صفت کاتیم بنیان موصوف صحیح الا قایل و ملج الاف عین و غیره
 محوده کفایت مدد و قه الشبلی . بر ذات کامل کفایت در خانه لسان
 و قلم زبانت صحیفه املا و انشا که جوایف . اول مرتبه ده و کلدر که ل ان اقام
 مشکین ارقا مله قابل اعلام . اوله و کتاب مدح و ثنا . و دفاتر القای و اواستک
 کثرت و وفای . اول درجه دن از وندر که کتاب جهان عمده تکریر و تظنیر
 بیرون اولفده امکان . اوله لاجرم اشعار حقایق شعار . سلطان کلکاری خارج
 اوله رواد . و اول بکار افکار کوزندن تنوع احتیاج و اختیاج
 بیان واضح بکماله رفیع ایلد لریزاد . مقدمه طریق علم ساکن و ذاهب اولدند
 دیوان سلطان ده کاتب اولوب قطع مدارج و مراتب ایدرک صاحب خلیل
 محمد پاک تذکره حبیبی اولفده اعلا . و شواهی مناصب انجیر در نظم اشعار آبداره

صحت

افشار

اقداری . و هندی و ق در و ندر طوق دیاره و دوسن بلامت اولفده لایق
 بعضی لایق شوار . و جواهر برایتی وار در . و مطلع مشهور انکدر
 دوات آب بنم لعلک غنیمه بوی خون الموش . قلم مانند جبریت باز بسدن هر کوش
معنی استنبول ندر سالک طریق علم و کمال . اولفده حکم کت قضاة بایل
 اولوب قضاة ستوده خصل سکینه داخل اولمزر . حفاکه بوستان یافت کلان
 فصاحت مانند سر و سر زار . و میان شعراء رمانج . امثال او اولمزر متشبی و ممتاز
 آسمان معانی بریح البیان . نواقب الفاظ جلیل العوائج . ایلد مرتب و صباح لطف
 ملاحت . افق کلمات لطیفه . و مطلع عبارات شریفه سندن منظور و معنی در
 بوستان چنانک آب روانی . و ما معنی چوقدر . همان عیبی اولد که اصحاب
 دولدن ظاهر و معنی چوقدر . بویر ایکلی اشعار و مطلع نامدار . اولی و سا حاکم انار
 صراطیله بری قوتی و اعطای لطف حق چوقدر . کچیلدرن اینشک زک انده قور قورق
 زلفه دکر کن ایلدرده ایدوب افبانه . صقیلمادی بو ستری طر حقد رشانه
 عجیبی قسه خون آلود اولوب هر دم کوزم یا . و فاک کورمدی غم کلمه بودمه باش
 بنق کو کلری مهر کلمه یاب یا پالمچه بانه . جفا سنگینی ای لبر وفا میدانه
 سال سر کرک باشند قشع باده کلر قشع . معنی اولفده بزم بلانک رند عیاش
مقاله ولایت آیدنجه الی شهر دیکله اشعار . بولان قشع نامدار . دندر علم اجتهاد
 باروی توفیق و سداد ایلد قائم . داعی تحقیق و اذعان ایلد تشبیه مانی عرف
 دائم اکین غریق بکار حیرت رکن . اولان مرصوم عرب زلفه دن ملازم اولمزر
 اول اصحاب سفینه دن س حل امانه جقوب خیال سلامته عاصم . اولمزر دندر اوقات
 و ساعته قطع دعاوی و خصوصیه معروف ایدن قضاة ستوده صرفات
 عدادندن معدود و معروف آید . و جالح اکین سه انشین و عین و سحر مایه ده

در این کتاب

قصه اسکندر ده توجیه سر منزل حیاتین پیچیده عنان اولوب عالم عقیبه روان او
 بوفتن دخی فی بحجه اقتداری و مرتبه قبوله وصول بولش شاری وارد بوشو آنکدر
 بوج پیله زنی دل دکلده دوت . کشته نکبانی صاغ اولوق در سر مایه دوت
 سینه مک اغن کور و بایتم ملامت کنی . کل کورای شیرین دهن طایفه طاشک کنی
 کور و بخاری یاجن جید کلک . کوزدن نرکک آویقوسنی اوچر کلک
مقاله ساغند کوز اولان غزایله قصبه و بر محله دندر . فرازنده راست مقال
 طازنده خلعت سحر صلال . نخل بند کستان غن . مرسله پوز حوران قضا . دیده دکل کج
 کل معار . و در زلف . ایدر و شن . غواصلای اشعار . اولمغین عثمان بکران عرفان
 آشنا . چشم خانیه باغ معرفت نرکس و انظار . و اشعار بوستان مقالیه سیاب انجام
 و باران نرکس طای و ناظر . طوطاق الفاظ ایلده غایت مفید . و قمر دکل منک نایب
 عبارات بلبله نوسن متبه در تجدد که اول سر و ملک بلا غنک شوی کمال مشکین
 و کلمات حالت بخشک جامی ریحی رفیق نرکس طوطشکین معین و ظهیری . اولمغین
 مانند سلمان دنلا و خندان . اولمشر و عمام تربیت و احسان اکابر واعیان
 بهمنه زار دل جانیه هرگز باران اولمشر . و اشعار انک کفاز نرند .
 یکمکه سن نقطه دمانه بوله بر ذره عجب . دلم بوفغ این سلطان سر پرده غیب
 بار دن نورسند و اعداد و ملاکات دین . شاگرد کلدن و لکین خار دن ریحین بوز
 حاصله جیکر کر بایر تعلیقن الی . سر و کبی کوشه غزلن دامن چین بوز
 اکر قلدی کم دمانک ایدیه ایله رو . با ششم الو ب عدم ملکینه دکل عزم این بوز
 نرک نقش اولوق مقالیه صلفه دال . روی یاری کور مک بشدن باغ دین بوز
 دامن همت درازا طلب کوماه دست . رتب اقبال عالی پایه ادبار پست
 صدق و ش اولما صد باره ظاهر . نثار اتمک اولوردی سوزده جواهر

اگر جلیل

اگر جلیل و لاسه ابر مو انع . ظهورم اولید کنش کبی ظاهر
 بن اول شایه بازها یونم جنم . مخفی شکام ایکن سر طایر
 جون اولدم کفر دادم جواد . شکست اینه دوران پرو بالم آخر
 دل و فجهول معلومیدرب . اکر امر غایت اکر امر حاض
 زلفکدن سندی که بر عین تن . مواض حسندی دتردی منظر تنک الی
 شکسته بال بن اول مرغ بی پروالم . که قادر اولمیه بی دانه بر دم آرامه
 طو توب بکینه صیاد ایلد آزاد . او داره دانه او جسدن نه دوشه دانه
 اخبار جفا اینه ده هم تک جفکدر . آخر بزی ده صاغ قومز اولدره جکدر
ملی نواحی توفات ندر . غایتن قلان و عیاشن می پست و او باشن ایدی که
 پیمان مثال کوشه میانه دن بر قدم طرزه جعفر . و خم می کبی خانه خماره کوب دو خوب
 س غمیری نئی اولمیه . اندن بیرون اولمندی . مدح شاه و شراب مدام سوزی
 و پیر لکی عالمند دخی س غمیر . مثال عینک و عصا . طو نرالی و کور کوزی کب کوچه
 معاف . خم مثال مکان ایدن ار با فسق و عصیان کیده . حقه اول زمانه سلطان
 جهان . اولان فاتح فسطاطیه موصوع سلطان محمد خان مرزوره هر مقدار سر و مان
 کلون دیو جام هم بیدیه دست توبه کونوب من بعد شراب شراب اینه دیو تنیه
 و ناکید شدید انجمنیدی . آخوالا مردف عرض خماره ریح عتیقن غیر بلعلاج قلندر
 و بو مقول امر افق عکله بدل بتخلل می ارغواندن اوز کشته اولمز دیو پست در دولا
 بن مریضن کبی کند ویه شراب ایل احتقان انجمن در عفا آتیه کج ذنوبه و ستر بفضل عیوب
 خمر کور و بن سوز درونم اوده یاند . شمع اغلد و غم کوردی با ششم قانه بونید
 کوکلم دوشه ای عشقنه دیر کور و میده دم . دو کدک میره قانومی بره دو کدک قانک
 زلفکدر رخک مصحف حسنکدن نکارا . تفسیری در آیت نوزیله دفاک

مغنی

و اشعار انکدر

مسئله جلی نامی محمد در واعظ و ناصح عابد و صالح جو فیض منیری انوار مجاهد
 در ریاضات ناباک و آینه طبع در اکثرین رنگ تعلقات عالم آب و خاک زرد و زرد
 اولان چهره کنای صور معانی لطیفه اسوة الواعظین بدرالکلیه ضایفه ناک فرزند کینه
 جناب بر عقل خودی هنوز خود سال و گلشن جهان نخل وجود پر جودی ناز نهال لیکن
 مرحوم مرقوم ریاضات انتقال و عالم قدس ارتحال ایندکن هفتاد و جوهر و زکاء
 بیکرده بی نماند اولان ذات فیدی صدف زمانه ده بردانه اولمغه نیم قلوب الکمال
 فی البیتیم فی اسی اوزر تفصیل فضل عظیم انتمیدی فی الواقع نور خورشید طالع بکی روشن طبع
 در که لولون هوا صدف ده بردانه اولمغه بر اعتبار اولوب کونش واره کوش اعظم و اکابر
 اولور و جوهریان دکان امکان بچن غایت مقبول قیمت دار اولوب جوهری و هم
 و خیال الکاتبین بر اینکدن عاجز و قاصر اولور بوستانده بر نال که بردانه اولور
 تربیت باغبان ایلد فی الحال کشیدن بالا اولوب اغصان و افغان مرفوعه سندن
 نمار لا مقطوعه و لا منوعه اولد کلو و از و مشکاثر اولور که دست منجید اجتناب و
 احتیاط فندن حایر و بائر اولور القصد ذات منجم کفکال و مستوجب لاجلای تحصیل علم
 و کمال و تکمیل انواع معارف و افضال ایلد سر بلند اولوب حسب العاده دانشمند اولور
 کلستان تعلیم و افاده سروا زاده اولان مولانا اعظم جامع العلوم و حکم بر اهل الدین
 زاده خدمت رنگ مدرس مدرسه سلطان سلیم خان لیکن مشرق خدمت عاده لری اولمغه
 ملازم اولور در اسباب سلوک طریق علم افاده و حاضر و بوستان وجودی رشحات
 سماب تربیت فاضل و اکابر ایلد بهی و ناخر لیکن دیوان سعادت ایوان سلطانین
 علما دانشوران هر فنده راسخ و ما هر ملوک اطراف و آن فندن استان حکام مطافه
 عبودیت نامه رکله کرده ترجمه ایدوب جواب صوابی انت و املایه قار بر ذات
 جمیل الکاتب و جوهر الکاتب ریب و تربیت دیوان علی و ارایش پنجه بارگاه معلی

اولمن دین و دولته امر مهم و لازم در بوجواب پر نکا ملری و زراعت و و کلا
 سابق طایق کتبت اولدیر مجداته هکلیک الکبیر زمان بسیارده اول در خطیرده اول
 دکل و دست برد و اقدار ابد و اطرار اینشدر که اعوام کثیره ده عشر عشری مقدور
 دکل ایدو که نور آفتاب کبی مخفی دستور دکلدر مدارج معانی به قدم قدم اعتلا اینکله
 و معارج عزت و علایه الحق الحق صعود ارتقا قلمغه امثال و اکف لرندن فایق
 اولی غی لامع و بارق در که افق جبیندن امتد مجد و معانی و کوبک سعادت اقبال
 هر بار طالع و شارق در و غنچه مثال سرتاج اصحاب جاه و جلال اولمغه سر بلند و سر فراز
 اولی محقق و مقدر در که فضل و کمال ایلد ایران و انالندن سر و سهی کبی کشیده بالا و ممتاز در
 مقدما عزیز مهر وزارت و مدبر امور ملک و ملت اولان سنان پاشانک تذکره جیسی اولوب
 حالا وزیر اعظم و مشیر افرم مسیح پاشا تذکره خد متنت اصحاب حاجات مرده لرن بر بوزله
 احباب ایدوب لوله اقلام لطافت فرجامندن دایما آب جواتی اجوا و زره در حقا که
 ذات شریف واجب کثر نفی فواید معارف و فضائل و قلائد صلا بیل حسن نیایل ایلد محاسن و زین
 زخار پر انوارین فی ثیل اقبال و دولت ضیا خورشید عالی منزلت کبی روشن معین در
 حدت ذکا و ادراکی و جولان عقل صلا کبی بر مرتبه ده در که پیر روشن ضمیر عقل دراک
 در بستان فهم و فطانت طفل لوح خوان و و هم دور اندیش مایده ضبط کم و بیشنده
 طفیل خوان اولشدر بوجه ایلد خواند درون فضایل موقوفه در و غرور و غرور و جوهر
 زو اهر نوادر و لطایف ایلد اولد کلو و ملو و مشحون در که مرتبه احاطه و هم و خیال
 بیرون در مجلس سبزه انطام مدبر معنی خاص و ناکر کلام سولینه هزار نظیر و مناسبت فی الحال
 تکرار ایدر و اخوان و یارانین بری زمین مشاعره و محاوره به بر کوه الفقا ایلد
 در حال نیچه جوهر بر اعتباری نثار و ایشار ایدر میدان عرفانه سنده دایمی القانی
 جولان ایندکن قفس بهلوان در که انکله دعوی مبارک ایلد و عرصه ذکا و فطنته

اسب جبار رفتاری فهم وادغانه سوار اولوب غم میدان ایندکه کیم فلا در آنکه مبارزه
 و محاشا اید صحت دکن و مصاحبت جانقواسی منزل ازاج و مرید ازاج حاصل کلام
 و نتیجه تکریر اقام اولدر که وجود شریفی جمله نو در ایامدن در پنجه دمد که بوتر کشم جان
 نفس مندر جهانن هوای مودت و محبت لیلان و نی شهو و اعوام در که طوطی
 جان و حمامه خاطر انحنان مشاعر باطن و ظاهر در که مناقب و نشر مفاخره و اللیل
 و پنجه زماندر که اول نجم رخسان عالم عرفانله بیدر مبار شقد و پنجه فضول در که عشقه خلوص جان
 شجره دل جاندر صر شقد و پنجه لیلایه و ایام در که علی التوالی والد و ام دست تصایف
 ادوار و جوکان نقایب روزگار ایله میدان جهانن کوی سلیطه اوتو
 کامی غنیر و عود کبی تشامتن سوزان اولدق و کاهی بریط و عود و شمال یافته
 دست امتهان اولدق هنگام بهار و ایام شتاه ساغ سرور و در و دیو بیله کورد
 حاصله بوانه کلنج بود هر پر شدت و قهول کرم و سر دین بیله کوردک بر آن اول روح روان
 جدا اولمز و بر لحظه اول آرام دل جاندر منارق اولغی رو کو رنرز لاجرم بوندن
 زیاده شاد مدح و ثنائی طبع و حلل منظوم و منشورله نرین انیک محض تکلف و بوندن ارتق
 قصر کا قدر اطراچ نقوش الوان کلمات کونا کون ایله نقش و ملون انیک عین تعجب
 اولمغین بو مقدار ایله اختصار اولدک مانند بجار زخار بی عدد و شمار اولان معارف
 بسیار بندن بری که نظم ابداد در اکاد فی کلای قنداری وار در بویا مدح و تعجب
 فی جمله تقید ایله اول فنون کرچکدن اشتیاق بولوب طبع مشک کف لاری غایبه نامدار اولد
 بوبر اکی انصار و حیات اول ذات سوده صفاتک بوجله تکریر و غنچون اختیار ایندکلی کلای غایت
 سوده ناز کا کل موی میان بی بیل ماه رولر آره سندن بتلی بشلوا اول کوزل
 کرا و لوسک وار دشمن کو بیک آرزو دل با شکست ایله ابا غم با قدم رنجین قل
 نور سکه اولدی بدن باد ایله آوده نماز قلمغ اصلا صلا حسنر بوقدر

وصف محبت

ایله

مقصودم

مقصودم اچون غم سه تو مثل قدم دقت و ونو صبر سکره تا مثل قدم
 کوردم که چنانکه سنگ جملی بر ای بار خدای که نوکل قدم
 کو کل مجنون اولور زلف غیر ناک که پنجه کوزم بر خون اولور لعل لب بر جانک که پنجه
 عجب انشایر بلبل دل خار سبزه کل رخسار کیده غنچه خندانک که پنجه
 کم ایله کند و سرج اچار سویخت غم اوسوق دلکشاده ای پری دکانک که پنجه
 فاموش تیرین مردن غایب در غم افندم عین دشنام ایله بن لالاک که پنجه
 لب جان بخشکی یاد آتسه کند بدن کیم نمل حیانتدن لن بو چشمه حیوانک که پنجه
 بغش لعل عشقه عسم سر مد دمانندن دو کرد اول سر آمد
 سر شکر غرق قلم فرشت جامی ایدوب دلا جانانده حاتم دوشه محکیم
 اشکم آهسته آهسته سو بوباران اولدی اول ای کوردی بی پایان
 سالیانله نیشی زلف که کرچه غیر عیده لیکن سالیانه بوقدرای نهم منیر
 غره اولمه دولته بی اولور سر عجب پادشاهیم بیرون اولورین عجب
مؤمن پر زین دیکله شیره زمان و زمین اولان قصه بی عدیل و قین دندر
 نهاری دیکله شیره ایام و مشهورانام اولان عربناک شاخ وجود نک بهار
 و حاصل بوستان حیات اولان فرزند بدیع الایام و عجب الاطوار در نامی غنچون
 اولمغله مخلص بر مور مشیدی بود فی فنون جوتندن ایدو کی ظاهر دبار
 والد علی الشان مزبور ایله مرحبا افندین شریک اولمغله اوضاع عجیبه و احوال لیکینه
 اطلای علی اولمغین عجایب و غرائبی روایت و حکایت بویر لیدی جمله دن
 کند و یه خواجه حافظ شیرازی و مولانا عسدر الحق حاجی کبی جمله شوا سلفدن
 اولمغه اعتقادی و آرایه و قصه حنوره شهر زین دیوب و کند و بی مدح
 و اطرا ایندکین دایما بویتی و قیوب هر بار درد در و لک کرار و او قد فی زبار

در

وزارنجی و اصل چرخ دوار ایدرد. بوبیت بنی افریدیو یاقه سن چاک و دیده ننگ
خوش کرامت اهل سن مومن ملیدک ننگ. شهر زبندن جی سن خوشه خاسندن
و بردخی بوابدی که هر کجی اول شبیدن زمان غشاید دکن دیوان شاعرخی اولندن اخرون
دکن اوقوب بلاشبیه مواظبت اورادکی ترک اکت محال اید. وبری دخی اول ایدی که
زعیمه پادشاه زاده کچنوب جدم کفره بکلی اچره مشهور و اول قوم شوم و منفور
میانده ساخور دیکله مذکور در اید. حقه شهنشاه بکچن ساخور نامه دیشدر
نه نیزه اردکجه هر مه شال. سویندی قسیدیل عمر حال
بو معایله دایکاه اولوب سلطنت امینه سندن اید. استاد لرینه غایده بغض و
عداوت اوزره اولوب. پادشاه اولسم جمله سنی قتل ایدردم دیر اید. بردفعه یاراند
برسی یا شیر کاکج دخی اولدر رمیدکن یککن انری قتل پادشاه اولوق نه حاجت
دیر اید. مرحوم سعدی افندی به منته ایکن دانشمند اولوب. سرائی سعادت سرائی
باله جیلر خواجه سی اولوب. اندن دخی فراغت اید. منتردی کوشه قناعت اولد فککن
خافه عکرادن دفعه یومی فرق ایلد مدرسه طلباید. آخونرادنه واسل
و مطلب و مرامی محصل اولمچن زوایدن آله انچه علوفه ایلد قناعت قایل اولدی
دستاری چو کین و ناپاک. و لباس ملوث و ویشاک. زولیده موی ناشسته
روی الی ابریق طهارت یا بشماش. و یوزی کوزلی غسال و ضویر الشماش
رهبان اولمغه قریب. بر شخص عجب ایدی. بر عمارتکاشه ذمتده بوبیتی دیشدر
برنجی ننگ صور رسک دانه سین. سکر مک معجزه بونقی کرامت
مهری طایفه زماندن نظم و شعردن دم زمان اولمردن ز زمانه عالم کن
و ملاحک پهری. و سپهر شیوه و نازک نایب مهری غره غرا مطلع حبیب زبانه سما
و اما اتنا نیت لایتم سر عار. و لا التذکیر فخر لاله لال

صفت جمله بوبیت اولمرد

مهری خاتون

خوای اوزره دست مریم بکفری نخدر طلب بلاغت. اهتزاز ویرکله بر مقفی نه
علیک طلبا جنت. لطایف و قوا که ظرافتی اقطاف واجبتا. اید و عرایس کار و عافیتی
خجده نفر قند کتور مک سر ایدره خارنده اکار افکار منظم هر و غلام سنی کلشن اشعار
بر ایهامندن متعارف اید. اگر چه زمانه شعرا و ظرافت صحت و الفت و مهر و محبت. اوزره
اولورمش لکن بیه خنومک معربنه دست احابنا امیرش و سر ایدره عصمت و عفتنه
ناحرم حوام کبرمش در بوشعار انکدر. آتش غمزه کباب اولدی جکر دونه دونه
کو طره جقدی دخیلده نر دونه دونه. جان جانباز که کور لعلکه ابر سنمکچون
ربمان سر زلفندن اینر دونه دونه. خاکیا بوکه بوزک سورمک اچون کس و غیر
سر کو یکله کور شام و سحر دونه دونه. اسکندر نام برد لبر سیمانه امه کت اید طکر نه موی
بنی اسکندر ی علم زلالی. صوبه ایلندی و صومر کتور. و مر نور حقیقه بوخلج بدلیشدر
خوابدن اچدم کوزم ناکاه قالدیم سر. قشومه کوردم طورر بر ماه چهره دهر
طالع سعد اولدی اچود قدره ایدرم غالب. کم خجلم اچره کوردم کیم طوشش مشرب
نور افر کوردم جمالندن اگر چه ظاهر. کند و سی بکیز مسلمانه لباس کافیه
کوزم اچوب بونجه اولدی چشم بختان. شوید تشخیص ایدرم کم بامکدر ربیب
ایردی چون آجیات مهری اولر حشره. کوردی چون شب ظلمتند اولر اچیکند
بن او مردم که بکار وفادار اوکن. کیم بلور دیکه سنه بویه جفا کار اوکن
سنگ کلزار چنانک کل نورسته بی سن. نر و اولم که هر خار خسه یار اوکن
بد دعا اتمزین اما که خداون دلرن. بر سنگ کبی جفا کاره هوادار اوکن
شدی بر حالده بوز کیم ایلن دمننه. دیر که مهری کبی سنده سیه کار اوکن
مهر زانم خدم صدق و دومان سید شریف جو جانیدن بر در کرانایه و دوحه
سیادت و نهال سعادتین بر شاخ بلند سایه طازنق خلعت فضل و کمال. وارنده

رایت سعادت و اقبال که استین عصای بی طراز نسب عظامی ایل طرز و معاطف لکس
 وجود پر جودی محاسن صفات نامهور واکارم خصایل معدود ایل معزوز اولوب
 قهر کاکه مقتدری بلند است حکم الرجب اهل البیت اراشتی ایل برترین و محلی و عاظمه افراد
 و احاد شریفین نظم حال فرخنده مال الا المودة فی القربی اولغله ممتاز و مستثنی
 اولان طایفه ناصیه السیاده خرقه جبهه السعاده ان عین الامانه عین ان الکرامه نوحه
 فتوت نور صدف مروت قوام ملک نقابت نقیب الا قدر **مصرع** که شد بنام معاصی منشعالی
 طایفه الاشراف دیار روم اولان جامع الفنون و العلوم خدمت میرزا محمدوم در که نامشیر فکری
 معین الدین شرفدر بدر بزرگوار لری سیادت ابوانک طاق عاظمی مکارم اخلاق ایل
 شرفه آفاق اولان میرعباسی اولوب والده ماجده لری طرشدن جبهه جلدی لری طرشدن
 فضل دوران کریم عثمان زمان حاکم حکم فضل و عرفان اولان مولانا قاضی جهان و بر طرفین
 دخی سید عاقل و شریف بر شرف نتیجه مقدمات آیام شهور و علم دار دنیا اولان مولانا
 نجف الدین منصور در دیار عجم خاندان شریفیه اهل سنت و جماعتین اولدوغی صفار
 و کبار میاست بر اشتهار اولوب حال لری اهل بقی ضلاله قایل اخفاء و اسرار دیکه
 بهما خلعت برزیت جلالت و سطوت و دیبای زیبای مهابت و شوکت قامت سعادت
 و خلعتیه جبت و جلال اولغله دامن مذهب مذهب لری خاتون فضل اهل شرفه چاک اولم
 طاهاس خاتون زمانده حال لری بومنوال اورزه جبار و شاد بر اکر که اظهار اعلام اسلام
 احتجاب و اختفاه فی محله توار اوشیده بعج اول از مره باغیه و خرقة طایفه
 مذهب اهل سنت ایل متدین اوکو کخرج اکی من کتیت فحواسی اورزه اولاد شاه نکبت
 بنابرین سعادت موقی تاج پراتناج شهن ایل متدین اولان شایسته تاج کامران
 شاه اسمعیل تاج شاه طاهاس بعین برینه شاه ایران زمین اظهار شعار اسلام و ایمان
 ایل رایت بدیع الایه مذهب اهل سنت و اصل فرق فرقان انجیل لری اول اول جلدن

اعلام انتقام اهل اسلام اول فقه لیاک دست نکبت انجیل مدرن ایتوا زده و مهر
 کین عذر و صفاده مکین اولوب زمان فرصتی انهار زده ایدی آخر سرداری اولان
 فوق اشرار بری بر لری افاد و افلال ایدوب دماغ لری تو بلات شیطانی ایل
 پراختلال اولدوق منلار قومک قصارای هفت و اقصای نفعی مذهب شیعیه بی مهر
 و محبت کبی عالمین کوروب مانند عنقا سمانه معدوم انیکدر دیوشه مر نوره لجوم
 ایتدکن خواه ناخواه یوسف مثال جوم و کنه دالطالمان کبی نکت تاریک بر جبه
 حاکماه اچکچ بر ایتد شردر چونکه یوسف مثال نیز مصر سعادت و اقبال اولم مقرر اید
 بر ایکی کون مجبوس زندان ملال اولسه نه غم و آفتاب واریری اوج سپهر برین
 اولق مقدر اید بر زمان زمین مجتنب کین اولسه نه عجب و افکار افکار عالم تاب
 شب و جوردن جینی عالمی پر نور ایتد و بدر دلفوز و قعه محاق جانوزده اوغری
 کمال و ظهور بولمز لعل خفا و باقوت ران پی زمان اندوچ جس و زندان کانه
 چکینی خاتم مثال دستبوس سلاطین ایل عالمی زیر نگیننه المنز و لایه مثال پی آیام و کیا
 ضد و قصدی جبر ضیق و عثمان ناپید اکران و عیق و تلخی دهر و شوری دریای
 طعنه عقد احواله حسن انتظام کلز بعج اول شاه سعید دست ظالمان عنیده شهید
 اولوب اول شاه سعادت شان جام حمای دست لیامدن جهان کوسفند جان بختند
 اسلام و ایمان بولنده قربان ایتدکن اشاء قراتن که اول قوم بر ضلالا سحاب
 عذاب کبی بریره کلوب متر اکم اولمشیدی و باد اعوا و افالیه موج فتن مستلطم
 بر حاله جسدن خلاص اولدوق اول بارده مجال قرار اولمیح موسی و ارفاعت
 غداردن خایفا یترقب قرار ایدوب مدین روم لطافت مرسوم اولمش لری
 سنده اربع و غمانین و شمع مایه ده روی مال سن سلطان فلک مکین ایدوب مقامی
 آفتاب عالم تاب کبی اوج سپهر برین اولدوق مولانا احمد فروغی نک و طیفه سی که

اولمشیدی

یوم الشمس اقمه در تعین او نشیدی. منت خدای که بایان کلاویا. از غنچه کوفی بر در آن افتاد
 بعن ذات باجد لیکمی مستحج انواع مفاخر و محامد و اسباب مجد و معالین مالک طریف
 و نالدر مفتی و قاضی آمد اولد قدر کهن در التکام بغداد حکومت ذات عدالت کماله
 باغ داد اولوب غنچه قضا مشهورین اول باغ بقیصون قصر بر سر در کبی زب و زین
 و در ب اندن قضا طرا بوشام خاکبوس ستم بر احترامی ایله کب احتشام ایله. بعن
 قضا حرمین محرمین ایله تحصیل سعادت دارین ایدوب اولد بای جلیل الاعبار ک
 صفار و کباری مظهر الطاف و اعطاف بشماری اولوب معلولان اوده برینه نقیب الاشراف
 دیار روم اوکو منصب جلیل نقابت تشریف ذات عاکت بقیتلری ایله کب شرف تازه و تحصیل
 نصارت و نزاهت بی اندازه ایله. بومد عایه موافق شاد صلاح قدر که سینه ثلثه تعین
 و تسع مایه ده قضا باریان ایله حال زمین و زمان بر مرتبه و از رشیدی که هر جبال اصغر
 نوده اغیر اولوب سبزه زار لر درن جریان ایدن تراب عین سرب اولوب حدایت
 و ب تین زمت آیین ده اولان حضرات و ریاضت محض تراب اولمشیدی
 خلق جهان دشت کر بلا ده اولان تشنگان کبی براب و بلا اولوب دایما اشتری
 آه وادیا اولمشیدی حسن و ملاحق بر اجم صوا اولان دلبران کلر و دجوری و شان
 سبیل مو بر اجم صوا چون میانرین اولان جنج ابداره دوشیدلر سیاح عوال قله جبال
 فلک مثلدن المکله انده مادن انرا اولد و غنچه استدلال ایدوب بوسود ایله خلق جهان
 همچون مثال طعلا ره دوشیدلر مسکین زینک جای حلقوم کلوب دم آخوذا ایکن بی جی
 زمانه کور که پیشه ابرایله اغیز بر قطره صو طلمر خاک در دنا گل حمله مالک با یونب محتاج
 و بیل اولمشکن خست دورا خه کور که اگر بر حبه صحر تیزی اصحا قصر خورق رونق
 مظهر حال فاصح بیک کفیه علی مانع اولوب و تب اولمشیدی ان اصبح ماء کم غورا
 فحوا سی روشن و انکار اولد هر چند صفار و کبار استغفار استمطار ایچون

انصاف
 سانه

کرم

کرم غفاره دست مسالت و فراغ غریبی کثوده ایدوب روی مید و رجای خاک مذلت
 و افتقار سوده ایدیلر برسی سودمند اولوب تیرد عاری هدف اجابته و اصل اولد
 اگر چه سیاح دیده لرذن باران سرشکی ریزان ایدیلر لکن نبات نبات مرام حال اولد
 اول انشاده جاب عا دولت محمد و فی نقیب الاشراف اولوب مکه مشرفدن دار السلطنه العلیه
 داخل و باران رحمت کبی حبه شهر مزبوره نازل اولمشیدی عا شرف ایله سر و باره
 استغفار روان اولوب آه آشن و ناله خون ایله دل آسمایه نرم ایدوب کوزدن
 بسم سرشکی نثار ایدیلر اولد لبر سرش غداره بر مقدار ملائک کلک خدمت ایچون باد صبا
 تنک و پوده و سیاح دفع شکر ایچون رایه کیرد قطرات بجاری سوبوحت و جو
 اولد. هانا آسمان اولد قاضی فضل و عفا خه خاکه پایمال اولد و غنچ کور یک
 طور میوب فریاد و وادیا بشلیدی و یا خود اولکل کنخی و غن کرک صدق دیده
 بود کلولای آبار و جواهر نامدار کنار اولد و غن کور یکج اختیار هر طرفدن
 بنمایه بشلیدی لیکه آسمان حق القدوم کمر دانه ذابین نثار ایدوب اولذات بزرگوار
 نیست باران این که می بار در امر تو بار می کشند از بهر شریف ملائک در نثار
 آسمانک قلی شدن کل که اول نور دین رسولک چشم کوه اندوزندن بود کلور کوریه
 کلور سوزن کوروب در دله کربان اولمیه اولد کلور کلور که اول کلور کوشه تنوکل ناله
 افق کوروب نالان اولمیه خدمت والد علی شان قیامی شام شرق ایام ایکن سینه
 نلت و سبعین و تسع مایه ده حجت بت اکرام و رویال ستم مدح اکرام حق خیر الام
 نیستی ایله شهر شام روی مهوش نده اولان شایه کبی لطف و ملاحق و افق بلخ مزبوره
 روی خورشید انار کله حیرت صاحب ویرد کلر خدمت عا انک منظور انظار
 لطف فرا وایه اولوب قدوم مرت رسولینی عین سعادت بیکر ایدوب و اول بهای
 اوج رفعتی کوکن استر ایکن برده بولق دیو پیبرده سبخ شکر قلوب و ایض و

سندن
 باریان ایله

واجبات رعایت کنی دل جان باقی است فلش را بدی اول زماندن بر دارا زده عقیق
 اخوت و محالست محکم بلکه خدمت کا منتر لری دیار در ملن مبادت اید و با حجاب
 دیرینه دن چکد کج اول عقیق دخی مستحکم اولش ایدی ذکر فضایل علیه لرنن کثر بر رقام
 و کمر یک قلام باب اظهار و اعلام ده نه ابراث ایده که ریافت اصناف علوم و شمول انواع
 فنون و رسوم اول مخدوم سعادت مرسوم میر اندر عقیق ارباب فضل و کمال اول قدرنی انبات
 اچون تکثیر مقال اید استدلال نه لازم که نور مبین علم یقین جبین سعادت قرینینه
 پدر بر اجلا لکندن انتقال یکن در مدح و ثنا لرنن بویت که بشا اید که پدر در اول ذات
 احمک عقل اول ولد و غنی مقامات عقلیه و نقلیه قطعیه اید مبرهج متدل در که انرا مبداء
 فیوضات عینییه پس عقل صای عشر در نقابترینه فضا و فر غنطنیه ضمیمه اولو التفاسطانی
 اید معبوطا مثال اوانی اولنگن مضطربا عودن والرح می انتقال اید یک بود یارده
 طور معجبال اولوب تلون طبع مقتضای اوزره قضا مزبوری ترک اید و مکه مشرقه
 قضایه اید اول ماکن شریفه رحلت اید بو انا که عجایب اوضاع و غرائب الطواری
 ظاهر و باهر اولندر بود کلو کمال و فضایلدن فضل لطیف اشعار و محبوب و مرغوب
 کفار بلاغت اشعار مرتب و مکمل دیوان مصنع و مجمل کمال فاضل حن عنوانی و اردر بویکی
 اشعار اول مخدوم جمله عالم و صاحب فضل و کرم منبع علوم خوارنیک انا کلک عمار و ریحات
 صبر گستاخانه با در غصه دل می بخت شکنه ناز تو میخواهم سزای او دهند
 ندانم که در جانم افکند آتش **نظم** ز من هم نهانت رازی که دارم
 بطاعت حاصله توان چنین **نظم** ز من وقت هست نیازی که دارم
 گفته که عاشقان هر جان تو بایتم کرد اشرف در خاک و خون غلطنیه بر جان
 بشناپ چو دارا هوش کنن اشرف ترسم که خبر باید و از ذوق میسر
میری قصه اسبانه دندز سر حلقه سلسله اخبار و ابرار و صدق پر شرفی لای نامدار

علم مدار و کرامت اید

و در غر پر غبار اولان جد بزرگوار در اول ذات پرتیا یک نام نامی امرانه در حقا که
 بو عثمان جهانده بود کلو لاله نان بر صدق و عیان اولق هرگز واقع اولندر و بود
 اینه مجد و معالی که هر بری امانی فضل و کمال در بر مطلقدن نمایان و لامع اولندر
 قطره نطفه سنن نه حالت وار در که هر بری بر یکز اخر و کجا و شجر طیب
 وجودنن نه کرامت وار در که هر غنشدن بر خال فضل و کمال ظاهر و بیدار اولندر
 بخرج منها النولو و کجانی ماصدق دل و جانیه کشف طیبیه اصلها بابت و عرفانی
 صفت حال اولاد فضایلنن نه در اول منبع علم و همدن منبعث و اول سجا کجانی بدن
 مشکب اولان جفر انک بعضیسی بوجه ده کبر و نظیر اولندر بچین نام قضیه ده خادم
 شرح سید الانام ایمن و کان امرانه قدر امقدور فحواشی روشن و اشکار اولوب
 یا اینها النفس المطمئنة ارجع خطاب و حرمانه اطاعت و اذعان ایدوب فاضلی حشیه
 امر بده سنج و ستین و شمع مایه ده عارنم دار جان اوکد فرزند ارجندی فضایل ناب
 مسلم افندی که سادس شهر شوال لفظن تاریخ انتقال دار حال انجند مرتب و مکمل
 دیوانی مصنع و مجمل بیابلاغت عنوانی و اردر بخانه اید معاصر المعین الکثر غنی اول
 طرزه اولوب مزبورک غزلیاتنه نظایر دوشندر بو اشعار انک در
 اعضا مک و فتون کلک سنگ نکلنا تا ویریه دندان سک دلبره زحمت
 مددای شوخ غمزه کارمدد جانب ابدی غمزه کارمدد
 امرنه کور و ب سرخ پلاون امرانک خون جگری یک اثر بیدر فقرانک
 عاشق قلین کور یکد لبر لری غنن بوعنه که خسته دل کور بهشی بر غن
 زلفک خمینی کوردم رخسار کوزده غننم طفل حشش بر شش کلده سنه دن قوجان
میری ماباری دیار جعدن مرز بوم دیار رومه قدم بهان طایفه اعجاز مک بکلن
 بکج میر دیکل شرت پذیر اولندر خلق حکیم ایدوب کجمر زاده دیر لای کجی موکود

شبه خست آب. محروبه برو. در غایت مراسم تحصیل کماله قایم و دائم اولاد و کماله مرحوم
 حسن بیک فزنی که منظور نظر کام و مراحم اولوب جناب شریفین ملانم. اولاد
 طایفه خا طافضیت معارفی دلتنگ و ملول در نه ده دار کثرت مدرسه سن مؤول
 متوقدر که عن قرب بایه ارتقا بله کن مراد و مموله موصول اولاد حقا که اولاد جناب علی ان
 و جلی البرهانک آینه ضمیر خورشید توبی معقل فضل عزیز و علم کثیر ایلد مصطفی
 صیغ جواد قلبی بنای ارقام لطایف جلال ایلد موشخ و اعناق دل به نظیر و بینای
 قلاب معارف و فضایل ایلد مزین و مجمل در اوضاع و اطواری میرانه و سپاهیان حیدر
 ایلد مقید اولوب فرسوخ نامدار محمد عصار که محو و شتری سن ترجمه ایدو بلا زیاده
 و الانقص ترجمه ایوب کتاب مزوره سنه زیاده ایلد دم دیو افتخار ایدر راد فرس
 معاده دخی جوق کوشش و طبع مشک کثی بو وادین خیلی در زرش ایوب معارفی کماله
 نامدار مقبول مدوح صفار و کبار اولاد بر بویا کی معیات و اشعار اولاد استوده
 صفانک گفتا رندندر بو جملده یحسین و انجمن ارسال التمشدر

کوکل کوی سکار که کجی آید هواند. محال اول مشرب به چک آوارانک هواند
 کور چشم سیاهن شکلاهی کوشندن بر. ایکی شاهیندر کوزلر شکا رینی بو اند
 برزغ قلک یازدق با کلدق دو کجی ایل. شکات ایلدک یاره رقیبک بدلقانند
 ویریدی کور که و صیقل معن بر نظم دلبر. نه کلو اوله چندی انک میری بهاسند
 دوشه مشدی بوله صولر مرمر. کیمجه مزدی طایغمردن صرصر
 در ریدی جبال او مر قسوق. جوخ سنجایه کیمشدی و شوق
 جوخ و شوق و نمکه ایدردی هجوم. اوله ده پیری نقطه موموم
 صیو بویب اینه بیکه آهنگ. سایه سینی کیمشدی برزنگ
 میلی جناب ایالت نصاب سعادت قباب مقننای اینه دین دار سلطان علیا فضا بل

منقح زیاده

قبله ارباب علم و عمل کعبه صنادید اصحاب شمع غمگین و استیلا کجری مولانا
 ابو محمود اسکندانه دار کلود خیر لرنیک و زندی اولان محمد صلی فیضی در
 والد ماجد لرنیک ایام حیاتین مدرس معانی آیات اولوب مرات قلب پیر خاستن
 علیکم بالثم صورته ارتسام بولوق فضا نام شرف انعام ایلد مقصود المرام اولوب
 نیمه ایام اول بلوق پرا خرامین خدام شرع سید الانام اولدق کوره مؤول اولوب
 بعوض فضا صلب شهاب ایلد کام رواد اولوب ساغر حصول آمال مجلس حال و انجمن جوان
 کردان و غنچه خا طری شبنم سرور و اف ایلد بهی و خندان ایکن محبت حیاندن
 گرفته دل او یقین مجلس این عالم قدسه مایل اولوب و بطوف علیهم و لدن مخندون
 سافیلندن لایفه غول و لاهم برفون حقیقی نوش انجمن ایلدی ترک
 اکثری صحتی شوای ایام و طافه و اعجام ایلد لغین سبک معارفی میزان اعتبار ده
 تمام و کمالات جوئی ده خیلی صاحب شهرت و نام ایدی حسن خط نام میل
 اولوب سجد قطع لر جمع ایدوب نیمه مرقطر دوزد و رب سرمایه عمر و زنده کاپی
 و نشود نامعدود و اموال بکیرانی اکا صرف اتمشیدی زبان فارسی اولان اشعار
 خیلی عجمانه و استادانه در بویا کی اشعار اول محمد و م نامدار کدر
 ترا ای نوش لیکام دل و جان متوان گفتن بجان بخشی لب را آب حیوان متوان گفتن
 به آیین و فابستی مابنر با خیالت این چنین نازک خیالی که توان سنن محالست این
 ای در دلت باهل و فاجور و کین همه چشمیت بنار هرن مردان دین همه
 مرحوم مرقوم بو مطلع دیدک اولان مانع اولان عثمان متبع اتمشیدی والد
 علی ان بن بو مطلع لانت تنانر جمله سندن کوی باقی بوده اتمشدر اول مطلع بود
 ددین میرد ز خلق با ثوب و کین همه فوسند هم نمیشود آن مه بدین همه
 بسی نتاج دیبای زیبای کلام اولان قلام سکن ارقام تار و بود و قایم خود

عالم فانی

برکت از فیضی

موال مقال ایلدنج ایلدکن ونویسنش احوال اطوار اولان خاتمہ غرائب کمار
 بوجله ده اوصاف حضرت معالی کرداری نینج ایلدکن صدارت اناطولیده مؤوال اولان
 جامع معقول و معقول ذات جمیع فعال و حضرت ستوده اوصاف و فضائل سابق
 میدان فضل و کمال صدرین مجامع مکام و افضال و طراحم و اشتاق و مزیت
 استیمال و استحقاق قمار کلشن علوم و معارف و بوسنان کمال و لطایف مانند
 سر و سرراز طبع بلندی قلعه قاف حقایق و هوای فضایی و قایقن همار و از اولو
 رخسار مبارک کنجی یل دولت نور آفتاب عالی منزلت کبی روشن مبتین میدان فضل و غنائ
 امثال و اقواندن مرید با بقی اولدوشی تحریرات لطیفه و مؤلفات شریفه سی کبی
 دلائل قاطعه و براهین طوعه ایلد مدلل و مبهرین اولان زکریا افندی خدیو تبریز
 انقرون نام قصیده بر اقامتندرا اولاد اذیال اشتغال و دامن تحصیل فضل و کمال لادن
 دست موانع و غار علایق منقطع و شرابط و علل اسفاد ذات معانی دلدن
 با سر با جمیع اولوب طریق علمه سکوک بورد قلمین صور مزایای علومه طبع فضائل
 مرسوم احسن مراتب و معلول فضائل و کماله ذات ستوده صفات عله غائی
 اولان مخرات دای منبع تعالی معلول افندیک اناطولی قاضی کرمی ایلد کرمی
 خدمتندن ملازمی اوکو منظور انظار عنایت و کارجی او شکر در عین مراتب علمیه
 و فاضل سنیته به اعتلا و ارتقا ایدوب نیجه دفعه سیکه فضل و صفات محکم اعتبار
 و امتیاز نر خالص عبار ایدوب کی ظاهر و واضح و دفعا له عند الامین بکرم کرام
 او بران میدانن امثال و اقواندن سابق و راجع ایدوب کی طبع و لاج اولوب
 بود اسطه عظیم ایلد مدرسه علی پاشای عتیق محل اداره حقیق تدقیق و تحقیق
 ایشیدی بعون ادرنده اوج شرفه مدرسه سی یلایم دن اولوب شریف صحن
 نماینده ایلد پرنیان اولدقد مکره افتخار آغشان صاحب قان زمان کا سرتاج

ایل بی و عدوان اولان مرحوم سلطان سلیم خان مدرسه سن مشغل مدارسه
 علم و ادب ایلکن قاضی مدینه طلب او شریعی اگرچه اخوان زماندن بعضی صاحب
 وعدوان بریره جمع اولوب بر فوای و القوه فی غایه لکبت یوسف طاه و غزنی
 چاه مذله القا ایلد اقام ایدوب قضا نور بدن جانب فضائل موفور لرینی عزل
 ایلد کجبت کلمه هر مقصده کرام اولد لکن غایت ج غایت سبحانی و هدایت بی نهایت
 رحمانی ایلد غریز صلات و جاه زلیخای اقبال اگر چه منواه دیوب جوق مدت کچمین
 غریز مصر عت و ملک ملک قعت اولوب برده حوسه به قاضی و حاکم اولد لیر
 مدینه مزبوره ده اظهار شعائر و معامله دایم و خدمت دین اسلام جان دلدن
 علی الدوام قائم ایلکن ارباب ددن جاد طغیان استخوان شیطان ایلد متدرج لایس
 عصیان اولوب حبس استیج ایلدین مقدمات مکر و تکلیف مشغول و مغر جناب
 سکا مشمول قضا مزبور دن مؤول ایلد رد لکن بو حال دین چشم اعتبار لریری کور
 اولدیکه آفتاب اوج دولت کرد قضا ایلد مستور اولد و نیر آسمان اقبال جا وید توش
 ابرائیل ایلد ایدید اولوب مواهب تقدیری موجب تدبیر ایلد رد قله و ابواب
 الطاف ملک جنیری دست خدای و نزویر ایلد سدایده لر
 سحر و عون به نیر نک خیالی چکند چون کلم از چه اعجاز عصار بر کرد
 بحداده تک اعدای بزرها کن حاسم استقامت معارعه سپهر انما ملرندن خشنه
 اولوب قوت بازوی سعادت لردن سر نیجه خصوم پیچید و جلد شک کشف وار
 سز نکبت مدار ک کشید اولوب بعون الله الملک الوهاب آفتاب عالمی بولکری
 عقده کوفدن خلاص بولوشام مخنی صبح سعادت مبدل و قافله امانی و راجله
 امانی ره آلام و ممالدن طریق اقبال اجلاله تحول اولوب قسطنطنیه حتمه ده حاکم
 و فاضل امور شرعیه اولدقد مکره ذات خورشید انارته متور یوان دیوان صدارت اولد

معدن غرائب

معدن کیمیت اعلا

هر شادی که چون زانوقت کرده بود . انرا بیک لطیفه قضا کرد روزگار
 محتاج بود ملک پیرایه چنین . آخر مراد ملک ادا کرد روزگار
 ۲ الواقع نور آفتاب کمی روشن طالع . در که اول ذات است و صفات فی کل آن حسین
 خدمت دین بسند کوشش بشمار ایلیم حکم . ضمان علی الاقبال انت طالب منور آمل
 طوای سعادت پیرای صدرت ایل معنون اوله سزا و احق در . و اول احباب عاقلند که
 علی الدوام کند و خواب خوردی حوام ایلوب میدان کثیر دلائل و مضامین و توفیر
 کیت خامه سنده مدام حوام ویره بموجب . و حتم علی الایام انک غالب سپاه رها
 فوادی طلعه مرام و مراده تلقی اتمه مؤثر و محقق در کتاب هدایه به هدایت ربانی
 و غایت سبحانی ایل بر شرح کثیر انشدر که غایت مقبول و محبوب و نهایت پسندین
 و خود بر سز و متقدمه احکام بشین کمی منو . فتمند و شرح لقا و تعلیق
 و صد کثیر تعیه حاشیه . و شرح کواشفه و فی تعلیق لطیفه که هر فن پنجه سیل شریف
 وار در هر بری مقبول ارباب انظار . اولوب افاضل روزگار و مستطیع شهاب
 مبادی ایام صبا کن ای یومنها ذره مثال خاک برداشته آفتاب غایت عطف فکر
 و مانند شاخ ضعیف بنیه پرورده ابر افکری اولوب صدق خاطر فائز و بیان
 و احسنی باران و غنچه باطن ظاهر داعی اخلاص ظاهر شبنم کرم چکر انزلیه ناصر
 و خندان در لاجرم بواندیش و بخواهیم و بخواهیم خاطر فائزده جای کبر و شیدی که
 اول حضرت والا ربینک بکرم شکر انعم واجب و تحتم جواب و حایل غفلت دین که تقاب
 شکر بی ب تکل با رستن حائز و بایر و و صفای پاس به قیاس ذکر شده و لمند
 عاجز و قاصر در هزار ده یک و بسیار دین اندک بی بیان و عیان قلم
 نشا و اندر آیم بخوانندگان . مفرح رسام بدانندگان
 سرده دلا نرا بر آرم بکار . غم آلودگان ترا شوم غمگار

وصف خلوص

امثال

اما نوات جلیل و کرم که خوف فی وجودهم خضره النعم فوای و زنده انوار
 مجد رفیع جبین بسند لامع . و اول حضرت پرکرم وجود که سیاهم فی وجودهم
 من انتر السجود . مستغنی انار برزگوار . رخسار پرا نوار بدن طالع در توفیر
 و توصیف نغین و مرغ و اطرادن مانند نوزد کای نیاز و مستغنی
 سخن بدم نوار استن غرض نیست . که نزد اهل هجر رونق بود مارا
 و کره منقبت آفتاب معلومت . چه حاجت بنظر روی زیبارا
 سایر فضائیل فضل عربی و فارسی و ترکی اشعار . و بوفند طبع بلند لریک نهانیده
 اقتداری وار در بوبر الکی اشعار . اول ذات فضائل شاکر یا کاکر فکر و انظار
 پراعتباری و در سخات سیاه کلک تباری . و قطرات زخار خاطر برزگوار
 لعل که قند او کینور مشقه که سر و چین . دادی دایه وار میدر با تبه ای کرنگ
 بولم جان ویرنه و سلم درج اتم دیش . که بوعهدینه و فایر به جانان نشین
 اتمدی هرگز دل سکین شیرینه اثر . طاشه باشه طاشه اوردی که چه کوکین
 لعل شیرینک در در ایش غنچه فم . طوطی کویا که اغرنینه بود را بختی روشن
 کوشه غنچه یکه بکوب دوشه باران . میل سس غنچه بولر توبه کار و لوق ندان
 کلشنه غرض حال استی به محبوب . خجسته ن بره کجی کور و بانچه صور
 کینج حسینه نیال ایره اول کبر . از دما کرد در انچه بکلر یکی کسولر
 عرصه حین ملاحظه سر آمد در . کاکل بار اول یکی سیاه ابر و لر
 بولطافله کور و عارض باری . کلشن بچم سکه جک بر کار ابر و لر
 لکیرین اغیار اغرنین او بار ابر . با که ده بر بوسه ویر دیم دل اغرنین
 کچم کچون باده دین هم چکدی ارباب . خاطر غنچه بونک تنگ سر اولد قنچ
 میل و هوکوی انظار و عالم العاقل کث فی غرض شکلا . حلال نور و عطلات

مهور در

لطیفه کنان و انوار

کریم الاوصیاء والاخلاق عظیم الحسنی فی الآفاق مستجمع صفات العلوم مستنبط
 وقایق الحدود والرسوم مولانا الشریع بلطف بیک زاده جعله الله شی من الذین
 احسنه و زیاده پدر عظمای دفتر دارالق منصبه ایدموز و مکرتم اولمشیدی لکن جناب
 فضائل بفرنگیک که مضاروفان کمالانک سرخیله در سمت تحصیل علوم و فنون میل
 اولوب شهباز طبع بلند پرواز آسمان فضل و عرفان طیران و نهادی ملک نژادی
 زمین علم و ایقانه جولان ابد و ریاض علم و ادب آبی و طلیه ایل سیراب
 و کشتان کمال و بونست فضل و انصاف جو بار جهد بسیار و کوشش سحر و بشمار
 ایل سبزدن آداب ایلد حقا که وفور علم و فضیلت و صفای لطف خصلت ایلد اراده
 صفات حمید و سمات پسندین مکارم اخلاق و مراحم اشفاق ایلد پیرایه
 بر وجود شریف و بر ذات لطیف در که غایت علم و نهایت حلم و جودت طبع و حد
 و انواع مکارم و اضافی سخی ایلد اسرار و کفایت سندن سروبالا کیه قیاس و مستثنی
 و جمال حال فرخنده مایه رنور هارت و حاشیه جلالت ایلد مزین و مجمل و مراث
 ذات ستود صفای مصقل معارف و کمال ایلد روشن مجمل در انوار فضل و یشار
 جبهه مبارکندن بر وجه ظاهر و باهر در که مهر سپردوار انکه دعوی مشا و اتمه دن
 و انشعاب و دانشوری اسرار جبین هما یونن اول طریقه لایع و طوع در که
 روشن شب تار و نواب کو اکب سیر انکه دم مبار او رده دن و از کلمه
 مع الاجمال احوال شریفی بو منوال اوزره در که قیاس قدرت قیاس صفای فضیلت
 قامت وجود پر جود لینه راست ایدوب دست ایام ردای کمال اهلته مناک علیا
 لایق و سزا کوردکن عزیز ملک کمال یوسف معر استیصال اولان سنان فزیدین
 ایلد کام روا اولد قه گره مدارک سنییه اعتلا و ارتقا ایدوب قرق ایلد مدرسه
 داود پاشا دن موزال و لدن هنر پشته مکارم و مکرمت چاکم و مضمار علو همت

آصف سیمان مان صاحب صاحب قران مرحوم علی پاشا کفر و فقار تربیت و طاعت
 میان جانرین بند بیک دلان صاحب و مرآت سوار اولمشیدی الله ایلد فخریه
 مدرسه اندن ات معالی اقتضا صلیه مدرسه خاص قید اولوب اندن جود
 شریفیه که سماء فضائل شعری بانیه در مدرسه شریفیه ثمانیه تقویض اولدق مدرسه
 مرنوره و جمال جناب معالی شری ایلد معال اولت کل مشقت بهشت اولمشیدی
 بعون چادر کن سرائی اقبال و عناصر ربحه عالم مجد و محال اولان مدراس سیمانیه دن
 بری انتماء سن علی ایلد تحصیل انواع غنث و غلا ایلد و اندن بیت الله علم ده
 شرفها الملک العلم خاتم نوح سید الانام و فاضل فقه سر عینه خاص و عام اولمشیکن
 اول کلین کل فضل فضل مکتمت شرفه دن بی وجه و بی سبب غزل اولد اگر چه
 دور ایام و سپهر بی مهر دن بر مقدار جفا صورت لیکه نمایان اولمشیدی بعون الله تعالی
 طاهره لطف و مهری عیان اولد و قامت غنث و سعادت لری که فی الجمله کان کیه
 انجا بولمشیدی طاهره نور کئی استقامت بولد بیله بی شهره بی رخ کین میتر
 اولمز و بی رحمت نعمت نعمت مقدرا اولمز پیشگاه سعادت اولد کسنه دار که
 مشاق جاده طلیه صبر ایلد و جمال کعبه حراد اول طالبه تجلی ایدر که رخ بادیه
 تعب و فیه متحمل اولمغه جاننه جبر ایلد بقدر اکتد تکتب المعالی بروه
 محکم سینه جان اولوب خدمت شرح معانی ده دایم و قائم ایکن اندن دخی موزول
 اولوب خاطر فضائل ثنوی غنچه صفت دلشک و نبش کئی حزون و ملول اولمشیدی
 طاهره الله تعالی قصا در نه احسان و تحفه روی سعادت لری کل کئی خندان اولد
 انقی خرمه حرمین جناب فضائل موفون تقید اولدق زمانه وضع انشع
 فی محله صورتنی فی الحقیقه من ایدوب دوام دولت ایدر پوز لینه استلال
 ایلد و سپهر دوار اعط القوس باریه معنای شهره و مرا معاینه ایدوب

آصف
 سیمان
 غزل

استمرار سعادت ذات معتمد لرینه جازم و عارم اولد. امید در که من بچکستان
 عزت و اقبالک. صرصر خوان و اختلالدن مکفوف. و آسان سعادت و اجلاک
 امداد غایت ازین. و اسعادت حیات لم یزیه. ایلحقوق. اوله خدمت شریفه اولان
 محبت سابقه. و مودت لاحقه. و جناب فلک قبایلینه اولان اخلاص وافر.
 و اختصار منکاتر. مقتضا. اولیدیکه اوصاف ذات کا میا بلین مستقلا کبریا
 تالیف و تصنیف اولد. لکن سامت و ملالت تطولیدن احتراز و اجتناب انونوب
 بو مقدار قال فیل اید اختصار اولد. بو بر اکی شعار اول ذات بزرگوار ک
 اول چشمه لطف و نوالک. و اول منبع سال متعالک. و اول عیان بکیر افضل و غافلک
 اول حکم مدد ر تحقیق و اتقانک. رشحه کلک ساری. و قطره غمام افکاریدر.

نر کله ی سنگ عشقک ای لیل صفت باش. نه مجنون دیو اطفالی شهرک طوبی بر طاق
 یار اغیار یله غم ایلجک. دریا یه. طفل دل اعلی و ورق قالدی شک طاشندن
 دور ایدوب رخنه دیدیه کومر زایه. قیودن زاده باشم دوندی یور دریا یه
 شود کلو باره ارکدم خضر بالینک عشقیده. بوسیم تکیه سن بر ایلین صانور خور لقله
 غمندن آه ایدوب نوک شود کلو اغلدی. کوز لر آهلا شک صنور لر نوح طوفان
 روز وصلندن او پرسم نوله بر جان الین. وقت عید اوله او پر برین لر سلطان الین
 کور مردم اول یوسف ناخ کبیضا جلال. کرچه کشت ایتیم سر سر مهر کنگان الین
 دست جور کله خراب اولد تحت خاک. لطفله معور قل کل کو کلک و بران الین
 ساقیا جام شرابی المه دشمن نیم. طومشور پیمان ایلد نرازل پیمان الین
 یاقدی دستینه خن اول نهال سر بلند. عاشقن قربان ایدر کن طوبی ساقی الین

میل بروس دند زباز در بوخل بیله سرو سرفراز کبی ممتاز. در **عزل**
 مرغ دل ای یوزی کل کو یکله و ارماع استر. طلبه بال پیری بوغیسکن اوچماغ استر

اغله و غم

اغله و غم بوکه مردم نیم اول سرو. ره عشقن کوزم باشنه ارماع استر
 و بر دو کی رفعت ای دل کلک الیله. سن بر بعد اول کوزدن اوچماغ استر
 کله کچی قشودن نازیله جانانم نیم. یور کم او یز کور کجه جوش ایدر جانم نیم
 طور مزار کوز لر مدن قانله باشم نیم. کله ی قلدی نیم بو کله ک. باشم نیم

میل قصبه نوه برده لیدر عیال سلاطین یاقی و غبار ک کنا بته. ایلد تحسین کفایت
 اوزره مطبوع شمایل مقبول الخصال. ضابطه مصولات لطیف. نویسنه مودات
 معارف. طریق ابراد و معارف نظمه واقف. انصار و ایتاچه رتبه قبول موصول
 اولوب دفاتر کلماتی امضا ایل کلا تکه تحفه مقبول اولد. و یور اکی شعار بو کله ی

لعل لایه جان دلین بنده و افاده یوز. زاهد اعیاب ایلد زبر السیر باده یوز
 صوفیک مقصدی بوکم میکش ایدیه. بودخی خوشه عمارتیدر اوقا نمیدر
 نه ظلم و جلد و رنگ ایدیه بو سانه خوان. خزانه جمع جعدی شه جهان خوان
 عجیبی جمع بقایا نه نر ایدر سه صبا. حواله اولدی نه شهر کستان خوان
 دو کله ی برک درخت آفت سما ویدن. و در نهاده سنی عرض ایدر زانه خوان
 انجمن ایلدی بادی چنین دفتر دار. که واردات اوقیه شاه مهر جان خوان
 صبح صاق اولور اول محو درختان کلنر. قره اخشا ملر اولور اول مد نایان کلنر

میل بیخای نام قصبه دند زامات و نظارتدن کلش. دریا یی غیش و عشره خواص شال
 طلش سجاده عرض و ناموسیه صامش. ایدری بوسه انکدر. امین
 ایلکی ابرو کاره سنگ کورینن حال چین. سدره دن پروازده صان ال جدی حیران

حق النون نامی اول ذات انجمن نام نامی و اسم سابیسی محمد در پیر بزرگوار لری
 که آسمان عرفان بدر بر انوار در کل ارباب علوم و قدوس اصحاب فنون در قومدن
 زمره اصحاب علم و ادب دن خافیه مدینه صلب ایلن قضا رباغی و حکم نافذ یزدانی

نیم کلش

ایله دست ساقه اجلدن کل نفس ذایقه الموت شریب چنان اولوب شهر باز
بلند پرواز روح روانی بو خاکدان جهاندن کستان جان طهرن ایدین سر آمد
اصحی فضل و عرفان سر دفتر باب ذوق و ادغان قدرت تجوئے مطبوعه سر بلندی
خدمت مولانا پیر احمد چلی افندی در ذات شریف جلال نشانی که بدر برج معارف
و غنم لطیف سعادت عنوانی که مهر سپهر لطائفدر مطلع خانه فضل و حکم طالع
و مشرق دو دمان دولت و اجلال در شارق لامع اولوب الهی الان تصاویر و
عثمانه نیک چهره کنسی و قصور و قصور ایلت خاقانیه نیک زینت و نسی زنگ دای
مزایای قوانین و احکام رنگهای طوایر مناسبت اسلام عنوان صمیمه جاده و جلال
و فکرت و فخر و جوادیت و اقبال اولوب اباعن جید تمام جهد و جید ایل خدمت
آل عثمانیه مثال قلم سر دن قدم ایدوب مداد آسمانیت خط خرم نرنگ جبار
و روان و پیوسته غاشیه اطاعتی بردوش و کمر خدمتی در میان قلوب کوی
میدان عبودیت و چوکان اطاعت و روان اولان مرحوم جلال آمده نیک و دمان
جلالت نشان و خاندان کثیر الحسنان ظاهر و عیان و لامع و رخشان اولوب
اول حاله که ایام تحصیل هنر و هنر که کمال در مراتب صفات بالیدن غبار
کسل اهل پاک اتمکله مجلای صور علوم و ادراک اولوب قلم نقشینه خیال صمیمه
بال با اجلال رسم و کتیر برانید و کصوره کمال آینه حصول جلوده و خوانی
معانی و شواهد ادراکات اول فانی ادنی توجه و التفات جنانی لایله در بره
اولور دیده آنت بی همایه هرگز سبک عارض طهارت و خورشید اقدام ملکی
ظلام عدم اهما من متواری اولمندی هر که را اقبال ایدر زاده جرمی شود
آنت اندر هر چه می بندد میترمی شود بر فحوائی غمشدای
شوانیس کتاب نفیس آنت فی الزمان خیر جلیس

وصف جلال

تخصیص کمال

سرگلستان و بوستان و تفریح حدائق و برارستان مطالقه کتب فضایل و عرفان قلندری
و تداول کوسن شراب ارغوانی اداره کلمه بزرگداشت تحقیق و ایتقان قلندری
نرگس خا و فضایل مظهری انوار و از نامعلوم نگارنده دن اوز که به ناظر اولمندی
و ضمیران صمیمه عاری رنجات سحاب سخنان اکابر دن غیر به سر سبز و ناصر د کلبیدی
جناب معاکت بنی فضایل و حساب بالغا بلوغ ملک اولد قدح حکم و طوق علم سالک
اولد فن مرحوم مرحوم خدمت معالی مرسوم رنیک هلال وجودی مثال آنا فانی
بدر کمال اولوب آفتاب علمیات ذات فرخنده صفاتی افق عزت و دولتن
طالع و لامع اولمندی تواند از عالم امکان و منور و ایامی قبیله جهان اولمندی
عارف و عالم اولمندی و قدم قدم در جاده جلال و مصاحبه و معاهدت
و اقبال و اصل فیاض اولمندی و لایکی واقف و جانم اولمندی و دین دوزن
ایلمن کران اولد قدح جبین مبین اصائل دولک لامع و رخشان و خایر و رفعت
ساطع و عیان اولد و عین مشاهد ایدوب فکر و ملک ملاوات شجره خانه صفا
و اوراق و اطباق بلاغت رقم زده کلک بدیع الایاتی اولمندی و قیبتی دیوان
قدر و فضا کتیر مناسبت احکام دنیا چون حضرت بارفت و علل لرن تعیین آینه
جویم و تعیین اوزره اولمندی بنا علیه جناب جلال نشانی که انشال و اثر
بیانت فانی و قلم مثال مشایخ ابرار من رالیه بالین اولمندی انواع رعایت
و نوازنده لائق و شایسته طریق پر توفیق کاتبه سائق اولمندی فی الواقع و محام
مرقوم نظری صحیح و راست اولدی که لوا مع انوار سعود جوادانی ساعت عت
لامع و طالع انار و نور کایمرانی مانند خورشید آسمانی روز بروز بارز و ساطع
اولوب تباسر صبح دولت افق وجود فایقند ظاهر و لایح اولمندی کونن کونن
روشن و دافق اولد و مناسبت سعادت کف پر کفایت لرنه تسلیم اولمندی

و مع عاشق و دو دم صبح صادق کبی با هر پنج اولی بعضی وزراء عظامه مذکر که حکم
 خدمتیه اید استخدام اولوب رئیس کتاب دیوان سلطانی و نویسندگی جلایلی و قاتل احکام
 خاقانی اولوب سلاطین جلالت نشان در صوم سلطان سلیمان خان زمانه اوراق
 روشن عزت و اقبال و صفیات روزنامه سعادت و اجلال قلم مشکین رقم
 و حاشیه عنبرین شماره لرله مقوم و صحیفه ایام و کیکا و جوائید فضایل و معانی روم
 کفایت و رفوم و تکریم مسطور و رسوم اولوب پنجه زدن طوائف و نویسندگان جهان
 اولدق زهره زهرا بر نم فلک مینا ده ذات فرخنده صفات کور و بوبیت
 توحید که از سر کلک نو ملک انوش است صحیفه فلک از دفتر توحید و رقی است
 جناب احمد و انجمنی مثال قلم و زرا و عظام النذن و دشمنیوب هر آن اوراق مودتی
 کبی باشد اوزره مکان اید رکود کونن کونه آفتاب دولت و عزت و عزت و عزت
 و عظمت ارتقا و اقدام اقدام و ایتامی مصاعد عز و علایه تصاعد و اعتلا کوسر و
 فارس اقلیم قلم ایکن صاحب طبع و علم اولوب شقه رایت بریح الاله شمشاهی و پرچم
 توغ فلک فروغ پاکتایی سر دولت مقور و نازک مبارک سعادت مظهر لرینه سایه انداز
 اولمغله ذات پیر اجلای علم مثال اصحاب جاه و جلال میندن مستند و ممتاز اولمشیدی
 امیر الاحادیث صاحبها اولدق مذکر منصب جلیل توقی از لدن نامزد ذات رفیع و
 اولمغله کبر و اولمغله متهم استخدام اید سرفراز اولمشید بعد اول جناب فلک نمکنیک
 رای زینتی مشکلی خلق جهان و فکر حسین و متینتی صورت نمای مرابای امن
 و ایمان اولوب ذات سوده صفات مطلع آفتاب عقل و سداد و منبع عیون صلاح و
 رشاد اولدوغی سلطان جهان و فعلن ده زمین و زمان نوشیروان با عدل
 و داد پالشت امر سلطان مراد خضر نمکنیک ضمیمه خورشید معانه روشن عیان
 اولمغین مظهر انواع لطف و کرمی و جلای صورت نوازش فراوان اولوب

تشریف

تشریف شریف وزارت اوزان ایدیک و جو خورشید انارخ منور سهر اوان
 اولمشیدی بعد اول منصب والا دن استغایله کوشه نشین منزل استغنا اولمشیدی
 لکن توقیع رفیع سعادت و مدار دست تقدی اغیار دن خلی پریان روزگار
 اولوب بر الای ادا نه دار دال اوچنوب شیرین نمایی چکوب چوریکه نرات
 خاوا عکری بر غبار اولمشیدی بناء علیه کبر و اول منصب رفیع و عظیم دست نصر لرینه
 تنویض تسلیم اولمشید همانا تا بخلق منصبی بر عود سدر که از لدن ذات جلالت
 مانوس لرینه نامزد اولمغله غیره جبر و اکراهم و ارباب جناب دولت خلیقی پنجه دفعه از نطق
 اید که طلاق رجعی در دیو و ساطت شفاعت ارباب سعادتمند کجاست و تخت
 نصر لرینه کلور و دما خود ذات فایض لرینه بر عاشق صادق در که بر ابلی کون مطلب
 و محبوبدن مفارق اولسه بنات پرموده نک نزول باران و غریب دلخسته نک
 وصول ایلان اشتیاقندن شد اولوب هر شیک مرکز نه کیتی و آب روانک
 سوی کلستانه جویانی کبی جناب جلالت نشانه منجذب اولوب دایما خدمت علیه لرینه
 کلور ایدی بوفنده طبع عالی شانک طوائف خلی عنوانی و امثال اوزان میندن
 ناییده نام و شایه دارد بواشار بلاغت شاعر بوجه کبر و نظیر و تحقیر اختیار
 با قیام غمغی سینه ابدال و لیز غلر کیمه در دلدن دال اولمز
 نه کوزل مسکن ایدی ملک جهان اولمشید صاورب فرمن عمری بیل و بر رنه حیات
 صید اچون مرغ دی فرم علی لده کوکل دام ترویرا جلد رفور بلی قید حیات
 عکرمسته اولمشید زلفی سردار المیش دلر اولوب هر برن بر تاره بردار المیش
 خنجر و تیغ و مکندن بلیه بند المیوب شمسوارم مومینانی سحر ایلیمش
 ات صالوب میده ایشقه قتل اچون قنی کاکل مسکینه کندوبه قفادار المیش
 غمزه سی مزکانه کیدی دلر انک دلینه بغوبه با صوب اید کندوبه دلدار المیش

تشریف

کنج غم اولدی مؤر بودل ناکاره • کلدی ارباب حنن بکه مبارک باده
 دوستی کیدن اورسک کادشنگ • اختلاط انده صفتین کسه ایلد دنیا ده
نامی آب و هوایه مقبول مرغوب اولان مدینه بدیع الکلوب شهر اسکودر
 بکلی من بکله موصوف و شاعر ایلان شهر نویر میانجی حال منون کی پرونده کورد
 دخی وارد کوز لرم باشنه عثمان ایلر • اول پری بکه چوق ایشل ایلر هاقان ایلر
 خانم لعل خطیله الهی دل اقلیمنه • لشکر موریل بوفتی سلیمان ایلر
نامی اسمی جعفر در دبار جمید دن قصبه اغرو سدن نورانه قاضی دیکله معروف قاضی
 اوغلیدر والد جنت مکان قزاق خلیفه واسطه سید حبیب دایمان دل و جانی جواهر
 ربیت و احسان ایلر پراسته کدن غیری قدح افاضل روم جامع الفنون و علوم خلیل
 بوادی عرفان مرشد و نای اولان استاد نابو کتود کمالی خورکینه دانشمند
 ایوب آستان سعادت آشیانیه خالک ایتکله خدمت شریفین ملازم اولوب
 اول عتبه عتبه به انما و انتاب ایلر حالنی خلیفه کامران دکامیاب اولمیش لکن خوج
 اذا انت اکرم الکرم ملکته • و اذا انت اکرم الکرم تمر قرا
 دین جانغ نعم والد فرخ دس مکان کور دست حالنه نمایان اولان موصوم
 مرفوک فضا درار ایلای خلیفه بهر بصیرت مسطور اولوب ابناء ایامدن بعض
 حاد لایمه انما چون اولفات بهر نبقت و مدحی حاشا ذم و قبح ایلردی
 و هانا بوبیت به منال مصدوقه حال احوالی اوسر
 لقد ربیت جو و اطول عمری • فلما صار کلبا عقی رسل
 اوکار عمر زندگانه دن بهر دار اولوب المانی نام قصبه ده قاضی ایلر والد
 علی آنک نعم فراوانی کوزینه طور و ابغی اولمیشدی بریکلی بهر حکم عالم ظاهر
 بو موب دار ایلر آهنگ و افعال اعمال شیه به دار دنیا می مثال قفس باشنه

تنگ ایلد اشعار لایق و لایق محمدر کلام موزون منفی متوله سیدر بوشعار انگدر
 نه غنوه در بونه شایم نه شیوه در بونه باز • بو کونکی کوندن افندی فو کونک دفعه باز
 کنه به هر طافدن روزگار الیریک اولک • نصیب اولما کنی شایم مراده ایلرک اولک
 فیکن عاشقه ذلت رقیبه خلی رفعت دار • بو کون ظلم ایلد دنیا ده بکلم یارن قیامت
 مرادم اولدین سید وصال یاره ایلکدر • انکچون کنج غنم روزنه بخرانه نیت وار
نامی محمد در قسطنطنیه حتمه دندر مقصد حرف الفتن مطور و مذکور اولان طاهر
 طاهر نسب افتخار سالار • منبع لعلات • مولانا ایلرک دزدن معارف موفوریدر
 موصوم معلزاده افندی مکاتب علم و کماله خالک اولمده خدمتدن ملازم اولمدر
 حالا او تو زانی مدرسه دن موزول کھیل و تکمیل معارف و کماله مشغول طبیعت
 شوتیه سی فضیلت علی سینه صمیمه • و جواهر زور ایلر بلاغت و براعت کردن دل و
 جانیه نیمه حسن خطی در مقبول اشعار و ابیات حسن قبول موصول اولمدر
 جمله نزاکت و لطافتدن روایت اولور که به وقت محاسن انار شیب ظاهر
 اولوب ظاهر اسن و لینی تکذیب ایلرک اولدی فی مقابله ده شهر ایلر بوزینه قرا
 سورب صفالنه بویرد • و بومعنا به غیر لکی لکرا ایتوب یاراننه واقعا بن
 بوموی سفید ایلد اولسم وجودی استغفار ایلر • بنی اسرار غیش و نوشته حرم نیمز
 ایلک و مجلس بنم اسن بزمه هدم اولمیز کزدیر ایلر • بوشعار انگدر
 بازار حسن ایلرک اولیدی بهاسکا • ویرمک نه ایلدی روح روانم نهاسکا
 کل یوزک کو یکین هیچ کونتر مدک کندی • نقد اشکم کلکون ای سر و دایم نوکها
 اندرب لعل لیک بندک ایتن سن داد • او پیر رسن الوکی غیزه اکدن قیاد
 کرچه در لر کور را دم باران او کچو • کور خزانانه عجب دین کربان او کچو
 ذوق بتر که غم یار نو اله • غم بیم دلا ایلر نزدیک خون وصاله

ببل کے آہ ایلہ کوینج جیسک . شایہ ضرر کر ایشہ اولان زہ نھالہ
 بو طر حسد نہ سلمان کنی نای . احسن غزل یکلای کور دی کمالہ
 نامی قبة الاسلام . مدینہ پرا حرام . مقسم سبول منی و مستول . اولان شہر سنا بولہ
 جناب فضائل ب . مولانا الافضل . والبدر الاحمل . ہدایۃ الزمان . عنایۃ الرحمن .
 نہا یہ فضل عرفانی . بیرون تشجید غایت بیان . اولان علما ایاک سرور سربلند
 مولانا فیصل احمد . آستانہ سنہ منتمی اولفعلہ مشہور و مذکور در . بوغریایۃ نامند
 شایع اولفان مزبورک بود کلو الام موفوری چنگلہ باد . بودافع اولکد تفضیلہ مرجمہ
 جہانک تختن کند وایت دانہ فرکیدر . ایلک کاشانہ سندن کوششہ ویرانہ فرکیدر
 غنا صدر ندہ کے موزنا آسودہ سرور . فنا بر منہ خواب آلود اولان شہانہ فرکیدر
 ہمای اوج غنٹ کبی غیر سزدن ای نای . محبت شمعہ شہر یقین پروانہ فرکیدر
 آیینہ و شس جہانک قلمس نولہ نظر . کلنر افندی عاشقہ دیدار دین فرکیدر
 کلدی دیار رومہ کورم دیوز لعلکی . ارادی جملہ شہری سہو موقوف صوفی
 بخانی سر غزل یوان غزل . بیت القصیدہ مجموعہ قصا . المبع سخوران بکار از
 استونکتہ شناسان دقیقہ پرواز . شہر رو مکیشوا و ریشی . ویرلیغ و توقیع غزل
 فنر اکسک طوانوسی . اولان شاعر بحر آفرین . و ناظم عیدیم العبد المذنب . در
 صنوف اشعار طیبہ ایلہ محفوف . بلدان دم اچنہ عذوبت . و لطافت ہوا . ایلہ مرحوم
 و موصوف . کلہ سجاد دینک . و بوستان ارمد جانقوا . سواد کی کسوی ماہ
 کبی دلا ویز و مہورہ سی جہرہ سیمین شایہ طاب انکیز . دم عیبی اناسر جمنہ
 و شاہ آب حیات ہوا ی جان پرورنہ حمر . اولان دارالکفر و کیمنہ حور شہر دین
 لکن شو و نامی بلق قلمونین او شدر . والدہ ماجدہ زکوار . پدز نامدار . مقفل
 مسطور اولان میری افندیہ نفل نور . حقہ دماندن بو کونہ ناکر کوہر و لعل

وصف ادبہ

ایدر کر اید کرش و مشہور مرحوم و مغفور . احمد شایہ حرمہ بود و صحت و لغت
 ایروب شہر سنا آفرین . آستان فلک نمکینہ شال پر دین برین جمع . اولو
 مالہ صفت اولہ خورشید منزلتدن ایرلمز . و حلقہ کبی بکرت وجودندن ایرلمز
 ایدک اول شادہ قلمونین بر کاربان کلوس خبر ویردیکہ بخانی فخلص نوح نام .
 فصیح اللفظ . و بلنج الکلام . بر شاہ سادہ . پدا و ظاہر . اولکد و بوایامین دونہ دونہ
 ردیف بر ایلکی غزل لطیف . دیوب شہرہ خاصہ عام اولکد بو ایلکی شایہ اولکد لردنذر
 جقدی فلکاکہ درونم شہری دونہ دونہ . باندی فندیل سہرک جگری دونہ دونہ
 سن اولاسن بو بریر اصلوب آیینہ لر . کلنہ کیدنہ ایلر نظر سری دونہ دونہ
 ایغی بر می بھرز لعلکہ بردار اولکک . ذوق و شوقیلہ ویر رجائی سری دونہ دونہ
 شام زلفککہ کوکل مصری خواب اولکد دیو . سکہ ایلندی کوثر خبری دونہ دونہ
 کعبہ اولاسنہ قوکل بلکون لیل و نھار . ایلر لردی طواف اولکد لیری دونہ دونہ
 بو جفادان کہ قرح اغزل او پر دونہ دونہ . ناز غیر نہ کباب اولدی جگر دونہ دونہ
 نہ روا در بو کہ بن قاسمی حلقہ قلم . انجہ بیلک توجہ و شمع مکر دونہ دونہ
 حقا کہ بر فحوا فی الفضل للمقدم کبیت اشعار برتر اکتی . مدار بلاغت و مضمار
 فصاحتہ سابق . و طرز غزل و ابراد مثل دہ شہر و بلغای جہانک فانی ایدک
 نوافاق مغارب و مشارق کبی لامع و برق . در طرز غزل جہانک و جیدی طور
 مثلن زمانک زبیدی او گندہ مرحوم والدک . بو کلاچہ شایہ در
 ہنرہ دکر ہر شاعر و کاملہ بہ شو و غزل کلکیمہ بخانی کبی ماہر فی المثل
 لعل شایب معانی . اسالیب لطیف کجانی . سندن جاک . و ربا فی لطافت مقال
 مجاری کلام بی مثالند نمودار جمال جنات تجری . منسور طبع و مثالی طوای
 غزای و مقال ایلہ معنون کردن دل پر کالی . فلادہ دقت خیال ایلہ تجلی فترت

خیال

لطافت ادب و سوزش کلامی جمع. اینکله بزم اصحاب بحال قبوله شمع. اولش در
 خواجه جهان مکر و دانت. مردارید صدف کثر بر داملما. اولان مولانا. ادریس
 توارنج آل عثمانن اسطلاب نظم و نثری ایلده هر کسک ارتفاع قدری معلوم و صفای
 صحایف کلامن مقلطات اطوار نامی مرسوم. اینکله شاعر بر نور و رفو مک
 مدح و ثنائین اطا ایلدی. خسرو روم. دیکله مرسوم. اینکله در. و توفیق و توفیق
 سلطان سخنوران عالم. در دین سخنور بست خاتم
 علی الاجمال احوال خضوع کای. بو منوال اوزره اولش در که تفصیل لوازم معارف
 نوانه و ایهال. ایتوب آفتا عالم گیر کی شود انشا بیلد شریعت پذیر. اولدق آتام
 شتاده که برودت هوا. و شدت سرما. بر حربه ایدی که کوزه سیرابدن چکیده اولما
 قطره آب و در خوشاب ادا کورد. و درون صراخیدن بیرون او کو طلمین
 رشته شراب پاره لعل ناب کور کورد. معارف جبال و نکال شدت سرما دن.
 بوم بجعل الولدان شیب. فحوا سی اوزره سپید. اولشیدی خورشید خشن
 زمین در ماندن. و کمون ایجا کالعه من گشتوش. معنائی مشاید و معاینه قلمشیدی
 نهین ناپایدارک حال اطوارنی کور که ظاهر شیب بر فک ظاهر ایدر نورانی. اولشکن
 بنه درون تیره و ظلمانی. ایدی بوجیب حال که جسم زمین سیم سیه. ایکن بله حقیقه
 سیم اولوب سحاب آسمانی. کنج جواهر شایگان. اولشیدی آفتاب رخشان
 جوانان سیمین. ایلد دعوی مساوی. ایند و کمون خلقدن حجاب ایدوب
 کور نمزدی خست و ذنات زمینی کور که بود کلوسیم فراوانی. سیر التمه دفن ایدوب
 اندن نام و نشان کور نمزدی. خلق جهان شدت برودتدن آتش ستر که
 کندجه آتش انز کیدی. و جملک عالم جهنم مثال اوده. و دوشوب اینکله هر بار
 ناره طوتر کاید. جناب بلاغت عنوانی. اولان مانن قسطنطنیه حقیقه به کلوب معلوم و

ایرادات و ایرادها

وصف

بسم

عاجل است. مظفر و منصور. فاتح شهر نو و سلطان محمد خان بنو قیسین شتاییه
 ویر و ب مظهر الطاف و انعام عامی اولش در. **فصل**
 اولدی چونک ملخ برف هوادن نازل. مزاج سبز طبرین کوکل اولد حال
 اشترست کی صاچدی کفن سیره سی. بغلیدی قافله غنرت و شادی محل
 کوند زین خلق چاغیلد ارر رکش. بولوب در دله بر پاره اود اولد هر دل
 مه برج کرم و سائیه الطاف الکه. شاه اینچ خشم و ماه عطار در منزل
 خان محمد که او کردون عظمت در کهنک. بنده سی و کلمه نخی برود دارا قایل
 ربسمان زره حشره دکل و چوره کشش. بولوب دولتشک بکر نه عنق و سحل
 بولوب ماه اربدهشت. ایدوب کلستان جهان نمودار بهشت. دبوستان نهین
 نمونه خلد برین. اولوب هوا. اعتدال بخش صبا. قالب مرهه نامیه ده انار افکس
 مسیایه ظاهر و هویدا. ایدوب دل عاشقان کی خور. و کار هنرمندان کی
 بآب و تاب اولان کلستان لاند رخسار مهوشان. طراوت و صفا بولوب
 مثال عذار سمیران چرسن و برها. اولشیدی اکمل سیدن بلبل شیدا. عشق کل عین
 باغ عالم و عالم باغ آوازه. صالوب درون دلدن در دله نوا به آغاز قلمشیدی
 صنوبر دشمن. سرازدن سرو ناز. ایلد مدام بجر و ناز. ده اولشیدی باران
 بنان مشاطه عروس بنانه روان. اولوب بنات نبات کله نشیان
 جمع نوهار. و تنق طرازان جلالت خا. در پرده کون و حجاب امکانه
 ظهور. و تجالی عیان جلوه کنان. بوقیسین بهاریه دسوره. ویر دکن سبز زار
 خندان ایدر جهانیه فصل نوهار. نینه که جان عشق عکسینی و صبر بار
 دیر که در جام و زمان زهد. بودوری ویرمه غافلک اوده زینهار
 تر باک قوییدی دقعه لعلین لاله. کور و ب چنین آب روانی مثال مار

وصف

بسم

بر سر دکان آینه بوزا در باغ چون کبیر . دونه دونه ترانه ایله باغ جویبار
 یار سعادته جهان بواز دواج . چون دور مهر عمر مسیح اوله بیدار
 اوله صفا و عیش مراد بیدار . نیست که عهد سر و چشمه افتد
 سلطان محمد بن مراد انرف ملک . دارای تاج بخش سلاطین روزگار
 شاه بخوم کو که خورشید مرکا . میر قضا توان و قدر و دیر و دیر
 بعن سلطان خرمه حکم . باینها النفس المطمئنة ارجو . دعوت ارحمة رجعت ایدوب
 مالک ملک ابد اعدا . بر موجب توخ الملک مرشا . و تنزه ملک متن شا
 شهنشاه زنجیرک الدن برات خلافت . ویرای حکومتی الدروب و آستان بقدر بر باد
 سلطنت و دار و گیرنی . دو شریک اساس مارکا . زلزله قیامت اعی و منهدم
 و شرفات قصر جلالت . صد مه صرا جلدن مت . فقط او فله منعم اولمشیدی . و اول
 انشاده ناسرناشیر عدل احسان . اولان موصوم سلطان بزرید خان . سر بر طعنه جلوس
 ایدوب دمان که مباح نام شریفی ایله ختم زمان . و اعطاف محافل و منابر استماع
 القاب ذات بر مغاضی . ایله خزان و شان اولوق کیت مدح و ثناء سنه
 قلایه اولمغون شاعر کورنی قضا . ویر و منظومه نظار کارم و عوایدی اولمشیدی
 بر دونه قلمشیدی جمالیته آفتاب . مشکین کلاسن کیم چنگ غنبرین نقاب
 شرق ایلدن اوچمشیدی شایه باهر . مغرب قونوب اوچمشیدی باشته غراب
 صیلا چرخ زاغ بنی قلمه شکار . شکل هدایه قلمشیدی چنگل عقاب
 یا خود دم شفقن ایدوخت مر . عین سپهر احمشیدی شبیه نقاب
 سلطان روم خرو آفاق بایزید . کسری روزگار و شمع معدلت باب
 لوح خمیری ضبط ایدر احوال عالمی . قول مؤلفه ننه کم صفی کتاب
 شایانم که مجلس بید حکم ایلیم . هزارله هزار نوا نیست که رباب

صفا نقار

صف جلوس

دمد روز و مه تر بیندن ایره کمال . کیم تاب آفتاب خوشبوی اولور کمال
 بیدار اولک که درده ایره شور و دوا . عادت ایدر ایدر در دار الشفا
 هر صبح ایشکدن او فرسخ بابل . کو کلر قیوسی آجلورای مه لقاسم
 هر خطه تازه روی و جوان اولمشیدی . کون کیمی رویه سور صفا
 فی جمل کبر بیدی صبر بر نیر که . بولسه جهان فایده رسم نقاش
 خوش وقت اولمغونی که عهد کن هر صبح . براسر فی بشینکا و جنبه بولاسر
 دهر سلطان بزرید خانک ملحوظ انظار احسان . و مجلای صوفی فرادایه اولمغینر
 فرزندان سعادتمند فلک نمکینی . خدمت لیچون جناب بلاغت نصیانی عین بویار
 جمله دن فلک باره شهنشاه ملک خصلت سلطان عبدالله . سنجاعه جعفری علم کبی
 خدمت ذات محترمین ایلر یوب فلم مثال کاتبه کلمش عبد مکاتی . و دیوان مکاتیک
 عطار دصفت کاتبی اولمشیدی بعد اول جود و حرقت وجود . زلال فنا و عدم ایلر
 ترک عالم وجود . ایدوب سماء ایلالت و جلالت منفطر . و کواکب نواقب حیات منته
 اولمغی بومر شیه دیوب دین سندن سیل خون . مثال ذات و چون روان و سرنگ
 حررت و امطار و اقطار محنت . سحاب چشمن باران اولوب آسمان کی دوزک
 وزمین کی باشته خاک خبیت صاف . دارالتلطنه العلیه یوزا ایدوب ملام
 رکا بیدار انتاب اولمشیدی بر ابیات اول مرتبه دندر .
 دلا جویع الفتن اذک ایلر تراش . قلندر اول که جود اربع لربا باش
 الور کوزیله بقیه جهان کیم کشک . بوزینه طوغری بقانک کوزندن آفرایش
 حکایت اولور که شاعر مزبوع شهنشاه . فز کوک عاشق شیدایی و بسته بر بیکر نخت
 ولایه و اول سر و شیرین لیک فرمادی . و اول لیلی حسن جمالک نمون تجزون
 ناشادی اولوب حسن عالمگیر کاکل شکباری . کبی پریشان روز کاری . و قامت

به مثال به نظری یک جویدار صفت به صبر و داری اولمشیدی اگر چه نه زاده
 عاشق بر بلندک نسبی را فحوا سی و زده شاعر و عریک در دلدن خبر دار ایدی
 لکن اعلام و اطهاره جالی و به حال دین هر کز فال معالی بوغیدی سرنه نه جالی
 کبی صقیلوب شعله آتش درون پر زبانه اولکن نه سوزش جانی هر کز زبانه
 کتور مزیدی اول شهنشاه ملاحه نشان دخی هر و جتتی هر کبی عالمه عیان و سیکه
 عشق کا مل العیار میدرد و یو چک تجربه یا و مغله معانی ایدوب نشا بهای عشق
 و جتت ایدو قان زل و جام غلام مدام ایدوست و لای عقل ایکن نه اول عاشق به دی
 بر شرا به و خلوت سراسی فلک جنابه دعوت ایدوب فر بور دخی بو جالین
 خیر اولوب بو غزل به نظری ایدوب کو اهر بر اعتباری مجلس شاه کا مکاره اشار و غزل
 سنبلی چکله خاطر عا و اولد کل کل زطرک بر مکه ایکی کون بر اولدی
 بازار غنم دلمیدر اول کیم خرد اولد دلالت عشق الذن بو کون آخر اولدی
 تیغ جتتیکه کیم اولدی شریکیم روح القدس جنابه سینه حاضر اولد
 دیر لک ترا به خوابات ارغری شاد اول کو کل که التون ادکل با و اولد
 یغمه جیم عشقه مو تدری سینه بیاره عاشق اولدی به کا و اولد
 بعد خاقان سکنه نشان مصوم سلطان بایزید خاک اولاد اجمال سعادت
 نژاد ذن سلطان محمود سنی غنچه جقدن نشا جیمی اولد قن امثال و ازان مانت
 بر عنوان اولمشیدی و طغرای غرای کبی بنی الامام نام دشان بولمشیدی
 حقه بو غزل به بدل اول منصب والا محکم نشا بختدند **ع**
 صنما که بنی دور زمان چکدی چورد بر طره لری مشک فن چکدی چورد
 منته قدر دون بنی دیوان قضا که عالمه اولد غن نشا چکدی چورد
 نقاش ازل صدول بر کاره قوتی دوران بنی بر نیکن چکدی چورد

صوطلو دیو او رتا به کتورش کمری بوف براره اول بوی میان چکدی چورد
 طو و یکن اوق کبی بولین دافایک الدی اله بر قاشی کجا چکدی چورد
 بعد پاکشاه زاده سالف الذکر دخی مانع سلطنته خال چود طو به مثال ایکن نکلی
 نکبت اجل برک بار و چود نامدارنی و سحر حیات پر کوفه و انوار بنی رول و ایدوب
 اولدده خاک مذلت و بوار ایدیک بو مرتبه دوب برک مثال کستان آستان به ایدوب
 دنیا اوی مفت و ریخ و غنایش صحن صفایه کلری ماتم سر ایش
 بر دستماله کفن آخ سکر دیمز که بو کد ایش اول با پشت ایش
 بعد امال صابه و جلادین فراغت ایدوب هر آیدیک انچه و طیفه ایدو قنعت ایش
 کتور کتور علوم اولین و آخین دقیقه دان آینه فضلکم علی العالمین
 خاتم فضل و کماله کسین و نکین خاتم فضل و یقین
 اولوب خاتمی خلفه ایدو مذکور اولان مرحوم و مغفور
 مؤید زاده نک نام بر عنوانه تریب دیوان ایدوب منظر الطاف و احسان اولد قن
 اجرت بنو تیک طغوز بوز اون دورت سینه سنه کتدی حیاتیک طوفان مماندن
 بخانه میتر اولوب لکرمشان حرمانه لکرم بر اعون انده کمان و قراتشدر داخل شهر
 قسطنطنیه ده وفاقین مد فوندر **ع** اولمشیدی کلدی مسکین و فامیداننه
 قری مشهور و معروف در مصوم سسی یک مزارین بیدرب تاریخ وفاته کتدی بخانه
 دیمدر مرحوم بخانه شاکر در لردن اولان مولانا صنعی تاریخ زبورک حروفنی قلب
 ایدوب کتدی بخانه آه دیمدر ناکاه ایشیدی صنعی بیچاره رحلتک
 تاریخ دیدی مونکه کتدی بخانه آه لکن اهل ملا و انان اولان باران صفایه رشی
 و هویدا در که کتدی لفظی به ملا و انان لازم کلوز بر تاریخ زبورک بوجمند و خول
 و منظور در کتدی بخانه آه دینسه او دیو ایدی ایدو کمن اشتباه و مراد بود

اول زبانه
 اول زبانه

بوبرایکی سفار بلاغت شعار اولی و سحر فصاحت و تبارک و بوبرای استقامت
 اول طوطی شکرستان کلانک با کاف قلم ساری و نایب طبع بر تقداری در کربان
 مشهور اولان دیوان غنایا عنوانند انجمن ب او نوبت کثرت و نظیره کلدی
 خط رخ بابر اهل محبت اجل در غافل بود و مه آج کوزگی کون کجلی در
 ترکس کوز که او یکینی قد کشاد بانگ بوکور و کوزی و اول طوترال در
 ابودار روزه سی سینه می افکار ایل خوش ایدر غمره لری کو کلکی بیا ایل
 بر دم ایمن دولت دنیا چه بر دست ایل بوفنا کلزار نیک غیشنی مائتم صندیل
 اهل تلکوریجک آینه ده تصویر کی بنونه با همشش تو عیب ای بریم صندیل
 چاک چاک ایندی قاز لفلک کوجیهن زنده رکیشد رار اقسیم ادم صندیل
 نهارا توتی بی خاک یک اوز که دارو جگرسم سورمدن اکک کل در کوز ترا و در
 سوا ایدر رفتارده سر و خوامانک سنگ قل بر گرفتارده لعل رافشانک سنگ
 نش طوغتره بزر غمکه ادم اولان تبکک جنگ آدن اگر می آدم اولان
 بر اجم صود لر زخیرا نکدن نوله بر کن اچر سک نه جوق مانکن
 خطار غنی بید اولان یا عذار صانه بن مصحف رایت بر کنار
 خوش بر ترش در دمانک لبک جانیه بوقدن و ارایدن بروردگار
 باتور دختنه ارجا با قیلده پیر نو طر ترجم ایل غنا قکت قتی بصیق در بیک
 بخانه سنانیک جوار نذر اول بارده اولان مقاطع کات اولوب
 قضاة مفتین ایل ناکم و صاحب اولور و عکر جوار کبی غار شیارک بعضی
 کنج غنبد دل بر انکی سرور طوت ظاهر ک ویرانه اولون باطنک معور طوت
 بوسه و بر کل ارجان لغو مغول الحق که دیت لازم اولور قانکه مقتول و لیج
 حق بودر سلطنت دهره کج کلز بر سنگ کبی فندی که قول و لیج

کت بولایع نوبت و انشا الله

نجی دیار جانیکد نذر قدام و شواد نذر خافاه سکنه معادل سلطان بابر عادل
 زمانه نج حیات غارب و آفل اولش در علم کوفه کوشار روزگار اولد و غنچون
 محض بر نور اختیار نذر نکر ایلر کشته به طالع بد اختری سعد ایلر نه مدد
 بوکون بر دلبر قضا ک اولدم قوی فرمانه تنوعی شرحه شرحه نیه رتک اتمز کم آینه
 ترا و دن بایندر دلبر بودر یارب صقله سه فور دندن اذنه کیم اولو بدو یوسف
 نجی بیت شرف بلدان جهان اولان شهر و دوشنن حرمه بر کون طالع
 اولش بر کوب خشن و لامع در سب تحصیل و کمیلک اهداء و کونم علوم معالی
 مرسوم ایلد بر خوی و بالنج هم بهتون سالکنا هرا علم سعادت معون اوک
 کوب ذان حکت ایدر ک قطب فلک فضائل محوری سن ثانیل مرسوم سعدی کت
 نیر اعظم جناب انجیده قراون اتید کد کلک دین اعتبارینه دلائل و احکام انظار
 ضاعیان اولوب هر اجتماع و انتفالک عاقبتی انفصال و هوای جاه و کلال
 و فکر ارتفاع در حیات مجتهد و معال عین انام و محض و بال در دیونر کافه و امال
 ایدوب و جوار حضرت اے ایوب انصارین مدرسه فاسم یل تقی عداختیار
 ایتد در الواقع سائر علوم و معارفندن عیسی عارف سیر نوات و سیار
 واقف دقیق و او ضاع فلک دوار زین اصحاب هیئت و تخیم محلل موز حیایف
 زیج و تنویم ضمیر منیر مشتری تأثیری دلائل انظار ایلد دانش را از فلک مستیر المغان
 محض فر بولیده شهرت پذیر اولمیدی بوبرایکی شعار فر بولر ک کفار نذر
 بولسم سقف مونس کیندینا ستر اولسه فتنه منقش دامن صوایتر
 دل که بر قضا ک اولد کشته یاره زلفی چکاندن قالدی اصل هر پاره سب
 پنجه برقان بوده لم لعل کوهر پندن پنجه بر کوچ چکلم ای کبی فاشندن
 نجی مانی محمد در ولایت حمید نذر سالک طریق علم و عرفان اولوب سلطان

نیک

افاضل جهان و الدزد و دس مکان خدمت دامن در میان دست اعتقادی عرو و
 و شفاء ذات بر احترامی به محکم ایدوب رکاب و ارملازم حضرت نگارم و توانری
 اولوب سرائی فضل و کماله خادم اولم خدمت علیه لرین ملازم اولم کلستان
 جهان خدمت علی انک لطف بکرانی غنچه دل جانی دایما سیراب و رانده فیض احسان
 نه استانی ربا فیض تقویت و مشیتنی زلال اشفاق علیه سرسبز و شاداب ایدوب منظور
 نظر اکبر انزلی اولمغین معارف و کماله مذبحه دار و مهره و اولوب لایق
 قبول و محبت بن بودانی و قلد و فتح معاده مدح و ثناء دارد در کارنا طولین
 مستغرق منصب فضا در بوبرایکی اشعار و معانی آنکس در

رو امید رسی تمام فوج به باکی یوز و کیر کوز بر کون ای بری لاک
 سیر ایدوب اول ملاحه کنگ کنگین بنجم غنچه چاک اتری قیاس لاله یقینی سینه سن
 کتمزای سرور و اخلاص و ایدوب کنگینان مهر دلدن تو مشایست ازل نامک سنگ

سیمی نامی عباد الین در دیار بغداد دین حیه سیمدن وزان اولم خدمت منور علیه
 و سیم اولمدر زمره سادات ذوی لافتمی دن بر ذات نهرت شعار در کلستان
 جهان و بوسان در جانانه نیم فاوزان اولم خدمت بوی عشق و محبتی منته توریستی
 که خدمت مشایخ زمان ایدوب کاف فضل الله و وفی بارادت کوز سیدی و بقیری اوزره
 ریاضات و مجاهدات چککه مقام شطیانه قدم بصوب بادیه محبت و صیبا مودت پیمان
 وجود و ساغر خلقدن زیاده کلکله کوی بینامید خاک رولای و منزلته فاده اولوب
 عنان اصطبار و اختیاری دست افتد لرین کتمیدی و کیفیت عشق سلطان عقل غلب
 اولم خدمت به اختیار کشف سار و افق اسراره اصرار کتمیدی و عقلا و سیرعا
 واجب الاضمار اولان کلماتی هر سر بازار ده اعلان اظهار اتمک ایدوب علیه قیوی
 اینه شریعت و طریقه قبل مبدای عشق و مودت و غیسل طهور و شالوات اولم سیدی

وصف کشف اسرار و توحید

في الواقع چونکه سلطان سیر عشق غرام اعلام غلبه و استیلای تاقی افزایسته ایدوب
 مغلوبان معرکه جبرتی و رطبه بلا و حخته انداخته این طریق داشت و حیرت سرشنگان
 بی پروا اولان بتلاری رفیق عقل و رهنمای در اکران جدا این دل ضعیفی که
 مخزن اسرار رموز حقیقت و اخفاء اسرار بر بوتیدن عاجز و بدن بخبری که حال احوال
 و دبعتد احتمال بار شریعت ناستر اولوب ناچار درون در ذاک لرین نام و زار
 ظاهر و بیدار اولور و اول کجه تحفیه مانند روز ظهور و بروز ایدوب راز پنهان
 روشن آشکار اولور نیت کم سکا طوار حقیقت و مجازی سه در میدان غشقا زی
 واقف راز خواجه حافظ شیرازی دیکدر دل میرود و دستم صاحب دلاخندار
 در داکر راز پنهان خواهد شد آشکارا و شاعر مزبور دخی بود ایدوب دیشدر نظم
 دریای محیط جوشه کلدی کونیده مکان خورشید کلدی ستر ازل اولدی آشکارا
 ترک و فارسی دیوانی دارد نیم آس دشت دنیا به تماشا ایدوب سلطان حرا دما زمانه
 دیار و کلمش و خلج کلماتند دن بونی فاشمشر در بوبرایکی اشعار مزبور ک گفتارند نذر
 کاف و کوبه زلف و رفک دیدی ای نگار مطلع آمنت بالندی خلق الیسل و التهار
 دیکل صبح سعادت محمد عینی به رخ شام قیامت محمد عسری
 روشنست این در است میگوید آنکه روی ماست میگوید
 سبندر گفت ملک حسن است کج نشست است و راست میگوید

ت ولایت و ماندن خلافت ادوار نتیجه مقدم و تالی لیل و نهار کجور کوز خزان
 راز قافله سار و افغان رموز حقیقت و مجاز مهر سپهر عالم کون و امکان
 سرباز بلند و از فنی لامکان راقم خطا معنوی ناظم کتاب شوی جلال الدین
 المولوی خضر ملک اولاد اجمال سعادت زار لریند فیض سیر خرم و سر عزم
 خسرونا هید برنم و بهرام رزم سلطان آفتاب اثر خاقان حبیب نظر دار ایکیوان

عاشق ایچو ایچو ایچو

وصف خلافت و اندکار

چشمه نواب خدام فاتح ممالک جهان ابوسعید سلطان محمد خانک وزیر شری ندری
 و مشیر خود مستیری کبی مقدم طاق تریک مرد دزدونی اولد قدهکن پاکانه بزورک
 طغاکس نام همایون سعادت مؤوی اولوب بعد ذات خورشید انار حق قبه جلالت و زار
 اولدر زمانه انشایله شمره جهان انشایکی مقبول مدوح انس و جان اولمشدر لکن
 شوره اولد کلو اشتیاری و میان خفته مذکور مطهر نیایج افکاری بوقدر و مطلع انگدر
 طالعده دولت اولمه خدمت نه فائز شوالسته کم هلاک اولد شربت نه فائز

فکر کنیزه تقصیر بگوونه متبع انیم

اولدم غم فراقله وصلت نه فائز . حقدن عنایت اولمه طاعت نه فائز
 قربان اولوب ابرم دیر ابریم صلیکله . ایر کورمدی اولکونله وقت نه فائز
 عثاقه نوبتله وفا ایلیم دیش . دکر بون بلاکش نوبت نه فائز
 خوش تاج دولندی غبار درک و . بوقدر بنم باشده او دولت نه فائز
 تیغ جفا یل حسنه ایلیم هلاک . حکم چکر سن که ندامت نه فائز
نشان نویسه نام قصه دندر جلال اده مصطفی جللی بیکله شهره دنیا اولان قشونچی
 در که طوانوس دیوان خاقان و بیو اورس اصحاب بیان و معانی حرب دیوان کلا
 مزین توقیع احکام سلیمه صفت خیاله خاتم زمان ذات ملکی ملکاتی محاسن صفات
 ایلد رضیع اللبان و مکارم اخلاقه شریک العنان غلام اسامی زمین خاص و عامه
 مدام ساکب و بجزیر ان احسانک فیض شایق . چمنه ارما دار باب استعداد
 دایما متعاقب آید . مقدم ابراهیم شایه کاتب سر اولوب وزیر مرقوم دیار صریح
 کندکن بخت و غایت کبی بانجه روان و دولت و شوکت مشایه معنان اولوب
 نظر اکبر تاثیر ایلد کوندن کونه هلال مثال ترقیق و مهر منزلت کار لطف و احسان
 تلقی ده اولوب وزیر زبورک مابه الاستطاری و کار اصلاح ممالک سلامت

موتی و مستری ایدی بعد صاحب الایا الطاهره . منصب الایا الباهره سلطان
 خاقان الخاقان خاتم اوجین کر نغین . مرحوم سلطان سلیمان خان سده صدی خمین
 و تیغ مایه ده سفره افین . اید کلرین نشایجی سیدی محمد بیک وفات آید برین نجی
 اولدر بنچ زمان دیوان سلطان جهانن . بونصب صلیب ایلد عنوان بولوب معمار کان
 ورکن رکین دیوان عالی شان . ایدی بعد سده اربع و ستم تیغ مایه ده متقا عد
 اولوب اید ابوب اسفاری جوارین . نونه خلد برین . دشانه جهان برترین
 بر باغ بهشت آیین . دبر جامع که انواع حی سنی جامع . دبر حاتم بر رخام که داخل
 اولره برد سلام . در بنا آید . نفوذ عمر غیری . اول مقامه وقف . و اوقات ختم ده
 ساعاتی صنوف طاعت و ضروب عباداته صرف ایتیمیدی . بعد جناب سلطان کاکار
 نشانجی خلق منصبی قبول چون اکراه و اجار . اولند قن ناچار خدمت دیوان اعلایه
 اختیار ایتیمیدی مرحوم سلطان سلیمان خانک . او اخر سلطنتین عالم عقبا جلالت
 ایتیمدر . اول زماندن بر و اسرار کلماتدن غیری نام دشانه قلمشدر . اگرچا شاده
 بدیهی و ار . دیو خلقی کچن مشهور در . کن موافقیت چندان متلو و مذکور کلد
 حقه والد و دوس مکان . بگوونه کوه ارفان . اولور کیدی که اکثر با طمطراق الفاظ
 ایلد مقید اولد و غندن جانب معنی رعایت اولمقدن قلور ایدی جمله دن کچر بلر
 و جاکلر و صفین کچر بیان صور غوج سر . و سر هکان شمشیر مغفور . در آید . مؤثر
 و احدی ناری متشابه اید و کج ظاهر و باهر در . در آید . بواسطه زورک بلاغت اشعار
 ای جینی تحوایدن ماه منیر ک پر تون . روشن ایلد مهر خورشید کل کوکمل اودن
 بهار ایدردی صفا کسب ایدر چکر . خصوصاً صالنه یا کچر سر و سیم تلکده
 زبون اولمه نه زندر غم شراب اچ کلریندن . قوی امت کر کدر بوجان اچم ایلرده
 صرلور هر کل اندام جکر بلور بهر وید . نه حالت زاکلر قوشش حق پیر هسلرده

دن

وصف

قهرمادی کو کل سداوله تار زلفینه بکار . صنوع دگر هزاران غلو در هر بر شکندره
 نوافلک نشانی بند کمال مکتدر در . و صالک و عن تنگن بی آفت کج زده
 اغلد و غم کوردی جانان بوزینه طوطی . اوله باران کز لوز کور نما اولور آفتاب
 نام جوان اولد صبح وصل باران کول . لایح جنت اولور برکه کم حکم عذاب
 بهار ایا میرا جلدی غنچه . ایدر بلبل فغان آجلد و غنچه
 سمن کاکلکم صفی خنجره غنچه . ایکی هندو نیم بکر کم یا تر کلزاره بید غنچه
 کلب لرضم صنمیت بهار کنگر . جمالک نقشنگ جیراندر دوباره بید غنچه
 ندرای دل بواه و ناخشی بولفاش . سکامی قالدی ای دین جهانچه بولفاش انگ
 کیدر صفی خنک سبل تر در . ضرر در بوختن آل اوراقه تر اشنگ
نصوحی هوا جانغوا سی طلبه عطار کی خوشبو مشکبار . و خاک زمین بر ریاضه
 مانند مکنت و نافه آثار . اولان شهر در نه دن ظاهر و بدیدار . اولمش در
 عطار اولد قد کهن جمع ادویه و عطار ایتمک حکمتن جم اور بو . حالنچه
 جالبوس عالم کچیز دی . بر دغه رحیم مولانا اخی جلیبدن معاش و مظاهر
 طلب ایدوب مظهر خیران و خبیت اولدقن دیم در .
 در ده در مان این صنودم اخی . اوکلر حکیم امینش اودخی
 اخی جلیدی خجواندن دیم در . هر که اجدی نصوحی شهر بتی
 صحتة توبه نصوح ایستدی . بوستور نور ک گفت رندندر
 ملک کلستر نایقلدی ویران اولدکل . انتهای وقت و پایان جوان اولدکل
نطق دارالسلطنة العلیة قطنطنیه حجه دندر نامی حین در . بزحی زاده دیکله
 مودنی حالنچه مودنی و حال الیه موصوفی در . موصوفی الدین فزیدن سلام
 اولوب لایق قضا عارم . اولمش در بواستار مزبور ک گفت رندندر

اولدن خسرو غم نگرینک ایدر بی بن . ایدوب آهم علم قدم بلا خیلن سپاهی بن
 در بغا اولدمم بر دم جهانغ غم آن بوده . بلا اچونغی کلدیم عالمه یوسه الیهی بن
نطق هلال جودی افق ولایت نیر و اندن طالع و حیان . اولوب باد صبا کبی
 و باد و طالع . و سحاب نال هضبات و جبال . ده پویان و انهار کردار کلستان جهانچه
 سیران . ایدر ک دارالسلطنة العلیة به که مرکز و مدار حله آدم . کعبه مراد و مراحم علی عالم
 داخل اولدقن نظر قبول کابر و امانل و اصل . اولمشیدی و قطعه خواندقن نادره زمان
 و شهره دوران . اولمق تقوید نظر اکیران سلطان جهان . قران قرلی زمین
 و زمان . حفوز سلطان مراد خان . ایلد مغبوط و محمود اقران . اولمق مرتبه سنه نایل
 اولمشیدی . طاکرستان مجلیش . جهانغ شکر مکر لطف و احسان . نطق فصیح
 بر طوطی شیرینان . و کلستان صحبت سلطان زمانغ . کل صبر کراغام ذواوایه
 شوقیده اداسی ملیح . بر بلبل هزار دستاندر . بنی نوع انسانک به الامتیازی نطق در
 دیو طوطی طبعی دایما کویا . اولوب بلبل طبعی هزار دستانه حالنچه نغمه سر در بویر ایکی
 افسار . بوکنا بخت بر او نغمه چون اختیار . ایند و کج در . **مطلب**
 مجنون که دل ناله او جوشن میگفت . گرمی شنید ناله من کوشن میگفت
 و شوا بچمن حسن نام شاعریناک بوغلنی شبع اتمش در که مطلق بودر .
 او سخن از کشتن من میگفت . من بهمین خوشتر که سخن میگفت
 آنچه غم جان به بدن میگفت . **نطق** هجورخ دوست بمن میگفت
 چشم تو از فتنه خبر میدهد . لعل تو از ناز سخن میگفت
 میگفت از حسن تو نطق سخن . می روی طرز حسن میگفت
 و معاکو بلقدن دخی کوی سبقتی بود دانه که اقدام ایدو استاد طبعی اینه
 دخی اتمام اچون بنیاد او رشیدی دیوب بنیاد سمن . بو معاشی او نور

این دیوانه که در این دیوانه
 این دیوانه که در این دیوانه
 این دیوانه که در این دیوانه

هر که سخن از زلف تو بنیاد کنم • دیوانه شوم هزار فرساید کنم
از بهر خون مراد بر بند کشند • در بند همان زلف ترا یاد کنم

نظامی دیار قرامان در حال دور آنک و غلی در جوان مادی و مشکین بوی
ایر که چشم دوران نظیر و اترانی کورش و بر دلبر سر و قد و سر بر ضد ایریکه
دست دهر محال شبیه و مثالی الکتور مشدی رخ رد لوب و تمنازی روز و صبح
تابان و زلف دلاویز و درازی شب ذاق کی بی پایان اولد و غنچه غیری
دین ادا نه وار ذال دن آینه جمال به مثالی دور و میان دلبران دن روسیاه اولق
خوفدن به سندن دخی مارب و نور آید بو حالتون غیری شایه ساه نیز بکار
قصاید و غنچه حکم و استوار آید و اشعار بگردد و هوای کلماته مقبول کس لم
جمله اعظم شوای عالم دن بلغای رومک شایه بلاغت نظامی و صفی زمانه سینگ
ناظم فصاحت انتظامی در اما حیف و هزار حیف که هنوز خط سبزی مانند خول آب
حیات رسین اولیوب سبزه موی زینا سی سبزه کشت کی کنایه جو بار کورنده دین
اولدین و مویه عمری کمال بولدین زخم خوردن تر نزار عین کمال اولدین
و بهار عمر و شکوفه حیات تمام جلدین خان حیات و فنا ایلد مولد ز سلطان ال
عثمان ابرج سر علم رایت بدیع الایته کی سر آمد اولان فاتح قسطنطنیه و صوم سلطان محمد
من بورک اوصاف و اخوانی استماع ایدوب حضورینه دعوت ایتندی بولده کلور کن
دعوت پاکتن و ذوالجلال دن اجابت ایدوب اثنا و سوده دیار عقبایه گذر ایدوب
سبب وفاتنی بو متوال حکایت و روایت ایدوب که بر شیخ نامدار و عابد بر عجز کار
فرزند لبندی و آریکه که ارالین بنای محبت و اساس مودت حکم و استوار آید
بر مقتفی ناز و نیاز و اغوا و افادناش و غماز میانرین آتش عشق و نار محبت
ایلم غایت و ایت و اراکین نفس سرد قیاسی بر مقدار برود ظاهر و بدیدار

وصف جبار

اولدین قن مجبور اولان جوان بدیع الاسلوبک سنگ بهی ایلد شیشه و نایب
شکسته ایتد و کندن بدیش مذکور دلیک و در بخور اولوش و زودی هدف نیز
دعا ایدوب بر ایکی شاعر بدعت شاعر اولان نظم فصاحت دنارک کفا و کفا آثار نذر

کل عارضه اولد معارض عجب اولمز • کیم بوزی اچلمش حیا و ادب اولمز
دراغ غمک که مهر و محبت نایندر • سینه صافم که سعادت نایندر
قدک قیامه کله ذاقک دوشردله • زید اقیام فتنه قیامت نایندر
فصل کلد طلب با دله کلرنگ ایدلم • نغمه جنگل عیش ایتد آهنگ ایدلم
خاواک لبس و کل صحنه المیه بوس • صحنه کلشنه کل برین و برین کیده لم
چون خدگینه انکله اولان خوشنیش • باری چون جنگ ایدوب زور و شکر جنگ ایدلم

نکار اسنر اولان دم نه دمدر • دم در دغسم و وقت ندمدر
ایق بهمنش که قائم دو که دلبر • بحسب اتمه ایلد دمدر قدردر
نظامی نظم کی غنچه ختم آید • که جمده سینه نک صو کی عیددر
خطک اول پیروزه در کم لعلاب آید • بندرک اول عمل کم در خوشاب آید
خاک اول ای دل تو خشن تر سبب • که آفتابک بر توی دایم تراب آید
چشم کرمان ای دلبر خیالیه قدک • بزها تازده در کم جوی آب آید
قائم شوال دال و دوشدر که در التیق • کوزلم نول عین بکر کم غدا آید
بوزک آوستن و وطن طونه کوزک اولمز • منزل برنج چونکم آفتاب آید
زلف ابرو کی کورنر دیر هزاران آفرین • نول معتبر جزیره کم مشکین طاب آید
ای نظامی و صدف داوود و جوا نول • کایانک طایه چونکم انقلاب آید

نظمی دار اسفر و گیمه اولان نذر در نه دندر صاحب قران زمان حرم
سلطان یمن فغانک بنع زاده لادن اولد زرع سباه طوفیه دن اولمشدر

شود از زمان متبع ایدوب و دیگر کفری غزلیات نظایری ایلد جمع ایدوب هر برینه کند وی دخی
نظیره دیوب ذکر اولن سلطان کند نظیره صناع و بدایع شریه کوشن بشمار
ایر و اب اطوار زمان و انار دوران کمی مقلوب ستوی و فلک اهل کس کی نجوم نقطه ساد
و آزاده و فلک ثابت کمی کوکب اعجام ایلد مزین اشعار و میکلا اشعار پوشند لکن غرض اول کلو
حالت اولیوب نظم مظهر لطف و ملاحات ایلد در بوغریه بد کلد در

دایمک بوسه بین خلق مبتنا بر اولد ز فک در یوق بره جانا
بنجه بر طول ایو ایلد کوکب یا ز قدرا اهل عشق آهین اما
طوفان کعبه کوکب صفا سن بولور می حجب صوفی و ارسه فضا
لطف است برله ذاتک کرچه جوهر و یل قلبک نکار استکبارا

وصف و نعتی خارج تحت عقول فحول اولوب بلدان جهان ایچ مستثنی و مقبول
اولا شاهر استبولد ندر مرحوم قدری فندی انا طول فی غی کری انکین کاتب بویانی
و نوبسند تو قیقات پر خوانی اولمشیدی لکن باند خیم کجانه خمار و مثال جباب
جام شرابه مدام هوا دار اولمغین دولت جهاندن سروسامان بولوب آخر سلیمان پاشا
مصره کند کک کاتب اولوب اولد بایر ده ایکن نجسم حیاته آفل و غارب اولدی
فرخ و کلرغ نام بکر ملن بر نظم بنامی وارد بولسا عازم زبور ک گفتار ندر

قافیه اولدم کم بزم ذوق و صفایه و آرایه بزم حمزه ایکی بار اولد بری دلدارید
یوز سوز دم خاکبایی باره هر شام و حجر دولت و ختم ماعظالم بیداراید
آه کیم ویردی فانیلیست آخوز کار بر زمانیدی کرچه نعتی خاکبایی باراید

نعمی نامی نومه الله در چشمه چی زاده و میکلا مذکور و مشهور بود دخی شهر زبور دن
بنوع و ظهور انشد طریق علمن جو کته در درج مانتر کوکب برج ناقص و مفاخر اولد
مولانا سعدی فندی کس استان بلندی نهایت اولوب خدمت پر کلدن ملازم اولد

ساده و اصل فانیل اولمشیدی پنجه زمان قاسمی و نایب احکامی اولمغده بید و حب
سائل و کتاب جمع ایلمشیدی شوانسرت بهای نفیس فواسی و زره مطالک کتب
و عرفانه صحبت یارانه کتبخانه و اختلاط اخوان زمانه ایلد یلیری بارشمر ایدی طلب
از دیار جاه و جلاله طالب اولیوب تردد ابواب اکابر و اعیاندن متفق و تاراب
اولمغین آخو عمر بن الدی قی ایلد قاضی مدد رسمن مدرس ایکن ترک برای کهنه جهان
ایر و اب راعب و طالب نفیم جنان اولدی بو حشر انکدر

استانکدر رشهاد درگاه اعلای بزم حق بیلور یوق غیری قاپوده تنه مزبزم
قولدرک عالیجناب و بزبانک ادنا سوز یولکه اولون فدا اعلی وادنی مزبزم
نعمی مر نورک دخی کوکب وجود پر کجانه ندر زبور دن لامع و عیان اولوب صاحب

قران زمان قران فرمای جهان مرحوم سلطان سلیمان خانک وزیر آصف شانه
اولان علی پاشانک وزارت او انسن رئیس الکاتب دیوان خاقانی و محرر مطروقات
سلطان اولمشیدی ریاستدن مقدم کیفیت برندن حکم کیمچیدی ریاستدن خوق
کیمچین بو معبر فسادن کیمچیدی حسد و ق در و فی که اشعار کونا کون ایلد در بوغریه

جانا دیمه و صالمه ایرمک محالدر کیم بیلد حق میستر این استمالدر
موزور اولمه منصب نه ایکن کیم باخ دکلدر الدن بو برد استمالدر
مجلس بوک الدی و امیلد یلکد خون قدح نولابکا دیر رسم حلالدر
کوکلمن کوزرک سنک ایلی جمال مجنونه انسن غلش ایکی غزالدر
شاهزادی شود کلدر نعمتک بلکه جنابکه عالیکه هر خص حالدر

نعمانی از نیقد ندر روی تحویل علم و کالدن حجاب نقاب دخی و دفع و دفع کلستان
جانندن خار و خاناک بطالنی قطع و قلع ایدوب طریق علم عازم اولد قد کیم
مرحوم محالدرین فندی ملازم اولوب قاضی ایکن سنه اربعین و تسع بایده و اعیان

نعمی و طاهر جان و طاهر

زمان

مردم کنان اندر جام جام ایله صهای نهاده کنان اولدو بونور انکدر
 خاکبای یار اچون طور مزبلر بادحر کندوچه کوستر مزانا سورمه کوزدن سیر
 نقش نامی احمد در بچم وجود لاسی افق دارالسلطنه لکیده قرطی طلیعه حبه دین شارق
 و طالع اولندر مقدماتا شلقن مانه مانه و مانه مانه اولوب زمانه انکشت
 نمای خلق چهار و نقش بند لکن دلپذیر اهل زمان ایله نقش بند خیال اندر کج تصویر
 و تمنا لک حیران و آشفته حال اولوب اقدام بدیع لاری مندر طاهر و پیدا اولون
 نقوش پر زینب و بهما ارزنگ نقاشان چین و خطا ایله خانه چهره کن سندن جان
 کران چین حیران و طبع رنگ آبر زدن دل نقش بر دازان خطا صورت بی جان
 جواد بر لوح صورت کلک راند چو صورت عقل بر جاشک ماندی
 نه کلکشن جان صورت نگار که مانه را بصورت در نیاید
 بعد صنعت علم کجونه اشتغال ایدوب بوقلمن دخی صاحب کمال اولدر
 جامع شریف سلیمان موقت اولوب اوقات و ساعاتی بوموتول کماله صاف
 و دایما کاری تحسین لطیف و معاد ایدی بوبرایکی انکار مزبور کفتار نذر
 چاکلیمه سینک ای دال اول کلعه زه قرشو آجلق اولمز ایکن اول هساره قرشو
 کو کلک مرغی قومقندن کلکشن نال آزه در اول ایکی ابرو
 طویر می خنونه تنه کوکلم کنه صوچه چوق ایچر اوله صبر و
 شکاری غلط دند نقاش حیدر دیگله اشتیاری وارد در مقدار زمانه سنگ
 ورق شکاری و صنعت رسانی و نقش کارین مانه یاری اولوب بر استا که نزار
 دست ایدی که مانه و چهره کن رسم ایدو کج صورت رعناج کور دکن صورت
 چین کی حیران اولورد و مصوران کار خانه چین و خطا سیاه قلمه صورت نما
 اولدوغی تمنا بی معاینه ایتنه صنم مثال صورت بی جان اولوب حیرتن دیواره

وصف نقاش

وصف نقاش

طاینبور

طاینبور قوری قورودی قامت دلدار تحریک ایله خیال رفتار قورود و هوس
 کل زینایه نقش ایله بلبل وار هر طرفدن هزار آه و زار اولورد **کلمه**
 یزیدی نقش یاری فی المثل کر کورن دیردی کار و روح مصور
 ایدردی کشت کلزار جاسایه یزیدی صورت آب روانی
 غلطه لی اولق تقوید شتاوران دریا ایله شنا اولغیر ریشک عتسه لک اولق
 انق دخی کامر قرسان اولوب مانند راج دریای عتانه ایغی التنه انکشدی
 بوجمله ایله سفینه اچک کشت دریا ایدرکن التنه سفینه انکار و بحر نظدن خوش
 لاله آبدار العذن دوشمز و دلدن برکن کتمز ایدی ستون افلام و بادبان
 اوراقله یلکین آچوب عثمان عرفانه دوشن طوغر تمشیدی اول اهل بدن سر بر آرای
 کورستانه مرحوم سلطان سلیم خان مانه خد سکر نیه ندیم اولو جام شراب کی دخل
 برنم غزنی و سعادت و سرور مثال ملازم حویم جلالت و شوکتی اولمسید
 حد و دغمانین ده صحیفه حیانتک نقش نگاری بوزلوب دیر جهان صورت بی جان
 اولدوق عالم عقبا به روان اولمسیدی طرفه هیئت خوش صحبت کمنه اید بونور
 لعل لبم اصردی دیو کر مه قائمه هسج اوله می افندی قییم کنده جان
 سرودن بالاتراوشن قامت دلبر کوک نارسیدم داخی بر چلقدق قنجدی و
 لذتینه لعلک بکرتد کچون دادنی باشن از دکن سکرک الدق لبوکل دادنی
 شکاری ولایت ایدر جان بیلندن روشن و عیان انکشن بر قابل جوان ایدی
 طریق علمدن مرادی قلم مثال ایدر مدکن طریق فر بوردن فراغت ایدوب
 متوجه سمت کتات اولمسیدی انق دخی نامراد و ناکام ایکن نحو جام جام
 اولدزدیق دکن جانک جانب عرفانه نازکانه کاهی شکاری اولغله انکار بخت
 غار یله سما و بلاتک نایتنه ایدی بوانکار مزبور کفتار بلاغت آنا نذر

ایکدر

در سین او قور کن قاپر ناکه کن بن زدن شیوه باین از برای وارسیه چار
 به عمل خسته گیرند و پوغوغا را بیدر کویا الهی کی جسته زاهد علمه
 جسته عتاک شکله بتر کر چه ایشی بدی بیزم ایشی شکو که وار کله
نوری لطیفی قوی اوزره کنی وطنی اولان نه قسطموندن در فاتح قسططنیه
 اولان مرحوم سلطان محمد خان زمانه قضاة عدالت عنواندن این ترک حکمه
 جهان ایندرا ای ایتوب ایفاری مدفون اولان عرب چلبی کالدیدر مصلحت
 قامت شهادت که او یکند و چون زدن مابینه اوسدی نه غوغا قلدی خراج
نوری قهر برای اعتبار و استناری اقره یکله ملک مقدار اولان شهر سوده اطوار
 دن ظاهر و بیدار اولمشدر نامی نورانه در نیمه زمان خدمت والد فرخ و کلان ده
 دامن در میان اولوب ذات بی عیدین نظیری مدت مدید و کثیره کاهی شرح
 مواقف و کاهی هدایه و کاهی تفسیر اوقلا مثال و اقرا میانه چلبی عنوان
 و شهر اولمشدی حقا که انواع علوم و معارفه معروف و اصناف فضائل و کمالات
 موصوف هر وجهه توفیق و توصیف اولمشد لایق بر ذات کامله فایده خدمت
 والد دن مرحوم خواجه عطا افندی به ارتباط اید و خدمت علیه لرندن ملازم
 اولد قده کلک طایق تدریسه سالک و عازم اولمشدی قرق ایله قسططنیه علیه ده چلبی
 مدرسی این طایق تدریس فو و فاقه سینه محل ایتوب طایق قضا بکر شد بر رفته
 والد فرد و مقام قاضی نام شرف انجام ایکن بعضی اعدا و آدی مرحوم غم و مناق
 ایند کرین خدمت والد رفوعه انا اید و مرعده کوندر و کن میریدون ان طایق
 نور آتیه با فو ایتیم آیت کریمه سن رفوعه درج ایدوب خدمت والد کسب
 از دیار رعایت و نوازش اولمشدی معارف و کمالات نهایت یوقدر جمله دن
 بچکی کنجینه راز کانه ذیل نامه سبعة بیاره نام ایکی یک بیت لوبر کتاب تحریر

اینشدر کنجینه راز کانه که سبجه ملاجانی بیدر اول کتا کتا اول می بود
 جمله اول اگر نظم کلام سبیلده بولور اول طرز تمام جهاید و بیج اید کور بولور کن
 بهر لطایف اوله تا نظم سخن شنگ کم اوله امری ذی مال بولور اولا اولور به دن بال
نور رسولده سینه اول کتا بیدر معراجینه انک اهل سیر یاز دیر نیمه محبت د دفتر
 چانوب بر نیمه قاضی عیاض یاز دوغن اید مدد افی بیا نه بخاری نه صحیح مسلم
 هر بری بلدی چون راهنی کم احمد جنبلی چلبی ایک لیک تحریری اولوب بیدر ک
حضرت مواجهه قضاة عدالت این سیر نیک چون سیر ملک فدا ندن اور نور بد عینک
 مذکور کتا به دهره تشبیه زیور حسنه محبوب مال اهل دل بول اید در عرض جمال
 کر چه کم جامه سی روم اسکی روشنی طریح مجوب **نوری** علما و روکنه اثره افانی
 مرحوم و مغفور له عسکری افندی یک قویا ایدی طبعک تحصیل علم و کمال قبولی
 او کاعلمه مرحوم و مغفور رستم پاشا پیشکش و میرشیدی وزیر مزبور کاتفا لطف
 موفور به منظور اولد و غنندن دگیر و بخور اولوب اکل برش کیفیت و خوشوب
 بو حالت دخی کمالن پوشش بلای اقبوله کاری نام اوشن اید چون مهره کیدوب
 آفتاب عمر نیک نوری زایل و خشم جانی اول یارده غارب و آفل اولد مرحوم
 خیر الدین پاشا قسططنیه محیه ده چلبی حاکم و یکله نام و سینه خاص عام اولد حاکمی که
 قبه سپهر پاشا کاکاش فرش اولدم دیور شک ایدرد و مهر و له اولد عامه
 جام اولق توفیق اولد دین سن بر شک ایدرد بنا اید کن اول زمانه اولان حاکم
 بلاغت طراز حاکم مثال اولد عام به انبازک شخار مدح و ثناء سند آشیان ساز
 اولد قش شاعر مزبور دخی تمام مذکورده نیجه ایتاد یوب اطرافه خط خطی اید یاز در
 بوبیتی دخی قایو او سینه کتا بت اولمشیدی
 کلشن جسته کونراستین غلامه میر کور یا سیر ایلون حاکم

مرحوم عاتق علی بن ستم ظریفی طو توب ما جمیع کونرا اظلا خطا عظیمه در دیو و دیو
 بچین و جمعی کوثر دن لایق اولم پسند خلعتنوز یا جامه کوندی قوتو تورعی آفرین نور خلعتنوز
نور شهر فلک آباد قصبه بلوادون ارباب قلم و حدیث زنجیه علم و کمال از مالک
 نصایب دیوانه نقش و ابدال مزاج تند صحبت و صعب مزاج اشغاری و افروز کوشی
 در دله زرد اولمشیدی بکر مزایو اکی فلو با ششم بر بر آل تنیدی و لایه مالک
نور حقیق دکنر بقدی شری افندی رشونیله درم کم اوینی تکی سری بقیه
 محضر ایدرافندی جعفر نیز ایل عالرا ایدر که شله حقیق **نور**
 روم ایلدن خاک غنر سرشته نظیر او لپن قصبه پر شته دندراست بنوله مزاج
 ایدوب بعضی ایدر او وزانک خدمت و صول و شرف صحبت مشول ایلر سلک بندکان
 صاحب قران جناب سلطان سلیمان خان و خوال تمشیدی بعد شنه آده کان ایشان
 میانن او ناغی گبی هر آمد و کلتا سب طشتن کفال هر وقد ایکن تند باد اجل ایلر
 منزل محل خاک لحد اولان شنه تاج و مجید مرحوم سلطان محمد سنجی خه حقیق قدس
 بخت اچان و اکابر ایلر انکا کاتب سر اولمشیدی آخو اول در بای کرم و خان ایزر
 اولان شنه علیشان عزیز بکر کران رحمت رحمان اولدق نیه در دولتنه
 کاتب دیوان اولمشیدی مرحوم سلطان سلیمان خان سوبه ظریف و اندک ایکن
 کاروان جل ایلر عالم فادین ایدوب ملک بقایه روان اولد کثرت اکل برش
 وافیون ایلر بنوی خون و حاله در کون اولمشیدی بوخه انکدر
 صاف دل کبی کلو مجلس ندانه صفا اغزی هوین اقدیر کور لب طایانه صفا
 صوبه قونش کلک بکر زده منی لدارک ایچکله صو ویریک اغزنه ندانه صفا
 چون اولور جامی میک شکر صفا کثر جام سبدن طو لو اوله نوله منیانه صفا
نوعی افلا حدائق ریاض بر صفا سی نمونه کلستان فیما انرا من عسل مصفی

اولوب هوا جان نواسی وصال لبران کبی دکن و ساحه پر ملاح و برک کوی جوان
 سمبران کبی دکن مرغی اولان مغلو دیگله نرزه دنیا اولان قصبه دندر نامی
 یچی در جناب ملهم با صوابدن یا یکی خدا کتاب ندانسه کوش جان ایلر استماع
 ایدوب غایت ثوق و نهایت الساع ایلر تحصیل تکمیل علوم مستوفیه سمنه مالک
 و نصایب معارف کلیه و جوییه بالغه مالمع مالک اولد قدس مکر مرحوم اخوین محلی که
 مدرسی سیمانیه ایکن بودار فایه دن نقو جنات عالییه انتقال ارتحال ایشیدی
 مدرسه خنوره یه مدرس اولدق خدمت نریفلدن ملازم اولوب کت تدرب
 سالک عازم اولد در حال خدمت مایه بوجله به املا اولدق مدرسه رفعتی نرزه
 سلطان مدرسه سی ایلر رفوع و علی و پائیه قدر جمیلی اول منصب جلیل ایلر رفیع و بالا
 اولمشیدی حقا که ذات سوده صفات کمال فطنت و حسن فطرت و صفای ذهن
 و ذکا طبعیت اوزره مجبول و مخطور صورت خوب و سیرت مرغوب صفات
 جمیع و سمات پسندین ایلر معروف و مشهور تکمیل معارف و لطایفه مدام مشغول
 اولمخله بنی نوعی میانن ممدوح و مقبول زمانه مزده قدم جودت سلاقت مدارج
 بلاغت و فصاحت ارتقا و کمند دقت افکار ایلر کسار معانی بدیع الآثاره اختلا
 ایدن فرقه فصحی و زرخ شوا دن و انوار جمال مقایه رنگ روشن انرا ایلر معانی
 ولای اشعار لطافت شعاری و شاع قلایه عروسان لطایف اولمخله کانه دوران
 و شهره زبان و زمان اولان جمله بلغا دندر کلام بلاغت سمایه اصناف صنایع ایلر
 موشخ و اقسام لطایف و بدایع ایلر موشخ معانی بدیعه حسن ایلر بیان ایدن
 و خواننده درون لطافت مشخوندن صد و عدد دن افزون بجه در مکنون نادر امن
 آخو الزمان ایدن شاعر سحر در میدان مصاحف نیرزه خامن الالوب جو ادب طبع
 پرا بجا کانه جولان ویردکن قنقش و در کرا نخله مقابل قله و حقه بلاغت و بیان

یکرا قلوب پراذغانه منزل ویردکن اسبج نامی بولور که اسکل مبارزه یکله وقت
معاینه لطافت ادایه شیر و کرکی متعاج و بر مکله کلمات زینتی غایت خوشتر و شیرین
ایر و کجای غناد و بیاج و کلد بر سینه بود که نفایس امتعه کلمات ایا بی
ایله ملو و مجامع و محافلدن بریر اولر که این ایات مدایح ذات و صفات منور
و منلو اولمیه لاجرم بوندن زیاده مدح و اطرا ده گفت و گو ایتمک محض علود در اشعار
بلاغت عنوانه غوامض از خواه زمانه باش اکرش طبع با کمالی بوقن بر اجدالین
کارنی کماله ابر کشد مرتب و مکمل بوان بلاغت عنوانه و صغیر و کبیر میبندد
شهرت بدین اکرش انار بید و کرانی وار در حال دخی دست کو هر باشی نیکه کلمات
لطافت سمانه طور یوب بر فودن و طبع معیار پینه سی تیشه اندیشه الیرکان عرفانی
هر زمانه فارمن در بوبر قاج کلمات امتعاج مشرق قلب مطبوع غنن طالع اولاد اولاد
وصاله وعده ایتمک فراموش ایلمک کنی مد در روح روانم کل اولدن وعده مزیست
اگر کلد راکر فاجفایر دایم عاشق همان طفا ایله غنیمت کو کلدن مرز کم سید
بزرگ صورنا اولدک ملایم وعده ده اما در بیخای کل تر خا و خیر قوی بر کسید
وصاله ابر نمیش عاشق جسم اولان قبوکن اغلیو اغلا یو جانبا ایشیر بست
او قویب یانکه طو کمال اوزره یازورنی سنجون کندوسن الیرده نوعی داستان
اول صتم رفتار یله بر سر و بالاد کیدر یانته افتاده لاد و خوش نماند در کیدر
سنگ خردنک اولق با که شان اولدن کیدر غنکه اغلق ایلمک خندان اولدن کیدر
اجلدی لاله و کل بیبل اولدی خوش بوس یوالنر سه عجیبی کو کلدن داغ بوس
نه قاره قوللنگ اوله افندی اثر اوزره قلم مثال دیر کس بنی کاتبه کس
تو بیاید چشمه اول ای اهر دل عالیجا بدرا و برزم حیدر مد کل
ایلمک سنگ خزاری بنم بار کران عاشقه کشته یار اولد و غنی تیغی شان

کیوب اول نوخ سید چوده قبا کیلکون ایلدی نازله کوز مردمنی غننه خون
دو کندی نقدا ستم کوز لرم غودی پیرلیم جوانم با که رحم ایتمی پیر اولدم فقیر اولدم
صیوب آینه قلبی بوزیر جانانه دودردی بزرگه اولد فاسر زیند و کج پمانه دودرد
چوردی باشدن کچه دلا اولد و ایدر ایدر همان طفل انگش بر مرغ سرگردانه دودرد
میان سبزه دن آجلدی غنیمت بندی کناره غم ایده لم اودنه لوق کوز لکندی
ملک نمایل اولوب بال سبزله هر شاخ لطافتیله جهان عرصه جهان کندی
باشه ایرشدی کو که رفعتله هر دونک حق بودر کم فنی الجملغی وار کردونک
نزاری سرچشمه زلال نذر نظم اولوب اکثر خلقی صاحب علم و فهم اولان شهرت
آیین قصبه پر زین دندر مقدما تحسیر کماله اشتغال ایدوب معارف و لطایفدن
اکت مجال قال ایتمک کلک قصبه مزیده ده کوشه فراغت اختیار ایدوب توشه
قناعت ایلد روزی که چوب لیل و نزاری معروف جبارت صفت باری یکن **کشتیه**
کوفه سیدی تمام اولدی نزاری صاحب جلدی باد مر کیکله نزاری بوشا مرز بوزر
صوره مندر میان و دما نکل حالنر چون بوق نتیجه کجی قیل و قالنر
بار کران ایکن میره بو قلبی جاننر طاعلر جبه غم یو کینه اولامی جمالنر
بو کون سر و سر فر از مصلحه او کیم یارن روز قیامت نه منت ظل طوبایه
بوغلی می خلقه منته بودر بی وفا خان اولد و غندن با که نه شاه دوران اولد و غندن با که نه
مور و شش پال بوختنم ایل سلیمان اولد و غندن با که نه
بن کدای شهر او یچی بر عزیز مصره سلطان اولد و غندن با که نه
نالی نهال جو در صفا و شاد طبع لطافت انما سی باغ و راغی روی گلشن
کبی نازه و ختم و گلستان بوستانه رنگ ریاض ارم هوای غم زدای غدا
بخش نیم بهار در یاجین روح افزای معطر دماغ سکان حله دیار اولان چروغ

برونداد ظاهر و بدیدار اولمشدر نامی جعفر و خانی مخلص ایلدند کور اولان فانیات فغانیل
 موفور مرحوم و مغفور له مؤید زاده دن صحن مدرسی اولدوق ملازم. ایکن اکثر اکابر
 واعیان بجوایمکه مردودا عالی و اعظم اولمشیدی آغکار هزار زور و زار ایل
 بیلونه نام قصبه ده نیال اولغلی مدرسه مدرس اولدوق اوغلی محمد بیک ایلد صاحب
 و منادم اولوب میر مرقوم سیر سبزه زار ایتیه جویبار کبی مزبور ایلد بلکشت و گذار
 و مهربار که هوای شکار ایلد سوار اولمشه شایین وار قولنج قرار ایدوب جمع مانند
 ضیابخش برای سردری و مجلس نشین صرافیه مثال دافع غموم موفوری ایدوب جمع
 موفول اولوب تیرهای سندن اولمیان بقیه اعیانک انعام واحسان ایلد شنبولون
 او تو زاقچه ایلد مراد پاشا مدرسه مدرس اولدوق صحن طبع اولان می پرتلک
 و شهد باز لک تعاضی ایتجه یوزاللی قجه ایلد غلطیه قاضی اولمشیدی اول ایا مدین
 شیره آفاق اولان مرحوم استحق جللی و کوسه بزین ایلد صاحب قران صف شکن
 سلطان سکیم خدمت و اردوق اولمشه ستوده خصال مزبور رک فعال و قوال
 راضی اولدوق مردودا عالیان اولوب مهربری شایسته قرب شایان
 اولدوق شک تفصیلی استحق جللی ترجمه سندن بیان اولمشدر اولان نامی بجوایمکه
 اعیان بنامک بعضی صدر عالم مقام اولدوق قصد انتقام ایلد مزبوری موفول
 ایتمشیدی بنچان بلای عزل ایلد خدول و محنت فوق و فاقه ایلد خردون و ملول
 اولوب آغکار جان و کار دستخوار یتوب جناب صاحب قران بیخ خیرت سلطان ایلد
 احسانه جو خجانه اولون دیو بو قطع ایلد عرض حال ایتمشیدی مراد و مراد
 سوال اولدوق اید بیک انچه ایلد خانی ایلددر اول قطع اولد
 کیم کبدن نکات ایلین سرگذشت حکایت ایلین اهل عیلم فقیریه سندی
 که دیگر عایت ایلین کاه نریش و کفاده یون بنچ ذلت دنات ایلین

بعده وزیر خاتم عطل مرحوم ابراهیم پاشا دفتر سخاسیر مرعی اهل مینه
 مرحوم سکندر جیبی زمانی اولوب محی الدین فندی و قدری فندی عالمک صدر
 عالیه قدری اولوب انکرک صلات و عطیاتی دخی علونه سندن زیاده اولوب
 هر کون منادمت و مصاحبت دن جدا اولمشیدی مرحوم مرقوم سینه الملک
 القیوم او عمرینه دک شرب شربیدن کیم یوب سغ صهیانی مدام الدن فواید
 و مرض نقیر مبتلا اولمشه عصای پیر اندر دیو عرقدن بر قی ایلد کور سنجیم حرکت
 اتمزیدی راقم الحرفک غمی اولان مسلمی فندی حکایت بیور لریدی که او اخر
 عمرده سیر و صحبت دن قلوب باران و اخوان ایلد ایلد کشت اولمشه امکان
 اولمشین اوزون چار شوده صقر قیصر ایلد بر دکان پیدا ایدوب انده
 اولوب انده و روزده بی تماشای ایدردی بو حالد ایکن نهال عمر کد نچه
 زمان سموم مرض و پیری ایلد خشک سال اولمشیدی تند باد ایلدن ایلد
 برکت و باری پریشان روزگار اولدی اکثر اشعار و مقالی منزل بجو
 طرزنده عیان اولمشین سمنه طبعی اول و ایدین منصف ایدوب غنیان
 مهمتینی وادی جده منصف اتمکه امکان اولمشدر و اشعار انک گفت رنند که
 تحریر و تسلط اولمشیدی حماه کبری نازله بر سیم تن کوزل
 سون شویله و بیک سیری بوت مکه کوزل صویدی فندی غنچه سکنه سیر خانه
 بر سونی فوطیده ادکل پر بیان کوزل فوجیز کوزل فوجیدی و شمس سن خالی بی
 ایکن کوزل سن ای ایکن کوزل کوزل کرم اولوب سن صنم کندی و استمع اچول
 کاه سمور کوی نافه کیر نیم تنه بیساع اولد که یا بیکر که کوزل لکیم
 شعل پر شمع کیدر کیمه لکیم ای نهالی سکا میختره نگار کچی
 بهشم چون قتی اسکاک ایدر بنم تنی

نهال وجود مرغ و معنی است . و کمال سنان و یکله شهنش جهان اولان قاضی ملک
 کستان وجود ندن کشیده بالا اولمشدر . نامی محمد در طریق پیر نوبی ملک ملک
 اولدوقده دیوراد دور و دراز جانکاده قطع مساک و طلی مهابک ایستدکه سترگ
 تعلیم و افامه اولان مولانا اعظم جامع العلوم و احکم لطفی بیک زاهر
 افندیگ شهرستان فضل و عرفانه و اصل اولدوقده قند یا کمالینک مقدار
 مراد و مرانی حاصل اولمشیدی مولانا مزبور مکه مشرفیه قاضی و حاکم اولدوقده
 ملازم اولوق امبدلیه رکاب سعادت رضا بلرینه ملازم اولوب اول ذات فایق
 ویر کریده فضل مغرب مشارقدن سایه مثال مغارف و کلیدی مکه مشرفیه
 مولانا مزبور یک بعضی افعال و اوصافشیدن ریجیده اولوب شهر بهار طبع
 محتارنی کشیانه استانه لرنیدن ریمده اولدوقده ملکیت اعدا و تعوض دست
 حت دون اختر از انچون مولانا قاضی سینک حرم خدمتنده ایشان ساز
 اولمشیدی مولانا مزبور دن ملازم اولدوقده نصکره دیار و موه عودت ایدوب
 مدارک فنون و علومه مداوم اولمشدر حالا ادر نه هر یک یکی مدرسه سنده
 متصدی خدمت تدریسده مقام تحصیل تکمیلده و ایم العکوف اولمغله
 فضایل و کماله معروف و موصوف افتاب معارف شکاثره سی لامع و خشان
 و محاسن باطنه و ظاهره سی کون کبی ظاهر و عیان اولوب نهال ذات باکمالات
 بوستان فضایل و معارفده پیر برکت و یار اولمش و قصر وجود فلک مثالی
 انواع کمالات و ایلایف ایلایه بر نقش و نگار اولمشدر بو اشعار انکدر
 خدک کجی بر مرکب کل نراله کیرمز . خدک کجی بر شاخ صنوبر الیه کیرمز
 مرآت و علی عکس رخ باره کیرمز . حکیم بوید کلستان مصفوره الیه کیرمز
 کوسته ملک اولوردی بخیه اولورین اوچک . انایزین راحه ویر الیه کیرمز
 بنکلیک

322
 بنک کجی بر جان حصفه جالنده اولمز . نیزک کجی بر اوسنه و تر الیه کیرمز
 ایدردی نهالی او مهک بر معنی و صفین . یا زماغده او بجه قلعه الیه کیرمز
 بر ابدی نقشی قسبده صورتا . ولی زمینه دوشوروی الی زمانه بنی
 نهالی رشته کجی بکوه لرنه غم قدم . هله صراره اول غل ارغوانه بنی
 بوغینک علیده جامی کجی صافی درون . رشک زکات بکله انکده بغری خون
 بزم خورشیده ضیائش اولجوش . ماهدن قدری بلند اولدوقده کوندن روشن
 سویم بهجت نظری کون که در جهان . هرگز زنی کسی چوچ افند کس ندید
 چون رو بستان بلند شمایوب . باید سر نهالی با وج فلک رسید
 شرجلال الدین اکبر مکه مشرفیه فقر او مجاورینه جلای نام علور یلای
 و انعام ایلدکه بو نصیده بلاغت شعاری دیوب اول دیاره نهال
 ایشدر بو بر ایکی بیات اندندر . حریفان نظره بر جلال نو دارند
 مرادل جمال تراکشته مظهر . چه خرم جالیست ما احسن اصد
 چه معظم جالیست اعدا کبر نهال . قول اصلندندر قدوه ارباب
 فضایل و افامه اولان مرحوم حاجی حسن زاده ملک و الشمنده ای کو
 بعده بنا ایتمده کی مدکسه به دخی مدریس اولمشیدی استنبوله صد طغی
 پاشا مدرسه ندرتس ایکن ارباب صلاح و تقوی ایلایه انیس و مشایخ
 و سادات ایلایه حلایس اولمغین ترک خدمت ندریس ادوب عازم
 طواف بیت امد با صفا و ر و جمال روضه رسول محبتی اولوب
 سعادت عظمایه فایز و دولت علیایی جایزه اولدوقده غایت
 دروق و نهایت سرور و شوق ایلایه فداء دل و جانندن خوف و بیم
 اتمیوب . ایددی مولی سینه جانی نهالی تسلیم و کار

و عشرین و تسعاً من بورک کلمات و ابیات نده اول و کلو لطف و ملاحظ
 حرمی و منظور و کلد در تفصیل احوالی کتاب شفا بقده مذکور و بورک
 علی الصدر غالی مشهور اولوب بعضی مجموعی از هر چه در مظهر در
 تا کم کوری طلعتی کی ای بوزی شمره **ارمنی که جسمی در انفر سام و سحر ما**
 ام در دیدی دل العنی در دینه دیدی که **کرم اولم لیکن بنده کی اولد ر مکه یارا**
 ار ای جهاتد بوزک ای دیر و کش **شکات نمه که اولد رسکه تاج سوارا**
 ارادی کو کل بولدی سنایک **نخوش خوب خدود در درخی کل نشی با**
 آی بوز لولرک مدی چون شکر **یا لون بو الف باده لون قلب قل لث**

فر بو شمره مشهور دخی اکا اسناد اول نور
 لاله رحیفی قریل جیکه بیدر که **جیکدی سوسن جیگر سنی سبیلر که**
 راضیدر لاله تا جن باده دیر یار **یا سمنلر حق بوز طوتمش الهی لرنکه**
 ای نهانی چار یاری سوزمک نشقنه **باینریدی مشه بول اولم تبا سبیلر که**
طیغی تذکره الشو کسده و میشد که **مخلص غزل مزبور هر چه و باینرید**
 مذکور اولوب سلیم لفظ اشتنا و نهانی بیگانه اولمسی ایله تغلیط و خریف
 خفیه بهانه اولوب غزل مزبوری مرحوم سلطان سلیم خان اسناد
 ایدر لر **اول ذات سنجو اخلاکات** نام شریفی طور اوق و نسیم
 عنبر شمیم باغ و راغی و باغ سکان جهانی معتبر و نور نور استی و مرغزاری
 دیده فلک واری منور ایدن و ارالد و المینه جمینه ادر نه و ندر
 میر جمشید ابین مرحوم دوفه کین زاج قاهره طاهره میر میران ایکن
 صدر الشان سر بر عتاق مرحوم سلطان سلیم شانی خد متقه ریاض
 شهر معنیساده فیدریاست و سلطنتدن سر ووشن از اهر ایکن

مسکه

بیشکشت نامه و هدایای بیکرانه و شایسته جناب شهر بار کامیاب
 طرف تحف بجد و حب ایله حضور موفور الجبور لرینه کوندر دکره جناب
 شهنشاهیده مظهر الطاف و اعطاف نامتنامی اولوب وجودی و بیرونی
 سزاوارت سعادت بنا سی ایدوب مجلس خاص الخاص لرینه دخولان
 غیر می و اصل نهایت مرتبه قریب قبول اولمشیدی شهنشاهه مرحوم که دفتر دار
 ایکن فرزند اشع با نیزید خان سلطوت تیغ جان ستاندن سراسان اولد قده
 امنک اوزر بیجان و خراسان ایدوب اسل سنت و جماعته باغض اولان
 ملا عیان و روافضک سر داری شاه دیو کرداری اوم صابون سزای
 تحت و اخزان اولان سر اینی و ارالامان طمن ایدوب واروب
 انده همان اولمشیدی اول ظالم مسافر لازم اولان رعایت و نصیحت
 ایکن ماحضر زمر زقوم امانت چکوب اکرام صیف بیرینه مظالم و صیف
 و مهمان دارلق بدلی بر دارلق احصا ایدوب کمان کبی اول بد کمان
 اگر ملک و خنجر که یکی بوزنی لک انمشیدی و نهال جوص مالی زمین
 مال اولالنه دکشیدی و اول کور اوله جوق و مالی کور قیر طولدر اجوق کور لرینی
 اول شهنشاه ملک خصاک مال و منالنه دکشیدی که شاه کابوس
 شهنزاده ملک جمله اموال و سبانی نهب و غارت ایدوب کند و سنی
 دخی مجوس انمشیدی فرزند استی سلطان سلیم خان دخی سر بر سلطنتی
 مشارک مساهم و منازع و محاصره کند و به سلم او مفسحون سلطان
 باینریدی فصل اندر مکه طور اوق طیبی بی اول شاه عبیده ایچی لک ایله
 کوند مشیدی مرحوم زقوم دخی شاه خدول و میشوم واروب رازده
 چوقی مباحثات و محاورات اولوب پنجم دفعه اول غریبم خاص حامی

الزام و انعام انشدر جمعه دن بری اوله که اول قوم می رواج کلامی
 و دسترنده اولان نایم بزم ایمان در دیوانه زو اینهاج اندک نکرده مرحوم
 مفوم دخی ظهر بونا حیده بیه کیمتوب کوفه کبی نایم و سبایله دفن اولما و نکون
 جای عناد و لجاج و کله ریس بونفد بر اوزره دنیا دن ایمانسنه کتد و کله
 دلیله محتاج و کله ردید که جمعه سنی ملزم و مجموع اولوب بکند اوجده ابا و نا
 کلامدن غیری سوز لری قلمشیدی حفا که مرحوم طو راق چلبی غایت سخا
 و انفاق ایله شهره افاق اولوب انعام عامی تبرض غلام کبی و اینم اولمغه
 و تشنگان خرو حرومان اولسنر کاب سعادت افرانه ملازم ایدی اول
 ایامده اولان شعوالی و اینده و روزنده بچه فقرای ای احسان حسابیله
 مغفور و سر بر نیک خاطر ویرانی انعام و نوازش سبک انیده معمور ایدری
 سیر می و ایدری که باران احسانی انده متقا مله اولمیه کونمی اولور و یک
 ابر دست کهر پشی تشار و اثبار جواهر و زواهر فلیمه جملا حیات دزد
 وزند کاسیدن بوزمان غده آرده بهره دارا و کیمی معلوم و ارباب نجارب
 حال بهانه بجزوم ایدی خزان و وقایع ایام غیشیش دست انعام و
 و فائزیدی و نهانی و میس اول و کله جوم نفیسک انفاق اولسنه
 نخل فکرمیدی عاقبت اول زنده ارباب جاه و جلالت جسم زمر زمانه دن
 عین الکمال ابروب بعضی اصحاب خلاف و شفاق اجتماع واقفا فک و دروغ
 بی فروغی شمل فتره و اختلاف ایله حشر و افاق مرحوم سلطان سیما نه نفاق
 اندک نکرده طعمه شمشیر سیاست انیمکله کام دل و جاننی مزاله افاق انشیدی
 سنه طغوز بوز نیمش ماه ربيع الاخرک اوچین کونی یوم الاثنین جم
 دیوان ۷۱۰۰ سیما بی فضل اولوب شهید از مره سنه احاف اولندی

جمعه ناسندن اولان شاعر ساعر علوی بونایخی دیوب مجلی عبیه سابق
 اولمشیدی **تایج** ایله حق که مبنای طو راق جناب سعید شهید اولمزدن مقدم
 بونزال ایدار له راز نهانی اشک را نیمشدر **شعر**
 جان اولدی شریک من مقصود نه وصال مشهور در الدال علی حسیه کف فعل
 قلمومه و لیل اوله نولا غم که لفلک سلطان غم عشقه دل اولدی منزل
 ای قاشی کمان نیر حوا و دندن النفر بیجا ناک ایله سینه هر جان اولدی بکدل
 اولمکه کشی عالم اسرار غم عشق تحصیل علوم ایله دن که نه حاصل
 ظلمته قالدور ک شب بخت **شعر** امم شری اولم که س که مشاغل
شعر اول سر دفتر جود و کرم شهید اولمزدن مقدم هر دفعه دخی دارا لطفه
 العلیه به کله که خدمت والد علی الشان مزبور می ضیاف ایدوب دعوت
 ایچون بونزال کوندر مشیدی **شعر**
 روشن انسه بوکچر شمع زکانه مری لیسنه شوق التنه بودل ویرانه مری
 زاهد ابر می و پیمانه بی ترک المیز ساقی دور مکر طوله و ره پیمانه مری
 شب فرفته اکر زنده قالدور تیره لکدن بوله مزینیک اجل خانه مری
 طوبیسون کسمی کل بوکجه روزه و روشن ایت ماه کیمی کلیمه ویرانه مری
 ای صوچلری نه چهلری زنجیرک چونکه ضبط ایده مز زبردل ویرانه مری
نیازی بلدان جهان اچره مانند لیه محتار تو صیف و توفیق عشاق سحر زده
 مستغنی زنی نیاز لطافت هو او غد و بیت ما ایله بی شریک و ایناز اولما
 شهر بدیع الکسوب فضیله سکونیدر شاعر بوز فن موسیقی ده ماهر اولمغه
 اکثر یا مرتع کو اولوب مجالس و محافله مر بعلری متلو ایدی مرحوم حیالی
 بیک صاف خانم سخا ابراهیم با شاکت بزم حیاتی اخر اولوب مجلس غم نکرده

جام تمام دایر اولد فده غایتده شکسته خاطر اولمغین من بعدک نه کتاج
 انتابنه سرفرد ایمیوتوب ملازمت اصحاب دولته حرص و غلو کوسه مشیری
 برکون نیاز نیک مر تبیری ایاس پاشا نیک مجلس دکت سنده او قد فده
 و او اثره بلاغت و بیانی قول اغنه طوف فده خیالی به رفقات همز بوری
 زمره سپاه خلف پناهدن ایدوب خدمات جلیله و عطیات جزیه به
 مظهر انیمشیری اول اثنا حروری نیازی خباب کار سازه سوش
 و لو عالم تحت و اخر اندزه خدمت ارباب دولتمدن کرزبان اولوب درگاه
 خالق فی نیازه یوز او ریشیدی اگر چه زماننده مر تبیری مشهور او کوب
 قبول اهل اصول و وصول بولشد رکن شمدی اولان نصیفات
 و مر بعلیه نسبت تقویم پارینه مصوله سی اولشد بر بو شعر الکر **شعر**
 گوشه غمده خیال یار در اکلخه من بیل عشق و لا کفر اردر اکلخه من
 عمر کویغ اولسو غم زلفک بفر اکلخه من افسک اولم فنده لیس و اردر اکلخه من
 جنت فردوس ایچون زاهد کویغ اکلخه من ایکی عالمه معاین دیدار در اکلخه من
 افیدب کوز بیشنی بیل لالیوز بر بوزی کل سر و خوش رفت در اکلخه من
 کج فرفنده نیازی کاه غمده کاه الم کاه وصف یار له اشعار در اکلخه من
مع هوای عشق و لیردن کلمر بلا و درد و غمندن چکلنر
 نجه پند ایدر سراج اکلخه من بکلنر بودی کو کلمر کلنر
 ینه بر یاره مفتون اولمش آت غم بویله غمرون اولمش آت
 طو شوب طفلاره مجنون اولمش آت بکلنر بودی کو کلمر کلنر
نای بلدان ولایت روم ایچره مانند شمع شب افروز بلده جنت مثال
 و نصیبه فی الظلم و مهال اولن شهر سیز دزدندر مثال حکم و فرمانی جمله جهان

برق حاطف مثالی روان و تیغ بی دروغ قهری روی دشمن غدا ره مساعفه
 اتش نشان اولان مرحوم بیدرم با یزید خانک شتر پسندن ترک فدا سی
 غنیات و فصاید سبکرائی و شهر نشاه مزبور نامه منب و مکمل بوانی
 و اردر احمد پاشا نیک اکثر فصایدی اکا جواب اولشد در مر و زهور و کور
 اعصار و شهرور ایدمش عمر مزبور کتکلمانی نیای منیب اولوب موصوف
 صفت کان لم یکن شیانده کورا اولمش در بو اشعار انک گفتار نند که
 زلفک کججه سندن با شمه کون طوف غمده
شعر تحریر اولندی
 تحقیق ابر کرکته اللیله حبلی اهوئی ملک چیخ یلکندن امین در
 بیهلک سایه سی ایدم لی ملجا اهوئی ملک کوروی سحر شیر لوانی
 خون جگر نندن دم صبح اولم **نای** نامی عبد الرصم در شجره پرنه زوال موبد
 بر بخل ارجمند و اول دودمان فضایل و عریانندن هر نهال بر و مندور که
 بو ایامده شیخ الاسلام مفتی الانام اولان حایه فضیلتی الفتوی و الفتوی
 جامع سعادت فی الدنیا و الاخری عالم و فضل خیر کامل سجع انواع الفضائل
 و الفواضل مولانا العالم العامل شیخ افندی خدمت نیک فرزند و لبند
 هنوز و اصل سن شیب اکبر جانز معارف و فضایل محاسبه اهل وجود
 پیر افضا نیک مطمع علم و کمال دن بر و جمله طلوعی و اردر که مامولدر که قریب
 الا یام بدر کامل اوله و افتاب عالم ناب ذات کامیای نیک مشرق فضل
 و نوا لدن بر حاله ظهوری و سطوعی ظاهر و بیدار در که موجود مستولدر که
 اقرب الزمان ضیاعش عالم فضایل اوله حقا که محذوم خوش طبع و نیکو خصل
 و شیرین شمایل کمیل جلایل معارف و خضیل کماله مشغوف و مائل در
 سایر فضایلندن فتنده بوفنده و خی افنداری و عین و موشع فلایند

و اسفار بعض اناری وار در بو شعر انک گفتار در دربار نند که بختیر
 و تسلط اولندی **شعر** زلف و رخ جلالیده لیل و نهار
 سیرم همیشه سبیل و کدر و راه **دل** نکلن خج و لمبه عمان غمزه کم
 اعتبار او سر و قدری دما دم کنار **قدم** خم اولدی بجزله طوق اولدی طاقم
 صبر و فرار فالما دی بن فی سحر **بل** کیسی بدک اول صنبک و صندلی
 بر بوسه سنده الیمک روزگار **لا** یقیمی ای کل اجل سن غمزه سن مدام
 بسیل کیم نیازی فاله اه و زار **اومده** دون خاطر عشق فی لطف اندی الله
 دل محزونیمنی اکام و غمینه خلایق **بجار** اشکمه غرق ایدیوب درای جویست
 کوزه بکدر دم ای دل صبا کی در لای **مکنی** که میوه و صدک اوله نصیب
 باغ وصاله طمع خام ایدر رقیب **نیل** عالم وفا منل خیر کامل مهر جهان
 فضایل بدر اسمان حسن شمایل مظهر شرف فنون مکتبی منار انوار
 علوم و ادبی مرآت جمال صورت اسحقان مزاج ارواح مکارم اخلاق
 خاطر فضیلت مفاطر محسود و محمول عشره روی و لجوی فضل و کمالی
 ماصدق کلام و جوه بومند ضاحکه مستبشرة شجره طیبه حسن اوصاف
 اینه تصویر حقایق الطاف و انندة مقاصد فضل و عرفان واقف مواقف
 تحقیق و ایقان اولان مولانا افضل اعلم جامع انواع العلوم و حکم
 کلستان فضائلک نخل ارجمندی لطفی بک زاهر افندی حد متدیر که
 طفل تلم رضيع سمات که میوه مهر و دانه در حال فرخنده مال حضرات
 ستود صفا فی کلام و پذیر ایلد تخریر ایند که ذات و فضایل شتوی
 پایی تختک ایلد قضا را از میردن معقول اندی نام مجد لری محمد در
 برادر یمنی میلی مختص اختیار امکین بز و خنی مختص مزبوری شعار و توانا

دیو کوهم بر او لور ایدی حقا که بر جزه باز بلند بر و از در که صید شوکار
 نذر روان فضایل و ایماکاری و بر و بجزه علم و افر و عثمان بیکران فضل
 مشکاز در که خار و خاشاک کدورت و حشونتدن سالم و عاری اولوب
 باران ببحار فضل و عوفانی کشت زار جهانده متناثر و منقاطر
 و ظهور انوار معارف بیکرانی مشهور و دیده خاطر مریادی و حاضر و محسوس
 حواس باطن و ظاهر هر مقیم و مسافر در هر محوم و الدفین شیان
 و حجت مکانک مجلس تحقیق و افاده ایفا نمونده حاضر اولوب سکت طلب
 فضایل اکتساب نموده منسلک و نفوذ وجود مسعود لری پورته تعلیم
 و ارشاد لرنده منبک اولد فقه مرحوم مرحوم ذکر مدایح و مآثر و نشر منقبت
 و مفاخر ایلد رطب اللسان اولوب بحال و حی فیل اکابر و افاضل صندره
 مدح و ثنا و توصیف و اطراف الی ایلد کوه فشان اولور لریدی فدوه
 اهل علم و نمینه مصر فضل و کماله پیر عزیز اولان سر دفتر افاضل فان
 مرحوم و مغفور له سنان افندیدن ملازم اولوب هر وقت محروم
 مدارس عیدة مدرس اولوب الی ایچ ایلد از نیقده بعده دارالسلطنة
 العلیه قسطنطنیه محبده علی پاشا مدرسه سنده نیای سرای فضل و کمالی
 مشید و مونس اولد قد نصکره تدریس مدرسه سلطانیه بروک ایلد
 تشبیه مبانی عزت و علا ایدوب اندن صحن نماینده به جمال ذات حوری
 سرشته مشت بهشت کیم انواع بهجت و سنا و یروب بعده از میره
 قاضی و حاکم اولوب حکمه حکمه شرعیه مهینه اول محذوم کزین و ذات فی
 عدیل فرین خادم اولمشلیدی چونکه غنچه معنایی ذات فی نظیری عفت
 بخش پیر انیمسی مقرر در بر ایکی کون باغ جهانده و تنک اولسه غم و کلا در

و خباب با عقل و فرستگاری ابواب مجد و معال مضمون اولی محقق در
دست بخت بر زمان قابولی اجمعه صورت خبک کوستره جای الم
و کادر لعل کوستره کانه پشته اندیشه سن حکیمچه فروغ بخش نام شایان
پیر اهرام اول و لولوی لالا مصیق صدق و نغنی دریای طمینن عقد حواله
انتظام بولر خلخال زرین ایاغنه دو شمشکله به کسکه نقصان کلر و کوم
زکین خاک نشین اولمغه حسن و به کسکه زیان کلر **شعر**
کر بهار بخت پشید بار بخت جمن چنر کلر سر کشی ای مرغ خوش خوان
شعر من بعد مامول و مسکول که افتاب رفعتی محفده کسوفدن
خلاص بولمغه اوج غمره لامع و مستنیر اولوب کوکب بختی که حاله
اجله رجعت ایشدرینه یولنه کلوب استقامت پذیر اوله متوقع منور
در که من بعد مناصب علیه و مراتب سینه به نعلی و نسق الیه اقران و اشراف
نفوق الیه هر چند کمان لبساط کلام نبردی اسفاره و ایرام و یازوی
کتابت و استخدا ام الیه بنا کوش سعی و اهتمامه دکن کشیده اوله سهام پیا
مناقب بجد و ارقامی نشانه هرف اتمامه بر سیده اولمق امر محال و جناح
معالی جناح طایر مقال پیر اضر شرفات شمع افصال و کالندو بهر و از اجمعه
زها بیت تعریف ذات شریفه و اصل اولمق محض خیال اید و کی صبح صا
صادق سبک لاج و سوز عاشق کیه ظاهر و واضح در لاجرم بوندن زیار
غوائی معانی غیب علی الغلظ و حلل ترا کسب الیه استه و حیا م کلام
اطناب و اوند بختی و ایرام الیه پیر سینه فلفندی بود کلر فضا لیدن
فضله لطیف اشغاری و مصنع و مختل مطلع ابداری و ار در بوبر ایکی
اشغار اول فاصل نامدارک بو محیده به بحر پیر اولنغی چون اختیار

ایندوکی

ایندوکی گفتا رندند **شعر** اول شاخ سروده بیدی عبدل ایه لانی
ای باغبانی حقی قبول این خلائی قو شب وصل اولدی روزی ای کسل سینه
اولم نا کو ریمیم کره داخی روز جوانی می کلفانه کفیفه کندین اتمک نشیه
بجه و ونمک کر کدر نولم فرهوده فغانی امر غمگورب در اهرم و درین امر انک
کوزی بهشید رالنه درید رفوانک اولمغه یوی سنبلیکه امین
دوسم ایش شمال بیابن وصلکه ابو دو کم بعید میدر
و سیم اولدر که موت اوله یغین اولورسم اوخو انم ط شله خروابلسون
که زحمت حکیمه برپاره دندان سبکایا اینکنده اغلسم یارک کلر باک رقیب
حاله اینلر کلر بر حاله واروی غیب داغلم سوزش مهر کله یه قدم سینه
دلره عشق کنجی وارم اوردم اول کجینه به

حرف الواو **واحدی**

نامی عبد الواحد اولمغه مخلص مزبوری اختیار ایشدرم حوم قمر اود
افند نیک اوغلی سلیمان چلبی نک فرزند در کلبه ک رخساری رشک کلزار
ایکین روز کار زور کار اوراق وجودین باد ملاک و بوار ایل نار و مار ایشدر
طریق علمده دانشمند ایکین نوبه و انابت ایدوب مشیخ علیه زینیه به ارادت
کنور و کدن صکره عالم عصبیه نقل و رحلت ایشدر بوم مطلع زاد و طبع در
رباریدر **شعر** ایندور رخنده لک لولوی لالاسیرین
کوستر لعل لیکت ساغر صبر بیکسیرین **والله** اورنه به قریب ارکنه کوکب
نام نصیب دندر حوم سنان افندی صحفده مدرس ایکین انکرت الشمندی
اولوب طریقیدن فراغت ایدوب مشایخ بخت بزدن دست انابت ایشدر
طریق صوفیه هر خلی کوشش قلشدرم حوم طریق افندی خذ منته وخی اولوب

اندرین خلافت المشیدی بوبرقاج اشعار محققانه و ابیات تصوفانه
 ایک گفتار نذر **شعر** میجاوش لولولر بر کور را دیده در کور
 انی ضایع ایدر حیف که بمنز بنیاد و وار او فیکر که هر نکینکه اولان نقشی
 سلیمان زمان اولد که یوری کینکه خاتم نثار انیک لردل پانیه اول سر و مالاک
 کوزم کشی ایله جانم دن ارنق و الهی نم **شعر** نقشه سیر ایلمن نقاشی نقیون نقشه
 جاننی جان اسنین ویرسون لجان کجشکه **واللهی**
 هوای جان فرسی اعتدال کشیم هر رانها رزلال کردار ایله نمونه جیات
 تحری من تحتها الانها را اولوب بلدان جهان اچره دلبران خوش طرز و لطیف
 اسلوب کجی لطافت و ملاحظه شهر اشوب اولان اسکو بدینر نامی احمد
 قضاه سنجوهر صفاندن بر نیک فرزند ضایل سمانی در لوار دم و هام
 عقیل تکبیلی حاضر و اما هر قلوب حسب العاج طلباب سایر کیساک
 طریق استفاد اولد فده ضایل و کمالاتی پانیه درجه علیا اولمعین
 ادر نه مراخی نام محمد جلیزیک حده منته مدرسه سلطان بایزید خاتمه
 منصرف خدمت اعاد اولد فده نصیره مضب قضاه جمیله عبا هر
 خدمت اولمغه افضل عبا هر در دبو طریق قضایه سلوک ایله
 ذکر جمیلدرینه اشام رویه مشدر حفا که اخلاق رضیه و نحو امر رضیه الیه
 معروف فضایل انیه و کمالات فدیسه ایله موصوف ذات سنجوهر
 صفاتی انواع و اقسام کمالاتی حاوی و احادیث حدیث فضل جی قیاس
 و خبر مشهور و وفار موفورنی حاکمی و راویدر علی الخصوص کتب سبیل
 علم تصوفه مشغول و دیده خاطر فیض مظاهری سرمه رضایف مشایخ
 و اکابر ایدر مکمل اولمغه الش عشق الهی کانون در و ننده ملتزم مشغول

کلمات ملاغت نصابی رکوه شنباد که منور قلوب ارباب عرفان و اشعار
 بلاغت شعاری بر عود قمار می در که معطر مشام صدر نشینان بلاغت و بیاد
 کردن و کوشش و وسایم در و غرر کلامی و جوامع و امر ابیات پرتطبی
 ایله محلی و مرین کلمات بر صفا و ابیات دلکش ایله اکابر بلغای ایام
 و اعظم شعراء بنام دن ایدوکی مقرر و معیان در مرتبه مکمل دیوانی مصنف
 و محقق کلمات بلاغت عنوانی و اردر اشعار بر صفا سنی بهر دلیل رعنا در که
 خلق عالم جمال با کمالینک عاشق حیران و و الهی و جمله ارباب دل خط و خال
 بهینا لنینک و دال کاکل غنیه نمشالینک حایم و و الهی در حال ادخی بیل طبعی
 کاستان سحنه کویا لفده و طوطی لسان شکرستان بلاغته شکر خالقه
 بوبر ایلمی اشعار بلاغت شعار و فصاحت و تار اول شغرها مدار کدر **شعر**
 غم لفظه سیه شورسون یورسون سابه و ش عشق اری با کجی سورسون یورسون
 عاقبت چرخه دو قنیر سیه سیه شک اسبابی فلک و ارسون او کسون یورسون
 جام کلفا مله سنی سینه رفاره کلوب بزم گلشنه نهال کله و لسون یورسون
 ابر میوب سور و صالو که چکن مات غم جوی شکلی کیه طاشله دو کونسون یورسون
 باد قبل و الحیا و صفت خط و قیاس غزل کدر دیر سیک که او قسون یورسون
 یولکده شول قدر خرج اندی سیشین حبا با فیه و کسم نیمیه کجینه فارون
 نجه تر صبح ایده بن یوسفی سنجان دوشده کور دم بویجه اغدی نیز اغدن
 و بیل نکه با خط کمالی کوزل سن ای یوزی مصحف کتاب حکمیجه
 سلال ننه زکامه نه کوش زبانه ابدی هر باره سن نولا فیه
 پیری کرک س که دل و جانم دن ای ملک
 ال دیدم که دیدی نولا خاطر کرک

طراوت بختش زلفک جفا کرده ملاحت و ار
کوز لقمش سن ای مهر وینه جلی لطافت و ار
عرق سبلا بلبا به عاشق غمخیزه در
سمت در خارج و کل مجنون فویه و اویده در
سحر در مرآت تشبیه ایک خفا کی
نعل شیرینیکه سنوسه دیک غاییده در
علاقه ایک عشق خدای غیره زاید در
جمال لایزاله عاشق قسم است در
کو کلده جمع مال و ضمیر کرده عایده
ای خواجه نقد عمر دو کندنی نه فایده
دعوی فضل بدر اینجه مسجودم ایسک
شرف نسکه فخر ایلمه کرا دم ایسک
والی اور نه دندر فور در احر و یکله معرف عنفوان شبانیدن
الیه الان معارف و فضایل ایله مآلوف اوایل حالنده حرم محبوب
واله و جبرانی بزم شکر اکس سطر صربا کبی زار و سر کردانی ایکن مناجات
علمیه و مراتب دنیویه بی ناکت اولوب طریق پیر نوبت نصوفه ساکت
اولوب میدان و غفلت نصیحتده مر و معارف اولمشیدی بو ایامده اولان
واعظا لکرت غام بنامه نندن و بوطایفه کرامت خلی فغانندن در مجلس
و غنظنده رجیعی پندی نوش ایلمه لام و احزان جبهانی فراموش ایدردی
و هر بر نیک عیان خیانی در یال کبی جوش ایدوب عواصف نصایح ارشاد
نشانیله هر جوش و خروش اولور لریدی بوقنده دخی طبعی راسخ و کلمات

و ابیاتی رسیدن و شمع در لطیف نار بختری وار در صنایع لفظیه به
لفظیه به مایل اولمغان بوی قی غام کبیر زی سلطان کل ز غنجه سمی
زاو زبدرود بیک سحر اوشن باد بید بود نامی اجوف اثر
علت افغاندن سر و ناقص روش کبک خراماندن مر یض
عشقم در مان بکاسن شاه فاشدر بختش کم در و بحر کله اسم الله
قامشدر مر اوان عشق ایچنده اولنم اولمک عهد کایده
نکبتی اوله بالانشین چوید فالمر صابلوب بینه سده و اعشاک
ای کل بوکانه سه طوطی بلور در صابمه فر نضل **والی** شقه ریت
نویف و توصیفی و الا باغ جهانده نهال مدح و تناسی کشیده بالا اولان شهرت
شعار فصیله یکی بازاردن ظل هر و بدیدار اولمشدر نامی عبد الرحمن در
حال الحیره دل جانانه مشکاة اصحاب کما لاندن اقتبس ایله اناره و بحال
و محافل اکابر و املمده کوشن جلالت و فضایل اواره ایدن طلعات زمانه
زمانه دن بهر دانشمند نامدار و شهرت شعار در و اصل سن شیب و خال
ربیعان عمر بختاب ایکن حایره فضایل و معارف بحد و حساب اولوب کردن
دل و جانی قلاید کمالات ایله حافی و سطر وجودی حقیق لطافت و نوادر
ایله مالی در مأمور لدر که عنایت بی غایت لایزاله ایله بو حالدن که زائل
و خالی اولمیه اقلیم معارف و کمالاته و الی اولمسی کون کیمه ظلم و ستمی در
مقبول و محدود استعار و ابیاتی و صنایع و تحیل معیار و منظوم
بعضی کتاب بلاغت ایاتی وارد در بو بر ایکی استعار مرز بودرک

کفتار ننددر **شعر**
هجره بر بنوی لقمش عشق غمخیزه در حق لودر کم لاله احمدی و اویده در

ایر مکر را و قاسمی بالابه نیتتم افتاد هر سیم و یک بلند اولی انتم
 و ار در پنجه صالو اول هر خوش غلام اغیار نابکار دلا الدی انتم
 بحر هنر در کر انما به بیکم کون والی عجیبی بمنزله که قیمتتم
 بولنه می لب جانان ایچک یونی عیش الیک اسل و لریله کیف انفق
 نه فتنه ایلا را ایر هر حشیم متالی بحق بجایغه اولور غمزه سیله مزکانی

سین

با کوکل کندوی اخراشته لکه خاک ایدر
 یا خود اولور فوت روحی انک اول لعل شکر

رب

وصال خون و بحر رغبت ایدوب
 کله کهره کله نفیله ایدر صلیبی

چو منند ظلم اولد دل که ویره کومر نه
 اکله کان لالی به نفد عسل نه

حلال

قاشق فل رودکی ای اهل غمک جوی کشتی

صورت حال عجل ایسون اول ماه و ششی

و جدی ادر نه لیدر کبه جی زامرد و میکل مشهور در ادر نه سربانی خواجه
 اکس ملازم اولوب بعده بعض ضعیفانه حاکم اولد فده افواج امواج اجل
 متلاطم و مته اکم اولوب سفینه حیاتی عمان فنا به عرق اولمغه دیا اخرته
 عازم اولدی بو مطلع انکدر

نوشن شراب نابله کتمز بلای دل درو اهلنه اولور لب و لبر وای دل

وجودی

وجودی سلال وجودی دیار فر مانده لارنده و میکل معلوم از اهر
 و بنده اولان قصبه ون مانده اولمش در نامی محمد در طریق صفا رفیق
 علیه السلام اولوب پنجه زمان والدفردوس کشانده مکان ایدوب یاض
 وجودی غلام لطف نامعدودی ایلده محض و نسیم الطاف بهمی ایلد شجره دل
 و جان منور و منقش اولد قد نصکره مفتی الانام مستاد املا اعلام مرحوم
 ابوالسعود افشار نیک مدرسه علم و کمالنده خادم اولمغه خدمت شریفند
 ملازم اولمش در منصب ندریدن بعضینه مدرس اولد فده فلاح و بلامار
 سر دار ارباب ضبط و رباط و بسط و کشت و مر حوم مصطفی پست کانسراج ارباب
 ضلالت اولمغی چون سر دار اهل سنت و جماعت اولد فده خدمت معالی
 نشاند نیک فتح و ظفر کیم معنان و مانده عبت و اقبال حرکات بکمران
 طاکوس جولانی اولمغین شام شرف انجام هر فرق بیک ابقه غامضه
 طریق علمدن فراغت اثبت در خیال دیار اولوب کتاب دیشدر الحق نظم
 خوب و کتاب مرغوب معنای خیال کیمه و فنیق و الفیظی روی بار کیم خوب
 بویر ابکی ایبات اول کتاب سطر بندر سبب بالیف و مدح
 والد شریفده صفت بهار

شعر

سینه اول خالق زمین و زمان خلدی باغ جهانی حشر شان
 اولوب او از رعد نفخه صور جقادی بیرون چین جو اهل قیور
 فطره بیضه و ارشندن پخته طوطی کنه جقادی حسن
 ابر نیغابه بشکلی کچه لر اود لیقوب کل کا علامت اندر
 یا بلوب جسم بلوغه اب روان مر مراکین ارشدی گلشنه جان
 کلشنک اولدی بو خیار جملته لب بچک جعفری نرغال

قتی نور سینه ایدی شاه کل ایله دی او منته هر بلبل
 یا پشوب مهد شاخ گلزاره باد طور من صله دی کهواره
 علمانک بو کون علی حبیبی دوقنون جهان علی جلبر
 که انک نامنه دبیر قضا بخت فضلی ایدی ا مرص
 کورسون لطفاتی منکر و بدکو که اولوز نافه تک نمکنی بو
 بو غول دخی انک کفتار درر بار نندندر که بخیر اولندی **شعر**
 بر ملا نم فو صلو تازن کوز لدر بزنک بقیه لرسه نوله ناز لکلمه برهنک
 کلشن باغ لطافه غدارک ایکن نکرک سا کوزی جفسون کللی غوغه کلنک
 خط سبز که ز خاک نوله لطافت بیع عالمده شها رو نفی کدره چنک
 بوق بیه لدر کاع دمنه خوش نکر دلبر اسویله صوفلا سون ارایه چنک
 بو بجه کوندر که عدم ملکنی طور نور بولمادی ذره جه عالمده وجودی چنک
 بوردی زال هر چن غوغه برهنک نولا شین ایساک صورنده فرهاد اولدرن **شعر**
جی قاضی زاهر و مناسر و نذر خا و رنک همشیره زام رسیدر خاورینک
 مهر تربیتی مزبور کاشنیم که خاکدن فالدر رب بر ذره ادنی ایکن واصل حبه
 نصفا اولمغه فقر قدری محادی سماک اولوب منزلی کون کبی افلاک
 اعلشیدی روم اینده کسریه قاضی سی ایکن سنه ثمان و حنین و استماله
 ترک عالم اب و خاک ایشیدی بو شعر انکدر **شعر**

جیح سرگردان بجز که تا باند حاصل شمدی طغوز کیشی بور بر جالمه
 در دلبه چچک چون فامتی تو دستنده دودا هم کویا که بر عصاره
وزنی ازینقدندر بو عصر کجشد بر شش افیون مقدار و وزنی ایله
 حکمن کیفیت عایده مغلوب اولوب خانه دل و جانندن اسباب فوت و قوی

بالکلیه منسوب اولمشیدی مکن سبیکه کلماتی صبر فیان بلاغت و نافه ان کلمات
 یا ننده تام و الوزن و کامل العبار و سکه قبول ایله مسکوک بعض
 مطالع و اشعار سی و اردر بو شعر انکدر **شعر**

جلادو چشم جان خاکپای در لایله صفقن کی لدر کوزک بویر لر نوبتایله
 چکدی قوس فرجی رزم ایده نندیر فلجندن فلک قان طمر ای مهر شیر
 غم زلفک چکین مرنه قدر شکل اولومدر بجا کوستره خطک ایله کش
 کوستره نولا خلقه بنایله بنی یار اشتفته سیم جلی زماندر که بن انک

وزنی نامی عبد الکریم در مناسر و نذر و الدفردوس مکان حد متنده مدام
 استفاد علم و عرفان ایدی و انشمنند لردن ایدی هر حوم هر قومک روح پیروچی
 کوشه نشین ملا و علی اولد قده ملازمتنده خیل تحت و بلا جکوب اخر برادر
 راقم الحروف حکومت کسریه بیتلا اولد قده خدمت نیابندین ایدر کن
 سنه ست و ثمانین و ستمایه هر اخر نه رحمت انیمتدر بو شعر انکدر

کعنار نندندر **شعر**
 دل خا سنی بقدی چون اولی ارجفا یا یدرم زرد و دیوار غمی اکا بناؤ
 قدنه کوره دکل جامه سی چانک اول بوی سر هر دیک اعلامی کک کجاک
 عثوره مفسون اولن مجنون و فلاد کک ورنیا نیکر سن اکوب بر ایکی زنباره یی

وصالی لطافت سلاطین عظیم المساحه سی معلوم طبع خرچهره یان اولان ولایت
 بدیع الایه ملک ایدین و نذر سلطان بایزید و سلطان سیدم خان
 زماننده اورنه هر سر ای سلطانده معلم علان ایکن ترک دار جهان انک
 سدا ی جنان انیمتدر مرتب و مکمل بولای و اسامی بنی نوع انان
 هر اسمده حروف سیجانه تیبی اوزره غزلیاتی و اردر بو شعر انک

اولان را فخر و نیک عمر زاده اسیدر که کرامی خالص ایله تخریر و تکریم اولان مرحوم
 عبد الرحیم افندی که فرزند و لبندی و نهال برر مندی در هنوز نوسال
 ایکن پدر هر اجلال و افضالی عالم عقبایه ار انتقال و ارحال الیوب
 صدف جهانه در نظر وجودی بنیم قالد فده داعی را فخر و نیک حجه نشین
 مرقی اولوب کند و به میراث اولان معارف و کمالیات تحصیل تکمیل دل
 و جانله مشغول و مشغوف و معانی ابلق بهمان صوب از دیار معرفت معطوف
 و مصروف ایدوب اعتنائی عرض کس سخفان موقوف احمال صنوف متاع
 و مشاق ایدوکنه عارف و انار ظلام کالت و اهمالی مستلزم غروب افتاب
 اقبال ایدوکنه واقف اولمعین غایت شوق و نهایت ذوق ایدوکنه
 جنانه حویبار معارف فراوانی جاری قلمشیدی و تحصیل کماله لغت و کلام
 و شدت شبنامی که کجاست طبع و افتاب سعادت و تختیاری
 بلمشیدی و صفی بوخله به تخریر و تفسیر اولند فده عالم جلیل و کبیر زکریا
 افندی در ملازم اولوب سمت قضایه عازم اولمید که لطف نظمی که
 حسن خطی فخر مثال الکتور مش بوفتده و فی صامب بد بیضا اولوب
 کاری بکشته بنور شد بر بوبر ایکی اشعار نراکت شعرا مزبور ک گفتار

کشته خنجر غریز زکی ابر رس سونی ای کل باغ دولت سمن اولسوی سنی
 سینه هر راز شک و ایدوکنه نرس نوله جاک الیر لیسیم خنجر موج کله تنی
 سروی بالسته ایدر شیوه و فراقدی زلفی اشفته نیلور سبیل مرک سمنی
 و اغر بغیر زار و زیون اندی دلی بر ایکی منفردی حیرت کوردی بنره و هم دلی
 لب لعل کمر بارک سنگ جازدن عبایه نهال فاشک جانانیا مستدر علامتدر

وصولی ذات عالی هم و حضرت معالی شیم بضایع بدایع مکارم صاحب یاسه
 و مدایع و معارج غت و اجلالک فخر رفیع پایه سسی سمار تحصیل فضیل
 و عوار فده بدر لامع و اخلاق حمیده و اوصافه سندیده بی جامع مظهر
 انوار مکارم اخلاق مرات جمال مراحم اشفاق مهر سپهر مراتب بدر عینقه
 عالم مناصب انبیه معارف و کمالیات میر سر بندید خدمت مولانا اعظم
 مستطاب چلبی افندی در نام اجدلری محمد در بابالری سلطان سلیم نجبان
 حاقان سکندر نشان چاکبوسوار میدان حکومت رانی حضرت سلطان
 سلیم خان ثانی فرمان ده سلطان جیحان و مالک ممالک ایران
 و توران اولمیدین قیوچی بشیدری ایدی اول اجلدن خدمت مولانا
 ربیب لغت و دست پرورده لطف در افتدی اولوب لوازم
 مهام نر بیتلرنده لطف نام و انعام مالاکلام لری نمایان اولوب
 اول افتاب اوج کبیر پاشای دن و طیفه ذره بروری ظاهر
 و عیان اولوروی غلام انعام علی الدوام بمنز ارل و جانته کب
 و سحاب بی حسابک فطرات و رشحاتی سوانه و منفای ایدی
 بعده مصاحب لری اولان جنی فاطنک و خرنیک اخترنی المانه
 جمله اخفضا صلی مویذ و قصورنی قصور اخلا صلی شید اولوب
 دولت و غت کجه رکاب سعادت انتسابلرندن ابرار و غت
 نصرت مشالی کندوکی بران جناب جلالت نصا بلرندن جده افلمیری
 اول سلطان سعادت مفورک جلوس ۴۲ بونلر اولد فده
 مقنیا دن سعادت خانه لری کوچروب دارالسلطنه العلیه
 کتور و کلرنده هر که قضائی احسان انیمت لری بعده دارالسلطنه

استنبول فاضلی اولوب اندن منصب جلیل صدرت و وصول بولمشلریدی
 اوج دفعه شهر مزبور فاضلی و حاکم اولوب بعد النول دخی لوازم خدمات
 دین و دولته و ایم و قایم اولمشلریدی بویا ایدمه امام طر شوسنت اوج
 الوکیج نام کتابی ترجمه ایدوب اول عروس حبله کمالی حل و حلل عبارات
 شریفه و مستغارات لطیفه یله مزین و حلقی قلمشدر و اول شاهد رفعا
 لبکس روی کیور سکه جمال با کماله حسن و بهر اویشلر در بوفنده دخی نهائید
 افتداری و طبع و ضایل بیشه لر نیک بو و ایدیه دخی چوق انا ری وار در
 بوهر ایکی اسعار اول جناب بهر زکوارک انا طبع در بار ایدر

دوشهر کردن ای به نغم اشکم بر نجه کوندنر بکایا اولمدی
 طبع ستارم قاتی دوشکندر مهر عالم کشت ایدر اطر
 چرخ سولیسو اولمفسن افتاب حسنه بر دم رو برو
 موسیا نکه دیاکت بخش ابدک یوق بیر قالدی فرق اولمندی
 بیر یی بیزدن موسیو و مبدم دشت بلا هر فرقتکه دالبیر
 اندی محمدن بنم سبلا ب اشکم جو جو کور مکه سن مبه حسینی
 ماه فلک شهرک ایچن طولنور منزل بمنزل کوبکو
 قلیچ بوینده بنم بوفدر ایلمر یارینقن بیلده بیلیم بیلر
 نار مجر کله یاقوب کندی بورک خجرت سینه هر جانانه
 دلر ره فرقتده وصولی هر دم رعد امکه فلک اطر
 وصول تیغ ماعنوا و جادی عبیده و دوسوع و عنده سنت اجماع
 اوزره کشیده و حسام برق اینسام انتقام ایلده کس سلال

فلک مینا فام کبی کشت زار اعدای دین اسلامی در ویده ایدوب شعله
 سنان اتش فشان خرم سوز و شمنان دین و ایمان اولان بیکالی
 اوجا نغدن کفدنایکار ایلده و ایما جنگ و بیگار پیشه سی و اجام و کلام
 شجاعت و بسالت مدام کلام و پیشه سی اولان اسدضارم میر بهر مکارم
 امر اچره علمی کیم سر آمد اولان میر بهجلی و بخت محمد کیم که حالا اوز
 کوس مارت و کوره نامی اقدام و مها بنی فیه افلاکی بیرو لوله ایدوب است
 و صدای سعادت و سخاوتی ایوان سر امی جهانه غلغله ویرشد و بوطایفه
 شریفه به عادت و فرقه مزبور به خلق و طبیعت اولان سخاوت شجاعت
 ایلده معروف و کمال اقدام و مردانگی و نهایت انتقام و فرزانی ایلده موصوف
 مطلعون لسان اقران اولمندن مجروح حسام و سنان اولمق اولی حسین
 حیاشنده کلکونه جیانی نشان اولمندن پیشانی دانه نقش حیات ظاه
 و عیان اولمق اوی ایدو کینه جازم اولان مردان ارمکنده آیت و بیان
 امر ایشاه جوهانده مثال رایت در کفزارنا بکار بوضی بوضی قلعه
 سحر کیم حکم و رفیع بر لره قاجیه اکابر طریقه وصول بولمق امر حال
 و هر سرکش و غدار مار صفت و لکدن دلدکیر نه نه خوشخواری ای استند
 جعفر منقخص خیال در کفزار لکه و سگ نیا حیاتی شدت و بهشدن
 انکیاب و انکر اس اوزره و صر صر سب صبار فنا رندن اسس
 وجود صمدالت استیناسی مانند ام و اندر اس اوزره در کفزار نه نه
 از دما مثالی ایلجه بیایم اولمق خوشدن حالتی ماصدن کلام فهمی
 امر مرج در تیغ لی در یغنه کفزارنا بکاری فرال دیور و فرال خوف
 و ملائکتدن مظهر حال مالهزم و ال اولمشلر بهر جمیع نوع شجاعتی شان زده

دست دولت و طرکه سکین را اینی پیر بسته مشاطه نفع و نفع اولد و غنای
 غیر سی ایبات بلاغت سمانی لطیف و مقبول سرهام اشعار فصاحت شاعران
 نشانه قبول اهل عرفانه وصول بولشد در اقلیم بلاغتک میر سخن دانی او
 مرتب و مکمل دیوانی و اردر که اول دیوان معالی عنوانده ضلی معانی
 کمالیده مجتمع اولمغه نوبت خسروی و حقایق او رشتدر بوبر ایکی ایبات
 اول میر خلیفک کلمات بلاغت سماننددر **شعر**
 اگر امانکه ابر من ستم دار و صلفده الم با فکده ای سر و سر افر از م فیامنده
 بحر حسن ایچره نولای در یکدانه سکا کرسد فایه اولوب لولوا لولولالا
 بزه اچلمغ امیش نصدی ایچره ایچمه اما بور ایکی کسه یه ای باد صبا
 زال و سر و کل امیش کرموبی سفید صجدم بنشینه باقمزوی شفقند عتای
 طرز زبانی به وصولی بوری اویدر شغورک ایده کور فاعده اب حیاتی
 احوال **مصول** نامی حمزه در کاربان دل و جانی مالک جهانده بلاد کر میاندن
 اعلی فتاب و هوا بله مدوح و جمود و فضیله حسن و بهاسی شهود عدول
 ایدر مشهور و مشهور اولان فضیله شهودده داخل شهر وجود اولمشدر
 طریق علمه سلوک ایدوب ذات معالی شمولی مولانا اعظم جامع الفروع
 و الاصول ناظم المعقول و المنقول مولانا نجالدین افندی خدمتده وصول
 بولنده جناب عالی لرنده مرغی و مقبول اولوب خدمت علیه لرندن ملازم
 اولمغه و اصل مامول و سئولی اولمشیدی حالالکی ایچمه ایدر قاضی مدرسه سنده
 منتصرف خدمتند ریس اولمغه نبای سرائی کمالی ناسیس اوزره در
 عرصه گاه معارف و کمالاتک مردمیدانی و میدان مرآت و فتونک
 فارس و پهلوانیدر میدان غنیمده دوستی بولنده یکش و بر مشکلات

امور و مفصلت جمهوره اکامه اجعت اولنور قادر اولد فیه مرکک مصالح
 و مهاتنه بولنور صدافت شعار بزدان ستم و اطوار در بوفنده مرغی
 غایت افتداری و اردر بولجکه به کسیر اولنمچون بول اشعار ایاحتار
 انمشدر که خبر اولندی **شعر**

بوز سوزب ایفکه غلبه بودیده تر نرد و شکر کوز لرمه خاک بهکلی کل قمر
 شاه راهکده ایدر کیه به انک نوری کحل ایدر وی کوزینه زمره ارباب نظر
 صحن اشکم سنی ایچره چکر و مثال قامت یاره اولشمه بوری و ارای عمر
 روشدی کوراب بلبله بولکولی ^{نقاره} بحر حیرنده مغوی نکر کن رولیمه
 خولبر ایچره کول بر سر نرشته اکره یار ماسوی شقی بکشدن ایلدی بر برترش
و قافی نامی عبد الوهاب در نقاوه فضلاء لطایف اثار نادره و نعت
 و وحید روزگار عالم و عامل و عارف مالک اسباب المفاخر النادره و الطایف
 خدمت والدماجدک برادر کوهنیز دار العلم و الکمال اولان سعادت
 بهر اجل الله تحصیل علم و معرفت ایدوب خدمت شریک لرندن ملازمت
 میسر اولدقدن صکره مضایفی و ما از ندر لب تحلل ایده میوب سمت
 قضایه عارف اولدی شغورک الش و فرس معای ابله بشناودیده جانی
 کحل عوارف ابله روشناور اگر معنی محمود اراده حجاب اولمه اوصاف
 العابدینده نیجه موصول و ابواب خیر اولنوب ذکر منناب یا صاحبزاده
 اطناب اولنمغه شبهه و ارنباب بو عیدی لکن فی الحقیقه کشتی
 کند و بی مدح و اطر اتمک معنای ایدوکی ظاهر و هویدا اولمغین
 بومفدارله اکتف اولندی بواشعار انکدر **شعر**
 کوهل قادر در کل اراده سیر کلستان ستر سحر کلشنده میل کیمه فریاد و فغان ستر

او غنچه دور رس شده اچیلور کل کیه اما اکای ببل بچاره صبر ایل زمان استر
 باننده راهد شهرک بخار و بادیه خنیز همان اهل با اصحاب ظاهر دن زمان استر
 قدیمی اشناسندن وفا اسیدنی کند کو کلن بر نور سگ بولنده تکر بخش جان استر
 قناعت ایلر اول شاه خوبان بکله ایلر نیجه و تابی کسی بچاره نایوان استر
نثر بو مطلع کو لخصاره قاضی اکیمن دیمشیدم دیو شعرا ایدرودی **شعر**
 شهرها تا منم سفر دیار کو لخصاره کول اولدی کوز لرم پیشی بکا اول کول
 کوزر به یار دن زاهد زمان اشته بن سوغریه اول به نامهربانی اشته بن
 یار حسن مدح ایدوب جنانه کینک دیکم کوریک بیک جانیده سوغریه سگ اشته
 کون کیه مشهور عالم سنده قناتر عشقه نامی طونن ملک جهمانی اشته بن
ویسی نخل وجود نارینی ولایت ایزدن الاشهر دیمکله شهرت شعرا
 اولان نصیه نامدار دن سر زده و صورت نما اولوب دارالسلطنه
 العلیه فسططه محیه نشود نما بولمقد کشیده بالا اولمشدر اول
 باغ باغنتک سوزالمرسی مفدا ماز اولان مفا لیتک همیشه
 زاحر سید زامی اولیر اعلیٰ مخلص قوم ایلر موسوم اولمشدر طریق
 علمه سگ اولد فده فدوة الافاضل والا کابره راوی احایث کابره
 عز کابره مندا جلیبر افند نیک طلاب سعادت اکتسابی سکینه منک
 و منخرط و کردن دل و جانی جوامر زو امر لطف و احسانی ایلر منتظم
 و منحصلا و المعین جناب بهر مکارم مدون ملازم اولمشدر افتاب
 مقال مطبوعیک انق قبول اهل کما دن طلعو عی و ما معین کلامنیک
 سر حشمت لطف و انتقل مدان خلی ظهور و بنوعی وارد بو ایا مده
 ببل کلشن صفا اولان دل کو کسی شاح ریا غنچه نغمه سر اول

نغات دلیذیر ایل مدح و ثنایه لایق و سر اولان شعر اوند کیم
 وجود نامداری سئو یکه بر سق دار بوستان حیاتده پایدار اولوب
 بو حال اوزره برقرار اوله کر چکدن شاعر پر شته را و لجامی روشن
 و اشکار در بو بر یکی اشعار امک گفتار نند **شعر**
 نامه که بقا و غنینه اول نکار بی وفا ای دل غنیده بندن بر فوج کاغذ کا
 سر کپسوی کر مکیک اوجندن کوز لم غنم زغیر بلا کی غیر یلغیه چکه لم
 کو کلنه کیه یک ابدی اول بت شیرین ک طاش کسمدن ای لغضنی کو مکنک
 مرغ دل پرواز ایدر کن مکزوزی شهباز و دشتی کندی فو لشمق حسن ماهر و ازل
 شکا بکن اول طلیب ز پروردک دلا او بیک لشدک لک بهج بلغم ندر در دیک
 فشک دینه دل بر دم حکمده مقلد مژگ شمشیر کور دم کسمدم در باران
 جوهان اچره بت دیره طندر کجه کافر سنی اما کوریده طبعی کفره بر ابر در

حرف الهی باقی

حمیه ادرنه دن شیخ خلونیه دن شیخ زاهدی زامر دیمکله معروف بیده اوزام
 اولان کسینه نک اوغلی در نامی عبدالرحمن در طریق علم و وفانه سکوت ایدوب
 سه من سلمان و طریقی بایانه ایه کورب فدوة الا کابره والا عظم مرحوم
 محی الدین افندیدن طارم اولد فد نصکره طریق نصوفه کت عازم
 اولوب ذات عالی و شیخ ایلر قدره جمله شیخ اولان شیخ بهار الدین
 زاحر خدمت نندن دست توبه الوب هر طریقه استا هر خدمت
 و اطاعت عین طاعت و عبادت در دیو شمع کبی هر کجه صبح
 خدمت پیر کت نرنده استاده اولمشیدی بعده صاحب قمران زمان
 مرحوم سیدان سیدان خان احک التخییر اف و ادر بجان ایندکه

قیصر بنامی ایلده شهره نام اولان شهر پسر انتظا مدع غ جانی اشیا
 جهان دن نصر عابقد عالم ارواحه طیران ایشیدی عایب حالاندر
 شیخ فرزند بورخی جیدن کلور کن اول شهر هر ریاض رصفوان و اینک
 تفریح کلر ارجبان ایشیدی دولت طول عمر له چندان متمتع اولمکن
 شراب کلر حافی منبج اولمشد بر بوفطعه انگدر **قطعه** دون الن
 بوش دلردیم عدد پیش ایلده طوقه زلفن دلبرک
 اه ایدوب دیدی اراقدن باقی طومنه بر دم کم ضرر سون
 التکرک **بافتی** افتاب وجود پر عافانی انقاره نام شهر دن طالع در
 اولمشد ر مزبورک دخی نامی عبد الرحمن سالت طریق علم اولدده
 انیدم علوم و فضا یلده صاحب سریه اولان جلیل و فضیله غلت
 مایه فضل کبیر اولان مرحوم معلول امیر افندی دن ملازمه دیده
 امانی و امالی فریر اولدند نمکره سلوک طریق فضا طبع بی نظیرینه
 دبدنیر اولمشیدی حدود سبعین هر باقی غیب دن فاد خلوا با خالین
 ندانی استماع ایندکده نهایت شوق و النیاع ایلد عفر ریاض خلد برین
 انیشیدی خوش طبع و لطیف صحبت اهل علم و صاحب معرفت کشته
 ابدی بو اشعار انک گفتار ننددر **شعر**
 بمشبه کوزلرم مشره می پر در ایندیلر بسم که بوفد دری قندن و تدریلر
 دو شمشیدی خلدن ایقده ایچکیم صیاک عبدا ولدی سافیلدی بینه یوزید
 مسکین غزال فجه بر خایه ناندس کیمو لک شرفاتی فانی فو تدریلر
 نام جیم دن بوری فضا اینده باقی اول گوشه بی اولولر ایچون **شعر**
نقش بنکده و میکه مشهور اولان شهر دن ظهیر انمشد ر هدم اهل مقال

و محرم اصحاب کمال اولمغله عقیل حال انمشد ر بو اشعار انک گفتار
شعر
 کمال اول لعل شکر که طوطی دل اوز انمشد ر اورب ست قضا اغزین بوننی قضا
 کورلدن دانلرله سینک زین لدر غنی اوشوب اوراق کل صحن کلستانی طونا
 اولدن عشق شیدا بجز سایه منفک کلاه اسمی و دکیودی کوکه انمشد ر
 لب لعل عرفنا کنه اوکیمش و بوسانی عوفله باد فانی بی برینه فانی انمشد ر
 شب یار یک عمده اوکیمش رشتن افکده شهر با یک باقی چرخ فلک ایلان اوز
فاطمی وجود بی بهانه سسی روی دلجوی زمانه خالی دین و باغ و راغی
 نمونه سهدا جهات عدن فاد خلوه خالین اولوب سعت و لطافتده
 عرضه یوسفیه سسی سپهر اسافک پاک ساحه نایک بحیر زاومشک اولان
 محروسه بر دس و ندر کردن حالی فلاح سیادتله حالی و نصر قدر
 والکسی اساس فلک مکمل الاموده فی الفریایله مرفوع و معنی اولان
 اولاد اجماد بنی با شمدن کحضیل معارف و کماله مد اوم شب و روز تکمیل
 نفس طاقه به مجده و عازم اعنای دل و جانی فلایک لطیف بیان و معانی
 ایلد پر و شایخ و تمایع انواع افسم کلامه مامور اسنچ بر مقبول ناظم در
 اگرچه مقاصد مفده صافنده سر آج ابدی لکن کحضیل کمالانده فلی سراج
 و باجم در مدح انار بار واهی اطناب و اکثار کلامه محتاج دکلر و رفیق
 معمار دخی تمام نامدار اولوب استیلا و استخر اجنده غایبده افتداری
 اولدوغی جای عناد و لجاج دکلر ر بوبر ایکی ابیات و معقات اول ذات
 سیادت مایک کلمات بر نجاننددر **شعر**
 کچر کن جیامی صوندیم کچر نوش اندی اولفت کلخه بوبیکه ادیک ایغنه دولت

هم عصر و سیمان زمان او سک بود نیام اجل جامه صوب دوران بنه اخو در
کبه بابوسی بنر سینه سن استر ایلمر کامل بقده فالوریا قصل لان صدره
معتشوق و عاشق بر اولور سور عشق پاک بر او دو کلمی شعله پیر و اندی لی یقین

بسم

کون بوز کر سیر ایلیدن ذره سان جسم و جان مهر کله اولدی لامکان
ولا اواره عشق اولم کر **بسم** پنچون کسر باز اولوب دنیا کیوت
بر کون اوله کم و مهر دنی **بسم** همجو عنقای لامکان بنی
اسکی شانه اوش اولم کی غبت **شاه** جاده اول اولان بولدی ترفیق

شاه بونا ریخی ملقوز بوز طلقان بر هر جمالی وفاتنه دیشدر **نایج**
نهران اولدی جمالی بوز طوب صد فیله الله طلقان او جده

علوی یه دیشدر **نایج** مقام اولسون سکه جنده علوی **بسم**
باباسی ولایت محمدان مباحرت ایله داخل ملک روم اولوب بودخی

اولا در رسول و اخفا و قبولدن اولمفلد مخلص هر فوطه مر سوم اولمشدر
همیشه افعال و احوالی هر وقت مراضی اولان صاحب قران زمان سلطان

سلیم خان ماضی سقی الله شاه و جعل لجنه مشواه خدمتد نیک صاحبزاده
وناظم انواع مفار و منا فیلدن ابدی حتی پدیری شهر نشاه فر بوز مر بوز

بابا لری سلطان بایزید خاندان ابد و کی تجار به هر زخم حور ذوق وستان اولمفلد
عالم عقبا به وان اولمشدی کندوسی دخی روم ایلرنده فاضلی و حاکم

ایمن ملک بضا به عازم اولمشدر شوکی سهم لعل فتنن فی ضلیب الفاظ
و عیاری فی شرکانه و طرز

شاه

غریب اوزره در بوشو اکت گفتار ننددر بر زمی ایلمشوز دون کچه سلطان ملیه

نجه سلطان ملیه

نجه سلطان ملیه می سر و سانا ملیله و نه خوشش بلدیکه بوفد زینی اوده وفا
شول انسل ایلدی مجنون کی جو ملیله **بسم** اسکدر دن در بابکسی فرقه فضا
وز فزه سادات عیلم الیر کاندن اسپارنه نام نصبه فندر نقیه زاهر همکل
شهره انام ابدی ساک طریق علم اولوب منصب نقیه بنوغل اولدنده اسکدر
منوطن و منتهیل اولمفلد نصیه مزبوره دن مناسل اولمشیدی شاعر مزبور
معارف و کمالاته مهور حالافاضلی دارالسلطنه اولان فره جلیبی زاهر ملک
ملارضی اولوب انظر رفصل موفوری ایله منظور بوستان دل و جانی

انهار لطف بی کرانی ایله مهور اولمشدر بوشو انکدر **شاه**
امیر خلس اولور سم عجیب صحنه غلام حلقه بکوشم بیاله خدمتده

بنم فرما و غنم باشده هر در و دلا **شاه** بنم مجنون کی وادی غنمه مبتلا شمدی
بنم نوی دلک کوکلی بیقون بر لیدی و شکون که او فکس و حور و حقیر و بی نوا شمدی

نیم ایلد بوشمقدن سحران در لیدی حکم و کلد رشت هر کل عار ضنده قطره شبنم
خالی اوزره موی لر بهلوی حیم **شاه** موی غنم بار در صان نانه نانا رح

رومه کلمش و لیر بند و کیوادر موی غنم بازله خالی رخ و لدار در
بسم خاک سیا هی عین مشک از نر و بوی و بجوی ریا حیلن ریاخته

مانند کیمت عود و عنبه کلستان ارمها در شک وجود شایخ العادندن
منواری پیرو اختفا اولوب ساین شهر سبا اول شهر حبست آسیای

کوریکیک جیاندن نابود و ناپیدا اولان محرومه هر و س و ندر سو او دیده
اصحاب کمال و سویدا ای غیب ارباب انضال اق م علوم معقوله و منقوله

و اصناف فنون مقبوله بشیوای علما زمان و بگانه دوران محیط
دایره فضل و ایقان مد ارم کر کسجه صحران حاوی اسالیب اصول

و فرود سخندود و معقول و شریع بحر حقایق ذکر فضایل مجموعه حقایق
و جلال فضایل و کمالات جبرت قر اولان مولانا را عظمی جلیبی در
بابا لری فاضلی حاتم در یکله شهره انام ابوی مولانا می فرمود تحصیل تکمیل
فنون و علوم ایند که در محرم کمال با شازاد رنگت مجلس به افتاد رسنه
حاضر اولغه غنچه خاطری سعادت ملازمتی ایلده خندان و ناصر اولد قدا
صکریه مدارس علیه دن نصیب و وایه لرین الوب مدارج جاسی
قدم قدم بلند بایه اولمشیدی و سافونق بیکالی ر حقیق غرت و اقبال
ایله ممسلی اولغه امری قیور ارجمندی امثال و افترا نندن منعلی
اولمشیدی ایکی دفعه بهر وکته تحریک به اندن ادر نه تحمیه به اندن
دارالسلطنه العلیه به فاضلی و جمله انام سیرت رضیه سندن شاگرد
وراضی اولمشیدی شهر مزبور در منصف فضا ایکن حکمه حکمه فضا
و قدر هر استر داد و دیعت حیانه حکم و امضا اولوب بساط
حکومت و فضا سی کطلی السجل للکتب نور دیده اولدی شهاب عشقه
مذاق جانی زهر اولوب مینلای انواع زهر و بحر ایکن **مصرع**
و صاله ایددی غایت بولدی بحر جناب تبر کوار لر نیک
بوفنده دمی اقتداری اولوب مقبول انام و مدح و جمله خاص عام
اشعار در رباری وارد و بوشعار یکدر

رخاک کلزارنی عسرم کور بنه ایفاسیتی حکوب سماک اندی عیجه
باشن لک سن صفدن غیری قول دو کر که افند سر طب ریجه
غفلتند خط کشمش و پیره میا نک کیسی بو یغم فندن ایجه
کل اولدر مجری قوز بلار دن دعا لرایسون سا که اولجه

کرچه مهر و به دل و بر مکه ماهر در کوه کل سن صفدن غیری به باشن لک کافر کوه کل
ویرایش سن رفیع رخ سینه یغم دو لغم اولسون ای دل و لک پاینده و غر از
ایجه مجری زاهده یارک ربالی سرتی عاقل ایسک که مبر لوانه فکشف راز
نثر مرحوم مفتی انام شیخ الاسلام ابوالسعود حضرت ندرینه و پیشدر
حکمتده بولعلی اوله کر شعور طهر اتیمز ظاهر و راولمحق کسبه طهر
ای ممر فضله غله سلطان اولان غر قالدیم ایفده دانسک اولمزه و تنکیر
دیوانی مهبط انوار اسلام و ایمان و مجمع اصحاب فضایل و وفایان اولان
دارالسلطنه العلیه فسطاطنه جمیه دندر نامی حضرت طفی در صفار و کبار مینا
سلام مصلی به در یکله اوازه شتهاری و اصل فیه جرح و وار و نکه سحر
ز رنگار اولمش در حقا که شعری روک کبار و فنی سندن و صفی انانک
نام بنامندن اشعار بلاغت شعارینک لطافت و ملاحتی حسن و صحت
سیمیران کچه روشن و عیان و گفت رظرافت انار نیک ر شافت
و صفاسی صیاء مهتاب و انوار افتاب کچه طالع درختان اصناف
و انواع نظمیه قادر صاحب دیوان شاعر ساجد در صدای شتهار و غبار
فته ناک و و آری بر غلفه و اراز انیشد و حسب الحال عشق و مقبول
و مرغوب جمله ناف اولان اشعاری و روز بان راست روان عواق
و مجاز اولمش در خلق جهان بجامع دنیا و محافل علیا حایات مدح و تنکیر
ذاکر و تالی و سونو خاطر اکابر و اصاغر ر حقیق رفیق اطراف سیده مالی
اولمش در علم ادوار هر دخی صاحب افتار نلی نظیر و ربه در و بر ایکی
اشعار بلاغت شعرا اولمشاعر نامدارک گفتار در بار ندر **نثر**
جفا کردن عشق و دلفکاره کرک بلی عنایت و رحمت کنه کاره کرک

بفارک دلش تن و لفظا که کرد بی عنایت و رحمت کناه کاره کرد
 سپهری کور که چکر سینه سینه براهی همان فلکده بکرم طالع و ستاره کرد
 جلالی نجبه بوزدن کورم دین و فکر شکسته ایینه لری گویی پاره پاره کرد
 ای فاشی با جند شکسته بر نشانه دگر نازک نهال سر و در اول باغ جانده دگر
 تیر طه سینی نیر اندک و لک دگر شمشیر و عصیان دل تا نوانه دگر
 ای جاز طبعی تیغ غمک سینه اندک چاک کل سوزن مژگله یینه نازکانه دگر
 کل دگر باغ عارض دلبره بند و سر و دچنار کله دی سینه باغبانه دگر
 عشاقی بچنده ابله مهر بی سر ای بوسف زمانه لیش کس سنانه دگر
 نومدی صور صفای عارض عالمناک جیضیوب و دزد و کی اندن بولیش و لای
 جو بلور و کل ای کوفتانی کور آتشک جاده و تنک بغلی و لری ایگ
 کند ی عظمی که اول روح را و کلمه یینه حشره و بلحق سینه به جاع کلمه
 بر ماهی چکر سینه به غول کججه روشن دل اوله یاله کبی و و قمر
 بکدی غنچه عشق دگر کچر زل سنانه ابله کور و صلفندی او صلفنرم بر دیوانه من
 مثال کعبه یا نور و بدنه عشاق کورن جلالی شتاق کور دین مشتاق
 فل نظر خالینه اشکینی روان اینیک دم کلو و عفو و نور و صو جبرقان اینیک
 سیر ایدر اصفهان و طرافی او شمسوار عشاق او یینه به دم اینوب ایلر قمر
 میخانه حریفی بصفی میری بونور دور لیکه ره نه چکلمش کتابدن
 لیلی انده کاسه نجفون عامری صوزنده صدی معینده با پلید خاطر
 شهلا کوزک کوز یینه لی اولدی از خا و ای اول عمارتک که علیل اوله ماضی
 بن تا بنم قبول کده کنش نهی سیر ایدر بر کورمه بندک ایله شها انده سایه
هانی نامی حین در افق ذات نواری خاندان فضل بی شمار دن

ظلم و بدیدار و هلال وجود بی مثال افق علم و کمالن لایع و نه کار و کوه
 مرحوم و مفعول له انخی زاجر افند نیک بخل کهتری و دوحه ذات پیر
 افضا نیک بخل معارف کستر و هر زوری در بو تابنده بخصیل و تکمیل
 و معارفه افند امر نام اتیمکله اقران و امثالی میاننده تمام بنام اولمش
 عفا که بوسن و سالده بود کلو سر و کمال کسب ایدوب مالک جودت
 مفال اولدوغی حیرت فزای صفار و کبار در بو ایام شتاب و جو اینده که
 هنگام هوس و ارزوی وصال و خانی در بخصیل لطایف و معارفه گوش
 نه شمار ابله ناظم سحر حلال اولسی موجب عبرت اولی الایضا در رشتویه که
 عنایت بی غایت سبحانی و احسان بی احصا حضرت صمدانی ابله نهال
 وجودی اسبب زوالدن مصون و ساحت کلشن حیاتی حران ماضی اندن
 محروس و مأمون اولوب بخل وجودی کلستان بفاده یا ایدار اوله
 بوفنده کد چکدن اعتبار و شتهار بولسی ماننده نور افتاب سپهر و آرز
 به موجب عادل فی آدم بهر مکارم طریق علمک اولوب ملازم اولد قنصل
 سمت نداریه عارف اولمش در بو ایامده کلمات سجیده و ابیات پسندیده
 مکارم و اخلاق حمیده سی کبه معروف و مشهور السه خاص و عامده
 مداح و تشکسی سنلو و مذکور اولمش در بوشو انک کف رندند **ر**
 شاید وفا ایدر و بو اول یار بر حفا صبر ایلر دم ایلر عمرم اکر وفا
 اسم بی برانده طور میوب کذر و لایب اشکم اول صمک بولنده و غیر
 کر چه رحم تری لوان شمه کمانک تندر یاره سی عشاق نالانک بلغم قنده در
 کو کله ابدی فغانم فغانم فغانم فغانم فغانم فغانم فغانم فغانم فغانم
 لطف و احسان نه مفعول ایدر دین سگلا قاتی چوق اولمش دل بچاره مفعول سگلا

عشق کورس بولد و نظر ایزد اویار ویر که یوله کلور اول شوخ شنبه کار
 صالدم جیوز ورنی دل دریاکی شنبه بن کرد اب غمده قالدی کوکل بنجه روزگار
 زلفک عارفان کورلی دلبر اسنک بریر هر ایتیز اولدی دل سبتکار
 دوندردنی که سیمی دل یارلی ق کوزیشلری دو کور کوکل خاشاک نذر
 اولمزش که طالع ناساوی دوستم ایلمه بدانی ششدر خنجرده اه و زار
هلاکی ولایت قراماندن ظاهر معیان اولمشدر مقده ماطرین غمه سکوک
 ایدوب واصل رتبه اسفند ادا و لمشیکن ترک از روی مرام و مراد ایدوب
 بر ایکی بنجه جهتی معیشت ایدوب قبول اما منله فضاغت غمشیدی
 امام مسجد یا حصار اولوب بنجه روز کار امام و مقتدای امام اولوب اول
 صاحب عرفان بنجه زمان جامع جهانده مقدم و پیشوا امر ایدی او ابل حالده
 مهر غمده سی خونی به جان ویردوب دلبر ان سیمبر انک هلاکی و تکیه حجت
 و عشقک ایدال وسینه چاکی اولمغه مخلص مزبور تحت رقبه لایکی اولمشد
 ننه کم دیشدر **شعر** سرکوی و فاکت سینه چاکی کوز لدرک
 اولمکوسی هلاکی **نثر** خیل فارسی دان و صاحب عرفان مکنه اولمغان
 خلق جهان اندن بوکستان و کستان او نور لیدی روزگار نذر شعله
 شعار ویردوب خیل نامدار اولمشیدی حدود و ثمانین هر عزم خلد برین
 اتمشدر بو بر ایکی اسعار انک گفتار نذر **شعر** طیب جوهر
 ایدوب فقر و فاقه دن زاری دیدم نه چاره دیدی کم شراب دنیا کا
 می ایچندر او مملکات سید مست اولایلرله ایدیدینه کویستر دی
 عالمی ساقی بزه جام جهان نماییده فدایا کسن استدم یوزگز
 حق نصیب اندی بیگ بلاییده بن زار و ناتوانک تر غم بلام

بخنتی قبوسی بغلو ممکن دکل کشم لب میگون و ارکین که حفظ زنجاری
 کل کیه باده طور رکن ندلم سهری **هلالی** هلال وجود مقبولی مطلع ظهور حال
 فحول اولان قبه الاسلام شهر استبولدن طالع اولوب ارباب مقال ایه
 اجتمع و اتصال انیمیکه کون کونه قطع منازل عرفان ایدرک بدر تابان اولوب
 ارباب استبهاال میاننده هلال عید کیمی رالیه بالبنان اولمشیدی صاحب
 حرفت و ارباب صنعتدن ایکن کتاب نظم و نثر دن حرف زمان اولمشیدی
 جسم نزاری می غم ایچنده کی نال مثالی بحیف و هزار دقت چشم دور بیان ایه
 نمایان اولان هلال کیه غایتده ضعیف اولمغان مخلص مزبور غیر بلردن
 احق و احری ایدوکی روشن و اشکارا در حقا که سماء بلاغت و مطلع فصاحت
 تابنده هلالی سلسال مفاصلی عالم نر انک و کستان ملاحتک اب **هلالی**
 بر هلال ایدی که مطلع وجود و ظهور اید بنجه تابان اولمشیدی جسم نزاری
 غم ایچنده کی نال مثالی بحیف و هزار دقت چشم دور بیان اید نمایان اولوب
 هلال کیه غایتده ضعیف اولمغان مخلص مزبور غیر بلردن احق و احری
 ایدوکی روشن و اشکارا در حقا که سماء بلاغت و مطلع فصاحت
 تابنده هلالی سلسال مفاصلی عالم نر انک و کستان ملاحتک اب **هلالی**
 زلالی در بر هلال ایدی که مطلع وجود و ظهور اید بنجه تابان
 اولمشیدی ویرماه رعنا ایدی که بر لوق و معانده افتابدن لامع و خشن
 اولمشیدی بریدر منیر ایدیکه مکنه دن استقاره انوار فلک زیدی و بریم
 مستنیر ایدیکه صغیر و کبیر کلام دلپذیرینه که فوند رسیوسه سهند معوت
 و عار انیمزیدی مرتب و مکمل دیوانی و مصنف و مخیل کلمات بلاغت
 عنوانی وار در حدود حسیان هر بریدر وجود نه عفته حمانه خوش

ایروب اول ظلمتدن انجلا بولغا امکن اولدی یوشور انک گفتار نذر

شعر
شکست از صراحی با مجلس فرار اولمز مشدر ساقیا بش کشته این بیدار اولمز
بر بر رویم اوزره کردو کرم اشک خونی ایچرس بن سز اظلم حرام اولسون فی نابی
فتح با بولمه دستر بود وصل یازدن حلقه و شوق فالدی کوزم کتم در لردن
یاره را اغزاچور در درویشیم ایچر کیمه لم قان اغلیم بودیده حوبناردن
بنی بانه هر کیم که کور کسن پیری زارک صاوار نصویر در بریر شیر نیلده یارک
عز حوسله دلبر که ناره بوز صلو تکی بلا عشق ایله عشق نیل زه یوز طوقی
حذر قتل ای کل عنائیا ز بلبلدی هزار دستله اولنی نیازه یوز طوقی
الکسیه تحین کل کچه اول نازک یون سینه قفت فاندکیه مشرق ای قلم دیر کون
مقاله هلال وجودی مطلع قهر برسدن طالع و مرحوم سلطان بانه
خان زماننده اول افقدن نمایان اولم اولمدر زماننده هلال مقالی
بدراولمش و عالجه اول ایامده نام و قدر بولش دیوانتی ترتیب تکمیل
ایلمش لکن بدر وجودی افق جسدن غارب و ناره و ایما فی بری کبی
کوزون غایب اولمشدر هانا تکلمای مروردهور ایله کیف لطفیل
اولمغاین عظمیدن قلمش دست ایام فی عان عدمه صالمشدر لوشعار
مزبور کت گفتار نذر **شعر**

کون کوم اولوب ایکنده حسینی انسون عرض
نسبت بوز کله کونده باین السماء والارض
شکده سیم اشک شول دکلونادر مکم
کعبه قبک طلوانی اولمشدر ربکا فرض

محمی نصیبات سنوهر صفات ایچره لطف و ملاحمت ایله حایره نصیبات اولان
شهر بدیع السلوب نصیبه مرغوب اسکو بدندر شهره افان اولان مرحوم
اسحق چلبی نیک بنده و بنده زامر سید روحنا نصایب انصاف نیک خاندان
ایدی مرحوم مر قوکت و فاندن صکره بعضی مفاطع نیک کانی اولوب
بعضی اصحاب جاه و جلالک محمی و مصاحبی ایدی و دنده نام نصیبه هر متکون متوطن
اولوب اول محله طرح بنا اسکن امتشکن بودارندن حرکت ایله
سرای بفاحر سکن اولدی یوشور انک گفتار نذر **شعر**
نی فید اولان بودارجه نده کد اگرک

سنة اولغ اسنین اهل عبا کرک
هر کیمک بودر یاننده بر مصاحب محمی
هم کونی ضایع کچر هم روز کاری هم دس
مقاله پنجه امام و مهمام و موالی غفلت م و اما فی خنامه محل و مقام اولان انیق
نام نصیبه بر احضرا هذدر سلطان درادخان غازی دورنده بوعالم فایده
ملک بانی یه حواری اولان شعرا و نذر شیخی و احمدی ایله معاصر اولوب
بری بریه معارض و مناظر مدام مجلس المندره نادم انور ساغر خاوره
و مشاعره طو زیوب و انبر ایدی بجمها منیک سنی نامه سن ترجمه بشدر
عوام ایچنده شهره ور اولان منقولوم نامه لردن بوز کدر نته کم دیشدر

شعر
الا ای سرفنده دلاله پیکر مبارک طالع و فرخنده اختر
یکلغی غنچه باغ لطافت عذاری ورد گلزار صراوت
بیدی انلبجم سنک شهره یاری طغوز بیدان چرخک شهره یاری

سوال هوای خوبی لقا محبوب کمی حیات افزای قلوب و آب پر صفا و جو بیار صفا
 مزبل که در دست عموم و کرب اولان شهر لطافت محبوب تحمید بر وس اندر جلال
 مزبور در عهد المؤمن جامعده خطیب ادیب و ارب فضل و لیب فضائل و معارف
 جائز نصیب امثال و اقرا که کوره خطیب منبر لطایف و کمالات دینک عیب
 و عیب و کلد رکستان و بوستانی کرکی کبر شمع ایدوب شهر احدن سرور و
 و سمینک کلامت هدر روز یک جمع ایدوب کستان معارف و بوستانی
 لطایفه انواع الوانه مزین و منقش بر صرح فلک طرح بنا الیش در
مصرع صد مناران افیرین استادنه مجیدر که
 عظمی که هوایی او محبوب طریق هوایی الدن فوشدر و تحصیل علم
 و کماله اشتغال دن غیری حاله فوایی صرف قلمش در صدر الشریفه به جاشیه
 تحریر الیش در بود کلو معارف فضایل موفوری و اربکن اصحاب اعم
 و ارباب کرک منظوری او محبوب کبف خطیب غریب و مهور و مانده
 مخفی و مسنور فاشدر بو اشتغاراتک گفتا انددر **شعر**
 منجه بر لاله زاری کوز لبسم کلک حسن یاری کوز لبسم
 مسک و غنچه بر یون و غنچه سبیل زلف یاری کوز لبسم
 دلی هر در لایه و بر لبسم و لب شیبوه کاری کوز لبسم
 کله ناکه میان بزمه رفیب یار لبه بز کناری کوز لبسم
 خونین اولای ناخن شقیله و لغول زین اولدی برک لاله ایلد صاکنی دل
 و اعکله فلهدی مجروح بو بنینه اصدان در مان دلموایی مرده کوتر و بال
 حشر اب غیب یکدی هوایی جان چاره نه بام محبوب بنده کچدن حکم

حرف الباء بتبیین

نامی علی در کار بیان ذات بهبودی رفعت برج دیار و کسی محاضری فیه
 سماک و وسعت سور منبغی موازی فلک الافلاک اولان قبه الاسلام
 دارالطنه العلیه فسطاطه محیه هر شهر وجود و اصل در شینغ
 فردی مصدف شهر مزبور دن ظاهر و حاصل اولمشدر با یاسی درگاه
 عظمت بنیاه صاحب قرانی هر طور زبانی بکشی اولمشد کند و سی کجوری
 اولوب اول شاه سرافرازک هوای ممتنده جناح عبودیت ایلد یاز
 ایدر کن غنقایی قاف کمال شهر یاز سمای جمال و جلال اولان شیخ جمال
 افندیکن جنگل عقاب ارادنه ربوهر اولوب اون لیش بیل مفارکی
 حذ منق ایدوب سر نیازن جناب پیر اغزازنه سوهر استیشدی
 شیخ مذکور علیه الرحمه الملك الغفور عزت شهادتی علاوده سعادت
 ایدوب بو تنگنای کثرت و خوش شدن مقام وحدت و ریاض حفته
 رحلت قلوب و قد مشورن که ملتقا و وفور رحمت و مهربانده او مغفرت
 سود لجه نام موصفه فضل ایند کلمه اول موصفه کند و به مسکن بنا
 ایدوب استمداد روح پیر فتوح حضرت شیخ ایلد معتکف کوشه
 فراغت و انزوا اولمشیدی بعده اهل عیال اولمشد بلای فقر و فاقه
 مکدر الاحوال اولمشد مرحوم سید علی چلیمر خیر بورک و حوائج
 مستکفل اولمشد لحاف الطاف و اعطای فیده منزله اولدی بر رفه
 طونما سفر نه بیلد کمتشیدی و بو فطوعی اول سفر شدت و خطر
 و یوب عین عقلا به طریق سفر در بایی سدر ایدوب بر کمتشیدی

قطعه

صوبی برد افده ویشکری بی کاغذم بزدن اول بوجهاں کیرن اینک توف
 عالم بری توب بجر موکند میلن بو علی ایله دخی عقلنه ادر اکنه یوف
نثر اخر نفقه اولاد و عیاله قادر او کیوب نر باینده سو حاله مبتلا اولدند
 عرض حال ایچون منظم برده دیوب صاحب قران دریا نواله صدق
 غرق دریای احسانی و مظهر الطاف قرانی اولمغه سحر دار بلوکنه بوج
 ینه کماکان بندگان شاه معدلت عنواندن اولوب اشال و افزانی ایدند
 نام نشان بولدی بویر ایکی ابیات بلاغت سمات اول رساله دندر
نثر با خصوص اول شه جهاندارک بجره بر پادشاهی خود
 خونگارک اب اجدادی خدمتده پدر طور نه حی باشی
 ایدی پیر شهپر ایکی سلطان رومه هم بنده اولمیشدم
 بکرمی بیل بنده اب عمت سوروب سفر لرم باش
 فوشدم ره خطر لرم بنوب اینکده نای همم ایدم
 عشوه دولته ربوم ایدم تا اکادک که جنگ سمفیل
 که بزد اولمز اول بنم عدیل اول سفر ایدوب قضا
 وطر نفقه فله حواله تیغ و تبر بن بورزم ایچره
 ناکهسان بر سر جان اندی کمان جذبه سی تیر
 دور عدل حمایتده بودم امن و اسایش اوزره د عالم
 فالماوی بر مشوش لیا طر مکر الکه خاطر شاعر
 بولور البت کس نظم و رواج شب و یور ایچون دکلمی سر اراج
 مرد شاعر که اوله بیغ و بلند ساخت نظم طبعی اوله سمند
 ستوا خیل ایچره افصح اوله تیغ الفاظه مستح اوله

سختن عشقه کله سنانه صونه جامی به شوقی بیانه
 ان به نظم نرانه خاص ایده خاک نوایی بی فاص
 مشنوی طری ایله احیا ستر منلایی ایلیه کویا
 اچه کرکستان عرفانی ایلیه روح سعدی سیر لانی
 انتظام کلامه اید کوش روضه سنده نظم می ایده خروش
نثر بعده حضرت صاحب قران مرحوم سلطان سلیمان خان سفر
 ایکن عک کر نصرت ماثره ایله فونییه به وار شکیمن اهل و عیاله انجند
 استنبوله خدمت بنار جامع جدید ایچون انتخاب اولنان خدا مدد
 اولمق امید یله ینه استنبوله عودت انیمشیدی اخر صورت مأمولی حسب
 المنول اینه حضور بنده نمایان و افتاب امل و رجاسی مطلع طلب
 و استعدا کردن مقتضای سجنه لامع و عیان او کیوب سفرهای یونه حاضر
 اولمق ایله علوفه سی قطع اولوب بی سوسمان در یتیم کنه سفته دل
 هزار محنت و کربت ایله پای در کل غلشیدی بواشتن حزنی شمار بلامعنا
 ایکن نبای سر ای حیاتی متزلزل اولوب عالم بقا هم مقام و منزل
 اندی و اول یتیم اهل و عیال یتیم فالوب در دوفر اقبیلک جگر لیرین
 دو نیم ابدیلر حقا که مرحوم مستقینان شوار در معدن نظیری نادر
 شمع صدف روزگار اکا مشایه بر در شاموار واحد بعد
 واحد ظلم اولان نا ظلم حرار دندر بویر ایکی اشعار اینک
نثر گفتار دندر
 سدی پای پی سالی جهان بزی سو پادر حقیضی اوج ایدر اوجی حقیضی اوجی
 کوزایشی کیمی صوبی غم کیمی شی و المیش قلیسه جیون و بکیر عقل مشی و آرش

چون واد برین گل کشته جلد بدن صور دیار عقل دور اندیشی و ارکندین بلندن صور
 رقیب اولد و کنه یار اندی زاری اولوسی شبوینته دک باری
 بینلن نان و نمک صنماکه دامانده در بهریتیم انکم چاک کربانده در
 عشقک یولنده غم غم که زار اولوب کسدم عدم ولائیت نامراد اولوب
 غربالله غم رم از انوب بولمنیه دملر اولاکه استنه وز دلده یار اولوب
 اوسه و فامنه طوغر و اوجر بهر کولکل غم بوجه بر لرم بهر و از انک استر کولکل غم
 پوست فیدن فوئک پند انک بولون ابکی بهر فله یوری عالمه چالمه چال فوئک بولون
نثر مرحوم سید علی جلبر شناور سفدر یا امیر کبیر کج عطا قبولد آن
 پاشایه تربیت انیمکه اول دخی میل و رغبت و لطف و شفقت کوستر
 بهر جاریه حسنا بله بش یک انچه عطا ایدوب نظر فتوحات و غر و اتنی
 رجا انیمشدی اول دخی حزن الکره بجزنده نظم ایداره شروع و ابتدا
 ایدوب ابکی بیک بیت سفدری و بد کده مزبور قبولد انک گشتی
 حیاتی غرقاب حیات اولوب امر حقله باد بلا یسیر افدن کلد کده
 اول ابیات بلاغت انتظام انعام و اختتام بولمدی بولر ابیکه ابیات
 اول کتاب بلاغت ایاندر **نثر**

جنبش ایدوب لجه دریای عشق ایدمی مرغابی کویای عشق
 باغده و اراغنده اراغله کویکه یوز سور کچجو چاغله

قطعه

سفهانک غدا سی اولد و غنه برش و افیون بودر استلال
 ناس اکثر تنفر اند کجه چلبی زمره سی اولور میال

نثر بودخی برش و افیون اکل ایدینک حقه در **نثر**

برش

برش و افیون اکل ایدینک بودر کذب و فعل ناپسند انمکه در
 ادکمار دجنه دم ایدوب یوزن کور و کجه ریش خند انمکه در
 وومن طوغر لردب سپا بنادین نی دین طوغر

ینه شوق ایلیوب کبر دک طوغرهای بهایونه

ینه بشته هر لر بکشدن انوب باش طوغر کرم

صالحندی صیحه لر برله زلازل ربع سکونه

النده جنک جوغاز لیک شمشیر عریض

قمر اکافر لری فوئدی کسر کسر قمری صلوته

یتیم امواجله هر نیغ اولوب نیر لوج زردوری

سلامت ساحلن افرنجیه کوستر مزبور نونه

بینی ولایت کرمباندن سیدی غازی حانقا منده اولان

بد لاکت یتیمی و خانقاه جهانه کسر و پاره نه بور یلین ایلرک

نی خوف و بیمی ایدی طبعینک بو فتنده افتداری ابر اولونا

کلمات ایدارندن روشن و استکار در بو شعر انکدر **نثر**

کون بوزک کورک دلرم نهاب طوغر مزجکر نور

خاکبایک اوپک استراب طوغر مزجکر نور

شیرین حسنکه پروانه اولمشدر قمر

شوق فکیده هر عالمتهاب طوغر مزجکر نور

پلسانکدر مکر سیاره لرا فدا کده

کیجه لرنا صبحه دک بیخواب طوغر مزجکر نور

ماجرای عشق ایچون در و در و غم دو مکده

جوی اشکدن بجا دو لایب طور مزجگر نور

ای پیتی کورک اچ جان مرغین اندر دگر شکار
اشبوج اولمشد رعباب طور مزجگر نور

یحیی مولد و منشائی کنجینه رازنده دبدر کی بکس ار بود و لایبی در
دو شهره طابوسند بر یحیی او غلامی اولدند نسکه و کجگری و یا باشی
اولوب اندن نولیت سمته سلوک ایدوب اندن رغامتله
کوشه فرغته قناعت انیمشدر شعرای رومک محکم و کباردن
در و بوزمانده اولان فصاحت مایه الافغان لرندند رانشعا
در ربارینک انکسی دل ارباب سزگی صافی و بابک کویا که
بر یحیی خاشاک و اینه تابنا که راکثر مقامی عشق و حالدن
ظهور و صدور انیمکام حسب حال عشق هر ملال اولمشدر
زبان بلاغت و بیانی و ادای جان بخشش و روان ایله سنج اسما
سغن در لرین احیا ایدن شعرادن و کلکونه گفتار در
ایباری رخ زده اشعار نه ریب و زینت و بها و بیرونده
صاحب خمر اولان زمره فصاحتند چونکه غایت اعتبار و نهایت
اغیت و هشته هاری بوجرخ و دوا آرم رافتاب و از طاهر و بدیدار در
بوندن زیاده حرکت خاتم مشک نشان مضمار تعریف و بیانده مک
دیو و بیک کلام شاه الطناب و اسمهای حبست و جوائیم کلمه
خلاف مقتضای حال او کفایت لبو مقدار مقال ایله اکتفا اولندکی
روزگار روزگار کرم و سوزن و بوجرخ کج رفتار کن زرد و در
چکوب خیل و در کار دیده و کار از نو هر گاهی اوج غوغا در خه غلگ

و کاسی مضیض فتنه خاک فرسود اولمشد در مرحوم ابراهیم
پیش او اسکندر جلبر به نصیده لر و بیروب خلوت خاص لرینه
دخول و مجلس لرینه منول و وصول بولمغه الطاف لرینه
مظهر و مانند سلال انگشت نمای ارباب کمال و اصحاب هنر
اولمشدی موالی غلامه صاحبگیری و الهامی کرامت بحال ندری ارباب
معارف ایله مشاعره سی علی الخصوص مرحوم خیالی ایله معارضه
و محاوره سی مشهور در صاحب قران زمان مرحوم سلطان
سلیمان خان الفنس ایله دیارچمه سفر ایندکده بونصیده لی
دیوب خیالی ایله معارضه سن اید او اظهار انیمشدر بوابیت
اول نصیده دندر **شعر**

چکلم کون کبی ان سجن ایله شریقه چری قره طایفه قمرلم قیه لم سرخ سیری
یکه اولید یحیی بی اولن غنکر حق بیلور سحر حلال ایدیدم شعرتری
بن از لر بخفی جم اول الشفکر سیری بن صویش کولی جرم او همان حرد چری
ن بونصیده رستم پاشا تک سمعنه و اصل اولدنده محضا
خیالی به جفا ریخی بکه حضرت ایوب انصاری علیه الرحمة الباری
بولرین و بیروب و ان سفرندن کلک کردن صکره قیلوجیه تولیان
بعده سلطان اورخان تولیان و بیروب سهل زمانده استنولده
سلطان بایزید خان تولیان انعام و احسان انیمشدی الطاف
واحسانی دانی او کفله بر جزوی قضیه فی بهانه ایدوب تفتیش
و عزل انیمکام عرضن یا ممال و نظام امانی و امان دل به طالی کبی
پیش ان حال ایدوب اخر کرمی بیک آنچه رعامت اید اخیار

اینم شیدی بوهر یکی اشعار و مطلع ابدار اثر طبع بر قید از بند که
 تحریر و تنظیم اولندی شعر
 صبح صادق بکے اسی غافل اغردی صفتک
 خبرک یون سنی پنبیلده بوغزل را جلک
 هر نفس اکر رسیدی اه و افغانم بنم
 اولودردک غمده کو پیمانک کبکے خانم بنم
 قرمزی جامه کیوب الیلده ولد ره بنی
 چق بوغچه قانه کیرش دیسون کورن سنی
 کوزک نوری کو کلو مکسر وری غمک اری
 بزمیله دوست اولمز سکت عداوت ایلمه باری
 ایلبلدن فشرک فکری ملال اسابنی
 افنا بزم بر مفیدله کوستر دنی
 رقیبیمی سور اولدم عداوت ابده مرم
 کلاب کوکبه هرگز حقارت ابده مرم
 اول صغ عاشق برست اولم دیو غور قمر دمام
 اچکون کسبه بخش المکیوب و میرم سلام
 اکی فات اولدی وجودم فوجه دم فات قالدیم
 ملک الموت سلامینی اکدم الدم
 صبد اچکون اول ملک ایدوب اهنمام
 احم نلکله اوزره نور حلقه حلقه دام
 بیمارم ای اجل بوکچه بکله یایم ال

روز فراق دلبری کوسته مه جانم ال
 عرض ابله کون یوزکی ایام شتری جمال
 بسون زوالنی کنش اکسکلکن ملال
 درسی دند انکه بکیرندی صراف سنک
 بو قدر بر ایه اورا جفی وار ایه انک
 ایغیر سن ساکه عاشق اولدوغدن ای ملک
 قابل اولدم اولمکه بخبیده خاطر اولمک
 ای ماه چهره کوره مز اولدن کش یوزک
 بن بی ستاره ایلده بر شمادی بلد رک
 سنی سور و کنی جانم سکا اظها ر ابده مز
 دکه در دبله کناهن کشی اقرار ابده مز
 عالمک یوفدر صفاسی درد بی درمانی وار
 بو مناع وصلنه الذمکز مجانی وار
 تیر مجراندن اولش بچسک شیداسی وار
 قاره لکیمیش کمان ایلرولنیک یسی وار
 عفا لیم المفقن ال جانم ال دیدم
 اول پیری مکرری دیدی عفلک الان جانک الا
 اکلر فقیری وعده وصلک نه حال ایه
 جاندر او مرا فندی نه دکلو حال ایه
 دربان پادشاه ایدوب اول سروفا متی
 دوران یینه قیویه کتوردی قیاس متی

حاتم کبیری او د لره با قوب بو چاکری
 قایمه کیردی کرمی حاتم اول پیری
 ادم هو ایه اویمه برک خزان بکته
 فوری پیره سورنه اب روان بکته
 دریا کبی غدا کی سگ کوند در خدا
 زینهار بکته ایلدای طوغان بکته
 صف نغالی مسکن عالی منصورایت
 طوغرلمه بر لوت بوجه سینه د خان بکته
 بجی تحبیط معرفت اولانه اری کور
 دریا به بولی اوغراین اب روان بکته
 بجی عمده علمار اعلام سر دفتر افاضل کرام صدر نشین مقام تحقیق
 زنده هر وفود افان ذات پیر افضالی مرسم فضل و کمالی
 احیا ایدوب مظهر حال مر خنده مال و دینا له عیسی اولان
 علامه رفان زکریا افندی حد منکر نیک نهال بوستان فضل و کمال
 و منزه شجره معارف و افضالی در ذات سنوده اوصافی سابقا
 نصیب الاشرف اولان معلول ز امر افندی بدن ملازم اولشدر
 حقا که بر ذات شریفدر که انواع معارف و فضایل ایلده موصوف
 و بر محمد و مغانی و در که اصناف مکارم و معالی ایلده مشهور و معروف
 مسنده زار جفانی باران عرفان بیکر الله سر سبز و طری و گلستان
 دل و جانی جو بهار معارف بی شمار ایلده کجاست بحر و در قات
 سرافازی ریاض معارفه ممتاز و طری اوله بریدر که و کان نقیا

ویراوالده کلامنه مظهر در وهلال وجودی کوندن کونه سماء
 فضا بلده بدر تابان اوله ملحد که اکا قبص و اخوا و افوا
 اول خورشید انور در **مصرع**
 چنین بود بدر کی کش خبان بود فتر زند **نثر** بجای دل دولت و اقبال
 چنین ایینه نمشا لنده ظاهری و عیان و قایم مقام بدر بر اجل
 اولاجی چنه سیه نظیر و مثا لنده ضیا بدر کبی روش و تاباندر
 چونکه اول محمد و مغانم دارک و ذات سنوهر اطوارک افتاب
 وصف و اصله سی پرده اختفا ده منواری دکدر لاجرم میدان
 تبیان فضل و عرفانده کیمت لسان و نوسن بیان کشیده عیان
 اوله رواد هر چند اول شهسوار میدان معارف و کمالات جلله
 علوم و فضا بلده جائز قضایات اولان جناب مکارم ایاتک
 سوای مدح و شناسی بالای مفت اسماندر پس شهباز بلند بر طاز
 ناطقه اول سواد باطلان انمکدن و از کله سزا در نخل وجود
 نامداری بوستان جبهانده بر خور دار اوله انشاء الله الملک
 العفار او اثره احسنار و اشراف ناری خلعه انداز جرج دوار
 اوکی نوز خورشید نو آری روش و اشک و در مرغوب
 و مقبول کفتاری و بسندیده صفار و کبار اشعار و وار در
 بویرا کبی اشعار ملاغت شعرا اول محمد و مغانم دارکدر **شعر**
 کوکل او منخچه مد که باغ خوارین اولور که لطف الهی کور ربکون یارین
 بنمده چشمه اول قدی قیامت قایل اولمغنی قیامت و اردیمز می بونه چشمه قایل اولمغنی
 ای زلف خرم اندر عشق قلاب محبت سب که حکمدی دل آریاب محبت

جوق زماندر محنت بجز کردن غلای پری بشود در نوله اغریه کوزم و دلم
 چکدک بیچاره دل عالمده غم قلمدی حاصلی بو عالم فایده عالم قلمدی
 عالمی دهر کالم اولدی غمده دوشدم جانم غم عشق کلمه غم عالمده دوشدم
 باز غم ایلدی قدم اولم کبی احو عدم یولینه شها طوطی کبی
 سور رسن پای یاره دایم ای دل جهره زردک
 دیمیزی اول طبیب جان و دل سا که ندر در دکن
 برین خزان اولم کل رعنا لوی صولم
 نه باغک تخلید ایا نه مال ناز پیر وردک
 قمر شوم در غیره میخانه در جانان اچر
 با نمرودن کجه تکلیف ایستک اچنر کچر
یقینی مظهر عکس صلیه اولان دارا انصرا در نه محبه دندر
 شهر مزبورک ارباب ججهانندن و طایفه مزبورده نک اصحاب
 کمالا نشتن ایدی بو اشعار اکر **شعر** روان
 اول بر نیک در ندر خاصیتان بیسم غیا اولور رکدر رطلور رسد و دیور روح
 عاشق اولدمینه بر دل نه رس کوزم لب جان غبشی جان معجز غیب کوزم
 تاب ملدن نن سمینی عرفی ریزا دوش در د کوزم له مرتبت بت رعنا کوزم
یقینی زمره فضاة معدلت عنواندن اولان مرحوم عماد سناتک
 او غلله نندن در و اینکسی میبانه علوشان و معرفت و کمال و مکارم
 و افضل و خلق و جمال اید مقبول و مطبوع اخوان زمان ایدی ملازم
 اولد قد نکره سمت فضا به عازم جزایر عبده قاضی و حاکم اولمشیدی
 اولان تشار با و فضا چمن از بقا سینه اسوب و افتاب حیاتی زمین حاتده
 غروب

غروب ایلدی بو فنده ضلی فایستی واریدی بر مقدار عمر و همدن
 بهره دار اولیدی کر جکدن صاحب کشتار اولوروی بو اشعار اکر
شعر
 از سید رنجه بهایاب لعلک جوقی بهایفت بر یکج سویدیه نونک یوقی
 کوردم اول یوسف کل پی پی آقعه او با نوب ایلد کم ناله حی غبیه ندر
 ینه در در خنه بر لبی جان پیر وردک صد مزار ایلدی ای بیلل ل جان وردک
 بر مراد ایند احافنی جهان نیست ارباب حکمه دلا منان اول نامردک
 مرض عشقه ویر در کت فغان الیم شمدی دمری ایکنده ک ندر ای دل وردک
 بفر خنده یقینی لب ایدی انعام بر یکاسنده چون ناله قیلوب نیدرک
یوسف منبع اصحاب معارف و معدن ارباب لطایف محل شغوی
 بلاغت اشعار اولان یکجه وار دار دندر حیرتی برادر کی خننه محبتک
 مست بی باکی کوی عشق غمک عاشق جالاک خاقانه جهانتک روش
 دلریش و ابدال سینه چاک اولان سینه چاکد رطلور قلمدن فراغت ایدوب
 منزوی مقام قناعت اولد فنده مصر در صوم شیخ ابراهیم خضر ندرینه
 ارادت و تسلیم کنور خدمت علیته لرنده دل و جانله مقیم اولمشیدی بعده
 طالب عرفان معنوی و لوب ناظم کتاب مشنوی اولان مولانا جلال الدین
 المولوی حضرت نریک رویا مال سنده پیر اجلالی اید تحصیل و جد و حال ایدوب
 استان فلک مثالنده سماع و صفایه فلک کبی کردان و فی مثال در دله
 نالان اولمشیدی مشنوی دان و صاحب عرفان معارف و کمال لانه طالب
 بو مقوله لطایف و نوا در در برادرینه مزار بار غالب ایدی اشعار کی
 محدود و مقبول مرتبه قبول اهل کماله موصول اولمشدر سینه ثلث و حسن و شمع

فوت اولوب سودجه هر که گذار جعفر اباد هر مد فوندر بوبه ايكی شغار
 اول شاعر نامدارك گفتار نندند **شعر**
 بيزنج ربای سرش با آن جهان نور بزرخاک کف پای کدایان زمان نور
 بزرگو کلمه ز غلغلنی لبیل تنگ بزر نغمه سر ایان گلستان جفا نور
 افاتی نبول طوطی شکر ناله طری دل بزر طمغه در در کمینه بی نام و نشا نور
 بی نام و نشا نور نه عجب قصه قصه هر تیر بلا کم انیلور که نشا نور
 ارباب محبت نری بوسف سیلور اما اصحاب محمد کوزینه ای دوست سنا نور
 اهل در اولیان اکلر چی مفاسل ملک بکه صور لذت نی بن بیلور در درون ملک
نثر پنجه زمان ایدی که طایران و هم و خیال قضای بال لببالده خیالان حقیقت
 و مجاز و قوادیم و خوانی اطناب و ایجاز ایله پیر و از هر ایدی و نیت اولدیکه
 شخسار فرغنده اشیا ن ساز اوله و پنجه لیالی و ایام ایدی که کیت
 خوش خرام افلام اقدام اقدام اقدامه میدان بداعت و فصاحت و ناز و ایدی
 میریدر که باینه عقال محی و فها مت اور مغله بر مفدا ارام الیه **شعر**
 بحمد الله که بر غنم زمانه
 بیایان امد این شیرین نشا

فروع الفراعنه النخیر علی بد الفقیه الاحمده ربه العلی اکبیر عبد الباقی الاله
 یوم خمس و نیت الظلم الفنا من والعشرین من شهر المحجب
 من سهوسه عشرین والف سله فطططططط
 حمد عن الافات والبلیه